

روایات تفسیری در کلام امام صادق علیه السلام

(برگرفته از مسند امام صادق علیه السلام)

تألیف: عالم محقق مرحوم شیخ عزیز الله عطاردی
ترجمه: حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا عطائی
تلخیص: سید مجید نبوی
تدوین و تنظیم: دکتر سمیه خلیلی آشتیانی
(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران غرب)



انتشارات نبأ

سرشناسه: عطاردی قوچانی، عزیزالله، ۱۳۰۷ - ۱۳۹۳ .
عنوان و پدیدآور: روایات تفسیری در کلام امام صادق (علیه السلام) (برگرفته از مسند
امام صادق (علیه السلام)) / تألیف عزیزالله عطاردی؛ ترجمه محمدرضا عطائی؛
تلخیص سید مجید نبوی؛ تدوین سمیه خلیلی آشتیانی.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نیا، ۱۴۰۱ .
مشخصات ظاهری: ۷۵۶ ص.
شابک: ۲- ۱۴۷- ۲۶۴- ۶۰۰- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.
یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
موضوع: جعفر بن محمد (علیه السلام)، امام ششم، ۸۳- ۱۴۸ ق. احادیث، تفاسیر
شیعه، قرن ۱۴ ،
رده‌بندی کنگره: ۲ / ۴۵ BP
رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۹۵۵۳
شماره کتابخانه ملی: ۸۸۱۲۷۵۷



انتشارات نیا

روایات تفسیری در کلام امام صادق (علیه السلام)

تألیف: عالم محقق مرحوم شیخ عزیز الله عطاردی
ترجمه: حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا عطائی
تلخیص: سید مجید نبوی

تدوین و تنظیم: دکتر سمیه خلیلی آشتیانی
(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران غرب)
حروفچینی: انتشارات نیا / صفحه آرایی: مشکاة
چاپ و صفافی: دالاهو، صالحانی

چاپ اول: ۱۴۰۱ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۲۰۰۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نیا / تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان

بهار شیراز، کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶

صندوق پستی: ۳۷۷ / ۱۵۶۵۵

تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ فاکس: ۷۷۵۳۵۷۷۶

شابک: ۲- ۱۴۷- ۲۶۴- ۶۰۰- ۹۷۸ - 2 - 147 - 264 - 600 - ISBN 978

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۴۷
مقدمات و مبانی تفسیری	۵۳
* نزول قرآن	۵۳
آیات قرآن چهار بخش است:	۵۳
نخستین آیه	۵۳
نزول قرآن در بیست سال	۵۴
قرآن و فرقان	۵۴
زبان قرآن	۵۵
* فضیلت قرآن	۵۵
خانه صلح و سازش	۵۵
خبر از گذشته و آینده	۵۶
حیات دل	۵۷
رهبر و رهنما	۵۷
سه دیوان در قیامت	۵۷

- ۵۸ صورتی زیبا
- ۵۹ از قرآن درس بگیرید
- ۵۹ ولایت اهل بیت، مدار قرآن
- ۵۹ عمل به قرآن و سنت
- ۶۰ * حامل (حافظ) قرآن
- ۶۰ اهل قرآن
- ۶۰ همراه فرشتگان
- ۶۰ شایسته احترام
- ۶۱ مردم چهار دسته هستند
- ۶۲ بی‌نیازی
- ۶۲ عرفای بهشتیان
- ۶۳ * اهمیت حفظ قرآن و آموزش آن به دیگران
- ۶۳ همدم قرآن
- ۶۳ معلم یا دانشجوی قرآن
- ۶۳ تمسک به قرآن
- ۶۴ قرآن بیاموز
- ۶۴ بالاتر از ذکر
- ۶۴ نگاه بر قرآن
- ۶۵ * خواندن قرآن
- ۶۵ شکایت سه چیز
- ۶۵ خواندن از روی خط قرآن
- ۶۵ طرد شیطان
- ۶۶ عهد الهی
- ۶۶ خانه مورد توجه اهل آسمان
- ۶۶ هر حرف یک حسنه

۶۷	هر خانه یک مصحف
۶۷	* شمرده خواندن و ختم قرآن
۶۷	عجله نکن
۶۸	با لحن و صوت عرب
۶۸	زیور قرآن
۶۸	آرام و به ترتیل
۶۹	* قرآن کلام خداست
۶۹	کتابی با عزت
۶۹	قرآن مخلوق است؟
۷۳	* قرآن و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۷۳	شناخت امر ائمه <small>علیهم السلام</small>
۷۳	آغاز تا انجام
۷۴	علم یکسان به قرآن
۷۴	تفسیر به رأی
۷۵	* معنای «بسم الله الرحمن الرحیم»
۷۵	سرآغاز تمام نوشته ها
۷۵	ورود به خانه با «بسم الله»
۷۵	آغاز امور با «بسم الله»
۷۶	گشودن درهای رحمت
۷۷	ویژگی اهل بهشت
۷۷	بزرگ‌ترین آیه
۷۸	* خواندن «قل هو الله احد»
۷۸	اهتمام به قرائت سوره توحید
۷۸	فضیلت خواندن سوره توحید در روز جمعه
۷۸	خواندن (قل هو الله) در بیماری

- ۷۹ علی علیه السلام مانند (قل هو الله)
 ۷۹ استمرار بر قرائت سوره توحید
 ۸۰ دوری از شرک
 ۸۰ * خواندن آیه الکرسی
 ۸۰ * ثواب خواندن برخی سوره‌ها

تفسیر آیاتی از سوره‌ی فاتحه
 ۸۹ تفسیر مختصر از سوره حمد
 ۹۰ علی علیه السلام، صراط مستقیم
 ۹۰ اولش ستایش و آخرش دعا
 ۹۰ سَبْعُ الْمَثَانِي
 ۹۱ چهارمین فریاد ابلیس
 ۹۱ طلب حاجت
 ۹۱ به راه راست ارشاد کن

تفسیر آیاتی از سوره بقره
 ۹۳ ولایت ائمه علیهم السلام
 ۹۳ وفای به عهد
 ۹۴ باب علم
 ۹۵ رنگ مؤمنان به ولایت
 ۹۵ هدایت چهارگونه است
 ۹۹ ایمان به کتب آسمانی
 ۱۰۰ کفر بر پنج وجه است
 ۱۰۵ حسد ابلیس
 ۱۰۶ بهشت آدم

۱۰۹	توبه آدم <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۱۱۱	دعای مستجاب
۱۱۷	تشخیص قاتل
۱۲۸	* شب‌های ماه رمضان
۱۲۸	اوقات شناخته شده
۱۳۳	آمرزش گناهان
۱۳۸	راندن یتیم
۱۴۰	ایلاء و طلاق
۱۴۱	امتحان سپاهیان طالوت
۱۴۳	دفاع از شیعیان
۱۴۳	زنده شدن مردگان
۱۴۴	انفاق بدون مَنّت
۱۴۸	احوال رباخوار در آخرت
۱۴۹	گناه ربا بزرگ‌تر از...
۱۴۹	فضیلت قرائت سوره بقره و آل عمران
۱۴۹	آدم چه آموخت؟
۱۵۰	آیا ابلیس از فرشتگان بود؟
۱۵۰	نخستین کفر، حسد و حرص
۱۵۰	زکات فطره (فطریه)
۱۵۱	زمان پرداخت فطریه
۱۵۱	غمی از غم‌های دنیا
۱۵۱	نیروی بدنی یا قوت قلبی
۱۵۲	دوستی و دشمنی با اهل بیت
۱۵۲	یهود پیرو گذشتگانش
۱۵۳	عالمان به قرآن

- ۱۵۳ نافله و واجب
- ۱۵۳ نماز مقام ابراهیم علیه السلام
- ۱۵۴ پاکیزگی در طواف
- ۱۵۴ امت محمد صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؟
- ۱۵۶ ایمان و عمل
- ۱۵۷ چهار چیز ...
- ۱۵۷ وام به خدا
- ۱۵۷ سعی صفا و مروه
- ۱۵۸ قبر و سؤال قبر
- ۱۵۹ مالی بر جای مانده
- ۱۵۹ جاودان در آتش
- ۱۶۰ باغی یعنی...
- ۱۶۰ عادی یعنی..
- ۱۶۰ پرداخت دیه
- ۱۶۱ میزان وصیت بر مال
- ۱۶۱ مال وصیت شده
- ۱۶۲ همه را در برمی‌گیرد
- ۱۶۲ دعای آغاز ماه رمضان
- ۱۶۳ مسافرت در ماه رمضان
- ۱۶۳ روزه در سفر!
- ۱۶۴ حاکمان جور
- ۱۶۴ انفاق همه اموال؟
- ۱۶۵ حسنه دنیا و آخرت
- ۱۶۵ سلیم یعنی ...
- ۱۶۵ عفو

۱۶۶ نماز ظهر
۱۶۶ نماز خوف
۱۶۶ طالوت
۱۶۸ شفاعت
۱۶۸ وسعت کرسی
۱۶۸ برترین آیه
۱۶۸ ولایت پیشوای عادل
۱۷۰ حسنه هفتصد برابر
۱۷۰ دو برابری عمل
۱۷۱ کسب خشنودی خدا
۱۷۱ زکات از بهترین محصول
۱۷۲ غم و شادی بی دلیل
۱۷۳ حکمت یعنی...
۱۷۳ صدقه
۱۷۳ عاقبت رباخوار
۱۷۴ موعظه
۱۷۴ صدقه در دستان خدا
۱۷۴ ایمان جوارح
۱۷۶ معرفت امام
۱۷۶ پدر عهده‌دار هدایت خانواده
۱۷۶ هدایت و حیات
۱۷۷ عرش همان علم خداست
۱۷۷ منظور از صبغه الهی
۱۷۷ متقین، غیب و حجت
۱۷۸ ماه رمضان

- ۱۷۸ ولایت علی علیه السلام
- ۱۷۹ مقصود از کلمات چیست؟
- ۱۷۹ حق تلاوت
- ۱۸۰ صدقه از کسب حلال
- ۱۸۰ زن در عده
- ۱۸۱ رزق معنوی
- ۱۸۲ روزی مؤمنان
- ۱۸۳ روح مؤمنان در بهشت

تفسیر آیاتی از سوره آل عمران

- ۱۸۴ ولایت علی علیه السلام
- ۱۸۵ شیعیان در قیامت
- ۱۸۵ محکم و متشابه
- ۱۸۷ وعده الهی
- ۱۹۰ بر بنی اسرائیل حلال شد
- ۱۹۱ مسیحیان نجران
- ۱۹۳ رجعت و ایمان
- ۱۹۷ تمرد از دستور
- ۲۰۲ اموالِ بخیل
- ۲۰۴ پایدار باشید
- ۲۰۴ تقوا
- ۲۰۴ حنیف یعنی...
- ۲۰۵ رضوان خدا
- ۲۰۵ غصب حکومت
- ۲۰۶ راسخان در علم

۲۰۶	تیرگی دل
۲۰۶	استغفار در نماز وتر
۲۰۶	یکسال مداومت
۲۰۷	دین، محبت معصومین است
۲۰۷	دعای زکریا
۲۰۸	استجاب دعای زکریا در نماز
۲۰۸	شهادت زمین
۲۰۸	پرداخت زکات
۲۰۹	خوردن گوشت شتر
۲۱۰	خرید زمین برای مسجد
۲۱۰	آیات روشن
۲۱۱	پناهندگی در حرم
۲۱۱	معرفت به حق ما
۲۱۱	استطاعت در حج
۲۱۲	نسبت کفر به اهل قبله
۲۱۲	ریسمانی از جانب خدا
۲۱۳	نجات از پستی
۲۱۴	دولتی برای خدا
۲۱۴	مجاهدت در راه خدا
۲۱۵	درجاتی براساس دوستی اهل بیت
۲۱۵	عاقبت زکات ندادن
۲۱۶	مصیبت زده
۲۱۷	توحید آسمان و زمین
۲۱۷	فراموشی استغفار
۲۱۸	دشمن نادان

- ۲۱۸ سرپرستی غیر خدا
- ۲۱۹ بیم و امید
- ۲۲۰ **تفسیر آیاتی از سوره نساء**
- ۲۲۰ دستور به خویشتن داری
- ۲۲۱ اطاعت رسول خدا
- ۲۲۱ وارثان پیامبران
- ۲۲۲ پایه‌های اسلام
- ۲۲۲ هفت گناه کبیره
- ۲۲۳ سروران آسمان و زمین
- ۲۲۴ صالحان
- ۲۲۵ میگسار
- ۲۲۵ مال یتیم
- ۲۲۶ پوستی دیگر
- ۲۲۷ تحمل چیست؟
- ۲۲۸ عدالت در چند همسری
- ۲۲۹ مال یتیم
- ۲۲۹ اموال زنان اسیر
- ۲۲۹ سفها
- ۲۳۰ سفیه یعنی؟
- ۲۳۰ مراقبت از اموال یتیم
- ۲۳۰ سرپرستی یتیم
- ۲۳۱ توبه کننده
- ۲۳۱ نباید آرزو کند
- ۲۳۲ تقسیم روزی

۲۳۲	اختیارات حکم
۲۳۲	کم‌ترین دلیل شرک
۲۳۲	بی‌حساب می‌بخشد
۲۳۳	امانت
۲۳۳	پایه‌های ایمان
۲۳۴	دوستی اهل بیت
۲۳۵	دلیل سکوت علی <small>علیه السلام</small>
۲۳۶	رفتار رسول خدا
۲۳۶	بنی‌مُدَلَج
۲۳۷	مستضعف چه کسی است؟
۲۳۷	وجوب نماز
۲۳۷	غیبت کردن
۲۳۸	امیرالمؤمنین
۲۳۸	ایمان اعضا
۲۳۹	درباره اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۴۰	صراط مستقیم
۲۴۰	دوری از گناه
۲۴۰	احسان به والدین
۲۴۱	مُحَصَّنَات
۲۴۲	مهریه
۲۴۲	مرگ جاهلیت
۲۴۳	فضل و رحمت
۲۴۴	تفسیر آیاتی از سوره مائده
۲۴۴	اکمال دین

۲۴۴ درباره علی <small>علیه السلام</small>
۲۴۵ ولایت
۲۴۵ دست خدا باز است
۲۴۶ ترک نماز
۲۴۶ کم‌ترین چیز
۲۴۷ ام‌الکتاب
۲۴۷ اختیار امام
۲۴۸ هدایت الهی
۲۴۸ عرضه‌ی ایمان
۲۴۹ حدیث غدیر
۲۵۱ مشرک
۲۵۱ صدقه در رکوع
۲۵۲ مولای او علی است
۲۵۳ کسی که صدقه می‌دهد
۲۵۳ اهل بصره

۲۵۴ تفسیر آیاتی از سوره انعام
۲۵۴ روح ایمان
۲۵۵ نیکی و بدی
۲۵۵ ایمانش را آلوده نکرد
۲۵۶ نیکی همراه با ولایت
۲۵۶ اجل حتمی و مستمی
۲۵۷ صبر کن
۲۵۹ ورع یعنی
۲۶۰ ملکوت

۲۶۱	ابراهیم بت شکن
۲۶۵	شرک
۲۶۵	فضیلت سوره انعام
۲۶۶	اجل مسمی و غیر مسمی
۲۶۷	او می‌بخشد
۲۶۷	پرهیز از معصیت
۲۶۸	توبه پیش از مرگ
۲۶۸	کتاب مبین
۲۶۹	مانند بت پرست است
۲۶۹	دانش اهل بیت
۲۷۰	تشنگی در قیامت
۲۷۰	مستقر و مستودع
۲۷۰	تولد امام
۲۷۱	پلیدی
۲۷۱	سه روز روزه در ماه
۲۷۲	روزه روزگاران (روزه‌ی دهر)
۲۷۲	حَرَج یعنی...
۲۷۳	حجت بالغه
۲۷۳	شفاعت قرآن
۲۷۴	تفسیر آیاتی از سوره اعراف
۲۷۴	عالم دَر
۲۷۵	سوگند دروغ
۲۷۵	اعراف
۲۷۷	پیمان الهی

۲۷۹	رجعت
۲۷۹	فراموشی پیمان
۲۸۰	ابلیس از فرشتگان نیست
۲۸۰	تعلیم حج
۲۸۲	اصحاب اعراف
۲۸۲	روز ندای یکدیگر
۲۸۲	اصحاب موسی
۲۸۳	برترین پیامبران
۲۸۳	میثاق ذر
۲۸۴	من پروردگار شما نیستم؟
۲۸۴	سوء یعنی ...
۲۸۴	گناه ترک شده
۲۸۵	خیر و نیکی به دست اوست
۲۸۵	علم الکتاب
۲۸۶	اعراف ما هستیم
۲۸۷	معرفت امامان
۲۸۷	در راه ولایت
۲۸۸	مردم سه دسته‌اند
۲۸۸	خدا فرمان داده
۲۸۹	وفای به پیمان ازلی
۲۹۰	استغفار پس از گناه
۲۹۰	دوازده نفر
۲۹۱	سکوت در حال قرائت قرآن

۲۹۲	تفسیر آیاتی از سوره انفال
۲۹۲	انفال از آن ماست

۲۹۲	انفال چیست؟
۲۹۵	فضیلت قرائت سوره‌ی توبه و انفال
۲۹۵	ثبات قدم در ولایت
۲۹۶	خواص آب باران
۲۹۶	در دل خود منکر بوده است
۲۹۷	اولیای خدا
۲۹۷	قیام امام عصر(عج)
۲۹۸	ورود در ولایت
۲۹۸	میراث
۲۹۸	ذی‌القربی
۲۹۹	طلب آمرزش
۲۹۹	او حائل می‌شود

۳۰۰	تفسیر آیاتی از سوره توبه
۳۰۰	مُهر شدن قلب
۳۰۱	شهادت حسین <small>علیه السلام</small>
۳۰۴	لباس طواف
۳۰۵	حد جزیه
۳۰۶	پنهان در غار
۳۰۶	یکی از دو نیکی
۳۰۷	فضیلت علی <small>علیه السلام</small>
۳۰۷	أخبار و رُهبان
۳۰۸	وقتی مهدی قیام کند
۳۰۸	نماز بی‌ولایت
۳۰۹	پیمان شکنی

۳۱۱ هفتاد بار استغفار پذیرفته نیست
۳۱۱ صدقه را خدا دریافت می‌کند
۳۱۲ صدقه در دست خداست
۳۱۳ شش دسته
۳۱۳ استوار بر تقوا
۳۱۴ وعده‌ی ابراهیم
۳۱۴ مخالف کتاب خدا را ترک کنید
۳۱۵ اجتهاد و ورع
۳۱۶ فقیر و مسکین
۳۱۶ جمع‌آوری زکات

۳۱۷ تفسیر آیاتی از سوره یونس
۳۱۷ فاروق اکبر
۳۱۹ مرگ فرعون
۳۲۰ یونس و اهل کشتی
۳۲۲ آیات و نُذر
۳۲۲ اثر سه چیز
۳۲۳ چیزی را که نمی‌دانی نگو
۳۲۳ اجل مقدر
۳۲۳ مؤمن در هنگام مرگ
۳۲۵ اقرار به ولایت و انکار آن
۳۲۶ دعای موسی و هارون
۳۲۶ ستیز نکنید
۳۲۷ بشارت بهشت
۳۲۷ عبادت خالصانه

۳۲۸	تفسیر آیاتی از سوره هود
۳۲۸	مغرور نشو
۳۲۹	جاودانگی دوزخ
۳۲۹	وزیر، خلیفه و وصی
۳۳۱	نفرین نوح
۳۳۳	طوفان نوح
۳۳۷	پسر نوح
۳۳۷	شعیب و قومش
۳۴۲	محبت علی <small>علیه السلام</small>
۳۴۴	مسجد کوفه
۳۴۶	تَنُور کجاست؟
۳۴۷	کشتی نوح
۳۴۸	چهار فرشته
۳۴۹	گوساله بریان
۳۵۰	بشارت تولد اسحاق
۳۵۰	دعای بسیار
۳۵۱	هلاکت قوم لوط
۳۵۳	اوقات نماز
۳۵۳	فرشته موکل
۳۵۴	اثرات نماز شب
۳۵۴	گناه را کوچک نشمار
۳۵۵	اتمام حجت
۳۵۵	علم الهی
۳۵۷	مهلت توبه
۳۵۸	ترس از عذاب

- ۳۵۸ روز اول ماه رجب
- ۳۵۹ **تفسیر آیاتی از سوره یوسف**
- ۳۵۹ منکر گمراه
- ۳۵۹ یوسف و زلیخا
- ۳۶۲ به واسطه اهل بیت علیهم السلام
- ۳۶۳ هفت سال نعمت و هفت سال قحطی
- ۳۶۸ آن‌ها دزدی نکردند
- ۳۷۰ اندوه هفتاد مادر فرزند مرده
- ۳۷۱ یوسف در چاه
- ۳۷۱ پیراهن یوسف
- ۳۷۲ فضیلت قرائت سوره یوسف
- ۳۷۳ درس بگیریم
- ۳۷۳ دلیل ابتلا یعقوب
- ۳۷۴ بهای یوسف
- ۳۷۴ دعای حضرت یوسف
- ۳۷۴ تعبیر خواب و فراموشی خدا
- ۳۷۶ کسی به قدر این سه تن گریه نکرد!
- ۳۷۷ مدت زندانی بودن یوسف
- ۳۷۷ بنیامین
- ۳۷۸ فراموشی یعقوب
- ۳۷۹ از خدا پیش خلق شکایت نکن
- ۳۸۰ اقرار به امامت
- ۳۸۰ بوی پیراهن یوسف
- ۳۸۰ استغفار در سحرگاه

فهرست مطالب □ ۲۳

۳۸۱	سحرگاه جمعه
۳۸۱	عبادتی برای خدا
۳۸۱	به چاه افکنده شدن او
۳۸۲	یوسف در بند
۳۸۲	دعای یوسف
۳۸۴	تفسیر آیاتی از سوره رعد
۳۸۴	دل آرام
۳۸۵	بیم دهنده و هادی
۳۸۶	مطالبه حق
۳۸۷	نیکی کن
۳۸۷	بهشت پاداش صبر
۳۸۸	درخت طوبی
۳۸۹	شب قدر
۳۹۰	علم کتاب
۳۹۱	قرآن زنده است
۳۹۱	همراهی دو فرشته
۳۹۱	گناه و سلب نعمت
۳۹۲	بهتر از عبادت یک سال
۳۹۲	صله‌ی رحم
۳۹۲	صبر در دنیا
۳۹۳	مصافحه با مؤمنان
۳۹۳	آن چه دیگر انبیاء داشتند
۳۹۴	ذریه پیامبر
۳۹۴	پیمان پیامبران

- ۳۹۴ محو و اثبات
- ۳۹۵ قضای الهی
- ۳۹۵ بیم دهنده و منذر
- ۳۹۶ هدایتگر قرن
- ۳۹۶ تسبیح درخت
- ۳۹۷ دعای صبح و شام
- ۳۹۸ تفسیر آیاتی از سوره ابراهیم
- ۳۹۸ مُلک عظیم
- ۳۹۸ ایام الله
- ۴۰۰ روزهای خدا
- ۴۰۰ سیاستگزاری
- ۴۰۰ شکر نعمت
- ۴۰۱ شجره طیبه
- ۴۰۱ هنگام مرگ
- ۴۰۲ مرگ مؤمن و کافر
- ۴۰۴ شکر نعمت
- ۴۰۵ شرابخوار
- ۴۰۶ تفسیر آیاتی از سوره حجر
- ۴۰۶ وجه الله
- ۴۰۶ شیعیان واقعی
- ۴۰۷ آرامش در ارتباط با خدا
- ۴۰۸ دعای مرا اجابت کن
- ۴۰۹ مهلت تا وقت معلوم

۴۰۹	وقت معلوم
۴۱۰	خاندان رحمت
۴۱۰	نامید نشو
۴۱۱	مُتَوَسِّمِین (هوشیاران)
۴۱۱	اگر حاجتی داشتی
۴۱۱	روح هم‌چون باد
۴۱۲	طمع نداشته باش
۴۱۳	تفسیر آیاتی از سوره نحل
۴۱۳	هر که خدا خیر او را بخواهد
۴۱۴	تَقِیَّه
۴۱۴	ستارگان و نشانه‌ها
۴۱۴	ماییم آن نعمت
۴۱۶	تقسیم‌کننده‌ی بهشت و دوزخ
۴۱۷	نخستین بیعت کننده
۴۱۷	از امامان پیرسید
۴۱۷	تسلط شیطان
۴۱۸	رجیم یعنی...
۴۱۸	چرا رجیم؟
۴۱۹	تسلط شیطان
۴۱۹	عاقبت کفران نعمت
۴۲۰	گوشت شکار یا مردار
۴۲۱	تفسیر آیاتی از سوره اسراء
۴۲۱	اوقات نماز

۴۲۲ حقوق والدین
۴۲۴ شفاعت پیامبر
۴۲۵ فرشته روح
۴۲۶ سجده بر چانه
۴۲۷ فضیلت مسجد کوفه
۴۲۸ نامه اعمال
۴۲۸ توبه کاران متعبد
۴۲۹ سنت توبه کاران
۴۲۹ نماز توبه کاران
۴۲۹ فدک
۴۳۰ میڈر و مقتصد
۴۳۰ اسراف نکن و خست نوز
۴۳۰ محسور یعنی...
۴۳۱ مسئولیت در قبال اعضا و جوارح
۴۳۱ شراکت شیطان
۴۳۲ در هر زمان امامی هست
۴۳۲ اگر همراهی ما را می خواهید
۴۳۳ دلوک شمس
۴۳۳ فرشتگان شب و روز
۴۳۴ دعای ادای دین
۴۳۵ انتقام خون امام حسین <small>علیه السلام</small>
۴۳۵ قرآن فجر
۴۳۶ تفسیر آیاتی از سوره کهف
۴۳۶ عبادت به قصد خودستایی

۴۳۷	اصحاب کهف
۴۴۱	توجه به فقرا
۴۴۴	امر به معروف و نهی از منکر
۴۴۵	رجعت و قیامت
۴۴۹	فقط ولایت علی <small>علیه السلام</small>
۴۵۰	اصحاب کهف و رقیم
۴۵۰	کم و زیادی ایمان
۴۵۱	سپر در برابر آتش
۴۵۲	زینت آخرت
۴۵۲	طعام
۴۵۲	خضر
۴۵۵	چرا خضر آن پسر را کشت؟
۴۵۵	به جای آن پسر
۴۵۶	عمل به قصد ریا
۴۵۶	خودستایی
۴۵۶	بنده‌ی موفق
۴۵۸	تفسیر آیاتی از سوره مریم
۴۵۸	مبارک
۴۵۸	خشت خانه‌های بهشت
۴۵۹	وصیت مؤمن
۴۶۱	محبت علی <small>علیه السلام</small>
۴۶۲	قریش را به امامت و ولایت فراخواند
۴۶۴	بنی‌امیه
۴۶۵	بشارت تولد عیسی <small>علیه السلام</small>

- ۴۶۶ حضرت یحیی و امام حسین علیهما السلام
- ۴۶۷ تفسیر آیاتی از سوره طه
- ۴۶۷ خردمندان ماییم
- ۴۶۸ استیلاء خداوند
- ۴۶۸ اولی النهی
- ۴۶۹ غمش طولانی شود
- ۴۶۹ ذکر صبحگاه
- ۴۷۰ راز
- ۴۷۰ استوار بر همه چیز
- ۴۷۱ تفسیر آیاتی از سوره انبیاء
- ۴۷۱ ابراهیم علیه السلام در آتش
- ۴۷۲ داوری سلیمان و داود علیهما السلام
- ۴۷۳ موازین
- ۴۷۳ فرزندان ایوب علیه السلام
- ۴۷۳ ابراهیم دروغ نگفت
- ۴۷۵ تفسیر آیاتی از سوره حج
- ۴۷۵ شک و ایمان
- ۴۷۸ دوزخ
- ۴۸۰ توصیف بهشت
- ۴۸۲ بیت عتیق
- ۴۸۴ هجرت
- ۴۸۵ الحاد

فهرست مطالب □ ۲۹

- ۴۸۶ جزای کفر
- ۴۸۶ قانع و مُعْتَر
- ۴۸۷ قربانی معیوب
- ۴۸۷ دهه آخر ذی الحجّه
- ۴۸۷ قول زور
- ۴۸۷ مجادله بدون علم
- ۴۸۹ تفسیر آیاتی از سوره مؤمنون
- ۴۸۹ طئیّات
- ۴۸۹ مؤمنان واقعی
- ۴۹۰ وارث منازل اهل دورزخ
- ۴۹۱ فقط اعمال نیکو
- ۴۹۳ سیره رسول خدا
- ۴۹۴ دلیل شقاوت
- ۴۹۴ تضرّع یعنی...
- ۴۹۵ روزی پاکیزه
- ۴۹۵ تلخی‌ها و خوشی‌ها
- ۴۹۶ تفسیر آیاتی از سوره نور
- ۴۹۶ دروغ نگو
- ۴۹۷ اجازه بگیر
- ۴۹۷ کجا اجازه لازم نیست
- ۴۹۸ نگاهت را مراقبت کن
- ۴۹۸ به نور خود آغاز کرد
- ۴۹۹ داوری از بهود

- ۵۰۲ خانه‌های پیامبران
- ۵۰۲ سفیه
- ۵۰۲ امام مصباح است
- ۵۰۳ توجه به وقت نماز
- ۵۰۴ **تفسیر آیاتی از سوره فرقان**
- ۵۰۴ تَبَّیْر یعنی ...
- ۵۰۴ قضای نماز شب
- ۵۰۵ چهار نفر دعایشان مستجاب نمی‌شود
- ۵۰۶ از مسیر یکسال
- ۵۰۶ بدون تکبّر
- ۵۰۷ **تفسیر آیاتی از سوره شعراء**
- ۵۰۷ ما و شیعیان ما
- ۵۰۷ شروع رسالت موسی علیه السلام
- ۵۱۴ درباره روز عید غدیر
- ۵۱۵ بنی‌امیه بر منبر رسول خدا
- ۵۱۶ غاوون یعنی ...
- ۵۱۶ نیت پاک
- ۵۱۷ **تفسیر آیاتی از سوره نمل**
- ۵۱۷ سلیمان علیه السلام و ملکه‌ی سبأ
- ۵۲۱ زبان‌های مختلف
- ۵۲۲ مضطر واقعی
- ۵۲۲ رجعت مؤمنان

فهرست مطالب □ ۳۱

- ۵۲۴ ولایت علی حسنه است
۵۲۴ به خدا قرض بده
۵۲۵ سه گونه پرستش
۵۲۶ طول مدت نبوت سلیمان علیه السلام

تفسیر آیاتی از سوره قصص

- ۵۲۷ رسالت موسی علیه السلام و تعهدش به شعیب
۵۳۱ شعیان ما بردبارتر از ما
۵۳۲ احوال مؤمن و کافر در قبر
۵۳۳ توصیف دنیا
۵۳۴ راه ماندگار
۵۳۵ گمراه کیست؟
۵۳۵ وجه الله
۵۳۵ موسی از خدا چه طلب کرد؟

تفسیر آیاتی از سوره عنکبوت

- ۵۳۶ صاحبان علم
۵۳۶ مؤمنان و منافقان
۵۳۷ هجرت کن

تفسیر آیاتی از سوره روم

- ۵۳۸ اعطای فدک
۵۳۸ غصب فدک
۵۴۴ انواع ربا
۵۴۶ افزایش گناهان

- ۵۴۶ فطرت توحید
- ۵۴۷ عمل صالح

- ۵۴۸ **تفسیر آیاتی از سوره لقمان**
- ۵۴۸ حکمت لقمان
- ۵۴۸ لقمان که بود؟
- ۵۵۴ پنج چیزی که علمش نزد خداست
- ۵۵۴ سخنان باطل
- ۵۵۵ نصایح لقمان به پسرش
- ۵۵۷ بدترین صداها

- ۵۵۸ **تفسیر آیاتی از سوره سجده**
- ۵۵۸ عطر و بویت را بیافزا
- ۵۵۹ فرشته مرگ
- ۵۶۰ روز جمعه
- ۵۶۲ امامان دو نوع اند
- ۵۶۳ پاداش نماز شب

- ۵۶۴ **تفسیر آیاتی از سوره احزاب**
- ۵۶۴ اهل بیت چه کسانی هستند؟
- ۵۶۵ مخاطب اصلی مردم هستند
- ۵۶۵ زید پسرخوانده‌ی پیامبر
- ۵۷۰ سخن درست
- ۵۷۰ ذکر کثیر
- ۵۷۱ آن امانت چه بود؟

۵۷۱	رجس یعنی...
۵۷۲	پاداش صلوات
۵۷۲	فضیلت قرائت سوره احزاب
۵۷۲	درود خدا بر رسولش
۵۷۴	تفسیر آیاتی از سوره سبأ
۵۷۴	اطاعت‌پذیری از امام
۵۷۵	آفرینش قلم
۵۷۶	مرگ سلیمان <small>عليه السلام</small>
۵۷۸	فضیلت شب جمعه
۵۸۰	ملک سلیمان <small>عليه السلام</small>
۵۸۱	تفسیر آیاتی از سوره فاطر
۵۸۱	اصناف فرشتگان
۵۸۲	شرط پذیرش اعمال
۵۸۳	ستمگر، مقتصد و سابق
۵۸۳	انسان‌های برگزیده
۵۸۴	تفسیر آیاتی از سوره یس
۵۸۴	گناه صغیره
۵۸۵	نامی از نام‌های رسول خدا
۵۸۵	برکت باران
۵۸۶	زمین خالی از حجت نخواهد بود
۵۸۷	فضیلت قرائت سوره یس

تفسیر آیاتی از سوره صافات ۵۸۹

فرزند دو ذبیح ۵۸۹

بشارت به ابراهیم علیه السلام ۵۹۰

تفسیر آیه‌ای از سوره ص ۵۹۱

ذوالاوتاد یعنی... ۵۹۱

تفسیر آیاتی از سوره زمر ۵۹۲

پیامبران و واوصیای پس از ایشان ۵۹۲

رافضی ۵۹۴

مدّعی امامت ۵۹۵

سَقَر ۵۹۶

دانا و نادان ۵۹۷

قبض و بسط ۵۹۷

تفسیر آیاتی از سوره مؤمن (غافر) ۵۹۹

دوبار مرگ و حیات ۵۹۹

مالک اصلی خداست ۶۰۰

عذابی برای متکبر و جبار ۶۰۱

دلیل رجعت ۶۰۲

یادآوری نعمت‌ها ۶۰۳

گناهان را می‌ریزند ۶۰۴

تفسیر آیاتی از سوره فصلت ۶۰۵

تَقِيَّه ۶۰۵

۶۰۶	شهادت اعضا و جوارح
۶۰۷	آخرین دوزخی
۶۰۸	دوستدار و مخالف
۶۰۸	کوردلی در دنیا
۶۱۰	مسخ شدن
۶۱۰	ترس و امید
تفسیر آیاتی از سوره شوری	
۶۱۲	اجر پیامبری
۶۱۳	اصحاب کسا
۶۱۳	امر ولایت
۶۱۵	کشت آخرت
۶۱۶	پاداش برای مصائب
۶۱۷	تأسف نمی‌خوریم
۶۱۸	روح علم
۶۱۹	انبیا آن‌ها را می‌شناختند
۶۱۹	فرشته‌ای به نام روح
۶۱۹	بهترین دوستی
تفسیر آیاتی از سوره زُحُوف	
۶۲۱	دوستی در راه خدا
۶۲۱	احوال بهشتیان و اهل دوزخ
۶۲۳	رضا و خشم خدا
۶۲۴	کلمه باقیه
۶۲۴	امامت تا روز قیامت

- ۶۲۵ یادکردن نعمت خدا
- ۶۲۶ تفسیر آیاتی از سوره دخان
- ۶۲۶ اشک بر مصائب اهل بیت علیهم السلام
- ۶۲۶ مقدرات شب قدر
- ۶۲۷ گریه آسمان
- ۶۲۸ تفسیر آیاتی از سوره جائیه
- ۶۲۸ جایگاه پیامبر و امیرالمؤمنین در روز قیامت
- ۶۳۰ کسانی که بر ایشان منت نهادیم
- ۶۳۲ تفسیر آیاتی از سوره احقاف
- ۶۳۲ خبر شهادت امام حسین علیه السلام
- ۶۳۳ پیامبران اولوالعزم
- ۶۳۴ تفسیر آیاتی از سوره محمد
- ۶۳۴ پرهیزکاران و اهل بهشت
- ۶۳۴ باطل کننده اعمال
- ۶۳۵ ترک ولایت
- ۶۳۷ تفسیر آیاتی از سوره فتح
- ۶۳۷ فتح مکه
- ۶۴۵ پیامبر گناهی نداشت
- ۶۴۵ نزول ایمان به قلب مؤمنان

- تفسیر آیاتی از سوره حُجُرَات ۶۴۶
- صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ یعنی... ۶۴۶
- حرمت خانه پیامبر و امیرالمؤمنین ۶۴۷
- معنای سه کلمه ۶۴۷
- القاب نیکو ۶۴۸
-
- تفسیر آیه‌ای از سوره ق ۶۵۰
- دو فرشته ۶۵۰
-
- تفسیر آیاتی از سوره‌ی الذَّارِیَات ۶۵۱
- معنای چند عبارت ۶۵۱
- علم الهی ۶۵۲
- استغفار در سحرگاه ۶۵۲
-
- تفسیر آیاتی از سوره طور ۶۵۳
- ذریه مؤمنان ۶۵۳
- فرزندان به پدران ملحق می‌شوند ۶۵۳
- نماز و تر ۶۵۴
-
- تفسیر آیاتی از سوره نجم ۶۵۵
- هر روز اعمال خود را دارد ۶۵۵
- نزول ستاره ۶۵۵
- اقرار به ایمان ۶۵۷
- سدره‌المنتهی ۶۵۷
- گرامی‌تر از تمام پیامبران ۶۵۸

- ۶۵۸ اصحاب یمین و اصحاب شمال
- ۶۶۰ تفسیر آیاتی از سوره قمر
- ۶۶۰ شقُّ القمر
- ۶۶۱ امامان و پیامبران
- ۶۶۲ تفسیر آیاتی از سوره الرحمان
- ۶۶۲ هر که نیکی کند
- ۶۶۲ تفسیری تأویلی
- ۶۶۳ دو نعمت
- ۶۶۳ دو مشرق و مغرب
- ۶۶۴ فضیلت قرائت سوره الرحمان در روز جمعه
- ۶۶۴ فرشته‌ی محافظ
- ۶۶۴ نگوید یک درجه دارد
- ۶۶۵ بهشت اولیاء خدا
- ۶۶۶ تفسیر آیاتی از سوره واقعه
- ۶۶۶ جایگاه خود را در بهشت می‌بیند
- ۶۶۷ گروه اول و دوم
- ۶۶۷ اصحاب یمین
- ۶۶۷ سابقون چی کسانی هستند؟
- ۶۶۹ تفسیر آیاتی از سوره حدید
- ۶۶۹ نوری به اندازه ایمان
- ۶۷۰ تأسف نمی‌خوریم

- ۶۷۲ ازل تا ابد به یک حال است
- ۶۷۲ زنده شدن زمین
- ۶۷۳ مردم روزگار غیبت
- ۶۷۵ تفسیر آیه‌ای از سوره مجادله
- ۶۷۵ صحیفه‌ی ملعونه
- ۶۷۶ تفسیر آیاتی از سوره حشر
- ۶۷۶ ما شما را دوست داریم
- ۶۷۷ بهترین و بدترین
- ۶۷۸ خدا ترس باشید
- ۶۷۸ امرناشناخته
- ۶۸۰ تفسیر آیه‌ای از سوره ممتحنه
- ۶۸۰ معروف...
- ۶۸۱ تفسیر آیاتی از سوره صف
- ۶۸۱ برتر از حواریون عیسی علیه السلام
- ۶۸۲ اگر در درون سنگی باشد
- ۶۸۳ تفسیر آیاتی از سوره جمعه
- ۶۸۳ حاملان تورات
- ۶۸۴ ایستاده خطبه خواندن
- ۶۸۴ آن سه نفر

تفسیر آیاتی از سوره تغابن ۶۸۶

بیمان ازلی ۶۸۶

به ایمان آرام می‌گیرد ۶۸۶

هلاکت در ترک ولایت ۶۸۷

تفسیر آیاتی از سوره طلاق ۶۸۸

گشایش در دنیا ۶۸۸

از سه چیز محروم نشد ۶۸۸

تفسیر آیاتی از سوره تحریم ۶۹۰

تربیت دینی خانواده ۶۹۰

گرفتار فتنه و توبه کار ۶۹۱

جهاد علی علیه السلام ۶۹۱

دعوت به امر و ولایت ۶۹۱

همین قدر بس ۶۹۲

نذر مقبول ۶۹۲

دعوت به نیکی ۶۹۳

تفسیر آیاتی از سوره ملک ۶۹۴

کوتاهی در امر ولایت ۶۹۴

اجابت خواسته‌ی کافران ۶۹۴

اتمام حجت ۶۹۵

تفسیر آیاتی از سوره قلم ۶۹۶

درخت خُلد ۶۹۶

- تفسیر عُنُل و زَنِيم ۶۹۷
استدراج ۶۹۷
- تفسیر آیاتی از سوره حاقّه ۶۹۸
هر امتی را امام زمانش محاسبه می‌کند ۶۹۸
گوش شنوا ۶۹۹
- تفسیر آیاتی از سوره معارج ۷۰۰
نماز مستحبی ۷۰۰
حق معلوم ۷۰۰
به دشمنت صدقه بده ۷۰۱
- تفسیر آیاتی از سوره نوح ۷۰۲
مهمان خانه پیامبران ۷۰۲
ولایت امامان ۷۰۲
- تفسیر آیاتی از سوره جنّ ۷۰۳
هرگز گمراه نمی‌شوند ۷۰۳
دل‌های سیراب از ایمان ۷۰۳
- تفسیر آیاتی از سوره مزمل ۷۰۴
بهشت را درخواست کن ۷۰۴
ترتیل یعنی... ۷۰۴
نماز شب ۷۰۵
بلند کردن دست‌ها ۷۰۵

تفسیر آیاتی از سوره مدثر ۷۰۶

دنباله رو نبودیم ۷۰۶

زمان ظهور ۷۰۷

یکتاپرستان ۷۰۷

قیام قائم ۷۰۷

تفسیر آیاتی از سوره دهر (انسان) ۷۰۹

رحمت الهی ۷۰۹

از نور خدا ۷۰۹

خاندان کرم ۷۱۰

راه را بشناس ۷۱۱

ملک بزرگ ۷۱۲

دستور به نماز شب ۷۱۲

تفسیر آیاتی از سوره نبأ ۷۱۳

جاودان در آتش ۷۱۳

شفاعت‌مان پذیرفته است ۷۱۳

خبر بزرگ ۷۱۴

تفسیر آیاتی از سوره نازعات ۷۱۵

سوگندهای قرآن ۷۱۵

حافظ عامل ۷۱۵

تفسیر آیاتی از سوره تکویر ۷۱۶

مودت اهل بیت علیهم السلام ۷۱۶

۷۱۶ امین روز قیامت
۷۱۸ تفسیر آیاتی از سوره مطفّین
۷۱۸ اصحاب کسا
۷۱۹ کم‌فروشی به دلیل ...
۷۲۰ تفسیر آیاتی از سوره انشقاق
۷۲۰ حسابرسی مؤمن
۷۲۱ پاداشی بی‌مّت
۷۲۲ تفسیر آیه‌ای از سوره بروج
۷۲۲ دو تفسیر از یک آیه
۷۲۳ تفسیر آیاتی از سوره غاشیه
۷۲۳ دشمن ما
۷۲۳ رشته‌ی محکم خدا
۷۲۵ شرف دین
۷۲۷ احوال مخالفان
۷۲۸ تفسیر آیاتی از سوره فجر
۷۲۸ مؤمن هنگام قبض روح
۷۳۰ کافر به پشت سرش می‌نگرد
۷۳۱ مصداقی برای نفس مطمئنه
۷۳۱ مرصاد کجاست؟

تفسیر آیاتی از سوره بلد ۷۳۲

ماییم آن گردنه ۷۳۲

رهایی برده ۷۳۳

بہتر از ہر آن چہ در دنیا است ۷۳۳

راہ خیر و شرّ ۷۳۳

تفسیر آیاتی از سوره شمس ۷۳۵

مرئی ۷۳۵

خورشید و ماہ ۷۳۵

نور روز را پوشاند ۷۳۶

تفسیر آیاتی از سوره لیل ۷۳۷

تصدیق و تکذیب ولایت ۷۳۷

دوزخ‌های متفاوت ۷۳۷

تفسیر آیاتی از سوره انشراح ۷۳۹

علی را ولایت بدہ ۷۳۹

فضیلت دعا ۷۳۹

تفسیر آیہ ای از سوره علق ۷۴۱

تفسیر آیاتی از سوره قدر ۷۴۲

شناخت فاطمہ علیہا السلام ۷۴۲

شب قدر ۷۴۳

یکی از احتمالات شب قدر ۷۴۴

- تفسیر آیاتی از سوره تکاثر ۷۴۷
- آن نعمت... ۷۴۷
- محبت علی و عترت او ۷۴۷
- پرسش از نعمت ۷۴۸
-
- تفسیر آیاتی از سوره ماعون ۷۵۰
- سهل‌انگاری در نماز ۷۵۰
- ماعون یعنی ۷۵۱
-
- تفسیر آیاتی از سوره کوثر ۷۵۲
- رودی در بهشت ۷۵۲
- شفاعت ۷۵۲
-
- تفسیر آیاتی از سوره کافرون ۷۵۳
- یکسال خدایان ما را عبادت کن ۷۵۳
- یک چهارم قرآن ۷۵۴
-
- تفسیر آیاتی از سوره اخلاص (توحید) ۷۵۵
- فضیلت قرائت توحید ۷۵۵
- در نمازهای واجب بخوان ۷۵۵
- تعقیب نماز واجب ۷۵۶
- صمد یعنی.. ۷۵۶

مقدمه

تفسیر و تبیین قرآن کریم شیوه‌ها و روش‌های مختلفی را در طول رشد و بالندگی خود از سرگذرانده است، روش‌های تفسیری متأثر از منبعی است که مفسر در تفسیر آیات از آن بهره می‌گیرد، یکی از این منابع که تا امروز هم از آن استفاده می‌شود، روایات صادره از پیامبر اکرم و ائمه علیهم‌السلام است که با نام تفسیر روایی یا تفسیر مأثور شناخته می‌شود.

تفسیر روایی بانزول نخستین آیات قرآن کریم بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متولد شد، از آن جا که آیاتی از قرآن کریم وظیفه‌ی تبیین آیات الهی را بر عهده‌ی پیامبر می‌گذارد و می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۱

۱. نحل، ۴۴: ﴿و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی﴾

و پس از ایشان نیز بنا به آیه تطهیر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱، تنها کسانی که شایستگی تبیین قرآن کریم را دارند ائمه معصومین علیهم السلام هستند و حدیث ثقلین نیز بر عدل بودن ایشان نسبت به قرآن کریم در هدایت امت اسلامی تأکید می‌کند.

آنچه امروز در تفاسیری مانند تفسیر قمی، نورالثقلین و البرهان و تفاسیری مانند آن‌ها می‌بینیم، ما حاصل جمع آوری روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت ایشان علیهم السلام در تفسیر آیات قرآن کریم است.

بنابراین نخستین مرحله از تفسیر روایی در عصر نبوی تبلور یافت و مخاطبان آن نیز صحابه بودند، از جمله علی علیه السلام که تفسیر نبوی را مکتوب می‌نمود، چنان که خود آن حضرت می‌فرماید:

«آیه‌ای از قرآن نبود که بر پیامبر نازل شد، مگر آن که بر من می‌خواند و آن را بر من املا می‌کرد و من با خط خود آن را می‌نوشتم و آن حضرت تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و خاص و عام آن را به من یاد داد، و برای من دعا نمود که خداوند فهم و حفظ آن را به من عطا کند؛ و من هیچ آیه و هیچ علمی که بر من املا شده بود، فراموش نکردم و آن را نوشتم...»^۲.

نگارش و جمع‌آوری روایات تفسیری از سیاست منع نقل و نگارش حدیث در دوره‌ی سه خلیفه‌ی اول، متأثر شد اما تعطیل نشد چنانچه روایات تفسیری برجای مانده از ابن عباس که شاگرد تفسیری حضرت

۱. احزاب، ۳۳: ﴿خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما

را پاک و پاکیزه گرداند.﴾

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۴.

علی علیه السلام است و شاگردان او مانند مجاهد بن جبر و سعید بن جبیر نشان دهنده‌ی فعالیت‌های در این زمینه است. این نکته را باید متذکر شد که تفسیر روایی از روش‌های مشترک بین مفسران شیعه و اهل تسنن است و از این میان تفاسیر مشهوری هم چون جامع البیان فی تأویل آی القرآن از طبری و الدر المنثور اثر سیوطی را می‌توان برشمرد.

در میان شیعیان این شیوه‌ی تفسیری هم چنان با پشت سر گذاشتن نزدیک به یک قرن فراز و نشیب، دوره‌ای جدید از حیات خود را آغاز کرد که دو دوره‌ی نشأت گرفته از فرهنگ اهل بیت علیهم السلام را شامل می‌شود:

۱. دوره‌ی امام باقر و امام صادق علیهم السلام،

۲. دوره‌ی امام کاظم تا امام حسن عسکری علیهم السلام.

با توجه به موضوع این نوشتار که روایات تفسیری امام صادق علیه السلام است، به توضیح اندکی درباره‌ی دوره‌ی نخست اکتفا می‌کنیم، این دوره تقریباً از سال ۸۵ق- دهه‌ی آخر حیات امام سجاد علیه السلام - آغاز می‌شود و تا سال ۱۵۰ق- اندکی پس از شهادت امام صادق علیه السلام - ادامه می‌یابد.

شاخصه‌های این دوره را چنین برمی‌شماریم، روایات تفسیری بسیاری از صادقین علیهم السلام در این دوره بیان شده است، در این دوره شاگردان ائمه علیهم السلام به جمع‌آوری روایات تفسیری مبادرت کردند، مفسران بزرگ روایی نیز پایه وادی قرآن گذاشته و درخشیدند، هم چون جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۸ق)، اسماعیل بن عبدالرحمن معروف به سُدی کبیر (م ۱۲۷ق)، محمد بن سائب کلبی (م ۱۴۶ق) و ابن تغلب (م ۱۴۱ق) و صادقین علیهم السلام به ویژه امام صادق علیه السلام، اصول

فقه استدلالی را به شاگردان خود تعلیم دادند که زمینه ساز اجتهاد در دوره‌های بعد شد.

بخش قابل توجهی از روایات تفسیری امام صادق علیه السلام که خلاصه‌ای از آن را در ادامه از نظر می‌گذرانید، به مسائل فقهی و آیات الاحکام مربوط است، اما به این سبب که بسیاری از احکام روایی نیاز به تبیین دارند، این روایات در ادامه ذکر نشده است.

روایات تفسیری حاضر تلخیصی از مسند امام صادق علیه السلام است که توسط محقق عطار دی رحمته الله در ۲۲ مجلد به عربی نوشته و انتشار داده و توسط جناب عطایی به فارسی برگردانده شده است. در ترجمه ایشان اسناد روایات حذف و روایات فقهی نقل نشده است. لازم به توضیح است مرحله اول تلخیص توسط آقای نبوی انجام شد، در مرحله دوم روایات را بازبینی کردم و به هر روایت عنوان داده شد، روایات مربوط به مقدمات تفسیر در فصلی جداگانه قرار گرفت و در آخر روایاتی که فهمش نیاز به مقدماتی داشت و در این مجال بیان آن مقدمات ممکن نبود، از تلخیص حذف شد و روایات یا عباراتی که نیاز به توضیح داشت، در پاورقی تبیین شد.

هدف اصلی تدوین و نشر این کتاب دسترسی و آشنایی عموم با روایات تفسیری امام صادق علیه السلام است که به سفارش مؤسسه‌ی فرهنگی نبأ و با همکاری مرکز فرهنگی خراسان انجام شده و به زیور طبع درآمده و امید است در بهره‌مندی از معارف برجای مانده از امام صادق علیه السلام مفید و راهگشا باشد.

در این مجال از زحمات آقای مهندس شهری ناشر محترم این اثر و

ویراستار آن آقای دکتر عبدالحسین طالعی که مشفقانه برای اعتلای این اثر ارزشمند مرا راهنمایی کردند تشکر می‌کنم.

و الحمد لله رب العالمین

آذرماه ۱۴۰۰

۵ جمادی الاول ۱۴۴۳ هجری

مصادف با سالروز میلاد حضرت زینب کبری ع

سمیه خلیلی آشتیانی

مقدمات و مبانی تفسیری

* نزول قرآن

آیات قرآن چهار بخش است:

۱. امام صادق ع فرمود:

«همانا قرآن در چهار بخش نازل شده است، یک چهارم حلال، یک چهارم حرام، یک چهارم سنت‌ها و یک چهارم اخبار پیش از شما و بعد از شما و حل اختلاف ما بین شماست.»^۱

نخستین آیه

۲. امام صادق ع فرمود:

«نخستین چیزی که به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ و آخرین (سوره کامل) آن ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ﴾ بود.^۲

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۷.

۲. همان.

نزول قرآن در بیست سال

۳. حفص بن غیاث نقل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عز و جل: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾^۱ پرسیدم؛ آیا نزول قرآن بین اولین (آیه) و آخرین (آیه) بیست سال طول کشید؟ فرمود: «قرآن یک‌جا در ماه رمضان به بیت المعمور^۲ نازل شد سپس در طول بیست سال فرود آمد.»
آن‌گاه فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صحف ابراهیم شب اول ماه رمضان و تورات شب ششم ماه رمضان و انجیل شب سیزدهم ماه رمضان و زبور شب هیجدهم و قرآن شب بیست و سوم ماه رمضان نازل شد.»

قرآن و فرقان

۴. عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قرآن و فرقان پرسیدم، فرمود:
«قرآن تمام کتاب (خدا) و اخبار آن چه هست و فرقان آن بخش محکمی است که مورد عمل است و هر محکمی فرقان است.»^۳

۱. بقره، ۱۸۵: ﴿ماه رمضان همان ماهی است که قرآن در آن ماه نازل شد.﴾
۲. بیت المعمور، خانه‌ای در آسمان چهارم یا هفتم، مُحاذی (برابر یا مقابل) خانه‌ی کعبه است که فرشتگان در آن‌جا همواره مشغول عبادت و طواف‌اند. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ۲۴۷؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۴، ص ۴۶؛ عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۱۳۶.
۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹.

زبان قرآن

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«قرآن به گونه (کِنَائِی) به در می‌گویم دیوار بشنو، نازل شده است.»^۱

۶. امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود:

«قرآن بازدارنده و فرمان دهنده است؛ فرمان به بهشت می‌دهد و از دوزخ باز می‌دارد.»^۲

* فضیلت قرآن

خانه صلح و سازش

۱. امام صادق از قول پدران علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«ای مردم! شما هم‌اکنون در سرای صلح و سازش هستید و آماده سفرد، شما را با شتاب می‌برند در حالی که شب و روز و خورشید و ماه هر تازه‌ای را که می‌کنند و هر دوری را نزدیک و هر وعده‌ای را به سر می‌آورند، شما هم آماده باشید برای گذرگاهی دور!»

مقداد بن اسود با شنیدن این سخنان از جا بلند شد و عرض کرد:

یا رسول الله! خانه صلح و سازش چیست؟

فرمود: خانه‌ای که رسیدن و کوچ کردن است. هرگاه آشوب‌ها چون شب تیره شما را فرا گرفت به قرآن چنگ بزنید، زیرا شفیع است که شفاعتش پذیرفته است و گزارشگری است باور

۱. همان، ج ۱، ص ۱۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۹.

شده، هرکه آن را رهبر خود سازد به بهشت کشاند و هرکه آن را پشت سر نهد به دوزخ راند. راهنمایی است که بهترین راه را نشان می‌دهد، کتابی است دارای تفصیل و بیان و تحصیل، شوخی و یأوه نیست. ظاهری دارد و باطنی، ظاهرش استوار و باطنش دانش؛ ظاهرش زیبا و باطنش ژرفا، اخترانی دارد و اخترانش اخترانی، شگفتی‌هایش بی‌شمار و تازه‌هایش کهنه نشدنی، دارای چراغ‌های هدایت و مشعل حکمت و راهنمایی معرفت برای راه‌شناسی که دیدگان خود را به هر سوی آن بگرداند و نظری دقیق برای درک صفت آن نماید. نجات‌بخش کسی است که در معرض هلاکت است و رهایی بخش آن‌که گرفتار چنگال (اهریمن) است.

به راستی اندیشه باعث حیات دل بیناست چنان‌که روشنی خواه به وسیله‌ی نور در تاریکی‌ها راه می‌رود بر شما باد به خوش برآمدن و کم توقف کردن!»^۱

خبر از گذشته و آینده

۲. امام صادق علیه السلام آورده است فرمود:

«به راستی که خدای عزیز جبار کتاب خود را بر شما فرو فرستاد و آن است که راستگو و خیرخواه است، خبر شما و خبر پیشینیان و پسینیان شما و خبر آسمان و زمین در آن است و اگر کسی نزد شما بیاید از آن گزارش دهد شما شگفت‌زده می‌شوید.»^۲

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۹۹.

حیات دل

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«به راستی در این قرآن مشعل هدایت و چراغ‌های شب تار است باید هر جوینده‌ای دیده‌اش را در آن بگرداند و برای روشنی آن نظر خود را بگشاید به راستی اندیشه، حیات دل بینا است همان طوری که طالب روشنی به وسیله نور در تاریکی‌ها راه می‌رود.»^۱

رهبر و رهنما

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«در سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام به یارانش آمده است: بدانید که قرآن رهبر روز و روشنایی شب تار در برابر هر سختی و تنگدستی است.»^۲

سه دیوان در قیامت

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«روز قیامت سه دیوان و دفتر وجود دارد: دفتری که در آن نعمت‌ها ثبت شده و دفتری که در آن حسنات است و دفتری که در آن سیئات است. دفتر نعمت‌ها را با دفتر حسنات مقابله کنند، نعمت‌ها تمام حسنات را فراگیرد و دفتر سیئات بجا ماند. فرزند آدم مؤمن را برای حساب فراخوانند، قرآن در زیباترین صورت جلوی او می‌آید و می‌گوید: پروردگارا من قرآنم و این بنده مؤمن تو خود را برای خواندن من به زحمت انداخت و شبش را در

۱. همان.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۰۰.

تمرین با من به درازا کشاند، چون مشغول نماز می شد اشک از چشمانش جاری بود. او را خشنود گردان همان طوری که او مرا خشنود کرد.

فرمود: پس خدای عزیز جبار می فرماید: ای بنده من دست راست را باز کن! خداوند دست راست او را از رضوان عزیز جبار و دست چپش را از رحمت الهی پُر سازد. سپس گفته می شود: این بهشت ارزانیت باد! بخوان و بالا رو، هرگاه آیه ای بخواند مرتبه ای بالا رود.^۱

صورتی زیبا

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه خدای عزوجل خَلق اولین و آخرین را در محشر گرد آورد، ناگاه همگی ببینند شخصی پیش آمد که هرگز صورتی زیباتر از او دیده نشده است، چون چشم مؤمنان به او افتد که قرآن است گویند: از ماست این بهترین چیزی است که ما دیدیم و چون به آن ها رسد از آن ها بگذرد، شهیدان آن را ببینند، تا این که به آخر آن ها رسیده و از آن ها نیز بگذرد گویند: این قرآن است تا به فرشتگان برسد، می گویند: این قرآن است و از آن ها نیز بگذرد به سمت راست عرش بایستد خدای جبار بفرماید: به عزت و جلالم و به مرتبه والایم سوگند که امروز گرمی دارم هرکه را که تو را گرمی داشته و خوار سازم آن که تو را خوار ساخته است.»^۲

۱. همان، ص ۶۰۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۲.

از قرآن درس بگیرید

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«بر شما باد به قرآن! هر آیه‌ای در آن یافتید که پیشینان بدان وسیله نجات یافته‌اند بکار بندید و آنچه را که دیدید باعث هلاکت افراد پیش از شما شده است، از آن اجتناب کنید!»^۱

ولایت اهل بیت، مدار قرآن

۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

«همانا خداوند ولایت ما اهل بیت علیهم السلام را محور و مدار قرآن و همه کتاب‌ها (ی آسمانی) قرار داده است، محکمت قرآن بر آن محور می‌گردد و به وسیله آن‌ها کتاب‌ها (ی آسمانی) بلند و پرآوازه شوند و ایمان تجلی نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد به قرآن و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم اقتدا کنند؛ این مطلب را در آخرین خطبه‌ای که ایراد کرد فرمود: همانا من در بین شما دو چیز گرانبه‌تر می‌گذارم: ثقل اکبر و ثقل اصغر؛ اما ثقل اکبر کتاب پروردگار من است و اما ثقل اصغر عترتم، اهل بیت من است حق مرا در آن دو پاس دارید و تا وقتی که به آن دو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد.»^۲

عمل به قرآن و سنت

۱. امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶.

- «هرکه با سنت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت کند محققاً کافر است.»^۱
۲. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
- «هرگاه از قول ما حدیثی نقل گردید، گواراترین، آسان‌ترین و هدایت‌گرتترین آن را بپذیرید، اگر با کتاب خدا موافق بود من آن را گفته‌ام ولی اگر با کتاب خدا موافق نبود، من آن را نگفته‌ام.»^۲

* حامل (حافظ) قرآن

اهل قرآن

۱. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
- «به راستی اهل قرآن در بالاترین درجه از آدمیانند، جز پیامبران و رسولان. حقوق اهل قرآن را کوچک نشمارید، زیرا که ایشان از طرف خدای عزیز جبار مقام ارجمندی دارند.»^۳

همراه فرشتگان

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:
- «حافظ قرآن که به آن عمل کند با فرشتگان نیکوکار گرامی است.»^۴

شایسته احترام

۳. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است، فرمود:

۱. برقی، المحاسن، ص ۲۲۰.

۲. همان.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

۴. همان.

«سزاوارترین مردم به خشوع در برابر خدا در نهان و عیان حامل قرآن است. به راستی که سزاوارترین مردم در نهان و آشکار به نماز و روزه عالم به قرآن است. آن‌گاه با صدای بلند فریاد زند: ای حامل قرآن! بدان وسیله تواضع پیشه کن تا خدایت بالا برد و آن را وسیله تکبر نگردان که خدا خوارت کند. ای حامل قرآن! خود را به خاطر خدا با آن بیارای تا خدا تو را بدان وسیله بیاراید. خود را با آن برای مردم آراسته نکن تا خدا بدان وسیله تو را زشت نماید. هرکه تمام قرآن را حفظ کند، گویا نبوت را در دل خود جا داده، ولی به او وحی نمی‌شود. هرکه جامع قرآن باشد و آن را بفهمد، در برابر کسی که به او نادانی ورزد او بردبار باشد و در برابر هرکه به او خشم گیرد او شکمیا باشد و در برابر آن‌که با او تندی کند، او تند نشود بلکه چشم‌پوشی نماید و ببخشد و به خاطر تعظیم قرآن بردبار باشد. هرکه قرآن به او داده شده است، گمان برَد به کسی بهتر از او را داده‌اند هر آینه آن‌چه را که خدا کوچک شمرده او بزرگ دانسته و آن‌چه را که خدا بزرگ شمرده، او کوچک دانسته است!»^۱

مردم چهار دسته هستند

۴. ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

«مردم چهار دسته‌اند.»

گفتم: فدایت شوم! آن‌ها کیستند؟ فرمود:

«مردی که ایمانش دادند ولی قرآنش ندادند. مردی که قرآنش

داده‌اند ولی ایمانش نداده‌اند. مردی که هم قرآن داده‌اند و هم ایمان. مردی که نه قرآن داده‌اند و نه ایمان.»
 گفتم: فدایت شوم! آن‌ها را برای من بیان کن! فرمود:
 «آن‌که ایمان داده‌اند ولی قرآن نداده‌اند چون میوه‌ی شیرین بی‌بو است و آن‌که قرآن داده‌اند ولی ایمان نداده‌اند مانند میوه‌ی خوشبو و تلخ مزه است و آن‌که هم قرآن داده‌اند و هم ایمان بمانند ترنج خوشبو و خوشمزه است، اما آن‌را که نه قرآن داده‌اند و نه ایمان چون حَنْظَلْ تلخ بی‌بوست.»^۱

بی‌نیازی

۵. معاویه بن عمّار نقل کرده است: امام صادق علیه السلام به من فرمود:
 «هرکه قرآن را بخواند، چنان بی‌نیاز شود که پس از آن نیازمندی نباشد و اگر نه به هیچ وسیله به بی‌نیازی دست نیابد.»^۲

عرفای بهشتیان

۶. سگونی به نقل از امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 آورده است، فرمود:

«حاملان قرآن عرفای بهشتیانند و مجتهدان رهبران اهل بهشت و سفیران سروران بهشتیان هستند.»^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۶۰۶.

۲. همان.

۳. همان.

* اهمیت حفظ قرآن و آموزش آن به دیگران

همدم قرآن

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«به راستی کسی که با قرآن همدم شد، قرآن را با زحمت و اندک اندک حفظ می‌کند، او را دو پاداش است.»^۱

معلم یا دانشجوی قرآن

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«بر مؤمن سزااست که قرآن را بیاموزد و یا در راه فراگیری آن باشد.»^۲

تمسک به قرآن

۳. یعقوب بن احمر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! مرا غم‌هایی رسیده و هیچ خیری نمانده، مگر بخشی از آن را از دستم رفته است حتی قرآن را که قسمتی از آن یادم رفته است. می‌گوید: همین که نام قرآن را بردم امام علیه السلام ناراحت شد، فرمود:

«به راستی کسی که سوره‌ای از قرآن را فراموش می‌کند، روز قیامت آن سوره نزد او می‌آید تا بر او اشراف یابد از درجه‌ای از درجات بهشتی به او سلام می‌دهد و او پس از جواب سلام می‌پرسد: تو کیستی؟ می‌گوید: من فلان سوره‌ام که مرا ضایع و ترک کردی، اما اگر به من چنگ زده بودی تو را به این درجه می‌رساندم.»

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۶.

۲. همان، ص ۶۰۷.

سپس با انگشتش اشاره کرد و فرمود:

«به قرآن تمسک جوید و آن را بیاموزید! به راستی بعضی از مردم قرآن را یاد می‌گیرند برای شهرت، تا بگویند فلانی قاری قرآن است، بعضی آن را می‌آموزند و طالب صوتند تا مردم بگویند: فلانی خوش صداست در این آموختن خیری نیست و بعضی آن را می‌آموزند تا شب و روز به آن عمل کنند و توجه ندارند که کسی از آن آگاه باشد یا نباشد.»^۱

قرآن بیاموز

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مؤمن را سزاست که نمیرد تا قرآن را بیاموزد یا در راه آموختن آن باشد.»^۲

بالاتر از ذکر

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«قرائت قرآن بالاتر از ذکر و ذکر بالاتر از صدقه و صدقه بالاتر از روزه‌داری است و روزه سپری در برابر دوزخ است.»^۳

نگاه بر قرآن

۶. اسحاق بن عمار نقل می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم من قرآن را به خاطر سپرده و حفظ کرده‌ام، از حفظ بخوانم بهتر است یا در مصحف نگاه کنم؟ فرمود:

۱. همان، ص ۶۰۹.

۲. حلی، احمد بن محمد، عدالداعی، ص ۲۶۹.

۳. همان.

«نه، بلکه آن را در مصحف نگاه کن و بخوان که بهتر است مگر نمی‌دانی نگاه کردن به قرآن عبادت است؟»^۱

* خواندن قرآن

شکایت سه چیز

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«سه چیز است که به خدای عزیز جلیل شکایت می‌کند: مسجد خرابی که اهل آن در آن نماز نمی‌خوانند، عالمی که بین جاهلان است، قرآنی که معلق است و گردوغبار روی آن نشسته کسی نمی‌خواند.»^۲

خواندن از روی خط قرآن

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه از روی قرآن بخواند، چشمش سود بَرَد و از گناهان والدینش کم شود، هرچند که کافر باشند.»^۳

طرد شیطان

۳. امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است، که فرمود:

«هیچ چیزی بر شیطان سخت‌تر از خواندن قرآن از رو نیست، وجود قرآن در خانه، شیطان را طرد می‌کند.»^۴

۱. حلی، احمدبن محمد، عده‌الداعی، ص ۲۷۲.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

عهد الهی

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«قرآن پیمان خدا به خلق اوست، از این رو سزاوار است که مسلمان به عهد الهی نگاه کند و هر روز پنجاه آیه را بخواند.»^۱

خانه مورد توجه اهل آسمان

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون در خانه‌ای مسلمانی باشد که قرآن بخواند اهل آسمان آن خانه را به یکدیگر نشان دهند همان طوری که اهل زمین ستاره پُر نور آسمان را به هم نشان می‌دهند.»^۲

هر حرف یک حسنه

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس یک حرف از قرآن را گوش کند و نخواند، یک حسنه برای او نوشته شود و یک سیئه از او محو گردد و یک درجه بالا رود. هرکه با نگاه کردن بدون تلفظ و صدا بخواند، به هر حرفی برای او یک حسنه بنویسند و یک سیئه محو نمایند و یک درجه بالا برند و هرکه یک حرف ظاهر آن را بیاموزد خداوند ده حسنه برای او بنویسد و ده سیئه از او را محو کند و ده درجه بالا برد. فرمود: نمی‌گوییم به هر آیه بلکه به هر حرف با یا تا و مانند این‌ها. فرمود: هرکه یک حرف ظاهر آن را در نماز نشسته بخواند خداوند برای او پنجاه حسنه بنویسد و پنجاه سیئه محو نماید و

۱. همان.

۲. همان.

پنجاه درجه بالا برد و هرکه آن را ایستاده در نمازش بخواند خداوند به هر حرفی صد حسنه برای او بنویسد و صد سیئه او را محو گرداند و صد درجه بالا برد و هرکه آن را ختم کند دعای اجابت شده‌ای دیر یا زود دارد.»

راوی عرض کرد: فدایت شوم! تمام قرآن را ختم کند، فرمود:
«تمام آن را ختم کند.»^۱

هر خانه یک مصحف

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مرا خوش آید که در خانه مصحفی باشد خدای عزوجل بدان وسیله شیطان را طرد کند و سزاوار است که در آن قرائت کنند، اگرچه از حفظ به خوبی قرائت می‌شود آن را ترک نکنند.»^۲

* شمرده خواندن و ختم قرآن

عجله نکن

۱. عبدالله بن سلیمان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به تفسیر قول خدای عزوجل: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً»^۳ پرسیدم، فرمود:
«امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: (یعنی) آن را خوب بیان کن و کلماتش را ادا کن، مثل شعر با عجله نخوان و مانند ریگ پراکنده

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۹.

۲. حلی، احمدبن محمد، عدة الداعی، ص ۲۷۳.

۳. مزمل، ۴، «قرآن را به ترتیل بخوان.»

نکن! بلکه دل‌های سخت خود را با آن به هراس اندازید! مبادا هم شما آن باشد که سوره را به آخر برساند!»^۱

بالحن و صوت عرب

۲. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«قرآن را با لحن و صوت‌های عرب بخوانید، زنه‌ار از لحن بدکاران و صاحبان گناهان کبیره دوری کنید! زیرا که پس از من مردمانی بیایند که قرآن را چون آوازخوانی، نوحه‌خوانی و رهبانیت در حنجره بگردانند و از گلوگاهشان نگذرد، دل‌های ایشان واژگونه است و دل آن‌که از خواندن آن‌ها خوشش آید نیز وارونه است.»^۲

زیور قرآن

۳. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«هر چیزی را زیوری است و زیور قرآن آوای خوش است.»^۳

آرام و به ترتیل

۴. علی بن حمزه می‌گوید: من حاضر بودم، ابوبصیر به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت شوم! من قرآن را یک شبه بخوانم؟ فرمود: «نه» گفت: در دو شب بخوانم؟ فرمود: «نه» تا رسید به شش شب امام علیه السلام با دست خود اشاره کرد: بخوان! سپس امام علیه السلام فرمود: «ای ابومحمّد! به راستی که اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیش از شما

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰.

۲. همان، ص ۶۱۱.

۳. همان، ص ۶۱۳.

قرآن را در یک ماه و کمتر می‌خواندند. قرآن را نباید با عجله خواند بلکه باید آرام و به ترتیل خواند، چون به آیه‌ای رسیدی که در آن از دوزخ یاد شده است بایست و از آتش دوزخ به خدا پناه بگیری!

ابوبصیر گفت: در ماه رمضان همه‌ی قرآن را یک شبه بخوانم؟
فرمود: «نه» گفت: در دو شب؟ فرمود: «نه» گفت: در سه شب؟ فرمود:
بله، با دست خود اشاره کرد:

«آری ماه رمضان است هیچ‌کدام از ماه‌ها چون او نیست آن را حق و حرمتی است؛ هرچه می‌توانی نماز زیاد بخوان!»^۱

* قرآن کلام خداست

کتابی با عزت

۱. علی بن سالم از پدرش نقل که می‌گوید: از امام صادق ع پرسیدم و گفتم: یا بن رسول الله! چه می‌فرمایید درباره‌ی قرآن؟ فرمود:
«قرآن کلام خدا، سخن خدا، کتاب خدا و وحی و تنزیل خداست و آن کتاب باعزّتی است که نه از پیش رو و نه از پشت سر باطل‌کننده‌ای آن را نیاید، تنزیلی است از جانب حکیم ستوده.»^۲

قرآن مخلوق است؟

۲. از عبدالرحیم قصیر نقل کرده، می‌گوید: نامه‌ای به دست عبدالملک بن اعین برای امام صادق ع فرستادم و عرض کردم: فدایت

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۱۷.

۲. شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۲۴.

شوم! مردم درباره چیزهایی اختلاف دارند که من خدمت شما آن‌ها را نوشته‌ام فدایت شوم! اگر صلاح دانستید تمام آن‌چه را که نوشته‌ام برایم شرح دهید! فدایت شوم مردم در عراق بین دو گروه معترف و منکر اختلاف دارند!

مرا خبر دهید که آیا آن دو (قرآن و معرفت) مخلوقند؟ و درباره‌ی قرآن اختلاف دارند؛ گروهی برآنند که قرآن کلام خدا غیر مخلوق است و دیگران گویند: کلام خدا مخلوق است. و راجع به استطاعت آیا پیش از انجام کار یا با انجام آن است؟ اصحاب ما (شیعیان) در آن باره اختلاف دارند و در آن باره روایت دارند.

راجع به خدای تبارک و تعالی آیا به شکل و شمایل قابل وصف است؟ فدایت شوم! اگر صلاح دانستید عقیده‌ی صحیح رابه من بنویسید و راجع به حرکات، آیا مخلوقند یا غیرمخلوق و راجع به ایمان که ایمان چیست؟

امام علیه السلام به وسیله عبدالملک بن اعین (در پاسخ وی) نوشت:

«راجع به معرفت پرسیده بودی که چیست؟ بدان! خدایت رحمت کند! معرفت از صنوع خدای عزوجل در دل، مخلوق است و انکار (جُخُود)، صنوع خدا در قلب مخلوق است و بندگان هیچ دخالتی در آن دو ندارند و مردم درباره‌ی آن دو اختیار اکتساب دارند بنابراین به میل خودشان معرفت را برگزینند و بدان وسیله مؤمن عارفند و با میل کفران خود جحود و انکار را برگزینند پس بدان وسیله کافر منکر گمراه باشند و آن وسیله توفیق الهی به ایشان و خوار ساختن کسی است که خداوند او را خوار ساخته است. براساس همین اختیار و اکتساب ایشان، خداوند آنان را کیفر و

پاداش می‌دهد.

خدایت بیامرزد! راجع به قرآن و اختلاف مردم پیش از شما پرسیده بودی؛ براستی قرآن کلام خدا پدیده‌ی غیر مخلوق و غیرازلی با خدای تعالی است، خداوند بسی از این حرف‌ها بالاتر است! خداوند بود و چیزی جز خدا؛ شناخته و ناشناخته نبود، خداوند عزوجل بود نه گوینده‌ای نه با اراده‌ای، نه متحرکی و نه فاعلی بود، پروردگار ما بالاتر و عزیزتر از این‌ها است! پس همه‌ی این صفات پدیده است به هنگام حدوث فعل از او. پروردگار ما والا و باعزت است و قرآن، کلام خدا، مخلوق نیست در آن خبر پیش از شما و خبر پس از شماست. از جانب خدا بر محمد رسول خدا ﷺ نازل شده است.

خدایت بیامرزد! تو از استطاعت برای انجام کاری پرسیده بودی، خدای عزوجل بنده را آفرید و ابزار و تندرستی را برای او قرار داد و آن نیرویی است که بنده بدان وسیله متحرک مستطیع برای انجام عملی می‌گردد. و هیچ متحرکی نیست مگر قصد انجام کاری را دارد و آن صفتی است مربوط به میلی که خدای عزوجل در وجود انسان آمیخته است، چون آن میل در انسان بجنبند، چیزی را بخواهد و آن را اراده کند از این رو انسان را «مُريد» گفته‌اند. بنابراین چون اراده‌ی انجام کاری را بکند و انجام دهد با استطاعت و حرکت است، از این رو به این بنده مستطیع و متحرک گویند ولی چون انسان بی‌حرکت و بدون اراده انجام کاری باشد و ابزار کار را داشته باشد یعنی همان توانمندی و سلامتی که حرکات انسان و فعلش به وسیله آن‌ها صورت

می‌گیرد، سکونش به علت سکون میل اوست، او را ساکن گویند و به سکون وصف شود.

و هرگاه انسان مایل شود و میلی که در او آمیخته است به حرکت درآید، مایل به انجام کار شده و به وسیله قوه عجین شده در او تحرک یابد و آن ابزاری را که بدان وسیله فعلی را انجام می‌دهد به کار اندازد پس در وقت تحرک، فعل از او سرزند و آن را فراهم سازد، گویند: فاعل، متحرک، مکتسب و مستطیع. مگر نمی‌بینی که تمام این‌ها صفاتی است که انسان بدان‌ها متصف می‌شود.

خدایت بیامرزد! راجع به توحید و عقیده مردم پیش از خود پرسیده بودی! خداوند تعالی، بی‌نظیر است و شنوا و بینا و برتر از آن است که وصف کنندگان وصف کنند و تشبیه‌کنندگان دروغ‌پرداز بر خدای عزوجل، او را به خلق خود تشبیه نمایند.

پس خدایت بیامرزد. بدان که مذهب صحیح در توحید همان است که قرآن از صفات خدای عزوجل نازل کرده است بنابراین از خداوند بطلان و تشبیه را نفی کن! که نفی و تشبیهی در کار نیست او خداوند ثابت موجود است، خداوند از آن‌چه توصیف کنندگان وصف کنند بالاتر است! و از قرآن تجاوز نکن که پس از بیان آن گمراه می‌شوی!

خدایت بیامرزد! از ایمان پرسیده بودی، ایمان همان اقرار به زبان، اعتقاد به قلب و عمل به ارکان است. بنابراین ایمان درهم است و گاهی بنده‌ای مسلمان است، پیش از این‌که مؤمن باشد و مؤمن نمی‌شود تا مسلمان شود. پس اسلام پیش از ایمان و با ایمان شریک است، و چون بنده‌ای مرتکب گناه کبیره‌ای از

گناهان بزرگ شود یا صغیره‌ای از گناهان کوچک که خدای عزوجل از آنها نهی فرموده است از ایمان خارج شده و نام ایمان از او ساقط ولی نام اسلام بر او ثابت است. بنابراین اگر او توبه و استغفار کند دوباره به ایمان برگردد و به کفر و انکار و اباحی‌گری نیافتد و هرگاه به حلالی بگوید: این حرام است و به حرامی بگوید: این حلال است و به آن معتقد باشد از ایمان و اسلام به کفر درآمده و به منزله‌ی کسی خواهد بود که وارد حرم (مسجد الحرام) سپس وارد کعبه شده و در کعبه مدفوع کرده باشد و او را از کعبه و حرم بیرون کرده و گردنش را بزنند و راهی آتش دوزخ گردد.»^۱

* قرآن و ائمه علیهم‌السلام

شناخت امر ائمه علیهم‌السلام

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«کسی که شناختی از امر ما نسبت به قرآن را ندارد از فتنه‌ها دوری نمی‌کند.»^۲

آغاز تا انجام

۲. عمر بن حنظله می‌گوید: چون امام صادق علیه‌السلام مرا دید که درباره قول خدای تعالی: ﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^۳ و نظایر آن از قرآن پی‌گیر هستم فرمود:

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۲۴ - ۲۲۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۳.

۳. رعد، ۴۳: ﴿بگو همین بس که بین من و شما دوکس شاهد باشد: یکی الله عزوجل

«در این کتاب (قرآن) همه چیز از آغاز تا انجامش مانند این آیه تو را کفایت می‌کند، چرا که مقصود آن درباره‌ی ائمه علیهم السلام است.»^۱

علم یکسان به قرآن

۳. ایوب بن حرّ می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: بعضی از امامان از بعضی عالم‌ترند؟ فرمود:
«آری ولی علم آن‌ها به حلال و حرام و تفسیر قرآن یکسان است.»^۲

تفسیر به رأی

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:
«هرکه قرآن را به رأی خود تفسیر کند، اگر درست هم باشد اجری ندارد و اگر خطا کند، گناهِش به گردن اوست.»^۳
۵. از امام صادق علیه السلام راجع به حکومت و داوری پرسیدند، فرمود:
«هرکه بین دو نفر به رأی خود حکم کند، کافر شده است و هرکه آیه‌ای از کتاب خدا را به رأی خود تفسیر کند کافر است.»^۴

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

* معنای «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

سرآغاز تمام نوشته ها

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ نوشته‌ای از آسمان نازل نشد مگر اول آن «بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بوده است.»^۱

ورود به خانه با «بِسْمِ اللَّهِ»

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«آنان^۲ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را کتمان کردند، آری به خدا که

آن‌ها اسماء الهی را کتمان کردند. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنان بود که هر

وقت وارد منزلش می‌شد و قریش بر او وارد می‌شدند، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ» را آشکارا با صدای بلند می‌گفت، قریش روگردانده فرار

می‌کردند، از این رو خدای عزوجل در آن باره این آیه را نازل کرد: ﴿إِذَا

ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَمْ يَأْتِ بِآيَةٍ فَسَبَّحْتَ رَبَّكَ وَكُنْتُمْ تُخْرَجُونَ ﴿۴۰﴾

آغاز امور با «بِسْمِ اللَّهِ»

۳. مردی به امام صادق علیه السلام گفت: یابن رسول الله! مرا بر خدا

راهنمایی کنید که مجادله کنندگان با من زیادند و مرا سرگردان

کرده‌اند!

۱. برقی، المحاسن، ص ۴۰.

۲. با توجه به عبارت‌های بعدی روایت، مقصود امام از آنان، قریش است.

۳. اسراء، ۴۶: ﴿هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد می‌کنی آن‌ها

پشت می‌کنند و رو برمی‌گردانند.﴾

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۶.

امام علیه السلام فرمود:

«ای بنده خدا هرگز به کشتی سوار شده‌ای؟»

عرض کرد: آری. فرمود:

«آیا در جایی کشتی تو شکسته است که کشتی دیگری نبود تا تو

را نجات دهد و نه شنا بلد بودی که تو را از کشتی بی‌نیازت کند؟»

گفت: آری. فرمود:

«آیا در آن حال و آن جا به چیزی از اشیا دل بسته بودی که بتواند

تو را از آن هلاکت نجات دهد؟»

عرض کرد: آری. امام علیه السلام فرمود:

«همو خدایی است که بر نجات بخشیدن درجایی که راه نجاتی

نیست و بر یاری کردن آن جا که یاری کننده‌ای نیست،

تواناست.»

سپس امام صادق علیه السلام فرمود:

«چه بسا برخی شیعیان ما در آغاز کارش «بسم الله الرحمن

الرحیم» را ترک کرده است، پس خداوند او را گرفتار امر ناگواری

کرده است، تا بر شکر و سپاس خدای تبارک و تعالی و ثناگویی او

توجه دهد و از او عیب کوتاهش را در وقت ترک «بسم الله

الرحمان الرحیم» محو گرداند.»^۱

گشودن درهای رحمت

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«به وسیله پناه بردن به خدا (استعاذه) درهای معصیت را به روی

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۳۱.

خود ببینید و درهای رحمت را با «بسم الله الرحمن الرحيم»
بگشایید!»^۱

ویژگی اهل بهشت

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون روز قیامت شود گروه‌هایی سوار بر مرکب‌های نخبه‌ای^۲ از نور بیایند، در حالی که با صدای بلند می‌گویند: سپاس خدا را که وعده خودش را با ما قطعی کرد! سپاس خدا را که ما را وارثان زمین خود ساخت هر جای از بهشت را بخواهیم ساکن می‌شویم! مردمان می‌گویند: این گروه پیامبران است، ناگهان ندایی از درگاه خدا رسد: این‌ها شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام هستند که برگزیده‌ی من از میان بندگان و گزیدگانم هستند. پس خلائق می‌گویند: خدای ما و آقای ما! آن‌ها به چه وسیله به این مقام رسیده‌اند؟ ندایی از درگاه خدای عزوجل آید آن‌ها با انگشتی به دست راست کردن و به جا آوردن پنجاه و یک رکعت نماز و غذا دادن به مستمندان و پیشانی به خاک ساییدن و در نماز «بسم الله الرحمن الرحيم» را آشکارا گفتن به این مقام رسیده‌اند.»^۳

بزرگ‌ترین آیه

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

-
۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۲۱۶.
 ۲. نخبه به معنای برگزیده و منتخب است. ن.ک: فرهنگ معین، فرهنگ د خدا ذیل کلمه نخبه (خ)
 ۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۸۱.

«چه شده است آن‌ها را خدا بکشد! که به بزرگ‌ترین آیه در کتاب خدا (قرآن) توجه نکرده‌اند و پنداشته‌اند که آن را اگر اظهار کنند بدعت است! و آن آیه «بسم الله الرحمن الرحيم است.»^۱

* خواندن «قل هو الله احد»

اهتمام به قرائت سوره توحید

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر که سه روز بر او بگذرد و قل هو الله احد را نخواند در حقیقت خوار گشته و رشته ایمان را از گردن خود برداشته است و اگر در این سه روز بمیرد به خدای بزرگ کافر بوده است.»

فضیلت خواندن سوره توحید در روز جمعه

۲. در روایت اسحاق بن عمّار است می‌گوید: از امام صادق علیه السلام

شنیدم که می‌فرمود:

«هرکس جمعه‌ای بر او بگذرد که (قل هو الله احد) را نخوانده باشد، سپس بمیرد بر آیین ابولهب مرده است!»^۲

خواندن (قل هو الله) در بیماری

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس را بیماری یا سختی پیش آید در حال بیماری یا سختی

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۹. (در مسئله بسم الله الرحمن الرحيم (أشکار در نماز گفتن یا جزء سوره حمد دانستن) بین شیعه و اهل سنت اختلاف هست).
۲. برقی، المحاسن، ص ۹۵.

«قل هو الله احد» را نخواند، سپس در حال بیماری یا سختی که پیش آمده است بمیرد، در آتش دوزخ است.»^۱

علی علیه السلام مانند (قل هو الله)

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: مَثَل تو مثل (قل هو الله احد) است که هر کس آن را بخواند گویا یک سوم قرآن را خوانده و هر کس دوبار آن را بخواند، گویا دو سوم قرآن را خوانده و هر که سه بار بخواند، گویا تمام قرآن را خوانده است، همچنین هر که تو را به قلب دوست بدارد بمانند یک سوم ثواب اعمال بندگان را دارد و هر که به قلب تو را دوست بدارد و به زبانش تو را یاری کند به مانند دوسوم اعمال بندگان را دارد، و هر که تو را به قلب دوست بدارد و به زبان و دست یاریت کند بمانند ثواب اعمال بندگان را دارد.»^۲

استمرار بر قرائت سوره توحید

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر جنازه‌ی سعد بن مُعاذ

نماز خواند و پس از آن فرمود:

«هفتاد هزار فرشته از جمله جبرئیل آمدند، بر جنازه‌ی او نماز خواندند، گفتم: ای جبرئیل! برای چه او سزاوار نماز خواندن شما بر خود شده است؟ گفت: برای خواندن «قل هو الله احد» در حال ایستاده، نشسته، سواره و پیاده و در حال راه رفتن.»^۳

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۵۲.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۳.

دوری از شرک

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه در بستر خوابش «قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد» را بخواند خدای عزوجلّ برایش دوری از شرک را مقرر فرماید.»^۱

* خواندن آیه الکرسی

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه «آیه الکرسی» را بخواند خداوند هزار غم و اندوه دنیوی را از او برطرف کند که آسان ترینش تنگدستی باشد و هزار غم از شتاید آخرت را از او دفع کند، که آسان ترینش عذاب قبر باشد.»^۲

* ثواب خواندن برخی سوره‌ها

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ بنده‌ای نیست که آیه آخر سوره‌ی کهف را بخواند جز این که هر ساعتی که بخواند از خواب بیدار شود.»^۳

۲. ابن عباس می‌گوید: هرکه سوره‌ی انعام را در هر شب بخواند از جمله امان یافتگان روز قیامت است و به چشم خود هرگز آمدن آتش را نخواهد دید. امام صادق علیه السلام فرمود:

«سوره‌ی انعام یک‌جا نازل شد در حالی که هفتاد هزار فرشته آن را بدرقه می‌کردند تا بر محمد صلی الله علیه و آله فرود آمد، بنابراین آن را

۱. همان، ص ۶۲۷.

۲. اصل حنّاط کوفی (ضمن الاصول الستة عشر)، ص ۹۳.

۳. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۲.

بزرگ دارید و احترام کنید، زیرا که نام خدا در هفتاد موضع آن آمده و اگر مردم می‌دانستند که چه فضیلتی دارد آن را ترک نمی‌کردند.»^۱

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس به خواندن سوره‌ی مریم مداومت کند، نمیرد تا به حدی برسد که در خود و مال و اولادش بی‌نیاز گردد و در آخرت از اصحاب عیسی بن مریم علیه السلام باشد و همچنین در آخرت مثل مُلک سلیمان بن داود علیه السلام در دنیا را به او دهند.»^۲

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره‌ی انبیا را به خاطر دوست داشتن آن بخواند هم‌چون کسی خواهد بود که با تمام انبیا همراه بوده و در زندگی دنیا به چشم مردم باشکوه باشد.»^۳

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره‌ی مؤمنون را بخواند خداوند عاقبت او را به سعادت ختم کند و اگر در هر جمعه به قرائت آن مداومت کند، منزل وی در فردوس اعلی (بهشت برین) با پیامبران و مرسلین خواهد بود.»^۴

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«اموال و ناموستان را با تلاوت سوره‌ی نور، هم‌چنین زناتان را با

۱. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۳۱.

۲. همان، ص ۱۳۶.

۳. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۳۷.

۴. همان، ص ۱۳۸.

آن در دژ محکم قرار دهید. فرمود: «هرکس در هر روز یا هر شب بر قرائت آن مداومت کند هرگز از خاندان او کسی زنا نکند تا بمیرد و چون بمیرد، هفتاد هزار فرشته تا قبر او را تشییع کنند که همگی برای او دعا و از خدا طلب آمرزش نمایند تا داخل قبرش شود.»^۱

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«اموال، زنان و کنیزانتان را با قرائت ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ از تلف شدن نگه دارید، زیرا که شخصی چون خواندن آن را ادامه دهد روز قیامت منادی ندا دهد به طوری که خلائق بشنوند! تو از بندگان مخلص منی، او را به بندگان شایسته من ملحق سازید و وارد بهشت پرنعمت نمایید و از شربت سربسته آمیخته به کافور سیرابش کنید!»^۲

۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس در هر شب یا هر روز سوره‌ی «حجرات» را بخواند از جمله زائران محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد.»^۳

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه در هر روز یا هر شب به خواندن [سوره‌ی] «التَّجْم» مداومت کند، بین مردم پسندیده زندگی کند و نعمتش فراوان گردد و محبوب میان مردم باشد.»^۴

۱. همان، ص ۱۳۹.

۲. همان، ص ۱۴۷.

۳. همان.

۴. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۴۸.

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خواندن سوره «الرحمان» و اقدام به آن را ترک نکن! زیرا که این سوره در دل منافقان آرام نگیرد و روز قیامت پروردگارش آن را در صورت آدمی به بهترین صورت و خوشبوترین حال بیاورد تا جایی در پیشگاه خدا بایستد که هیچ کس نزدیک‌تر از او نباشد پس به او بگوید: چه کسی در زندگی دنیا تو را اقامه کرد و به خواندنت ادامه داد؟ بگوید: پروردگارا فلان و فلان پس صورت آن‌ها سفید شود. به آن‌ها گویند: هرکه را دوست دارید شفاعت کنید! آن‌ها شفاعت می‌کنند حتی خواسته‌ای برای آن‌ها نماند و نه کسی که شفاعت کند. پس به ایشان بفرماید: وارد بهشت شوید و در آن جا هر جا خواستید ساکن گردید.»^۱

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره الزحمان را بخواند، در نزد هر ﴿فَبأَيِّ آلآ رَبِّكُمَا تَكذَّبَانِ﴾ بگوید «لَا شَيْءَ مِّنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ»؛ اگر شب بخواند، سپس بمیرد شهید مرده است و اگر روز بخواند سپس بمیرد، شهید مرده است.»^۲

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه در شب جمعه سوره‌ی واقعه را بخواند، خداوند او را دوست بدارد و محبوب همه مردم گرداند، وی در دنیا هرگز بدی و فقر و فاقه و آفتی از آفت‌های دنیا را نبیند و از همراهان

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۴۹.

امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و این سوره مخصوص امیرالمؤمنین است و کسی با او شریک نیست.»^۱

۱۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه مشتاق بهشت و وصف آن است باید سوره‌ی واقعه را بخواند و هرکه دوست دارد اوصاف دوزخ را بنگرد سوره‌ی سجده و لقمان را قرائت کند.»^۲

۱۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره‌ی جن را زیاد بخواند او را در زندگی دنیا از شرّ گروه جّیان و دم آن‌ها و سحر ایشان و کیدشان حفظ کند و با محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود. بگوید: یا رب! به جای او کسی را نمی‌خواهم و از او دگرگونی را نمی‌جوییم!»^۳

۱۵. امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«هرکه این دو سوره «الشمس و عبس» را بخواند و آن‌ها را در نماز واجب و مستحب نصب العین خود قرار دهد، خداوند او را از هیچ حاجتی و هیچ مانعی حاجب و حاجز نشود و همواره به او توجه کند تا از حساب مردم فارغ شود.»^۴

۱۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس قرائت نمازهای واجبش سوره «الطّارق» باشد، روز قیامت در پیشگاه خدا جاه و مقامی دارد و از همراهان پیامبران و

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۴۹.

اصحاب آنان در بهشت باشد.»^۱

۱۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس بر قرائت «الغاشیه» در نماز واجب یا نافله مداومت کند خداوند او را در دنیا و آخرت به رحمت خود پوشش دهد و روز قیامت در حالی بیاید که از آتش دوزخ در امان است.»^۲

۱۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

«سوره‌ی فجر را در نمازهای واجب و مستحبتان بخوانید که آن سوره حسین بن علی علیه السلام است، هرکه آن را بخواند در روز قیامت با حسین علیه السلام در بهشت در درجه او خواهد بود، خداوند به راستی که با عزت و حکیم است.»^۳

۱۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه در نماز واجب قرائتش سوره‌ی «البلد» باشد، در دنیا معروف خواهد شد که با صالحان است و در آخرت معروف خواهد شد که در پیشگاه خدا جایگاهی دارد و روز قیامت از همراهان پیامبران و شهیدان و صالحان خواهد بود.»^۴

۲۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره «التین» را در نمازهای واجب و مستحب خود بخواند از بهشت به قدری ان شاءالله او را عطا کنند که راضی شود.»^۵

۱. همان، ص ۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۵۴.

۳. همان.

۴. همان.

۵. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۵۴.

۲۱. امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«هرکس در شب و یا روزش «علق» را بخواند سپس همان روز یا همان شب بمیرد، شهید مرده است و خداوند او را شهید مبعوث کند و شهید زنده نماید و هم چون کسی باشد که در راه خدا با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر زده باشد.»^۱

۲۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره‌ی «العادیات» را بخواند و به خواندن آن مداومت کند خدای عزوجل روز قیامت او را با امیرالمؤمنین علیه السلام به طور خاص مبعوث گرداند و در کنار وی و همراهانش باشد.»^۲

۲۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره «العصر» را در نمازهای مستحبی خود بخواند خداوند او را روز قیامت با چهره نورانی، لب خندان، چشم روشن برانگیزد تا وارد بهشت شود.»^۳

۲۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس سوره‌ی «هُمَزَه» را در نمازهای واجبش بخواند خداوند فقر را از او دور، روزی را بر او جلب و مرگ بد را از او برطرف سازد.»^۴

۲۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه در نمازهای واجب و مستحبی خود سوره‌ی «کوثر» را

۱. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۵۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

بخواند، خداوند روز قیامت او را از آب کوثر بیاشاماند و سخن او

در کنار درخت طوبی نزد رسول خدا ﷺ باشد.»^۱

۲۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس شب اول ماه دو رکعت نماز بخواند که پس از حمد،

«سوره انعام» را در هر رکعت قرائت کند و از خدا بخواهد که او را

از هر بیم و دردی نگاه دارد خداوند در این ماه او را از هرچه

ناخشنودی است حفظ کند.»^۲

۱. همان.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۳.

تفسیر آیاتی از سوره‌ی فاتحه

تفسیر مختصر از سوره حمد

۱. ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ فرمود:

«سپاس خدای را» درباره ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ فرمود: «خدایی که مخلوقات را آفریده است». ﴿الرَّحْمَنِ﴾ به همهی آفریدگانش، ﴿الرَّحِيمِ﴾ تنها به مؤمنان، ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ فرمود: «مالک روز حساب و دلیل بر آن قول خدای تعالی: «وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ»^۱ یعنی روز حساب. ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ مخاطب خدای عزوجل است و ﴿وَأِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ نیز همان طور. ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ صِرَاطَ یعنی راه و شناخت امام.»^۲

۱. صافات، ۲۰: ﴿گفتند: وای بر ما امروز، روز حساب است.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸.

علی علیه السلام، صراط مستقیم

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«صراط مستقیم امیرالمؤمنین علیه السلام و شناختن اوست و دلیل بر این که منظور امیرالمؤمنین علیه السلام است، قول خدای تعالی: ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾^۱ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و در ام‌الکتاب (فاتحه) و در قول خدا: ﴿الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾^۲.

اولش ستایش و آخرش دعا

۳. امام صادق علیه السلام به ابوحنیفه فرمود:

«کدام سوره است که اولش ستایش و وسطش اخلاص و آخرش دعاست؟»

ابوحنیفه سرگردان ماند، سپس گفت: نمی‌دانم. امام صادق علیه السلام فرمود:

«سوره‌ای که آغازش ستایش کردن، وسطش اخلاص و پایانش دعاست سوره حمد است.»^۳

سَبِّحِ الْمَثَانِي

۴. امام صادق علیه السلام تفسیر آیه ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^۴ پرسیده شد، ایشان فرمود:

«آن سوره حمد است و آن هفت آیه دارد که از جمله (بسم الله

۱. زخرف، ۴: ﴿به راستی که آن در ام‌الکتاب نزد ما بلند مقام داناست.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸.

۳. عباشی، تفسیر عباشی، ج ۱، ص ۲۰.

۴. حجر، ۸۷: ﴿و ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم.﴾

تفسیر آیاتی از سوره‌ی فاتحه □ ۹۱

الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ) است و تنها از این جهت آن را مثنائی نامیده‌اند که در دو رکعت [نماز] دو بار خوانده می‌شود.^۱

چهارمین فریاد ابلیس

۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«ابلیس چهار بار فریاد کشید: اولین فریادش روزی بود که لعنت شد و روزی که از آسمان پایین آمد و موقعی که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از مدتی از رسولان برانگیخته شد و موقعی که ام‌الکتاب؛ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ نازل شد.»^۲

طلب حاجت

۶. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«هرگاه حاجتی داشتی سوره مثنائی (حمد) و سوره دیگری را بخوان و دو رکعت نماز به‌جا آور و از خداوند درخواست کن!».
گفتم: خداوند امر شما را اصلاح کند! منظور از مثنائی چیست؟
فرمود:

«فَاتِحَةَ الْكِتَابِ؛ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».^۳

به راه راست ارشاد کن

۷. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود درباره‌ی قول خدای عز و جل: ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ فرموده است:

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱.

۲. همان، ص ۲۲.

۳. همان.

«می‌گویند: ما را به راه راست ارشاد کن و به پایبندی آن راهی
راهنما باش، که به محبتِ تو انجامد و به آیین تو رساند و مانع از
پیروی هوای نفسمان باشد تا نابود شویم یا به رأی و نظر خود
عمل کنیم و هلاک گردیم.»^۱

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۵.

تفسیر آیاتی از سوره بقره

ولایت ائمه علیهم السلام

۱. امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خدای تعالی: ﴿ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً﴾^۱ فرمود:
«درباره‌ی ولایت ماست.»^۲

وفای به عهد

۲. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: ﴿أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ﴾^۳ فرمود:

«به عهد ولایت علی علیه السلام که از طرف خدا واجب است، وفا کنید تا من هم برای شما به بهشت وفا کنم.»^۴

۱. بقره، ۲۰۸: ﴿همگی در صلح و آشتی درآیید﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴.

۳. بقره، ۴۰: ﴿به عهد من وفا کنید تا من نیز به عهد شما وفا کنم!﴾

۴. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۵.

باب علم

۳. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا
وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»^۱ و قول خدا: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا
الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَسْوَإِهَا»^۲
فرمود:

«مدینه را باران فراگرفت، همین که ابرها از آسمان پراکنده شد و
آفتاب درآمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میان مردم مهاجر و انصار بیرون
شد و نشست و آن‌ها هم اطرافش نشستند، ناگهان
علی بن ابی طالب علیه السلام جلو آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به افراد
اطرافش فرمود: این علی علیه السلام با دلی پاک، دست‌های پاکیزه نزد
شما آمد، او جز حق را نمی‌گوید؛ کوه‌ها نابود می‌شوند ولی او از
دینش دست برنمی‌دارد.

چون علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزدیک شد، او را جلوی
خودش نشانند و فرمود: یا علی! من شهر علمم و تو دروازه‌ی آن
شهری، بنابراین هرکه از دروازه وارد شهر شود به مقصود برسد!
مردم به یکدیگر گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از این حرف‌ها چه منظوری
دارد، از او بخواهید در آن باره آیه‌ای از قرآن برای ما بیاورد! پس
خداوند این آیه: «لَيْسَ الْبِرُّ...» قرآن را نازل کرد.»^۳

۱. بقره، ۱۷۷: «نیکی تنها آن نیست که به هنگام نماز صورت خود را به سمت
شرق و غرب کنید!»
۲. همان، ۱۸۹: «نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی آن
است که تقوا پیشه کنید و از در خانه‌ها وارد شوید!»
۳. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۷.

رنگ مؤمنان به ولایت

۴. امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خدای تعالی: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾^۱ فرمود:

«رنگ‌آمیزی مؤمنان به ولایت در پیمان و میثاق است.»

به اسناد خود آورده است، که آن حضرت درباره‌ی قول خدای تعالی: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۲ فرمود:

«درباره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.»

و قول خدای تعالی: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾^۳ فرمود:

«ماییم امت وسط و ماییم گواهان خدا بر خلق و حجّت‌های او در

زمینش.»^۴

هدایت چهارگونه است

۵. ابوبصیر در تفسیر: ﴿الْمَ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۵

به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است که فرمود:

«منظور از کتاب، علی علیه السلام است و بی‌تردید در او هدایت است

برای پرهیزکاران.»

۱. بقره، ۱۳۸: ﴿تنها رنگ خدایی را بپذیرد! چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟!﴾

۲. همان، ۲۰۷: ﴿از میان مردم کسانی هستند که برای رضای خدا جان خود را می‌فروشند.﴾

۳. همان، ۱۴۳: ﴿و هم‌چنین شما را یک امت میانه قرار دادیم تا شما گواه بر مردم و پیامبر هم گواه بر شما باشید.﴾

۴. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۱ - ۱۳.

۵. بقره، ۱ و ۲، ﴿الم، آن کتاب بی‌تردید مایه هدایت پرهیزکاران است.﴾

فرمود:

«بیان است برای شیعیان ما».

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۱

فرمود:

«از آن چه ما ایشان را تعلیم داده‌ایم، خبر می‌دهند و از آن چه یاد داده‌ایم می‌خوانند.»

فرمود:

«الم، حرفی از حروف اسم اعظم خداست، در قرآنی که بدان وسیله پیامبر و امام مخاطب قرار گرفته‌اند، جدا آمده است؛ هرگاه به وسیله آن درخواست شود اجابت گردد.»

هدایت در قرآن به چهارگونه است: از جمله برای بیان به کسانی است که ایمان به غیب دارند، بعث و نشور، وعد و وعید را باور دارند. ایمان در کتاب خدا (قرآن) به چهار صورت است: از جمله اقرار به زبان که خداوند آن را ایمان نامیده است. از جمله تصدیق به قلب است و از جمله انجام عمل است و از جمله تأیید (آن‌ها) می‌باشد.

اول، ایمانی که اقرار به زبان است و خدای تعالی آن را ایمان نامیده و با این فرموده‌اش اهل آن ایمان را ندا داده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تُنْبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعًا وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبِطُّنَ فَإِنَّ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا وَإِنَّا بِكُمْ لَفُضَّلٌ

۱. همان، ۳: ﴿کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را برپای می‌دارند و از تمام

مواهی که به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.﴾

مِنْ اللَّهِ لِيَقُولَنَّ كَأَن لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً^۱ امام صادق ع فرمود: «اگر این کلمه را مردم مشرق و مغرب می‌گفتند، بدان وسیله از ایمان بیرون شده بودند ولی خداوند آنان را به خاطر اقرارشان مؤمنان نامیده است. و قول خدای تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾^۲ خداوند آنان را به دلیل اقرارشان مؤمن نامیده سپس به ایشان می‌فرماید: باور کنید!

دوم، ایمانی که باور قلبی است، قول خدای تعالی: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾^۳ یعنی: راست گویند. و قول خدای متعال: ﴿قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً﴾^۴ یعنی باور نداریم. و قول خدا: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا﴾ یعنی ای کسانی که اقرار دارید باور کنید! پس ایمان راستین، همان باور است و برای باور داشتن

۱. نساء، ۷۲ و ۷۳: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کمال دقت مراقب دشمن باشید مبادا غافلگیر شوید و از ناحیه آن‌ها خطری به شما برسد. در دسته‌های متعدد به صورت اجتماع، برای دفع دشمن حرکت کنید! این افراد دو چهره که در میان شما هستند اصرار دارند از شرکت در جهاد خودداری کنند ولی در صورت شکست یا شهادت شما می‌گویند چه نعمت بزرگی خدا به ما داد که همراه آن‌ها حضور نداشتیم! ولی اگر بفهمند مؤمنان پیروز شده‌اند مانند بیگانه‌ای که هیچ ارتباطی نداشته گویند: کاش ما هم با مجاهدان بودیم و سهم بزرگی عاید ما می‌شد؟!﴾

۲. نساء، ۱۳۶: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل شد... ایمان بیاورید!﴾

۳. یونس، ۶۳ و ۶۴: ﴿آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و همواره تقوا و پرهیزکاری دارند برای آن‌ها در زندگانی دنیا و آخرت بشارت است.﴾

۴. بقره، ۵۵: ﴿گفتند: ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا خدا را آشکارا با چشم ببینیم!﴾

شرایطی است که باور کامل نمی شود مگر به وسیله آن ها.

قول خدای تعالی: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوَى الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۱ بنابراین هرکس این شرایط را بپا دارد او مؤمن با باور است.

سوم، ایمانی است که همان انجام عمل باشد، همان است گفته ی خداوند موقعی که قبله ی پیامبرش را به سمت کعبه تغییر داد، اصحاب گفتند: یا رسول الله! نماز ما به سمت بیت المقدس باطل بود! خدای تبارک و تعالی این آیه را نازل کرد: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ﴾^۲ از این رو نماز را ایمان نامیدند.

چهارم، از جمله ایمان تأیید و پشتیبانی است که خداوند آن را در دل های مؤمنان به صورت روح ایمان قرار داد، و فرموده است: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ

۱. بقره، ۱۷۷: ﴿ نیکی تنها آن نیست که هنگام نماز صورت خود را سوی شرق و غرب کنی بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورده است و مال خود را با وجود علاقمندی به خویشان، یتیمان، مستمندان، در راه ماندگان و سائلان و بردگان می دهد، نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد و چون عهد کند به عهد خویش وفادار است و در فقر، بیماری و درد و موقع جنگ صبور است، اینان راستگو و پرهیزکارانند.﴾

۲. بقره، ۱۴۳: ﴿ خدا هرگز ایمان نماز شما را ضایع نمی گرداند.﴾

بِرُوحٍ مِّنْهُ»^۱ سپس فرمود: «هیچ دلی نیست مگر دو گوش دارد، که بر یکی از آن‌ها فرشته‌ای راهنما و بر دیگری شیطانی فریبکار است، این یکی او را فرمان می‌دهد و آن دیگری او را باز می‌دارد. از جمله ایمان چیزی است که خداوند در قرآن یاد کرده است، آن‌جا که فرموده است: ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ﴾^۲ و از جمله ایشان کسی است که مؤمن باوردار است ولی ایمانش را به ستمی آلوده می‌کند: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾^۳. بنابراین کسی که مؤمن بود، سپس وارد گناهانی شد که خداوند از آن‌ها نهی فرموده است، در حقیقت ایمانش را به ظلم آمیخته است، دیگر ایمان سودی به حال او ندارد تا به درگاه خدا از ظلمی که ایمانش را پوشانده است توبه کند، تا برای خدا خالص شود. این بود گونه‌های ایمان در کتاب خدا (قرآن)»^۴.

ایمان به کتب آسمانی

۶. قول خدای تعالی: ﴿وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ

قَبْلِكَ﴾^۵ فرمود:

۱. مجادله، ۲۲: ﴿هیچ گروهی را که به خدا و روز واپسین ایمان دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند هرچند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند، آن‌ها ایند که خداوند ایمان را بر دلشان نشانده و با روحی از جانب خود آن‌ها را تأیید کرده است.﴾

۲. آل عمران، ۱۷۹: ﴿چنین نیست که خداوند مؤمنان را به همان صورت که شما هستید واگذارد مگر ناپاک را از پاک جدا سازد.﴾

۳. انعام، ۸۲: ﴿آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیامیختند امنیّت برای آن‌هاست و هدایت مخصوص ایشان است.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰.

۵. بقره، ۴: ﴿و کسانی که به آن‌چه بر تو نازل شده و آن‌چه پیش از تو نازل شده

«به آن چه از قرآن به سوی تو نازل شده و آن چه از کتابها بر پیامبران پیش از تو نازل شده است (ایمان دارند).»^۱

کفر بر پنج وجه است

۷. در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۲ از ابو عمر زبیدی به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است، فرمود:

«کفر در کتاب خدا پنج گونه است: از جمله کفر با حق کشی و انکار، که خود بر دو قسم است: انکار از روی آگاهی و انکار بدون آگاهی؛ اما کسانی که انکار بدون آگاهی کنند، همان کسانی هستند که خداوند در این کلام خود آنها را بیان کرده است: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾^۳ و قول خدای تعالی: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۴ پس اینان بدون علم کفر ورزیدند و انکار کردند. اما کسانی که کافر شدند و از روی آگاهی انکار کردند آنها کسانی هستند که

□ ایمان دارند. □

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات، ج ۱، ص ۳۱.

۲. بقره، ۶: ﴿برای آن‌ها که کافر شدند و در کفر و بی‌ایمانی سخت و لجوج‌اند برای آن‌ها تفاوت نمی‌کند که آنان را از عذاب الهی بترسانی یا نترسانی آن‌ها ایمان نخواهند آورد. □

۳. جائیه، ۲۴: ﴿و آن‌ها گفتند: چیزی جز همین زندگی ما در دنیا در کار نیست گروهی از ما می‌میریم و گروهی زنده می‌شویم و چیزی جز روزگار ما را هلاک نمی‌نکد، این‌ها به این حرف یقین ندارند بلکه تنها گمان می‌برند. □

۴. بقره، ۶.

تفسیر آیاتی از سوره بقره □ ۱۰۱

خدای تبارک و تعالی فرموده است: ﴿وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ﴾^۱ اینان کفر ورزیدند و با آگاهی حق‌کشی کردند».

حرّیز از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده است:

«این آیه ﴿وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ...﴾ درباره یهود و نصارا نازل شده است».

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ - یعنی تورات و انجیل - يَعْرِفُونَهُ - یعنی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را - كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾^۲ زیرا که خدای عزّوجلّ در تورات، زبور و انجیل صفات محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحاب او را و مبعث و هجرت او را بر ایشان نازل کرده بود، از این رو می‌فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ﴾^۳ این صفت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحاب او در تورات و انجیل است و چون

۱. بقره، ۸۹: ﴿با این‌که پیش از این خود را به ظهور این پیامبر نوید می‌دادند و امید پیروزی بر دشمنان داشتند آری چون این کتاب و پیامبری که از قبل شناخته بودند، آمد نسبت به او کافر شدند.﴾

۲. آن‌هایی که کتاب آسمانی بر آن‌ها نازل کردیم به خوبی پیامبر را می‌شناسند همان‌گونه که فرزندان خود را می‌شناسند.

۳. فتح، ۲۹: ﴿محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدیدند و در بین خود مهربانند، پیوسته آن‌ها را در حال رکوع و سجود می‌بینی. آن‌ها همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند، نشانه‌های آن‌ها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آن‌ها در انجیل است.﴾

او را مبعوث کرد، اهل کتاب او را شناختند، همان طوری که خداوند فرموده است: ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ﴾^۱ از این رو یهود به عرب‌ها پیش از آمدن پیامبر می‌گفتند: ای مردم عرب! اینک زمان پیامبری است که از مکه خروج می‌کند و هجرتش به مدینه است و او آخرین و برترین پیامبران است. در چشمانش قرمزی و بین دو شانه‌اش مهر نبوت است، عبا بر تن دارد و به گرده‌ی نانی و چند خرما بسنده می‌کند و به الاغ برهنه سوار می‌شود، قدرت‌ش را می‌رساند، بند کفش و نعلش کنده است. ای توده‌ی عرب! خداوند به وسیله او شما را هم چون کشتن قوم عاد می‌کشد. چون خداوند پیامبر خود را با همین اوصاف مبعوث کرد بر او رشک بردند و به او کافر شدند، همان طوری که خداوند فرمود: ﴿وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^۲

از جمله‌ی کفر، بی‌زاری است همان که در قول خدای تعالی آمده است: ﴿ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ﴾^۳ یعنی از یکدیگر بی‌زاری می‌جویند.

از جمله‌ی کفر، شرک است بدان‌چه خدا فرمان داده است و آن فرموده خدا: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ﴾^۴ است، یعنی با این‌که مستطیع بوده حج را ترک کرده، کافر است.

۱. بقره، ۸۹.

۲. بقره، ۸۹.

۳. عنکبوت، ۲۵: ﴿سپس روز قیامت از یکدیگر بی‌زاری می‌جویند﴾.

۴. آل عمران، ۹۷: ﴿و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه او کنند آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند و هرکس کفر بورزد﴾.

از جمله کفران نعمت هاست و آن قول خدای تعالی: ﴿لِيُبْلُوَنِي ۖ أَشْكُرُ
أَمْ أَكْفُرُ ۚ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ كَفَرَ ۙ﴾^۱ یعنی و کسی که نعمت
خدا را شکر نکند، در حقیقت کافر است. این بود اقسام کفر در کتاب
خدا.

این کلام خدا: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ
بِمُؤْمِنِينَ﴾^۲ درباره‌ی قوم منافقی نازل شده است که به رسول خدا ﷺ
اظهار اسلام کردند در صورتی که هر وقت کافران را می‌دیدند
می‌گفتند: ما با شما ایم و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند: ما مؤمنیم
و همواره به کافران می‌گفتند: ﴿إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ﴾ از این رو
خداوند حرف آن‌ها را رد کرد و فرمود: ﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمُدُّهُمْ فِي
طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾^۳

قول خدای تعالی: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى﴾^۴ ضلالت
همان سرگردانی و هدایت همان بیان و روشنی است. آن‌ها سرگردانی و
گمراهی را بر هدایت و بیان برگزیدند از این رو خداوند درباره‌ی آن‌ها
مثلی زد و فرمود: ﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ

۱. نمل، ۴۰: ﴿تا مرا بیازماید که آیا شکر نعمت او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم!؛

هرکه شکر کند به سود خود کرده و هرکه کفران کند.﴾

۲. بقره، ۸: ﴿بعضی از مردم هستند که می‌گویند به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌ایم

در حالی که ایمان ندارند.﴾

۳. بقره، ۱۴ و ۱۵: ﴿ما با شما ایمیم (و اگر می‌بینید ما در برابر مؤمنان اظهار ایمان

می‌کنیم) ما آن‌ها را مسخره می‌کنیم، خدا آن‌ها را مسخره می‌کند و آن‌ها را در

طغیان‌شان نگاه می‌دارد تا بکلی سرگردان شوند.﴾

۴. بقره، ۱۶: ﴿آن‌ها کسانی هستند که در تجارتخانه این جهان هدایت را با گمراهی

دادوستد کردند.﴾

اللَّهُ يُنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿ و کلام او: «صُمُّ بُكْمٌ عُمِيٌّ».^۱
 «صُمُّ» کسی است که نمی شنود، «بُكْمٌ» کسی است که کور مادرزاد است
 و «عُمِيٌّ» کسی است که بینا بوده، بعد نابینا شده است.

قول او: ﴿أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ﴾ یعنی چون باران آسمانی، آن مثل
 کافران است. ﴿يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ﴾^۲ یعنی کور می کند. قول او ﴿إِنْ كُنْتُمْ فِي
 رَيْبٍ مِمَّا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا﴾ یعنی در شک هستید ﴿فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ
 ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ﴾ یعنی کسانی را که عبادت و اطاعت می کنید ﴿مِنْ دُونِ اللَّهِ
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۳

قول خدای تعالی: ﴿كَلَّمَآ رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رُزِقُوا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا
 مِنْ قَبْلُ وَأْتُوا بِهِ مُتَشَابِهٍ﴾ فرمود: «از یک میوه بارنگ های مختلف و
 متفاوت داده می شود. ﴿وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ﴾^۴ یعنی نه عادت
 ماهیانه می بینند و نه مدفوعی دارند.

اما قول خدای تعالی: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا

۱. همان، ۱۷ و ۱۸: ﴿آن ها مانند کسی هستند که آتشی افروخته، همین که شعله
 آتش اطراف آن را روشن ساخت خداوند آن را خاموش سازد و در تاریکی ها رها
 سازد به گونه ای که چیزی را نبینند، کر و گنگ و نابینا.﴾

۲. همان، ۱۹ و ۲۰: ﴿یا چون بارانی که در شب تاریک همراه رعدوبرق و صاعقه
 بارد... نور برق نزدیک است که چشمان آن ها را برباید!﴾

۳. همان، ۲۳: ﴿اگر درباره آن چه بر بنده خود نازل کرده ایم شک و تردید دارید
 دست کم سوره ای مانند آن را بیاورید! بلکه تمام گواهان خود را جز خدا فراخوانید
 اگر در ادعای خود صادقید که این قرآن از طرف خدا نیست.﴾

۴. بقره، ۲۵: ﴿هر زمان از آن باغ ها میوه ای به آن ها داده می شود می گویند: این
 همان است که از قبل به ما داده شده است و میوه هایی آورند که با یکدیگر شبیهند
 و برای آن ها در بهشت همسران پاک و پاکیزه ای است.﴾

فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ
مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا^۱

امام صادق علیه السلام فرموده است: «این سخن از جانب خدای عز و جل
رد بر کسی است که پنداشته خدای تعالی بندگان را گمراه می‌کند، سپس
به خاطر گمراهیشان آن‌ها را عذاب می‌کند، از این رو خداوند فرموده
است: «إِنَّ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ...»^۲

حسد ابلیس

۸. درباره‌ی تفسیر قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا
لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^۳ از جمیل نقل
شده که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به آنچه خداوند خلق را
برانجام آن تشویق کرد، آیا گمراهی را نیز در آن وارد کرد؟ پرسیدند،
فرمود:

«آری و کافران در آن وارد شدند، زیرا که خدای تعالی فرشتگان را
به سجده بر آدم فرمان داد و فرشتگان در امر او وارد شدند و
ابلیس هم وارد شد، زیرا که ابلیس در آسمان با فرشتگان، خدا را
عبادت می‌کرد و فرشتگان گمان می‌کردند که او از جمله ایشان

۱. بقره، ۲۶: ﴿خداوند از این‌که به موجوداتی ظاهراً کوچک مانند پشه یا بالاتر از آن
مثال بزند هرگز شرم نمی‌کند اما کسانی که کافرند گویند: خدا چه منظوری از این
مثال داشته که مایه تفرقه شده گروهی را بدان وسیله هدایت و گروهی را گمراه
کرده است.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲.

۳. بقره، ۳۴: ﴿به خاطر بیاورید هنگامی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده
کنید! همگی سجده کردند جز ابلیس که خودداری کرد و تکبر ورزید.﴾

است در حالی که از آن‌ها نبود. همین که فرشتگان را دستور سجده برای آدم علیه السلام داد، آن‌چه در دل ابلیس از حسد بود برآورده شد، آن‌وقت فرشتگان دانستند که ابلیس مانند ایشان نیست.»

به آن حضرت گفتند: چگونه این فرمان بر ابلیس تعلق گرفت در صورتی که خداوند تنها فرشتگان را برای سجده کردن به آدم فرمان داده بود؟ فرمود:

«ابلیس به سبب سرپرستی از جمله فرشتگان بود ولی از جنس فرشتگان نبود؛ توضیح این‌که خداوند پیش از آدم خلقی را آفرید و ابلیس از جمله‌ی ایشان در زمین حاکم بود پس سرکشی و فساد کردند و خونریزی نمودند، خداوند فرشتگان را گسیل داشت، آن‌ها را کشتند و ابلیس را اسیر کردند و او را به آسمان بالا بردند، فرشتگان خدا را می‌پرستیدند تا این‌که خدای تعالی آدم علیه السلام را آفرید.»^۱

بهشت آدم

۹. درباره‌ی قول خدای: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ»^۲ از امام صادق علیه السلام از بهشتی که آدم علیه السلام بود، پرسیده شد آیا از باغ‌های دنیا بود یا از بهشت‌های آخرت؟ فرمود:

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷.

۲. بقره، ۳۵: «به آدم گفتیم: تو و همسرت در بهشت ساکن باشید و هرچه می‌خواهید از نعمت‌های آن گوارا بخورید، ولی به این درخت مخصوص نزدیک نشوید! که از ستمگران خواهید شد.»

«از باغ‌های دنیا بود که خورشید و ماه در آن طلوع می‌کرد، در صورتی که اگر از بهشت‌های آخرت بود هرگز آدم را از آن جا بیرون نمی‌کردند و ابلیس وارد آن جا نمی‌شد.» فرمود: «خداوند او را در آن بهشت (باغ) جا داد ولی او از روی ناآگاهی به سراغ آن درخت رفت! از این رو بیرون کرد، زیرا که او (آدم) مخلوقی است که در آفرینش بقایش بدون امر و نهی و پوشش و مسکن و ازدواج ممکن نیست و سود و زیانش را جز به آگاهی دادن درک نمی‌کند. از این رو ابلیس به سراغ او آمد و گفت: شما دوتا (آدم و حوا) اگر از این درختی که خدا شما را نهی کرده است، بخورید دو فرشته می‌شوید و همیشه در بهشت باقی می‌مانید، ولی اگر نخورید خداوند شما را از این بهشت بیرون می‌کند و سوگند یاد کرد که او خیرخواه آن‌هاست همان طوری که خداوند از وی حکایت کرده است:

﴿مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَائِكَةً أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ﴾ آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ حرف او را قبول کرد و از آن درخت خوردند، پس چنان شد که خداوند نقل کرده است: ﴿يَدَّتْ لُهُمَا سَوْءَاتُهُمَا﴾ و پوشش آن‌ها که خداوند از لباس بهشتی بر تنشان پوشانده بود، افتاد و شروع کردند با برگ درختان باغ، خود را پوشاندن ﴿وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ آن‌ها همان طوری که خدای عزوجل از ایشان گزارش کرده است، گفتند: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا

لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۱

پس خداوند به ایشان فرمود: ﴿أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾^۲

آدم علیه السلام روی کوه صفا فرود آمد، از این رو آن را صفا گفتند که برگزیده‌ی خدا روی آن فرود آمد و حوا بر روی کوه مروه فرود آمد و از آن رو آن را مروه گفتند که زنی روی آن فرود آمد. و آدم علیه السلام چهل روز به حال سجده ماند هم‌چنان بر فراق بهشت می‌گریست تا این‌که جبرئیل علیه السلام بر او نازل شد و گفت: ای آدم! مگر خداوند تو را به دست قدرت خود نیافرید، و در تو از روح خود دمید و ملائکه را به سجده تو واداشت؟

گفت: چرا؟ جبرئیل علیه السلام گفت: تو را فرمان داد تا از آن درخت نخوری چرا نافرمانی کردی؟ گفت: ای جبرئیل! ابلیس برای من به خدا سوگند خورد که من خیرخواه توام! من گمان نکردم که خداوند خلقی را آفریده باشد که به دروغ بر خدا سوگند یاد کند!»^۳

۱. اعراف، ۲۰ - ۲۳: ﴿ابلیس گفت: خداوند شما را از آن جهت نهی نکرده، جز این‌که اگر از آن بخورید یا فرشته خواهید شد و یا عمر جاویدان پیدا می‌کنید و سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم... بلافاصله لباس‌هایشان از تنشان فروریخت، اندامشان عورتشان آشکار گشت... در این موقع از طرف خداوند ندا رسید که مگر من شما را از آن درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که شیطان دشمن آشکار شماست؟! (گفتند:) پروردگارا! ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و رحمت خود را شامل حال ما نکنی از زیانکاران خواهیم بود.﴾
۲. بقره، ۳۶: ﴿به زمین فرود آید در حالی‌که دشمن یکدیگر خواهید بو و برای شما تا مدّت معینی در زمین قرارگاه و وسیله بهره‌برداری است.﴾
۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۹ - ۴۰.

توبه آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱۰. اَمَّا قَوْلِ خَدَايَ تَعَالَى: ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۱ از ابان بن عثمان به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آورده است، فرمود:

«همانا آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ چهل روز به حال سجده روی کوه صفا ماند، در حالی که بر دوری از بهشت و بیرون شدنش از آن جا از جوار رحمت خدای عزوجل می‌گریست. جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ بر او نازل شد و گفت: ای آدم! چرا گریه می‌کنی؟ گفت: چرا گریه نکنم در حالی که خداوند مرا از بهشت؛ از جوار رحمت خود بیرون کرد و به دنیا فرود آورد! جبرئیل گفت: به درگاه خدا توبه کن! آدم گفت: چگونه توبه کنم؟

خداوند قبه‌ای از نور را بر او فرود آورد که در آن محل خانه (کعبه) بود پس نور آن در کوه‌های مکه ساطع شد از این جهت آن جاها حرم است. پس خداوند به جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ دستور داد که بر آن‌ها نشانه‌هایی بگذارد. جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: ای آدم برخیز! او را روز ترویبه^۲ بیرون کرد و دستور داد تا غسل کند و مُحَرَّم شود. از بهشت روز اول ذیقعدہ بیرون شد و چون روز هشتم ذیحجه فرا رسید، جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ او را به مینا برد آن جا شب را به سر برد همین که آفتاب روز عرفه به نیمروز رسید تلبیه را قطع کرد و

۱. بقره، ۳۷: ﴿آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت، سخنانی مؤثر و دگرگون کننده، و با آن توبه کرد و خدا نیز توبه او را پذیرفت زیرا که خداوند بسیار توبه‌پذیر و بخشاینده است.﴾

۲. روز هشتم ماه ذی‌حجه که حج آغاز می‌شود و حجاج از مکه به عرفات می‌روند.

دستور داد غسل کند، چون نماز عصر را خواند او را در عرفات نگهداشت و کلماتی را به او آموخت که از پروردگارش آموخته بود و آن کلمات این بود: «پروردگارا منزه‌ی تو و سپاس تو را سزاست هیچ معبود بحقّی جز تو نیست. من کار بدی کردم و به خود ستم نمودم و به گناه خویش اعتراف دارم پس مرا بیامرز! زیرا که تو بسیار آمرزنده و بخشاینده‌ای! خداوندا! تو منزه‌ی و سپاس تو را، هیچ خدای به حقّی جز تو نیست، من بد کردم و به خود ستم نمودم و به گناهم اقرار دارم، مرا بیامرز که تو بهترین آمرزندگان! خداوندا تو منزه‌ی و سپاس تو را سزاست، هیچ معبود راستینی جز تو نیست من بد کردم و به خود ستم نمودم و به گناهم اعتراف دارم پس مرا بیامرز! زیرا که تو بسیار توبه‌پذیر و بخشاینده‌ای! پس از آن هم‌چنان ماند تا آفتاب غروب کرد، دست‌ها را به طرف آسمان بلند نمود، به درگاه خدا می‌نالید و گریه می‌کرد. پس از غروب خورشید او را به مشعر بازگرداند، آن‌جا شب را سپری نمود همین که صبح شد از مشعر الحرام بپا خاست و با کلماتی خدا را خواند و به درگاه او توبه کرد سپس به منا رفت.

جبرئیل علیه السلام او را دستور داد تا موهایش را بتراشد، تراشید. سپس به مکه بازگرداند، او را نزد جمره اولی آورد، ابلیس در آن‌جا خود را به وی عرضه کرد و گفت: ای آدم! قصد کجا را داری؟ جبرئیل به وی دستور داد تا با هفت سنگریزه او را بزند، او سنگریزه‌ها را زد و با هر سنگریزه‌ای تکبیر بگوید، گفت. سپس رفت، باز کنار جمره دوّم ابلیس به او عرضه شد و جبرئیل او را دستور داد با هفت سنگریزه بزند و او زد و با هر سنگریزه‌ای تکبیری گفت، باز

رفت، ابلیس کنار جمره سوم به او عرضه شد، جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ دستور داد با هفت سنگریزه او را بزند و با هر سنگریزه تکبیری بگوید! (او انجام داد) ابلیس - خدایش لعنت کند - به راه خود رفت. جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: البته بعد از امروز هرگز او را نخواهی دید. او را به بیت‌الله الحرام برد و دستور داد هفت دور طواف کند، او کرد. پس به او گفت: خداوند توبه تو را قبول کرد و همسرت به تو حلال شد.

امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «چون آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ حج خود را پایان داد، فرشتگان او را در ابطح (بیابان حجاز) دیدند و گفتند: ای آدم، حجّ تو قبول است، اما ما این خانه را دوهزار سال پیش از تو حج کردیم.»^۱

دعای مستجاب

۱۱. اما قول خدای تعالی: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ﴾^۲ از جمیل نقل شده است که مردی به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: فدایت شوم! خدای تعالی می‌فرماید: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۳ و ما دعا می‌کنیم ولی برای ما اجابت نمی‌شود؟ فرمود:

«چون شما به پیمان خدا وفا نمی‌کنید، در حالی که خداوند می‌فرماید: ﴿أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ﴾ به خدا سوگند که اگر شما برای خدا وفا کنید خداوند برای شما وفا خواهد کرد.»

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳.

۲. بقره، ۴۰: ﴿ای بنی اسرائیل! به خاطر بیاورید نعمت‌های مرا که به شما بخشیدم، به عهد من وفا کنید تا من نیز به عهد شما وفا کنم و تنها از من بترسید.﴾

۳. غافر، ۶۰: ﴿مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم.﴾

اما قول خدای تعالی: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾^۱ فرمود:

«درباره‌ی قصاص نازل شده است و آن فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام است که بالای هر منبری از ایشان خطیبی سخنور است، بر خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بر کتاب خدا دروغ می‌بندد.»

قول خدای تعالی: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ فرمود: «صبر همان روزه است.» ﴿وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ یعنی نماز. و قول خدا: ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنْتُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۲ فرمود: «ظن (گمان) در کتاب خدا دو گونه است: از جمله‌ی ظن، یقین است و از جمله‌ی ظن، شک است و در این جا ظن، یقین است و شک در قول تعالی: ﴿إِنْ نُنْظِرُ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَیْقِنِينَ﴾^۳ و ﴿وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ﴾^۴. اما قول خدای تعالی: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنْسِي فُضِّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^۵ فرمود: «لفظ عالمین عام است، ولی معنایش خاص، و به یقین آنان را بر همه‌ی مردم زمان خودشان - به خاطر چیزهایی که

۱. بقره، ۴۴: ﴿آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید ولی خودتان را فراموش می‌نمایید!﴾

۲. همان، ۴۵ و ۴۶: ﴿از صبر روزه و نماز یاری بجوید! این کار جز برای خاشعان سنگین و گران است همانا که می‌دانند پروردگار خود را ملاقات خواهند کرد و به سوی او باز می‌گردند.﴾

۳. جاثیه، ۳۲: ﴿ما تنها گمانی در این باره داریم، به هیچ وجه یقین نداریم.﴾

۴. فتح، ۱۲: ﴿و گمان بد کردید.﴾

۵. بقره، ۴۷: ﴿ای بنی اسرائیل نعمت‌هایی را که به شما دادم به خاطر بیاورید، من شما را به جهانیان برتری دادم.﴾

اختصاص به آن‌ها داده بود، مانند مَنْ و سَلَوٰی (غذای لذیذ و نیر و بخش) و آن سنگی که دوازده چشمه از آن جاری شد - برتری داد.

و قول خدای تعالی: ﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ﴾^۱ و همان است قول آن حضرت که فرمود:

«به خدا سوگند اگر همه‌ی فرشتگان مقرب یا پیامبران مُرْسَل، درباره‌ی یک ناصبی (مخالف ولایت) شفاعت کنند پذیرفته نخواهد شد.»

قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾^۲ و چون به فرعون رسید که بنی اسرائیل می‌گویند: در بین ما مردی به دنیا می‌آید که هلاکت فرعون و اصحابش به دست اوست، از این رو پسران آن‌ها را می‌کشت و دختران را وامی‌گذاشت.

اما قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...﴾^۳ خدای تبارک و تعالی به موسی عليه السلام وحی کرد که من به تو تورات را که در آن احکامی است تا چهل روز نازل می‌کنم، یعنی ماه ذیقعد و ده روز از ذیحجه. موسی عليه السلام به اصحابش گفت: همانا خداوند به من وعده داده

۱. بقره، ۴۸: ﴿از آن روزی بترسید که هیچ‌کس از دیگری دفاع نمی‌کند و نه شفاعت و گرامتی پذیرفته می‌شود.﴾

۲. همان، ۴۹: ﴿به خاطر بیاورید زمانی را که شما را به شدیدترین وجهی آزار می‌دادند؛ پسرانتان را سر می‌بریدند و زنان شما را برای کنیزی و خدمت زنده نگه می‌داشتند.﴾

۳. همان، ۵۱: ﴿با موسی چهل شب وعده گذاشتیم.﴾

است که تاسی روز تورات روی تخته‌هایی بر من فرو فرستد و خداوند به وی فرمان داد تا چهل روز به آن‌ها نگوید، پس سینه‌های آن‌ها تنگ شد.

قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾^۱ به راستی موسی علیه السلام به میقات رفت و نزد قومش برگشت، در حالی که گوساله را می‌پرستیدند به آن‌ها گفت: ﴿يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ گفتند: و چگونه ما خودمان را بکشیم؟ موسی علیه السلام گفت: فردا صبح هر یک از شما به بیت المقدس بروید و با خود کاردی یا آهن یا شمشیری داشته باشید همین که من روی منبر بنی اسرائیل رفتم، همگی رویتان را پوشیده باشید تا کسی همراهیش را نشناسد پس یکدیگر را بکشید!

پس هفتاد هزار مرد در بیت المقدس از آن کسانی که گوساله را پرستیده بودند گرد آمدند. همین که موسی علیه السلام با ایشان نماز گزارد، بالای منبر رفت، مردم رو به کشتن یکدیگر آوردند تا این که جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای موسی به ایشان بگو: خداوند محققاً توبه‌ی شما را پذیرفت، ده هزار نفر کشته شده است و این دستور را خداوند نازل کرد: ﴿ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ و این آیه را ﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ

۱. بقره، ۵۴: ﴿و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای مردم! شما با انتخاب گوساله به خود ستم کردید اکنون توبه کنید و به سوی آفریدگارتان بازگردید! باید توبه شما چنین باشد که یکدیگر را بکشید، این کار در پیشگاه خالق‌تان برای شما بهتر است.﴾

حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً...^۱

آنان هفتاد تن بودند که موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ انتخاب کرده بود تا کلام خدا را بشنوند، چون شنیدند گفتند: ای موسی! ما به تو ایمان نمی آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم از این رو خداوند صاعقه‌ای را بر ایشان فرستاد، آن‌ها را سوزاند.

سپس آن‌ها را پس از سوختن دوباره زنده کرد و پیامبرانی را برایشان مبعوث نمود، این خود دلیل بر رجعت در اَمّتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، زیرا که خود آن حضرت فرمود: چیزی در بنی اسرائیل نبود مگر در اَمّت من نیز مانند آن وجود دارد.

قول خدای تعالی: ﴿وَوَضَعْنَا عَلَىٰ كُفْرِكُمُ الْيَمْنَ وَالَّذِينَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَ السَّلْوٰی﴾^۲ به راستی بنی اسرائیل را چون موسی از دریا عبور داد در بیابانی فرود آمدند، گفتند: یا موسی! ما را هلاک ساختی و کشتی را از جای آباد به بیابانی در آوردی که نه سایه دارد، نه درختی و نه آبی! چنان شد که روز، ابری می آمد آن‌ها را از خورشید سایه می کرد و شب من (غذای لذیذ) برایشان نازل می شد و آن روی گیاهان، درخت و سنگ قرار می گرفت و مردم آن را می خوردند و شامگاه مرغ بریانی برای

۱. بقره، ۵۴ و ۵۵: ﴿این کار در پیشگاه خالقتان برای شما بهتر است و پس از آن خداوند توبه شما را پذیرفت که او بسیار توبه‌پذیر و بخشاینده است. هنگامی که گفتید: ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر این که خدا را آشکارا به چشم خود ببینیم.﴾

۲. بقره، ۵۷: ﴿ما ابر را برای شما سایبان قرار دادیم من و سلوی غذای لذیذ و نیروبخش را بر شما نازل کردیم، از این خوراک‌های پاکیزه‌ای که به شما دادیم بخورید و از فرمان خدا سرپیچی نکنید.﴾

ایشان می آمد و روی سفره های ایشان واقع می شد. و چون می خوردند و سیر می شدند، می پرید.

همراه موسی علیه السلام سنگی بود که آن را در وسط سپاه می گذاشت. سپس با عصایش آن را می زد و از آن دوازده چشمه جاری می شد؛ آن طوری که خداوند نقل کرده است، هر گروهی با وسائشان آن جا می رفتند و دوازده گروه بودند. همین که این مدت بر آن ها به درازا کشید، گفتند: یا موسی: ﴿لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلَهَا﴾: ما هرگز با یک نوع غذا نمی توانیم صبر کنیم بنابراین از خدا بخواه تا از آن چه از زمین می روید از سبزی ها، خیار، سیر، عدس و پیاز برای ما قرار دهد^۱ فُوم یعنی گندم. موسی علیه السلام در پاسخ آن ها فرمود: ﴿أَتَسْتَبِدُّونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالذِّئْبِ هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِضْرَقَانِ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ﴾^۲ گفتند: «یا موسی ان فیها قوماً جبارین و اننا لن ندخلها حتی یخرجوا منها فان اذخولون»^۳ بنابراین نیمی از آیه در سوره بقره و تمام جواب آن برای موسی علیه السلام در سوره ی مائده است. و قول خدای تعالی ﴿وَقُولُوا حِطَّةٌ﴾ یعنی گناهان ما را از ما بزدای! ولی آن ها عوض آن گفتند: «حِطَّةٌ» و خداوند فرمود: ﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَىٰ

۱. بقره، ۶۱.

۲. بقره، ۶۱: ﴿أَيَا شِمَا غَدَايِ پَسْتَرَا رَا دَر مَقَابِلِ اَن چِه بَهْتَرِ اسْتِ اَنْتَخَابِ مِي كْنِيْد؟ اَكْتُونِ كِه چِنِيْنِ اسْتِ اَزِ اَيْنِ بِيَابَانِ بِيْرُونِ شُوِيْدِ وَ كَوْشِشِ كْنِيْدِ وَاْرِدِ شَهْرِي شُوِيْدِ، زِيْرَا اَن چِه مِي خَوَاهِيْدِ دَرِ اَن جَاسْتِ.﴾

۳. مائده، ۲۲: ﴿گفتند: ای موسی! تو می دانی در آن جا قومی زورمند زندگی می کنند ما هرگز در آن گام نخواهیم گذاشت تا آن ها آن سرزمین را تخلیه کنند هنگامی که آن ها رفتند ما وارد می شویم.﴾

الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزاً مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ^۱ و قول خدای تعالی: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ﴾^۲ فرمود: «صابئون گروه خاصی بودند، نه یهودی بودند، نه نصرانی و نه مسلمان بلکه ستارگان ثابت و سیار را می پرستیدند.»

قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ﴾^۳ چون موسی علیه السلام نزد بنی اسرائیل برگشت و تورات را به همراه داشت، از او نپذیرفتند. خداوند کوه طور سینا را بالا سر ایشان بلند کرد و موسی علیه السلام به ایشان گفت: هر آینه اگر نپذیرید کوه بر سر شما می افتد و به یقین شما را می کشد! آن ها سرها را به زیر انداختند و گفتند: آن را می پذیریم.^۴

تشخیص قاتل

۱۲. اَمَّا قَوْلِ خَدَايَ تَعَالَى: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً﴾^۵ از ابن ابی عمیر بایک واسطه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، فرمود: «مردی از برگزیدگان و دانشمندان بنی اسرائیل زنی را از ایشان خواستگاری کرد با او موافقت کرد و پسر عموی آن مرد نیز

-
۱. بقره، ۵۹: ﴿اما آنها که ستم کرده بودند این سخن را به غیر آن چه گفته شده بود تغییر دادند ما نیز بر این ستمگران. بر حق آل محمد. به خاطر فسق و گناهشان از آسمان عذابی فرورستادیم.﴾
 ۲. همان، ۶۲: ﴿کسانی که ایمان آورده اند و هم چنین یهودیان، نصارا و صابئان.﴾
 ۳. بقره، ۶۳: ﴿زمانی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم و گفتیم آن چه از آیات به شما داده ایم با قدرت بگیرید.﴾
 ۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۴ - ۴۶.
 ۵. بقره، ۶۷: ﴿هنگامی که موسی به قوم خود گفت: خداوند به شما فرمان می دهد که باید گاوی را سر ببرید.﴾

خواستگاری کرده بود، که مرد فاسق و رذلی بود با او موافقت نکردند، پسر عموی وی با او که موافقت کرده بودند، حسد ورزید و بر سر راه او نشست و او را ناگهانی به قتل رساند سپس کشته‌ی او را نزد موسی علیه السلام برد و گفت: ای پیامبر خدا این پسر عموی من است که کشته‌اند! موسی علیه السلام فرمود: چه کسی او را کشته است؟ گفت: من نمی‌دانم. و قتل در بین بنی اسرائیل بسیار مهم بود، این موضوع بر موسی علیه السلام گران آمد، بنی اسرائیل برایشان جمع شدند، گفتند: ای پیامبر خدا چه می‌فرمایید؟ در بین بنی اسرائیل مردی بود، ماده گاوی داشت و پسر نیکوکاری داشت و نزد آن پسر کالایی بود که مردم به سراغ کالای او می‌آمدند و کلید خانه‌اش زیر سر پدرش بود و او خوابیده بود، پسر او نمی‌خواست او را بیدار کند و خوابش را بشکند، مردم برگشتند و کالای او را نخریدند، پدرش همین که بیدار شد، گفت: پسر من! با کالایت چه کردی؟ گفت: سر جایش هست، آن را نفروخته‌ام چون کلید زیر سر شما بود نخواستم از خواب بیدارت کنم و خوابت را درهم بشکنم! پدر گفت: این ماده‌گاو را عوض سودی که از کالایت از دست داده‌ای به تو دادم و خداوند از پسر او به خاطر کاری که با پدرش کرد شاگرد شد و به بنی اسرائیل دستور داد تا همان ماده‌گاو را سر ببرند، همین که پیرامون موسی علیه السلام جمع شدند و گریه و زاری کردند، موسی علیه السلام به ایشان گفت: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً﴾ تعجب کردند و گفتند: ﴿أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا﴾^۱ کشته‌ای را نزد تو می‌آوریم می‌گویی: ماده‌گاووری را بکشید؟! موسی گفت: ﴿أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾^۲ پس دانستند که آن‌ها اشتباه

۱. بقره، ۶۷: ﴿گفتند: آیا ما را به مسخره گرفته‌ای؟!﴾

۲. همان: ﴿موسی گفت: به خدا پناه می‌برم که از جاهلان باشم.﴾

کرده‌اند گفتند: ﴿ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بُكْرٌ﴾^۱ فارض حیوانی است که حیوان نر با او آمیزش کرده ولی باردار نشده است و بکر حیوانی است که حیوان نر با او آمیزش نکرده باشد. ﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا لَوْ نُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا﴾ - یعنی زرد پررنگ - تَسْرُّ النَّاطِرِينَ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ - یعنی رام و آماده نباشد - وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ - یعنی: زراعت را آبیاری نکند - مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا - یعنی خالی جز زردی نداشته باشد - قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبِّحْهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾^۲

آن ماده گاو برای فلانی است. پس رفتند که آن را بخرند، گفت: نمی‌فروشم مگر پوست او را پر از طلا کنید! دوباره پیش موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ برگشتند و به او خبر دادند، موسی به ایشان فرمود: شما ناگزیر از سر بریدن همان ماده گاوید (به بهای) پر کردن پوست او از طلا، پس آن را

۱. همان، ۶۸: ﴿گفتند: اکنون که چنین است از پروردگارت بخواه برای ما مشخص کند که این چگونه گاوی باشد؟ موسی گفت: خداوند می‌فرماید: ماده گاوی باشد نه پیر از کار افتاده و نه بکر جوان بلکه بین این دو باشد.﴾

۲. همان، ۶۹ - ۷۱: ﴿گفتند: از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن کن که رنگ آن چگونه باشد؟ گفت: خداوند می‌فرماید: گاو ماده‌ای باشد زرد یکدست که رنگ آن بینندگان را شادمان سازد. باز گفتند از پروردگارت بخواه برای ما روشن کند این چگونه گاوی باشد از نظر کار کردن؟ چرا که آن برای ما مبهم است و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد. موسی گفت: خدا می‌فرماید: گاوی باشد که برای شخم زدن رام نشده و برای زراعت آبکشی نکند، از هر عیبی بر کنار هیچ رنگ دیگری نداشته باشد. گفتند: حالا حق مطلب را ادا کردی و آن را سر بریدند ولی مایل به انجام آن نبودند.﴾

سر بریدند، سپس گفتند: ای پیامبر خدا! کنون به ما چه فرمان می دهی؟
 خدای تعالی به او وحی کرد: به آن ها بگو: با قسمتی از بدن گاو مقتول را
 بزنید و بگویید: چه کسی تو را کشت؟

پس دُم گاو را گرفتند و بدان وسیله او را زدند و گفتند: فلانی چه
 کسی تو را کشته است؟ گفت: فلان کس پسر فلانی؛ پسر عموی من که او
 را آورد و آن است، قول خدای تعالی: ﴿فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي
 اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۱

قول خدای تعالی: ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ
 يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ...﴾^۲ این آیه
 درباره ی یهود نازل شده است در حالی که آن ها اظهار اسلام می کردند
 ولی منافق بودند و چنان بودند که هرگاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را می دیدند،
 می گفتند: ما با شما بییم و چون یهودیان را می دیدند می گفتند: با شما بییم
 و به مسلمانان آن چه در تورات از اوصاف رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و
 اصحابش آمده بود خبر می دادند، بزرگان و دانشمندان ایشان به آن ها
 گفتند: ﴿أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^۳
 پس خداوند بر دُ ایشان فرمود: ﴿أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَ

۱. بقره، ۷۳: ﴿ سپس گفتیم: قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! آری خداوند این گونه
 مردگان را زنده می کند و این گونه آیات خود را به شما نشان می دهد تا تعقل کنید. ﴾
 ۲. همان، ۷۵: ﴿ شما چگونه انتظار دارید که این قوم به دستور آیین شما ایمان
 بیاورند با این که گروهی از ایشان سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهم آن را
 تحریف می کردند در حالی که علم داشتند. ﴾
 ۳. همان، ۷۶: ﴿ چرا مطالبی را که خداوند در تورات به شما گفته است به مسلمانان
 می گوئید تا در قیامت بر ضد شما در پیشگاه خدا استدلال کنند، آیا نمی فهمید؟ ﴾

مَا يُعْلِنُونَ وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ فَوَيْلٌ
لِّلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلًا
فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ^۱ و قول خدای تعالی:
﴿وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً﴾

بنی اسرائیل گفتند: هرگز آتش دوزخ به ما نمی رسد و هرگز جز چند روزی که ما گو ساله را پرستیدیم. پس خداوند بر رد گفته آن ها فرمود:
﴿وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا...﴾ یا محمد به آن ها بگو: ﴿أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدَ فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲ و این قول خدا: ﴿قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۳ درباره ی یهود نازل شد سپس با این کلام خدا: ﴿فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾^۴ نسخ شد.

اما قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ...﴾^۵ تنها درباره

۱. همان، ۷۷ - ۷۹: ﴿آیا آن ها نمی دانند که خداوند از اسرار درون و بیرون آن ها آگاه است، گروهی از آن ها از دانش بی بهره اند و از کتاب خدا جز یک مشت آرزوها نمی دانند و تنها به پندارهایشان دل بسته اند. وای بر آن ها که مطالب خود را به دست خود می نویسند و بعد می گویند از سوی خداست و هدفشان این است که با این کار بهای کمی به دست آورند، وای بر آن ها از آن چه با این خیانت ها به دست می آورند!﴾

۲. همان، ۸۰: ﴿آن ها گفتند: هرگز آتش دوزخ جز چند روزی بما نخواهد رسید! بگو: آیا پیمانی نزد خدا بسته اید که هرگز خداوند از پیمان شما تخلف نخواهد کرد، یا این که چیزی را به خدا نسبت می دهید که نمی دانید؟﴾

۳. همان، ۸۳: ﴿با سخنان نیکو با مردم سخن گوید!﴾

۴. توبه، ۵: ﴿بت پرستان را هر کجا یافتید بکشید!﴾

۵. بقره، ۸۴: ﴿چون از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و از خانه های خود بیرون نکنید... شما به همه این ها اقرار کردید و بر این پیمان گواه بودید...﴾

ابوذر رضی الله عنه و عثمان بن عفان نازل شده است. علت آن هم این بود که چون عثمان دستور داد، ابوذر را به ربهه تبعید کنند، ابوذر بر او وارد شد، بیمار بود به چوب دستیش تکیه داده بود در حالی که جلوی عثمان صدهزار درهم از بعضی نواحی آورده بودند و اصحابش در پیرامون او داشتند به پول هانگامی می کردند و منتظر بودند که بین آنها تقسیم کند. ابوذر به عثمان گفت: این مال چیست؟

عثمان گفت: صدهزار درهم است، از یکی از نواحی برای من آورده اند؛ می خواهم همان قدر هم بر آن ها بیافزایم تا بعد بینم چه کنم؟ ابوذر گفت: یا عثمان! صدهزار درهم بیشتر است یا چهار دینار؟

عثمان گفت: البته که صدهزار درهم. ابوذر گفت: به خاطر داری که شامگاهی من و تو بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدیم دیدیم افسرده و غمگین است، به او سلام دادیم جواب سلام ما را نداد چون صبح کردیم خدمتش رفتیم دیدیم خندان و مسرور است عرض کردیم: پدران و مادرانمان به فدایت! دیشب خدمت شما آمدیم دیدیم ناراحت و غمگین هستید، سپس امروز برگشته ایم می بینیم خوشحال و شادمانید؟ فرمود: آری در نزد من از مالیات مسلمان ها چهار دینار مانده بود که نتوانستم تقسیم کنم ترسیدم که مرگ به سراغم بیاید و آن مبلغ نزد من بماند ولی امروز آن را تقسیم کردم و از آن بابت راحت شدم.

عثمان نگاهی به کعب الأخبار کرد و گفت: یا ابا اسحاق! چه می گویی درباره مردی که زکات واجب مالش را داده است، آیا چیزی بر او واجب است؟ او گفت: نه، اگر خشتی از طلا و خشتی از نقره داشته باشد، چیزی بر او واجب نیست. ابوذر چوب دستیش را بلند کرد و آن را

بر سر کعب زد سپس فرمود: یهودی زاده کافر! تو را چه به اظهار نظر در احکام مسلمانان، قول خدا راست تر از حرف تو است آن جا که فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَا نَفْسَكُمْ فذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾^۱

عثمان گفت: ای ابوذر! تو پیر نادانی هستی و عقلت را از دست داده‌ای و اگر صحابی رسول خدا ﷺ نبودی هر آینه کشته بودمت! ابوذر گفت: عثمان! دروغ گفתי. حبیبم رسول خدا ﷺ فرمود: ابوذر! نه تو را می‌توانند منحرف کنند و نه می‌توانند بکشند! اما عقل من به قدری مانده است که حدیثی را که از رسول خدا ﷺ درباره‌ی تو و اصحاب تو شنیده‌ام به خاطر داشته باشم!

عثمان گفت: از رسول خدا ﷺ درباره‌ی من و قوم من چه شنیده‌ای؟ گفت: شنیدم که می‌فرمود: چون خاندان ابوالعاص به سی مرد برسند، مال خدا را دست به دست بگردانند و کتاب خدا را درهم پیچند و بسندگان او را به بردگی بگیرند و باتبهکاران هم دسته شده و با شایستگان بجنگند!

عثمان گفت: ای توده‌ی اصحاب محمد! آیا کسی از شما این را از

۱. توبه، ۳۴ و ۳۵: ﴿و کسانی که طلا و نقره را جمع‌آوری و گنجینه و پنهان می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌نمایند آن‌ها را به عذاب دردناکی بشارت بده! روزی فرا خواهد رسید که این سگه‌ها را در آتش سوزان دوزخ داغ و گداخته کرده و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ می‌کنند (می‌گویند): این همان چیزی است که برای خودتان اندوختید و به صورت کنز درآوردید، اکنون بچشید آن چه را که برای خود اندوخته بودید.﴾

رسول خدا ص شنیده است؟

گفتند: ما این حرف را از رسول خدا ص نشنیده ایم! عثمان گفت: علی را فراخوان! امیرالمؤمنین ع آمد، عثمان گفت: یا اباالحسن! بین این پیر مرد دروغگو چه می گوید؟

امیرالمؤمنین ع فرمود: «یا عثمان! ساکت باش! نگو: دروغگو! که من از رسول خدا ص شنیدم که می فرمود: «آسمان سایه نیافکنده و زمین حمل نکرده است، کسی را راستگو تر از ابوذر!

اصحاب رسول خدا ص پس از شنیدن سخن امیرالمؤمنین ع گفتند: ابوذر راست گفت؛ ما این را از رسول خدا ص شنیدیم! آن جا بود که ابوذر گریه کرد و گفت: وای بر شما، همه ی شما گردنتان را به سمت این مال دراز کرده اید، گمان کردید که من دروغ بر رسول خدا ص می بندم! سپس نگاهی به ایشان کرد و گفت: کدام یک بهترین شماست؟ آن ها گفتند: (توبگو) چه کسی بهترین ماست؟ ابوذر گفت: من. آن ها گفتند: تو می گویی بهترین ما هستی؟ فرمود: آری من حبیب رسول خدا ص را در همین لباس تنم پشت سر گذاشتم در حالی که او از من راضی بود، در حالی که شما کارهای (ناشایست) فراوانی داشتید! و خدا شما را از آن ها بازخواست می کند ولی از من بازخواست نمی کند.

عثمان گفت: یا اباذر! به حق رسول خدا ص که چیزی را از تو می پرسم باید خبر دهی! ابوذر گفت: به خدا که اگر به حق محمد رسول خدا ص هم نپرسیده بودی، تو را خبر می دادم.

پرسید: کدام یک از شهرها را بیشتر دوست داری که آن جا باشی؟ ابوذر گفت: مکه حرم خدا و هم چنین حرم رسول خدا ص را که خدا

را عبادت کنم تا مرگم فرارسد!

عثمان گفت: نه، مناسب تو نیست. فرمود: مدینه حرم رسول خدا ﷺ، عثمان گفت، نه، مناسب تو نیست. ابوذر سکوت کرد، عثمان گفت: از کدام یک از شهرها بیشتر ناراحتی که در آن جا باشی؟ فرمود: ربه که من در آن جابر غیر دین اسلام بودم! عثمان گفت: پس به همان جا برو!

ابوذر گفت: تو از من پرسیدی و من به تو راست گفتم، پس من هم از تو می پرسم، جواب مرا راست بگو! عثمان گفت: آری. ابوذر گفت: به من بگو، اگر مرا به همراه اصحابت به سراغ مشرکان فرستاده بودی و آن ها مرا اسیر می گرفتند و می گفتند: ما عوض او را جز یک سوم ثروتت نمی پذیریم چه می کردی؟

عثمان گفت: فدیة می دادم. گفت: اگر می گفتند: قبول نمی کنیم مگر نصف ثروت خود را بدهی؟ گفت: فدیة می دادم. باز ابوذر گفت: اگر می گفتند: عوض او را نمی پذیریم مگر تمام ثروت خود را بدهی؟ گفت: می دادم. ابوذر گفت: الله اکبر روزی حبیب رسول خدا ﷺ فرمود: یا اباذر چگونه خواهی بود وقتی که به تو بگویند: کدام یک از شهرها را بیشتر دوست داری که در آن جا باشی می گویی مکه حرم خدا و رسولش که خدا را در آن عبادت کنم تا مرگم به سراغ من بیاید! پس به تو گفته شود: نه و کرامتی برای تو نیست. باز می گویی مدینه حرم رسول خدا ﷺ را. گویند: نه و کرامتی برای تو نیست. سپس به تو گفته می شود: کدام یک از شهرها برایت مبعوض تر است که در آن جا باشی؟ می گویی ربه که در آن جا به غیر دین اسلام بودم! به تو گویند: به آن جا برو!

عرض کردم: به راستی این شدنی است؟ فرمود: آری به خدایی که جان من دست اوست، حتمی می شود.

... در حالی که خداوند درباره ی تو و عثمان آیه ای نازل کرده است. گفتیم: کدام آیه را یا رسول الله؟ فرمود: قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى فَفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتُوْا مَنْ يَبِغِضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضِ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾^۱ و اما قول خدای تعالی: ﴿وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ﴾.^۲ آن ها گوساله را دوست داشتند تا آن جا که پرستیدند. سپس گفتند: ما دوستداران خداییم، از این رو خدای عز و جل فرمود: اگر شما اولیای خدا هستید آن طوری که می گوید: ﴿فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ

۱. بقره، ۸۴ و ۸۵: ﴿هنگامی که از شما پیمان گرفتیم خون یکدیگر را نریزید یکدیگر را از خانه های خود بیرون نکنید! شما به همه این مواد اقرار کردید و بر این پیمان گواه بودید. سپس شما بودید که یکدیگر را به قتل می رساندید و جمعی از خودتان را از سرزمین شان آواره می کردید و در انجام این گناه یکدیگر را کمک می کردید. ولی در این میان هنگامی که بعضی از آن ها به صورت اسیران نزد شما بیایند فدیة می دهید و آن ها را آزاد می سازید در حالی که بیرون کردن آن ها از خانه شان از اول بر شما حرام بود. آیا به بعضی از فرمان های کتاب خدا ایمان دارید و نسبت به بعضی کافر می شوید؟! جزای کسی از شما که چنین باشد آیا چیزی جز رسوایی در زندگی این دنیا و در رستخیز به اشد عذاب نخواهد بود؟ و خداوند از اعمال شما غافل نیست﴾.

۲. بقره، ۹۳: ﴿آری، دل های آن ها به خاطر کفرشان بامحبت گوساله های آبیاری شده بود﴾.

صَادِقِينَ^۱ چون در تورات نوشته شده است که اولیای خدا آرزوی مرگ دارند و از مردن نمی ترسند.

قول خدای تعالی: ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ چون این آیه درباره ی یهودیانی نازل شد که به رسول خدا ﷺ گفتند: به راستی ما را در بین فرشتگان، دوستان و دشمنانی است. رسول خدا ﷺ فرمود: چه کسی دوست شما و چه کسی دشمن شماست؟ گفتند: جبرئیل دشمن ماست؛ زیرا که او عذاب را می آورد و اگر آن که قرآن را بر تو نازل می کند، میکائیل بود ما به تو ایمان می آوردیم! چرا که میکائیل دوست ما و جبرئیل فرشته ی جدایی و عذاب و میکائیل فرشته ی رحمت است. از این رو خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾^{۳ و ۲}

۱. همان، ۹۴: ﴿اگر راست می گوید، آرزوی مرگ کنید.﴾

۲. همان، ۹۷ - ۹۸: ﴿به آن ها بگو: هرکس دشمن جبرئیل باشد در حقیقت دشمن خداست چرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است. قرآنی که کتاب های آسمانی پیشین را تصدیق می کند، قرآنی که مایه هدایت و بشارت برای مؤمنان است. هرکس دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او جبرئیل و میکائیل باشد خداوند دشمن اوست، خداوند دشمن کافران است.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۷ - ۵۰.

* شب‌های ماه رمضان

اوقات شناخته شده

۱۳. قول خدای تعالی: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾^۱

از حماد نقل کرده شده که می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خودم را به دعا کردن برای برادران و اهل ولایت سرگرم کرده‌ام، در این باره نظر شما چیست؟

فرمود: «خدای تبارک و تعالی دعای غایب برای غایب و دعای کسی که برای مردان و زنان مؤمن و اهل مودتِ ما دعا کند اجابت می‌کند و از زمان آدم علیه السلام تا روز قیامت برای هر مؤمنی حسنه‌ای به او باز می‌دهد. سپس فرمود: «خدای تعالی نمازها را در بهترین ساعات واجب کرده است، بر شما باد به دعای پس از نماز!» آنگاه برای من و حاضران دعا کرد.

قول خدای تعالی: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ﴾^۲ امام صادق علیه السلام فرمود:

«به راستی خداوند می‌دانست که حاکمانی به غیر حق حکم می‌کنند از این رو از مراجعه به حکم آن‌ها نهی فرمود، زیرا که آن‌ها به حق حکم نمی‌کنند پس اموال باطل (و حرام) می‌گردد.»

۱. بقره، ۱۸۶: ﴿هنگامی که بندگانم از تو درباره من سؤال کنند، بگو: من نزدیکم

من دعای دعاکننده را هنگامی که مرا می‌خواند اجابت می‌کنم!﴾

۲. بقره، ۱۸۸: ﴿اموال یکدیگر را در میان خود به باطل و ناحق نخورید و برای

خوردن بخشی از اموال مردم به گناه بخشی از آن را به قضات ندهید درحالی‌که

می‌دانید.﴾

قول خدای تعالی: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾.^۱ چون اوقاتی از آن‌ها معلوم و مشهور است در وقت‌های شناخته شده ولی قسمتی از آن‌ها مبهم است. اما اوقات معروف و مشهور چهار تا است: ماه‌های حرام که خداوند در کلام خود آن‌ها را یاد کرده است: ﴿مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ﴾^۲ و دوازده ماهی که خداوند آن‌ها را آفریده و معروف به هلال است؛ اول آن‌ها محرّم و آخر آن‌ها ذیحجه است و چهار ماه حرام: ماه رجب و ماه‌های ذیقعد و ذی حجه و محرم که به هم پیوسته است؛ خداوند پیکار در آن‌ها را حرام کرده و گناهان و هم‌چنین حسنات در آن‌ها دو برابر است.

ماه‌هایی که به ماه‌های جهانگردی معروف است، عبارتند از: بیست روز از ماه ذیحجه، محرّم، صفر و ماه ربیع‌الاول و بیست روز از ماه ربیع‌الثانی که خداوند در آن‌ها پیکار با مشرکان را حلال شمرده است در کلام خود: ﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾^۳ و ماه‌هایی که به ماه‌های حج معروف است و آن ماه شوال، ذیقعد و ذیحجه است، از این جهت آن‌ها را ماه‌های حج گفته‌اند که هر کس در این ماه‌ها؛ در شوال یا ذیقعد و یا ذیحجه عمره بجا آورد و نیت کند که در مکه بماند تا حج را به جا آورد، در حقیقت عمره را تا حج تمتع بجا آورده است. ولی اگر کسی در غیر این ماه‌ها عمره انجام دهد سپس نیت کند که تا موسم حج اقامت کند یا نیت نکند از جمله کسانی نخواهد بود که عمره را تا حج

۱. همان، ۱۸۹: ﴿درباره هلال‌های ماه از تو می‌پرسند بگو این‌ها بیان اوقات

طبیعی برای مردم و حج است.﴾

۲. توبه، ۳۶: ﴿از دوازده ماه چهار ماه حرام است.﴾

۳. توبه، ۲: ﴿چهار ماه آزادانه به هر کجا می‌خواهید بروید.﴾

تمتع بجا آورده است، زیرا که او در ماه‌های حج وارد مکه نشده است، پس این‌ها را ماه‌های حج نامیده و خدای تعالی فرموده است: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾^۱

و ماه رمضان معروف است و اما اوقات مبهمی که هرگاه پیش‌آمدی شود باید انتظار آن ماه‌ها را کشید، مانند عده زنان در وقت طلاق و زنی که شوهرش فوت کرده است. بنابراین زنی را که شوهرش طلاق داده است اگر در عادت ماهیانه باشد پاک شدن‌هایش را عده‌نگاه می‌دارد، که خداوند فرموده است و اگر عادت ماهیانه نمی‌بیند سه ماه پاک بودن را بدون خون و عده زنی که شوهرش وفات یافته است، چهار ماه و ده روز است و عده زن طلاق داده شده باردار و وضع حمل اوست و مدت ایلا (مردی که سوگند به عدم تماس با همسرش خورده است) چهار ماه است و هم‌چنین در وام‌هایی که بین اشخاص تا مدت معینی است و دو ماه پیاپی در مورد ظهار^۲ و دو ماه روزه پیاپی در کفاره قتل غیر عمد و ده روز روزه گرفتن در حج، برای کسی که به قربانی دسترسی نداشته است و سه روز روزه واجب در کفاره قسم، این‌ها اوقات شناخته شده و مبهمی است که خدای عز و جل در کتاب آن‌ها را یاد کرده، می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾^۳

۱. بقره، ۱۹۷: ﴿حج در ماه‌های معینی است.﴾

۲. نوعی از طلاق است که در دوره‌ی جاهلیت رواج داشت و مرد در این نوع طلاق به همسرش می‌گوید: «ظَهْرِكَ عَلَيَّ كَظَهْرِ أُمِّي عَلَيَّ» یعنی، همان‌طور که آمیزش با مادر حرام است، انجام این عمل با تو نیز بر من حرام است و با گفتن این عبارت زن تا ابد بر همسرش حرام می‌شود. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴۳. (خ)

۳. بقره، ۱۸۹.

أَمَا قَوْلَ خَدَايَ تَعَالَى: ﴿لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^۱ فرمود:

«درباره امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نازل شده است به دلیل قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: من شهر علمم و علی عَلَيْهِ السَّلَام دروازه‌ی آن شهر است و وارد شهر نشوید جز از دروازه‌ی آن.»

قول خدای تعالی: ﴿وَأَتُمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أذىٌ مِنْ رَأْسِهِ فِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ﴾^۲

زیرا که چون شخصی برای عمره تا حج تمتع احرام ببندد و مُحْرِم شود، سپس در بین راه پیش از رسیدن به مکه اتفافی برای او بیفتد که نتواند برود، او در جای خودش که محاصره شده می ماند و از طرف خود یک قربانی؛ اگر توانگر است شتری و اگر متوسط الحال است گاوی و اگر تنگدست است گوسفندی می فرستد و هم چنان در لباس احرام خود می ماند و اگر در سرش دردی یا زخمی باشد، سرش را بترشد و از احرام درآید و لباس هایش را بپوشد و یک قربانی دهد یا شش روز روزه بگیرد یا ده مستمند را صدقه دهد یا نُسُک؛ و آن خون، یعنی ذبح گوسفند است. بنابراین کسی که عمره‌ی حج تمتع را به جا آورد، لازم

۱. همان، ﴿کار نیک آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید بلکه نیکی آن است که تقوا پیشه کنید و از در خانه‌ها وارد شوید!﴾

۲. همان، ۱۹۶: ﴿حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید! اگر محصور شدید موانعی پس از احرام باعث عدم ورود به مکه شد آن چه از قربانی فراهم شود. سرهای خود را تتراشید تا قربانی به محلش برسد. اگر کسی از شما مریض بود یا ناراحتی در سر داشت باید فدیهای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد.﴾

است که در وقت احرام شرط کند و بگوید: خداوندا! من قصد عمره تا حج تمتع را دارم براساس کتاب تو و سنت پیامبرت، بنابراین اگر مانعی مرا باز دارد یا بازدارنده‌ای مرا باز ندارد، تو مرا به قدرت خودت که بر من قادری هر وقت مرا باز داشتند آزاد کن!

سپس از میقاتی که رسول خدا تعیین کرد و تلبیه گفت، تلبیه بگوید، می‌گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمَلِكُ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ حَجَّةَ بَعْمَرَةَ تَمَامَهَا وَ بَلَاغَهَا عَلَيْكَ».

چون وارد مکه شد دو چشمش به خانه‌های مکه افتاد تلبیه را قطع کند و هفت شوط^۱، اطراف کعبه طواف نماید و نزد مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بخواند و بین صفا و مروه هفت شوط سعی کند سپس از احرام درآید و از جامه‌ها و زنان (همسران) و بوی خوش بهرمنند شود و تا روز ترویه (هشتم ذی‌الحجه) اقامه حج می‌کند و چون روز ترویه شد، موقع ظهر از همان اقامتگاه محرم می‌شود سپس تلبیه گویان به سمت منا بیرون آید و هم‌چنان تا نیمروز روز عرفه تلبیه گوید. چون آفتاب روز عرفه به نیمه رسید، تلبیه را قطع کرده و در عرفات برای دعا وقوف می‌کند: (الله اکبر و لا اله الا الله والحمد لله) می‌گوید. همین‌که آفتاب غروب کرد به مُزْدَلَفَه برمی‌گردد و آن‌جا شب را سپری می‌کند چون صبح شد در مشعر الحرام می‌ایستند و دعا و تهلیل، تسبیح و تکبیر می‌گویند سپس از آن‌جا به سمت منا حرکت کند و رمی جمرات و قربانی کند سر بتراشد؛ اگر توانگر است شتری و اگر متوسط الحال است

۱. شوط اصطلاحی است که در باب حج و به هر دور چرخیدن دور خانه کعبه گفته می‌شود. (خ)

گاو و اگر تنگدست است گوسفندی قربانی کند و کسی که دسترسی به قربانی نداشت سه روز در مکه روزه بگیرد و چون به خانه اش برگشت هفت روز، روزه می‌گیرد و این ده روز جای قربانی را می‌گیرد که بر او واجب بود، همان است قول خدای تعالی: ﴿فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ﴾^۱

این‌ها برای کسی است که مقیم مکه و اهل مکه نباشد، اما اهل مکه و هر که اطراف مکه تا چهل و هشت میلی باشد، حج تمتع ندارد بلکه حج افراد بجای آورد به دلیل قول خدای تعالی: ﴿لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾^۲ اما قول خدا: ﴿فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ﴾^۳ رَفَتْ به معنی آمیزش و فسوق یعنی دروغ و جدال به معنی خصومت است.^۴

آمیزش گناهان

۱۴. قول خدای تعالی: ﴿فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾^۵ از سفیان بن عیینه نقل کرده است، می‌گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پس از بازگشت وی از موقف پرسید و گفت: آیا به نظر شما خداوند از همه‌ی این خلق اجابت می‌کند؟ امام صادق علیه السلام

۱. بقره، ۱۹۶: ﴿کسی که ندارد، باید سه روز در ایام حج و هفت روز به هنگام

بازگشت روزه بدارد، این ده روز کامل است.﴾

۲. همان، این برنامه حج تمتع برای کسی است که خانواده او نزد مسجدالحرام نباشد.

۳. همان، ۱۹۷: ﴿آن‌ها که حج را بر خود فرض کرده‌اند محرم شده‌اند در حج آمیزش و گناه و جدال نیست.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۰-۶۵.

۵. بقره، ۲۰۰: ﴿گروهی از مردم می‌گویند: خداوندا! در دنیا به ما نیکی عطا کن! ولی در آخرت بهره‌ای ندارند.﴾

فرمود: «هیچ کسی از مردم در این موقف چه مؤمن و چه کافر نیستد، مگر خداوند او را بیامرزد! جز این که آن‌ها در آمرزششان بر سه جایگاهند: مؤمنی که خداوند گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و او را از آتش دوزخ آزاد کند و آن است قول خدای تعالی: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^۱ و مؤمنی که خداوند گناهان گذشته او را بیامرزد و به او گفته شود: در باقیمانده عمرت خوش کردار باش! و آن است قول خدای تعالی: ﴿فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى﴾ (از گناهان کبیره بپرهیزند)^۲

اما توده‌ی مردم، آن‌ها می‌گویند: هر که تعجیل کند در دو روز انجام دهد، گناهی بر ایشان نیست و هر که تأخیر کند، گناهی بر او نیست؛ برای کسی که از شکار خودداری کند! آیا دیده‌ای که خداوند متعال شکار را پس از این که حلال کرده است، حرام گرداند؟ به دلیل قول او: ﴿وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا﴾^۳ در تفسیر عامه معنای این جمله چنین آمده است: هرگاه از احرام بیرون آمدید، از صید بپرهیزید!

اما کافر که در این موقف وقوف کرده، طالب زینت دنیا است، خداوند گناهان گذشته او را بیامرزد اگر از شرک توبه کند و اگر توبه نکند، مزد او را در دنیا مرحمت می‌کند و از پاداش این موقف او را

۱. بقره، ۲۰۱: ﴿و گروهی می‌گویند: پروردگارا! به ما نیکی عطا فرما و در آخرت

نیکی عطا کن! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!﴾

۲. همان، ۲۰۳: ﴿کسانی که تعجیل کنند و ذکر خدا را در دو روز انجام دهند گناهی بر آنان نیست و کسانی که تأخیر کنند گناهی بر آنان نیست؛ برای کسانی که تقوا پیشه کنند.﴾

۳. مائده، ۲: ﴿چون از احرام بیرون شدید صید بر شما حلال است.﴾

محروم نمی‌سازد.

آن است قول خدای تعالی: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱ و قول خدا: ﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ﴾^۲ فرمود:

«سه روز تشریق (سه روز پس از عید قربان) و ده روز معلوم از

ذیحجه است.»

قول خدای تعالی: ﴿وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ﴾^۳ فرمود:

«حرث در این جا آیین و نسل، مردم است و این آیه درباره فلانی

نازل شده - و به قولی درباره معاویه - است.»

قول خدای متعال: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۴

فرمود:

«آن شخص امیرالمؤمنین علیه السلام است و معنای یشری یعنی نثار

می‌کند.»

قول خداوند: ﴿ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾^۵ فرمود:

«در ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام.»

۱. هود، ۱۵ و ۱۶: ﴿کسی که هدفش زندگی دنیا و زینت آن باشد نتیجه اعمالش را در همین دنیا بطور کامل می‌دهیم. بدون این‌که چیزی از آن کم شود، این افراد در آخرت بهره‌ای جز آتش ندارند و تمام آن چه را که در این جهان انجام داده‌اند در آن جهان محو شود.»

۲. بقره، ۲۰۳: ﴿خدا را در روزهای معینی یاد کنید!﴾

۳. همان، ۲۰۵: ﴿زراعت و چهارپایان را نابود کند.»

۴. همان، ۲۰۷: ﴿از میان مردم کسانی هستند که جان خود را در برابر خشنودی خدا می‌فروشند.»

۵. همان، ۲۰۸: ﴿همگی در صلح و اشتی درآیید.»

قول خدای تعالی: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ فرمود:

«پیش از (نبوت) نوح مردم بر یک مذهب بودند، بینشان اختلاف افتاد، از این رو ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ﴾»^۱.

و قول خدای تعالی: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ﴾^۲ در مدینه نازل شد و آیه: ﴿كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ﴾^۳ را که در مکه نازل شده بود نسخ کرد. اما قول خدای تعالی: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ﴾^۴ سبب نزول این آیه آن بود که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت کرد، جمعی از مبارزان را به جاده هایی فرستاد که وارد مدینه می شد تا متعرض کاروان های قریش گردند تا این که عبدالله بن جحش را با جمعی از اصحابش جانب نخله فرستاد و آن باغی بود متعلق به بنی عامر تا کاروان قریش را موقعی که از طائف با خود کشمش و مواد غذایی و طعام می آورند بگیرند، در حالی که کاروان

۱. همان، ۲۱۳: ﴿خداوند پیامبرانی برانگیخت تا مردم را بشارت دهند و انذار نمایند و با ایشان کتاب آسمانی به حق نازل کرد تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند حکم کند.﴾

۲. بقره، ۲۱۶: ﴿بر شما جنگ مقرر شده است در حالی که از آن اکراه دارید.﴾

۳. نساء، ۷۷: ﴿فعلاً دست نگهدارید!﴾

۴. بقره، ۲۱۷: ﴿از تو درباره جنگ کردن در ماه های حرام می پرسند، به آن ها بگو: جنگ در آن ها گناه بزرگی است ولی جلوگیری از راه خدا و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک حرمت مسجد الحرام و بیرون کردن ساکنان آن نزد خدا مهم تر است و ایجاد فتنه از قتل هم بالاتر است.﴾

فرود آمده بود همه آن‌ها را گرفتند، در بین آن‌ها عبدالله حضرمی بود که هم پیمان عتبه بن ربیعہ بوده است، همین که چشم حضرمی به عبدالله بن جحش و یارانش افتاد، بی‌تابی کردند و آماده جنگ شدند و گفتند: اینان اصحاب محمد ﷺ هستند.

عبدالله بن جحش به یارانش فرمان داد، فرود آیند و سرهایشان را بترانند، فرود آمدند و سرهایشان را تراشیدند. ابن‌حضرمی گفت: این‌ها گروهی هستند اهل عبادت ما ترسی از آن‌ها نداریم. همین که آرام گرفتند اسلحه برداشتند، عبدالله بن جحش بر ایشان حمله برد و ابن‌حضرمی را به قتل رساند و اصحابش فرار کردند و تمام کاروان را با آن‌چه داشتند گرفتند و به مدینه بردند و این رویداد در نخستین روز ماه رجب از ماه‌های حرام بود، از کاروان و آن‌چه داشتند فاصله گرفتند و چیزی از آن‌ها برنداشتند، قریش طی نامه‌ای به رسول خدا ﷺ نوشتند تو حرمت ماه حرام را شکستی و در ماه حرام خونریزی کردی و مال را برگرفتی و حرف‌های زیادی در آن‌بارہ نوشتند، اصحاب رسول خدا ﷺ آمدند و گفتند: یا رسول الله! آیا قتل در ماه حرام جایز است؟ این آیه ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ...﴾^۱ نازل شد.

به پیامبر ﷺ فرمود: «قتال (جنگ) در ماه حرام گناه بزرگی است، ولی آن‌چه را که قریش با تو ای محمد! از بستن راه مسجد الحرام و کفر به خدا و بیرون کردن تو بسی از آن بزرگ‌تر است در نزد خدا و ایجاد فتنه یعنی کفر به خدا از قتل هم بالاتر است، سپس این آیه نازل شد: ﴿الشَّهْرِ الْحَرَامِ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ...﴾^۲ و قول خدای تعالی: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ

۱. بقره، ۲۱۷.

۲. بقره، ۱۹۴: ﴿ماه حرام در برابر ماه حرام است و حرمت قصاص دارد (این حج

مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ^۱ فرمود: «یعنی: نه خست و نه اسراف و ولخرجی.»
و این آیه: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ
فَأَخْوَانُكُمْ﴾^{۳۲}

راندن یتیم

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «چون این آیه نازل شد: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ
أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾^۴ هر کس
یتیمی در نزد خود داشت بیرون کرد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی
بیرون کردن آن‌ها پرسیدند، پس خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ...﴾ امام صادق علیه السلام فرمود:

«اشکالی ندارد غذای خود را با غذای یتیم مخلوط کنی، زیرا که
بزرگسال شاید با خردسال هم خوراک شود، اما پوشاک و دیگر
چیزها به قدر نیاز بر هر یک از خردسال و بزرگسال محاسبه
می‌شود.»

۲۴ خود نوعی قصاص است که هرگز مشرکان به فکر سواستفاده از احترام ماه‌های
حرام یا سرزمین محترم نباشند.) بنابراین هرکس به شما تجاوز کند بمانند آن بر او
تجاوز کنید ولی از خدا بپرهیزید (زیاده روی نکنید) و بدانید که خدا با پرهیزکاران
است. ﴿

۱. بقره، ۲۱۹: ﴿از تو می‌پرسند چه چیز را انفاق کنند؟ بگو از مازاد
نیازمندی‌هایشان.﴾

۲. همان، ۲۲۰: ﴿از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو اصلاح کار آنان بهتر است و
اگر زندگی خود را با آنان بیامیزد مانعی ندارد آن‌ها برادر شما هستند.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۷۸.

۴. نساء، ۱۰: ﴿کسانی اموال یتیمان را بناحق تصرف می‌کنند درحقیقت در
شکمشان تنها آتش می‌خورند و به زودی در آتش برافروخته وارد می‌شوند.﴾

اما قول خدای تعالی: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مِمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أُعْجِبَتْكُمْ﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا^۱ و قول خدای تعالی: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ﴾ به وسیله این آیه نسخ شده است: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ^۲﴾

ولی قول خداوند: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا﴾ به حال خود باقی است و نسخ نشده است. و قول خدای تعالی: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدَىٰ فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ - یعنی زنان تا [قبل از این که] غسل کنند نباید با آنها آمیزش کنید - فَاذًا تَطْهُرْنَ - یعنی غسل کردند - فَأَتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ^۳﴾ و قول خدای تعالی: ﴿نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ^۴﴾ یعنی هر زمان که خواستید ولی عامه در مورد این کلام خدا: ﴿أَنَّىٰ شِئْتُمْ﴾ تأویل کردند به هر کجا خواستید در جلو و عقب. امام صادق علیه السلام فرمود: ﴿أَنَّىٰ شِئْتُمْ﴾ یعنی هر زمان خواستید در فرج آمیزش کنید. دلیل بر فرموده ایشان «در فرج» این قول خداست: ﴿نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ﴾ حَرْث یعنی کشت در فرج، در محل زایش. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس در نخستین روزهای عادت ماهیانه همسرش با او

۱. بقره، ۲۲۱: ﴿با زنان مشرک تا وقتی که ایمان نیاورده‌اند ازدواج نکنید و کنیزان با ایمان از زنان آزاد مشرک بهترند هرچند زیبایی آنها شما را شگفت زده کند و دختران خود را به مردان مشرک ندهید تا وقتی که ایمان نیاورده‌اند.﴾

۲. مائده، ۵: ﴿زنان پاکدامن از مسلمانان و اهل کتاب برای شما حلال هستند.﴾

۳. بقره، ۲۱۲: ﴿از زنان در حالت قاعدگی کناره‌گیری کنید و با آنها آمیزش نکنید تا پاک شوند و چون پاک شوند از راهی که خدا به شما فرمان داده آمیزش کنید.﴾

۴. همان، ۲۲۳: ﴿همسران شما محل بذرافشانی شما هستند بنابراین هر زمان بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش کنید.﴾

آمیزش کند، باید یک دینار صدقه دهد و یک چهارم حد زناکار یعنی بیست و پنج تازیانه بخورد و اگر در آخرین روزهای عادت ماهیانه همسرش باشد، باید نصف دینار صدقه دهد و دوازده و نیم ضربه می خورد.»

قول خدای تعالی: ﴿وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۱ فرمود: «آن سخن مرد است در هر حال: نه به خدا و آری به خدا. اما قول خدای تعالی: ﴿لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَأَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^{۲ و ۳}

ایلاء و طلاق

۱۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«ایلاء آن است که مرد درباره‌ی همسرش سوگند یاد کند که با او هم‌بستر نشود، در آن صورت اگر زن صبر کرد که می‌تواند صبر کند ولی اگر به حاکم (امام) شکایت نمود، مرد را تا چهار ماه مهلت می‌دهد، سپس می‌گوید: یا به آمیزش با زنش بازگردد و یا او را طلاق دهد، اگر نه زندان ابد شود.»

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت خانه‌ای از نی

۱. بقره، ۲۲۴: ﴿خداوند را در معرض سوگندهای خود برای ترک نیکی، تقوا و

اصلاح بین مردم قرار ندهید.﴾

۲. همان، ۲۲۶: ﴿کسانی که از زنان خود ایلا می‌کنند [برای ترک آمیزش سوگند

می‌خورند] حق دارند چهارماه انتظار بکشند، اگر در این فرصت تصمیم به بازگشت

گرفتند، خداوند آمرزنده و مهربان است.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۷۹ و ۸۰.

ساخته بود و مردی را در آن قرار داده بود که نسبت به زنش ایلاء داشت پس از چهار ماه به او گفت: یا به هم بستری با او باز می‌گرددی یا او را طلاق می‌دهی و اگر نه این خانه [از] نی را بر سرت می‌سوزانم!

قول خدای تعالی: ﴿وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾ فرمود: «زن طلاق داده شده سه پاکی از عادت ماهیانه را اگر عادت می‌شود، عده نگاه می‌دارد ﴿وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾^۱

فرمود: «بر زن روا نیست که بارداری خود را یا عادت ماهیانه و یا پاکی خود را کتمان کند، در حالی که خداوند سه چیز را بر زنان ضروری ساخته است: پاک بودن از عادت و عادت ماهیانه و بارداری را» و قول خدای تعالی: ﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ﴾^۲ فرمود: «حق مردان بر زنان بالاتر از حق زنان بر مردان است.»^۳

امتحان سپاهیان طالوت

۱۷. قول خدای تعالی: ﴿فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ﴾ آن‌ها که از آن آب آشامیدند شصت هزار نفر بودند و این آزمونی بود چنان‌که خداوند فرموده است آن‌ها بدان وسیله آزمایش شدند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «افراد کمی که نیاشامیدند و مثنی از آن آب نخوردند سیصد و

۱. بقره، ۲۲۸: ﴿زنان مطلقه باید به مدت سه بار پاک شدن انتظار بکشند. برای آن‌ها حلال نیست که آن‌چه را در رحم آن‌ها آفریده شده است کتمان کنند اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارند.﴾
۲. بقره، ۲۲۸: ﴿و مردان را بر آن‌ها بر زنان برتری است.﴾
۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۸۱.

سیزده تن بودند. و چون از رود عبور کردند و چشمشان به سپاهیان جالوت افتاد، آن‌ها که از آن آب آشامیده بودند، گفتند: ﴿لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ﴾^۱ و آن‌ها که نیاشامیده بودند گفتند: ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۲ و داوود علیه السلام آمد تا در مقابل جالوت ایستاد در حالی که جالوت سوار بر فیلی و تاجی بر سر داشت و در رأس تاج یاقوتی که نورش می‌درخشید و سپاهیانش جلوی او بودند. داوود علیه السلام از آن سنگ‌ها یک سنگ برداشت و آن را به سمت راست جالوت انداخت، در هوا بالا رفت و روی آن‌ها افتاد، آن‌ها به هزیمت رفتند و سنگ دیگری برداشت و در سمت چپ جالوت پرت کرد، روی سر آن‌ها افتاد آن‌ها نیز فرار کردند و سنگ سومی را به سمت جالوت انداخت، آن یاقوت در پیشانی وی فرورفت و به مغزش رسید، او مرده روی زمین افتاد و آن است قول خدای تعالی: ﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ الْحِكْمَةَ﴾^۳ و^۴

۱. بقره، ۲۴۹: ﴿آن‌ها همگی جز عده کمی از ایشان از آن آب نوشیدند... گفتند:

امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم.﴾

۲. همان، ۲۵۰: ﴿پروردگارا! صبر و استقامت را بر ما فروریز! گام‌های ما را استوار

بدار و ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان!﴾

۳. همان، ۲۵۱: ﴿آن‌ها به فرمان خدا سپاهیان دشمن را شکست دادند و به هزیمت

واداشتند و داوود جوان نوحاسته جالوت را شکست داد، خداوند حکومت و دانش را

به او بخشید.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۸۳.

دفاع از شیعیان

۱۸. اما قول خدای تعالی: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^۱ امام صادق ع فرمود:

«به راستی که خداوند به وسیله‌ی نمازگزاران از شیعیان ما از کسانی از شیعیان ما که نماز نمی‌گذارند، دفاع می‌کند و اگر همگی نماز را ترک کنند، هلاک شوند. و محققاً خداوند به وسیله کسانی از شیعیان ما که زکات می‌دهند از کسانی که از شیعیان ما زکات نمی‌دهند، دفاع می‌کند در صورتی که اگر همگی زکات را ترک کنند به یقین هلاک شوند و خداوند به وسیله کسی از شیعیان ما که حج بجا می‌آورد، از کسی که حج بجا نمی‌آورد از شیعیان ما دفاع می‌کند و اگر همگی حج را ترک کنند به یقین هلاک شوند و همان است قول خدای تعالی: ﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ...﴾»^۲.

زنده شدن مردگان

۱۹. قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءً ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تَيْبَتُكَ سَعِيًّا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۳ امام صادق ع فرمود:

۱. بقره، ۲۵۱: ﴿و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند

سراسر زمین فاسد شود، ولی خداوند نسبت به همه جهانیان احسان دارد.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۸۴.

۳. بقره، ۲۶۰: ﴿به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم ع گفت: پروردگارا! به من

«ابراهیم علیه السلام نگاهی به مرداری کرد که بر ساحل دریا افتاده بود، درندگان صحرا و دریا آن را می‌خوردند سپس درندگان به یکدیگر حمله می‌بردند و یکدیگر را می‌خوردند، ابراهیم علیه السلام در شگفت شد و گفت: «رَبِّ ارْنِي...» پس ابراهیم علیه السلام طاووس، خروس، کبوتر و کلاغ را گرفت. خدای عزوجل فرمود: «فَصْرُهِنَّ إِلَيْكَ» یعنی آن‌ها را قطعه قطعه کن، سپس گوشت آن‌ها را در هم بیامیز و بر روی ده کوه جدا جدا قرار ده و بعد متقار آن پرندگان را بگیر و آن‌ها را فراخوان، به سرعت سوی تو می‌آیند! ابراهیم علیه السلام چنان کرد و روی ده کوه جداگانه قرار داد سپس آن‌ها را فراخواند و فرمود: «به اذن خدا مرا اجابت کنید! پس گرد آمده و گوشت و استخوان هر کدام به سمت سر خود آمده و به سمت ابراهیم علیه السلام پرواز کردند. این‌جا بود که ابراهیم علیه السلام گفت: خداوند توانا و حکیم است.»^۱

انفاق بدون منت

۲۰. درباره قول خدای تعالی: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَى...﴾^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول

کجا نشان ده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: آیا ایمان نیاورده‌ای؟ عرض کرد: آری ایمان آورده‌ام ولی می‌خواهم قلبم آرامش یابد. فرمود: حال که چنین است چهار نوع از پرندگان را بگیر و آن‌ها را پس از ذبح قطعه قطعه کن (درهم بیامیز) سپس بر هر کوهی قسمتی از آن را قرار ده و بعد آن‌ها را فراخوان! به سرعت سوی تو آیند و بدان خداوند توانا و داناست. ﴿

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۹۱.

۲. بقره، ۲۶۲: ﴿كَسَانِي كِه اَمَوَالِ خُوْد رَا دَر رَاهِ خُدَا اِنْفَاقِ مِي كُنْد سَبِس بَه دَنْبَالِ اَن مَنّت نَمِي كَدَارَنْد وَ اَزَارِي نَمِي رَسَانَنْد پَادَاشِ اَن هَا نَزْدِ پُرُوْرْدگَارَشَانِ اَسْت.﴾

خدا ﷻ فرمود: هر که به مؤمنی احسانی بکند و سپس با سخنی یا منتی بر او، او را بیازارد، صدقه خود را بر باد داده است. آن‌گاه خداوند در آن باره مثلی زده و فرمود: ﴿كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾^۱ فرمود:

«هر که انفاق بسیار بکند ولی کسی را که صدقه داده است بیازارد، صدقه‌اش را باطل کرده است همان طوری که خاکی که روی سنگ صاف است - صفوان، سنگ بزرگی است که در بیابان قرار دارد - بارانی بیاید و آن خاک را از روی سنگ بشوید و آن را ببرد. پس خداوند این مثل را برای کسی زده است که کار نیکی بکند سپس در پی آن منت و آزار داشته باشد.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«چیزی در نزد من محبوب‌تر از مردی از پیشینیان نیست که او دست کمک به سوی دیگری و آن دیگری نیز به سوی او داشت زیرا که من دیدم، منع پسینیان را که زبان شکر پیشینیان را می‌برد!»

سپس خداوند مثل مؤمنان را زده، می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ

۱. همان، ۲۶۴: ﴿مانند کسی است که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان ندارد کار او مانند قطعه سنگ صافی است که روی آن (کمی) خاک باشد (و بذری در آن افشاندن شود) و باران درشت به آن برسد، آن را صاف رها سازد. آن‌ها از کاری که کرده‌اند چیزی به دست نیاورند و خداوند کافران را هدایت نمی‌کند.﴾

فَاتَتْ أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلُّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۱ فرمود:
 مثل ایشان بمانند باغی است که در نقطه بلندی باشد و باران‌های درشت
 و پیاپی به آن برسد، پس میوه خود را دوچندان دهد، همان طور است
 پاداش کسی که مالش را برای خشنودی خدا بدهد. «طَلُّ» بارانی است
 که شب هنگام روی درخت و گیاه بیارد.
 امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند برای هر که مالش را در راه خشنودی خدا انفاق کند
 دوچندان می‌دهد.»

فرمود:

«هر که جهت رضای خدا انفاق کند سپس بر آن که صدقه داده
 است، منت گذارد، هم‌چون کسی است که خداوند فرموده است:
 ﴿أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ
 فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ﴾^۲.

گوید: «اعصار» بادهاست، کسی بر آن که صدقه داده منت گذارد،
 مانند کسی است که باغی پرمیوه دارد ولی خود پیر ناتوان و

۱. بقره، ۲۶۵: ﴿ مثل کسانی که اموال خود را برای رضای خدا و استوار کردن در
 روح خود انفاق می‌کنند مانند باغی است که در نقطه بلندی باشد و باران‌های

درشت و پی‌درپی به آن برسد، میوه خود را دوچندان دهد. ﴿

۲. بقره، ۲۶۶: ﴿ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انواع
 انگور داشته باشد که از زیر درختانش نهرها جاری باشد و برای او در باغ از تمام
 انواع تاک‌ها موجود باشد در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندان خردسال و
 ضعیف دارد، ناگهان در این هنگام گردبادی شدید که در آن آتش سوزانی است به
 آن بخورد و بسوزد؟! ﴿

فرزندانش خردسال ناتوان هستند، باد یا آتشی می‌آید و تمام مال

او می‌سوزد.»

اما قول خدای تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ﴾^۱ سبب نزول این آیه آن است که گروهی بودند چون میوه‌ی درختان خرما را جمع می‌کردند، به سراغ بدترین خرماهای خشکیده می‌رفتند و آن‌ها را صدقه می‌دادند، از این رو خداوند آن‌ها را از این کار منع کرد و فرمود: ﴿لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ...﴾ یعنی اگر همان‌ها را به خود شما بدهند نمی‌گیرید!

اما قول خدای تعالی: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ﴾ به راستی که شیطان می‌گوید: انفاق نکن فقیر می‌شوی! ﴿وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾^۲ یعنی خدا شما را می‌آمرزد اگر به خاطر خدا انفاق کنید، فزونی می‌دهد.

قول خدای تعالی: ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^۳ فرمود:

«خیر کثیر معرفت امیرالمؤمنین و امامان عليهم السلام است.»

۱. همان، ۲۶۷: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید از اموال پاکیزه‌ای که به دست آورده و آنچه از زمین برای شما خارج کرده‌ایم انفاق کنید به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید تا انفاق کنید در حالی که خود شما حاضر نیستید آن‌ها را بپذیرید!﴾

۲. بقره، ۲۶۸: ﴿شیطان به شما هنگام انفاق وعده تنگدستی می‌دهد و او شما را وادار به معصیت و گناه می‌کند ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد.﴾

۳. بقره، ۲۶۹: ﴿خداوند دانش را به هر کس بخواهد و شایسته بداند می‌دهد و هر که به او دانش داده شد خیر فراوانی داده شده است.﴾

قول خدای تعالی: ﴿إِنْ تَبُدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ﴾ فرمود:

«زکات واجب را آشکارا بیرون می‌کنی و آشکارا می‌پردازی و

پس از آن، غیر زکات واجب را اگر پنهانی بدهی بهتر است.»

قول خدای تعالی: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا﴾^۱

بنابراین آن‌ها یا اصرار از راضیان و تجمل‌گرایان در دین چیزی درخواست نمی‌کنند؛ آن‌ها که با اصرار درخواست نمی‌کنند و نمی‌توانند در زمین سفر کنند، افراد نادان آن‌ها را از شدت عفاف بی‌نیاز تصور می‌کنند.^۲

احوال رباخوار در آخرت

۲۱. قول خدای متعال: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِينَ يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾^۳ از هشام به نقل از امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است، فرمود:

«چون مرا شبانه به آسمان سیر دادند [شب معراج]، قومی را دیدم که یکی از آن‌ها می‌خواست بلند شود از بزرگی شکمش نمی‌توانست از جا بلند شود! گفتم: جبرئیل! این‌ها کیستند؟ گفت:

۱. همان، ۲۷۳: ﴿برای تنگدستانی باشد که در راه خدا محصور باشد، آن‌ها که نمی‌توانند سفر کنند، افراد نادان آن‌ها را از شدت عفاف بی‌نیاز می‌پندارند آن‌ها را از چهره‌هایشان می‌شناسی هرگز چیزی را با اصرار از مردم نمی‌خواهند.﴾
۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۹۲ و ۹۳.
۳. بقره، ۲۷۵: ﴿کسانی که ربا می‌خورند بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان با او دیوانه شده است.﴾

این‌ها کسانی هستند که ربا می‌خورند، نمی‌توانند برخیزند مگر مانند کسی که شیطان با او تماس گرفته و دیوانه می‌باشد.»^۱

گناه ربا بزرگ‌تر از...

۲۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«گناه یک درهم ربا در نزد خدا بزرگ‌تر از هفتاد زنا با محارم در بیت‌الله الحرام است.» فرمود: «ربا هفتاد جز دارد که آسان‌ترینش زنا با مادر خود در بیت‌الله الحرام است.»^۲

فضیلت قرائت سوره بقره و آل عمران

۲۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره‌ی بقره و آل عمران را بخواند، آن دو سوره در روز قیامت در حالی بیایند که بر سر او مانند دو ابر یا دو سایبان سایه می‌افکنند.»^۳

آدم چه آموخت؟

۲۴. ابوالعباس نقل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^۴ خداوند چه چیز را به آدم آموخت؟ فرمود: «زمین‌ها، کوه‌ها، دره‌ها و دشت‌ها را» سپس نگاهی به فرش زیرش کرد، فرمود: «این فرش هم از جمله آموخته‌های او بود.»^۵

۱. قمی، علی‌بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۹۴.

۲. همان.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵.

۴. بقره، ۳۱: ﴿خَدَاوَنَد بَه آدَم هَمَه اَسْمَا رَا يَاد دَاد.﴾

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹.

آیا ابلیس از فرشتگان بود؟

۲۵. جمیل بن دراج می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به ابلیس پرسیدم آیا از فرشتگان بود یا عهده دار چیزی از امر آسمان؟ فرمود: «او از فرشتگان نبود، ولی فرشتگان تصور می کردند از آن هاست و خداوند می دانست که او از فرشتگان نیست و عهده دار هیچ امر آسمانی هم نبود و کرامتی نداشت.»^۱

نخستین کفر، حسد و حرص

۲۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«نخستین کفری که نسبت به خدا سرزد از زمانی بود که خداوند آدم را خلق کرد، کفر ابلیس بود که فرمان خدا را بر او رد کرد و نخستین حسدی که صورت گرفت همان حسد فرزند آدم (قابیل) به برادرش (هابیل) بود و اولین حرصی که آدم ورزید خداوند او را از خوردن آن درخت نهی کرد، ولی او خورد و حرص او، او را از بهشت بیرون کرد.»^۲

زکات فطره (فطریه)

۲۷. اسحاق بن عمّار می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾^۳ پرسیدم، فرمود: «آن زکات فطره است که خداوند بر مؤمنان واجب کرده است.»^۴

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴.

۳. بقره، ۴۳: ﴿نماز را بپا دارید و زکات را ادا کنید﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲.

زمان پرداخت فطریه

۲۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

«فطره را پیش از نماز (عید فطر) بده! و آن است قول خدای تعالی ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾^۱ و کسی که از او گرفته می‌شود باید از خود و از افراد نانخور خود را بپردازد و اگر ندهد تا از نمازش برگردد، با فطره [قبل از پرداخت نماز عید در ثوابش] برابری نمی‌کند!»^۲

غمی از غم‌های دنیا

۲۹. مسمع می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«یا مسمع! وقتی که یکی از شما را غمی از غم‌های دنیا وارد می‌شود، چه مانعی دارد که وضو بگیرد، سپس وارد مسجد شود و دو رکعت نماز بخواند و از خداوند در آن رکعت نماز بخواهد! مگر این سخن خدا را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾^۳»

نیروی بدنی یا قوت قلبی

۳۰. اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای

تعالی: ﴿خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ﴾^۴ پرسیدم که آیا منظور نیروی بدنی است یا قوت قلبی آن‌هاست؟

۱. بقره، ۴۳.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۸.

۳. بقره، ۴۵: ﴿از صبر روزه و نماز یاری بجوید!﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۰.

۵. بقره، ۶۳: ﴿آن‌چه از آیات الهی به شما داده‌ایم با قدرت بگیرید!﴾

فرمود:

«هر دو مورد نظر است.»^۱

دوستی و دشمنی با اهل بیت

۳۱. بُریر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به مرد مستمندی که نمی‌دانم مسلمان است، آیا غذا بدهم؟ فرمود:

«آری تا وقتی که او را به ولایت و عداوت (ما اهل بیت) نمی‌شناسی اطعام کن! چرا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۲ ولی کسی را که نسبت به چیزی از خلق مخالفت می‌ورزد یا به چیزی از باطل ادعا دارد، اطعام نکن!»^۳

یهود پیروگذشتگانش

۳۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند در کتاب خود حکایت از قول یهود، می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَهْدَ الْإِنبَاءِ أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِينَا بُرْهَانٌ...﴾^۴ پس فرمود: ﴿لَمْ تَقْتُلُوا أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۵ این آیه تنها درباره‌ی قوم یهود نازل شد که در زمان محمد صلی الله علیه و آله بودند، پیامبران را به دست خود نکشته بودند و نه در زمان آن‌ها کشته شدند، بلکه پیشینیان که قبل از آن‌ها بودند کشته بودند و آن

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۳.

۲. بقره، ۸۳: ﴿و با سخنان نیکو با مردم سخن گوید!﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۶.

۴. آل عمران، ۱۸۳: ﴿خداوند از ما پیمان گرفته است که دعوت هیچ پیامبری را نپذیریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش آن را بخورد!﴾

۵. بقره، ۹۱: ﴿پس چرا آن‌ها را کشتید اگر راست می‌گویید و ایمان دارید؟!﴾

قاتلان به ایشان وارد شدند، از این رو خداوند ایشان را از آن‌ها قرار داد و عمل پیشینیان آن‌ها را به خاطر پیروی از آن‌ها و دوست داشتن آن‌ها به ایشان نسبت داد.^۱

عالمان به قرآن

۳۳. ابوولاد می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ﴾^۲ پرسیدم، فرمود: «آنان ائمه علیهم السلام هستند.»^۳

نافله و واجب

۳۴. اسباط زطی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: این قول خدای تعالی: ﴿لَا يُقْبَلُ مِنْهُ صِرْفًا وَلَا عَدْلًا﴾^۴ (یعنی چه)؟ فرمود: «صرف یعنی نافله [مستحب] و عدل یعنی واجب.»^۵

نماز مقام ابراهیم علیه السلام

۳۵. حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به مردی پرسیدم که در حج یا عمره، طواف واجب اطراف خانه را انجام داده است ولی نمی‌دانست که نزد مقام ابراهیم دو رکعت نماز را بخواند؟ فرمود: «اگر چه پس از مدتی باشد آن را بخواند! زیرا که خدای تعالی

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۱.

۲. بقره، ۱۲۱: ﴿كَسَانِي رَا كَه كِتَابِ آسْمَانِي دَادِيْمِ اَز رُوِي دَقْتِ تَلَاوْتِ كَرْدِه وَ حَقِّ اَن رَا اِدَا كَنْد اَنَانِ اِيْمَانِ دَارَنْد﴾.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۳.

۴. بقره، ۱۲۳.

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۵.

می فرماید: ﴿ وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیً ﴾^۱

پاکیزگی در طواف

۳۶. حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زنان وقتی که کنار خانه بیایند باید غسل کنند؟ فرمود:

«آری، زیرا که خداوند می فرماید: ﴿ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴾^۳ سزاوار است بنده ای وارد نشود مگر پاکیزه باشد در حالی که از خود عرق و آنچه باعث آزار است شسته و خود را پاک کرده است.»^۴

امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی هستند؟

۳۷. ابو عمر و زبیری می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: بفرماید

امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی هستند؟ فرمود:

«امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به طور خاص بنی هاشم است.»

گفتم: حجّت در میان امت محمد چیست؟ آیا اهل بیت آن حضرت

است که یاد کردی نه دیگران؟

فرمود:

«قول خدای تعالی: ﴿ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرْنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ

۱. بقره، ۱۲۵.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۸.

۳. بقره، ۱۲۵: ﴿ خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه دارند. ﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۵۸.

عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱﴾

پس چون خداوند پاسخ ابراهیم و اسماعیل را داد و از ذریه آنها امتی مسلمان قرار داد و در بین آنها رسولی از خودشان را مبعوث کرد، یعنی از همان امت که برایشان آیاتش را بخواند و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت را به آنها تعلیم دهد. ابراهیم در ردیف درخواست نخستین خود، درخواست دیگری کرد و از خداوند برای ایشان پاکی از شرک و از بت‌پرستی را تقاضا کرد تا امر وی در بین آنها سامان بگیرد و از دیگران پیروی نکنند و عرضه داشت: ﴿وَاجْتَنِبِي وَبَيْتِي أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَن عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾^۲ بنابراین، آیه شریفه دلالت بر آن دارد که امامان و امت مسلمان و تسلیمی که محمد ﷺ در بین آنها مبعوث شده است نمی‌شود مگر از ذریه ابراهیم به دلیل قول وی ﴿وَاجْتَنِبِي وَبَيْتِي أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾^۳

۱. بقره، ۱۲۷ و ۱۲۸: ﴿به یادآورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا می‌بردند و می‌گفتند: پروردگارا از ما بپذیر! تو شنوا و دانایی، پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! از دودمان ما نیز امتی مسلمان و تسلیم در برابر فرمانت قرار ده! و طرز پرستش خودت را به ما نشان ده و ما را از آن آگاه ساز، توبه ما را بپذیر که تو توبه‌پذیر و بخشاینده‌ای.﴾
۲. ابراهیم، ۳۶: ﴿و ما را از این که بت‌ها را بپرستیم بازدار! پروردگارا این بت‌ها بسیاری از مردم را گمراه ساختند، پس هر کس از من پیروی کند او از من است و هر کس مرا نافرمانی کند، تو بخشاینده و مهربانی.﴾
۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۰.

ایمان و عمل

۳۸. ابو عمرو زبیری می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا به من خبر نمی‌دهی آیا ایمان قول و عمل است یا قول بدون عمل است؟ فرمود:

«ایمان تمامش عمل است و قول بخشی از آن است؛ از جانب خدا واجب شده و در کتابش بیان و نورش واضح و حجتش ثابت است کتاب «قرآن» گواه آن است و به سوی آن فرا می‌خواند.

چون خداوند پیامبرش را از بیت المقدس به جانب کعبه برگرداند، مسلمانان به پیامبر گفتند: آیا به نظر شما نماز ما که به سوی بیت المقدس می‌خواندیم وضع ما در آن‌ها چیست و حال کسانی که از اموات ما در گذشته‌اند و به جانب بیت المقدس نماز می‌خوانند چه می‌باشد؟ این بود که خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۱

از این رو نماز را ایمان نامیدند، بنابراین هرکه خداترس باشد، اعضای بدنش را نگاه می‌دارد در حالی که هر عضوی از اعضای خود را به آن چه خداوند به او واجب کرده است، مشغول می‌کند، خداوند را با ایمان کامل از اهل بهشت دیدار می‌کند ولی هرکه در چیزی از آن‌ها خیانت کند یا از آن چه خداوند درباره آن‌ها فرمان داده است، تجاوز کند خدا را ناقص الایمان ملاقات نماید.»^۲

۱. بقره، ۱۴۳: ﴿خدا هرگز ایمان شما را ضایع نمی‌گرداند زیرا خداوند نسبت به همه

مردم رؤوف و مهربان است.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵.

چهار چیز ...

۳۹. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده است، فرمود:
«چهار چیز است که در هر کس باشد در پرتو [عنایت و توجه] خدای اعظم است: هرکه عصمت کارش شهادت (لا اله الا الله و محمد رسول الله) باشد و هرکه در صورت پیش آمد مصیبتی بگوید: (اَنَا لله و اَنَا الیه راجعون) و هرکه در وقت رسیدن به خیری بگوید: (الحمد لله) و آن که در صورت برخورد با خطا بگوید: (استغفر الله و اتوب الیه).»^۱

وام به خدا

۴۰. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:
«خدای متعال می فرماید: بنده مؤمنم را اگر ببخشم، عطا کنم، روزی دهم و از او وام بطلبم، اگر باگذشت به من وام دهد، من عوض یکی، صد هزار و بیشتر به او دهم و اگر این کار را نکند، از او به وسیله گرفتاری هایی در مالش از روی جبر بازستانم، ولی اگر صبر کند سه خصلت به او عطا کنم، اگر به وسیله یکی از آن ها فرشتگان من او را بیازمایند (و از عهده آن برآید) آن را برگزینند.»^۲

سعی صفا و مروه

۴۱. یکی از شیعیان از امام صادق علیه السلام راجع به سعی بین صفا و مروه پرسید که آیا واجب است یا سنت؟ فرمود: «واجب است» گفت: مگر

۱. همان، ص ۶۷.

۲. همان، ص ۶۸.

خداوند نمی فرماید: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا﴾^۱؛ امام فرمود: «آن درباره عمره القضا است، توضیح این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایشان (مشرکان) شرط کرده بود که بتها را از کعبه بردارند، مردی از اصحاب آن حضرت سرگرم بود، که بتها را برگرداندند. خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و از آن حضرت پرسیدند، به او گفته شد که فلانی طواف نکرده بود که بتها را بازگرداندند، فرمود: «این جا بود که خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمُرُوءَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا﴾^۲ یعنی با وجود بتها...»^۳

قبر و سؤال قبر

۴۲. زید شحام می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به عذاب قبر

پرسیدند؟ فرمود:

«همانا ابوجعفر (امام باقر) علیه السلام نقل کرد که مردی نزد سلمان فارسی آمد و گفت: حدیثی برایم بگو! او ساکت ماند، سپس آن مرد دوباره پرسید، باز ساکت ماند، آن مرد در حالی رفت که می گفت و این آیه را تلاوت می کرد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ﴾^۴ سلمان به او گفت: برگرد! ما اگر فرد امینی را بیابیم، او را حدیث

۱. بقره، ۱۵۸: ﴿گناهی بر او نیست که به این دو طواف کند.﴾

۲. همان، ﴿صفا و مروه از شعائر و نشانه های خداست کسی که حج خانه خدا یا عمره را به جا آورد گناهی بر او نیست که به این دو طواف کند.﴾

۳. عباشی، تفسیر عباشی، ج ۱، ص ۷۰.

۴. بقره، ۱۵۹.

می‌کنیم ولی به منکر و نکیر توجه کن که هرگاه در قبر به سراغ تو آمدند و از رسول خدا از تو پرسیدند، اگر تردید داشتی یا انکار با گُزری که همراه دارند بر سرت می‌زنند، به خاکستر تبدیل می‌شوی! گفتم: همین جا تمام است؟! گفت: باز می‌گردد دوباره عذاب می‌کند.

گفتم: منکر و نکیر چیستند؟ فرمود: نگهبانان قبرند. گفتم: آیا دو فرشته‌اند که مردم را در قبرشان عذاب می‌کنند؟ گفت: آری.»^۱

مالی بر جای مانده

۴۳. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: ﴿كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ﴾^۲ فرمود:

«او مردی است که مالی وامی‌گذارد که به خاطر بخل در طاعت خدا انفاق نکرده است سپس می‌میرد و آن را برای کسی بجا می‌گذارد که او در طاعت خدا یا در معصیت خدا صرف می‌کند؛ اگر در طاعت خدا بکار برد آن را در میزان عمل دیگری می‌بیند و حسرتش زیاد می‌شود در صورتی که مال او بوده است یا در معصیت خدا به کار برده است در حقیقت او را با آن مال تقویت کرده تا در راه معاصی خدا به کار برده است.»^۳

جاودان در آتش

۴۴. منصور بن حازم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: منظور این

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۷۲.

۲. بقره، ۱۶۷.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۷۶.

آیه: ﴿وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾^۱ کیست؟ فرمود:
«دشمنان علی علیه السلام که تا ابد الآبدین و تمام روزگاران در آتش
هستند.»^۲

باغی یعنی...

۴۵. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا
عَادٍ﴾^۳ فرمود:
«باغی یعنی ستمکار و عادی یعنی غاصب.»^۴

عادی یعنی..

۴۶. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: ﴿فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا
عَادٍ﴾^۵ فرمود:
«باغی کسی است که بر امام خروج کرده و عادی یعنی دزد.»^۶

پرداخت دیه

۴۷. امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ
شَيْءٌ فَاتَّبَاعَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٍ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ﴾^۷ فرمود:

۱. بقره، ۱۶۷.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۷۷.

۳. بقره، ۱۷۳: «کسی که مجبور شود، از آن‌ها بخورد گناهی بر او نیست به شرط
این‌که ستمگر و متجاوز نباشد.»

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۷۸.

۵. بقره، ۱۷۳.

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۰. در روایت قبل (عادی) به غاصب تعبیر
شده، در این روایت از آن به دزد تعبیر شده است، شاید به این دلیل باشد که دزدی
هم نوعی غصب مال دیگری است. (خ)

۷. بقره، ۱۷۸: «اگر کسی از جانب برادر دینی خود مورد عفو قرار گیرد باید از ح

تفسیر آیاتی از سوره بقره □ ۱۶۱

«سزاوار است آن که حقی دارد برادر (دینی) خود را نیازارد در حالی که بر پرداخت دیه هم توانایی دارد و سزاوار است کسی که حقی برگردن اوست برادرش را در صورت قدرت بر پرداخت معطل نکند و به خوبی ادا کند.»

در ادامه فرمود:

«یعنی در صورتی که از قصاص بگذرند، دیه را به اولیای مقتول در پی آن بپردازند تا خون شخص مسلمان هدر نرود.»^۱

میزان وصیت بر مال

۴۸. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿إِنْ تَرَكَ خَيْرَ الْوَصِيَّةِ﴾^۲

فرمود:

«حقی است که خداوند آن را در اموال مردم برای صاحب این امر قرار داده است» گفتم: آیا برای آن حدّ معینی است؟ فرمود: «آری» گفتم: چقدر است؟ فرمود: «کمترین آن یک ششم و بیشترین آن یک سوم است.»^۳

مال وصیت شده

۴۹. مثنی بن عبدالسلام می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کسی

پرسیدم که برایش وصیتی شده و پیش از دریافت، وی از دنیا رفته است و بازمانده‌ای هم ندارد؟ فرمود:

«از وارث یا مولای او جستجو کن (اگر بود) به او بده! زیرا که

۱. روش پسندیده‌ای پیروی کند و در پرداخت دیه کوتاهی نکند. ﴿

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۵.

۲. بقره، ۱۸۰: ﴿اگر چیز خوبی از خود بجا گذارده است. ﴿

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۷.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَدَّلْهُ...﴾^۱ گفتیم: آن مرد اهل فارس بود، وارد اسلام شده و کسی را نام نبرده و ولّیّی برایش شناخته نیست. فرمود: «کوشش کن تا ولّیّ او را پیدا کنی اگر نیافتی و خداوند تلاش تو را دانست آن وقت آن مال را صدقه بده!»^۲

همه را در برمی‌گیرد

۵۰. امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ﴾^۳ و ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ پرسیدم، فرمود: «تمام این‌ها شامل گمراهان و منافقان و هرکه به ظاهر اقرار به دعوت کرد [مسلمان شد]، می‌شود.»^۴

دعای آغاز ماه رمضان

۵۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون ماه رمضان فرا رسد، بگو: خدایا ماه رمضان فرارسیده در حالی که روزه آن را بر ما واجب و قرآن را برای هدایت مردم و با نشانه‌های هدایت و معیار سنجش حق و باطل نازل فرموده‌ای، خدایا ما را بر روزه داری آن یاری کن و آن را از ما بپذیر و ما را در آن سالم و آن را از ما سالم بدار و ما را برای آن در راحتی و عافیت نگهدار زیرا که تو بر هر کاری توانایی، ای مهربان‌ترین مهربانان.»^۵

۱. بقره، ۱۸۱.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۰.

۳. بقره، ۲۱۶: ﴿جَنگ با دشمن بر شما مقرر شده است﴾.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۳.

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۴.

مسافرت در ماه رمضان

۵۲. صباح بن سیابه می‌گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گفتم: ابن‌ابی‌یعفور مرا مأموریت داد از شما چند مسأله را بپرسم! فرمود: «آن‌ها چه است؟» می‌گوید: چون ماه رمضان داخل شد من در خانه‌ام هستم می‌توانم مسافرت کنم؟ فرمود: «خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾^۱ بنابراین کسی که ماه رمضان بر او وارد شد و او بین خانواده خویش است، حق ندارد مسافرت کند مگر برای حج یا عمره و یا در جستن مالی که بیم تلف شدن آن را دارد.»^۲

روزه در سفر!

۵۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:
«رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسافرت، نه روزه مستحبی می‌گرفت و نه واجب؛ بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دروغ می‌بستند، این آیه در کُرَاع الغَمِيم^۳ موقع نماز صبح نازل شد، پس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظرفی را طلبید و آب آشامید و به مردم نیز فرمان داد افطار کردند، گروهی گفتند: روز فرا رسیده چه خوب بود امروز روزه داشتیم! رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن‌ها را «عُصَاة» سرکشان نامید و هم‌چنان تا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنده بود به آن نام خوانده می‌شدند.»^۴

۱. بقره، ۱۸۵: ﴿كَسَانِي كَهَ مَهِمَّانِ﴾ که ماه رمضان در حضر باشند باید روزه بگیرند. ﴿

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۷.

۳. به معنی سبزه نام جایی است در هشت میلی عسفان نزدیک مکه، و در راه مکه و مدینه. ترجمه الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۷۷. (خ)

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۴.

حاکمان جور

۵۴. ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: تفسیر قول خداوند: ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْءُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ﴾^۱ چیست؟ فرمود:

«ابوبصیر! خداوند می‌داند که در بین امت حاکمانی هستند که ستم می‌کنند، البته منظور حاکمان عادل نیست، بلکه حاکمان جور مورد نظر است.

یا ابامحمد! اگر حقی بر کسی داشتی و او را به حاکمان عدل فراخواندی سرپیچی کرد خواست به حاکمان جور مراجعه دهد تا به نفع او حکم کنند، از کسانی خواهد بود که به طاغوت مراجعه می‌کند.»^۲

انفاق همه اموال؟

۵۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«اگر مردی آن چه را که در دست دارد در راه خدا انفاق کند، نه کار خوب و نه مناسبی کرده است، مگر خداوند نمی‌فرماید: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۳ یعنی (خداوند دوست می‌دارد) افراد مقتصد و میانه‌رو را.»^۴

۱. بقره، ۱۸۸: ﴿اموال یکدیگر در میان خود به ناحق نخورید! و بخشی از آن را به حاکمان جور بدهید.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳. بقره، ۱۹۵: ﴿خود را به دست خود به هلاکت نیندازید، نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۷ - ۱۱۰.

حسنه دنیا و آخرت

۵۶. عبدالاعلی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^۱ پرسیدم، فرمود:

«خشنودی خدا و بهشت در آخرت و گشایش در زندگی و حُسن خلق در دنیاست.»^۲

سَلِمَ یعنی ...

۵۷. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در مورد آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾^۳ فرمود: «آیا می‌دانی سَلِمَ چیست؟» گفتم: تو بهتر می‌دانی. فرمود: «ولایت علی و امامان اوصیای پس از وی است.» و فرمود: «خطوات شیطان به خدا که ولایت فلانی و فلانی است.»^۴

عفو

۵۸. جمیل بن دراج نقل کرده است، می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ﴾^۵ پرسیدم، فرمود: «عفو، حد وسط (میان‌ه روی) است.»^۶

-
۱. بقره، ۲۰۱: ﴿بعضی از ایشان می‌گویند: پروردگارا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیکی بده و ما را از عذاب دوزخ نگهدار!﴾
 ۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱۱.
 ۳. بقره، ۲۰۸: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی زندگی کنید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید!﴾
 ۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱۴.
 ۵. بقره، ۲۱۵: ﴿از تو می‌پرسند: چه چیز را انفاق کنند؟ بگو هر خیر و نیکی.﴾
 ۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۱۹.

نماز ظهر

۵۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«صلاة وُسطی نماز ظهر است ﴿قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾^۱ توجه شخص است بر نمازش و محافظت بر وقت نماز به طوری که چیزی او را باز ندارد و سرگرم خود نسازد.»^۲

نماز خوف

۶۰. عبدالرحمان نقل کرده، می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای تعالی: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا﴾ پرسیدم: کسی که از درنده یا دزد می‌ترسد، چه کند و چه بگوید، چگونه نماز بخواند؟ فرمود:

«تکبیر گوید و با سرش به گونه‌ای اشاره کند.»^۳

طالوت

۶۱. از محمد حلبی به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، درباره این قول خدای تعالی: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُنَاقِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۴ فرمود:

«پادشاه آن زمان کسی بود که سپاهیان را راه می‌برد و پیامبر امر او را پیامی داشت و از جانب پروردگارش او را خبر می‌داد، چون آن را به پیامبرشان گفتند، فرمود: نه شما وفادارید، نه صداقت و

۱. بقره، ۲۳۸: ﴿با خشوع و توجه کامل برای خدا بپا خیزید!﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۳۱ - ۱۳۴.

۴. بقره، ۲۴۶: ﴿آیا ندیدی جمعی از اشراف بنی اسرائیل را بعد از موسی علیه السلام که به

پیامبر خود گفتند زمامداری برای ما انتخاب کنی تا در راه خدا پیکار کنیم.﴾

نه میل جهاد. آن‌ها گفتند: ما از جهاد می‌هراسیم، چون ما و فرزندان ما را از سرزمین خود بیرون کنند، ما ناگزیر به پیکاریم و پروردگاران ما را در برابر دشمنان اطاعت می‌کنیم.

فرمود: ﴿فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾^۱ بزرگان بنی‌اسرائیل گفتند: طالوت چه جایگاهی دارد که بر ما سلطنت کند و او نه از خاندان نبوت و نه سلطنت بوده است؟ در حالی که تو می‌دانی نبوت و پادشاهی در خاندان لای و یهودا از نوادگان ابن‌یامین پسر یعقوب بود.

﴿قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ﴾ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ^۲ و مُلْكٍ در دست خداست، هر جا بخواهد قرار می‌دهد، شما حق ندارید آن را برگزینید ﴿إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ﴾^۳ از جانب خدا ﴿تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ﴾^۴ و او کسی است که بدان وسیله شما با هر که برخورد کنید شکست می‌دهید! گفتند: اگر تابوت را بیاورد ما راضی هستیم و تسلیم می‌باشیم.^۵

۱. بقره، ۲۴۷: ﴿ خداوند طالوت را برای زمامداری شما برانگیخته است. ﴾
۲. همان. ﴿ پیامبرشان به آن‌ها گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و علم و جسم او را وسعت بخشیده است. ﴾
۳. همان، ۲۴۸: ﴿ نشانه ملک او این است که صندوق عهد به سوی شما خواهد آمد. ﴾
۴. همان، ﴿ در آن آرامش از سوی پروردگارتان برای شماست همان صندوقی که یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن است، در حالی که فرشتگان آن را حمل می‌کنند. ﴾
۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۶.

شفاعت

۶۲. معاویه بن عمار می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: منظور از آیه
﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾^۱ چیست؟ فرمود:
«ماییم آن شفیعان»^۲.

وسعت کرسی

۶۳. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند ﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾^۳ فرمود:
«آسمان ها و زمین و تمام آن چه را که خداوند آفریده در کرسی
است»^۴.

برترین آیه

۶۴. امام صادق علیه السلام فرمود:
«ابوذر عرض کرد: یا رسول الله! کدام آیه برترین آیه ای بود که بر
تو نازل شد؟ فرمود: آیه الکرسی، آسمان های هفت گانه و
زمین های هفت گانه در کرسی نیست، مگر چون حلقه ای افتاده
در بیابانی خشک (کویر)»^۵.

ولایت پیشوای عادل

۶۵. عبدالله بن ابی یعفور می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من با

۱. بقره، ۲۵۵: ﴿کیست که در نزد او جز به فرمانش شفاعت کند.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۱.

۳. بقره، ۲۵۵: ﴿کرسی حکومت او آسمان ها و زمین را فراگرفته است.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۲.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

مردم معاشرت دارم و تعجبم از مردمانی است که دارای امانت و صداقت و وفاداری هستند، شما را دوست نمی‌دارند و فلانی و فلانی را دوست می‌دارند! و گروه‌هایی نیز شما را دوست می‌دارند که نه امانت دارند و نه وفا و صداقت!

می‌گوید: امام صادق علیه السلام راست نشست و خشمگین نگاهی به من کرد، سپس فرمود:

«دین ندارد کسی که معتقد به ولایت و پیشوای ستمگری شود که از جانب خدا نیست و هیچ ملامتی نیست بر کسی که به ولایت پیشوای عادل معتقد است.»

گفتم: آن‌ها دین ندارند و بر این‌ها هم ملامتی نیست؟ فرمود:

«آری آن‌ها دین ندارند و بر این‌ها سرزنشی نیست.»

سپس فرمود:

«مگر این قول خدا را نشنیده‌ای: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ﴾^۱.

راوی می‌گوید: گفتم: مگر مقصود آیه کفار نیست آن‌جا که فرمود:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا﴾ فرمود:

«برای آن‌که کافر است، کدام نور است که از آن به تاریکی‌ها درآورده باشد بلکه تنها به این جهت خداوند این را فرموده که بر نور اسلام بودند، چون هر پیشوای جائری که از جانب خدا نباشد،

۱. بقره، ۲۵۷: ﴿خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند و آن‌ها را از ظلمت‌ها به سوی نور خارج می‌سازد اما کسانی که کافر شدند اولیای آن‌ها طاغوت است که آن‌ها را از نور به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند.﴾

آن‌ها را از نور اسلام به تاریکی‌های کفر درآورد، بر آن‌ها نیز با کافران آتش دوزخ واجب گردد از این رو فرمود: ﴿أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^{۲۰۱}

حسنه هفتصد برابر

۶۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه مؤمن عمل خود را به خوبی انجام دهد خداوند عمل او را چند برابر کند، به هر حسنه هفتصد برابر دهد. همان است قول خدای تعالی: ﴿وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ﴾^۳ بنابراین اعمالی را که انجام می‌دهید به خاطر پاداش الهی خوب انجام دهید!»
گفتم: خوب انجام دادن چگونه است؟ فرمود:

«هر وقت نماز می‌خوانی رکوع و سجودت را خوب انجام ده! و هرگاه روزه گرفتی از هرچه که روزه را تباه می‌سازد دوری کن! و هرگاه حج رفتی از هرچه در حج و عمره بر تو حرام است اجتناب کن! فرمود: و هر عملی که انجام می‌دهی باید از پلیدی و آلودگی پاک باشد.»^۴

دو برابری عمل

۶۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه بنده مؤمن نیکی کند خداوند عمل او را برایش دوچندان

۱. همان: ﴿آن‌ها اهل آتشند و برای همیشه در آن خواهند بود.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۳.

۳. بقره، ۲۶۱: ﴿خداوند آن را برای هرکس که بخواهد دو یا چند برابر می‌کند.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵۶.

تفسیر آیاتی از سوره بقره □ ۱۷۱

و هر خوبی را هفتصد برابر نماید و آن است قول خداوند: ﴿وَاللَّهُ

يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ﴾^{۲۰۱}

کسب خشنودی خدا

۶۸. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ﴾^۳

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ برترین ایشان است و او از کسانی است که مال

خود را برای کسب خشنودی خدا انفاق می‌کرد.»^۴

زکات از بهترین محصول

۶۹. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از تفسیر قول خدا: ﴿وَمِمَّا

أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ﴾^۵ پرسیدم، فرمود:

«رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگاه دستور می‌داد زکات خرما را بدهند،

مردم چند رنگ خرما می‌آوردند که از پست‌ترین خرما بود که از

زکاتشان می‌دادند، به آن جعور و معافه می‌گفتند؛ کم گوشت،

هسته درشت بود و بعضی هم از خرما می‌دادند. رسول

خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: این دو نوع خرما را تخمین نزنید و چیزی از

آن‌ها را نیاورید و در آن باره خداوند نازل کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا اتَّقُوا مِن طَبِيبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ

لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ

۱. بقره، ۲۶۱.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳. بقره، ۲۶۵: ﴿وَمَثَلُ كَسَانِي كِه اموال خود را برای خشنودی خدا انفاق می‌کنند.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۵۸.

۵. بقره، ۲۶۷.

حکمت یعنی...

۷۱. سلیمان بن خالد می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱ پرسیدم، فرمود:

«همانا حکمت، معرفت و بینش دینی است، بنابراین هرکه از شما فقیه باشد او حکیم است و کسی نیست از مؤمنان بمیرد که در نظر ابلیس محبوب‌تر از مرگ فقیه باشد.»^۲

صدقه

۷۲. حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: «وَإِنْ تُخْفُوها وَتُؤْتُوها الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»^۳ پرسیدم، فرمود:

«آن زکات نیست، بلکه شخصی برای خود صدقه می‌دهد و زکات آشکار است نه پنهانی.»^۴

عاقبت رباخوار

۷۳. شهاب بن عبد ربّه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«رباخوار از دنیا بیرون نمی‌شود تا این‌که شیطان او را هم‌چون دیوانه‌ای سازد.»^۵

۱. بقره، ۲۶۹: «هرکس را دانش داده شده است خیر فراوانی داده شده است.»

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۰.

۳. بقره، ۲۷۱: «و اگر آن‌ها انفاقات را پنهانی به نیازمندان داشته باشید برای شما بهتر است.»

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۰.

۵. همان.

موعظه

۷۴. محمد بن مسلم به نقل از امام صادق علیه السلام درباره خدای تعالی:
﴿فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ﴾^۱، فرمود:
«موعظه همان توبه است.»^۲

صدقه در دستان خدا

۷۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند می‌فرماید: هیچ چیز نیست مگر کسی را بر آن وکالت داده‌ام جز خودم [که] آن را دریافت می‌کند مگر صدقه را که من آن را به نوعی با دست خود می‌گیرم. حتی مرد یا زنی خرمایی و نصف خرمایی را صدقه می‌دهد من آن را بالنده می‌سازم، همان طوری که مردی فرزند خردسال و کودک خود را تربیت می‌کند و روز قیامت در حالی مرا می‌بیند که بمانند (کوه) احد و بزرگتر از احد شده است.»^۳

ایمان جوارح

۷۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«به راستی خداوند ایمان را بر جوارح آدمیزادگان فرض و تقسیم کرده و پراکنده است. بنابراین هیچ یک از جوارح او نیست مگر عهده‌دار بخشی از ایمان است غیر از آن‌چه که عضو دیگر

۱. بقره، ۲۷۵: ﴿هرکس اندرز الهی به او رسد و از رباخواری دست بردارد سودهایی که در گذشته (پیش از نزول حکم ربا) به دست آورده مال اوست و کار او به خدا واگذاشته می‌شود.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۱.

۳. همان.

برعهده دارد. از جمله قلب وی که بدان وسیله درک می‌کند و می‌اندیشد و می‌فهمد و آن فرمانروای بدن اوست که هیچ یک از جوارح واردات و صادراتی بدون نظر و فرمان او ندارد. اما آن‌چه از ایمان بر قلب واجب شده است، اقرار و معرفت و اعتقاد و رضایت و تسلیم به این است که هیچ معبودی جز او نیست که تنها و بی‌شریک؛ خدای یکتاست نه همسری و نه فرزندی دارد و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده اوست و اقرار به آن‌چه از جانب خدا از پیامبر و کتاب آمده است، این‌ها چیزهایی است از اقرار و معرفت خداوند که بر قلب واجب کرده و کار اوست و همان است قول خدای تعالی:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۲ و فرمود: ﴿الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ﴾^۳ و فرمود: ﴿وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ﴾^۴ این‌هاست که خداوند بر قلب واجب کرده از اقرار و معرفت و آن است عمل قلب و همان رأس ایمان است.^۵

۱. نحل، ۱۰۶: ﴿مگر آن‌ها که به اجبار کفر گفته‌اند در حالی که قلبشان پر از ایمان

است ولی کسی که سینه خود را برای کفر گشوده است.﴾

۲. رعد، ۲۸: ﴿آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد.﴾

۳. مائده، ۴۱: ﴿کسانی که با زبان‌هایشان گویند ایمان آورده‌ایم و قلب آن‌ها هرگز

ایمان نیاورده است.﴾

۴. بقره، ۲۸۴.

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۲.

معرفت امام

۷۷. ابوبصیر می گوید: «از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای تعالی: ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^۱ پرسیدم، فرمود: «آن اطاعت و معرفت امام است.»^۲

بدر عهده دار هدایت خانواده

۷۸. سلیمان بن خالد می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من خانواده ای دارم که از من حرف شنوایی دارند، آیا آن ها را به این امر (امامت) دعوت کنم؟ فرمود: «آری، خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾^۳ و ۴»

هدایت و حیات

۷۹. سماعة بن مهران می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: قول خدای تعالی: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾^۵ یعنی چه؟ فرمود: «هرکه دیگری را از گمراهی به هدایت درآورد درحقیقت او را

۱. بقره، ۲۶۹: ﴿هرکه را دانش داد شد خیر کثیر داده شده است.﴾

۲. برقی، المحاسن، ص ۱۴۸.

۳. تحریم، ۶: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگهدارید.﴾

۴. برقی، المحاسن، ص ۲۳۱.

۵. مائده، ۳۲: ﴿هرگاه کسی انسانی را بدون ارتکاب قتل و فساد در زمین بکشد گویی همه انسان‌ها را کشته و هرکه انسانی را از هلاکت نجات دهد گویا همه را نجات داده است.﴾

تفسیر آیاتی از سوره بقره □ ۱۷۷

زنده کرده است و هرکس دیگری را از هدایت به گمراهی درآورد
درحقیقت او را کشته است.»^۱

عرش همان علم خداست

۸۰. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾^۲ فرمود:

«آسمان‌ها و زمین و آنچه مابین آنهاست در کرسی است و
عرش همان علمی است که کسی نمی‌تواند اندازه‌ی آن را
بداند.»^۳

منظور از صبغه الهی

۸۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾^۴ فرمود:
«آن (رنگ) اسلام است.»^۵

متقین، غیب و حجت

یحیی بن ابی القاسم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای
عَزَّوَجَلَّ: ﴿الْمَ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ
بِالْغَيْبِ﴾^۶ پرسیدم، فرمود:

۱. برقی، المحاسن، ص ۲۶۱.

۲. بقره، ۲۵۵: ﴿کرسی حکومت او آسمان‌ها و زمین را دربرگرفته است.﴾

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۴. بقره، ۱۳۸: ﴿تنها رنگ خدایی را بپذیرید! چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است!﴾

۵. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۰.

۶. بقره، ۱ - ۳: ﴿الم این همان کتاب باعظمتی است که هیچ‌گونه تردید در آن

وجود ندارد، مایه هدایت مؤمنان است؛ آن‌ها که ایمان به غیب دارند.﴾

«مَتَّقِينَ» شیعیان علی علیه السلام و «غیب» حجت غایب است.» و شاهد بر این مطلب قول خدای متعال: ﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾^۱ و ۲

ماه رمضان

۸۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ﴾^۳ بنابراین سرآغاز ماهها، ماه خدای عزوجل یعنی ماه رمضان است و قلب ماه رمضان شب قدر است و قرآن در نخستین شب ماه رمضان نازل شد...^۴

ولایت علی علیه السلام

۸۳. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: ﴿ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ

كَافَّةً﴾ فرمود:

«در ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شوید ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾^۵ فرمود: «از دیگران پیروی نکنید.»^۶

۱. یونس، ۲۰: ﴿مشرکان می‌گویند: چرا معجزه از طرف پروردگارش بر او نازل نشد،

بگو: معجزه مخصوص خداست، شما در انتظار باشید من هم با شما منتظرم.﴾

۲. شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۲۸.

۳. توبه، ۳۶: ﴿تعداد ماهها در نزد خدا در کتاب آفرینش روزی که خدا آسمانها و

زمین را آفرید دوازده ماه است.﴾

۴. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۴۰.

۵. بقره، ۲۰۸: ﴿همگی در صلح و آشتی درآیید و از گام‌های شیطان پیروی

نکنید.﴾

۶. طبری، عمادالدین، بشارالمصطفی، ص ۲۴۳.

مقصود از کلمات چیست؟

۸۴. مفضل بن عمر می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به قول خداوند: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ»^۱ پرسیدم: این کلمات چه بود؟ فرمود:

«کلماتی که آدم آن‌ها را از پروردگارش دریافت کرد و خداوند توبه‌اش را پذیرفت، این بود که عرض کرد: پروردگارا تو را به حق محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین درخواست می‌کنم که توبه مرا بپذیری! «فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۲ گفتم: مقصود از قول خدا: «فَأَتَمَّهُنَّ» چیست؟ فرمود: «آن‌ها را وسیله قائم دوازدهمین امام تمام کرد.»^۳

حق تلاوت

۸۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره قول خدای تعالی: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ»^۴ فرمود:

«آیات خدا را به ترتیل می‌خوانند و معانی آن را می‌فهمند و به احکامش عمل می‌کنند و به وعده امیدوار و از عذابش بیمناکند و داستان‌هایش را در نظر تجسّم می‌کنند و از مثل‌هایش عبرت می‌گیرند و دستورهایش را انجام و از زنده‌هایش اجتناب

۱. بقره، ۱۲۴: «هنگامی که خداوند ابراهیم را با وسایل گوناگون آزمود و او از آزمایش به خوبی درآمد.»

۲. همان، ۳۷: «و با آن توبه کرد و خداوند توبه او را پذیرفت.»

۳. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۲۰۲.

۴. بقره، ۱۲۱: «کسانی که کتاب آسمانی را به آن‌ها دادیم و آنان از روی دقت آن را تلاوت کردند.»

می‌کنند. به خدا که این‌ها به حفظ کردن آیات قرآن و مرتب خواندن حروف آن و تلاوت سوره‌ها و آموختن ده جز و پنج جزئش نیست. آنان حروف قرآن را حفظ کردند ولی حدود آن را ضایع نمودند! بلکه تدبیر آیات قرآن مورد توجه است، خدای تعالی می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ﴾^۱ و^۲

صدقه از کسب حلال

۸۶. امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ﴾^۳ فرمود:

«نزد مردم در وقتی که اسلام آوردند، درآمدهایی از ربا و مال‌های ناپاک بود و شخصی از بین مالش همان‌ها را برمی‌داشت و صدقه می‌داد خداوند ایشان را از آن کار منع کرد.»^۴

زن در عده

۸۷. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عز و جل: ﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهُ أَنْتُمْ

۱. ص، ۲۹: ﴿این کتابی پربرکت است که بر تو نازل کردیم تا در آیات آن تدبیر کنند.﴾

۲. حلی، وزام‌بن ابی‌فراس، تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۲۳۶.

۳. بقره، ۲۶۷: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید از اموال پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آن‌چه از زمین برای شما بیرون آورده‌ایم انفاق کنید و از قسمت‌های ناپاک انفاق نکنید.﴾

۴. مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۴۹.

سَتَذَكُرُوهُنَّ وَلَكِنَّ لَا تُوعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا^۱ فرمود:
«شایسته نیست که مردی از زنی که در عده است خواستگاری کند».^۲

رزق معنوی

۸۸. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾^۳ فرمود:

«معنایش آن است که از آن چه به ایشان تعلیم داده‌ایم، نشر می‌دهند».^۴

گفتم: یابن رسول الله! پس معنای ﴿فَأَتَمَّهُنَّ﴾ چیست؟ فرمود: تا قائم علیه السلام آن‌ها (کلمات) را [با] دوازده امام تمام کرد که نه تن از ایشان از فرزندان حسین علیه السلام هستند.

مفضل گوید: گفتم: یابن رسول الله! مرا از (کلمه الله) خبر دهید که خداوند آن را در نسل وی ماندگار ساخت؟

فرمود: «منظور امامت است که خداوند آن را در نسل حسین علیه السلام تا روز قیامت قرار داد.» عرض کردم: یابن رسول الله! چگونه امامت در فرزندان حسین علیه السلام شد، نه در فرزندان حسن علیه السلام در صورتی که هردوی آن‌ها فرزندان و نوادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۱. بقره، ۲۳۵: ﴿گناهی بر شما نیست که از روی کنایه از زنان در عده خواستگاری کنید و یا در دل تصمیم داشته باشد، خدا می‌داند که شما به یاد آن‌ها هستید ولی در تنهایی و با صراحت وعده ازدواج نگذارید مگر این‌که به طرز شایسته‌ای اظهار کنید.»

۲. مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۳.

۳. بقره، ۳: ﴿و از تمام مواهبی که به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.»

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۰.

و سروران اهل بهشتند؟

فرمود: «موسی و هارون دو برادر بودند، خداوند نبوت را در صلب هارون قرار داد، نه در صلب موسی علیه السلام و کسی را نمی‌رسید که بگوید: چرا خداوند آن‌طور قرار داد. و امامت جانشینی خدای عزوجل است، کسی را نمی‌رسد که بگوید: چرا خداوند آن را در صلب حسین قرار داد، نه در صلب حسن! زیرا که خدای عزوجل در کارهایش حکیم است، از آن چه انجام می‌دهد سؤال نمی‌شود ولی آن‌ها (بندگان) مورد سؤال قرار می‌گیرند.»^۱

روزی مؤمنان

۸۹. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنْ

الثَّمَرَاتِ﴾^۲ فرمود:

«آن ثمرات دل‌هاست یعنی آنان را محبوب مردم قرار داد تا به وسیله ایشان به پاداش برسند و به یقین هرکه به خدا ایمان داشته باشد به این موهبت اختصاص دارد، زیرا که خدای تعالی در پاسخ درخواست او (ابراهیم) از خداوند امامت را برای فرزندان‌ش به او اعلام کرد که در نسل وی ستمگرانی هستند با این کلام خود: ﴿لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۳ از این رو ابراهیم درخواست خود را به روزی مؤمنان اختصاص داد از باب تأدب به ادب الهی.»^۴

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲.

۲. بقره، ۱۲۶: ﴿از ثمرات گوناگون اهل او را روزی ببخش.﴾

۳. بقره، ۱۲۴: ﴿پیمان من به ظالمان هرگز نخواهد رسید.﴾

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۲.

روح مؤمنان در بهشت

۹۰. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به ارواح مؤمنان

پرسیدم، فرمود:

«در بهشت به صورت‌های بدن‌های خویش هستند، چنان‌که اگر

آن‌ها را ببینی گویی: فلانی است.»^۱

۱. بقره، ۱۵۶: ﴿کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آن‌ها رسد.﴾

تفسیر آیاتی از سوره آل عمران

ولایت علی علیه السلام

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«در آن بین که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میان جمعی از اصحابش نشسته بود، ناگهان مردی بادیه‌نشین وارد شد، گفت: یا رسول‌الله! من شنیده‌ام که خداوند در کتاب خود می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۱ این ریسمانی که ما را به چنگ زدن به آن فرمان داده است چه چیز است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست خود را بر شانه‌ی علی علیه السلام زد و فرمود: ولایت علی علیه السلام است، مرد بادیه‌نشین برخاست و تمام انگشتانش را بست سپس گفت: گواهی می‌دهم که معبود بحقّی جز خدا نیست و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خداست و به ریسمان خدا چنگ می‌زنم و انگشتانش را باز کرد.»^۲

۱. آل عمران، ۱۰۳: ﴿همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و از هم پراکنده نشوید!﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۵.

شیعیان در قیامت

۲. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«شیعیان علی علیه السلام روز قیامت در حالی بیایند که سیراب و اشباع شده‌اند، صورت‌هایشان سفید است و دشمنان علی علیه السلام در حالی محشور می‌شوند که چهره‌هایشان سیاه است و تشنه هستند. سپس این آیه را قرائت فرمود: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ﴾^۱

محکم و متشابه

۳. عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای تعالی: ﴿الم الله لا إله إلا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب بالحق مصدقاً لما بين يديه وأنزل التوراة والإنجيل من قبل هدى للناس وأنزل الفرقان﴾^۳ پرسیدم، فرمود:

«فرقان هر امر محکم است ولی کتاب همه قرآن است که پیامبران پیش از آن، تصدیقش می‌نمایند.
قول خداوند: ﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ﴾^۴ یعنی مرد، زن، سیاه، سفید، سرخ، تندرست و بیمار همه را تصویر می‌کند.

۱. آل عمران، ۱۰۶: ﴿روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه است.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۸.

۳. آل عمران، ۱ - ۴: ﴿الم خداوندی که جز او معبودی نیست یکتای پایدار قرآن را بر تو فرستاد که با نشانه‌های کتاب‌های آسمانی مطابق، تورات و انجیل را از پیش برای هدایت و فرقان را فرستاد.﴾

۴. آل عمران، ۶: ﴿او کسی است که شما را در رحم مادران آن‌گونه که می‌خواهد تصویر می‌کند.﴾

و قول خداوند: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ﴾^۱ اما محکم از قرآن آیه‌ای است که تأویل آن در تنزیل آن است مثل قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾^۲ و مثل قول خدا: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً﴾^۳ مثل این فراوان آیه محکم است که تأویل آن در تنزیل آن است.»

اما متشابه، هر آن چه در قرآن از کلماتی که بایک لفظ آمده، معانی متفاوتی دارد، از جمله آن چه از انواع کفر، گفتیم که به پنج گونه است و

۱. آل عمران، ۷: ﴿او کسی است که این کتاب را بر تو نازل کرد که بخشی از آن آیات محکم است که اساس این کتاب است و بخشی از آن متشابه است.﴾
۲. مائده، ۶: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپا خاستید صورت و دست‌های خود را تا آرنج بشویید و قسمتی از سر و هم‌چنین پا را تا برآمدگی مسح کنید!﴾
۳. نساء، ۲۳: ﴿مادران، دختران، خواهران و عمه‌ها و خاله‌هایتان بر شما حرام است و مادرانی که شما را شیر داده و خواهران رضاعی شما و مادران همسران و دختران همسران که در دامن شما قرار دارند به شرط آن‌که با همسران آمیزش کرده باشید.﴾

ایمان چهارگانه و مانند فتنه و ضلالت که اقسامی دارد.^۱

وعده الهی

۴. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

«اگر ما به شما درباره مردی از خودمان (اهل بیت) چیزی بگوییم و در آن مرد نباشد، در فرزند یا فرزند فرزندش خواهد بود بنابراین آن را انکار نکنید! خداوند به عمران وحی کرد که محققاً به تو پسری با میمنت خواهیم داد که کور مادرزاد و مبتلا به پیسی را بهبود می‌بخشد و به اذن من مرده را زنده می‌کند و من او را سوی بنی‌اسرائیل می‌فرستم. آن را به همسرش «حَنَّة» یعنی مادر مریم نقل کرد، همین که وی باردار شد، از نظر وی بارش پسر بود: ﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ﴾ زیرا که دختر، رسول خدا نمی‌شود، خداوند می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ﴾^۲ و چون خداوند به مریم، عیسی علیه السلام را داد، وی همان بود که خداوند به عمران بشارت او و وعده او را داده بود. بنابراین هر وقت به شما درباره کسی از ما (اهل بیت) چیزی را گفتیم، در فرزند یا فرزند فرزندش خواهد بود، آن را انکار نکنید!

چون مریم به حد بلوغ رسید، وارد محراب شد و پرده‌ای بر خود افکند و کسی او را نمی‌دید ولی زکریا در محراب نزد وی می‌رفت؛ در نزد وی میوه تابستانی را در زمستان و میوه زمستانی

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۹۷.

۲. آل عمران، ۳۶: ﴿هنگامی که فرزند خود را به دنیا آورد او را دختر یافت گفت:

پروردگارا دختر آوردم، البته خداوند از آنچه به دنیا آورده بود آگاه‌تر بود.﴾

را در تابستان می‌دید. همواره به او می‌گفت: این میوه‌ها را از کجا آوردی؟ او در جواب می‌گفت: ﴿هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدَقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ﴾^۱ «حضور» کسی است که میل به زنان ندارد. ﴿قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ﴾. عاقر زنی است که از عادت ماهیانه ناامید (و نازا)ست. ﴿قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا﴾^۲ و این بدان جهت بود که زکریا گمان کرد آن که او را مرده داد، از شیاطین بودند، عرض کرد: ﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا﴾ از این رو سه روز قادر به تکلم نبود.

و قول خدا: ﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ

۱. آل عمران، ۳۷ - ۳۹: ﴿این از طرف خداست و اوست که هرکس را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد، در این هنگام زکریا پروردگار خویش را خواند و گفت: پروردگارا! فرزند پاکیزه‌ای از سوی خودت به من نیز عطا فرما! که تو دعا را می‌شنوی! در این موقع فرشتگان بهنگامی که او در محراب ایستاده و مشغول نیایش بود، وی را صدا زدند که خداوند تو را به یحیی بشارت می‌دهد در حالی که کلمه خدا مسیح را تصدیق می‌کند و او رهبر خواهد بود، از هوا برکنار و پیامبری از صالحان است﴾.

۲. همان، ۴۰ و ۴۱: ﴿عرض کرد: پروردگارا! چگونه ممکن است، برای من فرزندی باشد در حالی که من پیرم و زخم نازاست؟ فرمود: این‌گونه خداوند هرکاری را که بخواهد انجام می‌دهد. عرض کرد: پروردگارا! نشانه‌ای برای من قرار ده! فرمود: نشانه تو آن است که سه روز جز با اشاره و رمز با مردم سخن نگوئی﴾.

وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿۱﴾ فرمود: «خداوند مریم را دو بار برگزید: بار اول او را برگزید، یعنی او را انتخاب کرد، اما بار دوم او بدون شوهر باردار شد پس بدان وسیله او را بر زنان جهانیان برگزید.

و قول خداوند: ﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾^۲ البته آن گزینش ﴿وَارْكَعِي وَاسْجُدِي﴾ است. سپس به پیامبرش فرمود: ﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُتْلُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾.^۳ امام علی^{علیه السلام} فرمود: «همین که مریم وضع حمل کرد، خاندان عمران در آن باره با هم به ستیز برخاستند هرکدام از آن‌ها گفتند: ما کفالت او را برعهده می‌گیریم، پس درآمدند با تیرها بین خود قرعه انداختند، تیر زکریا درآمد و زکریا او را تکفل کرد.»

﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾^۴

۱. آل عمران، ۴۲ و ۴۳: ﴿ هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان برتری داده است، ای مریم! برای پروردگارت سجده کن و با رکوع‌کنندگان رکوع کن! ﴾
۲. همان.

۳. همان، ۴۴: ﴿ این خبر مریم و زکریا از اخبار غیبی است که به تو وحی کردیم. آن‌ها که قلم‌های خود را برای قرعه جهت سرپرستی مریم به آب می‌افکندند، تو نبودى آن‌ها باهم کشمکش داشتند. ﴾

۴. همان، ۴۵: ﴿ هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداتو را به کلمه‌ای از سوی خود بشارت می‌دهد به نام مسیح، عیسی بن مریم درحالی‌که هم در این جهان و هم در آخرت از مقربان خدا خواهد بود. ﴾

- یعنی صاحب وجهه و مقام - و زاد روز و خبر او را در سوره مریم می نویسیم.

و قول خداوند: ﴿أَنْتَ أَخْلَقْتَ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ﴾^۱ یعنی قدرت داریم و آن آفرینش تقدیر است.^۲

... بر بنی اسرائیل حلال شد

۵. علی بن ابراهیم درباره قول خداوند: ﴿وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ﴾^۳ می گوید: و آن روز شنبه و (پاره ای از) چربی های حیوانات و بعضی از (پرنندگان) بود که خداوند بر بنی اسرائیل حرام کرده بود [حلال شد]

همو می نویسد: ابن ابی عمیر از قول مردی درباره قول خداوند: ﴿قَلَمًا أَحْسَسَ عَيْسَىٰ مِنْهُمْ الْكُفْرَ﴾^۴ یعنی همین که شنید و دید آن ها کافر می ورزند. حواس پنجگانه که خداوند آن ها را در مردمان مقدر فرموده است: شنوایی برای صدا، بینایی برای رنگ ها و تشخیص آن ها است، بویایی برای درک بوهای خوش و ناخوش، چشائی برای مزه ها و تشخیص آن ها و بسائی برای شناخت گرما و سرما و نرم و درشتی است.^۵

۱. آل عمران، ۴۹: ﴿من از گل چیزی به شکل پرنده می سازم سپس بر آن می دمم به فرمان خدا پرنده ای می گردد.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ۹۸ - ۱۰۰.

۳. آل عمران، ۵۰: ﴿و برای این که حلال کنم بر شما بعضی چیزهایی که بر شما حرام شده بود.﴾

۴. آل عمران، ۵۲: ﴿چون عیسی علیه السلام از آن ها احساس کفر کرد.﴾

۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۱.

مسیحیان نجران

۶. قول خدای تعالی: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنَ مِنَ الْمُمْتَرِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ﴾^۱ از ابن سنان به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آورده است، فرمود: «چون نصارای نجران دسته جمعی (نمایندگانشان) نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند، بزرگ آن‌ها اهتّم، عاقب و سید بود، وقت نمازشان رسید، شروع به نواختن ناقوس کردند و نماز خواندند، اصحاب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفتند: این عمل در مسجد شما اتفاق افتاد! پیامبر فرمود: آن‌ها را واگذارید! چون فارغ شدند، به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزدیک شدند و گفتند: شما به چه چیز دعوت می‌کنید؟ فرمود: به شهادت این‌که معبود به حقی نیست جز خدا و این‌که من فرستاده خدایم و عیسی بنده‌ای است مخلوق خدا که می‌خورد و می‌آشامد و دفع می‌کند. پرسیدند: پدر او کیست؟ به رسول خدا وحی نازل شد؛ به آن‌ها بگو: آن‌چه شما درباره آدم عَلَيْهِ السَّلَام می‌گویید: آیا آدم بنده آفریده خدا بود، می‌خورد و می‌آشامید و با همسرش آمیزش می‌کرد.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از ایشان پرسید، گفتند: آری. فرمود: پدرش که بود؟ سرگردان شدند و ساکت ماندند! این بود که خداوند آیه: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنَ مِنَ الْمُمْتَرِينَ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ

۱. آل عمران، ۵۹ - ۶۱: ﴿به راستی مثل عیسی نزد خدا مثل آدم است که او را از خاک آفرید سپس فرمود: باش! بلافاصله موجود شد. این‌ها را که بر تو می‌خوانیم حقی است از سوی پروردگار و چون حق است مبدا از تردیدکنندگان باشی. هرگاه بعد علم و دانشی که برای تو آمده کسانی با تو در آن محتاجه کنند.﴾

أَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبْتِهَلِ فَتَجْعَلُ لِعَنَةِ اللَّهِ عَلَيَّ الْكَاذِبِينَ^۱ را نازل کرد.

و اما قول خداوند: ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ تَبْتِهَلِ فَتَجْعَلُ لِعَنَةِ اللَّهِ عَلَيَّ الْكَاذِبِينَ﴾^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: با من مباحله کنید اگر من راست گویم، لعنت بر شما نازل خواهد شد و اگر دروغ بگویم بر من نازل خواهد شد. گفتند: انصاف دادی پس قرار مباحله گذاشتند. همین که به منزل هایشان برگشتند، سید، عاقب و اهتم گفتند اگر وی با قوم خودش با ما مباحله کند، ما هم مباحله می‌کنیم زیرا که وی (در آن صورت پیامبر نیست) ولی اگر با اعضای مخصوص خانواده‌ی خود مباحله کند ما با وی مباحله نمی‌کنیم، زیرا که بر اهل بیت خود چنین اقدامی را نمی‌کند، آن‌ها را جلو نمی‌اندازد مگر راستگو باشد.

چون صبح کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی آمد که امیرالمؤمنین، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام به همراه او بودند، نصارا پرسیدند: این‌ها کیستند؟ به ایشان گفتند: این پسر عمو، وصی و داماد او علی بن ابی طالب و این زن، دختر او فاطمه و این دو پسران او حسن و حسین علیهم السلام هستند. پس آن‌ها را شناختند و گفتند: یا رسول الله، ما رضایت تو را جلب

۱. آل عمران، ۵۹ - ۶۱.

۲. آل عمران، ۶۱: ﴿هرگاه پس از علم و دانشی که درباره مسیح برای تو آمده (باز) کسانی با تو در آن باره محاجّه و ستیز نمایند به آن‌ها بگو بیایید ما فرزندان خود را دعوت می‌کنیم و شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را شما هم زنان خویش را دعوت کنید، ما از نفوس خود (کسانی که به منزله جان ما هستند) دعوت می‌کنیم، شما هم از نفوس خود دعوت کنید سپس مباحله می‌کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم.﴾

می‌کنیم ما را از مباحله معاف بدار! از این رو رسول خدا ﷺ بر جزیه با آن‌ها مصالحه کرد و برگشتند.

قول خدای تعالی: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتْ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ هَا أَنْتُمْ هُوَ لَاءٌ﴾ - یعنی شما - ای حاضران ﴿حَاجَّجْتُمْ﴾ - یعنی به آن چه در تورات و انجیل است - ﴿فَلِمَ تُحَاجُّونَ... بِهِ عِلْمٌ﴾ - یعنی به آن چه در صحف ابراهیم است - ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾.^۱ سپس خدای عز و جل کسی را که سزاوارتر به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ است بر او احتجاج کرده، توصیف می‌نماید.^۲

رجعت و ایمان

۷. اما قول خدای تعالی: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ﴾^۳ محققاً خداوند عهد و پیمان پیامبرش محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر انبیا گرفت که به او ایمان آورند و او را یاری کنند و به امت‌های خویش خبر او را

۱. آل عمران، ۶۵ - ۶۷: ﴿ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم به گفتگو و نزاع می‌پردازید هرکدام او را از خود می‌دانید درحالی‌که تورات و انجیل بعد از او نازل شده است (او پیش از موسی و عیسی بود) آیا اندیشه نمی‌کنید؟ شما کسانی هستید که درباره آن چه نسبت به آن آگاهی داشتید بحث و گفتگو کردید ولی چرا درباره آن چه به او آگاهی ندارید بحث و گفتگو می‌کنید؟ خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه موحد خالص و مسلمان بود.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۳. آل عمران، ۸۱: ﴿هنگامی که خداوند پیمان مؤکد از پیامبران و پیروانشان گرفت که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم سپس پیامبری به سوی شما آمد که آن چه را با شما است تصدیق می‌کند، حتماً به او ایمان آورید و او را یاری کنید.﴾

گزارش نمایند.

از ابن مسکان به نقل از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:
 «خداوند هیچ پیامبری را از آدم تا به آخر مبعوث نفرمود مگر به دنیا
 رجعت کند و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری نماید و همان است قول
 خداوند: ﴿لَتُؤْمِنَنَّ بِهِ﴾ یعنی به رسول خدا ﴿وَلَتَنْصُرَنَّهُ﴾ یعنی
 امیرالمؤمنین علیه السلام را، سپس در عالم ذر به ایشان فرمود: ﴿ءَأَقْرَزْتُمْ وَ
 أَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِصْرِي﴾ - یعنی عهد مرا - ﴿قَالُوا أَقْرَزْنَا قَالَ﴾ (خداوند به
 فرشتگان گفت) ﴿فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾^۱ این با آیه‌ای که در
 سوره احزاب است در قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ
 وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا﴾^۲ و
 آیه‌ای که در سوره اعراف است؛ قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ
 مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾^۳ این سه آیه در سه سوره نوشته شده است.

سپس خدای عز و جل فرمود: ﴿أَفَعَيِّرُ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ﴾ فرمود: «آیا غیر
 از این که به شما گفتیم: به محمد و وصیش ایمان آورید» ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾^۴ یعنی جدای از شمشیر [یعنی ایمان از
 روی اختیار].

۱. آل عمران، ۸۱: ﴿آیا اقرار به این موضوع دارید و پیمان مؤکد مرا بر آن گرفتید؟ گفتند: آری. اقرار داریم. فرمود: بر این پیمان گواه باشید و من هم با شما گواهم﴾.
۲. احزاب، ۷: ﴿هنگامی که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو و از نوح، ابراهیم، موسی و عیسی بن مریم و ما از همه آنها پیمان محکمی گرفتیم﴾.
۳. اعراف، ۱۷۲: ﴿موقعی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت﴾.
۴. آل عمران، ۸۳: ﴿آیا آنها غیر از دین خدا را می‌جویند؟ درحالی که همه کسانی که در آسمان‌ها و زمینند چه از روی اختیار یا اجبار اسلام آورده‌اند﴾.

سپس به پیامبرش دستور داد تا به پیامبران و رسولان و کتاب‌های (آسمانی) اقرار کند، فرمود: «یا مُحَمَّدُ بگو: ﴿أَمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾^۱ و قول خداوند: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ زیرا که این آیه محکم است. سپس خدای عز و جل کسانی را یاد می‌کند که عهد خدا را درباره امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ شکستند و پس از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کافر شدند و فرمود: ﴿كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَا تَوْأَمُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَ لَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾^۲

۱. آل عمران، ۸۴: ﴿بگو: به خدا و به آنچه بر ما و ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و همه پیامبران نازل شده است ایمان آوردیم، ما در بین آن‌ها فرقی نمی‌گذاریم و در برابر او خدا تسلیم هستیم.﴾

۲. آل عمران، ۸۵ - ۹۱: ﴿هرکس غیر از اسلام آیینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است. چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می‌کند بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول و نشانه‌های روشن کافر شدند، خداوند جمعیت ستمکاران را هدایت نمی‌کند آن‌ها کیفرشان این است که

همه این آیات درباره دشمنان آل محمد ص است. سپس فرمود:
 ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾^۱
 یعنی هرگز به پاداش نمی‌رسند تا حق آل محمد ص را از خمس،
 انفال و فیئ باز نگردانند.

اما قول خداوند: ﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ
 عَلَي نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ﴾ فرمود: «یعقوب ع مبتلا به بیماری
 سیاتیکی شد و گوشت شتر را بر خود حرام کرد، یهود گفتند: گوشت شتر
 در تورات حرام شده است.

خدای عز و جل فرمود: ﴿فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۲ بلکه
 این را اسرائیل (یعقوب) بر خود حرام کرد و بر مردم حرام نکرد و این
 بود داستانی از یهود و عبارت عین عبارت خبر است.^۳

۱۲ لعن خدا، فرشتگان و همه مردم بر آن‌هاست؛ درحالی‌که آن‌ها در لعن و نفرت
 می‌مانند و مجازات آن‌ها تخفیف نمی‌یابد و به آن‌ها مهلت داده نمی‌شود جز
 کسانی که پس از آن توبه کنند و اصلاح نمایند زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.
 کسانی که پس از ایمان آوردن کافر شدند سپس بر کفر خود افزودند هیچگاه توبه
 آنان قبول نمی‌شود و آن‌ها گمراهند. کسانی که کافر شدند و در حال کفر مردند اگر
 تمام روی زمین پر از طلا را به عنوان فدیة دهند هرگز از آن‌ها پذیرفته نخواهد
 شد، آن‌ها مجازات دردناکی دارند و یاوری ندارند. ﴿

۱. همان، ۹۲: ﴿شما هرگز به حقیقت نیکی نمی‌رسید تا از آن چه دوست دارید در
 راه خدا بدهید.﴾

۲. آل عمران، ۹۳: ﴿تمام این غذاها بر بنی اسرائیل حلال بود جز آن چه اسرائیل
 یعقوب پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود. بگو: اگر راست می‌گویید، تورات
 را بیاورید و بخوانید.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵.

تمرد از دستور

۸. قول خداوند: ﴿وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۱ از ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «سبب نزول این آیه آن بود که قریش از مکه به قصد جنگ با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون شدند و آن حضرت از شهر در جستجوی جای مناسبی برای جنگ بیرون شد.

و قول خداوند: ﴿إِذْ هَمَّتْ طَافِئَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا﴾ درباره عبدالله بن ابی نازل شده است و گروهی از اصحابش در ترک خروج از شهر و خودداری از یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله از نظر او پیروی کردند.

فرمود: «علت جنگ احد آن بود که قریش چون از بدر به مکه مراجعت کردند، درحالی که بر سر آن‌ها از قتل و اسارت آمده بود، آن‌چه آمده بود! زیرا که از آن‌ها هفتاد تن کشته و هفتاد نفر هم اسیر شده بود. همین که به مکه برگشتند، ابوسفیان گفت: ای توده‌ی قریش! نگذارید زنانتان بر کشته‌هایتان بگریند زیرا که گریه و اشک چون درآید، غم و سوز و عداوت محمد را از بین ببرد و محمد و اصحابش ما را سرزنش می‌کنند!

و چون آن‌ها با رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز احد به نبرد پرداختند، به زنانشان پس از جنگ اجازه گریه و ندبه دادند و چون خواستند با رسول خدا صلی الله علیه و آله به جنگ احد بروند به سراغ هم پیمانانشان از قبیله کنانه و دیگران رفتند و افراد و سلاح جمع کردند و از مکه با سه هزار سواره و دو هزار پیاده در آمدند و زنان را با خود در آوردند که آن‌ها را

۱. آل عمران، ۱۲۱: ﴿روزی که از مدینه از میان بستگان خود بیرون آمدی تا برای

مؤمنان پایگاهی برای نبرد دشمن آماده کنی، خداوند شنوا و داناست.﴾

نام می بردند و به جنگ با رسول خدا صلی الله علیه و آله تشویق می کردند و ابوسفیان هند دختر عتبه را بیرون آورد و همراه آن ها عمره دختر علقمه حارثیه در آمده بود.

چون آن خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید اصحابش را جمع کرد و به آن ها خبر داد که خداوند به وی خبر داده است که قریش گرد آمده و آهنگ مدینه را دارند. و اصحاب خود را به جهاد و قیام واداشت. عبدالله بن ابی سلول و قوم وی گفتند: یا رسول الله از داخل مدینه بیرون نرو تا در کوچه های مدینه با آن ها بجنگیم! یک مرد ناتوان و زن و غلام و کنیز همگی بر دهانه کوچه ها و پشت بام های جنگند. به این ترتیب هیچ قومی هرگز با ما نخواهد جنگید که بر ما پیروز شوند در حالی که ما داخل سنگرها و خانه هایمان هستیم و هرگز ما به دشمنانمان خروج نکردیم مگر پیروزی از آن ایشان بود.

سعد بن معاذ - خدایش بیامرزد! - و دیگران از قبیله اوس برخاستند و گفتند: یا رسول الله! کسی از عرب به ما طمع نبست در حالی که ما مشرک بودیم و بت ها را می پرستیدیم، اکنون که شما در بین ما هستید چگونه آن ها طمع می کنند، نه! بلکه ما بیرون می شویم و با آن ها می جنگیم؛ هر که از ما کشته شود، شهید است و هر که از ما نجات یابد، در راه خدا جهاد کرده است! رسول خدا صلی الله علیه و آله قول او را قبول کرد و با جمعی از اصحابش بیرون آمد، در جستجوی پایگاه قتال، همان طوری که خداوند، فرموده است: ﴿وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا^۱﴾ یعنی

۱. آل عمران، ۱۲۱: ﴿روزی که صبحگاهان از مدینه از میان بستگان و اهل خود

عبدالله بن اُبی و اصحابش.

رسول خدا ﷺ پایگاه سپاهش را پشت جاده عراق بپا کرد و عبدالله بن اُبی و قومش از قبیله خزرج به پیروی از نظر او در خانه نشستند. قریش به اُحد رسید و رسول خدا ﷺ اصحاب خود را شمرد؛ هفتصد مرد بودند. عبدالله بن جبیر را با پنجاه تیرانداز به دروازه‌ی شعب (درّه) قرار داد و بیمناک بود از این که در آن جا کسی کمین ایشان را بکند.

رسول خدا ﷺ به عبدالله بن جبیر و همراهانش فرمود: «اگر دیدید دشمن را شکست دادیم حتی آن‌ها را وارد مکه کردیم، مبادا شما از این جا بیرون شوید و اگر دیدید آن‌ها ما را شکست دادند حتی وارد مدینه کردند، نباید شما جای خودتان را ترک کنید و هم چنان پابرجا بمانید! و ابوسفیان خالد بن ولید را با دو یست سواره در کمین قرار داد و به آن‌ها گفت: هرگاه دیدید ما درهم آمیختیم از آن دره بر آن‌ها درآید تا در پشت سر آن‌ها باشید!

چون سپاه جلو آمد و آراسته شدند و رسول خدا ﷺ اصحاب خود را آماده جنگ کرد، پرچم را به دست امیرالمؤمنین علیؑ داد، انصار به مشرکان قریش حمله کردند و شکست بدی خوردند و اصحاب رسول خدا با عجله به سراغ و سایل و ابزار آن‌ها رفتند و خالد بن ولید با دو یست سواره سرازیر شد عبدالله بن جبیر دید فوری با تیرها آن‌ها را هدف قرار داد. ولی اصحاب عبدالله بن جبیر نگاهی به

﴿ بیرون آمدی تا برای مؤمنان پایگاه‌هایی برای نبرد آماده سازی! خداوند شنوا و داناست در آن هنگام دو طایفه از مسلمانان تصمیم گرفتند سستی به خرج دهند به مدینه بازگردند. ﴾

اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله کردند، دیدند دارند و سایل و ابزار آن قوم را غارت می کنند به عبدالله بن جبیر گفتند: تو ما را این جانگاہ می داری در حالی که اصحاب ما غنائم را می برند و ما بدون غنیمت می مانیم! عبدالله گفت: از خدا بترسید! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما پیشنهاد کرد که مبادا جای خودمان را ترک کنیم! حرف او را قبول نکردند و یکی یکی رفتند تا مرکزشان را خالی کردند و عبدالله بن جبیر با دوازده نفر باقی ماند و پرچم قریش دست طلحة بن عدوی^۱ از قبیله عبدالدار بود مبارز طلید و صدا زد: یا محمد! گمان می کنی که شما با شمشیرهایتان ما را راهی دوزخ می کنید و ما با شمشیرهایمان شما را به بهشت می فرستیم، بنابراین هرکس مایل است به بهشت خود برسد، به مبارزه ی من بیاید، پس امیرالمؤمنین علیه السلام به مبارزه ی او رفت، در حالی که می فرمود:

ای طلحه اگر چنان است که تو می گویی

ما را سوارانی و شما را سرنیزه هاست!

پس بمان تا ببینیم کدام یک از ما کشته می شویم

و کدام یک از ما به آن چه می گویی شایسته تریم!

اینک سوی تو شیری غران با شمشیری آمد

که هرگز کند نمی شود، با یاری خدای غالب و رسول خدا

طلحه پرسید: آی پسر! تو کیستی؟ فرمود: من علی بن ابی طالبم.

گفت: من دانستم. کسی جز تو جرأت رو برو شدن با من را ندارد. پس

طلحه بر او حمله کرد و ضربتی زد و امیرالمؤمنین علیه السلام آن را فوری رد

۱. او را کبش الکتیبه یعنی مرد شماره یک پیش قراولان لشکر می گفتند. م.

کرد، سپس ضربتی بر ران‌های او زد که هر دو ران او را قطع کرد و او به پشت سر سقوط کرد و پرچم بر زمین افتاد و علی علیه السلام رفت تا کار او را یک سره کند، او علی علیه السلام را به خویشاوندی سوگند داد، از او روگرداند، مسلمانان گفتند: چرا کار او را تمام نکردی؟ فرمود: من او را ضربتی زدم که هرگز با آن زنده نخواهد ماند.

پرچم را ابو سعید بن ابی طلحه برداشت پس علی علیه السلام او را هم کشت و پرچم به زمین افتاد، شافع بن ابی طلحه آن را برداشت، باز علی علیه السلام او را کشت و پرچم به زمین افتاد، حارث بن ابی طلحه آن را برداشت و علی علیه السلام او را هم به قتل رساند و پرچم به زمین افتاد و ابو عذیر بن عثمان آن را برداشت و علی علیه السلام او را هم کشت و پرچم به زمین افتاد و امیر المؤمنین علیه السلام نهمین نفر از پسران عبدالدار یعنی ارطاة بن شرحبیل را در حال مبارزه کشت، و پرچم به زمین افتاد پس از آن غلام آن‌ها به نام صواب پرچم را برداشت. امیر المؤمنین علیه السلام ضربتی به دست راست او زد و آن را قطع کرد و پرچم به زمین افتاد، آن را به دست چپش گرفت، امیر المؤمنین علیه السلام ضربتی به دست چپ او زد و آن را قطع کرد و پرچم به زمین افتاد ولی آن را با دست‌های بریده‌اش برداشت، سپس گفت: ای فرزند عبدالدار! آیا بین خود و شما کوتاهی کردم؟! پس امیر المؤمنین علیه السلام ضربتی بر سر او زد و او را کشت و پرچم بر زمین افتاد و آن را عمره دختر علقمه حارثیه برداشت و نگه داشت.

خالد بن ولید بر عبدالله بن جبیر فرود آمد، در حالی که یارانش فرار کرده بودند و با عده کمی مانده بود آن‌ها را بر دروازه‌ی شعب (دره) کشت و مسلمانان را تعقیب کرد و شمشیر میان آن‌ها نهاد و قریش در حال شکست خود به پرچم نگاه کردند که برافراشته است پس به آن

پناه بردند و خالد بن ولید آهنگ کشتن مسلمانان را کرد، اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله شکست بدی خوردند و در هر طرف رو به رفتن بالای کوه‌ها کردند! چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فرار آن‌ها را دید کلاه خود از سر برداشت و فرمود: من رسول خدایم، به کجا از خدا و رسولش فرار می‌کنید؟!^۱

اموالِ بخیل

۹. اما قول خداوند: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ از ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«به خدا سوگند که آن‌ها شیعیان ما هستند (که در راه خدا کشته شده‌اند)، چون وارد بهشت شوند و از جانب خداوند باکرامت استقبال شوند، به کسانی از برادران مؤمنشان که در دنیا هستند مژده دهند ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۲ و آن ردّ بر کسی است که ثواب و عقاب پس از مرگ را باطل می‌داند.»

اما قول خداوند: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ﴾ فرمود:

«کسی که بخل و رزد و مال خود را در طاعت خداوند صرف نکند،

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۸ - ۱۲۰.

۲. آل عمران، ۱۶۹ - ۱۷۱: ﴿ای پیامبر هرگز گمان مبر آن‌ها که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند آن‌ها به خاطر نعمت‌هایی که خداوند از فضل خود داده خوشحالند و به آن‌ها که ملحق نشده‌اند شادمانند نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمی.﴾

روز قیامت همان مال طوقی از آتش در گردن او شود و همان

است قول خداوند: ﴿سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾^۱

اما قول خداوند: ﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ

أَغْنِيَاءُ﴾^۲ فرمود:

«به خدا که آن‌ها خدای تعالی را ندیده‌اند که او نیازمند است بلکه

آن‌ها اولیای خدا را دیده‌اند که تهی‌دستانند و گفتند: اگر خدا

توانگر بود هر آینه اولیای خود را توانگر کرده بود.»

اما قول خداوند: ﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ اِیْنَا اَلَا نُوْمِنُ لِرَسُوْلِ حَتّٰی

یَأْتِنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ﴾ چون قومی از یهود به رسول خدا ﷺ گفتند:

ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر ما را قربانی دهد که آتش آن را بخورد.

نزد بنی اسرائیل طشتی بود که قربانی را انجام می‌دادند و آن را داخل

طشت قرار می‌دادند، آتشی می‌آمد و در آن می‌افتاد، او را می‌سوزاند از

این رو به رسول خدا ﷺ گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا ما

را قربانی بیاوری که آتش آن را بخورد همان طوری که برای

بنی اسرائیل بود، پس خداوند فرمود: یا محمد! به ایشان بگو: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ

رُسُلٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۳

۱. آل عمران، ۱۸۰: ﴿کسانی که بخل می‌ورزند از آنچه خداوند از فضل خود به

آن‌ها داده در راه او نمی‌دهند تصور نکنند به سود آن‌هاست بلکه به زبان

آن‌هاست. به زودی در قیامت آن‌چه را که نسبت به آن بخل ورزیدند مانند طوقی

در گردنشان می‌افکنند.﴾

۲. آل عمران، ۱۸۱: ﴿خداوند سخن کفرآمیز آنان یهود را که گفتند: خداوند فقیر

است و ما غنی هستیم، شنید.﴾

۳. آل عمران، ۱۸۳: ﴿خداوند از ما پیمان گرفته است که دعوت هیچ پیامبری را

پایدار باشید

۱۰. در تفسیر قول خداوند: ﴿اضْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾^۱ از ابن مسکان به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:
«در برابر مصائب پایدار باشید و بر واجبات استقامت کنید و در برابر امامان علیهم السلام مرزبانی نمایید!»^۲

تقوا

۱۱. ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عز و جل: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾^۳ پرسیدم، فرمود:
«خدا را اطاعت کنند و نافرمانی نکنند به یاد خدا باشند او را فراموش نکنند و سپاسگزار او باشند، کفران نکنند.»^۴

حنیف یعنی...

۱۲. از عبدالله بن مسکان به نقل از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿حَنِيفًا مُسْلِمًا﴾^۵ آورده است، فرمود:

۴ پذیریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش آن را بخورد. بگو گروهی از پیامبران بنی اسرائیل پیش از من آمدند و نشانه‌های روشنی با خود آوردند و چنین (قربانی) چیزی که گفتید برای شما آوردند، اگر راست می‌گویید چرا به آن‌ها ایمان نیاوردید؟! ﴿

۱. آل عمران، ۲۰۰: ﴿ایستادگی کنید و در برابر دشمنان استقامت کنید از مرزهای خود مراقبت نمایید.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۲۹.

۳. آل عمران، ۱۰۲: ﴿آن‌گونه که حق پرهیزکاری است از خدا پرهیزید!﴾

۴. برقی، المحاسن، ص ۲۰۴.

۵. همان، ۶۷: ﴿بلکه موحد خالص و مسلمان پاک نهادی بود.﴾

«خالص، مخلص بدون آمیختگی به چیزی باشد.»^۱

رضوان خدا

۱۳. عمار ساباطی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عز و جل: ﴿أَقَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانِ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطِ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ﴾ فرمود:

«منظور از ﴿الَّذِينَ اتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ﴾^۲ امامان علیهم السلام هستند. ای عمار! به خدا سوگند که هم ایشان باعث درجاتی برای مؤمنانند و به خاطر ولایت و معرفت ایشان ما را، خداوند اعمال ایشان را دو برابر می‌کند و برای آن‌ها درجات بلندی را بالا می‌برد.»^۳

غضب حکومت

۱۴. عبدالاعلی آزاد شده آل سام می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ﴾^۴ مگر خداوند به بنی امیه ملک و سلطنت نداده است؟ فرمود:

«چنان نیست که تو تصور می‌کنی، همانا خدای عز و جل ملک را به ما داده بود ولی بنی امیه از ما گرفتند، بمانند مردی که جامه

۱. برقی، المحاسن، ص ۲۵۱.

۲. آل عمران، ۱۶۲ و ۱۶۳: ﴿أَيَا كَسَانِي كَمَا فَرَمَانِ خَدَا رَا اِطَاعَتِ كَرَدْنِدْ وَ اَزْ خَشْنُوْدِي اَوْ پِيْرُوِي نَمُوْدَنْدْ مَانَنْدْ كَسَانِي هَسْتَنْدْ كَهْ بَهْ خَشْمِ خَدَا بَاَزْكَشْتَنْدْ وَ جَايْگَاهْ اَنْ هَا دُوْزْخِ وَ سِرَانْجَامْ اَنْ هَا بَدْ اَسْتْ؟! هَرِيْكَ اَزْ اَنْ هَا بَرَايْ خُوْدْ دَرْجَهَايْ دَرْ نَزْدِ خَدَا دَارَنْدْ.﴾

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۰.

۴. آل عمران، ۲۶: ﴿بِگُو: بَارَالِهَا! مَالِكِ مَلِكِهَا تَوَايْ، تُوْ هَسْتِيْ كَهْ بَهْ هَرْ كَسِ خَوَاْهِيْ شَايِسْتَهْ بَدَانِيْ مِيْ دَهِيْ وَ اَزْ هَرْ كَسِ بَخَوَاْهِيْ جَدَا مِيْ سَاْزِيْ.﴾

مال اوست ولی دیگری می‌گیرد اما آن لباس مال او نیست.»^۱

راسخان در علم

۱۵. ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«ما راسخان در علم هستیم و ماییم که تأویل آن (قرآن) را می‌دانیم.»^۲

تیرگی دل

۱۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«زیاد بگویند: ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا﴾^۳ و از تیرگی دل ایمن نباشید (خود را ایمن ندانید)!»^۴

استغفار در نماز وتر

۱۷. از ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: تفسیر این قول

خدا: ﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾^۵ چه می‌شود؟ فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در نماز وتر خود هفتاد بار استغفار می‌کرد.»^۶

یکسال مداومت

۱۸. عمر بن یزید نقل کرده که از امام صادق علیه السلام شنیدم، می‌فرمود:

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۵.

۳. آل عمران، ۸: ﴿پروردگارا! دل‌های ما را پس از آن‌که ما را هدایت نمودی منحرف نگردان.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۶.

۵. آل عمران، ۱۶: ﴿استغفارکنندگان در سحر.﴾

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۶۸.

تفسیر آیاتی از سوره آل عمران □ ۲۰۷

«هرکس هفتاد مرتبه در نماز وتر پس از رکوع از خدا طلب
آمزش کند و یک سال بر آن ادامه دهد از جمله استغفارکنندگان
در سحرهاست.»^۱

دین، محبت معصومین است

۱۹. ربیع بن عبدالله می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتند: فدایت شوم!
ما نام شما و نام پدران شما را بر خود می گذاریم آیا سودی به حال ما
دارد؟ فرمود: «آری به خدا قسم و آیا دین چیزی جز محبت است،
خداوند فرموده است: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ
فَاتْتَهُوا﴾. ۳۰۲

دعای زکریا

۲۰. ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است که فرمود:

«چون زکریا از پروردگارش خواست که به او پسری دهد، پس
فرشتگان او را به وسیله ی ندای خاص خود، او را ندایی دادند بهتر آن
است که دانسته شود آن صدا از درگاه خدا بود، به او وحی فرمود: نشانی،
آن که زبانش را سه روز از حرف زدن باز دارد. فرمود: چون زبانش را
باز داشت و حرفی نزد، دانست که کسی جز خدا را چنان توانی نیست و
آن است، قول خدای تعالی: ﴿رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا﴾ ۵۰۴

۱. همان، ص ۱۶۹.

۲. آل عمران، ۳۱.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۴. همان، ۴۱: ﴿پروردگارا نشانه ای برای من قرار ده! فرمود: نشانه تو آن است که

سه روز با مردمجز به رمز سخن نگویی.﴾

استجابیت دعای زکریا در نماز

۲۱. امام صادق علیه السلام فرمود: شنیدم که می فرمود:

«طاعت خدا خدمت خدا در زمین است و هیچ چیزی از خدمت او با نماز برابری نمی کند، از این رو فرشتگان زکریا را درحالی ندا دادند که او در محراب نماز می خواند.»^۱

شهادت زمین

۲۲. رفاعه بن موسی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره قول خداوند **﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾**^۲ می فرمود:

«چون قائم علیه السلام قیام کند، هیچ زمینی نماند مگر در آن به شهادت این که معبودی جز خدای یکتا نیست و محمد رسول خداست، ندا داده شود.»^۳

پرداخت زکات

۲۳. مفضل بن عمر نقل می گوید: روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، همراه من چیزی بود که در مقابل آن حضرت گذاشتم، فرمود: «این چیست؟» عرض کردم: تقدیمی موالیان و بندگان شماست. فرمود:

«یا مفضل! من این را قبول نمی کنم و با همه نیازم من آن را

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۴.

۱. همان.

۲. آل عمران، ۸۳.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

نمی‌پذیرم مگر زکات آن را بپردازند.

سپس فرمود: من از پدرم شنیدم که می‌فرمود: هر که یک سال بر او بگذرد از مالش کم یا زیاد به ما نرسد روز قیامت خداوند بر او نظر نکند مگر این که خداوند از او بگذرد. آن‌گاه فرمود: یا مفضل! البته آن واجبی است که خداوند در کتاب خود آن را بر شیعیان ما واجب کرده است، زیرا که می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾^۱، ماییم آن برّ و تقوا و راه هدایت و دروازه تقوا و دعای ما در درگاه خدا محجوب نمی‌ماند. بر حلال و حرامتان بسنده کنید و زنهار مبدا از کسی از فقیهان چیزی را بپرسید که به شما مربوط نمی‌شود و خداوند از شما پنهان داشته است.»^۲

خوردن گوشت شتر

۲۴. عبدالله بن ابی‌یعفور می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند ﴿كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ﴾^۳ پرسیدم، فرمود:

«اسرائیل (یعقوب علیه السلام) هرگاه گوشت شتر می‌خورد، درد خاصه بر او عارض می‌شد از این رو گوشت شتر را به خود حرام کرد. و این مطلب پیش از نزول تورات بود، چون تورات نازل شد، آن را حرام نکرد ولی خود نخورد.»^۴

۱. آل عمران، ۹۲.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳. آل عمران، ۹۳: ﴿در آغاز تمام این غذاها برای بنی‌اسرائیل حلال بود جز آنچه

اسرائیل یعقوب پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۵.

خرید زمین برای مسجد

۲۵. عبدالصمد بن سعد می‌گوید: ابو جعفر (منصور) خواست از مردم مکه خانه‌هایشان را بخرد و به مسجد بیافزاید، آن‌ها خودداری کردند، آن‌ها را تشویق کرد باز هم خودداری کردند، ناراحت شد. خدمت امام صادق علیه السلام رسید و گفت: من از این‌ها مقداری از خانه‌هایشان و فضای منزلشان را خواستم تا در مسجد اضافه کنیم از من باز داشتند، مراسم غمگین کرده است! امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا این کار با وجود حجت و دلیل روشنی در آن باره تو را غمگین نموده است؟» پرسید: به چه چیز استدلال کنم؟ فرمود: «به کتاب خدا» عرض کرد: به کدام مورد؟ فرمود: «به قول خداوند: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ﴾^۱ خداوند خبر داده است که نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شده همان است که در بکّه (مکه) است، بنابراین اگر آن‌ها پیش از خانه (کعبه) ولایت داشتند پس حیاط منزل‌هایشان مال آن‌هاست ولی اگر خانه (کعبه) پیش از آن‌ها از قدیم بوده پس حیاط خانه‌ها مال کعبه است». پس ابو جعفر آن‌ها را خواست و همین استدلال را کرد، گفتند: هر چه خواهی انجام ده!^۲

آیات روشن

۲۶. ابن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ﴾^۳ پرسیدم که این آیات روشن چیست؟ فرمود:

۱. آل عمران، ۹۶: ﴿نخستین خانه‌ای که برای مردم و نیایش خداوند قرار داده شده همان است که در سرزمین مکه است.﴾
۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۶.
۳. آل عمران، ۹۷: ﴿در آن نشانه‌های روشن است﴾.

تفسیر آیاتی از سوره آل عمران □ ۲۱۱

«مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ موقعی که روی آن ایستاد ردّ پاهایش در آن ماند و آن حجر می‌باشد.»^۱

پناهندگی در حرم

۲۷. عبدالله بن سنان می‌گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: به نظر شما در قول خداوند: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ منظور خانه است یا حرم؟ فرمود: «هرکه به قصد پناهندگی وارد حرم شود، در امان است. و هرکه از مؤمنان وارد خانه (کعبه) شود به قصد پناه‌جویی از خشم خدا در امان است. و هرکه از حیوانات وحشی، درندگان و پرندگان وارد حرم شود، از آذیت و آزار در امان است تا از حرم بیرون شود.»^۲

معرفت به حق ما

۲۸. هشام بن سالم به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ آورده است که فرمود: «هرکه وارد مکه؛ مسجدالحرام شود درحالی که به حق ما و حرمت ما معرفت دارد، همان را از حق و حرمت آن بدارد خداوند گناه او را بیامرزد و مهمات از امر دنیا و آخرت او را کفایت کند و آن است قول خداوند: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾».^۳

استطاعت در حج

۲۹. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره‌ی قول خداوند: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ فرمود:

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. آل عمران، ۹۷.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۹.

«هرکس تندرست و خاطر جمع باشد زاد و راحله داشته باشد برای حج استطاعت دارد.»^۱

نسبت کفر به اهل قبله

۳۰. امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند: ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۲ فرمود:

«در این آیه نسبت کفر به اهل قبله به خاطر گناهان است، زیرا هر که از مسلمانان، دیگران را به سوی نیکی‌ها فرخواند و امر به معروف و نهی از منکر نکند، از جمله امتی نمی‌باشد که خداوند توصیف کرده است، چرا که شما گمان می‌برید تمام مسلمانان از امت محمدند در حالی که این آیه فاش کرده و امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به فراخوانی به سوی نیکی و امر به معروف و نهی از منکر توصیف کرده است، بنابراین در هر که این صفتی که توصیف فرموده یافت نشود چگونه می‌تواند از امت باشد درحالی که بر خلاف شرط و وصفی است که خداوند برای این امت تعیین کرده است؟!»^۳

ریسمانی از جانب خدا

۳۱. امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند: ﴿إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنْ النَّاسِ﴾^۴ فرمود:

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. آل عمران، ۱۰۴: ﴿در میان شما باید کسانی باشند که مردم را به نیکی‌ها دعوت کنند و از بدی‌ها بازدارند.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۹.

۴. آل عمران، ۱۱۲: ﴿مگر وسیله ریسمانی از جانب خدا و ریسمانی از جانب صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ﴾

تفسیر آیاتی از سوره آل عمران □ ۲۱۳

«ریسمانی از جانب خدا کتاب خدا (قرآن) و ریسمانی از مردم
علی بن ابی طالب علیه السلام است.»^۱

نجات از پستی

۳۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خدا بیامرزد کسی را که از خود راضی نباشد زیرا که ابلیس در
دینش نظیر اوست و در کتاب خدا (قرآن) است نجات از پستی و
نکبت و بصیرت از نابینایی و راهنمایی به سوی هدایت و شفای
آن چه در دل هاست. در دستوری که خداوند از درخواست آمرزش
به وسیله توبه داده، فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا
لذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ
يَعْلَمُونَ﴾^۲ و ﴿مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ
غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۳

بنابراین آن چه خدا از طلب آمرزش فرمان داده، این است
و با آن توبه را شرط کرده است و نیز دل کندن از آن چه
خداوند حرام کرده است، می فرماید: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ

۱. مردم با بازگشت و پیوند با خدا و وابستگی به مردم ﴿.

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲. آل عمران، ۱۳۵: ﴿آن ها که چون مرتکب کار زشتی شوند یا به خود ستم کنند به
یاد خدا می افتند و برای گناهانشان طلب آمرزش می کنند. کیست جز خدا که
گناهان را بیامرزد، آن ها هرگز با علم و آگاهی بر گناه خویش اصرار نمی ورزند. ﴿
۳. نساء، ۱۱۰: ﴿کسی که به خود یا دیگری ستم کند و بعد پشیمان شود و از خداوند
طلب آمرزش کند خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت. ﴿

الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۱ این آیه دلالت دارد بر این که استغفار را به درگاه خدا بالا نمی‌برد مگر عمل صالح و توبه.^۲

دولتی برای خدا

۳۳. امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند: ﴿تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَّأُولُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۳ آورده است، فرمود:

«از زمانی که خداوند آدم علیه السلام را آفریده است همواره دولتی برای خدا و دولتی از آن ابلیس بوده است ولی دولت خداوند کجا؟ آری آن جز به تنهایی سرپا نمی‌ماند.»^۴

مجاهدت در راه خدا

۳۴. داوود رقی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَكَمَا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ﴾^۵ پرسیدم، فرمود:

«خداوند به آن چه ساخته اوست پیش از آن که آن را بسازد آگاه‌تر بوده است، در حالی که آن‌ها به صورت ذراتی بودند و کسی را که مجاهدت می‌کند، از آن که مجاهدت نمی‌کند به خوبی می‌دانست.

۱. فاطر، ۱۰: ﴿سَخْنَانَ پاكيزه سوي او بالا مي‌رود و عمل صالح را او بالا مي‌برد.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۲.

۳. آل عمران، ۱۴۰: ﴿خداوند این ایام را بین مردم به طور مداوم گردش می‌دهد.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۲.

۵. آل عمران، ۱۴۲: ﴿آیا شما چنین پنداشتید که بدون جهاد و استقامت در راه خدا

می‌توانید در بهشت برین جای گیرید درحالی‌که هنوز خداوند مجاهدان از شما را

مشخص نساخته است؟﴾

همان طوری که به میراندن خلق خود آگاه است پیش از آن که آن‌ها را بمیراند ولی مرگ آن‌ها را درحالی که زنده‌اند به آن‌ها نمایانده است.»^۱

درجاتی براساس دوستی اهل بیت

۳۵. عمارین مروان می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به قول خداوند: «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»^۲ پرسیدم، فرمود:

«آنان امامانند، به خدا سوگند ای عمار! مؤمنان را در پیشگاه خدا و به خاطر دوستی و معرفتشان ما را درجاتی است که خداوند برای مؤمنان حسناتشان را دوچندان و برای آن‌ها درجات بلندی را بالا می‌برد و اما قول خداوند: «كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»^۲ ای عمار! به خدا آن‌هایی هستند که حق علی بن ابی طالب و امامان از ما اهل بیت را انکار کردند و به سوی خشم خدا بازگشتند.»^۳

عاقبت زکات ندادن

۳۶. ابن سنان به نقل از امام صادق از پدر و نیاکانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از قول رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است، فرمود:

«هیچ صاحب زکات مال؛ شتر، گاو و گوسفندی نیست که زکات

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. آل عمران، ۱۶۲: «أَيَا كَسَانِي كَمَا فَرَمَانَ خُودَا رَا اِطَاعَت كَرَدَنَد وَ اَز خُوشنُودِي اَو پِيروِي نَمُودَنَد مَانَد كَسَانِي هَسْتَنَد كَه بَه سُوِي خُشَم خُودَا بَا ز كُشْتَنَد؟ وَ جَايگَاه اَن هَا جَهَنَّم وَ پَايَان كَار اَن هَا زَشْت وَ نَارَا حَت كَنَدَه اَسْت.»

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۹.

مال خود را ندهد، مگر روز قیامت روی زمین بی آب و علفی بیا داشته شود؛ هر شاخداری با شاخ و هر نیش‌داری با نیشش او را بزند و هر سمداری او را با سمش لگدکوب کند تا خداوند از حساب خلق خود خلاص شود. و هیچ صاحب زکات مال از درخت خرما و زراعت و درخت انگور نیست که مانع زکات مالش شود مگر زمین در هفت طبقه، طوقی در گردن او تا روز قیامت انداخته شود.»^۱

مصیبت زده

۳۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد درحالی که روی بدن پیامبر روکشی بود و در خانه علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بودند، گفت: السّلام علیکم یا اهل بیت الرّحمة ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ﴾^۲ همانا در پیشگاه خدا تسلیتی از هر مصیبت و جبرانی از هر دست رفته‌ای و جایگزینی از هر هلاک شده‌ای است. به خدا اعتماد کنید و به او امیدوار باشید. مصیبت زده تنها آن کسی است که از پاداش محروم باشد، این آخرین نزول من به

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. آل عمران، ۱۸۵: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ﴾
پاداش خود را به طور کامل روز قیامت خواهید گرفت. کسانی از آتش دوزخ دور و وارد بهشت گردند نجات یافته و مطلوب خود را پیدا کرده‌اند و زندگی دنیا چیزی جز متاع غرورآمیز نیست. ﴿

تفسیر آیاتی از سوره آل عمران □ ۲۱۷

دنیاست. (اهل بیت) گفتند: ما صدایی را شنیدیم ولی شخص را ندیدیم.»^۱

توحید آسمان و زمین

۳۸. زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره‌ی قول خداوند: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً﴾^۲ می‌فرمود:

«منظور توحید ایشان برای خدای عزوجل است.»^۳

فراموشی استغفار

۳۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون این آیه: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ﴾^۴ نازل شد ابلیس بالای کوهی در مکه رفت به نام کوه ثور و با بلندترین فریادش عفریت‌های خود را صدا زد، به گرد او جمع شدند، گفتند: سرور ما برای چه ما را خواستی؟ گفت: این آیه نازل شده است، چه کسی حریف آن است؟ عفریتی از شیطان‌ها بپا خاست، گفت: من به این ترتیب و آن ترتیب حریف آنم. ابلیس گفت: تو حریف آن نیستی، عفریت دیگری برخاست، همان حرف را زد به او هم گفت: کار تو نیست.

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۱.

۲. آل عمران، ۸۳: ﴿تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمینند چه به اختیار یا اجبار اسلام آوردند در برابر فرمان او تسلیم شدند﴾

۳. شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۶.

۴. آل عمران، ۱۳۵: ﴿و آن‌ها که چون مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم کنند به یاد خدا افتند و برای گناهان خود طلب آمرزش کنند﴾

پس وسواس ختّاس بلند شد و گفت: من عهده‌دار می‌شوم، پرسید: به چه وسیله؟ گفت: آن‌ها را آماده و ایمن می‌کنم تا مرتکب گناه شوند و چون مرتکب گناه شدند، طلب آمرزش را از خاطر آن‌ها می‌برم، ابلیس گفت: تو حریف آنی، پس او را تا روز قیامت بر آن گمارد.»^۱

دشمن نادان

۴۰. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲ نقل کرده است، فرمود: «ماییم آن کسانی که می‌دانند و دشمن ما کسانی است که نمی‌دانند و شیعیان ما خردمنداند.»^۳

سرپرستی غیرخدا

۴۱. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: ﴿وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^۴ فرمود: «آن‌ها غیر خدا را نپرستیدند ولی حلالی را بر خود حرام، و حرامی را بر خود حلال کردند؛ این عمل آن‌ها غیر خدا را ارباب خود گرفتن است.»^۵

۱. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۷۸.

۲. زمر، ۹: ﴿أَيَا كَسَانِي كَمَا مَيِّدَانِي كَمَا مَيِّدَانِي كَمَا مَيِّدَانِي﴾

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۴۵۶.

۴. آل عمران، ۶۴: ﴿وَبَعْضِي مِنْ بَعْضٍ﴾ و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد.

۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۲.

بیم و امید

۴۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ﴾^۱ آورده است، فرمود:

«اگر بیم و امید مؤمن را وزن کنند، به یقین برابر است.»^۲

۱. آل عمران، ۱۲۹: ﴿هَرَكْسٌ رَا بَخَوَاهِدٌ شَائِسْتَهٗ بَدَانْدُ مِی بَخْشُدُ وَ هَرَكِهٗ رَا بَخَوَاهِدُ

مَجَازَاتٌ مِی كُنْدُ.﴾

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۳.

تفسیر آیاتی از سوره نساء

دستور به خویشتن داری

۱. حسن بن زیاد عطار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از قول خدای عزوجل: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾^۱ پرسیدم، فرمود:

«درباره حسن بن علی علیه السلام چه نازل شد که خداوند او را مأمور به خویشتن داری کرده است» راوی می‌گوید: گفتم: پس ﴿فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ﴾^۲ چه؟ فرمود: «درباره حسین بن علی علیه السلام نازل شده؛ خداوند بر او و بر اهل زمین مقرر داشته است که همراه او قتال کنند!»^۳

۱. نساء، ۷۷.

۲. نساء، ۷۷: ﴿أَيَا نَمِي بِنِي كَسَانِي رَا كَه بَه أَن هَا كَفْتَه شَد: خُوددَارِي كَنِيْد وَ نَمَاز بِخَوَانِيْد وَ زَكَات بَدِهِيْد! وَ چُون قِتَال بَر أَن هَا نُوشْتَه شَد.﴾

۳. اصل علی بن اسباط الاصول الستة عشر، ص ۱۳۳.

اطاعت رسول خدا

۲. ابومریم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱ پرسیدم که آیا اطاعت علی علیه السلام واجب است؟ فرمود:

«اطاعت خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله واجب است به دلیل قول خداوند: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾^۲ و طاعت علی بن ابی طالب علیه السلام از طاعت رسول خداست.»^۳

وارثان پیامبران

۳. ابراهیم می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: درباره این آیه چه می‌فرمایید: ﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾^۴؟ فرمود:

«ماییم آن مردمی که خداوند فرموده و ما مورد حسدیم و ما اهل ملک و وارثان پیامبرانیم و عصای موسی علیه السلام نزد ماست و ماییم خزانه‌داران خدا در زمین، نه گنجداران طلا و نقره! و به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و حسن و حسین علیهما السلام از ما هستند.»^۵

۱. نساء، ۵۹: ﴿اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول خدا و اولی الامر اوصیای پیامبر را.﴾

۲. همان، ۸۰: ﴿هرکه پیامبر را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است.﴾

۳. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۸.

۴. نساء، ۵۴: ﴿یا این‌که نسبت به مردم پیامبر و خاندانش در برابر آن‌چه خدا از فضلش به آنان داده حسد می‌ورزند (درحالی که) ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی در اختیارشان قرار دادیم.﴾

۵. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۰.

پایه‌های اسلام

۴. عیسی بن سری می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از پایه‌های اسلام آگاه سازید که هیچ کس را نمی‌رسد از معرفت چیزی از آن‌ها کوتاه‌تری کند، هر که از معرفت یکی از آن‌ها کوتاه‌تری کند دینش فاسد و عملش پذیرفته نیست [و هر که آن‌ها را بشناسد و عمل کند دینش درست و عملش پذیرفته است] و آنچه از آن‌ها را ندانسته است، بر او تنگ گرفته نشود! فرمود:

«شهادت بر این که معبودی جز خدا نیست و ایمان به رسول او و اقرار بدان چه او از جانب خدا آورده و زکات و ولایتی که خداوند به آن فرمان داده یعنی ولایت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».

گفتم: آیا در دوستی چیزی غیر از چیز دیگر فضیلتی است که دارنده آن مشخص می‌شود؟ فرمود:

«آری، قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱ که امیرالمؤمنین علیه السلام است.»^۲

هفت گناه کبیره

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«بزرگ‌ترین گناهان کبیره هفت تا است: ۱. شرک به خدای بزرگ، ۲. کشتن کسی که خداوند حرام کرده ۳. خوردن اموال یتیمان ۴. عقوق والدین ۵. نسبت زنا به زنان پاک ۶. فرار از جبهه، ۷. انکار آنچه خدا نازل کرده است. اما شرک به خدای بزرگ به شما

۱. نساء، ۵۹.

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۰.

آنچه را که خدا نازل کرده و آنچه رسول خدا ﷺ فرموده است به شما رسیده پس به خدا و به رسول او بازگردانید و اما قتل نفس حرام، قتل حسین علیه السلام و یاران او [خدایشان بیامزد] است و اما خوردن مال یتیمان، آنها مالیات مربوط به ما را به ستم گرفتند و از بین بردند ... و اما نسبت ناروا به زن پاک و پاکیزه‌ای چون فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا ﷺ روی منبرهایشان دادند. اما فرار از جبهه، با امیرالمؤمنین علی [بن ابی طالب علیه السلام] از روی میل بدون اجبار بیعت کردند، سپس از او فرار کردند و او را تنها گذاشتند و اما انکار آنچه خداوند نازل کرده است، حق ما را انکار و منع کردند در حالی که هیچ کس از آن ناآگاه نبود. خداوند در کتاب خود می‌فرماید: ﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾^{۲۹۱}

سروران آسمان و زمین

۶. امام صادق علیه السلام می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:

«خدای تعالی مرا و اهل بیت و دوستان ما را از خاکی آفرید که غیر ما را نیافرید، بنابراین ما نخستین کسانی هستیم که آفرینش با ما شروع شده است و چون ما خلق شدیم هر سرشت پاکی از نور ما برآمد و هر طینت پاکی به وسیله ما زنده شد. سپس خداوند فرمود: «اینان برگزیدگان خلق و حاملان عرش من و گنجداران علم من و سروران اهل آسمان و زمینند. اینان

۱. نساء، ۳۱: ﴿اگر گناهان کبیره‌ای که از آنها نهی شده است ترک گویند گناهان

کوچک شما را می‌پوشانیم و در جایگاه نیکویی شما را وارد می‌کنیم.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۰.

راهنمایان هدایت جویانند و به وسیله ایشان هدایت شوند. هرکه با ولایت ایشان بیاید بهشتی را واجب و کرامت را روا دارم و هرکه با دشمنی ایشان به درگاهم آید، آتشم را بر او واجب و عذاب را بر او مقرر گردانم.

سپس فرمود: «اصل ایمان به خدا و فرشتگان او و تمام او ماییم و رقیب بر خلق خدا از ماست و بدان وسیله است، بنیاد اعمال صالحان و ماییم قسمت الهی که بازخواست می شود و ماییم وصیت خدا در اولین و آخرین و همان است قول خداوند: ﴿وَأَتَقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ (۱) و ۲»

صالحان

۷. سلیمان دیلمی می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که ابوبصیر وارد شد نفس نفس می زد، همین که جای خودش آرام گرفت، امام علیه السلام فرمود:

«یا ابامحمد! این نفس کشیدن بلند چیست؟»

عرض کرد: فدایت شوم! یابن رسول الله! سَنَمُ بِالْأَرْحَامِ وَاسْتِخْوَانِمْ نَزَمَ شَدِيدًا وَاجْلَمَ نَزْدِيكَ، نمی دانم امر آخرت من چه می شود؟! امام صادق علیه السلام فرمود:

«ابومحمد! خداوند شما را در کتاب مبین خود یاد کرده است، می فرماید: ﴿فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ

۱. نساء، ۱: ﴿از خدایی بهره یزید که هرگاه می خواهید از کسی چیزی طلب کنید نام او را می برید و از خویشان خود بهره یزید که خدا مراقب شماست.﴾
۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۴.

تفسیر آیاتی از سوره نساء □ ۲۲۵

الصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^۱ پس رسول خدا ﷺ در این آیه «نبیین» و ما در این جا «صدیقین و شهدا» و شما «صالحان» هستید. یا ابامحمد آن‌ها به خیر و صلاح مشخص شدند همان طوری که خداوند شما را مشخص کرد»^۲

میگسار

۸. امام صادق ع از قول رسول خدا ﷺ آورده است، که

فرمود:

«قول میگسار را چون میگساری کند، باور نکنید و چون خواستگاری کرد، او را همسر ندهید و وقتی که بیمار شد، عیادت نکنید و چون بمیرد تشییع نکنید و بر امانتی او را امین نشمارید و هرکه او را به امانتی امین داند، امانتش را نابود کرده است و بر خدا لازم نیست که آن (مال) را جایگزین کند و نه او را اجری دهد. زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ﴾^۳ کدام نادان نادان‌تر از میگسار است؟!»^۴

مال یتیم

۹. اما قول خدای تعالی: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا

۱. نساء، ۶۹: ﴿أَنَانِ هُم نَشِينِ كَسَانِي خَوَاهِنْد بُوْد كِه خِدَاوَنْد نَعْمَتِ خُود رَا بَرِ اِيْشَانِ تَمَامِ كَرْدِه اسْت؛ اَزِ پِيَامْبِرَانِ وَ صَدِيقَانِ وَ شَهِيْدَانِ وَ صَالِحَانِ، اَن‌هَا رَفِيْقِيْهِيْهِيْ خُوْبِيْ هَسْتَنْد.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۲.

۳. نساء، ۵: ﴿اَمْوَالِ خُودِ رَا بِه دَسْتِ اَفْرَادِ سَفِيْه نَسْبَارِيْد.﴾

۴. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۲ و ۳۳.

يَا كُلُّونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا^۱ از هشام بن سالم به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آورده است، فرمود:

«چون مرا به آسمان بردند، قومی را دیدم که در درونشان آتش می‌ریزند و از نشیمنگاهشان بیرون می‌آید، گفتم: جبرئیل! این‌ها کیستند؟ گفت: این‌ها همان کسانی هستند که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند»^۲.

پوستی دیگر

۱۰. قول خداوند: ﴿كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۳ به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گفتند: چگونه پوست‌های دیگر بجای آن‌ها قرار می‌گیرد؟ فرمود:

«آیا دیده‌ای اگر خستی را برداری و بشکنی و آن را به صورت خاک درآوری سپس آن را دوباره در قالب بیندازی، آیا آن همان است که بود؟ آن هم همین طور است.»

و تفسیر دیگری فرمود که اصل هر دو یکی است. سپس خداوند مؤمنان معتقد به ولایت آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را یاد کرده است به قول خود:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ يُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا﴾^۴ آن‌گاه

۱. نساء، ۱۰: ﴿کسانی که اموال یتیمان را به ستم تصرف می‌کنند در حقیقت در شکمشان تنها آتش می‌خورند و به زودی داخل آتش برافروخته‌ای می‌شوند.﴾
۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۹.
۳. نساء، ۵۶: ﴿هرگاه پوست‌های نشان بریان گردد، پوست‌های دیگری بجای آن قرار می‌دهیم تا کیفر الهی را بچشند، خداوند توانا و حکیم است.﴾
۴. نساء، ۵۷: ﴿و کسانی که ایمان آورده و عمل شایسته انجام دهند به زودی ح

امامان علیهم السلام را مخاطب قرار داده و فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾^۱ فرمود:

«خداوند بر امام واجب کرده است که بین مردم به عدالت داوری کند و فرموده است: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^۲ سپس طاعت ایشان را بر مردم واجب کرده و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۳ و^۴

تحمل چیست؟

۱۱. علی بن ابراهیم درباره قول خداوند: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ﴾^۵ گوید:

خیری در بسیاری از سخنان و محاورات مردم نیست، مگر امر به صدقه یانیکی و یا آشتی بین مردم باشد. ﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾.

از حماد به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود: «خداوند در قرآن تحمّل را واجب کرده است.»

گفتم: فدایت شوم تحمّل چیست؟ فرمود: «صورتت گشاده تر از

۱۲ وارد باغ‌های بهشت می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری، همیشه در آن جا خواهند بود و همسرانی پاکیزه دارند و در سایه‌ای گسترده فرحبخش جای می‌دهیم.﴾

۱. نساء، ۵۸: ﴿خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بازدهید!﴾

۲. نساء، ۵۸: ﴿هنگامی که بین مردم داوری می‌کنید از روی عدالت حکم کنید.﴾

۳. همان، ۵۹.

۴. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۰.

صورت برادر باشد و او را تحمّل کنی، همان است قول خدای تعالی: «وَلَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ»^۱

عدالت در چند همسری

۱۲. و قول خداوند: ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ﴾^۲، نقل کرده اند که مردی از زندیقان به ابو جعفر (مؤمن طاق) گفت: مرا از قول خداوند: ﴿فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾^۳ آگاه کن در حالی که آخر سوره می گوید: ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ﴾^۴ بین این دو کلام تفاوت است؟

ابو جعفر گفت: در آن باره من پاسخی نداشتم از این رو به مدینه رفتم. خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، از هر دو آیه پرسیدم، فرمود: «اما قول خداوند: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾ منظورش عدالت در هزینه است ولی قول خداوند: ﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ﴾ منظور محبت قلبی است. کسی را توان آن نیست که بین دو زن در محبت قلبی عدالت ورزد» ابو جعفر برگشت و به آن مرد خبر داد.^۵

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. نساء، ۱۲۹: ﴿عدالت از نظر محبت قلبی بین زنان و همسران آنان امکان پذیر نیست.﴾

۳. نساء، ۳: ﴿اگر می ترسید عدالت را رعایت نکنید به یک همسر اکتفا کنید.﴾

۴. نساء، ۱۲۹: ﴿عدالت بین همسران از نظر محبت غیرممکن است هرچند بکوشید! حداقل تمام تمایل قلبی خود را متوجه یکی نسازید.﴾

۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۳۴.

مال یتیم

۱۳. سماعة بن مهران می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به مردی پرسیدم که مال یتیم را خورده است آیا راه توبه دارد؟ فرمود:
«آن مال را به اهلش بدهد! زیرا که خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾^۱ و فرموده است: ﴿إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾^۲

اموال زنان اسیر

۱۴. سماعة بن مهران می گوید: از امام صادق یا امام کاظم علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿فَإِنْ طَبِنَ لَكُمْ عَن شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا﴾^۳ پرسیدم، فرمود:
«مقصود اموال زنانی که از طریق اسارت مالک شده اند، در دست آن هاست.»^۴

سفها

۱۵. یونس بن یعقوب می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدا:
﴿وَلَا تَتَّبِعُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالِكُمْ﴾^۵ پرسیدم، فرمود:
«یعنی به کسی که اطمینان ندارید.»^۶

-
۱. نساء، ۱۰: ﴿کسانی که اموال یتیمان را بناحق تصرف می کنند در شکمشان تنهها آتش می خورند و به زودی وارد آتش افروخته می شوند.﴾
 ۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۷.
 ۳. نساء، ۴: ﴿اگر زنان با رضایت کامل خواستند مقداری از مهر خود را ببخشند بر شما حلال و گواراست.﴾
 ۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۹.
 ۵. نساء، ۵: ﴿اموال خود را به دست افراد سفیه نسپارید.﴾
 ۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۲.

سفیہ یعنی؟

۱۶. علی بن حمزه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند:
﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ﴾ پرسیدم، فرمود:

«آنان یتیمانند که نباید تا رشد و کمالشان را نفهمیدید، اموالشان را به آن‌ها دهید.» گفتم: چگونه اموال ایشان اموال ما می‌شود؟
فرمود: «وقتی است که تو وارث برای ایشان باشی.»^۱

مراقبت از اموال یتیم

۱۷. ابواسامه به نقل از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ﴾^۲ آورده است، فرمود:

«آن مردی است که خود را وقف اموال یتیمان می‌کند و درباره‌ی آن اموال و برای ایشان کار می‌کند، از کسب معیشت خود را باز داشته، اشکالی ندارد که مطابق عرف بخورد در صورتی که اموال ایشان را سامان می‌دهد ولی اگر مال اندکی است نباید چیزی بخورد.»^۳

سرپرستی یتیم

۱۸. عجلان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام حکم کسی را پرسیدم که مال یتیم را بخورد؟ فرمود: «او چنان است که خداوند فرمود: ﴿إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾^۴ راوی می‌گوید: بدون این‌که

۱. همان.

۲. نساء، ۶: ﴿با رعایت عدالت از مال یتیم بردارد.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۶.

۴. نساء، ۱۰.

من پیرسم فرمود:

«کسی که یتیم را سرپرستی کند تا یتیمیش سر آید یا خودکفا شود خداوند بهشت را برای او واجب کند، همان طوری که برای خوردن مال یتیم دوزخ را واجب کرده است.»^۱

توبه کننده

۱۹. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ﴾^۲ آورده است، فرمود:

«او فراری است که در وقتی توبه کرده است که توبه اش سودی ندارد و از او پذیرفته نیست.»^۳

نباید آرزو کند

۲۰. عبدالرحمان بن ابی نجران می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾^۴ پرسیدم، فرمود:

«نباید مردی آرزوی همسر و دختر کسی را کند بلکه مانند آن‌ها را آرزو کند.»^۵

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲. نساء، ۱۸: ﴿کسانی که در آستانه مرگ قرار می‌گیرند و می‌گویند اکنون توبه کردیم توبه آنان پذیرفته نیست.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۷.

۴. نساء، ۳۲: ﴿برتری‌هایی که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قائل شده هرگز آرزو نکنید.﴾

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۵.

تقسیم روزی

۲۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند روزی‌ها را بین بندگان تقسیم کرده است و ارزاق زیادی دارد که بین کسی تقسیم نکرده است، خداوند فرموده است: ﴿وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾^{۲۱}

اختیارات حکم

۲۲. زید شحام به نقل از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ﴾^۳ آورده است، که فرمود: «آن دو حکم (داور) حق ندارند تا مرد و زن اجازه ندهاند آن‌ها را جدا کنند (حکم طلاق صادر کنند).»^۴

کم‌ترین دلیل شرک

۲۳. ابوالعباس می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از کم‌ترین چیزی که باعث مشرک شدن انسان می‌شود پرسیدم، فرمود: «هرکه مطلبی را بدعت‌گذاری کند بخواهد یا نخواهد (مشرک است)!»^۵

بی حساب می‌بخشد

۲۴. قتیبه اعشی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از تفسیر قول خداوند:

۱. نساء، ۳۲: ﴿به جای آرزوی تفاوت‌ها تمنا کنید به شما از فضل خود ارزانی دارد!﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. نساء، ۳۵: ﴿یک داور از خانواده شوهر و یکی از خانواده زن انتخاب کنید.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۶.

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۸.

تفسیر آیاتی از سوره نساء □ ۲۳۳

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾^۱ پرسیدم، فرمود:
«همه چیز در این استثنا وارد است.»^۲

امانت

۲۵. ابن ابی یعفور به نقل از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند:
﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^۳ آورده است، که فرمود:

«خداوند فرمان داده است امام را که آن چه در نزد اوست به امام پس از خود بدهد و به امامان علیهم السلام دستور داده است که به عدالت حکم کنند و به مردم امر فرموده است تا از ایشان اطاعت نمایند.»^۴

پایه های ایمان

۲۶. یحیی بن سری می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از پایه هایی خبر دهید که دین بر آنها استوار است و کسی را نمی رسد که درباره ی چیزی از آنها کوتاهی کند، هر که از شناخت چیزی از آنها کوتاهی کند، دینش نادرست و عملش پذیرفته نیست و اگر عمل کند، دینش درست و عملش پذیرفته است و ندانستن چیزی از امور اگر نداند زبانی به حال او ندارد! فرمود:

۱. نساء، ۴۸: ﴿خداوند هرگز شرک را نمی بخشد و پایین تر از آن را برای هرکس

بخواهد (شایسته بداند) می بخشد.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۸.

۳. نساء، ۵۸: ﴿خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید و

به هنگامی که میان مردم داوری می کنید به عدالت حکم کنید.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۱.

«آری، شهادت بر این‌که معبودی جز خدای یگانه نیست و ایمان به فرستاده‌ی او و اقرار به آنچه او از نزد خدا آورده و حقی از اموال به نام زکات است و ولایتی که خداوند به آن فرمان داده ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.»

راوی می‌گوید: امام علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: هرکه بمیرد و امامش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. بنابراین امام، علی علیه السلام و پس از او حسن بن علی، سپس حسین بن علی و بعد علی بن حسین، آن‌گاه ابو جعفر محمد بن علی است. شیعه پیش از ابو جعفر (امام باقر) مناسک حج و حلال و حرامشان را نمی‌شناختند تا این‌که ابو جعفر برای آن‌ها حج انجام داد و مناسک حجشان و حلال و حرام آن‌ها را بیان کرد تا از مردم دیگر بی‌نیاز شدند و مردم دیگر - با این‌که قبلاً آن‌ها از مردم می‌آموختند - از ایشان آموختند و امر بر همین روال است و زمین بدون امام نمی‌شود.»

دوستی اهل بیت

۲۷. ابواسحاق نحوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که

می‌فرمود:

«خداوند پیامبرش را بر محبت خود تربیت کرد و فرمود: ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ﴾^۱ سپس امر را بر او واگذار کرد و فرمود: ﴿مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ... فَاتَّهَوُوا﴾^۲ و فرمود: ﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾^۳

۱. قلم، ۴: ﴿تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.﴾

۲. حشر، ۶: ﴿آن‌چه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای شما آورده است بگیرید و آن‌چه را

که نهی کرده خودداری ننمایید.﴾

و رسول خدا ﷺ نیز به علی ؑ واگذارند و او را امین شمرند، از این رو شما تسلیم شدید، ولی مردم انکار کردند. پس به خدا سوگند که ما شما را دوست داریم که هرگاه ما بگوییم شما هم می‌گویید و هرگاه ما ساکت باشیم، شما هم ساکتید. و ما، بین شما و خدا واسطه‌ایم و خداوند خیری در مخالفت امر ما قرار نداده است.»^۱

دلیل سکوت علی ؑ

۲۸. سلیمان بن خالد می‌گوید: به امام صادق ؑ این گفته مردم را درباره علی ؑ گفتم که اگر حقی داشت چه چیز مانع از قیام به آن شد؟ فرمود:

«همانا خداوند جز رسول خدا ﷺ کسی را مکلف به این نکرده است، فرمود: ﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ بنابراین چنین دستوری جز برای رسول خدا ﷺ نیست و درباره‌ی دیگران فرموده است: ﴿إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ﴾^۳ و در آن روز گروهی که او را بر امر خود یاری کنند، نبودند.»^۴

۳. نساء، ۸۰: ﴿هرکس اطاعت پیامبر کند اطاعت خدا را کرده است.﴾

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲. نساء، ۸۶: ﴿در راه خدا بیکار کن! تو تنها مسئول وظیفه خود هستی و مؤمنان را بر این کار تشویق کن!﴾

۳. انفال، ۱۶: ﴿مگر هدف از کناره‌گیری از میدان جنگ یک روش جنگی بوده یا به قصد پیوستن به گروهی از مسلمانان و حمله مجدد.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۹.

رفتار رسول خدا

۲۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرگز چیزی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نخواستند که بگوید: نه، اگر داشت عطا می‌کرد و اگر نداشت می‌فرمود: اگر خدا بخواهد فراهم می‌شود و هرگز به بدی برابری نکرد و از زمانی که آیه ﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ﴾^۱ نازل شد هیچ جنگ کوچکی اتفاق نیفتاد مگر خود سرپرستی کرد.»^۲

بنی مدلج

۳۰. سیف بن عمیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند:

﴿أَنْ يُقَاتِلَكُمْ... فَلَقَاتِلُواكُمْ﴾ پرسیدم، فرمود:

«پدرم می‌فرمود: این آیه درباره بنی مدلج نازل شد؛ آن‌ها کناره گرفته بودند، نه با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌جنگیدند و نه با قوم خود بودند» گفتم: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آن‌ها چه کرد؟ فرمود: «با ایشان پیکار نکرد تا از دشمنانش فارغ شد سپس با آن‌ها رفتاری برابر داشت» و فرمود: ﴿حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ﴾^۳ یعنی در تنگنا قرار داشتند.»^۴

۱. نساء، ۸۴.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۹.

۳. نساء، ۹۰: ﴿نه قدرت مبارزه با شما را و نه توانایی همکاری با شما و مبارزه با قبیله خود را دارند. اگر خداوند بخواهد می‌تواند آن جمعیت ضعیف را بر شما مسلط گرداند تا با شما پیکار کند.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۰.

مستضعف چه کسی است؟

۳۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ»^۱ آورده است، فرمود:

«آن‌ها نه توان یافتن راه حق را دارند تا در آن وارد شوند و نه راه چاره‌ی اهل دفع را تا از خود دفاع کنند. فرمود: «اینان با اعمال حسنه و دوری از حرام‌هایی که خداوند نهی کرده است وارد بهشت می‌شوند ولی به جایگاه‌های نیکان نمی‌رسند.»^۲

وجوب نماز

۳۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «إِنَّ الصَّلَاةَ.. مَوْقُوتَةٌ» آورده است، که فرمود:

«تنها مقصود وجوب نماز بر مؤمنان است و نه دیگری.»^۳

غیبت کردن

۳۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«غیبت آن است که درباره‌ی برادرت چیزی را بگویی که خداوند بر او پوشانده است ولی اگر چیزی را بگویی که در او نباشد مشمول قول خداوند: «فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا»^۴ است.»^۵

۱. نساء، ۹۸. «مردان و زنان و کودکانی که هیچ چاره‌ای برای هجرت و راهی برای نجات از آن محیط آلوده ندارند.»

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳. همان.

۴. نساء، ۱۱۲: «بُهْتَانٌ وَ گناه آشکاری انجام داده است.»

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۰.

امیرالمؤمنین

۳۴. از امام صادق علیه السلام نقل شده است، که مردی بر آن حضرت وارد شد و عرض کرد: سلام بر تو ای امیرالمؤمنین! و سر یا ایستاد! امام علیه السلام فرمود:

«ساکت باش! این نام را جز امیرالمؤمنین علیه السلام کسی شایسته نیست، خداوند او را به این نام نامید و فرد دیگری جز او به این نام نامیده نشود و آن است قول خداوند در کتاب خود: ﴿إِنْ يَدْعُونَ... شَيْطَانًا مَرِيدًا﴾^۱ راوی می گوید: عرض کردم: پس قائم شما را چه می خوانند؟ فرمود: «به او گفته می شود: درود بر تو ای بقیة الله! درود بر تو یابن رسول الله!»^۲

ایمان اعضا

۳۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند ایمان را بر تمام اعضای بنی آدم واجب کرده و بین آن‌ها تقسیم نموده است، بنابراین هیچ عضوی نیست مگر عهده دار ایمان به غیر چیزی است که عضو دیگر عهده دار است؛ از جمله گوش‌هایش که با آن‌ها می شنود، بر شنوایی واجب کرده است که منزه از شنیدن محرّمات، و دور باشد از آن چه حلال نیست در چیزهایی که خداوند از آن‌ها نهی کرده و گوش دادن به آن چه باعث خشم خداست و فرموده است: ﴿وَقَدْ نَزَّلَ... غَيْرُهُ﴾^۳.

۱. نساء، ۱۱۷: ﴿آن چه غیر از خدا می خوانند هیچ اثری ندارد و یا شیطان سرکش و ویرانگر است.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۲.

۳. نساء، ۱۴۰.

سپس مورد فراموشی را استثنا کرده و فرموده است: ﴿وَإِذَا يُنْسِيكَ... الظَّالِمِينَ﴾^۱ و فرموده: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِي... أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾^۲ و فرمود: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... مُعْرِضُونَ﴾^۳ و فرموده است: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا... عَنْهُ﴾^۴ و فرمود: ﴿وَإِذَا مَرَّوَا... كِرَامًا﴾^۵ این بود آن چه را که از ایمان بر شنوایی واجب کرده است و نباید به آن چه حلال نیست گوش فرادهد و آن است رفتار آن و آن بخشی از ایمان است.»^۶

درباره اهل بیت علیهم السلام

۳۶. از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدا: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...﴾

پرسیدم، فرمود:

«این آیه به طور خاص درباره ما (اهل بیت) نازل شده است، زیرا که هیچ مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام نمی میرد و از دنیا نمی رود تا برای امامی به امامتش اقرار کند همان طوری که فرزندان

۱. انعام، ۶۸: ﴿اگر شیطان تو را به فراموشی افکند به مجرد این که متوجه شدی

فوری از آن مجلس برخیز و با آن ستمگران منشین.﴾

۲. زمر، ۱۷ و ۱۸: ﴿پس بندگان مرا بشارت ده همان کسانی را که سخنان را

می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند آن هاینده که خداوند هدایتشان کرده و

خردمندانند.﴾

۳. مؤمنون، ۱ - ۳: ﴿مؤمنان رستگار شدند، آن ها که در نمازشان خشوع دارند و

آن ها که از لغو و بیهودگی روگردانند.﴾

۴. قصص، ۵۵: ﴿هرگاه سخن بیهوده را بشنوند از آن روگردانند.﴾

۵. فرقان، ۵۲: ﴿آن ها وقتی که با بیهودگی برخورد کنند بزرگوارانه از کنار آن

می گذرند.﴾

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶.

یعقوب علیه السلام برای یوسف علیه السلام اقرار کردند موقعی که گفتند: ﴿تَاللّٰهِ لَقَدْ اٰتٰرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا﴾.^{۲۰۱}

صراط مستقیم

۳۷. عبدالله بن سلیمان می گوید: به امام صادق علیه السلام قول خداوند: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ... نُورٌ مُّبِينٌ﴾^۳ گفتیم؟ فرمود:
«صراط مستقیم علی علیه السلام است.»^۴

دوری از گناه

۳۸. احمد بن عمر حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول
خدای عز و جل: ﴿اِنْ تَجْتَنِبُوْا... سَيِّئَاتِكُمْ﴾^۵ پرسیدم، فرمود:
«هرکه دوری کند از آن چه خداوند درباره‌ی آن وعده آتش دوزخ
داده است در صورتی که مؤمن باشد خداوند از گناهان او بگذرد و
او را به جایگاه نیکویی وارد سازد.»^۶

احسان به والدین

۳۹. ابوولاد حنّاط می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول
خداوند: ﴿وَالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا﴾^۷ پرسیدم: این احسان چیست؟ فرمود:

-
۱. یوسف، ۹۱: ﴿به خدا سوگند خداوند تو را بر ما مقدّم داشته است.﴾
 ۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱.
 ۳. نساء، ۱۷۴ - ۱۷۵: ﴿ای مردم! از طرف پروردگار شما پیامبری آمده است که
براهین آشکاری دارد و هم‌چنین نور واضحی به نام قرآن.﴾
 ۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۴.
 ۵. نساء، ۳۱: ﴿اگر گناهان کبیره‌ای که از آن نهی شده ترک کنید گناهان کوچک
شما را می‌بخشیم.﴾
 ۶. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۵۸.
 ۷. اسراء، ۲۳: ﴿نسبت به پدر و مادر نیکی کنید.﴾

«آن است که همراهی با آنها را نیکو شماری و آنها را وادار نکنی تا از تو چیزی از نیازمندی‌های خود را بخواهند، هرچند که بی‌نیاز و توانگر باشند. زیرا که خدای متعال می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾^۱

سپس فرمود: ﴿إِنَّمَا يَبُلِّغُنَّ... أُمَّهَاتُكُمْ﴾ اگرچه آنها تو را برنجانند تو نباید بر سر آنها فریاد بزنی، هرچند که آنها تو را بزنند ﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ قول کریم آن است که به آنها بگویی: خدا شما را پیامرزد! این قول کریم از جانب تو است ﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾^۲ و آن چنین است که نباید به آنها خیره نگاه کنی بلکه با رحمت و مهربانی بر آنها نگاه کنی و مبادا صدایت را از صدای آنها بلندتر و دست خود را از دست آنها بالاتر ببری و جلوتر از آنها راه بروی!^۳

مُحْصَنَات

۴۰. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به قول خداوند: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ﴾^۴ پرسیدند، فرمود:
«آنان زنان همسردارند.» گفتیم: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا

۱. آل عمران، ۹۲: ﴿شما هرگز به حقیقت نیکی نمی‌رسید، مگر این‌که از آنچه دوست می‌دارید در راه خدا انفاق کنید.﴾

۲. اسراء، ۲۳ و ۲۴: ﴿هرگاه یکی یا هر دوی آنها نزد تو به سن پیری برسند سبک‌ترین تعبیر بی‌ادبانه یعنی اف به آنها نگو و با آنها بزرگوارانه سخن بگو و بال‌های تواضع را در برابرشان فرود آر.﴾

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۷.

۴. نساء، ۲۴: ﴿نکاح با زنان شوهردار حرام است.﴾

الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ»^۱؟ فرمود: «أَنانِ زَنانِ پاكدامند.»^۲

مهریه

۴۱. عبدالله بن بکیر می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به قول خداوند: ﴿وَلَا جُنَاحَ... بَعْدِ الْفَرِيضَةِ﴾^۳ پرسیدم، فرمود: «پس از نکاح زن و شوهر به هر مقدار (از مهر) راضی شدند، جایز است؛ ولی پیش از نکاح (آمیزش) جز با رضایت زن جایز نیست.»^۴

مرگ جاهلیت

۴۲. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده‌اند که از قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

فرمود:

«هرکه بمیرد امام زنده‌ی روزگار خودش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است» پرسیدند، گفتند: آیا هرکه امام از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یا دیگری را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟ فرمود: «هرکس منکر امام باشد به مرگ جاهلیت مرده است، از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باشد یا دیگران.»^۵

۱. مائده، ۵: ﴿زَنانِ پاكدامنِ از اهل کتاب بر شما حلال هستند می‌توانید با آن‌ها ازدواج کنید.﴾

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۲۷.

۳. نساء، ۲۴: ﴿اگر طرفین عقد با رضایت خود مقدار مهر را بعدا کم و زیاد کنند مانعی ندارد.﴾

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۱۶.

۵. همان، ص ۲۶.

فضل و رحمت

۴۳. امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر قول خداوند: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ»^۱ نقل کرده است، فرمودند:
«فضل و رحمت خدا پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلِيٌّ است.»^۲

۱. نساء، ۸۳: «اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نمی‌شد.»

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۴.

تفسیر آیاتی از سوره مائده

اکمال دین

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ... نِعْمَتِي﴾^۱ فرمود:
«به وسیله علی علیه السلام»^۲.

درباره علی علیه السلام

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

﴿أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... آمَنُوا﴾^۳ درباره علی بن ابی طالب علیه السلام
نازل شده است.^۴

۱. مائده، ۳: ﴿امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۷.

۳. مائده، ۵۵: ﴿وَلِيٍّ وَرَسُولٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ يُخْرِجُ الْفِتْرَةَ وَيُنذِرَ السَّاعَةَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنَّا وَالَّذِينَ هُمْ يَدْعُونَ﴾
آورده‌اند. ﴿

۴. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۰.

ولایت

۳. جعفر بن محمد خزاعی از قول پدرش نقل کرده است، که می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم، می‌فرمود:

«چون روز جمعه رسول خدا صلی الله علیه و آله در عرفات فرود آمد جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: یا محمد خداوند تو را سلام می‌رساند، می‌فرماید: به امتت بگو: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ ... الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱ پس از این (چیزی) بر شما نازل نخواهم کرد، نماز، زکات، روزه، حج و آن پنجمی است که بر شما نازل کردم و این چهار را جز بدان وسیله نخواهم پذیرفت.»^۲

دست خدا باز است

۴. امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند: ﴿قَالَتِ الْيَهُودُ... مَبْسُوطَاتٍ﴾^۳ فرمود:

«یهود می‌گویند: خداوند از کار (آفرینش) فارغ شده، چیزی جز آن‌چه در تقدیر نخستین مقدر فرموده بود، به وجود نمی‌آورد! از این رو خداوند در ردّ گفته آن‌ها فرمود: بلکه دست‌های خدا باز است هرچه را بخواهد انفاق می‌کند، یعنی مقدم و مؤخر و زیاد و کم می‌کند و او را بدا و اراده است.» و درباره‌ی قول خداوند:

۱. مائده، ۳: ﴿امروز دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۲.

۳. مائده، ۶۴: ﴿یهود گفتند: دست خدا به زنجیر بسته است، دست آن‌ها به زنجیر بسته باد! به خاطر این سخن ناروا از رحمت خدا دور باشند! بلکه هر دو دست خدا گشاده است﴾

﴿كَلِمًا أَوْ قَدُوا نَارَ لِحَرْبٍ أَطْفَأَهَا اللَّهُ﴾^۱ فرمود: «هر ستمگری از ستمگران که قصد نابودی آل محمد ص را داشته باشد خداوند او را درهم شکند.»^۲

ترک نماز

۵. عبیدبن زراره می‌گوید: از امام صادق ع تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾^۳ پرسیدم، فرمود: «ترک عملی که به آن اقرار کرده است از جمله ترک نماز بدون بیماری و گرفتاری است» گفتم: کبائر بزرگ‌ترین گناهان است؟ فرمود: «آری» گفتم: از ترک نماز بزرگ‌تر است؟ فرمود: «هرگاه نماز را بی‌دلیل ترک کند وارد یکی از هفت مورد (گناهان کبیره) است.»^۴

کم‌ترین چیز

۶. عبدالرحمان می‌گوید: از امام صادق ع شنیدم که می‌فرمود:

«کم‌ترین چیزی که شخص بدان وسیله از اسلام بیرون می‌شود آن است که عقیده‌ای برخلاف حق داشته باشد و بر آن پافشاری کند، خداوند فرموده است: ﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ

۱. مانده، ۶۴: ﴿هر زمان آتش جنگی برافروختند خداوند خاموش ساخت و شما را حفظ کرد.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۶۴.

۳. مانده، ۵: ﴿کسی که نسبت به آن چه باید به آن ایمان بیورد کفر بورزد، اعمال او بر باد می‌رود و در آخرت از زیانکاران است.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۹.

عَمَلُهُ^۱ و فرمود: کسی که کفر ورزد به ایمان کسی است که به دستور خدا عمل نکند و به آن راضی نباشد.»^۲

ام‌الکتاب

۷. مسعدة بن صدقه می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به قول خداوند: ﴿ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ﴾^۳ پرسیدند، فرمود: «آن را بر ایشان مقرر فرمود سپس محو ساخت، بعدها برای فرزندان نشان مقرر کرد و آنها وارد شدند. خداوند هرچه را بخواند محو می‌کند و هرچه را بخواند اثبات می‌کند و ام‌الکتاب نزد اوست.»^۴

اختیار امام

۸. جمیل بن درّاج می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به قول خداوند: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ...﴾ پرسیدم: چه حدی از این حدود نامبرده بر ایشان است؟ فرمود:

«امام اگر خواست دست و پا قطع کند و اگر خواست دار بزند و اگر خواست بکشد و اگر خواست تبعید کند!» گفتیم: تبعید به کجا؟ فرمود: «از شهری به شهر دیگر» و فرمود: «علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دو مرد را از کوفه به بصره تبعید کرد.»^۵

۱. مائده، ۵.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۰.

۳. مائده، ۲۱: ﴿شما به سرزمین مقدسی که خداوند برایتان مقرر کرده است وارد شوید و از مشکلات نترسید و از فداکاری مضایقه نکنید!﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۶.

۵. همان.

هدایت الهی

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرگاه خداوند درباره بنده‌ای اراده خیر کند، در دلش نقطه سفیدی می‌اندازد و شنوایی‌های قلبش را می‌گشاید و فرشته‌ای را بر او بگمارد تا او را پشتیبانی کند و چون نسبت به بنده‌ای اراده بدی کند، نقطه سیاهی در دلش اندازد و شنوایی‌های قلبش را ببندد و شیطانی را بر او بگمارد تا گمراهش کند. سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ... حَرَجًا...﴾^۱ و فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ... لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۲ و فرموده: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ﴾^۳

عرضه‌ی ایمان

۱۰. ابن ابی یعفور می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: دینم را که بر آن پایبندم بر شما عرضه کنم؟ فرمود: «بگو!» گفتم: گواهی می‌دهم که معبود راستینی جز خدای یکتا نیست و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خداست و بدانچه او از جانب خدا آورده است اقرار دارم. می‌گوید: سپس امامان علیهم السلام را برای او توصیف کردم تا به امام

۱. انعام، ۱۲۵: ﴿هرکس را خدا بخواهد هدایت کند سینه‌اش را برای پذیرش حق گشاده سازد و هر که را بخواهد گمراه سازد سینه‌اش را چنان تنگ کند که گویا به آسمان بالا رود.﴾

۲. یونس، ۹۶: ﴿کسانی که فرمان پروردگارت بر آن‌ها مسجّل شده ایمان نخواهند آورد.﴾

۳. مائده، ۴۱: ﴿آن‌ها کسانی هستند که خداوند نمی‌خواهد، قلب آن‌ها را شستشو دهد.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۴.

باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: به امامت شما اقرار دارم همان طوری که درباره آنها اقرار دارم. فرمود: «من تو را از این که نام مرا در بین مردم ببری نهی می‌کنم. ابان می‌گوید: ابن ابی‌یعفور گفت: با همان سخنان اول به امام علیه السلام گفتم: و من معتقدم آنها کسانی هستند که خداوند در قرآن فرموده است: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ... مِنْكُمْ﴾^۱ امام علیه السلام فرمود: «و آیه دیگر را بخوان!» گفتم: فدایت شوم! کدام آیه را؟ گفت: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ... وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۲.

می‌گوید: امام علیه السلام فرمود: «خدا تو را پیامرزد!» گفتم: شما به خاطر این امر می‌فرمایید: خدایت پیامرزد؟ فرمود: «خدایت [تو را] به خاطر این امر پیامرزد!»^۳

حدیث غدیر

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون آیه درباره ولایت نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در دوحات (جای درختان خار) غدیر خم فرمان داد: توقف کردم سپس ندای اجتماع عمومی (الصلاة جامعه) دادند. بعد فرمود: ای مردم! آیا من به مؤمنان از خودشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: هرکه را من مولا و سرپرستم علی مولا و سرپرست اوست. پروردگارا دوست بدار هرکه او را دوست بدارد و دشمن بدار هرکه

۱. نساء، ۵۹: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید

پیامبر خدا را و اطاعت کنید اولوالأمر را.﴾

۲. مائده، ۵۵: ﴿ولتی و سرپرست شما خدا و پیامبر و کسانی است که ایمان آورده‌اند

و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات صدقه می‌دهند.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۱.

او را دشمن بدارد! آن‌گاه دستور داد مردم با وی بیعت کنند، مردم بیعت کردند کسی نیامده بود مگر با او بیعت کرد و چیزی نگفت تا این‌که ابوبکر آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ابوبکر! با علی به عنوان ولایت بیعت کن! گفت: از طرف خدا یا از رسول خداست؟ فرمود: هم از طرف خدا و هم رسول خداست. سپس عمر آمد، فرمود: با علی به ولایت بیعت کن! گفت: دستور خداست یا از رسول خدا؟ فرمود: هم از طرف خدا و هم رسول خداست. بعد که صورتش را برگرداند با هم ملاقات کردند، به ابوبکر گفت: او با تمام وجود از پسرعمویش حمایت می‌کند!

سپس از میان جمع مردم با سرعت بیرون شد، طولی نکشید خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله برگشت و گفت: یا رسول الله برای حاجتی از میان جمع بیرون شدم، مردی را با لباس سفید دیدم که بهتر از او ندیده بودم، آن مرد از خوش‌سیماترین و خوشبوترین مردم بود، گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله پیمانی برای علی علیه السلام بست که جز کافران آن را نشکند.

پیامبر فرمود: عمر! آیا دانستی او که بود؟ گفت: نه. فرمود: «او جبرئیل بود، زنهار مبدا نخستین کسی باشی که بیعت او را بشکنی و کافر شوی!»

آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود: «در روز غدیر دوازده هزار مرد حضورداشتند و گواهی به (ولایت) علی علیه السلام می‌دادند ولی او نتوانست حق خودش را بگیرد در صورتی که یکی از شما مالی دارد، دو شاهد داشته باشد حقش را می‌گیرد، البته حزب خدا درباره‌ی علی علیه السلام غالب و پیروزند.»^۱

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۱.

مشرك

۱۲. زراره می‌گوید: بایکی از شیعیان در مورد روایتی که مردم از پیامبر ﷺ نقل می‌کنند که فرمود:

«هرکه به خدا مشرک شود آتش دوزخ بر او واجب گردد و هرکه مشرک نشود بهشت بر او واجب گردد.» نوشتیم، فرمود: «اما کسی که شرک به خدا آورد، منظور شرک آشکار است و آن است قول خداوند: ﴿مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ﴾^۱ و اما قول آن حضرت: هرکه به خدا مشرک نشود، بهشت بر او واجب است، امام صادق علیه السلام فرمود: «این‌جا نظری است که کسی معصیت خدا را نکند.»^۲

صدقه در رکوع

۱۳. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل: ﴿اتَّعَا وَ لِيُكْمُ اللَّهُ... آمَنُوا﴾ فرمود:

«یعنی نسبت به شما سزاوارتر و شایسته‌تر به کارهای شما و خود شما و اموالتان، خداست و رسولش و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ یعنی علی و اولاد او امامان علیهم السلام تا روز قیامت. سپس خدای عزوجل آن‌ها را وصف نمود و فرمود: ﴿الَّذِينَ يَتَّقُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾^۳ امیرالمؤمنین علیه السلام در نماز ظهر بود،

۱. مائده، ۷۲: ﴿هرکه شریکی برای خدا قرار دهد خداوند بهشت را بر او حرام کرده است.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳. مائده، ۵۵: ﴿ولتی و سرپرست و متصرف در امور شما خدا و پیامبر و کسانی است که ایمان آورده‌اند و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات صدقه می‌دهند.﴾

دو رکعت خوانده بود و در حال رکوع بود و بر تن حله‌ای داشت به بهای هزار دینار که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر او پوشانده بود و نجاشی آن جامه را برای وی فرستاده بود.

سائلی آمد و گفت: السلام عليك يا وليّ الله و اولی به مؤمنان از خودشان! بر مستمندی صدقه‌ای مرحمت کن! علی عَلَيْهِ السَّلَام آن جامه را (از تن بیرون کرد و) نزد وی انداخت و با دست اشاره کرد آن را بردارد و خدا هم این آیه را برای او نازل کرد و به وسیله انعام به او به فرزندانش نیز انعام داد و هرکدام از فرزندانش که به امامت برسند به واسطه این صفت بوده است که بمانند او بدان متّصفند (گویی) که در حال رکوع صدقه داده‌اند و آن سائلی که از امیرالمؤمنین درخواست کرد، از فرشتگان بود و سائلی که از دیگر امامان سؤال کند نیز از ملائکه می‌باشد.^۱

مولای او علی است

۱۴. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«معنای سخن خدا: ﴿بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ - فی فَضْلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام^۲ - چون این آیه نازل شد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست علی عَلَيْهِ السَّلَام را گرفت و فرمود: هرکه را من مولا و صاحب اختیارم، پس علی مولا و صاحب اختیار اوست.»^۳

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۸۸.

۲. مانده، ۶۷: ﴿ای پیامبر آنچه را که از طرف پروردگارت در فضیلت علی عَلَيْهِ السَّلَام بر تو نازل شده است به مردم برسان!﴾

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۱۶.

کسی که صدقه می‌دهد

۱۵. امام صادق علیه السلام در باره قول خداوند: ﴿فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ﴾^۱ فرمود:

«گناهانش را از او محو می‌کند و آنچه را که از او بخشیده است مقرر می‌نماید».^۲

اهل بصره

۱۶. امام باقر و امام صادق علیهما السلام در باره قول خداوند: ﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾^۳ فرمودند:

«درباره اهل بصره و کسانی نازل شده است که با علی علیه السلام جنگیدند».^۴

۱. مائده، ۴۵: ﴿اگر کسی از حق خود بگذرد و عفو کند کفارهای برای گناهان او محسوب می‌شود.﴾

۲. مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۷۸.

۳. انفال، ۱۳: ﴿هر کس از در مخالفت با خدا و رسولش درآید.﴾

۴. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۴۶.

تفسیر آیاتی از سوره انعام

روح ایمان

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«قلب را دو گوش است، سمت راست آن روح ایمان (مأمور به) خیر است و سمت چپ آن شیطان که (عامل) شر است هر کدام از آنها که بر صاحب قلب ظاهر شود، غالب خواهد بود.»

راوی گوید: امام علیه السلام فرمود:

«هر گاه مردی زنا کند خداوند روح ایمان را از بدن او بیرون سازد» گفتیم: همان روحی که خداوند متعال فرموده است:

﴿وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ﴾^۱ فرمود: «آری».^۲

۱. مجادله، ۲۲: ﴿و با روحی از جانب خود آنها را تقویت فرموده است.﴾

۲. حمیری، قرب الاستاد، ص ۱۷.

نیکی و بدی

۲. اسحاق بن عمار صرّاف می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: یابن رسول الله مرا از تفسیر قول خداوند: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا﴾^۱ خبر دهید! فرمود:

«نیکی، پوشاندن و بدی فاش کردن سخن ماست.»^۲

[توضیح آن‌که به دلیل این‌که اهل بیت در زمان حکومت جور بودند به پیروان خود دستور به تقیه و فاش نکردن اسرار خود می‌کردند، چرا که وقتی پیروان اسرار اهل بیت را فاش می‌کردند حاکمان جور آن‌ها را به قتل می‌رساندند.]

ایمانش را آلوده نکرد

۳. ابو مریم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُسْتَبَدُونَ﴾^۳ پرسیدم، فرمود:

«ابو مریم! این آیه به طور خاص درباره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده است که ایمانش را به شرک، ظلم، دروغ، دزدی، و خیانت آلوده نکرد، به خدا سوگند که درباره او به طور خاص نازل شده است.»^۴

۱. انعام، ۱۶۰: ﴿هر کس که کار نیکی بجا آورد ده برابر به او پاداش می‌دهند و هر

که کار بدی انجام دهد جز به همان مقدار کیفر داده نمی‌شود.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۲.

۳. انعام، ۸۲: ﴿آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم و ستم نیامیختند امنیت

برای آن‌ها و هدایت مخصوص آنان است.﴾

۴. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۴.

نیکی همراه با ولایت

۴. امام صادق علیه السلام آیه: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ را قرائت کرد (و فرمود):

هرگاه خوبی را با ولایت انجام دهد، ده برابر پاداش دارد ﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ جَهَنَّمَ﴾^۱ از آن جا بیرون نمی شود و عذاب آن کم نمی گردد ﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ﴾ از دیگران مجازاتی جز مانند آن را ندارد. قول خداوند: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ آمَنَ﴾^۲ ایمن از فزع روز قیامت است.

فرمود: «حسنه، ولایت و محبت ماست ﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ﴾^۳ عمل و انفاق و عدالت آن ها پذیرفته نمی شود، پس (سَیِّئَتِهِ) همان دشمنی ما اهل بیت است، آیا پاداشی جز عمل خویش داده می شوند؟!»^۴

اجل حتمی و مسمی

۵. علی بن ابراهیم درباره ی قول خداوند: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلَ مُّسَمًّى عِنْدَهُ﴾^۵ از عبدالله بن مسکان به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«اجلی که در قضای الهی گذشته است، همان اجل حتمی است

۱. نمل، ۹۰: ﴿كسانی که کار بدی انجام دهند به رو در آتش افکنده می شوند.﴾ آخر

آیه: فی النار است. م.

۲. در آیه کلمه آمَنَ ندارد، نقل به مضمون است. م.

۳. نمل، ۹۰.

۴. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۵.

۵. انعام، ۲: ﴿اوست خدایی که شما را از گل آفرید سپس مدتی را مقرر ساخت و

اجل مسمی در نزد خداست.﴾

که خداوند مقرر و حتمی کرده است ولی اجل مسمی اجلی است که در آن بدا هست، آن چه را خداوند بخواهد مقدم می‌دارد و آن چه را بخواهد مؤخر می‌گرداند ولی در قضای حتمی پس و پیش ندارد.»^۱

صبر کن

۶. راوی می‌گوید: آیه ﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُّكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾^۲ را بر امام صادق عليه السلام قرائت کردم، فرمود:

«آری، به خدا که او را به بدترین صورت تکذیب کردند و تنها خداوند این کلام ﴿لَا يَأْتُونَكَ﴾^۳ را نازل کرد، یعنی حقی را نخواهند آورد تا حق را باطل کنند!». حفص بن غیاث بختری می‌گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ای حفص! هر کس صبر کند، اندکی صبر کند اندکی صبر کرده و هر که بی‌تابی کند مدت کمی بی‌تابی کرده است! سپس فرمود: «بر تو باد صبر و استقامت در همه کارهایت! زیرا خداوند محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مبعوث کرد و او را فرمان استقامت و مدارا داد و فرمود: ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾^۴ و فرمود: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. انعام، ۳۳: ﴿ما می‌دانیم که سخنان آن‌ها تو را غمگین می‌کند ولی بدان که آن‌ها در حقیقت تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه آیات ما را انکار می‌کنند.﴾

۳. فرقان، ۳۳: ﴿آن‌ها هیچ حقی را نخواهند آورد.﴾

۴. مزمل، ۱۰: ﴿در برابر آن چه دشمنان می‌گویند به طور شایسته شکیبیا باش از آنان دوری کن!﴾

الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ^۱ از این رو رسول خدا ﷺ به قدری صبر کرد که حتی با بزرگ‌ترین حوادث مقابله کردند و هدف قرار دادند، پس سینه‌اش تنگ شد و خداوند این آیه را نازل کرد! ﴿وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ إِصْبِقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾^۲ باز او را تکذیب کردند و نسبت ناروا دادند از آن بابت غمگین شد و خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿قَدْ نَعَلْنَا إِنَّهُ لِيَحْزُنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا﴾^۳ پس صبر پیشه کرد و آن‌ها (باز ایستادند و) خودداری کردند و خدای تعالی را به بدی یاد کردند و او را تکذیب نمودند، رسول خدا ﷺ فرمود: من درباره‌ی خود و خانواده و آبرویم صبر کردم، ولی بر بد گفتن ایشان به خدایم نمی‌توانم صبر کنم. از این رو خداوند آیه: ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ﴾^۴ را نازل فرمود، پس از آن رسول خدا ﷺ در تمام حالاتش صبر کرد، سپس درباره‌ی امامان از عترتش بشارت داد و آنان را

۱. فصلت، ۳۴: ﴿بدی را با نیکی دفع کن! ناگاه خواهی دید همان که میان تو و او دشمنی است گویی دوست صمیمی است.﴾
۲. حجر، ۹۷: ﴿ما می‌دانیم که سخنان آن‌ها سینه تو را تنگ می‌کند.﴾
۳. انعام، ۳۳ و ۳۴: ﴿ما می‌دانیم که سخنان آن‌ها تو را اندوهگین می‌کند ولی آن‌ها تو را تکذیب نمی‌کنند در حقیقت آیات ما را انکار می‌کنند، رسولانی پیش از تو تکذیب شدند اما در برابر تکذیب‌ها استقامت کردند تا یاری ما به سراغشان آمد.﴾
۴. ق، ۳۸ و ۳۹: ﴿ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان آن‌ها است در شش روز شش دوران آفریدیم و هیچ‌گونه رنج و سختی به ما نرسید، در برابر آنچه آن‌ها می‌گویند شکبیا باش!﴾

به صبر توصیف کرد: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾^۱ در آن هنگام فرمود: «صبر از ایمان هم‌چون سر نسبت به بدن است و خدا را از آن بابت سپاس گفت و خداوند این آیه را: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾^۲ نازل فرمود و رسول خدا ﷺ فرمود: «این آیه بشارت و انتقام است» از این رو خداوند کشتن مشرکان را هر جا یافتند، روا شمرد و به دست رسول خدا ﷺ و دوستانش آن‌ها کشته شدند و خداوند پاداش صبر او را به علاوه آن‌چه در آخرت برای او اندوخته است، بزودی مرحمت کرد.»^۳

ورع یعنی....

۷. فضیل بن عیاض می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به ورع

پرسیدم فرمود:

«کسی که از محرّمات الهی بپرهیزد و از شبهات هم خودداری کند ولی اگر از شبهات نپرهیزد ناخودآگاه در حرام افتد. و چون کار بدی را ببیند و نهی از منکر نکند در حالی که می‌توانست، پس دوست داشته است که از روی اختیار معصیت خدا انجام گیرد و هر که دوست بدارد نافرمانی خدا شود، خدا را به دشمنی فراخوانده و هر کس بقای ستمگران را بخواهد در حقیقت دوست

۱. سجده، ۲۴: ﴿و از آن‌ها پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما امر هدایت خلق را

بر عهده گرفتند زیرا آن‌ها شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند.﴾

۲. اعراف، ۱۳۷: ﴿وعده نیک پروردگار درباره پیروزی بنی‌اسرائیل به خاطر

صبرشان تحقق یافت، ما کاخ‌های فرعون و باغات پرشکوهشان را نابود

ساختیم.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۹۵.

دارد که خدا را معصیت کنند!

خدای تبارک و تعالی خود را به خاطر نابود ساختن ستمگران ستوده است، می‌فرماید: ﴿فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱ و این فرموده خدا: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِمَنْ هُمْ يَصْدِفُونَ﴾ و فرمود: به قریش بگو: ﴿إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ﴾^۲ چه کسی آن را جز خدا می‌تواند به شما بازگرداند؟!^۳

ملکوت

۸. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾^۴ سؤال شد، ایشان فرمود:

«برای وی (ابراهیم) از زمین و آسمان و هر که در آن‌ها بود و فرش حامل آن‌ها و عرش و هر که بر آن است پرده برداشت و همین کار را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام انجام داد.»^۵

-
۱. انعام، ۴۵: ﴿به این ترتیب جمعیت ستمکاران ریشه‌کن شد و نسل دیگری بپا نخاست ستایش و حمد مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است.﴾
 ۲. همان، ۴۶: ﴿اگر خداوند نعمت‌هایش را چون گوش و چشم از شما بگیرد و بر دل‌هایتان مهر زند به طوری که نتوانید بین خوب و بد تمیز دهید چه کسی جز خدا می‌تواند این نعمت‌ها را بازگرداند؟!﴾
 ۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۹۷.
 ۴. انعام، ۷۵: ﴿و هم‌چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا از اهل یقین گردد.﴾
 ۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۹۷.

ابراهیم بت شکن

۹. اما قول خداوند: ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ﴾^۱ از این مسکان نقل کرده است، که می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«آزر پدر ابراهیم علیه السلام ستاره شناس نمرود بن کنعان بود به وی گفت: من در حساب نجوم می‌بینم که در این زمان مردی پدید می‌آید که این آیین را از بین می‌برد و آیین دیگری می‌آورد. نمرود گفت: در کدام سرزمین این اتفاق می‌افتد؟ گفت: در همین سرزمین. نمرود به وی گفت: آیا او به دنیا آمده است؟ آزر گفت: نه. گفت: پس سزاوار است که بین مردان و زنان جدا شود. از این رو بین مردان را با زنان جدا کرد در حالی که مادر ابراهیم علیه السلام باردار بود ولی معلوم نبود همین که زمان زایمانش شد گفت: آزر! من آزرده‌ام و می‌خواهم از تو کناره‌گیری کنم! در آن زمان چنان بود که هرگاه زنی مریض و آزرده بود از شوهرش فاصله می‌گرفت.

مادر ابراهیم علیه السلام بیرون شد و از شوهرش فاصله گرفت و در غاری عزلت جست و ابراهیم علیه السلام را به دنیا آورد و او را آماده کرد و قنداقش کرد؛ به خانه‌اش بازگشت و در غار را با سنگی بست. خداوند برای ابراهیم علیه السلام از انگشت شستش شیری جاری ساخت و مادرش به سراغ او می‌رفت، در حالی که نمرود به هر زن بارداری مأموری گذاشته بود که هر نوزاد پسر را سر می‌بریدند. مادر ابراهیم علیه السلام ابراهیم را از سر

۱. انعام، ۷۶: ﴿هنگامی که پرده تاریکی شب جهان را پوشاند ستاره‌ای خودنمایی کرد ابراهیم علیه السلام صدا زد: این خدای من است و چون غروب کرد با قاطعیت گفت: من غروب کنندگان را دوست نمی‌دارم.﴾

بریدن فراری داد و ابراهیم علیه السلام در آن غار هر روز بقدری رشد می‌کرد که دیگران در یک ماه رشد می‌کردند تا این که سیزده سال داخل آن غار بر او گذشت. مادرش پس از آن، همین که از او دیدن کرد خواست برود ابراهیم علیه السلام به او چسبید و گفت: مادر! مرا از این غار بیرون کن! مادر گفت: پسر! اگر پادشاه بداند که تو در این زمان به دنیا آمده‌ای تو را خواهد کشت.

همین که مادر از غار بیرون شد او نیز بیرون آمد در حالی که آفتاب غروب کرده بود، نگاهی در آسمان به ستاره زهره (ناهید) کرد، گفت: این پروردگار من است ولی چون غروب کرد، گفت: اگر این پروردگار من بود که حرکت نمی‌کرد و از بین نمی‌رفت، سپس گفت: ﴿لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ﴾^۱

چون به سمت مشرق نگاه کرد، ماه را دید برآمده است گفت: این پروردگار من، این بزرگتر و بهتر است. همین که حرکت کرد و نابود شد، گفت: ﴿لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ﴾^۲

همین که صبح شد و آفتاب طلوع کرد و روشنایی آن را دید که تمام دنیا را با طلوع خود روشن کرده است، گفت: این است پروردگار من، این بزرگتر و بهتر است و چون آن هم حرکت کرد و نابود شد، خداوند برای او درهای آسمان‌ها را گشود به حدی که عرش و هر که بر آن بود مشاهده کرد و ملکوت آسمان‌ها و زمین را دید. در آن جا بود که گفت: ﴿يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ

۱. انعام، ۷۶: ﴿من هیچگاه غروب کنندگان را دوست نمی‌دارم.﴾

۲. همان، ۷۷: ﴿اگر پروردگارم مرا به سوی خود رهنمون نشود در صف گمراهان قرار خواهم گرفت.﴾

الْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱﴾

نزد مادرش آمد و مادر او را وارد خانه اش کرد و بین فرزندانش قرار

داد. ۲

از امام صادق علیه السلام راجع به سخن ابراهیم علیه السلام پرسیدند که او با این سخن مشرک شد؟ امام علیه السلام فرمود: «نه، امروز اگر کسی این حرف را بزند او مشرک است ولی از ابراهیم شرک نبود بلکه او در جستجوی پروردگارش بود و آن سخن از دیگری شرک است. همین که مادر ابراهیم علیه السلام او را وارد خانه اش کرد، آزرنگاهی به او کرد، پرسید: این کیست که از سلطه‌ی پادشاه دور مانده است در حالی که پادشاه فرزندان مردم را می‌کشد؟ مادر ابراهیم گفت: این پسر تو است که من در فلان زمان موقعی که از تو دوری جستم او را به دنیا آوردم!

آزر گفت: وای بر تو! اگر شاه این را بداند مقام من نزد او از بین می‌رود. آزر مشاور و وزیر نمرود بود که بت‌ها را برای او و مردم فراهم می‌کرد و به فرزندانش می‌داد، آن‌ها می‌فروختند.

مادر ابراهیم علیه السلام گفت: اگر شاه نداند، باکی بر تو نیست؛ فرزندمان برای ما می‌ماند و اگر دانست، من با استدلال از او تو را بازمی‌دارم! و آزر چنان بود که هر گاه به ابراهیم علیه السلام نگاه می‌کرد به شدت او را دوست می‌داشت و بت‌ها را به او می‌داد تا مثل برادرانش

۱. انعام، ۷۸ و ۷۹: ﴿ای جمعیت! من از همه این معبودهای ساختگی که شریک خدا قرار داده‌اید بیزارم! من روی خود را به سوی کسی می‌کنم که آسمان‌ها و زمین را آفرید و در این عقیده خود کم‌ترین شرک را راه نمی‌دهم، من یکتاپرست خالصم و از مشرکان نیستم.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

ببرد و بفروشد!

ابراهیم علیه السلام نخ هایی به گردن بت ها می بست و روی زمین آن ها را می کشید و می گفت: چه کسی می خرد چیزی را که نه سودی دارد و نه زیان! و آن ها را داخل آب و لجن می برد و به آن ها می گفت: بخورید و بنوشید و حرف بزنید! برادرانش این را به پدرشان گزارش دادند، پدر او را از این کار نهی کرد ولی او خودداری ننمود پس او را در خانه بازداشت کرد و اجازه بیرون رفتن نداد.

﴿وَحَاجَّةُ قَوْمُهُ - پس ابراهیم - قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ - یعنی برایم روشن کرد - وَلَا أَحَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾^۱

سپس به آن ها گفت: ﴿وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَالَهُمُ يُنَزَّلُ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۲
یعنی من سزاوارتر به امنیتم که خدا را می پرستم یا شما که بت ها را می پرستید؟^۳

۱. انعام، ۸۰: ﴿قوم ابراهیم علیه السلام با او به گفتگو و محاجه پرداختند، گفت: چرا درباره خدای یگانه با من مخالفت و محاجه می کنید در صورتی که او مرا به توحید هدایت کرده است من هرگز از بت های شما نمی ترسم زیرا آن ها نمی توانند به کسی زبان برسانند مگر این که پرودگار من چیزی را بخواهد، علم او گسترده است و همه چیز را دربرمی گیرد، آیا متذکر نمی شوید.﴾

۲. انعام، ۸۱: ﴿چگونه من از بت ها بترسم و شما از خشم خدا نمی ترسید و به خدا شرک آورده اید در حالی که هیچ دستوری به شما نازل نکرده است! پس کدام یک از ما سزاوار ایمنی است، اگر می دانید؟﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۱.

شرک

۱۰. قول خداوند: ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾^۱ از مسعدين صدقه نقل کرده است، می‌گوید: از امام صادق عليه السلام راجع به این سخن پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم «شرک پنهان‌تر از راه رفتن مورچه روی سنگ صاف سیاه در شب تیره است» پرسیدند؟ فرمود: «مؤمنان چیزهایی را که مشرکان جز خدا می‌پرستیدند، دشنام می‌دادند. خداوند مؤمنان را از دشنام به خدایان آن‌ها نهی کرد تا کافران خدای مؤمنان را دشنام ندهند، مبدا که مؤمنان ندانسته شرک به خدا آورده باشند!»^۲.

فضیلت سوره انعام

۱۱. امام صادق عليه السلام فرمود:

«سوره‌ی انعام یک‌جا نازل شد و هفتاد هزار فرشته آن را موقعی که بر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نازل شد بدرقه کردند و آن را تعظیم و تکریم کردند زیرا که نام «الله» تبارک و تعالی در هفتاد جای آن آمده است. و اگر مردم بدانند که در قرائت آن، چه فضیلتی است آن را ترک نخواهند کرد.»

سپس امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که حاجتی به درگاه خدا داشت، بخواند برآورده شود باید چهار رکعت با سوره حمد و انعام بخواند و چون از قرائت فارغ شد در نماز خود بگوید:

۱. انعام، ۱۰۸: ﴿هیچ‌گاه معبودها بت‌های مشرکان را دشنام ندهید زیرا این عمل شما سبب می‌شود تا آن‌ها نیز از روی ظلم و جهل و نادانی به خدا ناسزا گویند.﴾
۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۵.

یا کریم، یا کریم، یا عظیم، یا عظیم، یا عظیم، یا عظیم و یا
 عظیم من کل عظیم یا سمیع الدعا یا من لا یتغیره الایام و اللیالی
 صلّ علی محمّد و آل محمّد و ارحمّ ضعیفی و فقری و فاقتی و
 مسکنتی فانک اعلم بها منی و انت اعلم بحاجتی یا من رحم
 الشّیخ یعقوب حین ردّ علیه یوسف قره عینه یا من رحم ایوب بعد
 حلول بلائه یا من رحم محمّدا صلی الله علیه و آله و من الیتیم آواه و نصره علی
 جابرة قریش و طواقیتها و أمکنه منهم یا مُعِثُّ یا مُعِثُّ یا
 مُعِثُّ.

چندین بار این کلمات را بگوید. به خدایی که جان من در دست
 اوست اگر بدان وسیله خدا را پس از خواندن این نماز درپی این
 سوره بخوانی، سپس حوائج خود را بخواهی خداوند بر تو بخل
 نخواهد کرد و اگر بخواهد تو را عطا خواهد نمود.^۱

اجل مسمی و غیر مسمی

۱۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ
 مُّسَمًّى عِنْدَهُ﴾^۲ فرمود:

«اجل غیر مسمی موقوف بر مشیت خداست؛ هر چه را بخواهد
 مقدّم و هر چه را بخواهد مؤخّر می‌دارد و اما اجل مسمی همان
 است که از آن چه خداوند خواسته از شب قدر تا سال آینده آن
 شب نازل می‌شود. و آن است قول خداوند: ﴿فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۲ و ۳۵۳.

۲. انعام، ۲: ﴿پس از آن مدّتی را مقدّر ساخت که در آن مدّت انسان تکامل پیدا کند
 و اجل مسمی نزد خداست.﴾

لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ ﴿۲۰۱﴾

او می‌بخشد

۱۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند روز قیامت چنان بخششی دارد که بر فکر کسی خطور نکرده است تا آنجا که مشرکان می‌گویند: ﴿وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ﴾^{۴۳}»

پرهیز از معصیت

۱۴. فضیل بن عیاض می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به پرهیز از

مردم پرسیدم، فرمود:

«کسی که از محرّمات الهی پرهیز می‌کند و از این‌ها اجتناب می‌ورزد و چون از موارد شبهه‌ناک پرهیزد، ناخودآگاه در حرام می‌افند و چون منکر را ببیند و نهی از آن نکند، در حالی که بر آن توانایی داشت در حقیقت معصیت خدا را دوست داشته و هر که معصیت خدا را دوست بدارد به دشمنی خدا برخاسته است و هر که بقای ستمگر را دوست بدارد در حقیقت معصیت خدا را دوست داشته است، در حالی که خدای تعالی خود را به خاطر هلاک ستمگران ستوده و فرموده است: ﴿فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ

۱. اعراف، ۳۴: ﴿و به هنگامی که اجل آن‌ها فرارسد نه لحظه‌ای تأخیر و نه لحظه‌ای پیشی گیرد﴾.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۴.

۳. انعام، ۲۳: ﴿به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما هیچگاه مشرک نبودیم﴾.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۷.

ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۲۰۱﴾

توبه پیش از مرگ

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند پیامرزد بنده‌ای را که پیش از مرگ توبه کند، زیرا که توبه پاک‌کننده از پلیدی گناه و نجات بخش از نگون بختی هلاکت است؛ خداوند آن را برای بندگان شایسته‌اش بر خود واجب کرده و فرموده است: ﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَيَّ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۳، ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۴.

کتاب مبین

۱۶. ابوالربیع شامی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾^۵ پرسیدم، فرمود: «ورقه سقط (جنین) و «حَبَّة» فرزند و «ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ» رحم‌ها

۱. انعام، ۴۵: ﴿پس جمعیت ستمکاران ریشه‌کن شد و نسل دیگری از آن‌ها بپا

نخاست ستایش مخصوص خداوند پروردگار جهانیان راست.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۹.

۳. انعام، ۵۴: ﴿پروردگار شما رحمت را بر خود فرض کرده است، هر کس از شما

کاری را از روی جهالت انجام دهد، سپس توبه کند و جبران نماید خداوند آمرزنده و

مهربان است.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۹.

۵. انعام، ۵۹: ﴿هیچ برگ‌ی از درختی نمی‌افتد مگر خداوند آن را می‌داند و هیچ

دانه‌ای در تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر در کتاب مبین علم

خدا ثبت است.﴾

و «رَطَب» چیزهایی است که زنده می‌باشد «یابِس» چیزهایی است که خشک می‌شود و همه این‌ها در کتاب مبین است.^۱

مانند بت پرست است

۱۷. ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: ﴿وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ﴾^۲ آیا زنا از آن جمله است؟ فرمود:
«به خدا پناه می‌برم از آن! نه، ولی آن گناه است اگر توبه کند خداوند آن را می‌پذیرد» و فرمود: «کسی که مداومت بر زنا و دزدی کند و می‌گسار مانند بت پرست است.»^۳

دانش اهل بیت

۱۸. عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به قول خداوند: ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا﴾^۴ پرسیدم، فرمود:
«آن‌ها هر چه را می‌خواستند پنهان می‌کردند و آن‌چه را می‌خواستند آشکار می‌ساختند!». و در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «آن‌ها در کاغذها می‌نوشتند سپس آن‌چه را می‌خواستند پنهان می‌کردند.» و فرمود: «هر کتابی که نازل شده در نزد اهل دانش (اهل بیت) است.»^۵

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. انعام، ۸۲.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۴. انعام، ۹۱: ﴿بِگُو چه کسی کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود، نازل کرد؟ کتابی که به صفحات پراکنده‌ای تبدیل کرده‌اید بعضی را که به سود شماس است آشکار می‌کنید!﴾

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶۶.

تشنگی در قیامت

۱۹. فضیل می‌گوید از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند:
﴿أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ﴾^۱ شنیدم فرمود:
«(آن عذاب) تشنگی است».^۲

مستقر و مستودع

۲۰. سعیدبن ابی‌الاصبح می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که از
مستقر و مستودع پرسیدند، فرمود:

«مستقر در رحم و مستودع در صلب و گاهی شخص ایمانش
امانی است، سپس از او جدا می‌شود. زبیر موقعی که رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت در روشنایی و نور ایمان حرکت می‌کرد تا
آن‌جا که دست به شمشیر حرکت کرده، می‌گفت: جز با علی علیه السلام
بیعت نمی‌کنم!»^۳

تولد امام

۲۱. یونس بن ظبیبان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:
«چون خداوند اراده کند که امامی را در پشت امامی قرار دهد،
هشت برگ بهشتی را بیاورد آن‌ها را پیش از آمیزش تناول کند و
چون در رحم قرار گیرد در شکم مادر، صدا را بشنود و چون مادر
او را به دنیا آورد ستونی از نور برایش بین آسمان و زمین

۱. انعام، ۹۳: ﴿جان خود را امروز خارج سازید، گرفتار مجازات خوارکننده خواهید شد.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶۷.

۳. همان.

برافرازد که مابین مشرق و مغرب را ببیند و بر بازوی راستش

بنویسد: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾.^۱

و شامی گوید: موقعی که این حدیث گذشت، امام علیه السلام فرمود:

«این حدیث را برای شما نقل نخواهم کرد، شما هم از من نقل

نکنید!»^۲

[توضیح این که به دلیل وجود شرایطی که باید تقیه می کردند؛ امام،

اصحاب را از نقل اسرار منع می کرد]

پلیدی

۲۲. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ

عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۳، فرمود:

«آن (پلیدی) شک است.»^۴

سه روز روزه در ماه

۲۳. امام صادق علیه السلام از قول امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«روزه یک ماه همان صبر و بردباری است و روزه سه روز در ماه،

غم‌های دل را می‌زداید و روزه سه روز در ماه برابر روزه

روزگاران است، چرا که خداوند می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ

عَشْرٌ أَمْثَالِهَا﴾.^۵

۱. انعام، ۱۱۵: ﴿كَلَامٌ پُروردگار تو با صدق و عدل تکمیل شد.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۶۹.

۳. انعام، ۱۲۵: ﴿خداوند این چنین پلیدی را بر افراد بی‌ایمان قرار می‌دهد.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۷۱ - ۳۸۰.

۵. انعام، ۱۶۰.

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۸۶.

روزه روزگاران (روزه‌ی دهر)

۲۴. ابن‌یسار به نقل از پدرش آورده است که امام صادق علیه السلام

فرمود:

«یسار! چه می‌دانی سه روز روزه‌داری چیست؟!» می‌گوید: گفتم: فدایت شوم! نمی‌دانم. فرمود: «آن را در زمان رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آوردند: پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه است، همان است قول خداوند: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا﴾^۱ او روزگاری مداوم روزه‌دار است.» سپس فرمود: چقدر از نظر من روزه‌دار مورد رشک است که در سایه‌ی طاعت خداست در حالی که راه می‌رود و میل به خوردنی و آشامیدنی دارد! براستی که روزه یار و یاور و نگهبان پیکر و پاسدار آن است!»^۱

حَرَجٌ يَعْنِي...

۲۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل: ﴿وَمَنْ يُرِدْ أَنْ

يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا﴾^۲ فرمود:

«گاهی سینه تنگ است، ولی روزه‌ای دارد که از آن می‌شنود و می‌بیند و «حَرَجٌ» آن بهم آمده‌ای است که هیچ منفذی ندارد که بشنود و ببیند.»^۳

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۸۷.

۲. انعام، ۱۲۵: ﴿هر کس را خدا بخواهد گمراه سازد سینه‌اش را تنگ و محدود کند.﴾

۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۴۵.

حجت بالغه

۲۶. مسعدبن زیاد می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم که در پاسخ سؤال از قول خدای تعالی: ﴿فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ﴾^۱ فرمود:

«خدای تعالی در روز قیامت می‌فرماید: بنده‌ی من! آیا عالم بودی؟ اگر بگویند: آری، بفرماید: پس چرا بدانچه می‌دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگویند: جاهل بودم، بفرماید: چرا نرفتی یادگیری تا عمل کنی؟ پس او را مغلوب می‌کند و آن است حجت بالغه! و درود خدا بر سرور ما و پیامبرمان محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و وصی او و سلامی ویژه بر ایشان باد!»^۲

شفاعت قرآن

۲۷. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر قول خداوند: ﴿وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾^۳ فرمود:

«به وسیله قرآن بیم ده کسانی را که امید وصول به (رحمت) پروردگارشان را با اشتیاق در آن چه نزد اوست دارند، زیرا که قرآن شفاعت کننده، شفاعت‌پذیر است برای آن‌ها.»^۴

۱. انعام، ۱۴۹: ﴿حِجَّتِ رِسا از آن خداست.﴾

۲. شیخ مفید، امالی، ص ۴۱.

۳. انعام، ۵۱: ﴿به وسیله قرآن کسانی را بترسان که از قیامت بیم دارند.﴾

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۰۴.

تفسیر آیاتی از سوره اعراف

عالم ذر

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾^۱ فرمود:

«خداوند از پشت آدم علیه السلام تا روز قیامت هر چه از فرزندان او را درآورد، هم‌چون ذره‌ای بیرون آمدند و خود را به آن‌ها شناساند و بر آن‌ها نمایانده که اگر چنین نبود کسی پروردگار خود را نمی‌شناخت.

فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری هستی. فرمود: محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده‌ی من و فرستاده‌ی من است و امیرالمؤمنین علی علیه السلام خلیفه و امین من است. و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر

۱. اعراف، ۱۷۲: ﴿و موقعی که پروردگار تو از پشت فرزندان آدم ذریه آن‌ها را برگرفت و آن‌ها را گواه بر خویشان ساخت پرسید: آیا من پروردگار شما نیستم؟ همگی گفتند: آری گواهی می‌دهیم.﴾

نوزادی بر اساس شناخت (خدا) به دنیا می‌آید؛ همانا خداوند
متعال آفریدگار اوست و آن است قول خداوند: ﴿وَلَكِنَّ سَأَلْتَهُمْ مَنْ
خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ﴾^{۲۰۱}

سوگند دروغ

۲. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنِّي لَكَمَا لَمِنَ
النَّاصِحِينَ﴾^۳ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود:
«چون آدم علیه السلام را از بهشت بیرون کردند، جبرئیل علیه السلام نازل شد
و گفت: ای آدم! مگر خدا تو را به دست قدرت خود نیافرید؟ و از
روح خود بر تو دمید و فرشتگان را فرمان داد تا تو را سجده
کردند و ... حوا علیه السلام را به همسری تو درآورد و تو را در بهشت
جای داد و آن را بر تو روا دانست و به زبان تو را از خوردن این
شجره نهی فرمود، ولی تو خوردی و نافرمانی خدا را کردی!
آدم علیه السلام گفت: جبرئیل! ابلیس به خدا سوگند خورد که خیرخواه
من است و من گمان نداشتم که کسی از خلق خدا به دروغ، بر
خدا سوگند یاد کند.»^۴

اعراف

۳. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى

۱. زخرف، ۸۷: ﴿و اگر از آن‌ها بیر سی چه کسی آن‌ها را آفریده است به طور مسلم
گویند: الله.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۹.

۳. اعراف، ۲۱: ﴿البته که من خیرخواه شما دو نفر هستم.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۱.

الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلِمًا بَسِيْمًا هُمْ^۱ از برید به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«اعراف دو تپه بین بهشت و دوزخ است و (منظور از) رجال امامان علیهم السلام هستند که بر اعراف به خاطر (گنهکاران از) شیعیان خود می‌ایستند، در حالی که مؤمنان بدون حساب به طرف بهشت روانند، به شیعیان گنهکار خود می‌گویند: به برادران خود در بهشت نگاه کنید که بی حساب به آن‌جا روانند! و آن است قول خداوند: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ﴾^۲ سپس به آن‌ها گفته می‌شود: به دشمنانتان در آتش دوزخ نگاه کنید! و همان است قول خدای تعالی: ﴿وَ إِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَّا تَجْعَلُنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَ نَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ - فِي النَّارِ - قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾^۳ سپس به کسانی که در دوزخند از دشمنان ایشان می‌گویند: آیا این شیعیان و برادران من بودند که شما در دنیا سوگند یاد می‌کردید خداوند آن‌ها را به رحمت خود نمی‌رساند؟!»

آن‌گاه ائمه علیهم السلام به شیعیان خود می‌گویند: ﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ

۱. اعراف، ۴۶: ﴿میان آن دو گروه حجابی است و بر اعراف مردانی هستند که هر

کدام از بهشتیان و دوزخیان را از سیمایشان می‌شناسند.﴾

۲. همان، ﴿درود بر شما! اما وارد نشده‌اند ولی طمع بسته‌اند.﴾

۳. اعراف، ۴۷ و ۴۸: ﴿اما چون به سوی دیگر نگاه کنند دوزخیان را در دوزخ می‌بینند و می‌گویند: پروردگارا ما را با جمعیت ستمگران قرار نده! و اصحاب اعراف مردانی از دوزخیان را که از سیمایشان می‌شناسند صدا می‌زنند. گردآوری اموال، نفرت و تکبر به شما سودی نداد.﴾

عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿١﴾ سِيس ﴿نَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ
الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ﴾ ۲ و ۳

پیمان الهی

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ
ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾ ۴ فرمود:

«نخستین کسی از رسولان به گفتن «بلی» پیشی گرفت،
محمد صلی الله علیه و آله بود چه آن که او نزدیکترین خلق به خدا و در
جایگاهی است که جبرئیل در شب معراج گفت: یا محمد! جلو
برو! در جایی گام نهاده‌ای که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل
گام ننهاده است. و اگر روح و جان او از آن جایگاه نبود
نمی توانست به آن جا برسد! نسبت به خدای عزوجل چنان بود که
خداوند فرمود: ﴿قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ﴾ ۵ یعنی بلکه نزدیکتر! او
چون به فرمان خدا (پیامبر) از دنیا رفت، امر خدا به اولیای او
(امامان) علیهم السلام قرار گرفت.

امام صادق علیه السلام فرمود: «پیمان الهی از مردم به ربوبیت خدا و
نبوت رسول خدا و امامت امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام بود،

-
۱. اعراف، ۴۹: ﴿وارد بهشت شوید، نه ترسی بر شماسست و نه غم و اندوهی.﴾
 ۲. اعراف، ۵۰: ﴿دوزخیان بهشتیان را صدا می‌زنند که مقداری آب یا از آن چه خدا
به شما روزی داده است، به ما ببخشید!﴾
 ۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۳.
 ۴. اعراف، ۱۷۲: ﴿هنگامی که پروردگارت از فرزندان آدم، ذریه آن‌ها را برگرفت و
آن‌ها را گواه بر خویشتن ساخت از آن‌ها پرسید: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند:
آری.﴾
 ۵. نجم، ۹: ﴿تا این که فاصله میان او به اندازه دو کمان یا کم‌تر شد.﴾

فرمود: آیا من پروردگار شما و محمد پیامبر شما و علی امام شما و امامان هدایتگر، امامان شما نیستند؟ گفتند: آری ما شاهد بودیم. خدای تعالی فرمود: ﴿أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ - تا روز قیامت نگویید - إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾^۱ بنابراین نخستین پیمانی که خداوند متعال گرفت از انبیا بر ربوبیت خود بود و همان است قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ﴾^۲ پس همه‌ی پیامبران را ذکر کرده، سپس برترین آن‌ها را با نامشان مشخص نمود فرمود: یا محمد! رسول خدا را جلو انداخت، زیرا که او برترین انبیا است از نوح، ابراهیم، موسی و عیسی بن مریم که این پنج تن، بالاترین پیامبران و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برترین همه است.

آن‌گاه پس از آن، پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بر انبیا به ایمان به وی و یاری امیرالمؤمنین علیه السلام گرفت و فرمود: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ - یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ﴾^۳ یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و به امت‌های ایشان خبر او و خبر ولی او از امامان علیهم السلام را داد.^۴

۱. اعراف، ۱۷۲: ﴿روز قیامت نگویید ما از این موضوع توحید غافل بودیم.﴾

۲. احزاب، ۷: ﴿و هنگامی که از پیامبران پیمان گرفتیم و هم‌چنین از تو و...﴾

۳. آل عمران، ۸۱: ﴿و چون خداوند پیمان مؤکد از پیامبران گرفت که هر گاه کتاب و دانش به شما دادم سپس پیامبری سوی شما آمد که آن‌چه با شماست تصدیق کند حتماً به او ایمان آورید و او را یاری کنید.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۵.

رجعت

۵. از ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند:
 ﴿لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَكَلْتَصْرُتُهُ﴾^۱ آورده است، فرمود:

«خداوند هیچ پیامبری را از آدم علیه السلام تا آخر (تا پیامبر خاتم)
 مبعوث نکرد، مگر این که به دنیا برگردد و بجنگد و رسول
 خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری کند. وانگهی برای
 انبیا علیهم السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز پیمان گرفت و فرمود: یا
 محمد! بگو: ﴿آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ
 إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ
 عِيسَىٰ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نَفَرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ
 مُسْلِمُونَ﴾^{۲ و ۳}

فراموشی پیمان

۶. ابن مسکان می گوید: راجع به تفسیر قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ
 مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا
 بَلَىٰ﴾^۴ از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا این (گفتگو) علنی بود؟ فرمود:
 «آری، پس شناسایی ثابت شد، ولی آن جایگاه را فراموش کردند
 و بزودی یادآور خواهند شد و اگر چنین نبود کسی خالق و رازق

۱. آل عمران، ۸۱.

۲. آل عمران، ۸۴: ﴿بگو به خدا و به آنچه بر ما و ابراهیم، اسماعیل، اسحاق،
 یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و همه پیامبران از سوی
 پروردگارشان داده شده، ایمان آورده ایم و میان آنها فرقی نمی گذاریم و در برابر
 خدا تسلیمیم.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۶.

۴. اعراف، ۱۷۲.

خود را نمی‌شناخت. بعضی از آن‌ها در عالم ذر به زبان اقرار کردند، ولی به قلب خود ایمان نداشتند از این رو خداوند فرمود:

﴿فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ﴾^{۲۱}

ابلیس از فرشتگان نیست

امام صادق علیه السلام فرمود:

«فرشتگان گمان داشتند که ابلیس از ایشان است، در صورتی که در علم خدا بود که وی از ایشان نیست. از این رو خداوند باطن او را وسیله نخوت و کبر او درآورد و گفت: ﴿خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾^{۴۳}

تعلیم حج

۷. امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده است، فرمود: موسی علیه السلام از پروردگارش خواست تا بین او را با پدرش آدم علیه السلام آن موقعی که او را در امر نماز به معراج برد، جمع کند! خداوند هم جمع کرد. موسی علیه السلام گفت: ای آدم! خداوند تو را به دست قدرت خود آفرید و از روح خود در تو دمید و فرشتگانش را برای سجده تو واداشت و بهشت را بر تو ارزانی فرمود و در جوار خود تو را جاداد و قبلاً با تو سخن گفت سپس تو را از یک درخت نهی فرمود، تو از آن درخت خودداری نکردی تا بدان جهت به زمین فرود آورد، تو نتوانستی از آن خویشتن داری کنی تا

۱. اعراف، ۱۰۱.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۷.

۳. اعراف، ۱۲: ﴿مَرَا مِنْ آتَشٍ أفریده‌ای و او را از خاک و گل.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵.

این که ابلیس فریبت داد و از او اطاعت کردی. بنابراین تویی که به خاطر نافرمانیت خداوند از بهشت بیرون کرد!

آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: پسر عزیزم با پدرت در غم آن چه در امر آن درخت آمده، مدارا کن! پسرم! دشمنم از راه مکر و فریب به سراغ من آمد و به خداوند برای من سوگند یاد کرد که او در رایزنی اش بر من از خیر خواهان است. به این ترتیب که به من خیر خواهانه گفت: ای آدم! من غمخوار توام! گفتم: چگونه؟ گفت: من با تو همدم بودم و به خاطر نزدیکی تو به من! در حالی که از جایی که هستی به جایی که خوش نداری بیرون خواهی رفت.

گفتم: راه چاره چیست؟ گفت: راه چاره اینک همراه تو است. آیا نمی خواهی تو را بر درخت جاودانگی و سلطنت پایدار راهنمایی کنم؟ بنابراین هر دو، تو و همسرت از آن درخت بخورید تا با من در بهشت همیشه باشید! و به دروغ برایم به خدا سوگند یاد کرد که از جمله خیر خواهان است، و ای موسی! من گمان نمی کردم که کسی به دروغ بر خدا سوگند بخورد و به سوگند او اعتماد کردم. این است عذر من. بنابراین پسرم! آیا در آن چه خداوند به تو نازل کرده است راهی پیدا می کنی که خطای من پیش از آفرینشم رقم خورده باشد؟ موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: مدت درازی است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ حج را به موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ آموخت.»^۱

اصحاب اعراف

۸. طیار می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اصحاب اعراف چه کاره اند؟ فرمود:

«خوبی ها و بدی های آن ها برابر است، اگر خدا آنان را وارد بهشت کند به رحمت خود کرده و اگر عذابشان کند به ایشان ستم نکرده است.»^۱

روز ندای یکدیگر

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَوْمَ التَّنَادِ»^۲ روزی است که دوزخیان اهل بهشت را ندا می کنند که بر ما از آن آب مرحمت نمایید!^۳

اصحاب موسی

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«موسی علیه السلام هفتاد مرد از قوم خود را برگزید و چون ایشان را زلزله ی عظیمی گرفت، گفت: پروردگارا! اصحابم! اصحابم! خطاب رسید: من عوض آن ها را به تو می دهم، کسانی را که از ایشان برای شما بهتر است. گفت: من ایشان را شناختم و بوی ایشان را دریافتم. فرمود: پس خداوند آن ها را برانگیخت و بر ایشان پیامبرانی فرستاد.»^۴

۱. همان، ج ۲، ص ۲۱.

۲. غافر، ۳۲: «روز ندای یکدیگر.»

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱.

برترین پیامبران

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یکی از قریش به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: به چه چیزی شما بر پیامبران پیشی گرفتی در حالی که آخرین فردی بودی که مبعوث شدی و پایان بخش آن‌ها بودی؟ فرمود: من نخستین کسی بودم که به پروردگارم اقرار نمودم و اولین کسی که جواب دادم، موقعی که از پیامبران پیمان گرفت و آنان را گواه بر خودشان قرار داد (فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، من نخستین کسی بودم که گفتم: آری. بنابراین در اقرار به خدا، من برایشان پیشی گرفتم.»^۱

میثاق ذر

۱۲. زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ...﴾^۲ پرسیدم، فرمود:

«محمد صلی الله علیه و آله و سلم نخستین کسی بود که آری گفت.» گفتم: آیا آن دیدار به چشم بود؟ فرمود: «شناخت را در دل آن‌ها استوار کرد ولی آن‌ها این پیمان را فراموش کردند و به زودی یادآور خواهند شد و اگر چنین نبود کسی آفریدگار و روزی دهنده‌ی خود را نمی‌شناخت.»^۳

۱. همان.

۲. اعراف، ۱۷۲: ﴿... و آن‌ها را گواه بر خویشان نمود؛ آیا من پروردگار شما نیستم؟ همگی گفتند: آری گواهی می‌دهیم.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۷.

من پروردگار شما نیستم؟

۱۳. ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از عالم ذر خبر دهید! آن موقعی که خداوند آن‌ها را بر خودشان گواه گرفت و (گفت): آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری و بعضی خلاف آن چه را که اظهار کردند، در دل پنهان داشتند! گفتم: چگونه آن‌ها سخن (خدا) را فهمیدند وقتی که به ایشان گفته شد: آیا من پروردگار شما نیستم؟ فرمود:

«خداوند در ایشان چیزی (نیروی) قرار داده بود که هر گاه از آن‌ها سؤال شود، پاسخ دهند.»^۱

سوء یعنی ...

۱۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند در کتاب خود می‌فرماید: ﴿وَلَوْ كُنْتَ تُعَلِّمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ﴾^۲ یعنی فقر و تنگدستی.»^۳

گناه ترک شده

۱۵. زیدبن ابی‌اسامه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّتْهُمُ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَدَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾^۴ پرسیدم، فرمود:

۱. همان، ص ۳۹.

۲. اعراف، ۱۸۸: ﴿زیرا اگر از اسرار نهران آگاهی داشتیم منافع فراوانی برای خود می‌ساختیم و هیچ‌گونه زبانی به من نمی‌رسید.﴾

۳. عباشی، تفسیر عباشی، ج ۱، ص ۴۰.

۴. اعراف، ۲۰۱: ﴿کسانی که تقوا پیشه کردند، هرگاه وسوسه‌های شیطانی آن‌ها حج

«آن گناهی است که بنده‌ای قصد آن را می‌کند، ولی به خود می‌آید و آن را ترک می‌گوید.»^۱

خیر و نیکی به دست اوست

۱۶. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَأَذْكُرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾^۲ آورده است، فرمود:

«شامگاهان می‌گویی: هیچ معبودی نیست جز خدای یگانه بی‌شریک، ملک و ستایش او را سزاست، زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند و او بر هر کاری تواناست.»
گفتم: «بیده الخیر» خیر به دست اوست؟ فرمود: «خیر و نیکی به دست اوست، ولی همان طوری که به تو می‌گویم: ده مرتبه (بگو): و به خدای شنوای دانا پناه می‌برم، از وسوسه‌های شیاطین و پروردگارا به تو پناه می‌برم از این که آن‌ها نزد من حاضر شوند. به راستی که خداوند شنوا و داناست. ده مرتبه موقع طلوع و ده بار موقع غروب آفتاب می‌گویی.»^۳

علم الکتاب

۱۷. عبدالله بن ولید می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:
«اصحاب تو درباره امیرالمؤمنین علیه السلام و عیسی و موسی علیه السلام چه

۱۲ را احاطه کند به یاد خدا می‌افتند و در این هنگام راه حق را به روشنی می‌بینند. ﴿

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۱.

۲. اعراف، ۲۰۵: ﴿پروردگارت را در دل خود از روی تضرع و خوف یاد کن و آهسته

و آرام نام او را بر زبان جاری کن صبحگاهان و شامگاهان!﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۴.

می‌گویند؟ آیا آن‌ها دانانترند؟» عرض کردم: آن‌ها کسی را بر پیامبران اولوالعزم مقدم نمی‌دارند. فرمود: «اما تو اگر بخواهی با آن‌ها به کتاب خدا احتجاج کنی می‌توانی دلیل بیاوری!» می‌گوید: پرسیدم: آن دلیل کجای کتاب خداست؟ فرمود: «خداوند درباره‌ی موسی علیه السلام فرمود: ﴿وَكُنَّا لَهُ فِي الْأَنْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً﴾^۱ و نفرمود: همه چیز و درباره عیسی علیه السلام فرمود: ﴿وَلَا يُبَيِّنُ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ...﴾^۲ و نفرمود: همه چیز. ولی درباره صاحب شما (علی علیه السلام) فرمود: ﴿كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^{۳ و ۴}

اعراف ما هستیم

۱۸. امام صادق علیه السلام فرمود: ابن کَوَّاء خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ﴾^۵ (یعنی چه؟) فرمود:

«آن اعراف ما هستیم که یاران خود را به سیمایشان می‌شناسیم و ما مییم آن اعرافی که خدای عزوجل شناخته نشود، مگر بر

۱. اعراف، ۱۴۵: ﴿در الواحی که بر موسی نازل کردیم از هر موضوعی اندرز کافی و

مسائل مورد نیاز را شرح دادیم.﴾

۲. زخرف، ۶۳: ﴿هنگامی که عیسی با در دست داشتن بیانات آمد، گفت: من برای

شما حکمت آورده‌ام تا بعضی اموری را که پیوسته در آن‌ها اختلاف دارید برای

شما بیان کنم.﴾

۳. رعد، ۴۳: ﴿(این کافران می‌گویند: تو پیامبر نیستی، بگو: همین کافی است که

میان من و شما خدا و کسانی گواه باشند که علم کتاب نزد آن‌هاست.﴾

۴. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۲۲۹.

۵. اعراف، ۴۶: ﴿بر اعراف مردانی هستند که هر یک از دوزخیان را از سیمایشان

می‌شناسند.﴾

صراط. بنابراین وارد بهشت نکند مگر کسی را که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم و وارد دوزخ نگرداند مگر کسی را که ما را نشناسد و ما او را نشناسیم!

همانا خداوند اگر می‌خواست خود را به بندگان بشناساند، می‌شناساند ولی ما را درهای (شناخت خود) و جاده و راه و جهتی قرار داد که از آن سو به درگاه او بیایند. بنابراین هر کس از ولایت ما منحرف شود یا دیگری را بر ما برتری دهد به یقین از راه راست منحرف است و آن‌که مردم بر او چنگ زند با آن‌که برود هر جا که مردم رفتند، برابر نیست.

مردمان به سراغ چشمه‌های کدر و لای بروند در حالی که برخی حق برخی را هدر کنند. و رفت آن‌که به سوی ما رفت؛ به جانب چشمه‌های پاک و زلال که به امر پروردگارشان رواند که پایان و انقطاع ندارند.»^۱

معرفت امامان

۱۹. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾^۲ فرمود:

«به خداسوگند که ماییم آن اسماء حسنی که هیچ عملی از بندگان پذیرفته نمی‌شود، مگر به معرفت ما».^۳

در راه ولایت

۲۰. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا

۱. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۴۹۷.

۲. اعراف، ۱۸۰: ﴿برای خدا نام‌های نیکوست خدا را به آن‌ها بخوانید!﴾

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۳.

لَهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ^۱ فرمود:

«چون روز قیامت شود، پیامبر صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان او علیهم السلام فراخوانده شوند و برای مردم آنها مشخص کردند و چون آنان را شیعیانشان ببینند، گویند: سپاس خدایی را که ما را به این راه راهنمایی کرد در حالی که ما خود توان راهیابی را نداشتیم اگر خداوند ما را راهنمایی نکرده بود!»

یعنی خداوند ما را در راه ولایت امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان وی علیهم السلام راهنمایی کرد.^۲

مردم سه دسته‌اند

۲۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَلَمَّا تَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ﴾^۳ آورده است، فرمود:

«مردم سه دسته‌اند؛ یک دسته فرمان بردند و فرمان دادند، پس نجات یافتند. دسته‌ای فرمان بردند ولی دیگران را فرمان ندادند به صورت ذراتی درآمدند و دسته‌ای نه فرمان بردند و نه فرمان دادند، آنها هلاک شدند.»^۴

خدا فرمان داده

۲۲. امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا

۱. اعراف، ۴۳: ﴿سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به این نعمت رهنمون

شد و اگر خدا ما را راهنمایی نمی‌کرد هرگز هدایت نمی‌یافتیم.﴾

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۸.

۳. اعراف، ۱۶۵: ﴿اما هنگامی که تذکراتی به آنها داده شده بود، فراموش کردند.

نهی‌کنندگان از بدی را رهایی بخشیدیم.﴾

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۵۸.

وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ^۱» پرسیدم، فرمود:

«آیا کسی را دیده‌ای که معتقد باشد خداوند او را به زنا و می‌گساری یا چیزی از این قبیل محرّمات، فرمان داده باشد؟» گفتیم: نه. فرمود: «پس این زشتی‌هایی که مدعی هستند خداوند آنان را بدان‌ها فرمان داده، چیست؟!» گفتیم: خدا و ولیّ خدا بهتر می‌دانند. فرمود: «براستی که این روش در بین دوستداران رهبران جور است که مدعی هستند خداوند آن‌ها را به رهبری قومی فرمان داده است در حالی که خداوند به ایشان رهبری آنان را فرمان نداده است. از این رو خداوند در ردّ بر ایشان فرموده و خبر داده است که آن‌ها به او دروغ بسته‌اند و آن را نسبت به ایشان (فاحشه) زشت‌کاری نامیده است.»^۲

وفای به پیمان ازلی

۲۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آورده است، فرمود:

«هر که بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود فرستد، معنایش آن است که من بر سر پیمان و وفای به عهدی که قبول کرده‌ام هستم؛ موقعی که فرمود: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ»^۳ و^۴

۱. اعراف، ۲۸: «هنگامی که عمل زشتی را انجام دهند، گویند: این راه و رسمی است که نیاکان خود را بر آن یافته‌ایم و خدا ما را به آن دستور داده است! بگو: خداوند هرگز به کارهای زشت فرمان نمی‌دهد، آیا به خدایی نسبتی می‌دهید که نمی‌دانید؟!»

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۳۱.

۳. اعراف، ۱۷۲.

۴. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۱۶.

استغفار پس از گناه

۲۴. امام صادق ع فرمود:

«چون خداوند به بنده‌ای اراده خیر فرماید، او مرتکب گناهی شده در پی آن گرفتاری و سختی ببیند و او را به یاد استغفار و طلب آمرزش اندازد و هر گاه خداوند به بنده‌ای اراده شر نماید، گناهی مرتکب شود و به دنبال آن نعمتی ببیند تا استغفار را فراموش کند و با آن، گناه را ادامه دهد و همان است قول خداوند متعال: ﴿سَسْتَدْرِيْهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾^۱. به وسیله نعمت‌ها در وقت ارتکاب گناهان.»^۲

دوازده نفر

۲۵. امان بن عمر داماد آل میثم می‌گوید: خدمت امام صادق ع بودم، سفیان بن مصعب عبدی خدمت آن حضرت شرفیاب شد و عرض کرد: خداوند مرا فدای شما گرداند! چه می‌فرمایید درباره قول خداوند: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ...﴾؟ فرمود:

«آنان اوصیای آل محمد ص و ع دوازده تن هستند که خدا را نشناسند، مگر کسی که آن‌ها را بشناسد و آن‌ها نیز او را بشناسند.»
گفت: فدایت شوم! اعراف چیست؟ فرمود:

«تپه‌هایی از مُشک است که رسول خدا ص و ع اوصیا برآیند ﴿يَعْرِفُوْنَ كَلِمًا وَسِيْمًا﴾^۳»

۱. اعراف، ۱۸۲: ﴿به تدریج از راهی که نمی‌دانند در دام مجازات گرفتارشان می‌کنیم.﴾

۲. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۲۴۸.

۳. اعراف، ۴۶.

سفیان گفت: پس من چیزی در آن باره نگویم! پس شعری از قصیده‌ای را گفت:

ای سرزمین خرم ایشان! آیا امروز مرا جای خرمی هست؟ و آیا
شب‌های مرا در تو بازگشتی وجود دارد؟ و در همان قصیده می‌گوید:
شما بید صاحبان حشر و نشر و پاداش
و شما برای روز گرفتاری و ترس پناها گاهید!
و شما بر اعراف یعنی بالای آن تپه‌ها بید
که از مشک است، ناز و نعمتش به وسیله شما پراکنده می‌شود
هشت تن (از ایشان) حاملان عرش هستند
و پس از آن‌ها چهارتن راهنمایان در زمین می‌باشند.^۱

سکوت در حال قرائت قرآن

۲۶. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا﴾^۲ آورده است، فرمود:
«آن در حال نماز^۳ و غیر نماز است.»^۴

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۵۲.

۲. اعراف، ۲۰۴: ﴿هنگامی که قرآن تلاوت می‌شود با توجه گوش دهید و ساکت باشید.﴾

۳. منظور نماز جماعت است.

۴. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۱.

تفسیر آیاتی از سوره انفال

انفال از آن ماست

۱. ابان بن تغلب از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ تفسیر قول خداوند: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾^۱ را پرسید که درباره‌ی چه کسی نازل شده است؟ فرمود:

«به خدا سوگند که مخصوص ما نازل شده و کسی در آن شریک ما نیست».^۲

انفال چیست؟

۲. علی بن ابراهیم در تفسیر خود (می نویسد): ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ

۱. انفال، ۱: ﴿از تو درباره‌ی انفال می‌پرسند، بگو: انفال مخصوص خدا و پیامبر است﴾.

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۴۹.

بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۱ پدرم از اسحاق بن عمار نقل کرد که از امام صادق ع از انفال پرسیدم، فرمود:

«آن‌ها آبادی‌هایی است که ویران شده و اهل آن‌ها، آن‌ها را ترک کرده‌اند. پس به خدا و رسول خدا ص تعلق دارند و هر چه در اختیار شاهان است، مال امام است و هر چه از زمین‌های خَراج است که با جنگ و سپاه گرفته نشده و هر زمین بدون صاحب و معادن آن‌ها و هر که بمیرد و سرپرستی نداشته باشد، مال وی از جمله انفال است.»

فرمود: «این آیه در روز بدر موقعی که مردم به هزیمت رفتند [شکست خوردند]، نازل شد؛ اصحاب رسول خدا ص سه دسته بودند: دسته‌ای کنار خیمه پیامبر ص بودند و دسته‌ای سرگرم غارت اموال دشمن بودند و دسته‌ای هم در پی دشمن که آن‌ها را اسیر کرده و غنایمی گرفتند. همین که غنایم و اسیران را جمع کردند، انصار درباره‌ی اسیران سخن گفتند. خدای تعالی این آیه را: ﴿مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أُسْرَىٰ حَتَّىٰ يُشْحَنَ فِي الْأَرْضِ^۲ نازل کرد و چون خداوند، اسیران و غنایم را بر ایشان مباح کرد، سعدبن مُعاذ که از جمله ایستادگان کنار خیمه پیامبر ص بود گفت: یا رسول الله! ما را خودداری از جهاد و ترس از دشمن مانع پیگیری و تعقیب دشمن نشد بلکه ما ترسیدیم از کنار شما برویم، سپاه مشرکان به سمت شما بیاید! در حالی که بزرگان مهاجرین و

۱. انفال، ۱: ﴿از خدا بترسید و بین خود اصلاح کنید و برادرانی را که با هم ستیزه کرده‌اند آشتی دهید و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید.﴾
۲. انفال، ۶۷: ﴿هیچ پیامبری حق ندارد اسیران جنگی داشته باشد تا جای پای خود را در زمین محکم بکند و ضربه‌های کاری بر پیکر دشمن وارد سازد!﴾

انصار کنار خیمه ایستاده بودند و کسی از ایشان تردیدی نداشت، در حالی که یا رسول الله! مردم زیادند و غنایم اندک! هر گاه به اینان مرحمت کنید، چیزی برای اصحابتان نماند! و از آن بیم داشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم غنایم و آنچه را که از کشتگان غارت شده بین قاتلان تقسیم کند و به کسانی که کنار خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در عقب بودند، چیزی نرسد.

از این رو مابین آنها اختلاف افتاد تا آنجا که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: این غنایم مال کیست؟ خداوند آیه: «يَسْأَلُونَكَ...»^۱ را نازل کرد و مردم برگشتند در حالی که چیزی از غنایم برای آنها نبود. پس از آن آیه نازل شد: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ﴾^۲ آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بین آنها تقسیم کرد.

سعد بن ابی وقاص گفت: یا رسول الله! آیا به سواران قوم که پشتیبانی می کردند، به قدر افراد ناتوان (پیادگان) مرحمت می کنی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مادرت به عزایت بنشیند! آیا کسی جز ناتوانان را یاری می کنی؟! «

امام علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر، خمس غنایم را جدا نکرد و همه را بین اصحاب خود تقسیم کرد. پس از جنگ بدر، شروع به گرفتن خمس فرمود. و این قول خداوند:

۱. انفال، ۱.

۲. انفال، ۴۱: ﴿و بدانید هرگونه غنیمتی نصیب شما می شود یک پنجم آن از آن خدا و پیامبر و ذی القربی امامان اهل بیت و یتیمان، مسکینان و واماندگان در راه می باشد.﴾

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ﴾ پس از پایان جنگ بدر نازل شد و آن را در آغاز سوره نوشتند و رفتن پیامبر ﷺ به آن جنگ را پس از آن.^۱

فضیلت قرائت سوره‌ی توبه و انفال

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس در هر ماهی، سوره‌ی برائت (توبه) و انفال را بخواند هرگز نفاق بر (دل) او وارد نشود و به حق از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و روز قیامت با شیعیان علی علیه السلام از غذاهای بهشتی خورد تا مردم از حساب خلاص شوند.»^۲

ثبات قدم در ولایت

۴. جابر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از باطن این آیه: ﴿وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾^۳ پرسیدم، فرمود:

«آن (آب) علی علیه السلام است که قلب دوستانش را پاکیزه کند، و اما قول خداوند: ﴿وَيُذْهِبُ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ﴾ هر که علی علیه السلام را دوست بدارد، آلودگی را از او برطرف می‌کند و دلش را قوت می‌بخشد. ﴿وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾ مقصود علی علیه السلام است، هر که علی علیه السلام را دوست بدارد، خداوند دل او را

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۶.

۳. انفال، ۱۱: ﴿آبی از آسمان برای شما می‌فرستد تا بدان وسیله شما را پاکیزه کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد. خداوند می‌خواست با این نعمت دل‌های شما را محکم و گام‌های شما را استوار گرداند.﴾

به علی پیوند می‌دهد، در نتیجه بر ولایت او ثابت قدم می‌گردد.»^۱

خواص آب باران

۵. ابوبصیر به نقل از امام صادق از قول پدر و نیاکانش از امیرالمؤمنین علیه السلام آورده است، فرمود:

«از آب آسمان بیاشامید که بدن را پاک و بیماری‌ها را برطرف می‌کند. خداوند فرموده است: ﴿وَيُنزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ كُمْ بِهِ...﴾^{۲ و ۳}

در دل خود منکر بوده است

۶. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾^۴ فرمود:

«آن عبارت است از این که کسی چیزی را با گوش، چشم، زبان و دستش مایل است، اما اگر چیزی از این خواسته‌ها او را به خود مشغول کند در حقیقت آن چیز را انجام نمی‌دهد، مگر در دل خود منکر آن بوده است. آنچه را که انجام می‌دهد، قبول ندارد و خود او می‌داند که در آن خبری از حق و راستی نیست.»^۵

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۹.

۲. انفال، ۱۱.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۱.

۴. انفال، ۲۴: ﴿خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود.﴾

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۳.

اولیای خدا

۷. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَهُمْ يُصَدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ﴾، فرمود:

«مشرکان سرپرستان خانه خدا نبودند ﴿إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ﴾ بلکه اولیای خدا هر جا باشند، به خانه خدا سزاوارتر از مشرکانند ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً﴾^۱ فرمود: «نماز آن‌ها جز سوت و کف زدن نبود»^۲

قیام امام عصر (عج)

۸. از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً﴾^۳ و ﴿حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾^۴ را پرسیدند، فرمود:

«(وقت) تأویل این آیه نرسیده است، پس از قیام قائم ما (عج) هر که او را درک کند، آن چه را که مربوط به تأویل این آیه است، خواهد دید و آیین محمد صلی الله علیه و آله و سلم همان شب به جایی که باید برسد، می‌رسد به طوری که طبق فرموده‌ی خداوند بر پشت زمین، شرکی نخواهد بود»^۵

۱. انفال، ۳۴ و ۳۵: ﴿و حال این‌که آن‌ها مانع رفتن مؤمنان به مسجدالحرام می‌شوند، آن‌ها هرگز سرپرستان این مرکز مقدس نبودند، تنها کسانی حق سرپرستی را دارند که پرهیزکار باشند، نماز آن‌ها کنار خانه خدا چیزی جز صوت کشیدن و کف زدن نبود.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۶.

۳. توبه، ۳۶: ﴿با مشرکان دسته جمعی پیکار کنید همان‌گونه که با شما می‌جنگند.﴾

۴. انفال، ۳۹: ﴿تا فتنه برچیده شود و دین یک‌پارچه برای خدا باشد.﴾

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۷.

ورود در ولایت

۹. از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾^۱ پرسیدند: سلم چیست؟ فرمود:
«ورود شما در امر (ولایت)».^۲

میراث

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون علی بن ابی طالب علیه السلام با عثمان بن عفان درباره‌ی مردی که بمیرد و کسی از بستگانش نباشد تا از او ارث ببرد و خویشاوندانی باشند که وارث او نیستند و سهم واجبی ندارند، اختلاف نظر پیدا کردند. علی علیه السلام فرمود: میراث وی مال خویشاوندان اوست به این دلیل که خداوند می‌فرماید: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾^۳ و عثمان می‌گفت: من ارث او را در بیت‌المال مسلمین می‌گذارم و کسی از خویشاوندان او از او ارث نمی‌برد».^۴

ذی‌القربی

۱۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ﴾^۵ فرمود:

-
۱. انفال، ۶۱: ﴿اگر آن‌ها تمایل به سازش نشان دادند تو نیز تمایل نشان ده!﴾
 ۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۵.
 ۳. انفال، ۷۵.
 ۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۹۵.
 ۵. انفال، ۴۱: ﴿و بدانید هرگونه غنیمتی نصیب شما می‌شود یک پنجم آن مال خدا و پیامبر و ذی‌القربی امامان اهل بیت است.﴾

«(ذی القربی) امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام است.»^۱

طلب آمرزش

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: براستی که شما را حیات و ممات من خیر است. گفتند: یا رسول الله! اما در زمان حیات شما را می‌دانیم، بفرمایید در وفات شما چه خیری برای ماست؟ فرمود: اما در حیات من، خدای عزوجل فرموده است: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ﴾^۲ و اما در ممات من، اعمال شما را به من عرضه می‌کنند و من برای شما طلب آمرزش می‌کنم.»^۳

او حائل می‌شود

۱۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ

بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾^۴ فرمود:

«خداوند بین (قلب) آدمی و بین این‌که او باطل را حق بداند حایل می‌شود. و بعضی گفته‌اند خدای تعالی بین شخص و قلب او به وسیله مرگ حایل می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«خدای متعال بنده را از شقاوت به سعادت منتقل می‌کند، ولی از

سعادت به شقاوت منتقل نمی‌کند.»^۵

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲. انفال، ۳۳: ﴿هیچگاه خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد در حالی که تو میان آن‌ها هستی.﴾

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۵۴.

۴. انفال، ۲۴.

۵. شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۵۸.

تفسیر آیاتی از سوره توبه

مُهر شدن قلب

۱. جابر نقل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود را فرا می‌خواند، هر که را خداوند اراده خیر کرده بود، آن‌چه را که او را به سمت آن فراخوانده بود، می‌شنید و می‌فهمید و هر که را خداوند (در اثر نالایقی خود او) اراده شر داشت بر قلبش مهر می‌زد، او نه می‌شنید و نه می‌فهمید و همان است قول خدای تعالی: ﴿إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاهُمْ﴾^۱ و فرمود: ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَى عَن

۱. محمد، ۱۶: ﴿ هنگامی که از نزد تو خارج می‌شوند به کسانی که خداوند علم و دانش بخشیده، می‌گویند: الان چه گفت: آن‌ها کسانی هستند که خداوند بر قلب‌هایشان مهر نهاده است. ﴾

ضَلَّالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۲۰۱﴾

شهادت حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ

۲. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ همراه مادرش بود، او را حمل می‌کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را گرفت و فرمود: «خداوند قاتل تو و غارت کننده‌ی لباس‌های تو را لعنت کند و خداوند هم‌یاری کنندگان بر ضد تو را نابود سازد و بین من و کسانی را که بر ضد تو هم‌یاری کردند، حکم کند! فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ عرض کرد: پدر! چه می‌فرمایید؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: دخترم به یاد آزار و ستم (یا مکر) و تجاوزی که پس از من و تو به او می‌رسد، افتادم و او در آن روز با جمعی است که گویی ستارگان آسمانند؛ بر یکدیگر در شهادت سبقت می‌گیرند و گویی من سپاه ایشان را می‌بینم و تا محل رحلت و تربت آن‌ها را مشاهده می‌کنم!

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ گفت: پدر! جایی که شما توصیف می‌کنید کجاست؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: جایی به نام کربلا که سرای گرفتاری و بلا برای من و امت من است که (در برابر ایشان) بدان امت من، خروج می‌کنند و اگر یکی از آن‌ها را اهل آسمان‌ها و زمین‌ها شفاعت کنند، شفاعت‌شان پذیرفته نشود و آن‌ها همیشه در آتش دوزخند.

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ گفت: پدرجان! بنابراین او (حسین) کشته می‌شود؟

۱. نمل، ۸۰ و ۸۱: ﴿چراکه تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی حتی کسانی که گوش‌های آن‌ها کر است مخصوصاً هنگامی که پشت کنند و از تو دور شوند و تو نمی‌توانی نابینایان را از گمراهیشان بازگردانی...﴾
۲. اصل حضرمی (الاصول الستة عشر)، ص ۶۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آری دخترم در حالی که هیچ کشته‌ای پیش از او نبوده است که آسمان‌ها و زمین‌ها و فرشتگان (و حیوانات بیابان) و گیاهان، دریاها و کوه‌ها بر او بگریند و اگر برای آن‌ها اذن بود، روی زمین جاننداری نمی‌ماند!

گروهی از دوستداران ما به (زیارت) او بیایند که در زمین دانتر به خدا و استوارتر به حق ما از ایشان باشد و روی زمین کسی جز ایشان متوجه وی نباشد. آنانند چراغ‌ها در تاریکی‌های ستم و آن‌ها شفاعت‌کنندگانند و فردای قیامت وارد حوض من می‌شوند که من به سیمایشان آن‌ها و هر دیندار را (که طالب امامان خود هستند) و طالب ما و جز ما را نمی‌طلبند، می‌شناسم و همان‌ها قوام زمین هستند و به خاطر ایشان، باران نازل می‌شود.

فاطمه علیها السلام گفت: پدرجان! انا لله و گریه کرد پیامبر فرمود: اهل بهشت همان شهیدان در دنیا هستند که «خداوند جان و مالشان را خریداری می‌کند و در برابر این، متاع بهشت را به آنان می‌دهد. آن‌ها در راه خدا می‌جنگند و دشمنان را می‌کشند و خود کشته می‌شوند.»^۱ بنابراین آن‌چه در نزد خداست بهتر از دنیا و هر چه در دنیا است می‌باشد؛ کشته شدن (در راه خدا) بهتر از مرگ طبیعی است. هر که را قتل مقرر شده باشد به بستر قتل (شهادت) خود درآید و کسی هم که کشته نشود به زودی خواهد مُرد.

یا فاطمه، دختر محمد! دوست نداری که فردا (ی قیامت) (تو را فرمان رسد) و تو در وقت حساب درباره این خلق، فرمان خدا را ببری؟ آیا نمی‌خواهی که پسرت از حاملان عرش باشد؟ آیا نمی‌پسندی که به سراغ پدرت بیایند و از او درخواست شفاعت

۱. برگرفته از سوره توبه، ۱۱. م.

تفسیر آیاتی از سوره توبه □ ۳۰۳

کنند؟ آیا راضی نیستی که همسرت، خلق را در روز تشنگی از حوض کوثر دور سازد و دوستانش را از آن سیراب کند و دشمنانش را از آن دور کند؟

آیا نمی‌پسندی که شوهرت تقسیم‌کننده‌ی دوزخ باشد و به آتش دستور دهد و او اطاعت کند؛ هر که را بخواهد از آن بیرون کند و هر که را بخواهد واگذارد. آیا نمی‌خواهی که ببینی فرشتگان در اطراف آسمان به تو می‌نگرند و به سوی آن چه تو فرمان دهی و به همسرت نگاه کنند در حالی که مردمان حاضرند و او با ایشان در پیشگاه خدا، مخاصمه می‌کند. پس به نظر تو، خداوند با قاتل فرزندان و قاتلین تو وقتی که حجت او بر خلائق پیروز شود، چه می‌کند و آتش مأمور باشد که از او فرمان ببرد. آیا تو راضی نیستی که فرشتگان بر مصیبت پسر ت بگریند و همه چیز بر او افسوس خورد؟ آیا نمی‌خواهی تا هر که به زیارت (قبر) او آید در ضمانت و حمایت خدا باشد و به منزله کسی باشد که حج خانه خدا و عمره را بجا آورده است و از رحمت خدا، چشم برهم زدن دور نباشد. و چون بمیرد، شهید از دنیا رود و اگر بماند همواره فرشتگان نگهبان تا باقی است برای او دعا کنند و پیوسته در حفاظت و امنیت الهی باشد تا دنیا را ترک کند.

فاطمه ع گفت: پدرجان! من تسلیم و راضیم و بر خدا توکل می‌کنم! پس پیامبر ص دست بر قلب او و بر چشمانش کشید و فرمود: من و همسرت و تو و دو پسر ت در جایگاهی هستیم که تو خرسند و دلخوشی.»^۱

لباس طواف

۳. علی بن ابراهیم (قمی) در تفسیر قول خداوند: ﴿بِرَأۡةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِۦ اِلٰی الَّذِیۡنَ عَاهَدْتُم مِّنَ الْمُشْرِکِیۡنَ﴾^۱ از ابوالصباح به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«این آیه پس از مراجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک در سال هفتم هجری نازل شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله چون مکه را فتح کرد، در آن سال مشرکان را از حج، مانع نشد. و در بین عرب، سنتی بود که هر کس وارد مکه می‌شد و با لباس، خانه [کعبه] را طواف می‌کرد، روا نبود که آن لباس‌ها را نگه دارد، آن‌ها را صدقه می‌دادند و پس از طواف، آن لباس‌ها را نمی‌پوشیدند و هر کس به مکه می‌آمد، لباس عاریه می‌گرفت و با آن طواف می‌کرد سپس باز می‌گرداند و هر کس هم عاریه پیدا نمی‌کرد، جامه‌هایی کرایه می‌گرفت. و آن‌که عاریه و کرایه، پیدا نمی‌کرد، جز یک جامه نداشت و برهنه، خانه را طواف می‌کرد. زنی از عرب‌ها آمد، خوشگل و زیبا، جامه عاریه یا کرایه خواست، بدست نیاورد. به او گفتند: اگر با لباس‌های طواف کنی باید آن‌ها را صدقه دهی. گفت: چگونه آن‌ها را صدقه دهم در حالی که من جز آن‌ها لباسی ندارم. از این رو برهنه طواف کرد در حالی که مردم او را می‌دیدند...»^۲

۱. برائت، ۱: ﴿این اعلام برائت و بیزارى خداوند و پیامبرش از مشرکانى است که با آن‌ها عهد بسته‌اید.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸.

حد جزیه

۴. در تفسیر قول خداوند: ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾^۱ از زراره نقل شده است
که می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: حد جزیه بر اهل کتاب چقدر
است؟ و آیا بر ایشان چیز قابل توصیف (و مشخصی) است که قابل
تجاوز به غیر آن نیست؟ فرمود:

«آن در اختیار امام است. از هر فرد ایشان، هر مقدار که بخواهد
می‌گیرد به اندازه‌ی توانایی‌های مالی او. آن‌ها قومی هستند که
عوض خودشان را می‌پردازند مبادا به بردگی کشیده شوند یا
کشته شوند. از این رو به قدر توانایی آن‌ها از ایشان گرفته
می‌شود تا اسلام بیاورند. زیرا که خداوند فرموده است: ﴿حَتَّى
يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾.

گفتم: چگونه خضوع دارد در حالی که به آن‌چه از او گرفته
می‌شود، اهمیت نمی‌دهد؟ فرمود: «نه، تا احساس ذلت کند در
برابر آن‌چه از او می‌گیرند و از آن بابت رنجیده شده و تسلیم
گردد.»^۲

۱. توبه، ۲۹: ﴿با کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند بیکار کنید و آن‌چه را
که خدا و پیامبرش تحریم کرده حرام نمی‌شمردند و به طور کلی آیین حق را قبول
ندارند؛ این حکم درباره آن‌هاست که اهل کتاب‌اند، این مبارزه تا زمانی خواهد بود
که جزیه را با دست خود با خضوع بپردازند.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۸.

پنهان در غار

۵. در تفسیر قول خداوند: ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾^۱ در حدیث مرفوعی تا امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غار به فلانی گفت: من گویی کشتی جعفر (طیار) را می بینم که در دریا با اصحابش حضور دارد و به انصار می نگرم که در آستانه خانه هایشان به خاطر خدا ایستاده اند. فلانی گفت: یا رسول الله! آیا شما می بینید؟ فرمود: آری. گفت: آن ها را به من هم نشان دهید! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست بر چشمان او کشید و آن ها را دید. با خود گفت: اکنون باور کردم که تو جادوگری! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تو راست گفتی!»^۲

یکی از دو نیکی

۶. علی بن عقبه به نقل از پدرش می گوید: من با مُعلی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم، فرمود:

«مژده باد شما را به یکی از دو نیکی؛ خداوند دل های شما را شفا بخشید و خشم دل هایتان را از بین ببرد و شما را بر دشمنانتان پیروز گرداند. و آن است قول خدای تعالی: ﴿وَيَسْفِ سُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾^۳ و اگر پیش از دیدار آن ها در گذشتید بر آیین خدا از

۱. توبه، ۴۰: ﴿اگر او را یاری نکنید خداوند او را یاری کرده است آن هنگامی که کافران او را بیرون کردند این در حالی بود که او دومین نفر بود وقتی که دونفری به غار پناه بردند، در آن موقع به همسفرش گفت: غم مخور خدا با ماست.﴾
 ۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۸.
 ۳. توبه، ۱۴: ﴿دل های گروهی از مؤمنان را که تحت فشار بودند شفا می دهد.﴾

تفسیر آیاتی از سوره توبه □ ۳۰۷

دنیا رفته‌اید که خداوند آن را برای پیامبر ﷺ و علی ع پسندیده است.»^۱

فضیلت علی ع

۷. امام صادق ع فرمود:

«به امیرالمؤمنین ع گفتند: ما را از بالاترین فضایل خود خبر ده! فرمود: آری من و عباس و عثمان بن ابی‌شیبه در مسجد الحرام بودیم. عثمان بن ابی‌شیبه گفت: رسول خدا ﷺ اختیار خزانه یعنی کلیدهای کعبه را به من داد. عباس گفت: رسول خدا ﷺ اختیار آب دادن یعنی زمزم را به من مرحمت کرده، یا علی به تو چیزی نداده است؟ فرمود: این آیه نازل شد: ﴿أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ﴾^۲ و ۳۰۲

أخبار و رُهبان

۸. امام صادق ع در تفسیر قول خداوند: ﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^۴ فرمود:

«بدانید به خدا سوگند که آن‌ها نه برای ایشان روزه گرفتند و نه

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۲.

۲. توبه، ۱۹: ﴿أَيَا سِيرَابِ كَرْدَنِ حَاجِيَانِ وَ عَمْرَانَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ رَا هَمَانَنْدِ كَارِ كَسِيّ قَرَارِ دَادِيْدِ كِهْ بِهْ خِدا وَ رُوْزِ قِيَامَتِ اِيْمَانِ دَارِدِ وَ دَرِ رَاهِ خِدا جِهَادِ كَرْدِهْ اسْتِ؟ اَيْنِ دُوْ هِيْجْگَاهِ نَزْدِ خِدا يَكْسَانَ نِيْسْتَنْدِ﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۵.

۴. توبه، ۳۱: ﴿يَهُودِ وَ نَصَارِيْ دَانَشْمَنْدَانِ وَ رَاهِبَانِ خِودِ رَا خِدايَانِيْ دَرِ بَرَابَرِ پَرُوْرْدِگَارِ قَرَارِ دَادَنْدِ﴾

نماز گزارند، بلکه حرامی را برای آن‌ها حلال و حلالی را حرام کردند و آن‌ها هم پیروی نمودند.»^۱
در حدیث دیگری امام فرمود:
«بلکه آن‌ها در نافرمانی خدا از ایشان اطاعت کردند.»^۲

وقتی مهدی قیام کند

۹. از سماعه در تفسیر قول خداوند: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۳ از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، فرمود:
«چون قائم علیه السلام قیام کند، هیچ مشرک به خدای بزرگ و کافری نماند، مگر از قیام آن حضرت ناراضی است.»^۴

نماز بی ولایت

۱۰. یوسف بن ثابت می‌گوید: به امام صادق علیه السلام چون وارد شدیم، گفته شد: ما شما را به خاطر خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست داریم و چون خداوند حق شما را واجب کرده است، نه برای دنیا که از شما بهره‌دنیایی ببریم مگر به خاطر خدا و سرای آخرت و برای این که مردی از ما دین خود را اصلاح کند. امام صادق علیه السلام فرمود:
«راست گفتید، راست گفتید! و هر که ما را دوست بدارد، روز قیامت - بین دو انگشت سبابه‌اش را جمع کرد - این چنین با ما

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۹۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۹۱.

۳. توبه، ۳۳: ﴿أَوْ خَدَاكُم مَّن مَّا كَفَرْتُمْ﴾ او خدا کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمام ادیان پیروز گرداند و هر چند کافران را خوش آیند نباشد. ﴿

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۹۵.

تفسیر آیاتی از سوره توبه □ ۳۰۹

بیاید. فرمود: «به خدا سوگند اگر کسی روز را روزه بگیرد و شب را نماز بخواند سپس بدون ولایت ما، خدا را ملاقات کند، او را ناخشنود یا خشمگین بر او ملاقات کند. سپس فرمود: «و آن است قول خداوند: ﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ فَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾»^۱.

سپس فرمود:

«و هم چنین هیچ عملی با وجود ایمان به او زیان نرساند و هم چنین هیچ عملی با وجود کفر، سودی نخواهد داشت.»^۲

پیمان شکنی

۱۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«چون پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غدیر خم فرمود آن چه را که باید بفرماید و داخل خیمه‌ها رفتند. مقدار به گروهی از ایشان گذر کرد که می‌گفتند: به خدا سوگند اگر ما با قیصر (پادشاه روم) بودیم، هرآینه لباس ابریشمی پر نقش و نگار، حریر و انواع بافتنی می‌پوشیدیم در صورتی که با وی زندگی سخت و خشنی داریم. خوراک خشن می‌خوریم و لباس خشن می‌پوشیم، اکنون که

۱. توبه، ۵۴ و ۵۵: ﴿چیزی مانع انفاقات آن‌ها نشده جز این که به خدا و پیامبرش کافر شدند و نماز را بجا نمی‌آورند مگر از روی کسالت و انفاق نمی‌کنند مگر از روی کراهت. فزونی اموال و اولاد آن‌ها تو را متعجب نکند، خداوند می‌خواهد بدان وسیله آن‌ها را در دنیا معدّب و در حال کفر بمیراند.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۹۷ - ۱۰۵.

مرگش نزدیک و روزگارش سپری شده و اجلس فرا رسیده می‌خواهد علی را پس از خود والی کند! به خدا که باید آن‌ها بدانند!

مقداد رفت و آن خبر را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رساند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: همگی جمع شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود، آن‌ها گفتند: مقداد به ما تهمت زده است. برخاستند، گفتند: ما قسم می‌خوریم. آمدند تا در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفتند و گفتند: یا رسول الله! پدران و مادران ما فدای شما باد! نه به خدایی که تو را به حق فرستاده است و تو را به وسیله نبوت گرمی داشته، آن چه به شما رسیده است ما نگفته‌ایم! نه به خدا که تو را بر بشر گزیده است!

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به نام خداوند بخشنده مهربان ﴿يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهُمْ أَوْ يَمْحَدُونَ﴾ در شب عقبه قصد جان تو را داشتند - و مانعوا إلا أن أعناهم الله ورسوله من فضله^۱. یکی از آن‌ها کله پاچه فروش و دیگری چاروا فروش^۲ بود و موتابی می‌کرد، خدا و رسولش آن‌ها را به حد بی‌نیازی رساند، بعد آن‌ها شدت عمل و تیزی شمشیرشان را به طرف آن حضرت گرفتند.^۳

۱. توبه، ۷۴: ﴿منافقان سوگند یاد می‌کنند که چنان مطلبی را نگفته‌اند این‌ها به طور مسلم سخنان کفرآمیزی گفته‌اند، پس از قبول اسلام راه کفر را پیش گرفته‌اند در شب عقبه تصمیم خطرناکی داشتند که به آن نرسیدند. آن‌ها در حقیقت انتقام نعمت‌هایی را می‌گرفتند که خدا و پیامبر به فضل و کرم خود آن‌ها را بی‌نیاز کرده بود.﴾

۲. چهارپا.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۱.

هفتاد بار استغفار پذیرفته نیست

۱۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ﴾^۱ فرمود:

«امیرالمؤمنین علیه السلام خود را در برابر هر سطل آبکشی یک خرما، مزدور کرد؛ خرماها را جمع کرد، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آورد. عبدالرحمان بن عوف جلوی در بود او را بدگفت. پس این آیه: ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ﴾ نازل شد تا «اسْتَغْفِرُوا لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرُوا لَهُمْ إِنَّ تَسْتَغْفِرُوا لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ»^۲».

صدقه را خدادار یافت می‌کند

۱۳. معلی بن خنیس می‌گوید: امام صادق علیه السلام در شب بارانی بیرون آمد، قصد سایبان‌های بنی‌ساعده را داشت. من هم دنبال آن حضرت می‌رفتم، ناگهان چیزی از دست آن حضرت افتاد. فرمود: «به نام خدا، خداوند! آن را به ما بازگردان! جلو آمدم، سلام دادم. فرمود: «معلی!» گفتم: آری فدایت شوم! فرمود: «با دست جستجو کن! اگر چیزی یافتی به من بده!» ناگهان نان زیادی را دیدم پراکنده شده است. شروع کردم یک‌گروه و دو‌گروه به او می‌دادم، دیدم انبانی دارد که قادر به حمل آن

۱. توبه، ۷۹: ﴿آن‌ها که به افراد نیکوکار مؤمن در پرداخت صدقات و کمک‌های صادقانه عیب می‌گیرند﴾.

۲. همان، ۷۹ و ۸۰: ﴿... مخصوصاً افراد تنگدست را به خاطر کمک مختصرشان مسخره می‌کنند خداوند آن‌ها را مسخره می‌کند و برای آن‌ها عذاب دردناکی است! چه برای آن‌ها استغفار کنی و چه نکنی اگر هفتاد بار استغفار کنی هرگز خدا آن‌ها را نمی‌بخشد﴾.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۲.

نیست. گفتم: فدایت شوم آن را پشت من بدهید! فرمود: «من خود از تو به حمل آن سزاوارترم ولی با هم برویم! به سایبان‌های بنی ساعده رسیدیم. ناگهان گروهی را دیدم خوابیده‌اند. پس امام علیه السلام شروع کرد یک نان و دو نان زیر پوششی گذاشتن تا آخرین نفرشان. همین که برگشتیم، پرسیدم: آیا این‌ها امر ولایت را می‌شناسند؟ فرمود: «نه، اگر می‌شناختند که بر ما واجب بود تا با آن‌ها از آرد و نمک برابر باشیم! همانا خداوند چیزی را نیافریده است، مگر خازنی دارد که آن را نگاه می‌دارد جز صدقه که پروردگار متعال خود آن را عهده‌دار است. پدرم هر گاه چیزی را صدقه می‌داد تا آن را دست مستمند قرار می‌داد، پس از بازگرداندن آن را می‌بوسید و می‌بویید، بعد به دست مستمند باز می‌گرداند. این بدان جهت است که صدقه در دست خدا قرار می‌گیرد پیش از آن‌که در دست مستمند قرار گیرد. از این رو من هم دوست داشتم چون خدا عهده‌دار آن است و پدرم آن را دوست داشت، آنرا ببوسم. همانا صدقه شبانه، آتش خشم خدا را خاموش و گناه بزرگ را محو می‌کند و حساب را آسان می‌گرداند. و صدقه در روز مال را زیاد و عمر را می‌افزاید.»^۱

صدقه در دست خداست

۱۴. امام صادق علیه السلام از قول علی بن حسین علیه السلام آورده است،

فرمود:

«من بر اعتماد به پروردگار ضمانت می‌کنم که صدقه در دست بنده واقع نمی‌شود تا در دست پروردگار واقع نشود و همان است

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۴.

تفسیر آیاتی از سوره توبه □ ۳۱۳

قول خداوند: ﴿هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ
الصَّدَقَاتِ﴾^۱ ۲۰۱

شش دسته

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مردم شش دسته‌اند که به سه گروه؛ ایمان، کفر و گمراهی
خلاصه می‌شوند. آنان را وعده‌ای است از جانب خدا که وعده‌ی
بهشت و دوزخ داده است. همانان مؤمن و کافر و مستضعف و
کسانی هستند که کارشان متوقف به امر خداست یا آن‌ها را عذاب
می‌کند و یا توبه ایشان را می‌پذیرد. و کسانی که به گناهانشان
اعتراف دارند و عمل شایسته و ناشایست را در هم آمیخته و اهل
اعراف‌اند»^۳

استوار بر تقوا

۱۶. حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند:
﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ﴾^۴ پرسیدم، فرمود:
«مسجد قیاست»^۵

-
۱. توبه، ۱۰۴: (در سوره توبه إِنَّ اللَّهَ هُوَ آمَدَه است): ﴿تَنهَا خَدَاوَنَد تَوْبَه أَن هَا رَا
مِی پَذِیْرَد وَ صَدَقَات رَا نِیْز خَدَا مِی پَذِیْرَد.﴾
 ۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۵.
 ۳. همان.
 ۴. توبه، ۱۰۸: ﴿مَسْجِدِی کَه شَالَوْدَه أَن اَز رَوْز نَخْسْت بَرَا سَاس تَقْوَا گَزَارْدَه شَدَه
اَسْت.﴾
 ۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۷.

وعده‌ی ابراهیم

۱۷. ابراهیم بن ابی‌البلاد بایک واسطه آورده است، که امام

صادق علیه السلام فرمود:

«مردم درباره‌ی این قول خداوند: ﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا أَيَّاهُ﴾^۱ چه می‌گویند؟ گفتم: می‌گویند: ابراهیم علیه السلام به پدرش وعده داده بود تا برایش طلب آمرزش کند. فرمود: «چنین نیست، ابراهیم علیه السلام او را وعده داده بود که او اسلام بیاورد [یعنی موحد باشد]، پس برایش طلب آمرزش کند و چون معلوم شد که او دشمن خداست از وی بیزاری جست.»^۲

مخالف کتاب خدا را ترک کنید

۱۸. عبدالاعلی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُم مَّا يَتَّقُونَ﴾^۳ را پرسیدم،

فرمود:

«تا به ایشان آن چه را که خوش دارد و آن چه را که ناخوش دارد بشناساند.» سپس فرمود: «اما من برای مؤمن نمی‌پسندم آن چه را که خداوند به دلیل نادانی، عذر مردم را نمی‌پذیرد. توقف در برابر شبهه بهتر از افتادن در هلاکت است و ترک نقل حدیثی که به خاطر نداری، برای تو بهتر از نقل حدیث بیشمار است. به

۱. توبه، ۱۱۴: ﴿و استغفار ابراهیم علیه السلام برای پدرش [عمویش] به خاطر وعده‌ای بود که به او داد.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۳. توبه، ۱۱۵: ﴿چنین نبوده که خداوند گروهی را پس از هدایت گمراه سازد تا این‌که آن چه را که باید از آن بپرهیزند برای آن‌ها بیان کند.﴾

راستی که هر حقی، حقیقتی دارد و بر هر پاداشی، نوری است. بنابراین آنچه موافق کتاب خداست، بگیرید (عمل کنید) و آنچه مخالف کتاب خداست، ترک کنید در صورتی که هرگز بسیاری از مردم این دنیا، فرو گذار نیستند!»^۱

اجتهاد و ورع

۱۹. عمرو بن سعید بن هلال می گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: مرا سفارشی کنید! فرمود:

«تو را به تقوای الهی و پرهیزکاری و تلاش توصیه می‌کنم و بدان که هیچ عملی بدون اجتهاد و ورع سودی نداد. و به کسی که پایین‌تر از تو است نگاه کن، نه به بالاتر زیرا که چه بسیار، خداوند به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: ﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ﴾^۲ و فرمود: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^۳ بنابراین اگر هوای نفست تو را به جانب چیزی از آن‌ها کشاند، بدان که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوراکش نان جوین و شیرینی‌اش خرما و فرشش بوریا بود. و هر گاه به مصیبتی برخوردی از مصیبت‌های رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یاد کن که مردم هرگز به مانند مصیبت او را ندیده و نخواهند دید.»^۴

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲. توبه، ۵۵: ﴿فَزَوْنِي أَمْوَالِ وَأَوْلَادِ أَنْهَا نَبَيْدُتُورَا دَر شِغْفَتِي فَرُوبَرِدُ﴾

۳. طه، ۱۳۱: ﴿وَهُرْكَزُ چَشْمَانِ خُودِ رَا بَه نَعْمَتِهَايِ مَادِي كَه بَه گِرُوه‌هَائِي از آن‌ها داده‌ایم می‌فکن که این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیا است.﴾

۴. شیخ طوسی، امالی، ج ۲، ص ۲۹۴.

فقیر و مسکین

۲۰. ابوحنیفه مغربی به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است که از تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ﴾^۱ پرسیدند، فرمود:

«فقیر کسی است که روی سؤال ندارد و مسکین از او ناتوان تر است و بائس فقیر از هر دوی آنها بد حال تر است. زکات داده نمی‌شود مگر به اهل ولایت از مؤمنان». گفتند: اگر چنین کسی در محل نبود در صورتی که نیازمند زکات داریم؟ فرمود: «زکات را به جایی بفرستید تا بین اهل ولایت تقسیم شود و نباید به گروهی دهی که اگر آنها را فراخوانی تو را اجابت نکنند هر چند که به قتل انجامد - با دست، اشاره به حلقش کرد -». گفتند: اگر مؤمن مستحق پیدا نشد؟ فرمود: «به مستضعفانی که مخالف ولایت نیستند داده شود. و به مؤمن از زکات به قدری داده شود که بخورد، بیاشامد و بپوشد، ازدواج کند و حج رود و صدقه دهد.»^۲

جمع آوری زکات

۲۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا﴾^۳ فرمود:

«آنان تلاشگران بر جمع آوری زکات هستند که امام از زکات به قدری که مصلحت بداند، بدون محدودیت به ایشان مرحمت می‌کند.»^۴

۱. توبه، ۶۰.

۲. مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳. توبه، ۶۰.

۴. مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۴۹.

تفسیر آیاتی از سوره یونس

فاروق اکبر

۲۲. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرش از قول جدش آورده است،

فرمود:

«علی علیه السلام روی منبر کوفه سخنرانی کرد و ضمن سخنانش فرمود: به خدا سوگند که من روز جزا، جزا دهنده مردم و تقسیم کننده بهشت و دوزخم. کسی وارد آن‌ها نشود مگر یکی از دو قسم باشد. منم فاروق اکبر و منم جمیع رسولان، فرشتگان و ارواح، آنان برای آفرینش ما، آفریده شده‌اند. براستی مرا نه ویژگی داده شده که کسی به آن‌ها بر من، پیشی نگرفته است: مرا فصل الخطاب آموخته‌اند و راه کتاب را نشان داده‌اند و من به خدای سبحان، وارد می‌شوم. به من علم منایا و بلایا و قضایا را تعلیم داده‌اند و کمال آیین به وسیله من است. و منم آن نعمتی که خداوند بر خلق خود مرحمت کرده است.

همه این‌ها از جانب خدا، احسانی است به من. و از ماست، مراقبی بر خلق و ماییم قسمت الهی و حجت او در بین بندگان. آن‌جا که می‌فرماید: «اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»^۱. بنابراین ما خاندانی هستیم که خداوند ما را از این‌که آشوبگر یا دروغگو و یا جادوگر و یا متکبر باشیم، بازداشته است. بنابراین در هر کس از این ویژگی‌ها باشد، نه از او ما و نه ما از او هستیم.

همانا ما خاندانی هستیم که خداوند از هر پلیدی ما را پاک داشته است. ما چون سخن گوئیم، راستگویانیم و هر گاه از ما بپرسند، ما دانایانیم. خداوند ما را ده ویژگی داده است که برای کسی پیش از ما نبوده است و پس از ما نخواهد بود: شکیبایی، دانایی، خردورزی، پیامبری، دلاوری، بخشندگی، بردباری، پاکدامنی و پاکیزگی. ماییم کلمه تقوا و راه هدایت و مَثَلِ اَعْلَى و حجت عَظْمَى و رشته محکم و حقی که خداوند به آن مَهرِ قَبُولِ نَهَادَه است: «فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ»^۲ و^۳

۱. نساء، ۱: «از خدایی که در نظر شما عظمت دارد بترسید و به هنگامی که می‌خواهید چیزی از دیگری طلب کنید نام او را می‌برید و از خویشاوندان خود بترسید که خداوند مراقب شماست.»
۲. یونس، ۳۲: «اکنون که حق را شناختید آیا پس از حق چیزی جز گمراهی وجود دارد؟ با این حال چگونه از عبادت خدا رو بر می‌گردانید؟!»
۳. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۶۱.

مرگ فرعون

۲۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«جبرئیل علیه السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیامد مگر اندوهگین و غمناک و همواره چنان بود از زمانی که خداوند، فرعون را هلاک کرد ولی چون دستور نزول این آیه را داد: ﴿الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾^۱ جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت در حالی نازل شد که خندان و خرسند بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل! هیچ وقت نیامدی مگر اثر غم در چهرهات تا امروز نمودار بود؟ گفت: یا محمد! چون خداوند، فرعون را غرق کرد، گفت: ایمان آوردم که خدایی جز خدایی که بنی اسرائیل به او ایمان دارند، نیست و من از مسلمانانم! پس من، گل سیاهی برداشتم و در دهان وی نهادم. سپس به او گفتم: حالا! در صورتی که تو از قبل نافرمانی کردی و از جمله تبهکاران بودی! این کار را بدون فرمان خدا، انجام دادم. ترسیدم که رحمت خدا، شامل حال او شود و مرا به خاطر عملم، عذاب کند. و چون اکنون خداوند مرا مأمور کرد آن چه را که به فرعون گفته بودم به شما بازگو کنم، ایمن شدم و دانستم که آن کار مورد رضایت پروردگار بود.

قول خداوند: ﴿الْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ﴾^۲ چون موسی علیه السلام به بنی اسرائیل خبر داد که خداوند، فرعون را غرق کرده است او را

۱. یونس، ۹۱: اکنون ایمان می‌آوری در صورتی که پیش از این نافرمانی کردی و از جمله تبهکاران شدی.

۲. یونس، ۹۲: ﴿امروز بدن تو را از امواج رهایی می‌بخشیم تا درس عبرتی برای آیندگان باشد.﴾

باور نکردند، از این رو خداوند به دریا دستور داد بپیکر او را به ساحل دریا اندازد تا آن را ببینند. و قول خداوند: ﴿وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِوَاءً صِدْقٍ﴾^۱ فرمود: آنان را به مصر بازگرداند و فرعون را غرق کرد. و قول خداوند: ﴿فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ﴾^۲ یعنی پیامبران.^۳

یونس و اهل کشتی

۲۴. در تفسیر قول خداوند: ﴿فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ﴾^۴ از جمیل نقل کرده است، می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند عذاب را بازنگرداند مگر از قوم یونس؛ یونس ایشان را به اسلام دعوت می کرد و آن ها خودداری می کردند، پس تصمیم به نفرین ایشان گرفت ولی در بین آن ها دو مرد عابد و عالم بود، اسم یکی از آن ها ملیخا و دیگری روبیل بود.

عابد به یونس پیشنهاد نفرین بر ایشان داشت ولی آن عالم او را منع می کرد و می گفت: بر ایشان نفرین نکن، زیرا که خداوند دعای تو را مستجاب می کند ولی نابودی بندگان را دوست نمی دارد.

۱. یونس، ۹۳: ﴿ما بنی اسرائیل را در مکان صدق و راستی جا دادیم.﴾

۲. همان، ۹۴: ﴿اگر از آن چه بر تو نازل کردیم شک داری از کسانی که کتاب آسمانی را پیش از تو می خوانند بپرس!﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۴. یونس، ۹۸: ﴿چرا اقوام گذشته به موقع ایمان نیاوردند تا ایمانشان سودمند باشد مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند مجازات خواری ساز را در این دنیا از آن ها برطرف کردیم و آن ها را تا وقت معلوم پایان عمر بهر مند کردیم.﴾

یونس قول عابد را قبول کرد و حرف عالم را نپذیرفت و بر ایشان نفرین کرد، پس خداوند به او وحی کرد که در سال فلان و ماه و روز فلان بر ایشان عذاب نازل می‌شود، همین که آن زمان نزدیک شد یونس با آن عابد از بین آن‌ها بیرون شد ولی عالم میان آن‌ها ماند، چون آن روز فرارسید عذاب نازل شد، عالم به مردم گفت: ای مردم! به درگاه خدا بنالید شاید به شما رحم کند و عذاب را از شما بازدارد!

گفتند: چه کنیم؟ گفت: جمع شوید و به بیابان بروید، بین زن‌ها و بچه‌ها و بین شتران و بچه شتران، بین گاوها و گوساله‌ها و بین گوسفندان و بره‌هایشان را جدا کنید سپس بگریید و دعا کنید! آن‌ها رفتند و همان کار را کردند و نالیدند و گریه کردند، خداوند آن‌ها را مورد رحمتش قرار داد و عذاب را از آن‌ها برداشت، یونس آمد تا ببیند خداوند آن‌ها را چگونه هلاک کرده است، دید کشاورزان در زمینشان کشاورزی می‌کنند، پرسید: قوم یونس چه کردند؟ درحالی‌که نمی‌شناختند او یونس است. به او گفتند: یونس بر آن‌ها نفرین کرد و خداوند استجاب فرمود و عذاب نازل شد ولی آن‌ها جمع شدند، گریستند و دعا کردند خداوند مشمول رحمتش قرار داد و عذاب را از آن‌ها بازداشت و عذاب را به کوه‌ها پراکند و آنان اینک در پی یونس هستند تا به او ایمان آورند! یونس خشمگین شد و به رو بر زمین افتاد از خشم خدا همان طوری که خداوند نقل کرده است تا به ساحل دریا رسید، دید یک کشتی پر شده، می‌خواهند آن را حرکت دهند، یونس از آن‌ها خواست تا او را سوار کنند! او را سوار کردند همین که وسط دریا رسیدند، خداوند نهنگ بزرگی را برانگیخت کشتی را از حرکت

بازداشت. یونس نگاهی به او کرد و از او ترسید به عقب کشتی رفت و نهنگ دور زد و دهانش را گشود، اهل کشتی بیرون آمدند، گفتند: دربین ما گنهکاری است! قرعه زدند و قرعه به نام یونس درآمد و همان است قول خداوند: ﴿فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ﴾^۱ پس او را درآوردند و داخل دریا انداختند و نهنگ او را گرفت و او را داخل آب برد.^۲

آیات و نُذُر

۲۵. داوود بن کثیر رقی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۳ پرسیدم، فرمود: «آیات ائمه علیهم السلام و نُذُر پیامبران اند.»^۴

اثر سه چیز

۲۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«سه چیز است که به صاحبش برمی‌گردد: پیمان شکنی، ستمکاری و فریبکاری؛ خدای تعالی فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ﴾»^۵ و^۶

۱. صافات، ۱۴۱: ﴿و با آن‌ها قرعه افکند پس مغلوب شد.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳. یونس، ۱۰۱: ﴿اما این آیات و اندازها به حال گروهی که ایمان ندارند مفید نخواهد بود.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۶ - ۳۱۸.

۵. یونس، ۲۳: ﴿ای مردم بدانید هرگونه ظلم و ستمی کنید زیانش برای خود شماست.﴾

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۴.

چیزی را که نمی‌دانی نگو

۲۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«دو آیه در قرآن است که خداوند مردم را محدود کرده است تا چیزی را که نمی‌دانند نگویند: قول خداوند: ﴿أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ﴾^۱ و قول خداوند: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّابٌ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾^۲».

اجل مقدر

۲۸. حمران می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾^۳ پرسیدم، فرمود: «آن اجلی است که شب قدر به فرشته مرگ گفته‌اند.»^۴

مؤمن در هنگام مرگ

۲۹. عقبه بن خالد می‌گوید: من و مُعلی خدمت امام صادق علیه السلام بودیم، فرمود:

«ای عقبه! خداوند در روز قیامت از بندگان نمی‌پذیرد مگر همین آیینی را که شما دارید و بین فردی از شما و دیدن آنچه که

۱. اعراف، ۱۶۹: ﴿آیا این‌ها به وسیله کتاب آسمانیشان تورات پیمان نبسته بودند که

به خدا دروغ نبندند و جز حق چیزی نگویند؟﴾

۲. یونس، ۳۹.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۸.

۴. یونس، ۴۹: ﴿هنگامی که اجل آن‌ها فرا رسد نه ساعتی از آن تأخیر خواهند کرد

و نه ساعتی پیشی خواهند گرفت.﴾

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۲۹.

باعث شادمانی اوست فاصله‌ای نیست مگر جانش - با دست اشاره به رگ گردن - به این جا برسد»

سپس تکیه داد و معلی با چشم به من اشاره کرد که بپرس! گفتم: یابن رسول الله! وقتی که جان وی به این جا برسد چه چیز رامی بیند؟ فرمود: «می بیند» بیش از ده بار گفتم: چه چیز رامی بیند؟ در آخر فرمود: «یا عقبه!» گفتم: لبیک و سعیدیک. فرمود: «خودداری نکردم مگر این که تو بدانی!» گفتم: آری یابن رسول الله! دین من به خونم آمیخته است؛ چون دینم برود چنین خواهد شد تا چه رسد به شما یابن رسول الله همه ساعت را گریه کردم دلش به حال من سوخت، فرمود: «به خدا که آن دو را می بینی» گفتم: پدر و مادرم به فدایت! آن‌ها کیستند؟

فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام ای عقبه هرگز مؤمنی نمی میرد تا آن دو را ببیند».

گفتم: چون مؤمن آن‌ها را ببیند، به دنیا بازمی گردد؟ فرمود: «نه، پیشاپیش درگذرد [چون آن دو را ببیند، پیشاپیش درگذرد]، عرض کردم: فدایت شوم! آیا آن دو چیزی به او می گویند؟

فرمود: «آری هر دو با هم بر آن مؤمن وارد می شوند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بالای سرش و علی علیه السلام زیر پاهایش می نشیند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خود را روی او می اندازد و می گوید: ای ولی خدا! بشارت باد تو را که من رسول خدایم، من برای تو بهتر از تمام آن چیزی هستم که در دنیا وا گذاشتی! سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برمی خیزد و علی علیه السلام بلند می شود تا خود را روی او می افکند و می گوید: ای ولی خدا مژده باد تو را من علی بن

ابی طالبیم که دوستم داشتی بدان که من تو را سودمندم! سپس فرمود: «بدان که این‌ها در کتاب خداست». گفتیم: فدایت شوم! در کجای کتاب خدا؟ فرمود: در سوره یونس: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾.^۱ و^۲

اقرار به ولایت و انکار آن

۳۰. امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«همانا خداوند خلق را آفرید پس هرکه را دوست داشت از آن‌چه دوست داشت آفرید و آن‌چه را که می‌خواست از دوستانش را از خاک بهشتی آفرید و هرکه را خوش نداشت از آن‌چه خوش نداشت آفرید و آن‌چه را که ناخوش داشت از خاک جهنم آفرید سپس آن‌ها را در سایه‌ها برانگیخت» گفتیم: سایه‌ها چیست؟

فرمود: «مگر سایه خود را در مقابل آفتاب نمی‌بینی که چیزی نیست. سپس در بین آن‌ها پیامبران را مبعوث کرد تا آن‌ها را بر اقرار به خدا فراخواند، بعضی اقرار کردند و بعضی انکار. سپس به ولایت ما فراخواندند پس خداوند آن‌ها را به اقرار بر ولایت ما - آن‌که را خدا دوست داشت - واداشت و آن‌که را دشمن داشت ولایت ما را انکار کرد و همان است قول خداوند: ﴿فَمَا كَانُوا

۱. یونس، ۶۳ و ۶۴: ﴿كسانی هستند که ایمان آورده‌اند و همواره تقوا را پیشه خود ساخته‌اند برای آنان در زندگی دنیا و آخرت بشارت است، سخنان پروردگار و وعده‌های او تغییرناپذیر است و این پیروزی بزرگی است.﴾
۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳۱.

لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ^۱. سپس امام باقر علیه السلام فرمود:
«تکذیب همین جا بود»^۲.

دعای موسی و هارون

۳۱. امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:
«بین این سخن خدا: ﴿قَدْ أَحْبَبْتَ دَعْوَتَكُمْ﴾^۳ و بین نابود
ساختن فرعون چهل سال فاصله شد»^۴.

ستیز نکند

۳۲. امام صادق علیه السلام فرمود:
«این امر (ولایت) خود را برای خدا قرار دهید، نه برای مردم زیرا
آن چه برای خدا باشد برای خداست و آن چه برای مردم باشد به
درگاه خدا بالا نمی‌رود. و با مردم درباره آیین خود ستیز نکنید که
ستیز دل را می‌میراند همانا خداوند به پیامبرش فرمود: (یا
محمد!) ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾^۵ و
فرمود: ﴿أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾^۶ مردم را به
حال خود بگذارید چرا که مردم از مردم می‌گیرند ولی شما از

۱. یونس، ۷۴: ﴿ولی آن‌ها که در گذشته به تکذیب پیامبران پیشین برخاسته بودند، ایمان نیاوردند﴾.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۳. یونس، ۸۹: ﴿دعای شما مستجاب شد﴾.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۵. قصص، ۵۶: ﴿تو نمی‌توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی ولی خداوند هر که را بخواهد هدایت می‌کند﴾.

۶. یونس، ۹۹: ﴿با این حال آیا تو می‌خواهی مردم را اکره کنی که ایمان آورند﴾.

تفسیر آیاتی از سوره یونس □ ۳۲۷

رسول خدا ﷺ و علی عَلِيٌّ و این دو نوع برابر نیستند. همانا من از پدرم عَلِيٌّ شنیدم که می فرمود: هرگاه خداوند مقرر فرماید که مؤمنی وارد این امر (ولایت) شود، او بدان سمت شتابان تر از پرنده به سمت آشیانه خود می رود.^۱

بشارت بهشت

۳۳. امام صادق عَلِيٌّ در تفسیر قول خداوند: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾^۲ فرمود:
«(منظور) آن است که آن دو - محمد و علی - به هنگام مردن او را به بهشت بشارت می دهند.»^۳

عبادت خالصانه

۳۴. ابوحنیفه مغربی می نویسد: برای ما از امام صادق عَلِيٌّ نقل کرده اند که در تفسیر قول خداوند متعال: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾^۴ فرمود:

«خداوند به پیامبرش دستور داد که رو به قبله با خلوص اقامه نماز کند. خالص و مخلص، چیزی از پرستش بتها در آن نباشد.»^۵

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. یونس، ۲.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۰.

۴. یونس، ۱۰۵: ﴿رُؤْيُ خُودِ رَا بَهْ اَبِيْنِ مَسْتَقِيْمِي بَدَارِ كِهْ اَزْ هَرْ نَظَرِ خَالِصِ وَ پَاكِ اَسْتِ﴾ اول آیه: اَنْ اَقِمَّ بَجَايِ فَاَقِمَّ اَسْت. م.

۵. مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۲.

تفسیر آیاتی از سوره هود

مغرور نشو

۳۵. علی بن یعقوب می‌گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود:

«مردم نباید تو را به خود مغرور کنند، زیرا که پاداش از جانب دیگری به تو می‌رسد و مبادا روزت را به چنین و چنان بگذرانی! زیرا که به همراه تو کسی مراقب تو است و خیر اندک را کوچک نشمار، زیرا که تو فردا (در قیامت) آن را می‌بینی و شر اندک را ناچیز نشمار زیرا که تو آن را به گونه‌ای می‌بینی که باعث ناراحتی تو می‌شود. نیکی کن که من چیزی را مطلوب‌تر و زود جبران کننده‌تر از نیکی برای گناه پیشین ندیده‌ام! همانا خدای تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ﴾^۱».

۱. هود، ۱۱۴: ﴿نیکی‌ها بدی‌ها گناهان را از بین می‌برد و این تذکر و یادآوری است

برای آن‌ها که توجه دارند.﴾

جاودانگی دوزخ

۳۶. حمران نقل می‌کند:

به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ گفتم: محققاً به ما رسیده است که جهنم نابود می‌شود، به طوری که درهایش هموار می‌گردد! فرمود: «نه به خدا سوگند که او همیشگی است» گفتم: «خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ»^۱ فرمود: «این در مورد کسانی است که از آتش دوزخ بیرون می‌آیند.»^۲

وزیر، خلیفه و وصی

۳۷. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«سبب نزول این آیه آن بود که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روزی بیرون آمد و به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: یا علی! من امشب از خدا خواستم که تو را وزیر من قرار دهد و قرار داد و از او خواستم که تو را وصی من قرار دهد و او چنان کرد و خواستم که تو را خلیفه من در بین امتم قرار دهد که قرار داد. پس مردی از اصحاب وی از منافقان گفت: به خدا که ده سیر خرما داخل انبان پوسیده از آن چه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از پروردگارش درخواست کرده است نزد من محبوب‌تر است، مگر او فرشته‌ای را درخواست می‌کرد که او را یاری کند یا مالی که در برابر نیازمندی‌هایش از آن کمک بگیرد! به خدا که او هرگز علی را به حق یا باطلی فرانخواند مگر اجابت کرد!

۲. اهوازی، حسین‌بن سعید، الزَّهْد، ص ۱۶.

۱. هود، ۱۰۷: ﴿أَنْهَا جَاوِدَانَةٌ فِي آتَشٍ خَوَانِدَةٌ مَانِدَةٌ تَا زَمَانِي كَهَ آسْمَانَهَا وَ زَمِينِ بَرِيَّاسَتِ، مَغْرَ أَنْ چَه رَا كَه بَرُورِدْگَارَتِ ارَادَه كَنْد.﴾

۲. اهوازی، حسین‌بن سعید، الزَّهْد، ص ۹۸.

از این رو خداوند این آیه را بر پیامبرش نازل کرد: ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ^۱ و این آیه را: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^۲﴾ یعنی حرف آن‌ها که گفتند: خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمان ولایت علی علیه السلام را نداده بود بلکه از پیش خود آن را می‌گفت! از این رو خدای عزوجل فرمود: ﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ﴾ - یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام از جانب خدا - ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفًا لِيَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ^۳﴾ فرمود: «هرکه کار نیک انجام دهد به خاطر این‌که خداوند پاداش آن را در دنیا دهد، خداوند در دنیا او را پاداش دهد و در آخرت جز آتش برای او نباشد.»^۴

۱. هود، ۱۲: ﴿گویا ابلاغ بعضی از آیاتی را که بر تو وحی می‌شود ترک می‌کنی و سینه تو از آن نظر تنگ و ناراحت می‌شود.﴾
 ۲. هود، ۱۳: ﴿آن‌ها می‌گویند: او پیامبر آن‌ها را به خدا افترا بسته است، به آن‌ها بگو: اگر راست می‌گویند شما هم ده سوره همانند این سوره‌های دروغین بیاورید و از هر کس می‌توانید جز خدا برای این کار دعوت کنید!﴾
 ۳. همان، ۱۴ - ۱۶: ﴿اما اگر آن‌ها دعوت شما مسلمانان را اجابت نکردند بدانید که تنها با علم الهی نازل شده است و هیچ معبودی جز خدا نیست. آیا با این حال در برابر فرمان الهی تسلیم می‌شوید؟ هرکه هدفش زندگی و زینت دنیا باشد در این جا نتیجه اعمالش را به طور کامل می‌دهیم بی‌کم‌وکاست، این افراد در آخرت جز آتش بهره‌ای ندارند.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۴.

نفرین نوح

۳۸. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۱ از ابن سنان به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«نوح علیه السلام در میان قوم خودش سیصد سال ماند، آن‌ها را به خدا دعوت می‌کرد آن‌ها اجابتش نکردند تصمیم گرفت بر ایشان نفرین کند، موقع طلوع آفتاب دوازده هزار قبیله از قبایل فرشتگان آسمان دنیا که از بزرگان فرشتگان بودند نزد او آمدند. نوح علیه السلام به ایشان گفت: شما که هستید؟ گفتند: ما دوازده هزار قبیله از قبایل فرشتگان آسمان دنیا هستیم. محققاً مسیر ضخامت آسمان دنیا پانصد سال و از آسمان دنیا تا دنیا مسیر پانصد سال راه است، ما به هنگام طلوع آفتاب بیرون شدیم و اینک به نزد تو رسیده‌ایم تا از تو درخواست کنیم که قوم خود را نفرین کنی، نوح گفت: من آن‌ها را سیصد سال مهلت دادم. چون ششصد سال بر آن‌ها گذشت ایمان نیاوردند تصمیم گرفت بر آن‌ها نفرین کند، دوازده هزار قبیله از قبایل فرشتگان آسمان دوم آمدند، فرمود: شما که هستید؟ گفتند: ما دوازده هزار قبیله از قبایل فرشتگان آسمان دوم هستیم و ضخامت آسمان دوم مسیر پانصد سال و از آسمان دوم تا آسمان دنیا مسیر پانصد سال و حجم آسمان دنیا مسیر پانصد سال و از آسمان دنیا تا دنیا مسیر پانصد سال است موقع طلوع آفتاب درآمده‌ایم، اکنون رسیده‌ایم

۱. هود، ۳۶: ﴿به نوح وحی شد که غیر از افرادی که از قوم تو ایمان آورده‌اند دیگر هیچ کس به تو ایمان نخواهد آورد بنابراین اندوهناک و محزون نباش!﴾

از تو درخواست داریم که بر آن‌ها نفرین نکنی! نوح علیه السلام گفت:
من سیصد سال مهلت دادم، چون نهصد سال بر آن‌ها گذشت
تصمیم گرفت بر آن‌ها نفرین کند.

خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ
آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۱

نوح علیه السلام عرضه داشت: ﴿رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ
دِيَارَ إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرَ كَفَّارًا﴾^۲
پس خداوند به او دستور داد درخت خرما بکار، مردم از کنار او
می‌گذشتند و او را مسخره و استهزا می‌کردند و می‌گفتند: پیرمرد
نهصد سال عمر کرده، درخت خرما می‌کارد و او را با سنگ
می‌زدند!

چون پنجاه سال گذشت و درختان خرما رشد کرد و استحکام
یافت، دستور داد آن را ببرد، باز از این بابت او را مسخره کردند و
گفتند: درختان خرما به حد رشد رسیده است، همان است قول
خداوند:

﴿وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا
نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾^۳ پس خداوند دستور

۱. هود، ۳۶.

۲. نوح: ۲۶ - ۲۷: ﴿نوح گفت: پروردگارا! هیچ‌یک از کافران را روی زمین باقی
نگذار! زیرا اگر آن‌ها را باقی گذاری بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و
کافر به وجود نمی‌آورند.﴾

۳. هود، ۳۸ - ۳۹: ﴿و هر زمان که گروهی از قومش از کنار او می‌گذشتند، او را
مسخره می‌کردند، او می‌گفت: اگر امروز مسخره می‌کنید ما نیز شما را در آینده
نزدیکی مسخره خواهیم کرد و به زودی خواهید دانست.﴾

تفسیر آیاتی از سوره هود □ ۳۳۳

داد تا کشتی را درست کند، به جبرئیل علیه السلام فرمان داد بر نوح نازل شود و به او بیاموزد که چگونه فراهم کند؛ هزار و دویست ذراع طول و هشتصد ذراع عرض و ارتفاع آن در فضا هشتاد ذراع تعیین شد.

نوح علیه السلام عرضه داشت: پروردگارا چه کسی در ساختن کشتی مرا کمک می‌کند؟ از جانب خدا به او وحی شد در بین قوم خود جار بکش چه کسی مرا یاری می‌کند و بخشی از آن را تراشید، تراشه‌های آن طلا و نقره شد.

نوح علیه السلام در بین مردم بدان وسیله ندا داد و او را یاری دادند درحالی‌که او را مسخره می‌کردند و می‌گفتند: در خشکی کشتی می‌سازد!»^۱

طوفان نوح

۳۹. ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

چون خداوند متعال نابودی قوم نوح را اراده کرد رحم زنان را چهل سال نازا ساخت و در بین مردم نوزادی به دنیا نیامد. همین که نوح علیه السلام از ساختن کشتی فارغ شد خداوند او را فرمان داد تا به زبان سریانی ندا دهد! هیچ چهارپا و جاننداری نماند مگر حاضر شد، نوح علیه السلام از هر جنسی از اجناس حیوان جفتی را وارد کشتی کرد و از همه مردم دنیا هشتاد نفر به او ایمان آورده بودند. خدای عزوجل فرمود:

﴿أَحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۵.

وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ^۱ و تراش کشتی در محل مسجد کوفه بود، چون روزی فرا رسید که خداوند می‌خواست آن‌ها را هلاک سازد همسر نوح درجایی که معروف به «فاراتنور» است داشت نان می‌پخت و نوح علیه السلام برای هر نوعی از اجناس جانداران داخل کشتی جایی را تعیین کرد و برای آن‌ها در کشتی آن‌چه از خوراک لازم داشت گرد آورد. همسر نوح علیه السلام چون تنور جوشید فریاد برآورد، نوح به سراغ تنور آمد و روی آن را گل نهاد و آن را مهر کرد تا این‌که همه جانداران را وارد کشتی کرد سپس به سراغ تنور آمد و مهر را شکاند و گل را برداشت و خورشید گرفت و آب نه به صورت ریزش قطره‌ای، سیل‌آسا از آسمان جاری شد و از زمین چشمه‌ها جوشیدن گرفت و آن است قول خداوند: ﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ وَحَمَلْنَا عَلَى ذَاتِ الْأَوْحِ وَدُسِّرِ^۲ خدای عزوجل فرمود: ﴿وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُؤْسَاهَا^۳ می‌فرماید: «مَجْرَاهَا» یعنی مسیر آن و «مُرسَاهَا» یعنی ایستگاه آن. پس کشتی دور زد، نوح علیه السلام نگاهی به سمت پسرش کرد که می‌افتاد و بلند می‌شد!

۱. هود، ۴۰: ﴿فرمان دادیم که از هر نوعی از انواع حیوانات یک جفت نر و ماده بر

کشتی سوار کن! اما جز افراد کمی به او ایمان نیاورده بودند.﴾

۲. قمر، ۱۱ - ۱۳: ﴿در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و بی‌درپی گشودیم

و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم و این دو آب به اندازه

مقدّر درهم آمیختند و او را بر مرکبی از الواح و میخ‌ها سوار کردیم.﴾

۳. هود، ۴۱: ﴿خداوند به آن‌ها دستور داد که به نام خدا بر کشتی سوار شوید به

هنگام حرکت و توقف کشتی نام خدا را بر زبان جاری سازید.﴾

فرمود: ﴿يَا بَنِيَّ اِزْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ﴾ پسرش، آن طوری که خداوند نقل کرده است: ﴿قَالَ: سَأْوِي اِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ﴾ نوح گفت: «قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ اِلَّا مَنْ رَحِمَ اللّٰهُ﴾^۱ سپس نوح گفت: ﴿رَبِّ اِنَّ اِبْنِي مِنْ اَهْلِي وَاِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَاَنْتَ اَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ﴾ خداوند فرمود: ﴿يَا نُوحُ اِنَّهُ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ اِنِّي اَعِظُكَ اَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِيْنَ﴾ نوح عليه السلام - آن طوری که خداوند حکایت کرده است - گفت: ﴿رَبِّ اِنِّي اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ بِهِ عِلْمٌ وَاِلَّا تَغْفِرْ لِيْ وَتَرْحَمْنِيْ اَكُنْ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ﴾ پس آن طوری که خداوند نقل کرده است، شد: ﴿وَحَالٍ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمَغْرِقِيْنَ﴾^۲ امام صادق عليه السلام فرمود: «کشتی دور زد و امواج آن را زد (رفت) تا به مکه رسید و دور خانه (کعبه) طواف کرد و همه دنیا زیر آب غرق شد جز محلّ خانه (کعبه) و از آن جهت «بیت العتیق» نام گرفت که از غرق شدن نجات یافت و

۱. هود، ۴۲ - ۴۳: ﴿نوح فریاد زد: پسرم! با ما سوار شو و با کافران مباش! او گفت: به زودی به کوهی پناه می‌برم که مرا در دامان خود پناه خواهد داد. نوح گفت: امروز هیچ قدرتی در برابر فرمان خدا پناه نخواهد داد مگر کسی مشمول رحمت خدا باشد.﴾

۲. همان، ۷۵ - ۴۷: ﴿پروردگارا فرزندم از خاندان من است و وعده تو در مورد نجات خاندانم حق است و تو از همه حکم‌کنندگان برتری. خداوند گفت: ای نوح! او از اهل تو نیست بلکه عملی است غیر صالح. حال که چنین است چیزی را که علم نداری نپرس، تو را موعظه می‌کنم تا از جاهلان نباشی. نوح گفت: پروردگارا به تو پناه می‌برم از این‌که چیزی را از تو بخواهم که آگاهی ندارم و اگر مرا نبخشی از زیانکاران خواهم بود. در این هنگام موج میان آن دو حایل شد و او در زمره غرق شدگان قرار گرفت.﴾

آب هم چنان بود، چهل روز از آسمان می ریخت و چشمه ها از زمین می جوشید تا کشتی بالا آمد و آسمان را شکافت.

امام علیه السلام فرمود: «نوح علیه السلام دست به طرف آسمان (به زبان سریانی) گفت: یا (رهمان اخفرس)! یعنی پروردگارا احسان کن! پس خداوند دستور داد که زمین آبش را فروخورد و آن است قول خدای تعالی: ﴿يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ﴾^۱

پس زمین آبش را فروکشید و آب آسمانی خواست وارد زمین شود، زمین از قبول آن خودداری کرد و گفت: خداوند به من فرمان داده است که آبم را فرو برم، از این رو آب آسمان بر روی زمین ماند و کشتی بر دامنه کوه جودی پهلو گرفت و آن کوه بزرگی در موصل است.

پس خداوند جبرئیل را فرستاد، آب را بر دریاهاى اطراف دنیا راند و خداوند بر نوح نازل کرد: ﴿يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنُنَتِّعُ عَنْهُمْ ثُمَّ يُمَسِّحُهُمِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۲. پس نوح در موصل با هشتاد تن از کشتی فرود آمد و شهر هشتاد را بنا کرد و نوح علیه السلام دختری داشت که با او کشتی

۱. هود، ۴۴: ﴿به زمین دستور داده شد ای زمین! آبت را در کام فرو ببر و به آسمان دستور داده

شد ای آسمان دست نگهدار و آب فرونشست و کار پایان گرفت و کشتی بر دامنه کوه جودی پهلو گرفت.﴾

۲. همان، ۴۸: ﴿به نوح خطاب شد که ای نوح به سلامت و بابرکت از ناحیه ما بر تو و بر آن ها که همراه تواند، فرود آی! امت هایی به وجود می آیند که از انواع نعمت ها به آن ها می بخشیم سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آن ها می رسد.﴾

تفسیر آیاتی از سوره هود □ ۳۳۷

سوار شد و مردم از او به دنیا آمدند و آن است قول پیامبر ﷺ که فرمود: نوح یکی از دو پدر است. سپس خدای عزوجل به پیامبرش گفت: ﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱ در خبر آمده است که اسم نوح عبدالغفار بود و بدان جهت نوح گفتند که بر حال خود گریه و ندبه می‌کرد.^۲

پسر نوح

۴۰. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَنَادَى نُوْحٌ ابْنَهُ﴾^۳

فرمود:

«او پسر وی نبود بلکه پسر او از همسرش بود که به زبان طی به پسر همسر، پسر گویند».^۴

شعیب و قومش

۴۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ مُسَوَّمَةً﴾^۵ فرمود: ﴿وَأَلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ

۱. همان، ۴۹: ﴿این‌ها همه از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم، هیچ‌گاه نه تو و نه قوم تو قبل از این از آن آگاهی نداشتید تو هم صبر کن سرانجام پیروزی برای پرهیزگاران است.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۶ - ۳۲۸.

۳. هود، ۴۲: ﴿نوح پسرش را صدا زد.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۹.

۵. هود، ۸۲: ﴿و بارانی از سنگ از گل‌های متحجر متراکم بر روی هم بر سر آن‌ها فروریختیم.﴾

وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ
وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ^۱

خداوند شعیب علیه السلام را به مدین فرستاد و آن آبادی بر سر راه شام است و آن‌ها به وی ایمان نیاوردند و خداوند قول آن‌ها را حکایت کرده است: ﴿قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَأَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾.^۲ گفتند: تو سفیه نادانی ولی خداوند متعال از قول آن‌ها کنایه آورده است: ﴿إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾ و خداوند آن‌ها را به خاطر کم دادن پیمان‌ها و وزن نابود ساخت.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾^۳ آن‌گاه آن‌ها را یادآور شده و به

۱. همان، ۸۴ و ۸۵: ﴿و به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدای یگانه را بیرستید که جز او معبودی برای شما نیست، به هنگام خرید و فروش پیمان‌ها و وزن را کم نکنید! من خیرخواه شمایم و من از آن می‌ترسم که عذاب روز فراگیر همه شما را فراگیرد. و ای قوم من پیمان‌ها و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیا مردم عیب نگذارید و از حق آن‌ها نگاهید و در روی زمین به فساد نکوشید.﴾

۲. هود، ۸۷: ﴿گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که ما آن‌چه را پدرانمان می‌پرستیدند ترک کنیم و یا نتوانیم به دلخواهمان در اموالمان تصرف کنیم تو که ادم بردبار فهمیده‌ای؟!﴾

۳. همان، ۸۸: ﴿گفت: ای قوم من هرگاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم و رزق خوبی به من داده باشد، من هرگز نمی‌خواهم چیزی را که شما را از آن بازمی‌دارم، خود مرتکب شوم، من چیزی نمی‌خواهم جز اصلاح شما تا آن‌جا که قدرت دارم تنها از خدا توفیق می‌طلبم و بر او تکیه دارم و به او بازمی‌گردم.﴾

وسیله آن چه به امت‌های گذشته نازل کرده است، بیم داده و فرموده است: ﴿وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِ مِنْكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمٌ لَوْ طِ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرٌ مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا - بينائیش ضعیف بود - وَلَوْلَا زَهْرُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ لِي وَعَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَادِبٌ وَأَرْتَابٌ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرٌ مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا - ۱﴾

یعنی منتظر باشید! پس خداوند صبحه‌ی آسمانی را بر ایشان فرستاد همگی مردند و آن است قول خداوند: ﴿وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدَ لِمَدِينٍ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ ۲﴾

سپس خداوند داستان موسی عليه السلام را نقل کرد و گفت: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلِيئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُهُ

۱. هود، ۸۹ - ۹۳: ﴿ای قوم من! مبدا دشمنی با من شما را به گناه وادارد مبدا

همان مجازات‌ها که به

قوم نوح یا قوم هود، یا قوم صالح رسید به شما هم برسد و قوم لوط از شما چندان دور نیستند. از خداوند آمرزش بطلبید سپس سوی او بازگردید که پروردگار من رحیم و مهربان است...﴾

۲. همان، ۹۴ - ۹۵: ﴿چون فرمان ما رسید نخست شعیب و کسانی را که با او ایمان

آورده بودند به

رحمت خود از آن سرزمین نجات دادیم، سپس صیحه عظیم ستمگران را فرا گرفت، قوم شعیب در اثر آن در خانه‌هایشان به رو افتادند و مردند گویا هرگز آن جا نبودند، دور باد سرزمین مدین چنان‌که قوم ثمود دور شدند!﴾

فَرَعُونَ بِرَشِيدٍ يَفْتَدِمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبَسَّ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ
 وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً - یعنی هلاکت و غرق شدن - وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِبَسِّ الرَّفْدِ
 الْمَرْفُودِ - یعنی خداوند آن‌ها را وسیله عذاب از رحمت خود دور
 می‌کند. سپس به پیامبرش فرمود: - ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى - یعنی اخبار
 آن‌هاست - نَقَضَهُ عَلَيْكَ - یا محمد - مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ
 ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا
 جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتَّيِبٍ - یعنی - خسارت بردن - وَكَذَلِكَ أَخَذُ
 رَبُّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخَذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ
 عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ - یعنی پیامبران و
 رسولان گواهی می‌دهند - وَمَا نُوخِرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ
 إِلَّا بِأَذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ فَأَمَّا الَّذِينَ شَفَعُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ
 خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا
 يُرِيدُ وَأَمَّا الَّذِينَ عُدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ﴿۱﴾

این در آتش دنیا پیش از قیامت است تا وقتی که آسمان‌ها و زمین
 برپاست. و قول خداوند: ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا - در
 بهشت‌های دنیوی که ارواح مؤمنان به آن جا منتقل می‌شوند - مَا دَامَتِ
 السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْدُودٍ﴾^۱ یعنی بی پایان از

۱. هود، ۹۶ - ۱۰۸: ﴿ما موسى را با معجزات و منطقی قوی به سوی فرعون و
 جمعیت او فرستادیم، آن‌ها از فرمان فرعون پیروی کردند. اما فرعون هرگز مایه
 رشد و نجات نبود، فرعون پیشاپیش پیروان خویش روز قیامت وارد می‌شود و
 آن‌ها را نیز وارد آتش می‌کند، چه بدجای و رودی است که وارد می‌شوند، آن‌ها در
 ﴿﴾

نعمت‌های آخرت در بهشت که همواره و پیوسته است. و این ردبر کسی است که منکر عذاب قبر و پاداش و کیفر در دنیا در عالم برزخ پیش از قیامت است.

قول خداوند: ﴿وَإِنْ كُنَّا لَمَّا لَيُوقِفِيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ﴾^۱ فرمود: «در قیامت» سپس به پیامبرش فرمود: ﴿فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا - یعنی در دنیا سرکشی نکن -﴾^۲ ﴿وَلَا تَزْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا - فرمود: «رکون محبت و نصیحت و طاعت - وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ»^۳ و قول خداوند: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ - صبح و

۱ این دنیا به لعنت خدا وارد و در قیامت نیز دور از رحمتند. آن از اخبار آبادی‌هاست که ما بازگو می‌کنیم، قسمتی از آن هنوز برپا و قسمتی درو شده و ویرانه است. اما ما به آن‌ها ستم نکردیم بلکه خود به خویشتن ستم کردند و چون مجازات الهی رسید خدایانی که جز الله می‌خواندند آن‌ها را یاری نکردند و جز به هلاکت آن‌ها نیفزودند، این چنین است مجازات پروردگارت نسبت به آبادی‌های ستمکار، البته مجازات خدا دردناک و شدید است. در این (سرگذشت) نشانه‌ای است برای کسانی که از عذاب آخرت بیمناکند. آن روز که همه مردم جمعند و روز مشهود همگان است و ما آن (عذاب) را جز تا زمان محدود تأخیر نمی‌اندازیم؛ روزی بیاید که کسی جز به اراده خدا سخن نگوید؛ بعضی خوشبخت و برخی بدبختند، آن‌ها که بدبختند در آتش ناله و فریاد دارند و جاودانه‌اند تا آسمان‌ها و زمین برپاست اما آن‌ها که خوشبختند در بهشت جاودانه‌اند تا آسمان‌ها و زمین برپاست مگر آن‌چه پروردگارت اراده کند، این بخششی است که هرگز از آن‌ها قطع نشود. ﴿

۱. هود، ۱۱۱: ﴿به راستی که پروردگارت پاداش عمل این دو گروه را بی‌کم‌وکاست می‌دهد.﴾

۲. همان، ۱۱۲: ﴿همان‌گونه که دستور داده شدی استقامت کن و کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند و طغیان نکنید.﴾

۳. همان، ۱۱۳: ﴿به ستمگران تکیه نکنید که آتش دامن شما را می‌گیرد و یآوری غیر از خدا نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید.﴾

مغرب - وَزُفَاً مِنَ اللَّيْلِ - عشای آخر - إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ^۱ چون نماز مؤمنان در شب، تمام بدی‌هایی را که در روز مرتکب شده‌اند از بین می‌برد.

سپس فرمود: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ یعنی بر یک مذهب - وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ^{۳۰۲}

محبت علی علیه السلام

۴۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كُتُبٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ﴾^۴ فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چون در محلّ غدیر فرود آمد، به علی علیه السلام فرمود: من از پروردگارم خواستم تا بین من و تو دوستی برقرار کند، کرد و درخواست کردم بین من و تو برادری ایجاد کند، کرد و از پروردگارم خواستم تو را وصی من قرار دهد، قرار داد.

دو مرد از قریش گفتند: به خدا که ده سیر خرما در انبان پوسیده برای ما بهتر بود تا آن چه محمد از پروردگارش درخواست کرد، چرا او فرشته‌ای تقاضا نکرد تا در برابر دشمنش پشتیبان او باشد یا گنجی که در برابر تنگدستی خود کمک بگیرد! به خدا که چیزی او را وادار به بیهوده

۱. همان، ۱۱۴: ﴿نماز را دو طرف روز و اوایل شب بپا دار، که خوبی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برند﴾

۲. همان، ۱۱۸ و ۱۱۹: ﴿همواره انسان‌ها با هم اختلاف دارند مگر کسی را که پروردگارت رحم کند و خداوند برای همین پذیرش رحمت آن‌ها را آفریده است﴾
۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۶.

۴. هود، ۱۲: ﴿گویا ابلاغ بعضی از آیاتی را که بر تووحی می‌شود ترک می‌کنی و سینه تو از آن نظر تنگ و ناراحت می‌شود بگویند: چرا گنجی بر او نازل نشد و چرا فرشته‌ای با او نیامد!﴾

کاری نمی‌کند، مگر حرف شنوایی وی (علی) از او.

از این رو خداوند نازل کرد: ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ و رسول خدا ﷺ در آخر نمازش برای امیرالمؤمنین علیه السلام دعا کرد، در حالی که صدایش را بلند کرد، مردم می‌شنیدند، می‌گفت: پروردگارا! برای علی محبت در دل‌های مومنان و هیبت و عظمت در سینه منافقان مرحمت کن! از این رو خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا فَاَتَمَّا يَئِسُّونَ إِيَّاهُ فَلْيَسِّرْ لَهُمُ الْيُسْرَىٰ وَأَنْتَ عَلِيمٌ﴾^۱ یعنی بنی‌امیه که «رمع» گفت: به خدا که ده سیر خرما داخل انبان پوسیده بر من محبوب‌تر از آن بود که محمد از پروردگارش خواست، چرا فرشته‌ای درخواست نکرد تا پشتیبان او باشد یا گنجی که بدان وسیله در برابر تنگدستی خود کمک بگیرد! از این رو خداوند ده آیه از سوره هود را نازل کرد؛ اولش: ﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ﴾ یعنی ولایت علی علیه السلام ﴿قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ فَالَّذِينَ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ﴾ در ولایت علی علیه السلام ﴿فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ برای علی علیه السلام و لایتش را، ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيِّنَتَهَا - یعنی فلانی و فلانی را - نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا﴾، ﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ

۱. مریم، ۹۶ و ۹۷: ﴿مَسَلَّمًا كَسَانِي كِه اِيْمَانٍ اَوْرِدَهْ اَنْد و كارهائ شايسته انجام دادند خدای رحمان برای آن‌ها محبتی در دل‌ها قرار می‌دهد، ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله آن بشارت دهی و دشمنان لجوج را بترسانی.﴾

بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّهِ - رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ - امیرالمؤمنین علیه السلام -
 وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً ﴿ فرمود: «ولایت علی علیه السلام در کتاب
 موسی بود. ﴿أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا
 تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ﴾ در ولایت علی علیه السلام. ﴿إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
 لَا يُؤْمِنُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ
 وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ ﴿ أَنَا نِ إِمَامَانِد. ﴿هُؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ
 عَلَى الظَّالِمِينَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
 كَافِرُونَ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
 أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ إِنَّ
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ
 فِيهَا خَالِدُونَ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ
 مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿ ۲۱

مسجد کوفه

۴۳. مفضل بن عمر می گوید: در کوفه، روزهایی که امام صادق علیه السلام
 نزد ابوالعباس می آمد همراه او بودم همین که به دروازه شهر رسیدیم،
 نگاهی به سمت پیش کرد، فرمود: «ای مفضل! همین جا عموم زید را
 به دار می زنند» سپس رفت تا به کوی روغن فروشان رسید که آخر بازار
 سراجان بود، فرود آمد و به من هم فرمود: «پیاده شو که این جا مسجد
 کوفه نخستین جایی است که آدم علیه السلام آن را ترسیم کرد. و من دوست

۱. هود، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۳ و ۲۴. بسیاری از این آیات بلکه
 تمام آن‌ها را ضمن روایات ترجمه کرده و می‌کنیم. م.
 ۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۳.

ندارم سواره وارد آن جا شوم!» عرض کردم: چه کسی پرداخته آدم علیه السلام را تغییر داد؟

فرمود: اما اولین بار تغییر آن توسط طوفان، زمان نوح علیه السلام بود سپس اصحاب کسری (پادشاه ایران) و نعمان بن منذر و پس از آن زیاد بن ابی سفیان آن را تغییر داد.

گفتم: فدایت شوم! آیا کوفه و مسجد آن در زمان نوح علیه السلام بود؟ فرمود: «آری یا مفضل! منزل نوح و قومش در آبادی کنار فرات بود از سمت غربی کوفه. نوح علیه السلام مرد نجاری بود که خداوند او را به رسالت فرستاد و برگزید و نوح علیه السلام نخستین کسی است که کشتی ساخت و آن روی آب حرکت می کرد و نوح علیه السلام میان قوم خود نهصد و پنجاه سال درنگ کرد؛ آن ها را به هدایت فرا می خواند و آن ها از کنارش عبور می کردند و او را مسخره می کردند، چون از آن ها چنین رفتاری را دید نفرین کرد و گفت: «رَبِّ لَا تَذَرُ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرَ كَفَّارًا^۱ خداوند به او وحی کرد: ای نوح «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ» آن را با وسعت بساز و در ساختنش تعجیل کن! «بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا»^۲ پس نوح علیه السلام در مسجد کوفه به دست خود چوب می آورد و کشتی را ساخت تا این که فارغ شد.

مفضل گفت: سخن امام علیه السلام این جا قطع شد به موقع ظهر، بلند شد نماز ظهر، سپس عصر را خواند بعد از مسجد برگشت و به سمت چپش نگاه کرد و با دست خود به جای سرای دارین اشاره کرد که موضع

۱. نوح، ۲۶ و ۲۷: «نوح گفت: پروردگارا! هیچ یک از کافران را روی زمین باقی

نگذار بندگان را گمراه می کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی آورند.»

۲. هود، ۳۷: «در حضور ما و طبق فرمان ما کشتی بساز!»

سرای ابن حکیم بود و امروزه آن جافرات است، به من فرمود: «مفضل! این جابت‌های قوم نوح: یعوق و نسر را گذاشته بودند.»
 آن‌گاه رفت تا به مرکبش سوار شد، عرض کردم: فدایت شوم! در چه مدت نوح علیه السلام کشتی را ساخت تا از آن فارغ شد؟ فرمود: «در دو دوران». گفتم: دوران چقدر است؟ فرمود: «هشتاد سال».^۱

تنور کجاست؟

۴۴. امام صادق علیه السلام قول خداوند: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ»^۲ را ملاحظه فرموده‌اید؟ این تنور چیست؟ و کجا و چگونه بوده است؟
 فرمود: «تنور همان طور بود که توصیف کردم» گفتم: شروع بیرون آمدن آب از آن تنور چگونه بود؟

فرمود: «آری، خداوند دوست داشت که قوم نوح معجزه‌ای ببینند! وانگهی پس از آن بارانی بر آن‌ها فرستاد که به شدت جاری و آب فرات نیز و همه چشمه‌ها به شدت افزون شد پس خداوند آنان را غرق کرد و نوح و همراهانش را در کشتی نجات داد».

گفتم: چه مدتی نوح و همراهانش در کشتی بودند تا آب فروکش کرد و از آن بیرون شدند؟ فرمود: «هفت روز و شب داخل کشتی بودند، کشتی اطراف خانه (کعبه) طواف کرد، سپس بر کوه جودی پهلو گرفت و آن جافرات کوفه است» گفتم: مسجد کوفه قدیمی است؟ فرمود: «آری، آن نمازگاه پیامبران بود، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موقعی که جبرئیل او را بر بُراق^۳ سوار کرد و برد چون به دارالسلام رسید یعنی کنار کوفه و عازم

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۵.

۲. هود، ۴۰: ﴿ تَا فَرْمَان مَا صَادَر شَد و آب از درون تنور جوشیدن گرفت. ﴾

۳. بُراق نام اسبی که پیامبر در شب معراج بر آن سوار بودند.(خ)

بیت المقدس شد در آن جانماز خواند. جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: یا محمد! این مسجد پدرت آدم و نمازگاه پیامبران است، فرود آی و نماز بخوان! رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرود آمد و نماز خواند، سپس راهی بیت المقدس شد و آن جانماز گزار دانگاه جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ او را به آسمان عروج داد.^۱

کشتی نوح

۴۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«کشتی را در صد سال ساخت، سپس دستور داد از هر جفتی دو تا هشت جفت از حلال گوشتی که آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ با خود از بهشت آورده بود بردارد تا معیشت فرزندان نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ در زمین باشد، همان طوری که فرزندان آدم معیشت داشتند چون زمین با آن چه در آن بود غرق می شد جز آن چه همراه وی در کشتی بود. فرمود: «نوح در کشتی از هشت جفتی که خداوند فرموده است: ﴿وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ﴾^۲، ﴿ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ﴾^۳ حمل کرد. بنابراین یک جفت از گوسفندی که مردم آن ها را بزرگ می کنند و به نگهداریش می رسند و از گوسفند که در کوهستان های سخت زندگی می کند و شکارش حلال است و از بز یک جفت، جفتی که مردم اداره می کنند و جفتی از نوع آهو [آن را زوج دوم نامیده اند] و از گاو یک جفت، جفتی را که مردم نگهداری می کنند و جفتی هم گاو

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲. زمر، ۶: ﴿و برای شما هشت زوج از چهارپایان آفرید.﴾

۳. انعام، ۱۴۳ و ۱۴۴: ﴿از گوسفند و میش یک جفت، از بز یک جفت... و از شتر یک جفت و از گاو یک جفت.﴾

وحشی است و از شتر یک جفت از نوع نجاتی و عراب (نوع مرغوب) و هر پرنده وحشی یا اهلی (حمل کرد)، سپس زمین غرق شد.»^۱

چهار فرشته

۴۶. امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«خداوند چهار فرشته را برای هلاک کردن قوم لوط فرستاد: جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، کروبیل، به ابراهیم علیه السلام گذر کردند درحالی که آن‌ها شال بر سر داشتند، سلام دادند ابراهیم علیه السلام آن‌ها را شناخت، ولی هیأت زیبایی مشاهده کرد. فرمود: جز خود من کسی نباید از آن‌ها پذیرایی کند! مهمانانی داشت، گوساله فربه‌ی را برای ایشان بریان کرد و پخت سپس نزدیک آن‌ها برد، همین که جلوی آن‌ها گذاشت ﴿رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً﴾^۲.

چون جبرئیل علیه السلام آن حالت را دید شال را از چهره‌اش برداشت، ابراهیم علیه السلام او را شناخت و فرمود: تو همانی؟ گفت: آری، همسر وی ساره از آن‌جا گذر کرد: ﴿فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ﴾^۳ ساره گفت: خداوند چه فرموده است؟ آن‌ها بدان‌چه در کتاب آمده پاسخ دادند.

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲. هود، ۷۰: ﴿دید دست آن‌ها به آن نمی‌رسد، آن‌ها را غیرعادی شمرد و در دل احساس ترس کرد.﴾

۳. همان، ۷۱: ﴿به دنبال آن به او بشارت دادیم که اسحاق از او متولد خواهد شد و پس از اسحاق، یعقوب.﴾

ابراهیم علیه السلام پرسید: برای چه آمده‌اید؟ گفتند: جهت نابودی قوم لوط. ابراهیم علیه السلام فرمود: اگر در بین آن‌ها صد نفر از مؤمنان باشد باز هم هلاک می‌کنید؟ جبرئیل علیه السلام گفت: نه. فرمود: اگر پنجاه نفر باشند؟ گفت: نه. فرمود: اگر سی نفر باشند؟ گفت: نه. فرمود: اگر بیست نفر باشند؟ گفت: نه. فرمود: اگر ده نفر باشند؟ گفت: نه. فرمود: اگر پنج نفر باشند؟ گفت: نه. ابراهیم گفت: اگر یک نفر مؤمن باشد؟ جبرئیل گفت: نه. (قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهٗ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ) ^۱ سپس رفتند.

راوی می‌گوید: و حسن بن علی گوید: من این سخن را چیزی جز این نمی‌دانم که ابراهیم علیه السلام بقای ایشان را خواسته است و همان است قول خداوند: ﴿يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ﴾. ^۲

گوساله بریان

۴۷. امام صادق علیه السلام پرسیدم: [این که می‌فرماید] ﴿جَاءَ بِعَجَلٍ حَيْنٍ﴾ ^۴ (یعنی چه؟) فرمود:
«بریان و پخته شده.» ^۵

-
۱. عنکبوت، ۳۲: ﴿گفت: در این آبادی لوط است، گفتند: نگران نباش ما به کسانی که در آن هستند، آگاه‌تریم او و خانواده‌اش را نجات می‌دهیم جز همسرش که در میان قوم باقی خواهد ماند.﴾
 ۲. هود، ۷۴: ﴿با ما درباره قوم لوط به گفتگو برخاست.﴾
 ۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۶.
 ۴. هود، ۶۹: ﴿گوساله بریانی برای ایشان آورد.﴾
 ۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۸.

بشارت تولد اسحاق

۴۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند به ابراهیم وحی کرد که به زودی صاحب فرزندی می‌شوی! ابراهیم علیه السلام به ساره گفت. ساره گفت: ﴿ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ﴾^۱ پس خداوند به ابراهیم وحی کرد: همو فرزندی برای تو به دنیا می‌آورد و اولاد وی چهارصد سال عذاب می‌شوند به خاطر این‌که او سخن مرا رد کرد.

امام علیه السلام فرمود: «چون عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، به درگاه خدا چهل روز ناله و گریه کردند، پس خداوند به موسی و هارون وحی کرد که ایشان را از شرّ فرعون نجات می‌دهد، پس صدو هفتاد سال از ایشان عذاب را برداشت.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه شما هم همین طور عمل کنید خداوند عذاب را از ما برمی‌دارد اما اگر چنان نباشید این کار به آخر می‌انجامد!»^۲

دعای بسیار

۴۹. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ

مُنِيبٌ﴾^۳ آورده است، فرمود:

«ابراهیم علیه السلام بسیار دعا می‌کرد.»^۴

۱. هود، ۷۲: ﴿أَيَا مَنْ فَرَزْنَدٌ مِىْ أَوْرَمِ دِرْحَالِىْ كِه پِيرَزْنَمِ.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۵۹.

۳. هود، ۷۵: ﴿إِبْرَاهِيمَ بَرْدَبَارٍ وَ بَسِيَارٍ مَهْرَبَانَ وَ بَارِغَشْتَ كُنْدَه بَه سَوِىْ خَدَا بُود.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۰.

هلاکت قوم لوط

۵۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند چهار فرشته جهت هلاکت قوم لوط؛ جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و کروبیل را فرستاد و او در حال کشاورزی نزدیک آبادی بود.

به وی سلام دادند درحالی که شال بسته بودند. همین که لوط آن‌ها را دید با هیأتی نیکو، جامه‌ها و شال‌های سفید پیشنهاد رفتن منزل را کرد، گفتند: آری، جلوی آن‌ها افتاد و آن‌ها پشت سر وی حرکت کردند، از پیشنهاد منزل پشیمان شد، گفت: اگر قوم من به سراغ آن‌ها بیایند چه کنم من که آن‌ها را می‌شناسم! نگاهی به سمت آن‌ها کرد و گفت: شما به سمت بدترین مخلوقات خدا می‌روید! جبرئیل گفت: برایشان نشتابید تا سه مرتبه (لوط) شهادت دهد! پس از سخن لوط، گفت: این یک بار. سپس لحظه‌ای رفت باز به سمت ایشان برگشت و گفت: شما به نزد بدترین‌های خلق خدا می‌روید! جبرئیل گفت: این دوبار باز رفت همین که به دروازه‌ی شهر رسید نگاهی به آن‌ها کرد و گفت: محققاً شما به سمت بدترین افراد از خلق خدا می‌روید! جبرئیل گفت: این سه بار.

سپس لوط وارد شد و آن‌ها نیز با وی وارد شدند همین که وارد خانه‌اش شد همسر لوط آن‌ها را با هیأت نیکو دید، پشت بام رفت فریاد زد، نشنیدند پس دودی بلند کرد، همین که دود را دیدند به سرعت و ولع رو آوردند تا جلوی در رسیدند، زن لوط به نزد ایشان رفت و گفت: نزد وی (لوط) گروهی هستند که هرگز خوش‌هیأت‌تر از آن‌ها را ندیده‌ام، آن‌ها جلوی در آمدند تا وارد

شوند همین که لوط آن‌ها را دید: ﴿قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ
أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ
رَشِيدٌ﴾^۱ آن‌ها را به حلال دعوت کرد، آن‌ها گفتند: ﴿مَا لَنَا فِي
بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ﴾^۲

لوط به ایشان گفت: ﴿لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾^۳
امام علیه السلام فرمود: «جبرئیل علیه السلام گفت: اگر او می‌دانست چه نیرویی
دارد! پس با ایشان ستیزه کرد تا آن‌ها وارد خانه شدند،
جبرئیل علیه السلام فریاد زد: یا لوط آن‌ها را واگذار، وارد شوند، چون
وارد شدند، جبرئیل با انگشتانش سوی آن‌ها اشاره کرد
چشمانشان (بینایشان) از بین رفت و آن است قول خداوند:
﴿قَطَمْنَا أَعْيُنَهُمْ﴾^۴ سپس جبرئیل علیه السلام لوط را ندا داد: ﴿إِنَّا
رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِبْ أَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ﴾^۵ جبرئیل
به وی گفت: ما جهت نابود کردن ایشان فرستاده شده‌ایم! لوط
گفت: یا جبرئیل! بشتاب! ﴿إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ

۱. هود، ۷۸: ﴿گفت: ای قوم! اینها دختران من به عقد شما درمی‌آورم برای شما
پاکیزه‌ترند، از خدا بترسید آبروی مرا نبرید و با قصد سو درباره مهمانانم مرا رسوا
نسازی!﴾

۲. همان، ۷۹: ﴿آن‌ها گفتند: تو خود به خوبی می‌دانی که ما را در دختران تو حقی
نیست و تو به خوبی می‌دانی ما چه می‌خواهیم!﴾

۳. همان، ۸۰: ﴿گفت: کاش در برابر شما قدرتی در خود داشتم یا پشتیبان محکمی
در اختیارم بود!﴾

۴. قمر، ۳۷: ﴿چشمانشان را نابود کردیم﴾.

۵. هود، ۸۱: ﴿ما فرستادگان پروردگار توایم نگران نباش آن‌ها هرگز دسترسی به تو
پیدا نمی‌کنند، تو همین امشب در تاریکی خاندانت را با خود بردار و از این‌جا دور
شو!﴾

تفسیر آیاتی از سوره هود □ ۳۵۳

بِقَرِيبٍ^۱ پس به وی دستور داد خود و همراهانش را حرکت دهد جز همسرش را سپس جبرئیل شهر را با بال خود از هفت طبقه زمین کند، آن‌گاه تا آن‌جا که اهل آسمان دنیا صدای سگ‌ها و آواز خروس‌ها را شنیدند، سپس واژگون کرد و باران سنگ از گِل پخته روی شهر و بر سر کسانی که اطراف شهر بودند بارید.»^۲

اوقات نماز

۵۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ» دو طرف روز یعنی مغرب و صبح
«وَرُفْعًا مِنَ اللَّيْلِ»^۳ یعنی نماز عشاء آخر».^۴

فرشته موکل

۵۲. ابراهیم کرخی می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام بودم، غلام وی وارد شد امام علیه السلام پرسید: «فلانی چه وقت آمدی؟» او جوابی نداد. فرمود: «تو از این‌جا و از آن‌جا آمدی بین به چه وسیله روز خودت را می‌گذرانی، به راستی که همراه تو فرشته‌ای موکل است هر کاری که می‌کنی او ثبت می‌کند. بنابراین هیچ گناهی را هر چند کوچک باشد کوچک نشمار، زیرا که همان، یک روز تو را ناراحت می‌کند و هیچ نیکی

۱. همان، ﴿لَحْظَهُ نَزُولِ عَذَابٍ وَ مِيعَادِ أَنْهَا صَبْحٌ اسْتَمِرٌّ مِغْرٌ صَبْحٌ نَزْدِيكَ نَيْسْتِ.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۱.

۳. هود، ۱۱۴: ﴿نَمَازٌ رَا دَر دُو طَرَفِ رُوْزٍ وَ اَوَايِلِ شَبِّ بَرِيَا دَارًا﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۸.

را ناچیز ندان، زیرا که هیچ مطلوب‌تر و زود دریافت‌تر از نیکی نیست، به یقین همان گناه بزرگ قدیم را می‌یابد و از بین می‌برد، خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾^۱ فرمود: «نماز شب گناهان روز را از بین می‌برد» و فرمود: «آن‌چه مفسد دارید از بین می‌برد».^۲

اثرات نماز شب

۵۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيْ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾^۳ آورده است، فرمود: «نماز شب در شب آن‌چه از گناه به جا آمده است از بین می‌برد».^۴

گناه را کوچک‌شمار

۵۴. ابراهیم کرخی می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام بودم مردی از اهل مدینه وارد شد، امام علیه السلام پرسید: «فلانی از کجا آمده‌ای؟» (او جواب داد) فرمود: «از این‌جا و آن‌جا آمدی نه در پی معاش و نه کار اخروی، ببین روز و شب خود را به چه چیز سپری می‌کنی! بدان که فرشته بزرگواری بر تو گمارده است که عمل تو را ثبت می‌کند و بر نهان تو که از مردم پنهان می‌داری آگاه است، بنابراین شرم کن و گناه را کوچک ندان که روزی تو را ناراحت

۱. هود، ۱۱۴: ﴿به راستی نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۹.

۳. هود، ۱۱۴.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۰.

خواهد کرد و نیکی را کوچک نشمار، هرچند در نظر تو ناچیز و اندک باشد که به زودی تو را شادمان خواهد کرد. بدان که هیچ چیز برای خطا مطلوب‌تر و زود جبران‌کننده‌تر از نیکی نیست. بدان که نیکی، گناه بزرگ قدیمی فراموش شده از نظر صاحبش را درمی‌یابد و او را سود می‌رساند و (گناه را) ساقط می‌کند و پس از بدی آن را از بین می‌برد، همان است قول خداوند: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلَّذِينَ كَرِهُوا﴾.^۲

اتمام حجت

۵۵. عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ﴾^۳ پرسیدند، فرمود: «همه مردم یک امت بودند، خداوند پیامبران را مبعوث کرد تا بر ایشان حجت را تمام کند.»^۴

علم الهی

۵۶. داوود رقی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾^۵ را پرسیدم، فرمود:

۱. هود، ۱۱۴: ﴿حَسَنَاتٍ، سَيِّئَاتٍ رَأَى مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَأَنْذَرَ لَهُمْ يَوْمَئِذٍ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ که توجّه دارند. ﴿
۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۳.
۳. هود، ۱۱۸ و ۱۱۹: ﴿اگر خدا می‌خواست همه مردم را یک امت قرار می‌داد ولی چنین کاری را نکرد همواره انسان‌ها با هم اختلاف دارند، مگر کسی را که پروردگارت رحم کند. ﴿
۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۵.
۵. هود، ۷: ﴿عرش او خدا بر آب قرار داشت. ﴿

«آن‌ها چه می‌گویند؟» گفتم: می‌گویند: عرش روی آب و پروردگار بالای آن است. فرمود: «دروغ می‌گویند، هرکه این عقیده را داشته باشد خدا را محمول قرار داده و به صفت مخصوص مخلوقات توصیف کرده است و پیامدش آن است، چیزی که خدا را حمل کرده، نیرومندتر از او باشد!»

گفتم: فدایت شوم، شما برایم بیان کنید! فرمود: «خداوند دین و دانش خود را پیش از وجود زمین، آسمان، جنّ و انس خورشید و ماه روی آب قرار داد. چون خواست مردم را خلق کند آن‌ها را برابر خود پراکند و فرمود: پروردگار شما کیست؟ نخستین کسی که سخن گفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام بودند، گفتند: تو پروردگار مایی. از این رو دین و دانش را به ایشان سپرد، سپس به فرشتگان فرمود: اینان حاملان دین و دانش من هستند و امینان من بر خلق و هم مسئولند. سپس به فرزندان آدم فرمود: برای خدا به پروردگاری و برای این چند نفر به ولایت و طاعت اعتراف کنید! گفتند: آری پروردگارا اعتراف نمودیم.

به فرشتگان فرمود: گواه باشید! فرشتگان گفتند: گواهی می‌دهیم که فردا نگویند ما بی‌خبر بودیم یا بگویند: پدران ما پیش از این مشرک شدند و ما نسل بعد آن‌ها بودیم، نتوانستیم تخلف کنیم. آیا ما را برای عمل بی‌هوده خواهان هلاک می‌کنی؟! ای داوود (راوی)! ولایت ما (اهل بیت) در عالم میثاق بر ایشان تأکید شده است.»^۱

مهلت توبه

۵۷. امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چهار چیز است که در هرکس باشد با وجود آن‌ها در برابر خدا هلاک نمی‌شود مگر عامل هلاکتی باشد، بنده حسنه‌ای را منظور می‌کند و به جا می‌آورد و اگر بجا نیآورد خدا به خاطر نیت خویش حسنه را می‌نویسد و اگر بجا آورد ده حسنه می‌نویسد و قصد سیئه‌ای را می‌کند که به جا آورد اگر بجا نیآورد بر او نوشته نشود و اگر بجا آورد هفت ساعت مهلت (توبه) دهد. صاحب حسنات به صاحب سیئات که از اصحاب شمال است، می‌گوید: شتاب نکن، شاید او حسنه‌ای در پی آن انجام دهد که آن را محو نماید! زیرا که خدای عزوجل می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾^۱ یا طلب آمرزش زیرا اگر بگوید: «از خدایی که جز او معبودی نیست طلب آمرزش می‌کنیم؛ او که به غیب و شهود آگاه است، مقتدر و دانا؛ بخشنده و مهربان است، صاحب جلال و اکرام است و به سوی او باز می‌گردم، در آن صورت چیزی بر او نوشته نشود و اگر هم مرتکب گناهی شود، هفت ساعت او را مهلت دهد (تا توبه کند) و (فرشته) محافظ حسنات به فرشته سیئات گوید: بر گردن این بدبخت محروم بنویس!»^۲.

۱. هود، ۱۱۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۲، ۸۰، ۳۷۸ و ۳۷۹.

ترس از عذاب

۵۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «لَيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۱، فرمود:

«نه آن که عملش بیشتر باشد بلکه عملش درست تر باشد. درستی همان ترس از عذاب خدا و نیت راستین نیکوست، سپس فرمود: «بر همان رفتار صحیح پایدار ماندن تا این که به شدت عملش را خالص کند و عمل خالص آن عملی است که انتظار ستایش کسی را نداشته باشی جز خدای عزوجل و نیت خالص بالاتر از خود عمل است. بدانید که نیت همان عمل است.»

سپس این آیه را تلاوت کرد: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ»^۲ یعنی براساس نیتش»^۳.

روز اول ماه رجب

۵۹. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ»^۴ فرمود:

«نوح علیه السلام روز اول ماه رجب سوار کشتی شد و خود روزه گرفت و دستور داد همراهانش نیز آن روز روزه بگیرند و فرمود: هرکس امروز روزه بگیرد، آتش دوزخ به مسافت یک سال از او دور شود»^۵.

۱. هود، ۷: «تا شما را بیازماید که کدام یک بهتر عمل می کنید.»

۲. اسراء، ۸۴: «بگو: هرکس بر طبق روش و خلق و خوی خود عمل می کند.»

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۰.

۴. هود، ۴۲: «کشتی نوح با سرنشینانش سینه امواج را می شکافت و پیش می رفت.»

۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۲۰۰.

تفسیر آیاتی از سوره یوسف

منکر گمراه

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾^۱ فرمود:

«به خدا سوگند آن راه ولایت ما اهل بیت است، کسی منکر آن نباشد مگر گمراه. فرمود: و کسی بر علی علیه السلام خورده نمی‌گیرد جز گمراه.»^۲

یوسف و زلیخا

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون زلیخا آهنگ یوسف را کرد، زلیخابه سمت بتی رفت که در خانه‌اش بود و روپوشی بر آن انداخت.

۱. یوسف، ۱۰۸: ﴿بگو: راه من این است که همگان را به سوی الله دعوت می‌کنم؛

خود و پیروانم از روی آگاهی.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۷.

یوسف گفت: چه می‌کنی؟ گفت: جامه‌ای روی این بت انداختم تا ما را نبیند چرا که من از او شرم می‌کنم.

یوسف علیه السلام گفت: تو از بتی که نه می‌شنود و نه می‌بیند شرم می‌کنی و من از پروردگارم شرم نکنم! پس به سرعت جست و زلیخا پشت سر او، عزیز آن‌ها را بر آن حالت دید. آن است قول خدای تعالی: ﴿وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ﴾

پس زن عزیز مصر مبادرت کرد و به عزیز: ﴿قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءَ إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ یوسف به عزیز گفت: ﴿هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا﴾^۱

خداوند به یوسف الهام کرد که به پادشاه بگوید: از این کودک داخل گهواره بپرس! او گواهی می‌دهد که وی مرا به سوی خود فراخواند. پس عزیز از کودک پرسید و خداوند کودک در گهواره را به خاطر یوسف به زبان آورد و گفت: ﴿إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾^۲ و چون او دید پیراهن یوسف از پشت پاره شده است به همسرش گفت: ﴿إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ﴾ آنگاه به یوسف گفت: ﴿أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ

۱. یوسف، ۲۵: ﴿و هردو به سوی در دویدند و پیراهن او را از پشت کشید و پاره کرد و آن دو آقای آن زن را دم دریافتند. گفت: کیفر کسی که به همسر تو اراده خیانت کند جز زندان یا عذاب الیم چیست؟ او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد و شاهدهی از خاندان آن زن گواهی داد.﴾

۲. یوسف، ۲۶ - ۲۷: ﴿اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد، آن زن راست می‌گوید و یوسف دروغ‌گوست و اگر پیراهنش از پشت سر پاره شده باشد آن زن دروغ می‌گوید و یوسف راست‌گوست.﴾

إِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿۱﴾

این خبر داخل شهر پیچید و زن‌ها شروع کردند به نقل داستان وی (زلیخا) و بر او عیب می‌گرفتند و او را یاد می‌کردند، همان است قول خداوند: ﴿وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ﴾^۲ این مطلب به همسر عزیز رسید، دنبال همه زنان سرشناس فرستاد و همه را در خانه‌اش گرد آورد و برای آن‌ها انجمنی تشکیل داد و دست هر زنی یک ترنج با یک چاقو داد و گفت: ترنج را ببرید و سپس به یوسف فرمان داد ﴿أُخْرِجْ عَلَيْهِنَّ﴾ او که در خانه‌ای بود، در برابر زنان درآمد، همین که چشم زنان به او افتاد دست‌های خود را بریدند! و چنانکه خدای عز و جل حکایت کرده است: ﴿فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا - يَعْنِي تَرْنِجِي رَا - وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرِجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا كَفْتُنَد: إِنَّ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ﴾^۳

همسر عزیز گفت: ﴿فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ - يَعْنِي بِهِ خَاطِرَ مَحَبَّتِ

۱. همان، ۲۸: ﴿ و هنگامی که دید پیراهنش از پشت پاره شده، رو به همسرش کرد و گفت: این کار از فریب شما زنان است که مکر شما عظیم است. یوسف! تو صرف نظر کن و دیگر از این ماجرا چیزی نگو (به همسرش نیز گفت: تو هم از نگاه خود استغفار کن که از خطاکاران بودی.﴾

۲. همان، ۳۰: ﴿ گروهی از زنان شهر این سخن را در بین خود گفتگو کردند که همسر عزیز با غلامش سروسری پیدا کرده و او را به سوی خود دعوت می‌کند.﴾
 ۳. یوسف، ۳۱: ﴿ چون همسر عزیز از مکر زنان مصر مطلع شد به دنبال آن‌ها فرستاد و برای متکایی فراهم کرد و به دست هر کدام چاقویی برای بریدن میوه داد و به یوسف گفت: وارد مجلس آنان شو! چون چشمشان به او افتاد و را بزرگ و زیبا دیدند (و از خود بی‌خود شدند) دست‌هایشان را بریدند، همگی گفتند: نه این (هرگز آلوده) و بشر نیست بلکه فرشته بزرگواری است.﴾

او- وَ لَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ - یعنی او را به خود فرا خواندم - فَأَسْتَعْصَمَ - او خودداری کرد - وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ^۱
 پس یوسف در آن خانه شب را به صبح نرساند مگر هر زنی که او را دیده بود، به خود فراخواند و یوسف علیه السلام عرض کرد: ﴿رَبِّ السُّجُنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾.^۲ و^۳

به واسطه اهل بیت علیهم السلام

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ﴾^۴ فرمود:

«جبرئیل علیه السلام نزد یوسف آمد و گفت: ای یوسف! پروردگار جهانیان تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: چه کسی تو را در زیباترین آفرینش خود قرار داد؟
 یوسف فریاد برآورد و صورت خود را بر زمین نهاد، سپس عرضه داشت: تو پروردگارا! سپس گفت: خداوند می‌فرماید: چه کسی تو را محبوب پدرت ساخت نه برادرانت را؟ باز یوسف علیه السلام فریاد برآورد و صورت را بر خاک نهاد و گفت: تو ای پروردگار من! جبرئیل گفت: پروردگارت می‌فرماید چه کسی پس از این که به

۱. همان، ۳۲: ﴿همسر عزیز گفت: این است آن که مرا به خاطر عشقش سرزنش می‌کردید! آری من او را به کام گرفتن از خویش دعوت کردم ولی او خویشنداری کرد و اگر او فرمان مرا نبرد به طور قطع به زندان خواهد افتاد و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد.﴾

۲. یوسف، ۳۳: ﴿یوسف گفت: پروردگارا در نظر من محبوبتر است از آن چه این زنان مرا به سوی آن می‌خوانند.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۴.

۴. یوسف، ۴۲: ﴿شیطان یادآوری او یوسف را نزد صاحبش از یاد او برد.﴾

چاه انداختند و یقین داشتی که هلاک می‌شوی، نجات داد؟ ناله‌ای زد و صورتش را بر زمین نهاد سپس عرضه داشت: تو پروردگار من! جبرئیل گفت: پروردگارت به خاطر استغاثه از دیگری مجازات سنگینی برایت مقرر کرد تا چندین سال در زندان بمانی!

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «چون آن مدت سرآمد خداوند او را اذن درخواست گشایش داد و او صورت بر خاک نهاد و عرض کرد: خداوند! اگر گناهانم روی مرا در پیشگاه تو تیره کرده من به آبروی پدران شایسته‌ام: ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب رو به درگاه تو آورده‌ام! خداوند گرفتاری او را برطرف کرد.»
گفتم: فدایت شوم! آیا ما هم می‌توانیم با همین دعا از خدا درخواست کنیم؟ فرمود: «مثل آن را بگویند: خداوند! اگر گناهانم مرا در درگاه تو روسیاه کرده است اینک به وسیله پیامبرت پیامبر رحمت؛ محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رو به درگاه تو آورده‌ام!»^۱

هفت سال نعمت و هفت سال قحطی

۴. در تفسیر آیه: ﴿ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ^۲﴾ یعنی: در هفت سال قحطی شدید آن‌چه را که در هفت سال گذشته برای آن‌ها فراهم کردید، می‌خورند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:
﴿مَا قَرَّبْتُمْ لَهُنَّ﴾ نازل شد - ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. یوسف، ۴۸: ﴿پس از آن هفت سال سخت می‌آید که آن‌چه را برای آن سال‌ها ذخیره کرده‌اید می‌خورند﴾

قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُعَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ^۱ یعنی سال‌هایی پر باران است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام این آیه را: ﴿ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُعَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ﴾ قرائت کرد، فرمود: وای بر تو! چه چیز را می‌فشارند؟ آیا شراب را می‌فشارند؟ آن مرد گفت: یا امیرالمؤمنین! چگونه قرائت کنم؟ فرمود: ﴿عَامٌ فِيهِ يُعَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ﴾ یعنی پس از سال‌های قحطی آن‌ها را باران زیادی می‌بارد، دلیل این مطلب قول خداوند: ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَبَجَّاجًا^۲»

پس آن مرد نزد شاه برگشت و گفته یوسف را به او خبر داد، شاه گفت: ﴿اِنَّتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ اِلَى رَبِّكَ - یعنی نزد شاه - فَسْأَلُهُ مَا بِالْاَنْسُوَةِ اللَّاتِي قَطَعْنَ اَيْدِيَهُنَّ اِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ^۳» پس پادشاه آن زنان را جمع کرد و گفت: ﴿مَا خَطْبُكُنَّ اِذْ رَاودْتُنَّ يُوْسُفَ عَن نَّفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوِّ قَوْلِ امْرَاةٍ الْعَزِيْزِ الْاَنِّ حَصْحَصَ الْحَقُّ اَنَا رَاودْتُهُ عَن نَّفْسِهِ وَاِنَّهُ لَمِنَ الصّٰدِقِيْنَ ذٰلِكَ لِيُعَلِّمَ اَنِّي لَمْ اَخْنُهُ بِالْغَيْبِ وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخٰتِيْنِ^۴» یعنی اکنون من بر او دروغ

۱. یوسف، ۴۹: ﴿ سپس سالی فرا می‌رسد که باران فراوان نصیب مردم می‌شود و در

آن سال‌ها مردم عصاره میوه‌ها را می‌گیرند و سال پربرکتی است. ﴿

۲. نبأ، ۱۴: ﴿ از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم. ﴿

۳. یوسف، ۵۰: ﴿ پادشاه گفت: او را نزد من آورید ولی هنگامی که فرستاده او نزد یوسف آمد، گفت: من از زندان بیرون نمی‌آیم به سوی صاحب‌ت برگرد و از او بپرس آن زنانی که دست‌های خود را بردند به چه دلیل بود؟ البته پروردگار من از نیرنگ آن زنان آگاه است. ﴿

۴. یوسف، ۵۱ و ۵۲: ﴿ بگویند بینم در آن هنگام که شما تقاضای کامجویی همچون

نمی‌بندم آن طوری که قبلاً دروغ بستم.

سپس (زلیخا) گفت: ﴿وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾^۱ یعنی

نفس (سرکش) به بدی فرمان می‌دهد!

این جا بود که پادشاه گفت: ﴿إِنِّي نَفْسِي بِهٖ اسْتَخْلَصْتُ لِنَفْسِي﴾ همین که چشمش به یوسف افتاد: ﴿قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ﴾^۲ خواسته‌ات را از من بخواه! ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمٌ﴾ یعنی مرا بر کندوها و انبارها (ی غله) بگمار! پادشاه او را گمارد و همان است قول خداوند: ﴿وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْاَرْضِ يَتَّبِعُوْا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ﴾^۳.

یوسف عَلَيْهِ السَّلَام دستور داد کندوهای از سنگ بسازند و با آهک آلوده و روکش کنند، سپس به کشاورزان مصر فرمان داد زراعتشان را درو کنند و به هر کسی سهم او را داد و بقیه را با خوشه وا گذاشت و نکوید همان

۱ از یوسف کرید جریان کار شما چه بود؟ گفتند: منزه است خدا ما هیچ گناهی از یوسف سراغ نداریم. همسر عزیز فریاد زد اکنون حق آشکار شد. من پیشنهاد کامجویی به او دادم او راستگوست و من اگر سخنی درباره او گفته‌ام دروغ بوده است. من این اعتراف صریح را به آن خاطر کردم که بدانند در گیایش نسبت به او خیانت نکردم و خداوند کید خائن را هدایت نمی‌کند. ﴿

۱. همان، ۵۳: ﴿من هرگز نفس سرکش خود را تبرئه نمی‌کنم چرا که نفس اماره ما را به بدی‌ها فرمان می‌دهد.﴾

۲. همان، ۵۴: ﴿پادشاه دستور داد او را نزد من آورید تا او را مشاور مخصوص خود سازم. چون گفتگو کرد، گفت: تو امروز نزد ما منزلت بالا داری و مورد اعتماد مایی.﴾

۳. همان، ۵۵ - ۵۶: ﴿گفت: مرا بر خزانه داری این سرزمین قرار ده چرا که من نگهدار خوب و به این کار واقفم و این چنین یوسف را بر سرزمین مصر مسلط ساختیم تا هرگونه خواست تصرف کند.﴾

طوری داخل کند وها قرار داد؛ هفت سال همین کار را کرد همین که سال خشکی رسید، آن سنبل‌ها را در می‌آورد و هر قدر که می‌خواست می‌فروخت.

بین یوسف و پدرش هیجده روز راه فاصله بود، آن‌ها در بیابانی ساکن بودند. مردم از اطراف به جانب مصر می‌رفتند تا خوراکی فراهم کنند و یعقوب و فرزندان در بیابانی اقامت داشتند که شنزار بود.

برادران یوسف از همان امکانات کمی که داشتند برداشتند و به مصر بردند تا بدان وسیله خوراکی فراهم کنند، یوسف که خود، فروش غله را سرپرستی می‌کرد همین که برادرانش بر یوسف وارد شدند، آن‌ها را شناخت ولی آن‌ها او را نشناختند، چنانکه خداوند حکایت کرده است: ﴿وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ﴾ و به آن‌ها داد، در پیمان‌ها به آن‌ها احسان کرد، پرسید: شما که هستید؟

گفتند: ما فرزندان یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم خلیل اللّٰهیم که نمرود او را داخل آتش انداخت و نسوخت و خداوند آتش را بر او سرد و سلامت ساخت.

پرسید: پس پدرتان چه کرد؟ گفتند: پیر ناتوان است. گفت: شما برادر دیگری هم دارید؟ گفتند: ما برادری پدری داریم که از مادر ما نیست. گفت: چون دوباره نزد ما آمدید او را بیاورید!

و همان است قول خداوند: ﴿اَتْتُونِي بِأَخٍ لَّكُمْ مِنْ آبَائِكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوْفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ

قَالُوا سَتَرُوا مِنْهُ آيَاهُ وَآنَا لَفَاعِلُونَ^۱

سپس یوسف به قوم خود گفت: این متاعی را که آن‌ها نزد ما آورده‌اند به خودشان بازگردانید و بین بارهایشان قرار دهید تا به منزل‌هایشان برگردانند و آن را ببینند و دوباره نزد ما بیایند.

همان است قول خداوند: ﴿وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَكْتَلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۲ فقَالَ يعقوبُ هلْ أَمْنَكُم عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظٌ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ - در بین بارهایشان که به مصر برده بودند - قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي - یعنی ما نخواستیم - هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانًا وَنَزِدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٌ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ - يعقوب گفت: - لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ - يعقوب گفت: - اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ. آن‌ها بیرون رفتند و لی يعقوب به آن‌ها گفت: لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَاذْخُلُوا

۱. یوسف، ۵۹ - ۶۱: ﴿یوسف گفت: آن برادری که از پدر دارید نزد من بیاورید! آیا نمی‌بینید حق پیمانہ را ادا می‌کنم و بهترین میزبان‌ها هستم. گفتند: ما با پدرش گفتگو می‌کنیم و ما این کار را خواهیم کرد.﴾

۲. یوسف، ۶۱ - ۶۳: ﴿به کارگزارانش گفت: آن‌ها چیزی را که در برابر غلّه پرداخته‌اند داخل بارهایشان بگذارید تا هنگامی که به خانواده خود بازگشتند آن را بشناسند تا شاید بار دیگر به مصر بازگردند. هنگامی که آن‌ها به سوی پدر بازگشتند، گفتند: پدر دستور داده شد که در آینده کیل و پیمانہ‌ای برای ما نکنند اکنون که چنین است برادرمان را با ما بفرست تا بتوانیم پیمانہ‌ای دریافت داریم و مطمئن باش که ما او را حفظ خواهیم کرد.﴾

مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ ﴿۱۰۲﴾

آن‌ها دزدی نکردند

۵. از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿أَيُّهَا الْعِيبُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ﴾^۳ پرسیدند، فرمود: آن‌ها دزدی نکرده و یوسف علیه السلام نیز دروغ نگفت بلکه منظورش این بود که شما یوسف را از پدرش دزدیدید! و قول وی ﴿أَيُّهَا الْعِيبُ﴾ معنایش: ای اهل کاروان است و نظیر آن قول ایشان به پدرشان است: ﴿وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيبَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا﴾^۴ یعنی اهل کاروان.

چون پیمانه را برای یوسف از میان بار برادرش درآوردند، برادرانش گفتند: ﴿إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ﴾ منظورشان یوسف بود ولی یوسف خود را به غفلت زد و آن است قول خداوند: ﴿فَأَسْرَهَا يُّوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا

۱. یوسف، ۶۴ - ۶۷: ﴿گفت: آیا من نسبت به این برادر به شما اطمینان کنم چنان‌که در گذشته نسبت به برادرش به شما اطمینان کردم، در هر حال خداوند بهترین نگهدار و ارحم الراحمین است. چون متاع خود را گشودند دیدند سرمایه آن‌ها بازگردانده شده و تمام بهایی را که برای غله داده بودند در درون بارهاست. گفتند: پدرجان ما دیگر چه می‌خواهیم؟ این سرمایه ماست که به ما پس داده شده است. ما برای خانواده خود مواد غذایی فراهم کنیم و در حفظ برادرمان خواهیم کوشید و یک بار شتر هم خواهیم افزود. گفت: من هرگز او را نخواهم داد مگر تا پیمان موکد الهی بدهید که نزد من خواهید آورد مگر این‌که قدرت از شما سلب شود و چون به پدر عهد بستند گفت: خداوند شاهد و حافظ آن است که می‌گوییم. گفت: فرزندانم شما از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف وارد شوید.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۰ - ۳۵۲.

۳. یوسف، ۷۰: ﴿ای اهل قافله شما سارقید.﴾

۴. همان، ۸۲: ﴿از شهری که بودیم و قافله‌ای که با آن آمدیم بپرس﴾

تَصِفُونَ^۱ آن‌ها اطراف یوسف جمع شدند درحالی که از پوست بدنشان خون زرد می‌چکید و درباره حبس وی (در چاه) با هم مشاجره می‌کردند.

درحالی که آن‌ها می‌گفتند: ﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ این را رها کنید! چون یوسف چنان دید، گفت: ﴿مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ نَكْفُتْ﴾ مگر کسی را که متاع ما را دزدیده است - إِنَّا إِذْ لَطَّالِمُونَ فَلَمَّا اسْتِيتَأَسُوا مِنْهُ - و خواستند نزد پدرشان برگردند، لای پسر یعقوب به ایشان گفت: ﴿أَلَمْ تَعْلَمُوا - فَارْجِعُوا أَنتُمْ إِلَىٰ آبَائِكُمْ - أَمَا مَن بَرَنِمِي كَرْدَم - حَتَّىٰ يَأْذُنَ لِي - وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾

سپس به آن‌ها گفت: ﴿ارْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا - يَعْنِي أَهْلَ شَهْرٍ وَأَهْلَ كَارِوَانٍ - وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾^۲

۱. همان، ۷۷: ﴿گفتند: اگر او دزدی کند برادرش یوسف نیز قبلاً دزدی کرده است. یوسف آن را در دل داشت اظهار نکرد، شما بدترین مردمید و خدا بدانچه می‌گویید آگاه‌تر است.﴾

۲. یوسف، ۷۸ - ۸۲: ﴿گفتند: ای عزیز! او پدر پیری دارد یکی از ما را به جای او بگیر! گفت: پناه به خدا

ما کسی را جز آن‌که متاع خود را نزد او یافته‌ایم بگیریم اگر چنین کنیم مسلماً ستمگریم. هنگامی که آن‌ها مایوس شدند به گوشه‌ای آمدند و خود را جدا ساختند و با هم نجوا کردند برادر بزرگترشان گفت: فکر نمی‌کنید که پدرتان از شما پیمان گرفته است حال که چنین است من از این‌جا حرکت نمی‌کنم مگر پدرم به من اجازه دهد و یا خداوند فرمانی درباره من صادر کند که او بهترین حاکمان است. شما نزد پدر بازگردید و بگویید: پدر فرزندت دزدی کرد و این را ما شهادت می‌دهیم که

یعقوب گفت: ﴿بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ - وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ
یعنی از زیادی گریه نابینا شد - أَمْرٌ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي
بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ وَ تَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ
وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾^۱ یعنی غمگین و آسف سخت تر از غم
است.^۲

اندوه هفتاد مادر فرزند مرده

۶. از امام صادق علیه السلام پرسیدند، غم و اندوه یعقوب بر یوسف
چقدر بود؟ فرمود:

«به قدر اندوه هفتاد مادر فرزند مرده! یعقوب با استرجاع آشنا
نمود، از این رو گفت: و اسفا بر یوسف! (فرزندانش) گفتند: ﴿تَاللَّهِ تَفْتَأُ
تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَ
حُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^{۳ و ۴}

آگاه شدیم و ما از غیب خبر نداشتیم از شهری که بودیم و قافله‌ای که با آن سوی

تو آمدیم بپرسید! مطمئن باشد که ما در گفتار خود صادقیم. ﴿

۱. یوسف، ۸۳ - ۸۴: ﴿بلکه هوس‌های نفسانی شما مسأله را چنین تزیین کرده

است من شکیبایی نیکو می‌کنم امیدوارم خداوند آن‌ها یوسف و بنیامین را به من

بازگرداند چرا که او دانا و حکیم است در این هنگام رو از فرزندان برگرداند و گفت:

و اسفا بر یوسف! چشمان او از اندوه سفید و نابینا شد درحالی که بر خشم خود

مسلط بود. ﴿

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۵۹.

۳. یوسف، ۸۵ - ۸۶: ﴿به خدا سوگند آن قدر یاد یوسف می‌کنی تا هلاک گردی! او

گفت: من اندوهم را نزد خدا به شکایت می‌برم و از خدایم می‌دانم آن چه را که شما

نمی‌دانید. ﴿

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۶۰.

یوسف در چاه

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون برادران یوسف علیه السلام او را در چاه انداختند، جبرئیل علیه السلام نزد وی آمد در حالی که او در چاه بود، گفت: ای پسر! چه کسی تو را در این چاه افکند؟ یوسف گفت: برادرانم به خاطر جایگاه من نزد پدرم، بر من حسد بردند و مرا در چاه افکندند؟ جبرئیل گفت: دوست داری از چاه بیرون آیی؟ یوسف گفت: آن به دست خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم السلام است. جبرئیل علیه السلام گفت: خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب می‌گوید: بگو: خدایا من از تو درخواست می‌کنم چرا که تمام حمد از آن تو است خدایی جز تو، بخشنده بخشایشگر پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، صاحب جلال و اکرام، نیست و بر محمد و آل محمد درود فرست و در کار من گشایش و راه درآمدی قرار ده! و مرا از جایی که انتظار دارم و ندارم روزی برسان!»^۱

پیراهن یوسف

۸. در تفسیر آیه: ﴿ادْهَبُوا بِتَمِيمِیْ هَذَا فَآلِقُوهُ عَلَی وَجْهِ اَبِیْ یَاتِ بَصِیْرًا وَاَنْتُوْنِیْ بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِیْنَ﴾^۲ از مفضل جعفی نقل کرده است، می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «بگو ببینم که پیراهن یوسف چه بود؟»

گفتم: نمی‌دانم. فرمود: «چون برای ابراهیم علیه السلام آتش افروختند، جبرئیل علیه السلام جامه‌ای از جامه‌های بهشتی را برای او آورد و بر او

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲. یوسف، ۹۳: ﴿این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیفکنید تا بینا شود و سپس با تمام خانواده به سوی من آید.﴾

پوشاند از این رو او را گرما و سرما نمی‌رسید و چون ابراهیم علیه السلام در آستانه مرگ قرار گرفت، آن را داخل حرزی گذاشت و بر اسحاق آویخت و اسحاق بر یعقوب. و چون برای یعقوب، یوسف به دنیا آمد، آن را به گردن یوسف آویخت و در گردن او بود تا این اتفاق برای او افتاد، چون یوسف آن پیراهن را از داخل حرز درآورد، یعقوب بوی آن را استشمام کرد. همان است قول خدای تعالی: ﴿إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن تَفُنُّونَ﴾^۱ و آن همان پیراهنی است که از بهشت فرود آمد.»
گفتم: فدایت شوم! اکنون آن پیراهن دست کیست؟ فرمود: «دست اهلش است.»

سپس فرمود: «هر پیامبری علم یا غیر از علم را به ارث نهاد! تا به محمد صلی الله علیه و آله رسید. یعقوب علیه السلام در فلسطین بود و کاروان (از سرزمین مصر) جدا شد، یعقوب بوی یوسف را استشمام کرد و آن بواز همین پیراهن بود که از بهشت درآوردند و ماییم وارثان او.»^۲

فضیلت قرائت سوره یوسف

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس [در هر روز یا] در هر شب سوره یوسف را بخواند، خداوند او را روز قیامت درحالی برانگیزد که جمالی چون جمال یوسف را دارد و روز قیامت او را از هول و هراس قیامت نرسد آن چه را که به مردم می‌رسد و همسایگانش از بندگان صالح خدا

۱. یوسف، ۹۴: ﴿من بوی یوسف را احساس می‌کنم اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۶۲.

تفسیر آیاتی از سوره یوسف □ ۳۷۳

باشند.» سپس فرمود: «یوسف علیه السلام از بندگان صالح خدا بود و در دنیا از زناکاری و بدزبانی در امان بود.»^۱

درس بگیریم

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«پدرم فرمود: به خدا سوگند که من با بعضی از فرزندانم همکاری دارم و او را روی زانویم می‌نشانم و به وی محبت زیادی می‌کنم و به خاطر او بسیار سپاسگزارم! اگرچه حق با دیگر فرزندان من است ولی از باب محافظت بر او از جانب خودش و دیگران چنین رفتاری را دارم، مبادا با او کاری کنند که با یوسف و برادرانش انجام شد و خداوند سوره یوسف را نازل نکرد، مگر نمونه‌ای باشد تا ما به یکدیگر حسد نورزیم آن طوری که برادران یوسف به وی حسد ورزیدند و به او ستم کردند و خداوند آن را حجتی قرار داد برای کسانی که ما را دوست بدارند و قرین محبت ما باشند و منکر دشمنان ما؛ کسانی که برای ما پرچم جنگ و ستیز برافراشتند.»^۲

دلیل ابتلا یعقوب

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«از آن جهت یعقوب به فراغ یوسف مبتلا شد که قوچ فربهی را ذبح کرد، مرد نیازمندی از اصحاب وی از مردم کمک خواست و چیزی به دست نیاورد تا با آن افطار کند و یعقوب نیز از او غفلت

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۶۷.

کرد و غذایی به او نداد، از این رو به فراغ یوسف مبتلا شد و پس از آن هر بامداد منادی او ندا می‌داد هرکس روزه ندارد به نهار یعقوب حاضر شود و چون شب می‌شد ندا می‌داد: هرکس روزه دار است به غذای شام یعقوب حاضر شود.^۱

بهای یوسف

۱۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ﴾^۲ فرمود:
«بیست درهم بود».^۳

دعای حضرت یوسف

۱۳. امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:
«جبرئیل علیه السلام در زندان نزد یوسف علیه السلام آمد، گفت: بعد از هر نماز واجب بگو: «خداوندا برای من گشایش و راه بیرون آمدنی قرار ده! و از جای حساب شده و بی حساب مرا روزی مرحمت کن!».^۴

تعبیر خواب و فراموشی خدا

۱۴. امام صادق علیه السلام فرمود:
«چون پادشاه فرمان بازداشت یوسف را در زندان صادر کرد خداوند به وی علم تأویل رؤیا را الهام کرد، از این رو برای زندانیان خواب‌هایشان را تعبیر می‌کرد. دو جوان را با او روزی که

۱. همان، ص ۱۶۸.

۲. یوسف، ۲۰: ﴿و سرانجام یوسف را به بهای کمی. چند درهم. فروختند.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۶.

بازداشت کردند، وارد زندان کردند همین که خوابیدند صبح که شد گفتند: ما خوابی دیده‌ایم برای ما تعبیر کن! پرسید: چه خوابی دیده‌اید؟ یکی از آن‌ها گفت: ﴿إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ﴾^۱ و دیگری گفت: دیدم که پادشاه را شراب می‌نوشانم! رؤیای هر دو را مطابق آن‌چه در قرآن آمده است تعبیر کرد. سپس به آن‌که گمان داشت از آن دو نفر نجات می‌یابد گفت: مرا نزد اربابت یاد کن!

امام علیه السلام فرمود: «یوسف در حال خود، به درگاه خدا ننالید تا از او بخواهد، از این رو خداوند فرمود: ﴿فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ﴾^۲ خداوند در همان لحظه به وی وحی کرد: ای یوسف! چه کسی خوابی را که دیدی به تو نمایاند؟ گفت: تو ای پروردگار. فرمود: چه کسی تو را محبوب پدرت کرد؟ عرض کرد: تو پروردگار من. فرمود: چه کسی آن کاروان را به سوی تو روان کرد؟ عرض کرد: تو ای پروردگار! فرمود: چه کسی تو را دعایی یاد داد که بدان وسیله از خدا خواستی تا خداوند برای تو از چاه راه خلاصی قرار داد؟ گفت: تو ای پروردگار من! فرمود: چه کسی از مکر زنان راه نجاتی برای تو فراهم کرد؟ عرض کرد: تو پروردگار من! فرمود: چه کسی مکر زن عزیز مصر و زنان دیگر را از تو برطرف کرد؟ عرض کرد: تو ای پروردگار من. فرمود: چه کسی تعبیر خواب را به تو الهام نمود؟ گفت: تو ای پروردگار من!

۱. یوسف، ۳۶: ﴿من در خواب دیدم که مقداری نان روی سرم حمل می‌کنم و پرندگان از آن می‌خورند.﴾

۲. همان، ۴۲: ﴿شیطان یادآوری از یوسف را نزد صاحبش از خاطر او برد و چند سال او در زندان باقی ماند.﴾

فرمود: پس چگونه از غیر من یاری طلبیدی و به من پناهنده نشده و از من نخواستی تا تو را از زندان نجات دهم و از بندهای از بندگان من یاری طلبیدی آرزو کردی تا تو را نزد مخلوقی از مخلوقات من که در قبضه قدرت من است خواستی تا تو را یادآوری کند و به درگاه من ننالیدی!

بنابراین چند سالی - به خاطر گناه پیام فرستادن توسط بنده‌ای به بنده‌ای - در زندان بمان!

ابن عمیر از ابن حمزه نقل کرده است که یوسف بیست سال در زندان ماند.^۱

کسی به قدر این سه تن گریه نکرد!

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی به قدر سه تن گریه نکرد! آدم، یوسف و داوود» گفتم: چقدر آن‌ها گریستند؟ فرمود: «اما آدم موقعی که از بهشت بیرون شد و سرش در دروازه‌ای از دروازه‌های آسمان بود به قدری گریه کرد که اهل آسمان آزرده شدند و از آن به درگاه خدا شکوه کردند و قامتش خمیده شد و اما داوود به قدری گریه کرد که از اشک چشمش گیاه روید و البته او آهی آتشین می‌کشید که از حرارت آن هرچه در اثر اشک او روییده بود می‌سوخت. و اما یوسف در زندان به حال پدرش یعقوب می‌گریست به حدی که زندانیان آزرده شدند پس با آن‌ها قرار گذاشت یک روز گریه کند و روزی ساکت باشد.»^۲

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۷.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۹.

مدت زندانی بودن یوسف

۱۶. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَلَيْتَ فِي السَّجْنِ بِضَعَّ سِنِينَ﴾^۱ آورده است، فرمود:
«هفت سال در زندان ماند».^۲

بنیامین

۱۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون برادران یوسف بر او وارد شدند در صورتی که برادرشان (بنیامین) را با خود آورده بودند، چند سفره برای آن‌ها گسترده سپس فرمود: هر کدام از شما با برادر مادری خود بر سر یک سفره بنشینند، آن‌ها نشستند، برادر وی (برادر مادری یوسف، بنیامین) سرپا ماند، فرمود: چرا با برادرانت نمی‌نشینی؟ گفت: مرا برادر مادری از میان ایشان نیست.

یوسف گفت: تو هم برادر مادری داشتی که این‌ها وانمود کردند گرگ او را خورد؟ گفت: آری. فرمود: پس بنشین و با من غذا بخور!

امام علیه السلام فرمود: «برادران یوسف از خوردن خودداری کردند و گفتند ما در پی کاری هستیم ولی خداوند نمی‌خواهد مگر برتری فرزند یامین (بنیامین) را بر ما! فرمود: «چون از باربندی، آن‌ها فارغ شدند دستور داد تا پیمانه را داخل بار برادرش (بنیامین) قرار دهند، همین که مقداری فاصله گرفتند، ندا دهنده‌ای ندا داد:

۱. یوسف، ۴۲: ﴿وَيُؤْتِيهِمْ مِنْهَا خَبْرًا وَبَعْضٌ يَأْتِيهِمْ فِي ظُلُمٍ لَّيَالٍ نَسْتَدِينُ﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۷۹.

﴿أَيَّتْهَا الْعَبِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ﴾^۱ پس برگشتند و گفتند: ﴿مَاذَا تَفْقِدُونَ قَالُوا تَفْقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَادِبِينَ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ﴾^۲ منظورشان سنت معمولی بود که در بین آن‌ها جاری بود یعنی زندانی شود. ﴿فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخَرَ جَهًا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ تَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ﴾^۳ و^۴

فراموشی یعقوب

۱۸. از امام صادق پرسیدند: با این‌که جبرئیل خبر داد یوسف نمرده است و به زودی به وی بازمی‌گردد، چگونه یعقوب بر او اندوهناک

۱. یوسف، ۷۰: ﴿ای اهل قافله! شما سارق هستید!﴾

۲. یوسف، ۷۱ - ۷۵: ﴿مگر چه چیز گم کرده‌اید؟ گفتند: ما پیمانۀ سلطان را گم کرده‌ایم هرکس آن را بیاورد یک بار شتر به او جایزه خواهیم داد و من شخصا این جایزه را تضمین می‌کنم. گفتند: شما می‌دانید که ما برای فساد در زمین نیامده‌ایم و هیچگاه سارق نبوده‌ایم. گفتند: اگر شما دروغ بگویید جزایش چیست؟ گفتند: جزایش این‌که هرکس پیمانۀ در بار او پیدا شود خودش را توقیف کنید.﴾

۳. همان، ۷۶ - ۷۷: ﴿نخست بار دیگران را پیش از بار برادرش بازرسی کرد سپس آن را از بار برادرش درآورد. ما برای یوسف چنین طرح ریختیم او نمی‌توانست مطابق آیین مصر برادرش نگهدارد مگر خدا بخواهد. ما درجات هر که را بخواهیم بالا می‌بریم و بالاتر از هر صاحب علمی عالمی است. گفتند: اگر او دزدی کند، برادرش نیز قبلاً دزدی کرد.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۸۷.

بود؟ فرمود:

«او این (پیام جبرئیل) را فراموش کرد.»^۱

از خدا پیش خلق شکایت نکن

۱۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یعقوب علیه السلام نزد پادشاه ناحیه ایشان، آمد از او درخواستی داشت، پادشاه پرسید: تو ابراهیمی؟ فرمود: نه گفت: تو اسحاق بن ابراهیمی فرمود: نه. گفت: پس تو که هستی؟ فرمود: من یعقوب بن اسحاقم. پرسید: با این سن کم چه بر سرت آمده است؟ گفت: غم پسرم یوسف! گفت: به راستی که یعقوب نهایت اندوه بر تو رسیده است! یعقوب گفت: ما گروه پیامبران را زودتر بلا می‌رسد، از مردم هم هر که به درگاه خدا مقرب‌تر است [زودتر بلا به او می‌رسد!] وی حاجت یعقوب را برآورد همین که از در خانه او گذشت، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای یعقوب! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌گوید: تو شکایت مرا به مردم کردی! یعقوب صورت بر خاک سایید و گفت: پروردگارا لغزشی بود، بر من بیخشید دوباره هرگز مرتکب نخواهم شد.

سپس جبرئیل نزد وی برگشت و گفت: ای یعقوب! سرت را بلند کن که پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌گوید: تو را عفو کردم، دوباره شکایت مرا به مخلوقم نکن! پس از آن ندیدند که سخنی درباره وضعی که داشت بگوید، حتی پسرانش آمدند صورتش را به سمت دیوار گرداند و گفت: ﴿إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي

وَحَزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۰﴾

اقرار به امامت

۲۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام نمی‌میرد و از دنیا بیرون نمی‌شود تا به امامت امامی اقرار کند، چنان‌که فرزندان یعقوب به یوسف اقرار کردند، موقعی که گفتند: ﴿تَاللَّهِ لَقَدْ أَتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾»^{۴۳}

بوی پیراهن یوسف

۲۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یعقوب بوی پیراهن یوسف را از فاصله ده شب راه دریافت، درحالی‌که او در بیت‌المقدس و یوسف در مصر بود و آن پیراهنی بود که از بهشت بر ابراهیم علیه السلام نازل شده بود و ابراهیم علیه السلام آن را به اسحاق داد و اسحاق به یعقوب و یعقوب به یوسف.»^۵

استغفار در سحرگاه

۲۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ

رَبِّي﴾^۶ آورده است، که فرمود:

«یعقوب (بخشش) آن‌ها را تا سحر تأخیر انداخت و گفت:

۱. یوسف، ۸۶: ﴿گفت: (من شکایتم را به شما نیاوردم) غم و اندوهم را نزد خدا

می‌برم و به او شکایت می‌آورم و از خدا می‌دانم و آن‌چه شما نمی‌دانید.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۳. یوسف، ۹۱: ﴿به خدا سوگند خداوند تو را بر ما مقدم داشته است.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۹۷.

۵. همان، ص ۲۰۰.

۶. یوسف، ۹۸: ﴿به زودی برای شما از پروردگارم طلب آمرزش می‌کنم.﴾

پروردگارا گناه ایشان بین من و آن هاست! خداوند به او وحی کرد
که من آن‌ها را بخشیدم».^۱

سحرگاه جمعه

۲۳. امام صادق علیه السلام آورده است که درباره قول خداوند «**أَسْتَغْفِرُكُمْ**

رَبِّي» فرمود:

«آن را تا سحر شب جمعه تأخیر انداخت.»^۲

عبادتی برای خدا

۲۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «**وَرَفَعَ أَبْوَيْهَ عَلَيَّ**

الْعَرْشِ»^۳ آورده است، فرمود: «عرش یعنی تخت». و قول خداوند:

«**وَحَرُّوْا لَهُ سُجَّدًا**»^۴ فرمود: «آن سجده ایشان عبادتی برای خدا بود».^۵

به چاه افکنده شدن او

۲۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یعقوب به یوسف موقعی که با هم ملاقات کردند، گفت: پسر من

به من بگو: با تو چه کردند؟ یوسف گفت: مرا بردند و بر سر آن

چاه نشانند، گفتند: پیراهنت را درآور! گفتم: شما را به حق پدرم

یعقوب صدیق مرا برهنه نکنید و پیراهنم را درنیاورید، فلانی

چاقویی بر من کشید! یعقوب با شنیدن این جمله از هوش رفت

همین که به هوش آمد گفت: نقل کن که با تو چه کردند؟ یوسف

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۳.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳. یوسف، ۱۰۰: «او پدر و مادرش را بر تخت نشانند.»

۴. همان، «همگی در برابر او به سجده افتادند.»

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۵.

گفت: پدرجان از شما تقاضا می‌کنم که بس کنید! او هم بس کرد!»^۱.

یوسف در بند

۲۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند به یوسف پیام داد: ای پسر یعقوب! چه کسی تو را با خطاکاران هم منزل کرد؟ گفت: جرم خودم. فرمود: چون به جرم خود اعتراف کرد، خداوند او را از زندان درآورد و به نشست خود نسبت به وی اعتراف کرد که چون نشست مرد نسبت به خانواده خود بود، به وی فرمود: این دعا را بخوان: ای بزرگتر از هر بزرگ! ای بی‌شریک و بی‌وزیر! ای آفریننده‌ی خورشید و ماه تابان! ای نگهدارنده درمانده نابینا! ای درهم شکننده هر ستمکار ویرانگر! ای بی‌نیاز کننده‌ی نیازمند پریشان حال! ای ترمیم کننده استخوان شکسته! ای آزاد کننده زندانی اسیر تو را به حق محمد و آل محمد درخواست می‌کنم که مرا از این گرفتاری گشایش و نجات دهی و از جایی که انتظار دارم و ندارم مرا روزی بخشی! فرمود: «چون صبح شد پادشاه او را خواست و آزادش کرد. همان است قول خداوند: ﴿وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ﴾»^۲ و^۳

دعای یوسف

۲۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. همان.

۲. یوسف، ۱۰۰: ﴿پروردگار به من لطف کرد که مرا از زندان خارج ساخت.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۰.

«رسول خدا ﷺ در آن میان که بین خانواده خود نشسته بود یک‌باره فرمود: دوست داشتم که یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ اعتماد به نفس داشت! پرسیدند: به چه وسیله یا رسول الله! فرمود: چون عزیز مصر او را از سرپرستی مصر برکنار کرد دو جامه نو - یا فرمود: دو جامه پاکیزه - پوشید و به بیابان گسترده‌ای از آن سرزمین رسید چند رکعت نماز خواند همین که از نماز فارغ شد دست به طرف آسمان بلند کرد و گفت: پرورگارا! به من سلطنت دادی و مرا تأویل و تعبیر خواب آموختی، ای آفریننده آسمان‌ها و زمین! تو در دنیا و آخرت سرپرست منی.

پس جبرئیل نازل شد و گفت: یا یوسف چه حاجتی داری؟ عرض کرد: پروردگارا ﴿تَوَقَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾^۱»

۱. یوسف، ۱۰۱: ﴿مرا مسلمان و تسلیم در برابر فرمانت از این جهان ببر!﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۱.

تفسیر آیاتی از سوره رعد

دل آرام

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱ فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام گفت: آیا می‌دانی این آیه درباره چه کسی نازل شده است؟ عرض کرد: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. فرمود: درباره کسی نازل شده است که به من ایمان آورده و تصدیقم کرده و تو را و عترت تو را پس از تو دوست بدارد و امر (امامت) برای تو را پس از تو به امامان تسلیم نماید.»^۲

۱. رعد، ۲۸: ﴿اینان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به ذکر خدا مطمئن و آرام است آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد.﴾
۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۷۶.

بیم دهنده و هادی

۲. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾^۱ از ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«مُنذِرٌ (بیم دهنده) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هادی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و پس از او امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند. و آن است قول خداوند: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ یعنی در هر زمان امام هدایتگر آشکاری است و آن ردّ بر کسی است که منکر است. در هر عصر و زمانی امامی می باشد و زمین خالی از حجت نیست، همان طوری که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: زمین خالی از امامی قائم به حجت الهی نمی شود؛ یا آشکار زبازد است و یا بیمناک مغلوب (غایب) تا حجت های الهی و دلایلش باطل نگردد.

هدایتگری در کتاب خدا به چند صورت است، از جمله امامان هستند و آن است قول خداوند: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾. یعنی امامی آشکارا و بیان از آن جمله است و همان است قول خداوند: ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ﴾^۲ و قول خداوند: ﴿وَأَمَّا تَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ﴾^۳ یعنی برای ایشان بیان کردیم و نظیر آن بسیار است و از آن جمله است پاداش و همان است قول خداوند: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا

۱. رعد، ۷: «کسانی که کافر شدند، می گویند: چرا نشانه ای از جانب پروردگارش به او نازل نشده است. تو فقط بیم دهنده ای و برای هر قوم و ملتی هادی و راهنمایی است.»

۲. سجده، ۲۶: «آیا همین برای هدایت آن ها کافی نیست؟»

۳. فصلت، ۱۷: «و اما تمود را هدایت کردیم.»

لَتَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ^۱ یعنی برای ایشان بیان می‌کنیم.

و از آن جمله است نجات و همان است قول خداوند: ﴿كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾^۲ یعنی به زودی مرا نجات می‌دهد و از آن جمله است دلالت و ارشاد، و همان است قول خداوند: ﴿وَ أَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾^۳ یعنی تو را دلالت می‌کنم.^۴

مطالبه حق

۳. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾^۵ آورده است که مردی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، امام علیه السلام فرمود: «چرا فلانی از تو شکایت دارد؟» عرض کرد: من حقم را از او مطالبه کردم. فرمود: «به نظر تو وقتی که زیاد به او می‌گویی او را ناراحت نمی‌کنی؟ آیا دیده‌ای آن چه را که خداوند در قول خود نقل کرده است: ﴿وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ یعنی بر ایشان ستم می‌کند به خدا که آن‌ها بیمی از آن نداشتند بلکه آن‌ها از زیاد گفتن بی‌مناک بودند و خداوند آن را سوء الحساب نامید!»^۶

۱. عنکبوت، ۶۹: ﴿آن‌ها که در راه ما جهاد کنند قطعاً به راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم و خداوند با نیکوکاران است.﴾

۲. شعراء، ۶۲: ﴿چنین نیست چرا که پروردگار من با من است و به زودی هدایتم می‌کند.﴾

۳. نازعات، ۱۹: ﴿تو را به پروردگارت ارشاد کنم.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۵۹.

۵. رعد، ۲۱: ﴿آن‌ها از بدی حساب در دادگاه قیامت می‌ترسند.﴾

۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۰.

نیکی کن

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ﴾^۱ فرمود:

«یعنی بدی را به وسیله نیکی دفع می‌کنند» از ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: یا علی! هیچ سرایی نیست که در آن شادمانی باشد، مگر به دنبال آن غم و اندوهی است! و هیچ غم و اندوهی نیست مگر گشایشی دارد جز اندوه دوزخیان. بنابراین هرگاه کار بدی مرتکب شدی به دنبال آن کار نیکی کن تا آن را زود محو کنی. بر تو باد کارهای نیکو کردن که نیکی‌ها گرفتاری‌های بد را برطرف می‌کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر تأدیب و آموزش به مردم این‌ها را گفت نه آن‌که امیرالمؤمنین بدی‌هایی مرتکب شده باشد.^۲

بهشت پاداش صبر

۵. در مورد قول خداوند: ﴿جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾^۳ امام صادق فرمود:

۱. رعد، ۲۲: ﴿آن‌ها کسانی هستند که به خاطر رضایت پروردگارشان استقامت کردند و نماز را برپا داشته و از آن‌چه روزی داده‌ایم آشکار و نهان انفاق کنند و به وسیله حسنات سیئات خود را از بین می‌برند.﴾
۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۱.

۳. رعد، ۲۳ و ۲۴: ﴿باغ‌های جاودان بهشت است که هم خودشان وارد آن می‌شوند

«درباره امامان علیهم السلام و شیعیان ایشان که صبر کردند نازل شده است.»^۱

درخت طوبی

۶. در تفسیر قول خداوند: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾^۲ فرمود: «یعنی بازگشت نیکو» از ابو عبیده به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود: «طوبی درختی است در بهشت داخل سرای امیرالمؤمنین علیه السلام و هیچ یک از شیعیان ایشان نیست مگر شاخه‌ای از شاخه‌های آن و برگ‌های آن و برگ‌های آن داخل سرای اوست که گروهی از امت‌ها، زیر آن سایه می‌گیرند.»

از آن حضرت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را زیاد می‌بوسید عایشه نسبت به آن اعتراض کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: عایشه! چون مرا به آسمان بردند وارد بهشت شدم، جبرئیل مرا نزد یک درخت طوبی برد و از میوه‌های آن به من داد و خوردم و خداوند آن را به آبی در پشت من تبدیل کرد و چون به زمین فرود آمدم با خدیجه همبستر شدم، او به فاطمه حامله شد! از این رو هرگز من او را نمی‌بوسم مگر بوی درخت طوبی را از او استشمام می‌کنم. در قول خداوند: ﴿وَلَوْ أَنَّنَا قُرَّانًا سِيرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلَّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلَّ اللَّهُ الْأَمْرُ

۱. و هم پدران، فرزندان و همسران صالح آن‌ها فرشتگان از هر دری به آن‌ها وارد می‌شوند؛ سلام بر شما به خاطر استقامتان، چه عاقبت خوبی! ﴿

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۳.

۲. رعد، ۲۸ - ۲۹: ﴿آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد آن‌هایی که ایمان

آوردند و عمل صالح انجام دادند سرانجام کارشان بهترین سرانجام‌هاست. ﴿

جَمِيعًا^۱ فرمود: «اگر در قرآن چیزی این چنین باشد همین است. و قول خداوند: ﴿أَلَمْ يَبْسُ الْذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا﴾^۲ یعنی همه آنان را مؤمن قرار داده بود. و قول خداوند: ﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ﴾^۳ یعنی عذاب.^۴

شب قدر

۷. در تفسیر قول خداوند: ﴿لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾^۵ امام صادق علیه السلام فرمود: «چون شب قدر شود، فرشتگان و روح و کاتبان به آسمان دنیا نازل شوند و آن چه در آن سال از قضای خدای تعالی است می نویسند و چون خداوند اراده کند، پس و پیش اندازد یا چیزی را کم و زیاد کند دستور می دهد تا آن چه را که می خواهد محو شود و آن چه خواهد اثبات گردد.»

گفتم: و همه چیز در کتاب او به اندازه اثبات شده است؟ فرمود: «آری» گفتم: بنابراین پس از آن چه می شود؟ فرمود: «سبحان الله، سپس

۱. رعد، ۳۱: ﴿اگر وسیله قرآن کوه ها به حرکت آیند و زمین ها قطعه قطعه شوند و با مردگان صحبت شود، باز هم ایمان نخواهند آورد ولی همه این کارها در اختیار خداست.﴾

۲. رعد، ۳۱: ﴿آیا کسانی که ایمان آورده اند نمی دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را بالاجبار هدایت می کند.﴾

۳. همان، در عین حال کافران همواره مورد هجوم مصائب کوبنده ای به خاطر اعمالشان هستند.

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۵. رعد، ۳۸ - ۳۹: ﴿برای هر زمانی حکم و قانونی مقرر شده است، خداوند هر چیزی را بخواهد محو می کند و اموری را اثبات می نماید و کتاب اصلی و ام الکتاب نزد اوست.﴾

تمام فضایی که پیامبران تا خاتم پیغمبران داشتند، همگی در عترت خاتم پیامبران است.»^۱

قرآن زنده است

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«همانا قرآن زنده است نمی میرد و هم چون شب و روز و خورشید و ماه همواره جاری است و بر آخرین فرد ما هم چون نخستین فرد ما جریان دارد.»^۲

همراهی دو فرشته

۱۰. مسعد بن صدقه به نقل از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾ آورده است، که فرمود:

«به فرمان خدا» سپس فرمود: «هیچ بنده‌ای نیست مگر دو فرشته به همراه اوست، او را حفظ می‌کنند، چون حادثه‌ای از جانب خدا بیاید، بین او و بین فرمان خدا را خالی می‌کنند.»^۳

گناه و سلب نعمت

۱۱. ابو عمرو مدائنی نقل کرده است، که امام فرمود: «پدرم همواره می‌فرمود: خداوند به حکم قطعی مقرر فرموده است که نعمتی را به بنده‌ای نمی‌دهد، تا از او بازگیرد پیش از آن‌که از بنده گناهی سرزند که به وسیله‌ی آن گناه مستوجب

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۳.

۳. همان، ص ۲۰۵.

سلب آن نعمت گردد و همان است قول خدای تعالی: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوهُمَا بِأَنفُسِهِمْ﴾^۱ و

بهتر از عبادت یک سال

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یک ساعت فکر کردن بهتر از عبادت یک سال است، خداوند فرموده است: ﴿إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾»^۳.

صله‌ی رحم

۱۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«صله‌ی رحم اعمال را پاک و اموال را رشد می‌دهد و حساب را آسان و بلا را دفع و عمر را زیاد می‌کند.»^۴

صبر در دنیا

۱۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ﴾ آورده است فرمود:

«در برابر فقر و بی‌چیزی در دنیا صبر کردید ﴿فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾»^۵
فرمود: «یعنی برای شهیدان.»^۶

۱. رعد، ۱۱: ﴿خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد مگر این‌که آن‌ها خود

تغییراتی ایجاد کنند.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰۷.

۳. همان، ص ۲۱۰.

۴. همان، ص ۲۱۸.

۵. رعد، ۲۴: ﴿... چه پایان نیک و عاقبت خوبی!﴾

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۱۹.

مصافحه با مؤمنان

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مؤمن چون برادر مؤمنش را ملاقات کند و با او مصافحه نماید همواره تا وقتی که دست در دست هم دارند گناهانشان می‌ریزد، همان طوری که برگ از درخت می‌ریزد و چون از هم جدا شوند و فرشته (موکل) آن‌ها گویند خداوند به شما از خودتان جزای خیر دهد! و اگر آن دو یکدیگر را در آغوش بگیرند، ندادنده‌ای ندا دهد (طوبی لکما) خوشا به حال شما! چه سرانجام خوبی! طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در سرای امیرالمؤمنین علیه السلام و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت است و چون از هم جدا شوند آن دو فرشته‌ی بزرگوار ندا دهند: مژده باد شما دوستان خدا را به کرامت خدا و بهشت پیش روی شماست.»^۱

آن چه دیگر انبیاء داشتند

۱۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند چیزی به کسی از رسولان نداده است مگر آن را به محمد صلی الله علیه و آله و سلم داده است و خداوند محمد صلی الله علیه و آله و سلم را داده است همان طوری که به رسولان پیش از او داده بود» سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمُ آزْوَاجًا وَ ذُرِّيَّةً﴾^۲ و ۳

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲. رعد، ۳۸: ﴿ما پیش از تو پیامبران بسیاری فرستادیم و برای آن‌ها همسران و فرزندان قرار دادیم.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۱۹.

ذریه پیامبر

۱۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: خداوند مردم را دو قسمت آفرید: قسمی را انداخت و قسمی را نگاه داشت، سپس همین قسم را به سه بخش کرد، دو بخش آن را انداخت و یک سوم را نگهداشت آن گاه از این یک سوم قریش را برگزید و از قریش فرزندان عبدالمطلب را سپس از فرزندان عبدالمطلب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را و ما از فرزندان او هستیم. و اگر به مردم گفتی: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرزندی دارد و آن ها انکار کردند، درحالی که خداوند می فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا... ماییم ذریه او﴾^۱ مفضل می گوید: عرض کردم: گواهی می دهم که شما ذریه او هستید. سپس گفتیم: فدایت شوم! دعا کنید خداوند مرا در دنیا و آخرت با شما قرار دهد! برایم این دعا را کرد و کف دستش را بوسیدم.»^۱

پیمان پیامبران

۱۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند پیامبری را مبعوث نکرد مگر سه ویژگی را بر او پیمان گرفت: اقرار به بندگی خدا، و دوری از مانند خدا و این که خداوند هر چه را بخواهد مقدم و موخر می دارد.»^۲

محو و اثبات

۱۹. امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱. همان، ص ۲۲۰.

۲. همان.

تفسیر آیاتی از سوره رعد □ ۳۹۵

«آن چه را که خدا بخواهد مقدّم و مؤخّر و محو و اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد اوست. هر کاری را که خدا می‌خواهد پیش از ساختنش در علم اوست و چیزی را او خلق نمی‌کند مگر در علم او باشد، خداوند از روی جهل چیزی را نمی‌آفریند.»^۱

قضای الهی

۲۰. امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» پرسیدند، فرمود:

«آن کتابی است که خداوند هر چه را بخواهد محو می‌کند و اثبات می‌نماید از آن جمله دعا، حکم قطعی الهی را بازمی‌گرداند و همان دعا بر آن نوشته است که بدین وسیله قضای الهی باز می‌گردد تا وقتی که به امّ‌الکتاب نوشته شود در آن صورت دعا تأثیری در آن ندارد.»^۲

بیم دهنده و منذر

۲۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۳ فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیم دهنده است و به وسیله علی علیه السلام کسانی که راه جویند راهنمایی شوند.»^۴

۱. همان.

۲. همان.

۳. رعد، ۷: ﴿تَوْفِيقًا بِيَمِينِ دَاهِيٍّ هَادِيٍّ وَ قَوْمِيٍّ هَادِيٍّ وَ رَاهِنِيٍّ هَادِيٍّ﴾.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۰.

هدایتگر قرن

۲۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾، فرمود:

«هر امامی هدایتگر قرنی است که وی در بین آن مردم است.»^۱

تسبیح درخت

۲۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«در مدینه باران زیادی بر مردم بارید همین که پاره ابر، قطع شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمد، جمعی از اصحابش؛ مهاجر و انصار همراه او بودند و علی علیه السلام در آن میان نبود همین که از دروازه‌ی مدینه بیرون آمدند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به انتظار علی علیه السلام نشست و اصحاب در پیرامون آن حضرت در آن بین که نشسته بودند، ناگهان علی علیه السلام از مدینه درآمد، جبرئیل گفت: یا محمد! این علی است که با دو دست پاک و قلب پاکیزه، با کمال راه می‌رود و حق را می‌گوید، دارد می‌آید، اگر کوه‌ها بلغزد او نمی‌لغزد! همین که نزدیک پیامبر رسید شروع کرد صورت خود را با دست پاک می‌کرد و آن را به صورت علی علیه السلام می‌کشید و می‌گفت: منم بیم‌دهنده و تو پس از من هدایت‌گری! پس خداوند در آن لحظه این آیه را: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ نازل فرمود.

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بلند شد، آن‌گاه جبرئیل بالا رفت، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرش را بلند کرد ناگهان کفی را مشاهده کرد سفیدتر از برف که نمایان‌گر اناری بود سبزتر از زمرد، انار با صدا به سمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سقوط می‌کرد همین که در دست پیامبر

تفسیر آیاتی از سوره رعد □ ۳۹۷

قرار گرفت، پیامبر ﷺ چند بار از آن با دندان فشرد سپس به علی ع داد و به وی گفت: بخور و مقداری هم به دخترم (فاطمه) و پسرانم - یعنی حسن و حسین - بده! آنگاه رو به مردم کرد و گفت: ای مردم! این هدیه‌ای بود از جانب خدا به من و به وصی و به دخترم و به پسران و نوادگانم! اگر خداوند به من اذن داده بود که از آن به شما بدهم می‌دادم، پس مرا معذور بدارید، خدا شما را عافیت بخشد!

سلمان گفت: فدایت شوم! تسبیح درخت چیست؟ فرمود: منزه است خدایی که درخت سرسبز او را تسبیح گوید! منزه است پروردگار بزرگ من، منزه است کسی که از شاخه‌های تازه درخت آتش روشنی بخش برافروخت! منزه است پروردگار بخشنده من! و گفته می‌شود: آن از جمله تسبیح مریم ع است.»^۱

دعای صبح و شام

۲۴. امام صادق ع در تفسیر قول خداوند: ﴿وَظِلَّالَهُمْ بِالْعُدُوءِ وَ

الْأَصَالِ﴾^۲ فرمود:

«آن دعای پیش از طلوع و غروب آفتاب است و آن ساعت

اجابت دعاست.»^۳

۱. طوسی، ابن‌حمزه، الثاقب فی المناقب، ص ۵۶.

۲. رعد، ۱۵: ﴿هم چنین سایه‌های آن‌ها هر صبح و شام خدا را سجده می‌کنند.﴾

۳. حلی، احمدبن محمد، عدة‌الداعی، ص ۲۴۳.

تفسیر آیاتی از سوره ابراهیم

مُلک عظیم

۱. مُحَمَّد بن قاسم بن عبید می گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام تفسیر قول خداوند را درباره آل ابراهیم: «وَأَتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»^۱ پرسیدم، فرمود: «ملک عظیم آن است که از ایشان امامانی قرار داده است، هر که از آن‌ها اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر که نافرمانی ایشان را کند نافرمانی خدا را کرده است، این است ملک عظیم.»^۲

ایام الله

۲. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ»^۳ (از امام

۱. نساء، ۵۴: ﴿حکومت عظیمی در اختیارشان قرار دادیم.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۸۱.

۳. ابراهیم، ۵: ﴿و ما موسی را با آیات معجزات خود فرستادیم و به او فرمان دادیم

صادق علیه السلام نقل کرده است) فرمود:

«ایام الله سه روز است: روز (قیام) قائم، روز مرگ و روز رستاخیز. و قول خداوند: ﴿وَأَذِّتْ تَأَذِّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۱ فرمود: «این کفران نعمت‌هاست». آن‌گاه فرمود: «هر بنده‌ای را که خداوند نعمتی داد و او قدر آن را با دل شناخت و با زبانش خدا را سپاسگزار بود، آن را از دست ندهد تا خداوند دستور فزونی آن را دهد و همان است قول خداوند: ﴿لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۲ و قول خداوند: ﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْيُنَهُمْ فِي افْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ﴾^{۳ و ۴}.

۲ که قوم خود را از ظلمات به سوی نور بیرون آور و روزهای خدا را به یاد ایشان بیاور! ﴿

۱. همان، ۷: ﴿ و این‌که پروردگار شما اعلام کرد اگر شکر نعمت‌های مرا بجا آورید من به طور قطع نعمت‌های شما را افزون می‌کنم و اگر کفران کنید عذاب من شدید است. ﴿

۲. ابراهیم، ۷.

۳. همان، ۹: ﴿ آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند به شما نرسید؛ اقوامی چون قوم نوح، عاد، ثمود

و آن‌ها که پس از ایشان بودند همان‌ها که جز خدا کسی آنان را نمی‌شناسد؛ پیامبران‌شان با دلایل روشن به سوی آن‌ها آمدند ولی آن‌ها دست بر دهان گذاشتند و گفتند: ما به آن‌چه شما به خاطر آن فرستاده شده‌اید کافریم و درباره آن‌چه شما دعوت می‌کنید تردید داریم. ﴿

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۸.

روزهای خدا

۳. ابراهیم بن عمر بایک واسطه در تفسیر قول خداوند: ﴿وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾^۱ از امام صادق علیه السلام، فرمود:
«یعنی نعمت‌های خدا را یاد کن!»^۲

سپاسگزاری

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر بنده‌ای که خداوند بر او نعمتی داده و او قدر آن نعمت را به دل بشناسد - و در روایتی به دل بشناسد و به زبان سپاسگزار آن باشد - هنوز سخنش تمام نشده است خداوند به فزونی آن فرمان می‌دهد.»^۳

شکر نعمت

۵. ابوولاد می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا این نعمت ظاهری که از جانب خدا به ما داده شده است ملاحظه می‌کنید، اگر ما شاکر آن باشیم و سپاس گوئیم بر ما بیفزاید، چنان‌که خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۴؟ فرمود:

«آری هرکه سپاسگزار و شاکر نعمت او باشد و بداند که آن از جانب اوست نه دیگری [خداوند نعمتش را افزون کند]».^۵

۱. ابراهیم، ۵.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۲۴.

۴. ابراهیم، ۷: ﴿اگر شکر نعمت‌های مرا بجا آورید به یقین نعمت‌های شما را افزون کنم﴾.

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۵.

شجره طیبه

۶. عبدالرحمان بن سالم اشل به نقل از پدرش از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ - یعنی دو آیه - آورده است، فرمود:

«این مثلی است که خداوند برای اهل بیت پیامبرش زده است و

برای دشمنان ایشان (نیز فرموده است): ﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾.^{۲۰۱}

هنگام مرگ

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«شیطان به سراغ فردی از اولیای ما به هنگام مرگ می‌آید: از طرف راست او و از سمت چپ او می‌آید تا او را از عقایدی که دارد بازدارد، ولی خداوند این را برای او سزا نمی‌داند و به وی اجازه نمی‌دهد و قول خداوند چنین است که می‌فرماید: ﴿يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾.^{۲۰۳}

۱. ابراهیم، ۲۴ - ۲۶: ﴿آیا ندیدی چگونه خدا مثالی برای کلام پاکیزه زد و آن را به شجره طیبه تشبیه کرده که ریشه آن ثابت و مستحکم و شاخه‌هایش در آسمان است... و مثل کلمه ناپاک همانند درخت ناپاک بی‌ریشه است که از زمین کنده شده و ثبات ندارد.﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۸.

۳. ابراهیم، ۲۷: ﴿خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند به خاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان در دنیا و آخرت ثابت قدم می‌دارد.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۲۹.

مرگ مؤمن و کافر

۸. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مرده را چون از خانه‌اش بیرون کنند فرشتگان تا قبر او را تشییع کنند و بر او رحمت فرستند تا به قبرش رسد، زمین به او گوید مرحبا و خوش آمدی، به خدا که من دوست داشتم کسی چون تو بر من گام نهد ناگزیر خواهی دید با تو چه کنم! پس تا آن جا که چشم او می‌بیند گسترش پیدا می‌کند و دو فرشته نگهبان قبر: منکر و نکیر وارد در قبر او می‌شوند پس روح بر پیکر او القا می‌شود او را می‌نشانند و سؤال می‌کنند به او می‌گویند: پروردگارت کیست؟ می‌گوید: خدا. می‌گوید: دینت چیست؟ می‌گوید: اسلام. می‌پرسند: پیامبرت کیست؟ می‌گوید: محمد صلی الله علیه و آله و سلم. می‌پرسند: امامت کیست؟ می‌گوید: علی. پس نداده‌های از آسمان ندا می‌دهد: بنده من راست گفت. در قبر برای او فرش بهشتی بگسترید و از جامه‌های بهشتی بر او بپوشانید و دری به سوی بهشت در قبر او بگشایید تا نزد ما بیاید و آن چه نزد ماست برای او بهتر است. آن‌گاه به وی گویند: بخواب مانند خواب عروس! بخواب خوابی که رؤیایی در آن نیست!

و اگر مرده کافر باشد، فرشتگانی برای او درآیند، پیکر او را تا قبر تشییع کنند درحالی که او را لعن می‌نمایند، چون به آن نقطه زمین برسد زمین گوید: نه مرحبا و نه خوش آمد! بدان به خدا سوگند که من خوش نداشتم مانند تو کسی بر من گام نهد، ناگزیر امروز خواهی دید که با تو چه می‌کنم! به قدری بر او تنگ شود که اعضای بدنش درهم شوند و دو فرشته نگهبان؛ منکر و نکیر

وارد قبر او شوند.» راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم! آیا بر مؤمن و کافر در یک شکل وارد می‌شوند؟ فرمود: «نه، او را می‌نشانند و می‌پرسند: پروردگار تو کیست؟ می‌گوید: از مردم شنیدم، می‌گفتند! آن‌ها می‌گویند: نفهمیدی! دینت چیست؟ می‌گوید: از مردم شنیدم می‌گویند! و زبانش لکنت پیدا می‌کند. پس منادی ندا می‌دهد: بنده من دروغ گفت، برایش در قبر او فرشی از آتش بگسترید و از جامه‌های آتش دوزخ بر او بیوشانید و دروازه‌ای به سوی دوزخ برای او بگشایید! تا سوی ما بیاید و آن‌چه نزد ماست بدتر است برای او. سپس او را با گُرزی که همراه دارند سه ضربت می‌زنند که هیچ ضربتی نیست مگر در قبرش آتش شعله‌ور می‌شود که اگر آن ضربت به کوه‌های تَهامه زده شود خاکستر می‌شود.»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«خداوند در قبر بر او مارها و عقرب‌هایی را مسلط می‌کند تا به نحوی او را بگزند و شیاطینی تا او را به نوعی غمزده کنند، عذاب او را تمام خلق خدا جز جن و انس می‌شنوند و او نیز صدای کفش آن‌ها و بهم خوردن دست‌هایشان را می‌شنود و آن است قول خدای تعالی: ﴿يُجَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا - وَ فِي الْآخِرَةِ﴾ و فرمود: «در قبرش ﴿وَّ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾».^{۲۰۱}

۱. ابراهیم، ۲۷: ﴿و خداوند ظالمان را گمراه می‌سازد و خدا هرچه بخواهد انجام می‌دهد﴾.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۰.

شکر نعمت

۹. مالک بن انس می‌گوید: چون سفیان ثوری به امام صادق علیه السلام گفت: بر نمی‌خیزم تا مرا حدیثی بفرمایید! امام علیه السلام فرمود: «اما من حدیثی برای تو می‌گویم ولی حدیث زیاد برای تو خیری ندارد. ای سفیان! هرگاه خداوند نعمتی را به تو داد و دوست داشتی پایدار و همیشگی باشد زیاد سپاسگزار باش و شکر بر آن نعمت کن، زیرا که خداوند در کتاب خود فرموده است: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾^۱ و اگر روزیت دیر رسید زیاد استغفار کن! زیرا که خداوند فرموده است: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنْبِتْ لَكُمْ ظَهْرَ الْأَرْضِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾^۲ یا سفیان! هرگاه چیزی از طرف پادشاه یا دیگری تو را غمگین کرد زیاد لا حول و لا قوّة الا بالله بگو که آن کلید گشایش و گنجی از گنج‌های بهشت است.»

سفیان پس از شنیدن سخنان امام علیه السلام دستش را بست و فرمود: سه پند چه سه پندی! مولایمان صادق علیه السلام فرمود: آن‌ها را تعقل کن و به خدا سوگند به خدا که بدان وسیله قطعاً بهره‌مند می‌شوی!^۳

۱. ابراهیم، ۷: ﴿اگر شکر نعمت‌های مرا بجا آورید من به طور قطع نعمت‌های شما را افزون می‌کنم.﴾

۲. نوح، ۱۰ - ۱۲: ﴿از پروردگار خویش آموزش طلبید که او بسیار آمرزینده است تا باران‌های پربرکت آسمانی را پی در پی بر شما فرورستد و شما را با اموال و فرزندان زیاد کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای آب جاری در اختیارتان قرار دهد.﴾

۳. اصفهانی، ابونعیم، حلیة الأولیاء، ج ۳، ص ۱۹۳.

شرابخوار

۱۰. امام صادق از قول پدرانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است که در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ﴾^۱ فرمود:
«هرکه شراب بخورد تا چهل روز نمازش قبول نیست و اگر درحالی بمیرد که چیزی از آن در شکمش باشد، بر خدای عزوجل لازم است که او را از «طینت خیال» یعنی آب بدبوی متعفن دوزخیان بیاشاماند و آنچه که از فرج زناکاران درمی آید و آن‌ها را در دیگ‌های جهنم گردآورد سپس به دوزخیان بیاشاماند تا بدان وسیله آنچه در شکم و پوست ایشان است، آب کند!»^۲

۱. ابراهیم، ۱۶: ﴿از آب بدبوی متعفن نوشانده می‌شود.﴾

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۰۵.

تفسیر آیاتی از سوره حِجْر

وجه الله

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾^۱ فرمود:

«ما یبیم وجه الله که در حضور شما فرود آمده است، هرکه ما را بشناسد شناخته است و هرکه ما را نشناسد پس یقین یعنی مرگ پیش روی اوست.»^۲

شیعیان واقعی

۲. سُدیر صیرفی می گوید:

به امام صادق علیه السلام وارد شدم درحالی که ردایی از خز بر دوش داشت، گفتم: یابن رسول الله! چه قدر خداوند شیعیان شما را بر محبت شما اهل بیت استوار می دارد! فرمود: «مگر دل تو بر این

۱. حِجْر، ۸۷: ﴿و ما به تو سوره حمد و قرآن عظیم دادیم.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۸۱.

تفسیر آیاتی از سوره حجر □ ۴۰۷

اطمینان ندارد؟» عرض کرد: چرا جز این که در دلم خدشه‌ای است!

آن‌گاه امام علیه السلام به غلامش فرمود: «تخم مرغی برای من بیاور! [تخم مرغی آورد] امام علیه السلام آن را روی آتش گذاشت تا پخته شد سپس آن را با پوست داخل آتش انداخت، فرمود: «پدرم از قول جدم خبر داد که چون روز قیامت شود مخالفان ما را این چنین داخل آتش اندازند!» سپس مقداری جرم سیاه را از آتش درآورد و آن را به کف دست راستش گرفت [قرار داد] آن‌گاه فرمود: «به خدا سوگند که ما گزیده خداوندیم همان طوری که این جرم گزیده این تخم مرغ است.»

سپس انگشتی نقره‌ای را خواست و آن جرم را با سفیدی و سفیدی را با آن جرم سیاه مخلوط کرد و بعد فرمود: «پدرم از نیاکانم از قول جدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که وی فرمود: چون روز قیامت شود شیعیان ما با ما - درحالی که انگشتانش را داخل هم کرده بود - (این چنین) در کنار هم قرار می‌گیریم!» آن‌گاه فرمود: ﴿اِحْوَانًا عَلٰی سُرُرٍ مُّتَقَابِلِيْنَ﴾^{۲۱}

آرامش در ارتباط با خدا

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«همین که این آیه نازل شد: ﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلٰى مَا مَتَّعْنَا بِهٖ اَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلسُّؤْمِنِيْنَ﴾^۳

۱. حجر، ۴۷: ﴿در حالی که همه برادرند روی تخت‌ها مقابل هم قرار دارند.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۸۲.

۳. حجر، ۸۸: ﴿هرگز چشم خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آن‌ها حج

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکه خود را با ارتباط به خدا آرامش بخشد، جانش با حسرت‌ها از دنیا بریده شود و هرکه چشم طمع به آن چه در دست دیگری است داشته باشد، اندوهش زیاد گردد و خشمش فرونشیند و هرکه نداند خدا را بر او نعمت است نه در دست آن که غذا می‌دهد یا لباس در حقیقت عملش اندک و عذایش نزدیک است و هرکس صبح کند درحالی که غم دنیا را دارد بر خدا خشمناک است و هرکه از مصیبتی که بر او وارد شده است شاکی باشد در حقیقت از پروردگارش شاکی است و هرکه از این امت وارد دوزخ شود از کسانی است که قرآن را قرائت کرده ولی از کسانی بوده که قرآن را به مسخره گرفته است.

و هرکه سراغ توانگری برود و به خاطر درخواست از دارایی او برایش کرنش کند دو سوم دینش از دست رفته است.» سپس فرمود: «شتاب نکن! چنین نیست که کسی از کسی درخواست کمکی کند، پس او را تعظیم و تکریم کند که در حقیقت وظیفه او همین است ولی می‌بیند که او می‌خواهد با اظهار خشوع نسبت به آن چه نزد خداست قصد جستن مال او را دارد!»^۱

دعای مراجابت کن

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون علی بن حسین علیهما السلام به «ملتزم»^۲ آمد عرضه داشت:

۱. داده‌ایم نیفکن و هرگز به خاطر این مال و ثروتی که دست آن‌هاست غمگین

نباش! و بال خود را برای مؤمنین فرود آر!»

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲. براساس نظر شیعه ملتزم پشت کعبه، یعنی همان جایی است که مستجار و حج

تفسیر آیاتی از سوره حجر □ ۴۰۹

خداوند نزد من انواع گناهان و شماری از خطاهاست و در پیشگاه تو انواع رحمت و مغفرت است، ای کسی که درخواست دشمن‌ترین و بدترین خلق خود را اجابت کردی؛ موقعی که عرضه داشت: ﴿فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^۱، دعای مرا اجابت کن و با من چنین و چنان رفتار نما!﴾^۲

مهلت تا وقت معلوم

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«ابلیس در آسمان چهارم خدا را در دو رکعت (نماز) شش هزار سال پرستید و از جمله کسانی است که به خاطر پیشینه آن عبادتش تا روز وقت معلوم از مهلت خداوند برخوردار شد.»^۳

وقت معلوم

۶. وهب بن جمیع می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفته ابلیس: ﴿رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾^۴ پرسیدم، فدایت شوم! کدام روز است آن روز؟ فرمود: «وهب! آیا گمان می‌کنی که آن روزی است که مردم را خداوند مبعوث می‌کند؟ خداوند او را تا روزی که قائم ما برانگیخته

۴ رکن یمانی واقع شده است. این محل را از آن روی ملتزم می‌نامند که مردم در آن

قسمت می‌ایستند و به دیوار ملتزم شده، می‌چسبند و دعا می‌خوانند. (خ)

۱. حجر، ۳۶: ﴿اکنون که چنین است مرا تا روز رستاخیز مهلت ده!﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۴.

۳. همان، ص ۲۴۵.

۴. حجر، ۳۶ - ۳۷: ﴿پروردگارا تا روز رستاخیز مرا مهلت ده! خداوند فرمود: تو تا

زمان معین از مهلت یافتگانی.﴾

می‌شود، مهلت داده است و چون خداوند قائم ما را مبعوث کند، در مسجد کوفه ابلیس بیاید تا در مقابل او به دو زانو بنشیند و بگوید: وای از امروز! قائم علیه السلام موهای پیشانی او را می‌گیرد و گردنش را می‌زند! پس آن روز است، وقت معین.»^۱

خاندان رحمت

۷. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«ما خاندان رحمت و بیت نعمت و برکتیم و ما در زمین بنیان و پایه هستیم و شیعیان ما تکیه‌گاه اسلامند و دعای ابراهیم جز برای ما و شیعیان ما نبود و خداوند ابلیس را تا روز قیامت استثنا کرد و فرمود: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ﴾».^{۲ و ۳}

ناامید نشو

۸. صفوان جمال می‌گوید:

پشت سر امام صادق علیه السلام نماز خواندم، امام علیه السلام سر به زیر انداخت سپس عرضه داشت: «خدایا مرا از رحمت خود ناامید نگردان!» آن‌گاه بلند گفت: ﴿وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾».^{۴ و ۵}

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲. حجر، ۴۲: ﴿تَوْ هِيجُ كَوْنَهُ تَسْلَطِي بَرِ بِنْدِگَانِ مَن نَدَارِي﴾.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۷.

۴. حجر، ۵۶: ﴿و چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود جز گمراهان﴾.

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۱.

مُتَوَسِّمِينَ (هوشیاران)

۹. اسباط بن سالم می‌گوید: مردی از مردم هیت^۱ از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا لِبَسِيبٍ مُّقِيمٍ﴾^۲ را پرسید، فرمود:
«ماییم آن هوشیاران و راه راست در ما برقرار است.»^۳

اگر حاجتی داشتی

۱۰. ابوبکر حضرمی به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، که فرمود:

«هرگاه حاجتی داشتی سوره حمد را با سوره دیگر و دو رکعت نماز بخوان و از خدا درخواست کن!» گفتیم: خداوند امر شما را اصلاح کند! «مثنی» چیست؟ فرمود: فاتحة الكتاب، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.^۴

روح هم چون باد

۱۱. محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾^۵ پرسیدم، این دمیدن روح چگونه بوده است؟ فرمود:

«روح چون باد در جنبش است و از این جهت روح نامیده شده

۱. شهری در استان انبار کشور عراق است. (خ)

۲. حجر، ۷۵ و ۷۶: ﴿در این سرگذشت عبرت‌آمیز نشانه‌هایی است برای هوشیاران و آثار آن‌ها بر سر راه کاروانیان ثابت و برقرار است.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۱.

۴. همان، ص ۲۵۲.

۵. حجر، ۲۹.

است که از ریح اشتقاق یافته و بدین جهت از کلمه ریح اشتقاق یافته است که ارواح، هم جنس بادند و خداوند آن را به خود نسبت داده است، چون آن را بر ارواح دیگر برگزیده است چنان که به خانه‌ای از خانه‌ها گفته است: خانه‌ی من و به فرستاده‌ای از فرستادگان فرموده است خلیل من و مانند آن و همه این‌ها آفریده، ساخته و پدیده و پرورده‌ی (او) هستند.^۱

طمع نداشته باش

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون آیه: ﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ نازل شد، فرمود: «هرکس با ارتباط به خدا تسلیت و آرامش پیدا نکند، از دنیا با حسرت‌ها جانش کنده شود! و هرکه چشم طمع به دست مردم بدوزد غمش طولانی شود و خشمش فرونشیند و هرکه نعمت الهی را جز در خوردن و آشامیدن بر خود نبیند، عمرش کوتاه و عذابش نزدیک شود.»^۳

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۸.

۲. حجر، ۸۸: ﴿هرگز چشم خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌های آن‌ها کفّار داده‌ایم میفکن و هرگز غمگین مباش و بال (عطوفت) خود را برای مؤمنان فرود آر!﴾

۳. ابی‌یعقوب، تاریخ‌الیعقوبی، ج ۳، ص ۱۲۰.

تفسیر آیاتی از سوره نحل

هر که خدا خیر او را بخواهد

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته اصحاب خود را دعوت می‌کرد: هر که را خداوند خیر او را بخواهد آن چه را که او به سوی آن دعوت می‌کند بشنود و بفهمد و هر که را شر او را بخواهد دلش را مهر زند، نه بشنود و نه بفهمد! و آن است قول خداوند: ﴿إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاهُمْ﴾^۱ و ﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعَمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۲»

۱. محمد، ۱۶: ﴿اما هنگامی که از نزد تو خارج می‌شوند به کسانی که دانش داده شده، گویند: این مرد الآن چه گفت؟ آن‌ها ایند که خداوند بر قلبشان مهر نهاده است.﴾

۲. نمل، ۸۱: ﴿تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش مردگان برسانی حتی کسانی که گوش آن‌ها کر است، هنگامی که پشت کنند و از تو دور شوند و تو نمی‌توانی نابینایان را از گمراهشان بازگردانی.﴾

۳. اصل حضرمی (الاصول الستة عشر)، ص ۶۵.

تقیه

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«تقیه سپر مؤمن است، هرکه تقیه ندارد، ایمان ندارد» گفتیم: فدایت شوم! این قول خدای تعالی را ملاحظه فرموده‌اید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكٍَ كَبِيرٍ﴾^۱؟ فرمود: «آیا تقیه جز این است؟»^۲

ستارگان و نشانه‌ها

۳. علی بن ابراهیم در تفسیر آیه: ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ از معلی بن خنیس به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«نجم رسول خدا و علامت‌ها امامان علیهم السلام هستند.» و قول خداوند: ﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾^۳ رد بر بت پرستان است.^۴

ماییم آن نعمت

۴. در تفسیر قول خداوند: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا﴾^۵ امام صادق علیه السلام فرمود:

«به خدا سوگند که ماییم آن نعمتی که خداوند آن را به بندگان

۱. نحل، ۱۰۶: ﴿جز آن‌ها که تحت فشار اظهار کفر کردند درحالی که قلبشان مملو از ایمان است.﴾

۲. حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۷.

۳. نحل، ۲۰: ﴿معبودهایی را که آن‌ها غیر از خدا می‌خوانند نه تنها چیزی را خلق نمی‌کنند بلکه خودشان مخلوقند.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۳.

۵. ابراهیم، ۲۸: ﴿آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را تبدیل به کفران کردند؟﴾

مرحمت کرده است و به وسیله‌ی ما رستگار شد، آن‌که رستگار است.

در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا^۱﴾ فرمود: «برای همه زمان‌ها و امت هر امامی است هر امتی با امام خود مبعوث می‌شود. و قول خداوند: ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ﴾ فرمود: پس از پیامبر ﷺ آن‌ها کافر شدند و از (اطاعت) امیرالمؤمنین ع مانع شدند ﴿زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ﴾.^۲ سپس فرمود: ﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾ یعنی از ائمه ع.
آن‌گاه به پیامبرش فرمود: ﴿وَجِئْنَا بِكَ [یا محمد] شَهِيدًا عَلَيَّ هَؤُلَاءِ﴾^۳ یعنی بر امامان که خود شاهدان بر مردم هستند.

و قول خداوند: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبُغْيِ يَعِظُكُمْ﴾^۴ فرمود: «منظور از عدل، گواهی به این‌که معبود به حقی جز خدا نیست و محمد ﷺ رسول خداست و احسان به امیرالمؤمنین ع است. و فحشا، منکر و بَغْي، فلانی، فلانی و فلانی است.»^۵

۱. نحل، ۸۴: ﴿و روزی که ما از هر امتی گواهی مبعوث می‌کنیم.﴾
۲. همان، ۸۸: ﴿کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا بازداشتند مجازاتی فوق مجازات کفرشان بر آن‌ها می‌افزاییم به خاطر فسادی که کردند.﴾
۳. نحل، ۸۹: ﴿روزی که ما از میان هر امتی گواهی را از خود آن‌ها بر آن‌ها مبعوث می‌کنیم و ما تو را گواه بر اینان قرار می‌دهیم.﴾
۴. نحل، ۹۰: ﴿خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد و بخشش به نزدیکان و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند و به شما اندرز می‌دهد.﴾
۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۶. مقصود از فلانی، خلفای سه گانه است.

تقسیم‌کننده‌ی بهشت و دوزخ

۵. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا﴾^۱ در حدیث مرفوعی از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«چون آیه‌ی ولایت نازل شد و این مطلب از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم بود که بر علی علیه السلام با عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید! گفتند: آیا این دستور از جانب خدا و رسول اوست؟ فرمود: آری حقی از جانب خدا و رسول اوست. فرمود: او امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و رهبر برجسته نخبگان است که خداوند روز قیامت او را بر صراط بنشانند، پس او دوستان خود را وارد بهشت و دشمنانش را وارد آتش دوزخ کند. و خدای عزوجل این آیه را نازل کرد: ﴿وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ یعنی قول رسول خدا صلی الله علیه و آله را از جانب خدا و رسولش. سپس برای آن‌ها مثلی زده و فرموده است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غَزْلُهُا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ﴾.^{۳۰۲}

۱. نحل، ۹۱: ﴿و هنگامی که با خدا عهد بستید به عهد او وفا کنید و سوگندها را پس از محکم کردن نشکنید درحالی که خداوند را ضامن سوگند خود قرار داده‌اید.﴾

۲. نحل، ۹۲: ﴿همانند آن زن سبک مغز نباشید پشم‌های تابیده خود را پس از استحکام وامی‌تابید در حالی که سوگند خود را وسیله خیانت و فساد قرار می‌دهید.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۸۹.

نخستین بیعت کننده

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«نخستین کسی که با قائم علیه السلام بیعت می‌کند جبرئیل است که به صورت پرنده‌ی سفیدی بر او نازل می‌شود و با او بیعت می‌کند سپس یک پا در بیت الحرام و یک پا بر بیت المقدس می‌نهد آن‌گاه با صدای بلند صدا می‌زند که تمام خلائق می‌شنوند: ﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾.»^{۱ و ۲}

از امامان پیروید

۷. حمزه بن محمد بن طیار می‌گوید: من سخنی از پدرم را به عرض

امام صادق علیه السلام رساندم. فرمود:

«بنویس! شما نمی‌توانید درباره آن چه به شما نازل شده است چیزی را که نمی‌دانید، بگویید جز این‌که خودداری کنید و درباره‌ی آن ثبات قدم داشته باشید و به امامان هدایت آن را بازگردانید تا آن‌ها شما را به مقصد برسانند و ناگاهی را در آن باره، از شما برطرف سازند. خداوند فرموده است: ﴿فَسأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾.»^{۳ و ۴}

تسلط شیطان

۸. امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر قول خدا: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى

۱. نحل، ۱.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۵.

۳. نحل، ۴۳: ﴿اگر این موضوع را نمی‌دانید از اهل اطلاع پیروید.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۶۷.

رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»^۱
فرمود:

«به خدا آن‌ها که مشرکند او [شیطان] هم بر بدن‌هایشان و هم
بر دینشان مسلط می‌گردد».^۲

رجیم یعنی...

۹. امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ
بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» پرسیدم: چگونه (استعاذه) بگویم؟ فرمود:
«می‌گویی: به خدای شنوای دانا از شرّ شیطان رانده شده پناه
می‌جویم» و فرمود: «رجیم پلیدترین شیطان‌هاست» گفتم: چرا
او را رجیم گفته‌اند؟ فرمود: «چون او را سنگسار می‌کنند» عرض
کردم: آیا مدت زمانی از آن سنگساری خلاصی یافته است؟
فرمود: «نه» گفتم: پس چگونه رجیم نامیده شده است با وجود
این‌که هنوز سنگسار نشده است؟ فرمود: «در علم خدا هست که
او سنگسار می‌شود».^۳

چرا رجیم؟

۱۰. حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که در شروع هر
سوره (قرآن) چگونه از خدا درخواست پناهندگی (از شرّ شیطان)

۱. نحل: ۹۸ - ۱۰۰: «چون قرآن می‌خوانی از شرّ شیطان مطرود شده به خدا پناه
بیر! شیطان بر کسانی که ایمان دارد و توکل بر پروردگارش تسلطی ندارد تنها بر
کسانی تسلط دارند که او را دوست دارند و به سرپرستی خود انتخابش کرده‌اند و
آن‌ها که او را شریک خدا در اطاعت می‌دانند.»

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. همان.

بجوییم؟ فرمود:

«آری از شیطان رجیم به خدا پناه ببر و خاطر نشان کن که او ناپاک‌ترین شیطان‌هاست.» گفتیم: چرا او را رجیم گفته‌اند؟ فرمود: «چون او رانده می‌شود» گفتیم: آیا به چیزی در وقت رجم خلاص می‌شود؟ فرمود: «نه، ولی او در علم خدا رجیم است».^۱

ناتوانی شیطان

۱۱. حماد بن عیسی در حدیث مرفوعی تا امام صادق علیه السلام آمده است که در پاسخ سؤال من از تفسیر قول خداوند: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ»^۲ فرمود:

«او نمی‌تواند که مردم را از ولایت دور سازد اما گناهان و نظایر آن را از ایشان دسترسی دارد،^۳ همان طوری که از دیگران دارد.»^۴

عاقبت کفران نعمت

۱۲. امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

«پدرم خوش نداشت که دستش را در حالی که مقداری از غذا در آن است با دستمال پاک کند به احترام آن، ... سپس فرمود: مردم آبادی راه، پیش از شما خداوند روزی زیادی داده بود تا آن‌جا که

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۴.

۲. نحل، ۹۹.

۳. مقصود حدیث چنین است که شیطان می‌تواند مؤمنان را ترغیب به گناه کند. (خ)

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۴.

آن را ناچیز شمردند، به یکدیگر گفتند خوب بود از این خوردنی پاکیزه که نرم‌تر است به جای سنگ برای پاک کردن خودمان استفاده کنیم! چون چنین کردند خداوند حشراتی کوچکتر از ملخ به سرزمین آن‌ها فرستاد، چیزی را برای آن‌ها باقی نگذاشت که خداوند با قدرتی که به آن داده بود؛ از رویدنی و غیر آن مگر همه را خورد و کار آن‌ها به جایی رسید که رو به همان مواد می‌آوردند که خودشان را پاک کرده بودند و همان را می‌خوردند و همان آبادی است که خداوند فرموده: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»^۱ و^۲

گوشت شکار یا مردار

۱۳. منصور بن حازم می‌گوید:

به امام صادق علیه السلام گفتم: مُحْرِمی در مانده شده است، شکار کند یا گوشت مردار بخورد، کدام را بخورد؟ فرمود: «از شکار بخورد» گفتم: خداوند در وقت اضطرار اکل میته [مردار] را حلال کرده است.

فرمود: «آری، ولی مگر نمی‌بینی که او از مال خود می‌خورد و (بعد با دادن قربانی) جبران می‌کند.»^۳

۱. نحل، ۱۱۲.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۵.

۳. همان.

تفسیر آیاتی از سوره اسراء

اوقات نماز

۱. در تفسیر قول خداوند: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ﴾ از امام صادق عليه السلام نقل شده است، که فرمود:
«دلوك شمس، گذشت روز از نصف و غسق الليل، گذشت شب از نصف است که خداوند ما بین این دو وقت چهار (وعده) نماز را واجب کرده است».

سپس فرمود:

﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ عَنَّهُ مَشْهُودٌ﴾.^۱

«یعنی نماز صبح که در آن پاسداران شب و روز از فرشتگان جمع می‌شوند».^۲

۱. اسراء، ۷۸: ﴿نماز را از هنگام ظهر تا نهایت تاریکی شب برپادار و هم‌چنین نماز

صبح را چرا که نماز صبح مشهود فرشتگان است.﴾

۲. اصل درست (الاصول الستة عشر)، ص ۱۶۱.

حقوق والدین

۲. از آن حضرت است در تفسیر قول خداوند: ﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا﴾^۱ یعنی در آتش؛ مخاطب سخن خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است ولی مقصود مردمانند و مانند این فراوان است که خداوند پیامبرش را مخاطب قرار داده ولی مقصود امت اوست.
این سخن از امام صادق علیه السلام است:

«خداوند پیامبرش را - به تو می‌گویم همسایه بشنو! (به در

می‌گویم دیوار بشنود) - مبعوث فرموده است.»

در تفسیر قول خداوند: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْتَلِعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ﴾ یعنی با آن‌ها دشمنی نکنی!

در حدیث دیگری «أف» با الف آمده است، یعنی به آن‌ها اف نگو!
﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ - یعنی سخن نیکو - وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ - فرمود: در برابر آن‌ها کرنش کن نه بزرگ منشی - وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأُولَآئِينَ - یعنی توبه کاران - عَفُورًا﴾^۲.

۱. اسراء، ۳۹: ﴿و هرگز (برای خدای یگانه شریکی قائل مباش و) معبود دیگری را در کنار الله قرار نده که در جهنم افکنده می‌شوی سرزنش شده و رانده (درگاه خدا) خواهی بود.﴾

۲. اسراء، ۲۳ - ۲۵: ﴿و پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و نسبت به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سنّ پیری برسند، سبک‌ترین تعبیر نامؤدبانه یعنی اف به آن‌ها نگو و بر سر آن‌ها داد نزن بلکه بزرگواران به آن‌ها سخن بگو و بال‌های تواضع خود را در برابرشان از محبت و

و آیه ﴿وَآتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ﴾ یعنی خویشان رسول خدا ﷺ که درباره فاطمه علیها السلام نازل شد از این رو فدک را برای او قرار داد. و مسکین از فرزندان فاطمه علیها السلام و ابن سبیل از آل محمد و فرزندان فاطمه علیها السلام است ﴿وَلَا تُبَدِّرْ تَبَدِيرًا﴾ - یعنی مال را در غیر طاعت خدا صرف نکن - ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ - مخاطب پیامبر، ولی منظور مردم است سپس به مخاطب درباره والدین عطف کرده و فرموده است: ﴿وَأَمَّا تَعْرِضَنَّ عَنْهُمْ﴾ یعنی از والدین وقتی که عیالوار یا علیل و یا تهی دستی - ﴿فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا﴾^۱ یعنی سخن نیکو بگو! اگر توان احسان و خدمت آن‌ها را نداری، پس از خدا برای ایشان آرزوی رحمت کن!

قول خداوند: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾^۲ سبب نزولش این بود که رسول خدا چنان بود؛ کسی را که چیزی از او می‌خواست دست خالی بر نمی‌گرداند، مردی آمد، درخواستی کرد چیزی در نزد او نبود، فرمود: ان شاء الله خدا می‌رساند! عرض کرد: یا رسول الله! پیراهنتان را مرحمت کن! آن

﴿ لطف فرود آور و بگو: پروردگارا آن‌ها را مشمول رحمت خود قرار ده همان‌گونه که مرا در کودکی تربیت کردند. پروردگار شما به آنچه در دل و جان شماست آگاه‌تر است اگر شما صالح باشید خداوند توبه کاران را می‌آمزد.﴾

۱. اسراء، ۲۶ - ۲۸: ﴿و حق نزدیکان را بپرداز و مستمندان و در راه مانده را، تیزیکندگان برادران شیاطین هستند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود. هرگاه از آنان رو بر نتابی انتظار رحمت پروردگارت را داشته باشی با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آن‌ها سخن بگو!﴾

۲. اسراء، ۲۹: ﴿و هرگز دستت را به گردنت زنجیر نکن و بیش از حد نیز دست خود را نگشا تا مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی.﴾

حضرت که کسی را از آن چه داشت محروم نمی‌کرد، پیراهنش را به او داد، خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ او را از بخل و رزی و ولخرجی نهی کرد که مبادا حسرت زده بدون جامه زمین‌گیر شود. امام صادق فرمود: «محسور یعنی برهنه.»

و قول خداوند: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ﴾ - یعنی از ترس فقر و گرسنگی، چون عرب‌ها فرزندان‌شان را به این خاطر می‌کشتند از این رو خداوند فرمود: ﴿نَحْنُ نَرِزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّا قَتَلُهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾^۲ او^۱

شفاعت پیامبر

۳. اما قول خداوند: ﴿عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۳ از سماعه نقل کرده است، می‌گوید:

«از امام صادق علیه السلام راجع به شفاعت پیامبر روز قیامت پرسیدم، فرمود: روز قیامت مردم غرق در عرق، می‌گویند: ما را نزد آدم ببرید تا نزد پروردگاران شفاعت کند، می‌آورند می‌گویند: ای آدم ما را نزد پروردگارت شفاعت کن! او می‌گوید: من خود خطایی دارم نزد نوح بروید! نزد نوح آیند او نیز رد می‌کند، پیامبران پشت سر هم رد می‌کنند تا به عیسی می‌رسد، می‌گوید: بر شما باد به محمد رسول خدا! خود را به او می‌رسانند و درخواست می‌کنند، می‌گوید: ببرید! آن‌ها را تا در بهشت می‌برند، خود [پیامبر اسلام]

۱. همان، ۳۱: ﴿و فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید، آن‌ها و شما را ما روزی می‌دهیم، چرا که قتل آن‌ها گناه بزرگی بوده و هست.﴾
 ۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۱ - ۲۳.
 ۳. اسراء، ۷۹: ﴿امید است خدا تو را به مقامی درخور ستایش برانگیزد.﴾

رو به در رحمت رفته و سجده‌ای طولانی می‌کند خداوند خطاب می‌کند سرت را بلند کن و شفاعت کن و درخواست شما پذیرفته و عطا می‌شود.»^۱

فرشته روح

۴. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾^۲ فرمود:

«آن فرشته‌ای است بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل و با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و با امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده است.»

در خبر دیگری آمده است که آن (روح) از عالم ملکوت است. اما قول خداوند: ﴿وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعاً﴾^۳ درباره عبدالله بن ابی‌امیه برادر ام‌سلمه (رحمة الله علیها) نازل شده است.

این بدان جهت بود که وی پیش از هجرت به مکه این را به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت، همین که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ راهی فتح مکه شد، عبدالله بن ابی‌امیه از او استقبال کرد و به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سلام داد ولی جواب سلام او را نداد و صورتش را برگرداند و چیزی در جواب او نگفت در حالی که خواهرش ام‌سلمه همراه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود، نزد وی آمد و گفت: خواهر! رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سلام همه را پذیرفت، ولی سلام مرا رد کرد و هم چون دیگران از من قبول نمی‌کند! وقتی که رسول

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵.

۲. اسراء، ۸۵: ﴿از تو درباره روح می‌پرسند بگو روح از فرمان پروردگار من است.﴾

۳. همان، ۹۰ و ۹۱: ﴿و آن‌ها گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم مگر از این

سرزمین چشمه پرآبی درآوری.﴾

خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ نزد امّ سلمه آمد، عرض کرد: یا رسول الله پدر و مادرم به فدایت! همه‌ی مردم به وسیله تو خوشبخت شدند جز برادر من، از میان عرب و قریش شما اسلام او را رد کرده‌ای در صورتی که اسلام همه‌ی مردم را قبول کرده‌اید! رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امّ سلمه! برادر تو مرا به شدت تکذیب کرد به طوری که کسی از مردم نکرد، او بود که گفت: ﴿لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعاً أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا رَعِمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَنَا بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قِيلاً أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ﴾^۱ امّ سلمه گفت: پدر و مادرم به فدایت! مگر شما نفرمودید: اسلام آن چه را که قبلاً بوده است (از خطاها) همه را می‌پوشاند؟ فرمود: آری، پس رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ اسلام او را قبول کرد.^۲

سجده بر چانه

۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر قول خداوند: ﴿وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا﴾^۳ فرمود:

۱. اسراء، ۹۰ - ۹۳: ﴿أَن هَا كَفْتُنْد: مَا هَرَكَزْ اِيْمَانِ نَمِيْ اُوْرِيْمِ مَكْرَ اِيْنِكْ اَز اِيْنِ سِرْزَمِيْنِ چِشْمَه اَبِيْ بَرَايِ مَا بِيُوْرِنِ اُوْرِيْ يَ اِيْنِكْ بَاغِيْ اَز دِرْخْتَانِ خِرْمَا وَ اَنْگُوْرِ دِرِ اِخْتِيَارِ تُوْ بَاشْدِ كِهْ جُوْبِيَارْهَآ وَ نَهْرْهَآ رَا دِرِ لَآبِلَايِ دِرْخْتَانِشْ بِهْ جَرِيَانِ اَنْدَازِيْ يَآ اَسْمَانِ رَا چِنَانِ كِهْ پَنْدَاْرِيْ قَطْعَهْ قَطْعَهْ بَرِ سِرْ مَا فِرُوْدِ اُوْرِيْ يَآ خِدَاوَنْدِ فِرَشْتِكَاْنِ رَا رُوْ دِرِ رُوِيْ مَا بِيَاوَرْدِ يَآ بَرَايِ تُوْ خَاْنَهْ پَرِنَقِشْ وَ نِكَاْرِيْ اَزِ طَلَا بَاشْدِ يَآ بِهْ اَسْمَانِ بَالَا رُوِيْ! حَتِّيْ اَكْرَ بِهْ اَسْمَانِ بَالَا رُوِيْ اِيْمَانِ نَمِيْ اُوْرِيْمِ مَكْرَ نَاْمَهْ اِيْ بَرِ مَا فِرُوْدِ اُوْرِيْ كِهْ اُنْ رَا بَخُوَانِيْمِ.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۶ - ۲۷.

۳. اسراء، ۱۱۰: ﴿نَمَازْتِ رَا زِيَادَ بَلَنْدِ نَخُوَانِ وَ زِيَادَ اَهْسْتَهْ هَمِ نَخُوَانِ!﴾

«صدا را بلند کردن و زیاد آهسته خواندن به طوری که خودت

نشنوی».

راوی می‌گوید: گفتم: مردی در پیشانیش زخمی است نمی‌تواند

سجده کند؟ فرمود:

«بین موهایش سجده کند اگر نه روی ابروی راستش، اگر نه

روی ابروی چپش و اگر نه روی چانه‌اش سجده کند» گفتم: بر

چانه‌اش؟ فرمود: «آری مگر کتاب خدا را نخوانده‌ای: ﴿يَخْرُونَ

لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا﴾^۱ و^۲

فضیلت مسجد کوفه

۶. هارون بن خارجه می‌گوید:

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «ای هارون! چه قدر بین منزل تو و

مسجد اعظم فاصله است؟» گفتم: نزدیک است. فرمود: «یک

میل می‌شود؟» گفتم: بلکه نزدیکتر است. فرمود: «بنابراین همه

نمازهایت را در آن نمی‌خوانی؟» گفتم: نه بخدا.

راوی می‌گوید: آن‌گاه با دستش اشاره کرد و چنین فرمود: «هیچ

فرشته‌ی مقرب و پیامبر مرسل و بنده صالحی نیست مگر در

مسجد کوفه نماز خوانده است حتی محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شبی که به

آسمان رفت، جبرئیل او را فرمان داد و گفت: یا محمد! این

مسجد کوفه است. فرمود: برای من اجازه بگیر تا دو رکعت نماز

در آن بخوانم. جبرئیل اذن گرفت و او پیاده شد و دو رکعت

۱. اسراء، ۱۰۷: ﴿سجده کنان به خاک می‌افتند﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰.

نماز خواند. سپس فرمود: مگر نمی‌دانی که سمت راست آن باغی از باغ‌های بهشت و سمت چپ آن باغی از باغ‌های بهشت است.

مگر نمی‌دانی نماز واجب آن‌جا معادل هزار نماز غیر آن‌جا و نماز نافله در آن‌جا برابر پانصد نماز و نشستن در آن‌جا بدون خواندن قرآن، عبادت است. سپس فرمود: این چنین با انگشتانش و آن‌ها را حرکت داد و فرمود: پس از آن دو مسجد (مسجد الحرام و مسجدالتبی)، هیچ مسجدی بالاتر از مسجد کوفه نیست.»^۱

نامه اعمال

۷. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ﴾^۲ فرمود:

«تمام عمل بنده را و آن‌چه در نامه‌ی عملش نوشته‌اند به خاطرش می‌آورند به طوری که گویی هم اکنون انجام داده است، از این رو گویند: ﴿يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا﴾^۳ و^۴

توبه کاران متعبّد

۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲. اسراء، ۱۴: ﴿نامه اعمال را خودت بخوان! کافی است که خودت امروز حسابگر خود باشی!﴾

۳. کهف، ۴۹: ﴿ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر این‌که آن را بشمار آورده است.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

غَفُوراً^۱ فرمود:

«ایشان توبه کاران متعبدند».^۲

سنت توبه کاران

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یا ابامحمد بر شما باد به ورع و اجتهاد و ادای امانت و راستگویی و همراهی خوب با کسی که همراه شماست و سجده‌های طولانی که از سنت‌های توبه کاران است. ابوبصیر گفت: آوایون همان توبه کارانند».^۳

نماز توبه کاران

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس چهار رکعت نماز بخواند؛ در هر رکعت پنجاه مرتبه قل هو الله احد، همان نماز فاطمه علیها السلام و نماز توبه کاران است».^۴

فدک

۱۱. ابان بن تغلب می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به فاطمه علیها السلام داد؟ فرمود:

«وقف او کرد، پس خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به عنوان حق فاطمه علیها السلام به وی داد، بلکه خداوند به او عطا کرد».^۵

۱. اسراء، ۲۵: ﴿خداوند به یقین توبه کاران را می‌آمرزد﴾.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۹۴.

مبذّر و مقتصد

۱۲. عبدالرحمان بن حجاج می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾^۱ پرسیدم، فرمود: «هرکه چیزی را در غیر طاعت خدا صرف کند مبذّر است و هرکه در راه خیر صرف کند مقتصد است.»^۲

اسراف نکن و خست نوز

۱۳. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند ﴿وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾ شنیدم، فرمود:

«از خدا بپرهیز، اسراف نکن و خست نوز بلکه بین آن دو معتدل باش، براستی که تبذیر نوعی ولخرجی است، خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾ محققاً خداوند اعتدال را عذاب نمی کند.»^۳

محسور یعنی...

۱۴. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر آیه ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾^۴ آورده است، که فرمود:

«محسور شدن یعنی در تنگنای زندگی قرار گرفتن.»^۵

۱. اسراء، ۲۶: ﴿هرگز دست به تبذیر و ولخرجی نیالی!﴾

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۳. همان.

۴. اسراء، ۲۹.

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۹.

مسئولیت در قبال اعضا و جوارح

۱۵. ابو جعفر می گوید:

نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت گفت: پدر و مادرم به فدایت! من وارد سایبانم می شوم، همسایه‌ای دارم که کنیزانی دارد، آواز می خوانند و عود می نوازند چه بسا جهت شنیدن ساز و آواز آن‌ها می خواهم بنشینم! فرمود: «این کار را نکن!» آن مرد گفت: به خدا که من به سراغ آن‌ها نمی روم تنها آوایی را با گوش می شنوم! امام علیه السلام فرمود: «مگر این قول خداوند: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^۱ را نشنیده‌ای؟» گفت: آری به خدا سوگند گویی که این آیه را از کتاب خدا از هیچ عجم و عربی نشنیده بودم، ناگزیر ان شا الله دوباره گوش نخواهم داد و از خداوند طلب آمرزش می‌کنم.

فرمود: «بلند شو، غسل کن و هرچه توانستی نماز بخوان که تو بر سر کار بزرگی بوده‌ای، اگر بر آن حال می‌مردی بدترین حال را داشتی، خدا را سپاس گو و از آن چه او نمی‌پسندد درخواست توبه کن که همه زشتی‌ها ناپسند اوست و کار زشت را به اهلش واگذار که هرچیزی اهلی دارد.»^۲

شراکت شیطان

۱۶. صفوان جمّال نقل می‌کند:

خدمت امام صادق علیه السلام بودم عیسی بن منصور اذن ورود به

۱. اسراء، ۳۶.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۳.

محضر آن حضرت را خواست، فرمود: «ای عیسی! تو را به فلانی چه کار؟ بدان که او تو را دوست نمی‌دارد.» عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! او حرف ما را می‌زند و کسی را دوست می‌دارد که ما دوست می‌داریم! فرمود: «او نخوت ابلیس را دارد» عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! مگر ابلیس نمی‌گفت: ﴿خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾^۱؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای متعال می‌فرماید: ﴿وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾^۲ بنابراین شیطان این چنین - انگشتانش را بهم نزدیک کرد - شریک فرزند آدم می‌شود.»^۳

در هر زمان امامی هست

۱۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«زمین بدون امامی که حلالش را حلال و حرامش را حرام داند و اگذارده نشود و همان است قول خدای تعالی: ﴿يَوْمَ تَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ﴾ سپس فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: هر که بمیرد بدون (اعتقاد به) امام به مرگ جاهلیت مرده است.»^۴

اگر همراهی ما رامی خواهید

۱۸. محمد بن حمران به نقل از امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. اعراف، ۱۲: ﴿مرا از آتش آفریده‌ای او را از خاک و گل.﴾

۲. اسراء، ۶۴.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۸.

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۱۱.

«اگر می‌خواهید روز قیامت با ما باشید در حالی که یکدیگر را لعنت نکنیم، پس از خدا بترسید و او را اطاعت کنید زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَشْرَوْنَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾»^۱

دلوک شمس

۱۹. امام صادق عليه السلام در تفسیر این آیه: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى

عَسَقِ اللَّيْلِ﴾ فرمود:

«دلوک شمس، غروب آن در دل آسمان است ﴿إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ﴾ تا نیمه شب است که خداوند بین این دو چهار نماز: ظهر، عصر، مغرب و عشا را واجب کرده است.

﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ یعنی قرائت ﴿إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾^۲ فرمود: «در نماز صبح جزئی از فرشتگان شب و روز اجتماع می‌کنند و چون زوال آفتاب برسد، هنگام دو نماز (ظهر و عصر) رسیده است پیش از آن جز تسبیح که سنت بر آن جاری است، نباید کاری بکند ﴿وَقُرْآنَ الْفَجْرِ﴾ دو رکعت صبح است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را قرار داد و برای مردم تعیین کرد.»^۳

فرشتگان شب و روز

۲۰. زراره، حمران و محمدبن مسلم از امام باقر و امام صادق علیهما السلام

در تفسیر قول خداوند: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ

۱. همان.

۲. اسراء، ۷۸: ﴿و هم چنین قرآن فجر (نماز صبح) را چرا که قرآن فجر مشهود فرشتگان شب و روز است.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۱۵.

الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» آورده است، فرمود:

«نمازها همگی در این آیه جمع است، دلوک شمس زوال ظهر و غسق لیل نیمه شب است»

و فرمود:

«همه شب ندادهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: هرکه از وقت نماز عشا تا این ساعت خوابیده باشد چشمانش نخوابد! و فرمود ﴿قُرْآنَ الْفَجْرِ﴾، «نماز صبح است» و اما قول خداوند: ﴿كَانَ مَشْهُوداً﴾ فرمود: «فرشتگان شب و فرشتگان روز همگی حضور می‌یابند.»^۱

دعای ادای دین

۲۱. عبدالله بن سنان می‌گوید: به امام صادق علیه السلام (از تنگدستی)

شکایت کردم، فرمود:

«نمی‌خواهی چیزی را به تو بیاموزم که اگر بگویی خداوند دینت را ادا کند و حالت را بهبود بخشد!» عرض کردم: چقدر به آن نیاز دارم آن دعا را به من تعلیم دهید! فرمود: «پس از نماز صبح بگو: ﴿تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيراً، اَللّهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَمِنْ غَلْبَةِ الدَّيْنِ وَالسُّقْمِ وَ اَسْأَلُكَ اَنْ تُعِينِنِى عَلَى اَدَاءِ حَقِّكَ اِلَيْكَ وَ اِلَى النَّاسِ﴾^۲

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲. اسراء، ۸۴: ﴿اعتماد دارم بر آن زنده‌ای که هرگز نمیرد و سپاس از آن خدایی است که فرزند و شریک در سلطنت ندارد و او را یوری عزت‌افزا نیست و او را به بزرگی یاد کن! خدایا از بیچارگی و فقر و از فشار قرض و بیماری به تو پناه می‌برم و درخواست دارم که مرا بر ادای حق خودت و مردم یاری نمایی!﴾

انتقام خون امام حسین علیه السلام

۲۲. محمد بن سنان بایک واسطه نقل کرده است، می گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: «وَمَنْ قُتِلَ مُظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»^۱ را پرسیدم، فرمود:

«آن درباره‌ی قائم آل محمد است که خروج می‌کند و به انتقام خون حسین علیه السلام می‌کشد. و قول خداوند: «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ»^۱ او کاری را که اسراف باشد نمی‌کند.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند که فرزندان قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر (رضایت آن‌ها به) کار پدرانشان می‌کشد.»^۲

قرآن فجر

۲۳. از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^۳ پرسیدند، فرمود:

«آن دو رکعت نماز پیش از نماز صبح است» و ما از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کردیم که چون آن حضرت و اصحابش پیش از این که دو رکعت فجر و پس از آن نماز صبح را بخوانند چون هردو از ایشان فوت شده بود، قضای هردو را بجا آوردند.»^۴

۱. اسراء، ۳۳: ﴿... چرا که او مورد حمایت است.﴾

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۶۳.

۳. اسراء، ۷۸: ﴿و هم چنین نماز صبح را چرا که قرآن فجر مشهود است.﴾

۴. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۰.

تفسیر آیاتی از سوره کهف

عبادت به قصد خودستایی

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^۱ آورده است، فرمود:

«آن بنده‌ای است که چیزی از طاعات خدا را بجا می‌آورد، نه به قصد رضای خدا بلکه هدفش خودستایی بین مردم است، دوست دارد مردم آن را بشنوند! این کسی است که نسبت به عبادت پروردگارش مشرک است.»

فرمود:

«بنده‌ای نیست که کار خوبی را پنهان سازد مگر پس از گذشت زمانی خداوند آن نیکی را برای او ظاهر سازد و هیچ بنده‌ای نیست که کار بدی را پنهان سازد، مگر خداوند پس از گذشت مدتی برایش همان بدی را فاش گرداند!»^۲

۱. کهف، ۱۱۰: ﴿و نباید کسی را در عبادت پروردگارش شریک سازد.﴾

۲. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۶۷.

اصحاب کهف

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«سبب نزول سوره‌ی کهف آن است که قریش سه نفر را به نجران فرستادند: نضر بن حارث بن کلد، عقبه بن ابی معیط و عاص بن وائل سهمی را تا از یهود و نصارا مسائلی را یاد بگیرند و همان‌ها را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بپرسند! به نجران نزد دانشمندان یهود رفتند و از آن‌ها پرسیدند! گفتند: سه مسأله پرسید اگر او (پیامبر) مطابق آن‌چه نزد ماست جواب داد پس او صادق است ولی اگر تنها ادعای دانستن آن‌ها را کرد، او دروغگو و کاذب است!

گفتند: راجع به جوانمردان که در زمان پیشین بوده‌اند از او بپرسید! همان‌ها که بیرون رفتند و از نظرها ناپدید گشتند و (در غار) خوابیدند، چه مدتی در خواب بودند تا بیدار شدند و چند نفر بودند و غیر از خودشان چه چیز با آن‌ها بود و داستان آن‌ها چیست؟ و راجع به موسی علیه السلام پرسید موقعی که خداوند او را فرمان داد که از آن عالم پیروی کند و از او بیاموزد، او که بود و چگونه از او پیروی کرد و داستان او با وی چگونه بود؟ و از او راجع به گردشگری که از مغرب و مشرق آفتاب دور زد تا به سدّ یا جوج و مأجوج رسید، بپرسید او که بود و داستان‌ش چگونه بود؟ و انگهی پاسخ او را به این سه مسأله بنویسید! و به آن‌ها گفتند: اگر مطابق املائی ما بر شما جواب داد راستگوست و اگر بر خلاف آن جواب داد پس حرف‌های او را باور نکنید!

گفتند: مسأله چهارم چیست؟ گفت: از او بپرسید: قیامت چه وقت است؟ اگر ادعا کرد که من می‌دانم پس دروغگوست زیرا که زمان قیامت را جز خدای تعالی کسی نمی‌داند!

آن‌ها به مکه برگشتند و نزد ابوطالب جمع شدند، گفتند: یا اباطالب! برادرزاده‌ی تو معتقد است که از آسمان به او خبر داده می‌شود و ما چند مسأله از او می‌پرسیم اگر از آن‌ها جواب داد که او راستگوست ولی اگر جواب ما را نداد پس دروغگوست. ابوطالب گفت: آن‌چه خواستید از او بپرسید! پس آن سه مسأله را پرسیدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فردا جواب شما را می‌دهم و استثنانکرد (ان شاء الله نگفت) تا چهل روز وحی نیامد به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غمگین شد و اصحابش که به وی ایمان آورده بودند دچار شک و تردید شدند و قریش خوشحال گشتند و او را مسخره کردند و آزرند و ابوطالب محزون گشت.

چون روز چهلم شد، سوره‌ی کهف نازل شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل! دیر کردی؟ عرض کرد: من بدون اذن خدا نمی‌توانم چیزی نازل کنم! پس این آیه نازل شد: ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: «اصحاب کهف و رقیم در زمان پادشاه ستمگر سرکشی بودند که مردم کشورش را به بت پرستی دعوت می‌کرد و هرکس که نمی‌پذیرفت او را می‌کشت. در صورتی که آن‌ها مردم با ایمانی بودند؛ خدای عزوجل را می‌پرستیدند. پادشاه به دروازه‌ی شهر، مأمورانی گمارد و کسی را اجازه‌ی بیرون رفتن نداد تا بت‌ها را بپرستند

۱. کهف، ۹ و ۱۰: ﴿أَيَاغْمَان كَرَدَى اصْحَاب كَهْف وَ رَقِيم از آیات عجیب ما بودند؟ زمانی را به خاطر بیاور که آن جوانان به غار پناه بردند و گفتند: پروردگارا ما را از سوی خودت رحمتی کن و راه نجاتی برای ما فراهم ساز!﴾

ولی این عده (جوانمردان) به حيله شکار کردن بیرون شدند؛ توضیح این که در بین راهشان به چوپانی برخورد کردند او را به عقیده‌ی خودشان دعوت کردند و او نپذیرفت و آن چوپان سگی داشت که آن سگ حرف آن‌ها را قبول کرد و به همراه ایشان رفت!

امام صادق علیه السلام فرمود: «از چهار پایان جز سه چیز وارد بهشت نمی‌گردد: الاغ بلعم بن باعورا، گرگ یوسف علیه السلام و سگ اصحاب کهف.» اصحاب کهف با حيله شکار به خاطر فرار از آیین آن شاه از شهر بیرون رفتند، چون شب فرا رسید وارد آن غار شدند و سگ نیز با آن‌ها بود خداوند خواب سبکی بر آن‌ها افکند، چنانکه خدای تعالی فرموده است: ﴿فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكُهْفِ سِنِينَ عَدَدًا﴾^۱ پس آن‌ها به خواب رفتند تا این که آن پادشاه را خداوند هلاک ساخت و اهل مملکت او نابود شدند و آن زمان سپری شد و زمان دیگری و قوم دیگری پدیدار شد.

آن‌گاه از خواب بیدار شدند به یکدیگر گفتند: ما چقدر در این جا به خواب رفته‌ایم؟ به آفتاب نگاه کردند که بالا آمده بود گفتند: یک روز یا قسمتی از روز را خواب بودیم! سپس به یکی از خودشان گفتند: این پول را بردار و ناشناس وارد شهر بشو که تو را ناشناسند طعامی برای ما بخر! چرا که اگر آن‌ها از ما اطلاع پیدا کنند ما را می‌کشند یا ما را به آیین خودشان بازمی‌گردانند! آن مرد آمد، شهر را برخلاف آن چه در ذهنش بود مشاهده کرد و گروهی را برخلاف آن‌ها که دیده بود، دید؛ آن‌ها را شناخت و آن‌ها زبان او را نفهمیدند و او هم زبان آن‌ها را!

۱. کهف، ۱۱: ﴿پس ما پرده خواب را در غار بر گوششان زدیم و سال‌ها در خواب

پرسیدند: تو کیستی و از کجا آمده‌ای؟ به آن‌ها خبر داد و صاحب آن شهر با یارانش به همراه آن مرد رفتند تا در غار ایستادند و شروع به بررسی آن غار کردند، بعضی گفتند: این‌ها سه نفر و چهارمی آن‌ها سگشان است و بعضی گفتند: پنج نفرند و ششمین آن‌ها سگ آن‌هاست و بعضی گفتند: هفت نفرند و هشتمی آن‌ها سگشان است و خداوند آن‌ها را با حجابی از ترس و هراس پوشاند و کسی جرأت ورود بر ایشان را نداشت جز همراهیشان.

او هم وقتی که بر ایشان وارد شد آن‌ها را بیمناک یافت، مبادا یاران دقیانوس از آن‌ها اطلاع یافته باشند و به پادشاهشان خبر دهند. آری آن‌ها این مدت طولانی را خفته بودند و آیتی برای مردم بودند، از این رو گریستند و از خدا خواستند که به خوابگاهشان چنانکه بودند بازگرداند. سپس آن پادشاه گفت: سزاوار است که ما در این جامسجدی بنا کنیم و آن را زیارت کنیم چرا که این‌ها گروهی با ایمان بودند!

آن‌ها در هر سال یک پهلوی به پهلوشدنی داشتند، شش ماه به پهلوی راست می‌خوابیدند و شش ماه به پهلوی چپ و سگ آن‌ها بازوهایش را در جلوی غار گشوده بود و آن است قول خداوند: ﴿وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ﴾^۱ یعنی به آستانه غار. ﴿وَكَذَلِكَ أَعْرَضْنَا عَلَيْهِمْ﴾^۲ آن‌هایی که تا در غار رفتند ﴿سَبْعَةً وَتَامَتْهُمْ كَلْبُهُمْ﴾ پس خداوند به پیامبرش فرمود: ﴿قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ سپس خبر ایشان را قطع کرد و فرمود: ﴿فَلَا تَمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾^۳

۱. کهف، ۱۸: ﴿و سگ آن‌ها دست‌هایش را بر دهانه غار گشوده بود.﴾

۲. همان، ۲۱: ﴿و این چنین مردم را متوجه حال آن‌ها کردیم.﴾

۳. کهف، ۲۲: ﴿آن‌ها هفت نفرند و هشتمی آن‌ها سگ آن‌ها بود، بگو: پروردگار هم

﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ﴾ او را خبر داد که چهل روز و وحی باز داشته شد؛ چون او به قریش گفت: فردا جواب مسائل شما را می‌دهم و استثنایی (ان شاء الله) نکرد پس خداوند فرمود: ﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَادْخُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾^۱

سپس به خبر اول که از قول ایشان نقل کرد، آن‌ها می‌گویند: سه نفرند، چهارمی آن‌ها سگشان است عطف کرد: ﴿وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾ و آن حکایت از قول ایشان است و عبارت همان خبر است و دلیل بر این که آن حکایت از قول آن‌هاست قول خداوند: ﴿قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۲ است.^۳

توجه به فقرا

۳. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا﴾ آورده است که امام صادق علیه السلام فرمود:
«این آیه چنین نازل شد: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ﴾ یعنی ولایت علی علیه السلام -

۴. من از تعداد آن‌ها آگاه‌تر است جز گروه کمی تعداد آن‌ها را نمی‌دانند و درباره آن‌ها جز با دلیل سخن نگو و از هیچ کس درباره تعداد آن‌ها نپرس! ﴿
۱. کهف، ۲۳ و ۲۴: ﴿هرگز در مورد کاری نگو: من فردا آن را انجام می‌دهم مگر این که خدا بخواهد، هنگامی که یاد خدا را فراموش کردی پروردگارت را به خاطر بیاور و بگو: امیدوارم پروردگارم مرا به راهی روشن‌تر از این هدایت کند.﴾
۲. همان، ۲۵ و ۲۶: ﴿آن‌ها در غار خود سیصد سال درنگ کردند و نه سال بر آن افزودند، بگو: خداوند از مدت توقف آن‌ها آگاه‌تر است چرا که غیب آسمان‌ها و زمین از آن اوست.﴾

۳. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۶۷.

فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ - به آل محمد - نَاراً
أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ - فرمود: مهل آن چیزی
است که در اصل روغن جوشیده می ماند - يَشْوِي الْوُجُوهُ بِسَسِّ الشَّرَابِ وَ
سَاءَتْ مُرْتَفَقاً^۱.

آن گاه آن چه را که خداوند برای مؤمنان فراهم کرده است، آن ها را
یاد کرده، می گوید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ
أَحْسَنَ عَمَلًا أَوْ لِيكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ
أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُندُسٍ وَاسْتَبْرَقٍ مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى
الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثُّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقاً^۲ و قول خداوند: ﴿وَأَضْرَبَ لَهُمْ مَثَلًا
رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بَسْنَخِلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا
زُرْعًا^۳ فرمود: «در باره ی مردی نازل شد که دو باغ بسیار بزرگ پر
خرما داشت، آن طوری که خداوند حکایت کرده و در آن باغ ها خرما

۱. کهف، ۲۹: ﴿بگو: این حقیقتی است از سوی پروردگارتان، هر کس می خواهد
ایمان بیاورد و هر کس می خواهد کافر گردد. ما برای این ستمگران آتشی فراهم
کرده ایم که سرپرده اش آن ها را از هر سو احاطه کرده است. ولی در جهنم هنگامی
که تقاضای آب کنند آبی برای آن ها می آورند چون فلز گداخته که صورت ها را
بریان می کند چه بد نوشیدنی است و چه بد جایگاه اجتماعی است!﴾

۲. کهف، ۳۰ و ۳۱: ﴿آن ها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، ما پاداش
نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد، آنان کسانی هستند که بهشت های جاویدان از آن
آن هاست که نهرها از زیر درختان و قصرهایش جاری و آن ها در آن جا با
دستبندهایی از طلا آراسته اند و لباس های فاخر سبز رنگ از حریر نازک و ضخیم
در بر، بر تخت ها تکیه زده اند، چه پاداش خوبی و چه جمع نیکوی دوستانه!﴾

۳. همان، ۳۳: ﴿برای آن ها آن دو مرد را مثال بزن که برای یکی از آن ها دو باغ از
انواع انگورها قرار دادیم و اطراف آن دو را با درختان خرما پوشانیدیم و در میانشان
زراعت پربرکتی قرار دادیم.﴾

و زراعت بود و همسایه فقیری داشت، این ثروتمند بر آن فقیر مباحثات می‌کرد و می‌گفت: ﴿أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ - و وارد بوستانش شد - وَقَالَ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا﴾^۱

آن فقیر گفت: ﴿أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا لَكِنَّ هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا﴾^۲ آن‌گاه فقیر به آن ثروتمند گفت: ﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾ باز همان فقیر گفت: ﴿فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَيُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا أَوْ يُصْبِحُ مَاءً غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا﴾^۳

پس در همان شب که فقیر آن حرف را زده بود، حادثه‌ای رخ داد، ثروتمند صبح کرد در حالی که: ﴿يَتَلَبُّ كَفَيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةً يَتَسَوَّرُونَ﴾

۱. همان، ۳۴ - ۳۶: ﴿من از نظر ثروت بر تو برتری دارم و نفرا تم بیشتر است، درحالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، گفت: من گمان نمی‌کنم هرگز این باغ نابود شود و باور نمی‌کنم قیامت برپا گردد، اگر به پروردگارم بازگردانده شوم جایگاهی بهتر از این‌جا را خواهم یافت!﴾

۲. کهف، ۳۷ و ۳۸: ﴿دوست وی در حال گفتگو به او گفت: آیا به خدایی که تو را از خاک سپس از نطفه آفرید سپس مرد کاملی ساخت کافر شدی؟ او گفت من کسی هستم که الله پروردگار من است و کسی را شریک او نمی‌دانم.﴾

۳. کهف، ۳۹ - ۴۱: ﴿چرا وقت ورود به باغت نگفتی این نعمتی است که خدا خواسته است؟ اگر می‌بینی من مال و فرزندانم از تو کمتر است شاید پروردگارم بهتر از باغ تو را به من دهد و مجازات حساب شده‌ای از آسمان فرستد و باغ تو را به زمین خشکی مبدل کند و این چشمه و آب را فرو برد و تو نتوانی آن را بجویی.﴾

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مَنَّصِراً^۱ ﴿ این است مجازات سرکشی! و قول خداوند: ﴿وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلاً^۲﴾

امر به معروف و نهی از منکر

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«ای مردم! امر به معروف و نهی از منکر کنید، زیرا که امر به معروف و نهی از منکر نه اجل کسی را نزدیک و نه روزی کسی را دور می‌کند. چرا که این امر مانند قطره‌های باران در هر روز برای هر کس به مقداری که خداوند مقدر کرده است از آسمان بدون کم و زیاد در خانواده، مال یا جان نازل می‌شود و چون کسی از شما را مصیبتی در مال یا جان رسید و در نزد برادرش آرامش را دید نباید برای او آزمونی باشد! زیرا که فرد مسلمان تا

۱. همان، ۴۲ و ۴۳: ﴿ او مرتب دست‌هایش را می‌مالید و به فکر مخارجی بود که همه بر باد رفته و بر پایه‌ها فرو ریخته بود، می‌گفت: کاش احدی را شریک پروردگارم نمی‌دانستم کسانی را جز خدا نداشت که او را یاری دهند و خود نمی‌توانست خویشتن را یاری کند. ﴿

۲. همان، ۴۵ و ۴۶: ﴿ زندگی دنیا را برای آن‌ها به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم و بدان وسیله گیاهان زمین درهم می‌رود و بعد از مدتی می‌خشکد بادها آن را به هر سو پراکنده می‌کند. آری خداوند به هر چیزی توانا بوده و هست، اموال و فرزندان زینت حیات دنیایند، باقیات صالحات ثوابش نزد پروردگار بهتر و امیدبخش‌تر است. ﴿

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱ - ۳۴.

وقتی که پستی باطنی خود را ظاهر نکرده و چون توجه کند گرفتار آن است شکسته شود و مردمان پست مانند بیمار فلجی که منتظر بازگشت کاسه خالی است فریب او را می‌خورند که بدان وسیله به غنیمتی برسد و غرامتی را از او دور سازد، هم‌چنین مسلمان پاک از خیانت و دروغ منتظر یکی از دو خوبی است: یا از جانب خدا فراخوانند (به لقای رحمت خدا رود) که آن‌چه نزد خداست برای او بهتر است و یا روزی الهی که با وجود خانواده و ثروت دین و شخصیت هم دارد در حالی که مال و فرزندان بهره دنیاست ولی عمل صالح کِشت آخرت است و خداوند هر دوی آن‌ها را برای اقوامی جمع می‌کند.»^۱

رجعت و قیامت

۵. قول خداوند: ﴿وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾^۲ از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا﴾^۳ پرسیدند، فرمود:

«مردم در آن باره چه می‌گویند؟» گفتیم: آن‌ها می‌گویند: آن در قیامت است. امام علیه السلام فرمود: «خداوند روز قیامت از هر امتی گروهی را محشور می‌کند و بقیه را وامی‌گذارد؛ البته که این مربوط به رجعت است، اما آیه قیامت این است: ﴿وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا وَعَرَضُوا

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۵.

۲. کهف، ۴۷: ﴿رُوزِي كِه كَوِهَهَا رَا بِه حَرَكْتِ دَرْمِي اَوْرِيْم وَ زَمِيْن رَا صَاف وَ هَمِه چِيْز رَا دَر اَن نَمَايَان مِي بِيْنِي. مَا هَمِه اَن هَا رَا دَر اِيْن هَنْگَام مَحْشُوْر مِي كَنِيْم بِه گُوْنِه اِي كِه يَك نَفْر رَا تَرْك نَخَوَاهِيْم كَرْد.﴾

۳. نمل، ۸۳: ﴿رُوزِي كِه مَا اَز هَر اَمْتِي گُرُوْهي رَا مَحْشُوْر مِي كَنِيْم.﴾

عَلَى رَبِّكَ صَفًا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا»^۱ که آیه از محکمات است.

قول خداوند: «وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُعَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا»^۲ فرمود: «هر چه کرده اند همه را مکتوب می یابند. و قول خداوند: «وَمَا كُنْتُمْ تُتَّخَذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا - یعنی یاور - وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا - یعنی پوشش. و قول خداوند: «وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُهَا»^۳ یعنی بدانند پس این ظن یقین است. و قول خداوند: «وَمَا مَعَ النَّاسِ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ يُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ - یعنی به دلیل بیهوده با هم دشمنی می کنند - لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ - یعنی حق را دفع کنند - وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا نذَرُوا هُزُوعًا وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَ نَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِن

۱. کهف، ۴۷ و ۴۸: ﴿ ما همه آن ها را در این هنگام محسوس می کنیم حتی یک نفر را

ترک نخواهیم کرد؛ همه در یک صف به پروردگارت عرضه می شوند، شما همگی نزد ما آمدید همان طوری که در آغاز شما را آفریدیم اما شما گمان کردید که موعدی برایتان مقرر نخواهیم کرد. ﴿

۲. همان، ۴۹: ﴿ و کتاب گذارده می شود گنهکاران را می بینی که از آن چه در آن است هراسانند، گویند: وای بر ما این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را نگذاشته مگر به شمار آورده است و پروردگارت به کسی ستم نمی کند. ﴿

۳. همان، ۵۱ - ۵۳: ﴿ من هیچگاه گمراه کنندگان را دستیار خود قرار نمی دهم، روزی که می گوید: همتیانی را که می پنداشتید، صدا بزنید، آن ها را می خوانند ولی پاسخ نمی دهند، در میان این گروه کانون هلاکتی قرار دادیم و گنهکاران آتش را می بینند و یقین دارند که با آن درمی آمیزند. ﴿

تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا وَ رَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَّ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدًا ﴿۱﴾ که از محکمات است. و قول خداوند: ﴿لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا﴾ یعنی پناهگاهی - وَ تِلْكَ الْقُرَى - یعنی اهل آبادی ها - أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ جَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ﴿۱﴾ یعنی روز قیامت تا وارد دوزخ شوند.

چون رسول خدا ﷺ خبر اصحاب کهف را به قریش داد، گفتند: به ما بگو: آن عالمی که خداوند موسی عَلَيْهِ السَّلَام را امر کرد که در پی او برود، داستانش چه بود؟ خداوند متعال این آیه را نازل کرد: ﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ لَا تَبْرَحْ حَتَّىٰ أَتُفْعِلَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْكِي حُفْبًا﴾^۲ فرمود: علتش آن بود که چون موسی عَلَيْهِ السَّلَام به نوعی با خدا سخن گفت و الواح بر او نازل شد و در آن الواح چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ﴾^۳ موسی نزد بنی اسرائیل برگشت و

۱. کهف، ۵۵ - ۵۹: ﴿ چیزی مردم را بازداشت از این که ایمان آورند و از پروردگارش طلب آموزش کنند جز این که سرگذشت پیشینیان برای آنان بیاید و یا عذاب الهی در برابرشان باشد ما پیامبران را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم، کافران مجادله باطل می کنند تا حق را بدان وسیله از میان بردارند و آیات ما که وعده داده شده اند به مسخره می گیرند. چه کسی ستمکارتر از آن هاست که هنگام تذکر آیات پروردگارش روبرمی گردانند و کارهای گذشته را فراموش می کنند چرا که ما در دل هایشان پرده افکنده ایم تا نفهمند و گوش هایشان را سنگین تا صدای حق را نشنوند لذا اگر آن ها را به هدایت خوانی نپذیرند، پروردگارت آمرزنده و صاحب رحمت است ولی آن ها موعدی دارند که راه فرار نیابند و اهل این آبادی ها را به هنگام ستم هلاک کردیم و موعدی برای هلاکشان قرار دادیم. ﴿

۲. همان، ۶۰: ﴿ هنگامی که موسی به همراهیش گفت: من دست از جستجو بر نمی دارم تا به محل برخورد دو دریا برسم هر چند طول بکشد ﴿

۳. اعراف، ۱۴۵: ﴿ در الواحی که به موسی نازل کردیم پند و اندرز کافی از هر ﴿

منبر رفت و به ایشان خبر داد که خداوند تورات را بر او نازل کرده است و با او سخن گفته، با خود گفت: خداوند مخلوقی بزرگ‌تر از من نیافریده است! از این رو خداوند به جبرئیل وحی کرد که موسی را دریاب! که هلاک شد و به او اعلام کن که در نزد بر خورد دو دریا کنار آن سنگ بزرگ، مردی داناتر از تو است، نزد وی برو! و از علم او بیاموز!

جبرئیل به موسی نازل شد و به او خبر داد، موسی در نزد خود خوار شد و دانست که خطا کرد و ترسی بر دل او وارد شد، به وصی خود یوشع بن نون فرمود: خداوند مرا فرمان داده است که پی مردی کنار محل برخورد دو دریا بروم و از او چیزی بیاموزم! یوشع ماهی نمک زده‌ای را توشه راه برداشت، هر دو بیرون شدند.

چون بیرون آمدند و به آن محل رسیدند، مردی را دیدند به پشت خوابیده او را شناختند، وصی موسی آن ماهی را در آورد و آن را با آب شست و روی سنگ بزرگ گذاشت و رفتند و ماهی را فراموش کردند و آن ماهی زنده شد و داخل آب رفت، موسی و یوشع به همراه او رفتند تا شامگاه، موسی به وصیش گفت: ﴿آتِنَا غَدَاْنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا﴾^۱ یعنی رنج دیدیم.

وصی موسی به یاد ماهی افتاد و به موسی گفت: من ماهی را روی آن سنگ فراموش کرده‌ام.

موسی گفت: آن مردی را که کنار آن سنگ دیدیم همان بود که می‌خواستیم پس پشت سراز همان راه برگشتند نزد آن مرد در حالی که

۱. چیز و شرح امور را نوشتیم. ﴿

۱. کهف، ۶۲: ﴿غَدَاِي مَا رَا بِيَاوُرَ كَهْ اَز اِيْن سَفَرِ خَسْتَه شَدِه اِيْم!﴾

او مشغول نمازش بود، موسی نشست تا او از نمازش فارغ شد بر آن دو سلام داد.^۱

فقط ولایت علی علیه السلام

۶. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ فرمود: «در آفرینش زیرا که وی در آفرینش مانند ایشان مخلوق است»، ﴿يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾^۲ فرمود: «یعنی با ولایت آل محمد ولایت دیگران رانمی پذیرد، ولایت ایشان همان عمل شایسته است، بنابراین هر کس به عبادت پروردگارش مشرک شود در حقیقت به ولایت ما (اهل بیت) مشرک شده و به آن کفر ورزیده است و حق امیرالمؤمنین و ولایت او را انکار کرده است.»^۳

گفتم: قول خداوند: ﴿الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي﴾؟^۴ فرمود: «منظور از ذکر ولایت علی علیه السلام است و آن قول خداوند ذِکْرِي می باشد» گفتم: ﴿لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا؟﴾ فرمود: «آن ها به خاطر کینه زیاد و دشمنی نسبت به وی و خاندانش نمی توانستند یاد علی علیه السلام را تحمّل کنند!» گفتم: قول خداوند: ﴿أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ...﴾ یعنی آن دو نفر و پیروان ایشان را به جای خدا دوست خود گرفتند و معتقد بودند که دوستی ایشان آن ها را از عذاب خدا نجات می دهد و به خاطر دوستی ایشان کافر شدند.»

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۱ - ۳۷.

۲. کهف، ۱۱۰.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۶.

۴. کهف، ۱۰۱: ﴿أَن هَا كَه پَرْدَه‌ای از یَاد من چشمانشان را پوشانده بود.»

گفتم: قول خداوند: ﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا﴾^۱ یعنی آن جا منزل آن دو و پیروان ایشان از جانب خدا آماده است» پرسیدم: «نُزُلًا» یعنی چه؟ فرمود: «منزل و مأوی»^۲.

اصحاب کهف و رقیم

۷. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾^۳ آورده است، فرمود:
«آن ها گروهی بودند که فرار کردند و پادشاه زمان ایشان نام آن ها و نام پدران و قبیله شان را در صفحاتی از مس نوشته بود، آن است قول خداوند: ﴿أَصْحَابِ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ﴾»^۴.

کم و زیادی ایمان

۸. ابو عمرو زبیری می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من کم و زیادی ایمان را می فهمم، زیادی ایمان از کجا می آید و چه دلیلی دارد؟
فرمود:

«قول خداوند: ﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَى رِجْسِهِمْ﴾»^۵

۱. کهف، ۱۰۲: ﴿أَيَّا كَافِرَانِ يَشْرِكُونَ﴾ می توانند بندگانم را به جای من سرپرست خود انتخاب کنند ما جهنم را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم. ﴿
۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۷.
۳. کهف، ۹: ﴿أَيَّا كَافِرَانِ يَشْرِكُونَ﴾ می توانند کفری و رقیم از آیات عجیب ما بودند. ﴿
۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ۳۲۱.
۵. توبه، ۱۲۴ و ۱۲۵: ﴿هنگامی که سوره ای نازل می شود بعضی از منافقان

تفسیر آیاتی از سوره کهف □ ۴۵۱

و فرمود: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاَهُمْ هُدًى﴾^۱ و اگر ایمان همه یکی بود بدون زیاد و کم هیچکدام بر دیگری فضیلتی نداشت و نعمت ایمان و نیز مردم برابر نبودند و برتری باطل بود در صورتی که به تمام بودن ایمان، مؤمنان وارد بهشت می‌شوند و با فزونی ایمان مؤمنان در پیشگاه خدا برتری درجات یافته و با کاستی آن در دوزخ سقوط کنند.^۲

سپر در برابر آتش

۹. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است،

فرمود:

«سپرهایتان را بگیرید! گفتند: یا رسول‌الله! دشمنی در کار است؟ فرمود: نه، بلکه سپرهایتان را در برابر آتش! گفتند: یا رسول‌الله! سپرهای ما در برابر آتش دوزخ چیست؟ فرمود: (ذکر) سبحان‌الله وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. زیرا که این‌ها روز قیامت در حالی می‌آیند که مقدمات و مؤخراتی و منجیات و معقباتی دارند و این‌ها باقیات صالحات و ارزش‌های پایدارند.»

سپس امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»^۳ فرمود: «یاد

می‌گویند: کدام یک از شما را این سوره افزون ساخت؟ اما مؤمنان را نزول این آیات بر ایمانشان افزوده و آن‌ها خوشحالتند ولی آن‌ها که در دلشان بیماری است بر پلیدی آن‌ها افزوده شود. ﴿

۱. کهف، ۱۳: ﴿ما داستان آن‌ها را به حق برای تو بازگو می‌کنیم آن‌ها جوانانی بودند

که به پروردگارش ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم. ﴿

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۴.

۳. عنکبوت، ۴۵: ﴿البته یاد خدا بالاتر است. ﴿

خدا در جایی که او حلال فرموده یا حرام کرده و نظیر آن و مؤخرات».^۱

زینت آخرت

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خدای عزوجل فرموده است: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾^۲ همان طوری که هشت رکعت نمازی که بنده آخر شب بجا می آورد زینت آخرت است.»^۳

طعام

۱۱. حفص بن بختری در تفسیر قول موسی به همسفرش: ﴿آتِنَا عَدَاءَنَا﴾^۴ و قول وی: ﴿فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾^۵ از قول امام صادق علیه السلام نقل کرده است، فرمود: «منظورش خوراکی بود، چرا که موسی سخت گرسنه بود.»^۶

خضر

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «موسی منبر رفت، منبر وی سه پله داشت، (لحظه ای) با خود گفت: خداوند داناتر از مرانیافریده است! جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: تو گرفتار (خودپسندی) شدی، از منبر

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۹.

۲. کهف، ۴۶: ﴿اموال و فرزندان زینت حیات دنیا هستند.﴾

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۹.

۴. کهف، ۶۲: ﴿غذای ما را بیاور.﴾

۵. قصص، ۲۴: ﴿خدایا هر خیر و نیکی بر من فرستی به آن نیازمندم.﴾

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۳۵.

پایین بیا که در زمین داناتر از تو وجود دارد سراغ او برو!
 پس به یوشع پیام داد که من گرفتار شدم، توشه‌ی راهی برای ما
 فراهم کن و با ما بیا! [از ماهی‌های زنده] یک ماهی خرید و راهی
 آذربایجان شد، سپس آن ماهی را بریان کرد و داخل سبدی گذاشت
 آنگاه رفتند، هم چنان در ساحل دریا حرکت می‌کردند. پیامبر وقتی که
 مأموریت پیدا می‌کند به جایی برود هرگز خسته نمی‌شود تا آن زمان
 بگذرد و به آن مقصد برسد.

فرمود: در آن بین که می‌رفتند دیدند پیرمردی با چوبدستی، به
 پشت خوابیده، چوب دستیش را پهلوش گذاشته و عبایی بر او ست که
 اگر سرش را بپوشد پاهایش بیرون می‌آید و چون پاهایش را بپوشد
 سرش بیرون می‌آید. موسی شروع کرد به نماز خواندن و به یوشع گفت:
 مواظب من باش! پس قطره‌ای از آسمان داخل سبد چکید، آن ماهی
 تکان خورد و بعد از سبد به داخل دریا جست، همان است قول
 خداوند: ﴿فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا﴾^۱ سپس پرنده‌ای آمد، کنار دریا
 نشست، منقارش را داخل آب برد و گفت: ای موسی! تواز علم
 پروردگارت به قدری دریافت کرده‌ای که روی منقار من از تمام آب
 این دریا قرار دارد!

فرمود: سپس بلند شد، می‌رفت و یوشع در پی او، موسی در حالی که
 یوشع آن سبد را فراموش کرده بود و در حالی که آن زمان سپری شده
 بود، در مانده گشت و گفت: ﴿آتَيْنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا قَالَ
 أَرَأَيْتَ إِذْ أَوْيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ

۱. کهف، ۶۱: ﴿ماهی راه خود را در دریا پیش گرفت.﴾

أَذْكُرُهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا^۱ موسی عقب برگشت تا به آن پیر مرد رسید در حالی که هم چنان به پشت خوابیده بود، موسی گفت: درود بر تو. او گفت: و بر تو درود ای عالم بنی اسرائیل! سپس جست و چو بدستیش را برداشت! موسی گفت: من مأموریت دارم دنبال شما بیایم تا از آن کمالی که داری به من بیاموزی! آن طوری که شما را خبر داده‌اند؛ او گفت: ﴿إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾^۲ رفتند تا به بندری رسیدند. چون اهل بندر آن‌ها را دیدند، گفتند: به خدا که ما امروز این‌ها را می‌بریم و چیزی از این‌ها نمی‌گیریم، همین که کشتی حرکت کرد، آب زیاد شد (خضر) کشتی را سوراخ کرد، موسی - آن‌طور که خبر داده‌اند - گفت: سپس وی (خضر) گفت: ﴿أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُزْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عَسْرًا﴾^۳

فرمود: کنار دریا در آمدند، دیدند پسر بچه‌ای با پیراهن ابریشمی سبز دو مروارید در گوش‌ها دارد با پسر بچه‌ها بازی می‌کند، آن عالم او را گرفت و سر برید، موسی گفت: ﴿أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا﴾^۴ فرمود: ﴿فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَوْمِهِ اسْتَضَعَمَ أَهْلُهَا فَأَبَوْا أَنْ

۱. کهف، ۶۲ و ۶۳: ﴿غذای ما را بیاور که از سفر خسته شده‌ایم!﴾ گفت: به خاطر داری هنگامی که برای رفع خستگی ما کنار آن صخره پناه بردیم من (آن را) فراموش کردم، جریان را بازگو کنم: براستی این شیطان بود که آن را از یاد من برد و ماهی به طور شگفت‌انگیزی راه خود را در دریا پیش گرفت! ﴿

۲. کهف، ۶۷: ﴿تو هرگز توانایی نداری با من شکیبایی کنی!﴾

۳. همان، ۷۲ و ۷۳: ﴿آیا به تو نگفتم: تو هرگز توانایی نداری با من صبر کنی؟﴾ گفت: مرا در برابر فراموشکاریم مؤاخذه نکن و بر من به خاطر این کار سخت نگیر! ﴿

۴. کهف، ۷۴: ﴿گفت: آیا انسان بی‌گناهی را بدون این‌که قتلی کرده باشد، کُشتی؟﴾ براستی کار زشتی انجام دادی! ﴿

يُضَيِّقُوهُمَا فَوْجَدًا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ فَاقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا^۱ نانی می‌گرفتی که ما گرسنه‌ایم!

فرمود: آن شهری بر ساحل دریا به نام ناصره بود که به خاطر آن نصارا را نصارا گفته‌اند، آن‌ها را ضیافت نکردند و پس از آن‌ها تاقیامت هم از کسی ضیافت نخواهند کرد.^۲

چرا خضر آن پسر را کشت؟

۱۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «فَخَشِينَا»^۳ نقل کرده

است، فرمود:

«ترسید که آن پسر بزرگ شود و پدر و مادرش را به کفر فراخواند و آن‌ها از محبت زیاد به او بپذیرند!»^۴

به جای آن پسر

۱۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَأَرْزَنَّا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا

خَيْرٍ مِّنْهُ...﴾^۵ نقل کرده است، فرمود:

«دختری از آن‌ها به دنیا آمد و آن دختر پسری آورد که پیامبر شد.»^۶

۱. کهف، ۷۷: ﴿أَن‌هَا ب‌ه ق‌ریه‌ای رسیدند از اهل ق‌ریه غذا خواستند آن‌ها از مهمانی

ایشان خودداری کردند با این حال آن‌ها دیواری را در حال فرود آمدن دیدند، عالم

خواست آن را برپا دارد، موسی گفت: اگر می‌خواستی اجرتی می‌گرفتی! ﴿

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۱ - ۴۵.

۳. کهف، ۸۰: ﴿بیم آن را داشتیم.﴾

۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۷.

۵. کهف، ۸۱: ﴿ما چنین خواستیم که پروردگارشان فرزندی بهتر از او به ایشان عطا کند.﴾

۶. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۳، ص ۳۴۶.

عمل به قصد ریا

۱۵. امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه را: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^۱ پرسیدم، فرمود:
«هر که نماز بخواند یا روزه بگیرد یا برده آزاد کند یا حج برود به قصد ستایش مردم، در آن عملش مشرک است».^۲

خودستایی

۱۶. امام صادق علیه السلام آورده است: [فرمود]:
«هر کس در عبادت پروردگارش به کسی امیدوار باشد [او] مردی نیست که کار نیکی کرده باشد، با عملش رضای خدا را خواسته بلکه منظورش خودستایی بوده، می‌خواسته مردم بشنوند، همان است که به عبادت پروردگارش شرک ورزیده است».^۳

بنده‌ی موفق

۱۷. امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلُّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا»^۴ فرمود:
«خدای تعالی روز قیامت ستمگران را از سرای کرامتش گمراه می‌سازد و اهل ایمان و صالحان را به بهشت خود راهنمایی می‌کند، چنان‌که خداوند متعال فرموده است: «وَيُضِلُّ اللَّهُ»

۱. کهف، ۱۱۰.

۲. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۵۳.

۳. همان.

۴. کهف، ۱۷: «هر کس را خدا هدایت کند، هدایت یافته واقعی اوست و هر کس را گمراه نماید هرگز ولی و راهنمایی برای او نخواهی یافت.»

الظَّالِمِينَ وَيَعْلَمُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ^۱ و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ^۲ گفتیم: قول خداوند: ﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ^۳ و قول خداوند: ﴿إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ^۴؟ فرمود: «هرگاه بنده آن چه را که خداوند فرمان داده است انجام دهد و عملش مطابق فرمان خدا باشد، آن بنده، بنده‌ی موفق نامیده می‌شود و هرگاه او بخواهد وارد یکی از گناهان شود، خدای تعالی بین او و آن گناه حایل می‌شود در نتیجه آن را ترک می‌کند و این ترک گناه به توفیق خداست و هر وقت بین او و بین گناه خالی باشد و خداوند حایل نشود تا آن را مرتکب شود در حقیقت او را خوار بی‌یاور گذاشته و موفق نکرده است»^۵.

-
۱. ابراهیم، ۲۷: ﴿و خداوند ستمگران را گمراه می‌سازد.﴾
 ۲. یونس، ۹: ﴿کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند خداوند به خاطر ایمانشان آن‌ها را هدایت می‌کند.﴾
 ۳. هود، ۸۸: ﴿تنها از خدا توفیق می‌طلبیم.﴾
 ۴. آل عمران، ۱۶۰: ﴿اگر خدا را یاری کنید کسی بر شما پیروز نخواهد شد.﴾
 ۵. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۱.

تفسیر آیاتی از سوره مریم

مبارک

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيَّنَمَا كُنْتُ﴾ آورده است، فرمود:
«یعنی بسیار سودمند».^۲

خشت خانه‌های بهشت

۲. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است، فرمود:
«چون مرا شبانه به آسمان بردند وارد بهشت شدم، در آنجا زمین پهناوری را دیدم که در حال ساختن است و فرشتگانی را در آنجا دیدم که خشتی از طلا و خشتی از نقره می‌چینند و چه بسا خودداری می‌کنند، گفتم: شما را چه شده است که گاهی می‌سازید و گاهی خودداری می‌کنید؟ گفتند: تا هزینه به ما برسد

۱. مریم، ۳۱: ﴿و خداوند مرا در هرجا باشم و جودی پربرکت قرار داده است.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۸۳.

کار می‌کنیم. گفتم: هزینه‌ی شما چیست؟ گفتند: این‌که مؤمن در دنیا بگوید: سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر، چون بگوید ما بنا می‌کنیم و چون خودداری کند ما هم خودداری می‌کنیم.

فرمود: قول خدای تعالی: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَا أُرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَضُّعُهُمْ أَزًّا﴾^۱ درباره‌ی مانعان خمس و زکات و کار نیک نازل شده است که خداوند بر آنها سلطانی یا شیطانی را برمی‌انگیزد تا آنچه را که از زکات و خمس بر او واجب است در غیر طاعت خدا خرج کند و خداوند به آن خاطر او را عذاب نماید. و قول خداوند: ﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا﴾^۲ امام علیه السلام از من پرسید: «نظر تو چیست؟» گفتم: منظور شمار روزهاست. فرمود: «نه، پدران و مادران آن را می‌شمارند بلکه منظور شمار نفس‌هاست.»^۳

وصیت مؤمن

۳. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر قول خداوند: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾^۴ فرمود:

«هرکه موقع مرگ وصیتش خوب نباشد در جوانمردیش

۱. مریم، ۸۳: ﴿أَيَا نَدِيدِي كَمَا شِيطَانِينَ رَا بِهٖ سَوِي كَافِرَانِ فَرَسْتَادِيْمِ كَهٗ اَنۡ هَا رَا دِر رَاهٖ غَلَطۡشَانِ تَحَرِيكِ بَلَكِهٖ زَبِي رُو مِي كُنَدِ﴾

۲. همان، ۸۴: ﴿بِسٖ دِرْبَارِهٖ اَنۡ هَا عَجَلِهٖ نَكُنۡ مَا تَمَامِ اَعْمَالِ اَنۡ هَا رَا دَقِيْقًا مِي شَمَارِيْمِ﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۸۷.

۴. مریم، ۸۷: ﴿اَنۡ هَا هِرْكَزِ مَالِكِ شَفَاعَتِ دِر اَنۡ جَا نِيَسْتَنَدِ مِگَرِ كَسِي كَهٗ دِر نَزْدِ خَدَايِ رَحْمَانِ پِيْمَانِي دَارَدِ﴾

نقصی است گفتیم: یا رسول الله! چگونه میت وقت مردن وصیت کند؟

فرمود: چون هنگام مردنش رسد و مردم اطرافش جمع شوند بگوید: ای خداوند آفریدگار آسمانها و زمین دانای غیب و شهود، بخشاینده‌ی مهربان، همانا من در دار دنیا با تو عهد می‌کنم؛ به راستی من گواهی می‌دهم که معبود راستینی جز تو وجود ندارد تنهای بی‌شریکی و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده تو است و این که بهشت و دوزخ و بعث و حساب و سنجش و میزان حق است و دین چنان است که تو وصف کرده‌ای و اسلام چنان است که تو مقرر فرموده‌ای و سخن همان است که تو گفته‌ای و قرآن چنان است که تو نازل کرده‌ای و محققاً تو پادشاه راستین آشکاری، خداوند محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بهترین پاداش را بدهد و محمد و آل او را درود و سلام ابلاغ فرماید!

خدا یا! ای ذخیره‌ی روز غم و اندوه من! و ای باور و مونس به هنگام سختی‌ها و ای ولی نعمت من! و ای خدای من و نیاکانم! مرا یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار، زیرا که تو اگر مرا به خودم واگذاری به شر و بدی نزدیکتر و از خیر و نیکی دورتر خواهم شد و گرفتار فتنه‌ها خواهم گشت. پس خداوند در قبر وحشتم [تنهایی‌ام] را تو انیس و مونس باش و این پیمان را روز دیدار (رحمت) خود برای من منشوری قرار ده!

آن‌گاه حاجت خود و تصدیق این وصیت را در سوره‌ی مریم سفارش می‌کند و می‌فرماید: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ

عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا^۱ بنا براین، این عهد و وصیت میّت بر هر مسلمانی حق است که آن را پاس بدارد و به کار بندد. علی ع فرمود: این را رسول خدا ص به من آموخت و فرمود: آن را جبرئیل ع به من آموخته است. و قول خداوند: ﴿لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا^۲﴾ یعنی مرتکب ظلمی شده‌اید!^۳

محبت علی ع

۴. امام صادق ع فرمود:

«سبب نزول آیه: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا^۴﴾ این بود که امیرالمؤمنین ع در حضور رسول خدا ص نشستند، فرمود: یا علی! بگو: خداوند! برای من در دل‌های مؤمنان محبت و دوستی فراهم کن! از این رو این آیه نازل شد، سپس خدای عزوجلّ به پیامبرش خطاب کرد و گفت: ﴿فَاتِمًا يَسْرَتَاهُ بِلِسَانِكَ لِيُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا^۵﴾ فرمود: اهل سخن و خصومت و سپس گروه‌های هلاک شونده را یاد کرده و فرمود: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْوًا^۶﴾.»

۱. مریم، ۸۷.

۲. همان، ۸۹: ﴿راستی مطلب زشت و زنده‌ای گفتید.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۹۰.

۴. مریم، ۹۶: ﴿مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام داده‌اند

خدای رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد.﴾

۵. مریم، ۹۷: ﴿ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان وسیله

بشارت دهی.﴾

۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۹۱.

قریش را به امامت و ولایت فراخواند

۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَئِذَا آمَنَّا أَئِیُّ الْفَرِیقِیْنِ خَیْرٌ مَّقَامًا وَ أَحْسَنُ نَدِیًّا﴾ فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله قریش را به ولایت و امامت فراخواند، آن‌ها رمیدند و انکار کردند و کسانی از قریش که به ولایت کافر شدند با آن‌انکه به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان آوردند و به ولایت او و ما اهل بیت اقرار کردند، گفتند: «کدام دسته از ما و شما مقام بهتر و محفل آراسته تری دارد؟» برای سرزنش آن‌ها خداوند در جواب آن‌ها فرمود: ﴿وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ (مِنَ الْأُمَمِ السَّالِفَةِ) هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَ رِیًّا﴾^۱ عرض کردم: پس قول خداوند: ﴿مَنْ كَانَ فِی الضَّلَالَةِ فَلِیَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَانُ مَدًّا﴾؟ فرمود: «همه‌ی آن‌ها در گمراهی بودند به ولایت امیرالمؤمنین و ولایت ما ایمان نداشتند و گمراه و گمراه کننده بودند، به این ضلالت و گمراهی ادامه می‌دادند تا می‌مردند و خداوند آن‌ها را به بدترین جا و سست‌ترین وضع از نظر سپاه جنگی می‌کشانید.» قول خداوند: ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَ أضعَفُ جُنْدًا﴾^۲؟ فرمود: «اما این سخن خدا «حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ» مقصود خروج قائم علیه السلام است که از آن تعبیر به ساعت شده، به خوبی آن

۱. مریم، ۷۳: ﴿هرگاه آیات روشن ما بر آن‌ها خوانده شود، کافران به مؤمنان گویند:

کدام یک از دو گروه ما و شما جایگاهش بهتر و محافلش خوشتر است؟!﴾

۲. مریم، ۷۴ و ۷۵: ﴿چه بسیار اقوامی را پیش از آن‌ها هلاک کردیم که هم ثروتشان بیشتر و هم ظاهرشان از آن‌ها بهتر بود، کسی که در گمراهی است باید خدا مهلت دهد تا وعده‌های الهی را به چشم ببیند یا عذاب دنیا یا (عذاب) قیامت، پس خواهند دانست چه کسی محفلش بدتر و سپاهش ناتوان‌تر است؟!﴾

روز را بدانند و آن چه را که از طرف خدا به دست امام قائم علیه السلام بر آن فرود آید، به خوبی درک کنند و این است قول خداوند: ﴿مَنْ هُوَ شَرِي مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾ گفتم: قول خداوند: ﴿وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى﴾^۱ (یعنی چه؟) فرمود: «خداوند در آن روز راهنمایی بر راهنمایی آن‌ها بیفزاید، برای پیروی از امام قائم علیه السلام؛ او را رد نکنند و منکر نشوند.»
 گفتم: قول خداوند: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾^۲؛ فرمود: «یعنی مگر آن کسی که با ولایت امیرالمؤمنین و امامان علیهم السلام برای خدا دینداری کرده است، این در نزد خدا عهد معتبری است.»

گفتم: این قول خداوند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾^۳؛

فرمود: «آن «ود» که خدای تعالی فرموده است، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.» گفتم: ﴿فَاتِمَا يَسْرَتَاهُ بِلِسَانِكَ لَتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا﴾^۴ چه؟ فرمود: «آن را به زبان وی آسان کرد، چون امیرالمؤمنین علیه السلام را به ولایت منصوب کرد و مؤمنان را به آن مژده داد و کافران را بیم؛ آن‌ها که خدایشان در قرآن ایشان را الجباز خوانده است یعنی کافران.»

از تفسیر قول خداوند: ﴿لَتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾

۱. مریم، ۷۶: ﴿أَمَّا كَسَانِي كَهْ فِي رَاهِ هِدَايَتِ كَامِ نَهَادَنْدِ خِدَاوَنْدِ بَرِ هِدَايَتِشَانِ

مِي اَفَزَايِدُ.﴾

۲. مریم، ۸۷.

۳. همان، ۹۶.

۴. همان، ۹۷.

پرسیدم، فرمود: «تا آن مردمی را بیم دهی که تو در میان آن‌ها هستی، چنانچه پدرانشان بیم داده شدند و آنان در غفلت از خدا و رسول خدا و تهدید خدا به سر بردند ﴿لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ به امامت امیرالمؤمنین و اوصیای پس از وی چون اقرار نکردند کیفر آن‌ها همان است که خداوند یاد کرده: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَ جَعَلْنَا مِ بَيْنِ يَدَيْهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ برای کیفرشان و مجازات انکارشان نسبت به ولایت امیرالمؤمنین و امامان پس از او، این در دنیاست و در آخرت نیز آتش دوزخ برای آن‌هاست، در حالی که چشم بسته و سر به هوایند.»
 آن‌گاه فرمود: «یا محمد! ﴿وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ به خدا و به ولایت علی و امامان پس از وی ایمان نمی‌آورند، سپس فرمود: ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ﴾».^۱ ۲۰

بنی‌امیه

۶. جابر از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ

۱. یس، ۶ - ۱۱: ﴿تا قومی را انداز کنی که پدرانشان انداز نشدند و به همین دلیل آن‌ها در غفلت فرورفته‌اند. وعده الهی بر اکثر آن‌ها تحقق یافته از این رو ایمان نمی‌آورند. ما در گردن آن‌ها غل‌هایی قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد، سرهای آن‌ها را بالا نگاه داشته است، در پیش روی آن‌ها سدّی و پشت سرشان سدّی قرار دادیم و چشمانشان را پوشانده‌ایم لذا نمی‌بینند. برای آن‌ها یکسان است چه انداز کنی یا نکنی ایمان نمی‌آورند. تو تنها کسی را انداز می‌کنی که از ذکر قرآن پیروی کند و از خدای رحمان بترسد او را به مغفرت و پاداش بشارت ده!﴾

مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا^۱ نقل کرده است، فرمود:

«جابر! آن‌ها بنی‌امیه هستند که شاید کسی از آن‌ها احساس امیدواری و ترس ننماید» گفتم: خداوند شما را مشمول رحمت خود گرداند! آیا چنین اتفاقی خواهد افتاد؟ فرمود: «چقدر زود! من از علی بن حسین علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: اسباب و عوامل آن را دیده است!»^۲

[توضیح آن‌که بنی‌امیه بسیار دولت‌ظالم و ستمگر بودند و بر مردم سیطره داشتند امام آن‌ها را مصداق این آیه معرفی کرد]

بشارت تولد عیسی علیه السلام

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خدای تعالی به عمران وحی کرد که من تو را پسری با میمنت می‌بخشایم که کور مادرزاد و پیس را شفا می‌دهد و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کند و او را سفیر خود به بنی‌اسرائیل قرار می‌دهم! عمران آن را به همسرش حنّه یعنی مادر مریم نقل کرد، همین که به وی باردار شد، پیش خودش آن را پسر تصور می‌کرد از این رو گفت: ﴿رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا﴾^۳ پس دختر به دنیا آورد و پس از آن گفت: ﴿وَلَكِنَّسَ الذَّكَرَ كَأَلَا تُنْثَى﴾^۴ چرا که دختر نمی‌تواند فرستاده‌ی خدا شود و

۱. مریم، ۹۸: ﴿و چه بسیار اقوام بی‌ایمان را پیش از این‌ها هلاک کردیم، آیا تو ای پیامبر احدی از آن‌ها را احساس می‌کنی یا کم‌ترین صدایی از آن‌ها می‌شنوی؟﴾

۲. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۲۳۸.

۳. آل عمران، ۳۵: ﴿پروردگارا! آن‌چه را در رحم دارم برای تو نذر کردم که محرّر (خدمتگار خانه تو) باشد.﴾

۴. همان، ۳۶: ﴿تو می‌دانی که دختر و پسر برای هدفی که من نذر کرده‌ام حق

چون خداوند بعدها عیسی را به مریم داد، وی همان بود که خداوند بشارت او را به عمران داده بود.»^۱

حضرت یحیی و امام حسین علیه السلام

۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾^۲ آورده است، فرمود:

«هم چنین حسین علیه السلام هم نامی پیش از خود نداشت و (اهل) آسمان بر کسی نگریست، جز بر آن دو، چهل روز گریه کرد.» گفتم: گریه آن چه بود؟ فرمود: «آفتاب سرخ طلوع می کرد» فرمود: «قاتل حسین و قاتل یحیی زنزاده بودند.»^۳

✎ یکسان نیستند. ✎

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۳.

۲. مریم، ۷: ﴿ای زکریا ما تو را به پسری بشارت می دهیم که نامش یحیی است؛ پسری بی سابقه که همانمی برای او پیش از این قرار ندادیم.﴾

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۱۴.

تفسیر آیاتی از سوره طه

خردمندان ماییم

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى﴾^۱ فرمود:

«به خدا سوگند که آن خردمندان ماییم و ماییم گمارندگان خدا بر خلق و خزانه‌داران دین او که آن را اندوخته می‌کنیم و می‌پوشانیم و از شر دشمنان محفوظ می‌داریم. همان طوری که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای شما پنهان داشت تا خدا او را اذن مهاجرت و جهاد با مشرکان داد. بنابراین ما بر روش رسول خداییم تا خدای تعالی اذن ابراز دینش را با شمشیر بدهد و ما مردم را به سوی آن دعوت کنیم و به خاطر آن با ایشان می‌جنگیم، همان کاری که رسول خدا از اول انجام داد.»^۲

۱. طه، ۵۴: ﴿در این امور نشانه‌های روشنی برای اندیشمندان است.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۹۲.

استیلاء خداوند

۲. از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^۱ پرسیدند؟ فرمود:
«خداوند بر همه چیز استیلا داشت و چیزی به او نزدیک تر از چیزی نبود.»^۲

اولی النهی

۳. مروان در تفسیر آیه: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى»^۳ می گوید:
از امام صادق علیه السلام پرسیدم، فرمود:

«به خدا که ماییم آن خردمندان» گفتم: فدایت شوم! معنای «اولی النهی» چیست؟

فرمود: «چیزی که خداوند به پیامبرش از وقایع پس از او خبر داد، از ادعای فلانی نسبت به خلافت و قیام به آن و دیگری پس از وی و سومی پس از آن دو و بنی امیه! که خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد و همان طور شد که خداوند به پیامبرش خبر داده بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام خبر داد و همان طور از علی علیه السلام به ما، در مورد وقایع پس از خودش؛ از سلطنت بنی امیه و دیگران.

بنابراین، آیه ای را که خداوند در قرآن ذکر کرده است: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى»^۴ علم همه ی آنها به ما رسیده است و

۱. طه، ۵: «خداوند رحمان که فیض و رحمتش همه جا را گرفته و بر عرش مسلط است.»

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۰.

۳. طه، ۵۴.

۴. طه، ۵۴.

ما طبق فرمان خدا صبر کردیم از این رو ماییم...»^۱

غمش طولانی شود

۴. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«چون آیه: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْتَىٰ﴾^۲ نازل شد، رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ راست نشست، سپس فرمود: هرکس با تسلیت خداوند تسلی نیابد با حسرت‌ها نَفَسش از دنیا قطع شود و هرکه چشمش در دست دیگران باشد، غمش طولانی گردد و خشمش فرونشیند و هرکه نعمت خدا را جز خوردنی و آشامیدنی درباره‌ی خود نشناسد، عمرش کوتاه و عذابش نزدیک باشد.»^۳

ذکر صبحگاه

۵. اسماعیل بن فضل می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام تفسیر قول خدای عزوجل: ﴿وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا﴾^۴ را پرسیدم، فرمود:

«بر هر مسلمانی واجب است (این وجوب، وجوب فقهی نیست) که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگوید «لا اله الا الله

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۲.

۲. طه، ۱۳۱: ﴿و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از آن‌ها کفار داده‌ایم میفکن! (این نعمت‌ها) شکوفه‌های زندگی دنیاست، برای آن‌که ما آن‌ها را در آن باره بیازماییم، آن‌چه پروردگارت به تو داده بهتر و پایدارتر است﴾.

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۵.

۴. طه، ۱۳۰: ﴿قبل از طلوع آفتاب و پیش از غروب هم‌چنین در اثنای شب و اطراف روز تسبیح و حمد پروردگارت را بجا آور!﴾

وحده لا شريك له، لهُ الْمُلْكُ و له الحمد يُحْيِي و يُمِيت و هو حَيٌّ
لا يموت بيده الخير و هو على كلِّ شئٍ قدير» من گفتیم: ... یحیی
و یمیت و یحیی! فرمود: «فالانی! تردیدی نیست که
خداوند زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند، ولی
همان طوری که من گفتیم تو هم بگو!»^۱

راز

۶. محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند:
﴿يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى﴾^۲ را پرسیدم، فرمود:
«سَرّ آن چیزی است که در دلت پنهان داری، اخفی چیزی است
که بر دلت خطور کرده است و سپس آن را فراموش کرده‌ای.»^۳

استوار بر همه چیز

۷. امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿الْرَّحْمَانُ عَلَى الْعَرْشِ
السُّتُوٰی﴾ را پرسیدم، فرمود:
«نسبت به همه چیز استوار است، چیزی به او نزدیک‌تر از چیزی
نیست؛ دور از او دور نیست و نزدیک به او نزدیک نیست،
نسبتش با همه برابر است.»^۴

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۴۵۲.

۲. طه، ۷: ﴿اسرار و پنهان‌تر از آن را خدا می‌داند.﴾

۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۴۳.

۴. شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.

تفسیر آیاتی از سوره انبیاء

ابراهیم علیه السلام در آتش

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ﴾^۱ آورده است، فرمود:

«نخستین منجیقی که در دنیا ساخته شد برای ابراهیم علیه السلام در کنار شهر کوفه و در قریه‌ای به نام «قنطانا» بود. همین‌که ابلیس منجنیق را ساخت و ابراهیم علیه السلام را داخل آن نشانده، خواستند او را داخل آتش بیندازند، جبرئیل نزد او آمد و گفت: درود و رحمت و برکات خدا بر تو ای ابراهیم! آیا حاجتی به من داری؟ فرمود: مرا به تو حاجتی نیست، پس از آن بود که خداوند فرمود: ﴿يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ﴾»^۲.

۱. انبیاء، ۶۹: ﴿ به آتش گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش! ﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۹۷.

داوری سلیمان و داود علیه السلام

۲. اما قول خداوند: ﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ﴾^۱ از ابوبصیر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«در بنی اسرائیل مردی بود تاکستانی داشت، شبانه گوسفندان مردی آن را چریده بودند و آن‌ها را درهم شکسته و خراب کرده بودند، صاحب تاکستان خدمت داوود علیه السلام آمد و از صاحب گوسفندان شکایت کرد. داوود علیه السلام گفت: خدمت سلیمان بروید تا بین شما قضاوت کند! نزد وی رفتند - سلیمان گفت: اگر گوسفندان درختان را با شاخ و برگ خورده‌اند، صاحب گوسفندان باید گوسفندان را با آن چه در شکم دارند به صاحب تاکستان بدهد ولی اگر تنها برگ و بر را خورده‌اند و اصل درختان از بین نرفته است، بره‌های گوسفندان را به صاحب تاکستان بدهد! و این حکم داوود بود، تنها می‌خواست بدین وسیله به بنی اسرائیل بفهماند که سلیمان پس از وی وصی اوست و حکم آن دو با هم اختلافی ندارد و اگر حکم آن‌ها مختلف بود، می‌فرمود: هر آینه ما داوری آن‌ها را شاهدیم!

قول خداوند: ﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ - لِيُبْسِيَ لَكُمْ - لِيُبْسِيَ لَكُمْ - لِيُبْسِيَ لَكُمْ﴾^۲

۱. انبیا، ۷۸: ﴿و داوود و سلیمان را به یادآور هنگامی که درباره کشتزاری قضاوت می‌کردند که گوسفندان قوم شبانه آن را چریده بودند و ما شاهد حکم آن‌ها بودیم.﴾

۲. انبیا، ۸۰: ﴿و ما ساختن زره را به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند پس آیا شکر می‌کنید؟﴾

موازین

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾^۱ آورده است فرمود:
«[مقصود از موازین] پیامبران و اوصیاء علیهم السلام است».^۲

فرزندان ایوب علیه السلام

۴. امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ﴾^۳ پرسیدم، چگونه فرزندان او را و همانندشان را با خود ایشان داده‌اند؟ فرمود:

«برای وی از فرزندانش که پیش از آن‌ها به اجل خود مرده بودند، همانند کسانی را که آن روز هلاک شدند، دوباره زنده کرد».^۴

ابراهیم دروغ نگفت

۵. مردی از شیعیان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در داستان ابراهیم از این قول خدای تعالی: ﴿قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسَأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ﴾^۵ پرسیدم. فرمود:

-
۱. انبیاء، ۴۷: ﴿و ما ترازوی عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم.﴾
 ۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۹.
 ۳. انبیاء، ۸۴: ﴿دعای ایوب را اجابت کردیم) و خانواده او را به او بازگرداندیم و همانندشان را به آن‌ها افزودیم تا رحمتی از جانب ما و تذکری برای عبادت‌کنندگان باشد.﴾
 ۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴۲.
 ۵. انبیاء، ۶۳: ﴿گفت: بلکه این کار را این بت بزرگ آن‌ها کرده است! از خودشان سؤال کنید اگر سخن می‌گویند.﴾

«نه بزرگ‌ترین بت‌ها آن کار را کرده بود و نه ابراهیم علیه السلام دروغ گفت» گفتیم: پس چگونه بوده است؟ فرمود: «ابراهیم گفت: بپرسید اگر آن‌ها حرف می‌زنند! اگر حرف زدند پس بزرگشان آن کار را کرده و اگر حرف نزدند پس بزرگشان هیچ کاری نکرده است و آن‌ها حرف نزدند و ابراهیم علیه السلام هم دروغ نگفت.»

گفتیم: قول خداوند درباره یوسف علیه السلام ﴿أَيُّهَا الْعِبرَةُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ﴾^۱؟ فرمود: «آن‌ها یوسف را از پدرش دزدیدند، مگر نمی‌بینی، موقعی که به آن‌ها گفت: «چه چیز را گم کرده‌اید؟ گفتند: ما پیمان‌شاه را گم کرده‌ایم»^۲ و نگفت: شما پیمان‌شاه را دزدیده‌اید، بلکه منظورشان این بود که شما یوسف را از پدرش دزدیدید.»

گفتیم: این قول ابراهیم که گفت: «من بیمارم»^۳؟ فرمود: «ابراهیم بیمار نبود و دروغ هم نگفت بلکه منظورش این بود که وی در آیین خود بیمار و در جستجو است» و نقل کرده‌اند که وی از این‌که گفت: «بیمارم، یعنی بیمار خواهم شد چرا که هر مرده‌ای بیمار است و خداوند متعال به پیامبرش فرمود: ﴿أَنَّكَ مَيِّتٌ﴾^۴

یعنی که تو بزودی خواهی مرد.»^۵

۱. یوسف، ۷۰: ﴿ای اهل قافله! شما سارق هستید!﴾

۲. یوسف، ۷۱ و ۷۲.

۳. صافات، ۸۹.

۴. زمر، ۳۹: ﴿البته که تو می‌میری.﴾

۵. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۴۶.

تفسیر آیاتی از سوره حج

شک و ایمان

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «آیه: ﴿فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾^۱ درباره‌ی قومی نازل شد که خدا را به یگانگی می‌پرستیدند و غیر خدا را عبادت نمی‌کردند و از شرک در آمدند ولی قبول نداشتند که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسول خداست، خدا را باشک در (نبوت) محمد و آنچه او آورده است عبادت می‌کردند، نزد رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و با خود گفتند: مایه نگریم اگر اموالمان زیاد شد و خودمان و فرزندانمان در عافیت بودیم، خواهیم دانست که وی صادق و رسول خداست و اگر جز

۱. حج، ۱۱: ﴿أَن هَا چنانند که اگر خیری به آنان برسد حالت اطمینان پیدا می‌کنند اما اگر به وسیله گرفتاری‌ها و سلب نعمت مورد آزمایش قرار گیرند دگرگون می‌شوند، آن‌ها هم دنیا را از دست داده‌اند، هم آخرت را و آن همان زبان آشکار است.﴾

این بود، تصمیم می‌گیریم! از این رو خداوند، این آیه را: ﴿فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ را نازل کرد.»

قول خدای تعالی: ﴿يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَّا يَضُرُّهُ وَمَا لَّا نَنفَعُهُ﴾^۱ آن قوم مشرک گردیده، غیر خدا را می‌پرستد؛ بعضی از آن‌ها معرفت یافته و ایمان در دلش وارد می‌شود، پس مؤمن است و از جایگاه شکش به ایمان تبدیل می‌شود و بعضی هم چنان در شک و تردید خود می‌ماند و برخی هم به شرک منقلب شوند.

اما قول خداوند: ﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾^۲، ظنّ در کتاب خدا (قرآن) بر دو گونه و دو روش است: ظنّ یقین و ظنّ شک، این مورد (در آیه) ظنّ شک است. فرمود: «هرکس شک کند که خداوند هرگز او را در دنیا و آخرت پاداش نخواهد داد ﴿فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ﴾^۳ یعنی بین خود و خدا دلیلی قرار دهد. و دلیل بر این که سبب همان دلیل است، قول خداوند در سوره‌ی کهف است: ﴿وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا فَاتَّبَعَ سَبَبًا﴾^۴ یعنی دلیلی را «ثُمَّ لِيَقْطَعْ» یعنی تمیز دهد و دلیل بر این که قطع به معنی تمییز است قول خداوند: ﴿وَقَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَيْ

۱. حج، ۱۲: ﴿او جز خدا کسی را می‌خواند که نه زبانی می‌تواند به او برساند و نه سودی.﴾

۲. حج، ۱۵: ﴿هرکسی که گمان می‌کند خداوند پیامبرش را هرگز در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد.﴾

۳. حج، ۱۵: ﴿ربسمانی به سقف خانه بیاویزد و خود را حلق آویز و نفس خود را قطع کند، آیا این کار خشم او را فرومی‌نشانند؟!﴾

۴. کهف، ۸۴ و ۸۵: ﴿و اسباب هرچیز را در اختیارش نهادیم او هم از این وسایل استفاده کرد.﴾

عَشْرَةَ أَشْبَاطًا أُمَّمًا^۱ یعنی آن‌ها را تمییز و از هم جدا و مشخص کردیم. بنابراین قول خداوند: ﴿ثُمَّ لَيَقَطَعَنَّ﴾ یعنی جدا سازد - فَلَيَنْظُرَنَّ هَلْ يُدْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ^۲ یعنی حيله و مکر او را، دلیل بر این که کید همان مکر است، این قول خداوند: «كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ»^۳ یعنی راه چاره‌ای نشان دادیم تا برادرش را بازداشت کرد و قول خداوند که از قول فرعون نقل می‌کند: ﴿اجْمَعُوا كَيْدَكُمْ﴾^۴ یعنی حيله خود را. فرمود: «چون برای خود دلیلی قرار داد، دلیلش او را بر حق دلالت کرد. اما عامه در این باره روایت کرده‌اند، هر کس گفته خدا را باور نکنند، پس باید در زمانی را به سقف خانه‌اش بیاویزد و خود را حلق آویز کند. آن‌گاه خدای عز و جل کبریائی والا و نعمت‌هایش را یادآور شده، فرموده است: ﴿الْم تَر -﴾ می‌فرماید: یا محمد آیا نمی‌دانی - أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ - لَفِظُ شَجَرٍ مُفْرَدٍ وَلِي معنایش جمع است - وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ^۵ - و قول خداوند: ﴿هَذَا نِ حَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ﴾ - فرمود: - ما ییم و بنی امیه، ما می‌گوییم: خدا و رسولش راست گفتند و لی بنی امیه گویند: خدا و رسولش دروغ گفتند! - ﴿فَالَّذِينَ كَفَرُوا -﴾ یعنی بنی امیه - قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ^۵

۱. اعراف، ۱۶۰: ﴿ما أن‌ها را به دوازده گروه تقسیم کردیم.﴾

۲. حج، ۱۵.

۳. یوسف، ۷۶: ﴿ما این‌گونه برای یوسف طرح ریختیم.﴾

۴. طه، ۶۴: ﴿اکنون که چنین است تمام نقشه خود را بکار ببرید!﴾

۵. حج، ۱۸ - ۲۱: ﴿آیا ندیدی تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند،

فرمود: «آتش او را فرامی‌گیرد و لب پایش آویز می‌شود تا به نافش می‌رسد و لب بالایش بالا می‌رود تا به وسط سرش می‌رسد.» ﴿وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ﴾ فرمود: گرزهایی که با آنها به شدت می‌زنند.^۱

دوزخ

۲. در مورد آیه: ﴿كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾^۲ ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتیم: یابن رسول الله! مرا بیم دهید که دلم سخت شده است! فرمود:

«ابومحمّد! برای زندگی طولانی آماده شو! زیرا که جبرئیل علیه السلام خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید، درحالی که گرفته بود در صورتی که پیش از آن با لبخند می‌آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا جبرئیل! امروز گرفته آمده‌ای؟ عرض کرد: یا محمّد! نَفْسِ كِش‌های دوزخ را بستم. فرمود: نفس‌کش‌های دوزخ چیست؟ جبرئیل گفت: یا محمّد! خدای عزّوجلّ به دوزخ فرمان داد، او بر خود هزار سال دمید تا سفید شد و هزار سال دمید تا

خورشید و ماه، ستارگان و کوه‌ها، درختان و جنبندگان و نیز بسیاری از مردم برای خدا سجده می‌کنند، درحالی که بسیاری دیگر مستحق عذابند. هرکس را خداوند بی‌ارزش سازد هیچ کس نمی‌تواند گرامی دارد. همانا خداوند هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد. این دو دسته درباره پروردگارشان مخاصمه کنند پس کسانی که کافر شدند لباس‌هایی از آتش برای آنها بریده شود و آب جوشان دوزخ بر سرشان ریخته می‌شود؛ هم درونشان را و هم پوستشان را ذوب می‌کند، گرزهای آهنین برای آنها آماده است. ﴿

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۲. حج، ۲۲: ﴿ هرگاه بخواهند از غم‌های دوزخ خارج شوند آن‌ها را بازمی‌گردانند و

گفته می‌شود: بچشید عذاب سوزان را! ﴿

سرخ شد، سپس هزار سال دمید تا سیاه شد، از این رو سیاه تاریخ است. اگر یک قطره از آن چرک (دوزخیان) در آشامیدنی اهل دنیا بیفتد همه آن‌ها از بوی بد آن بمیرند و اگر حلقه‌ای را از آن زنجیری که طول آن هفتاد ذراع است بر این دنیا قرار دهند، دنیا از گرمای آن آب شود. و اگر شلواری از شلوارهای اهل دوزخ را بین آسمان و زمین بیاویزند، اهل زمین از بو و حرارت آن بمیرند.

رسول خدا ﷺ از شنیدن آن گریست و جبرئیل گریست. خداوند فرشته‌ای را بر ایشان فرستاد، به ایشان گفت: پروردگارتان سلام می‌رساند و می‌گوید: من شما دو تا را امان دادم که گناه کردید شما را بر آن گناه عذاب کنم. امام صادق ع فرمود: رسول خدا ﷺ پس از آن جبرئیل را با لبخند ندید. سپس فرمود: «دوزخیان دوزخ را و بهشتیان بهشت و نعمت‌های آن را بزرگ می‌شمردند و اهل دوزخ چون وارد دوزخ شوند، مسیر هفتاد سال را سقوط کنند و چون بالای دوزخ رسند به بندهای آهنین بسته شوند و در پایین دوزخ بازافتند، این حال ایشان است و آن است قول خداوند: ﴿كَلَّمَآ أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ سپس پوست‌هایشان تبدیل می‌شود به غیر از آن چه داشتند! آن‌گاه امام صادق ع فرمود: «یا ابا محمد! تو را بس است؟» گفتیم: بس است مرا، بس است مرا!»^۱

توصیف بهشت

۳. از ابوبصیر درباره آیه: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾^۱ آورده است، گوید: به امام صادق علیه السلام گفتیم: فدایت شوم یابن رسول الله! مرا تشویق کنید! فرمود: «یا ابامحمد! از نزدیک ترین نعمت های بهشت بوی آن را از مسیر هزار سال از مسافت دنیا می توان فهمید و پایین ترین جایگاه اهل بهشت را اگر جن و انس وارد شوند از خوردنی و آشامیدنی همه را گنجایش دارد و از آن چه دارد کم نمی آورد و آسان ترین جایگاهی که شخصی وارد بهشت می شود، سه بوستان برای او افراشته می شود و چون وارد نزدیک ترین آن ها شود، در آن جا از همسران و خدمتکاران و رودها و میوه ها آن چه خدا خواسته است ببیند؛ از آن چه باعث روشنایی چشم و شادی قلب او می گردد و چون شکر و سپاس خدا را گوید، گویند: سرت را بلند کن به سمت باغ دومی که در آن چیزهایی است که در دیگری نیست! پس عرضه می دارد: پروردگارا! این را هم به من عطا کن! خداوند می فرماید: من آن را هم به تو دادم، جز آن را از من می خواهی! می گوید: پروردگارا! این را، این را ناگهان وارد آن شود، خدا را شکر و سپاس گوید.

پس گفته شود: دروازه ی بهشت را به روی او بگشایید و به وی گویند: سرت را بلند کن! ناگهان دری از بهشت به روی او باز شود و چند

۱. حج، ۲۳: ﴿خداوند کسانی را که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند در باغ هایی از بهشت وارد می کند که از زیر درختانش نهرها جاری است و آن ها با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت یافته و لباسشان در آنجا از حریر است.﴾

برابر آن چه را قبلاً داشته است ببیند. پس در وقت دو چندان شدن شادمانیش بگوید: پروردگارا تو را سپاسی بی شمار چرا که به وسیله ی باغ های بهشتی بر من منت نهادی و از آتش دوزخ مرانجات دادی! ابوبصیر گوید: من با شنیدن سخنان امام عَلَيْهِ السَّلَامُ گریه کردم، عرض کردم: فدایت شوم! بیشتر بفرماید! فرمود: «ای ابو محمد! در بهشت رودی است، در پیرامون آن دخترکانی نورس است»

گفتم: فدایت شوم! بیشتر بفرماید! فرمود: «در بین آن ها با کسی هم بستری نمی کند، مگر دوباره همان طور (دوشیزه) می یابد» گفتم: فدایت شوم! حورالعین از چه چیز خلق شده اند؟ فرمود: «از خاک نورانی بهشت؛ مغز استخوان ساق هایش از پشت هفتاد لباس فاخر دیده می شود، کبد وی آینه او است.»

گفتم: فدایت شوم! آیا آن ها با اهل بهشت حرف هم می زنند؟ فرمود: «آری، سخنی که حرف می زنند خلاق مانند آن را نشنیده اند» گفتم: چه می گویند؟ فرمود: «می گویند: ما جاودانه ایم، نمی میریم و ما تازه ایم نمی خشکیم، ما پایداریم، منقطع نمی شویم و ما خوشنودیم، خشمگین نمی گردیم. خوشا به حال کسی که ما برای او خلق شده ایم. ما کسانی هستیم که اگر یکی از ما را در جو آسمان بیاویزند، نورش چشم ها را خیره کند! بنابراین این دو آیه و تفسیر آن ها در بر کسی است که منکر آفرینش بهشت و دوزخ است.

قول خداوند: ﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ﴾ - فرمود: «توحید و اخلاص» - وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ﴿﴾ - فرمود: «سوی ولایت» و قول خداوند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي

جَعَلْنَا لِلنَّاسِ سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ^۱ فرمود: «در باره‌ی قریش نازل شده است، موقعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را از (ورود) به مکه مانع شدند. قول خداوند: ﴿سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ﴾ فرمود: «اهل مکه و کسانی که از شهرها سوی ایشان آیند، همه آن‌ها برابرند، کسی از فرود آمدن و ورود به حرم مانع نمی‌شود.» قول خداوند: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾^۲ فرمود: «در باره‌ی کسی نازل شده است که منکر (ولایت) امیرالمؤمنین علیه السلام است. و قول خداوند: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ﴾^۳ یعنی به او نشان دادیم.»^۴

بیت عتیق

۴. در تفسیر آیه: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ﴾ یعنی سرهایشان را بتراشند و از چرک خود را بشویند- و لِيُؤْفُوا نُدُورَهُمْ و لِيُطَوُّوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ^۵ عتیق گفتند چون از غرق شدن رهایی یافت. ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ - از هشام به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود: «پلیدی از بت‌ها و قول زور (باطل)، غنا (موسیقی) است - قول

۱. حج، ۲۴ و ۲۵: ﴿به سخنان پاکیزه هدایت می‌شوند و به سوی راه خداوند حمید هدایت می‌گردند و کسانی که کافر شدند و مردم را از راه خدا و مسجدالحرام بازداشتند؛ آن‌جا که برای مردم یکسان قرار داده‌ایم چه آن‌ها که همانجا زندگی می‌کنند و چه آن‌ها که از دور می‌آیند.﴾
۲. همان، ۲۵: ﴿و هرکس بخواهد در این سرزمین از طریق حق منحرف گردد و دست به ظلم بی‌الایده ما از عذاب دردناک به او می‌چشانیم.﴾
۳. حج، ۲۶: ﴿و زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم.﴾
۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۰.
۵. حج، ۲۹: ﴿بعد از آن باید آلودگی‌ها را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و برگرد خانه گرامی کعبه طواف نمایند.﴾

خداوند: ﴿حُنْفَاءَ اللَّهِ﴾ یعنی پاکیزگان و قول خداوند: ﴿مِنْ مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾^۱ یعنی از جای دور. و قول خداوند: ﴿وَمَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ فرمود: «بزرگ داشت حیوانات قربانی و خوبی به آن‌ها. و قول خداوند: ﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ فرمود: «مرکب (شتر) را از جایی که احرام می‌بندد زبانی به او نرسانده و با او درشتی نکند و اگر شیری داشت تا روز قربانی از شیر او می‌خورد و آن است قول خداوند: ﴿ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾^۲.

قول خداوند: ﴿فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾^۳ فرمود: یعنی عبادت کنندگان.

و قول خداوند: ﴿فَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهَا صَوَافَّ﴾ فرمود: ایستاده نحر نکن - فَاذًا وَجِبَتْ جُنُوبُهَا - یعنی روی زمین افتاد - فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعُمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ﴾^۴ فرمود: قانع کسی است که درخواست می‌کند و به او می‌دهند و معتّر کسی است که خود می‌نماید و درخواست نمی‌کند.

قول خداوند: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ﴾^۵ یعنی از آن چه بدان وسیله تقرب به خدا می‌جوئید و نه از

۱. حج، ۳۰ و ۳۱: ﴿پس از پلیدی‌ها از بت‌ها اجتناب کنید و از سخن باطل

بپرهیزید! برنامه شما خالص برای خدا باشد و شرکی در آن نباشد.﴾

۲. حج، ۳۲ و ۳۳: ﴿و هرکه شعائر الهی را بزرگ بدارد این از تقوای الهی است و در آن حیوانات قربانی منافعی برای شماست تا زمان معین سپس محل آن کعبه است.﴾

۳. حج، ۳۴: ﴿در برابر فرمان او تسلیم شوید و تسلیم شوندگان را بشارت ده!﴾

۴. حج، ۳۶: ﴿نام خدا را هنگام قربانی کردن درحالی که به صف ایستاده‌اند بر آن‌ها ببرید! هنگامی که پهلویشان آرام گرفت جان دادند از گوشت آن‌ها بخورید و مستمندان و فقیران قانع را نیز از آن اطعام کنید.﴾

۵. حج، ۳۷: ﴿نه گوشت‌ها و نه خون‌های آن‌ها هرگز به خدا نمی‌رسد بلکه

نحرآن اگر تقوای الهی نباشد، چیزی به خدا نمی‌رسد بلکه نحرآن را خداوند از پرهیزکاران می‌پذیرد.

و قول خداوند: ﴿لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ﴾^۱ فرمود: در ایام تشریق (دهم تا سیزدهم ذیحجه) در منا به دنبال پانزده نماز و در شهرها به دنبال ده نماز تکبیر گوید! و قول خداوند: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾^۲ فرمود: «در باره‌ی علی، جعفر و حمزه نازل شد، سپس حکمی جاری گشت».^۳

هجرت

۵. قول خداوند: ﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾^۴ این آیه را حسین علیه السلام موقعی که یزید - خدایش لعنت کند! - او را طلبید تا به شام برسد ولی او به کوفه فرار کرد و در کربلا (طف) به شهادت رسید - قرائت کرد.

از این مسکان در تفسیر قول خداوند: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود: «عامه می‌گویند: درباره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده چون او را قریش از مکه بیرون کردند و حال این‌که آن درباره قائم علیه السلام است چون به

۴ آن‌چه به او می‌رسد تقوا و پاکی اعمال شماست. ﴿

۱. حج، ۳۷: ﴿تا خدا را به خاطر این‌که شما را هدایت کرده بزرگ شمارید و تکبیر گوید!﴾

۲. همان، ۳۹: ﴿خداوند به کسانی که جنگ از طرف دشمنان به آن‌ها تحمیل شده، اجازه جهاد داده چرا که آن‌ها مورد ستم قرار گرفته‌اند و خداوند بر یاری آن‌ها تواناست.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۰.

۴. حج، ۴۰: ﴿کسانی که بناحق از خانه و دیار خود اخراج شدند.﴾

خونخواهی حسین قیام کند و سخن اوست که می‌گوید: ما بیم اولیای دم و خواهان دیه!

سپس خداوند عبادت و سیره امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را یاد کرده، می‌فرماید:
 ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ
 وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

و اما قول خداوند: ﴿وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ﴾^۲ فرمود: «آن مثلی برای آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.» بئر معطله چاهی است که آبی از آن برای آشامیدن نگیرند و امامی است که غایب است و از نور علم او بهر مند نشوند و قصر مشید یعنی مرتفع، مثلی است برای امیرالمؤمنین و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و فضایل فروزان ایشان بر دنیا و اهل آن است قول خداوند:
 ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^{۳ و ۴}

الحاد

۶. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ﴾^۵ فرمود:

۱. حج، ۴۱: ﴿کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.﴾

۲. همان، ۴۵: ﴿چه بسیار چاه‌های پرآب که بی‌مصرف مانده و کاخ‌ها که گچکاری شده است!﴾

۳. توبه، ۳۳: ﴿تا او را بر تمام ادیان پیروز و غالب گرداند.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۲. شاعر پارسی‌گو این شعر را به فارسی سروده است:

چاه تعطیل و کاخ کنگره دار مثل طرفه‌ای ز آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 کاخ، آن مجد بی‌نهایت آن‌هاست چاه آن علم بی‌زوال مؤبد - م.
 ۵. حج، ۲۵: ﴿و هر کس بخواهد منحرف گردد و دست به ظلم و ستم بی‌آید.﴾

«در حق آنان نازل شده است، چون داخل کعبه رفتند و پیمان بستند که به کفر خود و انکار آن چه را خدا درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل کرده بمانند و در خانه خدا بر ستم به رسول خدا و ولیش ملحد شدند، دور باد (از رحمت خدا) ستمگران!»^۱

جزای کفر

۷. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ﴾^۲ آورده است، فرمود:
«هرکس غیر خدا را بپرستد یا غیر اولیای خدا را دوست بدارد او ملحد ستمکار است و بر خدای تعالی حق است که او را از عذابی دردناک بچشاند.»^۳

قانع و مُعْتَرٍ

۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند آورده است فرمود: ﴿فَادَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا - هرگاه به پهلویشان افتند (جان دهند) [مقصود قربانی است] - فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ﴾^۴ فرمود:
«قانع کسی است که به هرچه دادی قانع است، و خشم نمی‌گیرد و روترش نمی‌کند و از غضب لبش را پهن نمی‌کند. ولی معتز کسی است که به شما می‌رسد و شما او را غذا می‌دهی.»^۵

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۱.

۲. حج، ۲۵.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۳۷.

۴. حج، ۳۶.

۵. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۹۷.

قربانی معیوب

۹. امام صادق علیه السلام فرمود:

«سعید بن عبدالملک به قصد حج آمده بود، پدرم را دید و گفت: من قربانی معیوبی داده‌ام چه کنم؟ فرمود: «سه بار خانواده‌ات را و سه بار یک قانع را و سه بار مسکین را اطعام کن» گفتم: مسکین یعنی سائل (گدا)؟ فرمود: «آری و قانع کسی است که به آن چه از مال کم و زیاد دادی قانع است و معتز کسی است که تو را متوجه نیاز خود می‌کند، ولی درخواست نمی‌کند.»^۱

دهه آخر ذی الحجّه

۱۰. امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند: ﴿يَذُكَّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾^۲ فرمود:

«ایام ده گانه (دهه آخر ذیحجه)»^۳

قول زور

۱۱. حماد بن عیسی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به «قول زور»

پرسیدم، فرمود:

«از آن جمله است، کسی که به یک آوازخوان: احسنت بگوید.»^۴

مجادله بدون علم

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. همان، ص ۳۳۸.

۲. حج، ۲۸: ﴿نام خدا را در ایام معینی وقت ذبح یاد کنند.﴾

۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۳۸.

۴. همان.

«قرائت کننده بدون علم هم چون خودپسندی است که نه مالی دارد و نه ملکی، بلکه به خاطر فقرش دشمن مردم است و به خاطر خودخواهیش مردم با او دشمن اند؛ او همواره با مردم در امر غیر لازمی در ستیز است و هرکه با مردم در ستیز باشد، در راهی که وظیفه ندارد در حقیقت با آفریدگاری و ربوبیت خدا در ستیز است، خداوند فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ ثَانِيٍ عِطْفِهِ﴾^۱ کسی مجازاتش سخت تر از آن کس نیست که ظاهری عابدانه بدون حقیقت و معنی داشته باشد!»^۲

۱. حج، ۸: ﴿گروهی از مردم بدون هیچ علم و آگاهی و هدایت و کتاب روشنی درباره

خدا به مجادله برمی خیزند!﴾

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۱.

تفسیر آیاتی از سوره مؤمنون

طیبات

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای متعال: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾^۱ فرمود:
«یعنی روزی حلال».^۲

مؤمنان واقعی

۲. امام صادق فرمود:

«چون خداوند بهشت را آفرید، فرمود: حرف بزن! گفت: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ * وَالَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿ فرمود: در نمازها فروهشتن چشم و توجه به نماز ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ از موسیقی و کارهای لهو و بیهوده ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾ فرمود: هرکه قیراطی از زکات را ندهد نه مؤمن است،

۱. مؤمنون، ۵۱: ﴿ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید!﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۰۱.

نه مسلمان و نه کرامتی دارد، ﴿وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَوِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ﴾ یعنی کنیزان زرخرید ﴿فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ حدّ متعه حدّ کنیزان زرخرید است ﴿فَمَنْ ابْتَعَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾^۱ فرمود: «هرکس از آن تجاوز کند، از جمله تجاوزگران است. و قول خداوند: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾^۲ فرمود: «بر اوقات و حدود نماز مراقبت می‌کنند.»^۳

وارث منازل اهل دوزخ

۳. تفسیر قول خداوند: ﴿وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ﴾ امام صادق علیه السلام

فرمود:

«خداوند هیچ مخلوقی را نیافریده است مگر برای او جایی در بهشت و جایی در دوزخ قرار داده است، و هرگاه بهشتیان وارد بهشت و دوزخیان وارد دوزخ گردند، منادی ندا دهد: ای اهل بهشت! بنگرید! پس بر اهل دوزخ بنگرند و منازل ایشان هم در دوزخ بالا رود، سپس به آن‌ها گفته شود: این است منزل شما اگر نافرمانی خدا را کرده بودید وارد آن جا یعنی دوزخ می‌شدید! فرمود: اگر کسی بنا بود از خوشی بمیرد، بهشتیان در آن روز از

۱. مؤمنون: ۱ - ۷: ﴿مُؤْمِنَانَ رَسْتَاغَارَ شَدَدًا، أُنْهَاكَ فِي نَمَازِشَانِ خَاشِعَ هَسْتَنَدُ وَ أُنْهَاكَ فِي بِيهَوْدَگِي رَوِگَرْدَانَنَدُ وَ أُنْهَاكَ زَكَاتَ رَا مِي پَرْدَارَنَدُ وَ أُنْهَاكَ دَاْمَنِ خُودِ رَا اَز اَلُوْدَگِي حَفِظَ مِي كَنَدُ وَ تَنَهَا اَمِيْزِشَ بَا هَمْسِرَانِ وَ كَنِيْزَانِ زَرخَرِيْدِشَانِ دَارَنَدَ كِه دَر بَهْرَه گِيْرِي اَز اُنْهَا مَلَاْمَتِ نَمِي شُوْنَدُ وَ كَسَاْنِي كِه غِيْرَ اَز اَيْنِ رَا طَلَبِ كَنَنَدُ، تَجَاوَزْگَرَنَدُ.﴾

۲. مؤمنون، ۹: ﴿وَ اُنْهَا بَرِ نَمَازِشَانِ مَحَافِظَتِ مِي كَنَدُ.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۰.

خوشحالی می‌مردند که از آن عذاب رهایی یافته‌اند! آن‌گاه نداده‌اند ای دوزخیان را ندا دهد: سرهاتان را بالا کنید! سرهاتان را بلند کنند و جاهای خود را در بهشت با آن همه نعمت‌ها ببینند، به آن‌ها گفته شود: اگر شما اطاعت پروردگارتان را می‌کردید، این‌ها منزل شما بود وارد آن جا می‌شدید! فرمود: اگر بنا بود کسی از غصه بمیرد هرآینه اهل دوزخ از غصه می‌مردند! پس آنان منزل‌های این‌ها را وارث می‌شوند و این‌ها منازل آن‌ها را و آن است قول خدای تعالی: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾. (۲۹)

فقط اعمال نیکو

۴. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ می‌گوید: این کلام ردّ بر کسی است که به نسب‌ها افتخار می‌کند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: روز قیامت کسی پیش نمی‌افتد، مگر با اعمال و دلیل بر آن قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرمود: ای مردم!، عرب بودن، پدر و جد کسی نیست بلکه زبانی است، هرکس به آن زبان حرف بزند عرب است. بدانید که شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک، به خدا سوگند که بنده حبشی هنگامی که اطاعت خدا را بکند بهتر از سید قریشی است که نافرمانی خدا را بکند و به یقین گرمای‌ترین شما پرهیزکارترین شماست و دلیل بر این مطلب قول خدای عزّ و جلّ است: ﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا

۱. مؤمنون، ۱۰ و ۱۱: ﴿أَن‌هَا وَاَرْتَانَدُ كَه بَهْشْت بَرِين رَا بَه اَرث مِی‌بَرند و جَاودانه در آن خواهند ماند.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۰.

يَسَاءَلُونَ فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿ يَعْنِي بِأَعْمَالِنِيكَو ﴾ ﴿ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴾ فرمود: از اعمال نیک، ﴿ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴾

و قول خداوند: ﴿ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ ﴾ بر آن‌ها آتش شعله می‌زند و آن‌ها را می‌سوزاند ﴿ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴾^۱ یعنی دهانشان باز، صورت‌ها تیره. و قول خداوند: ﴿ قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَأَلَ الْعَادِيْنَ ﴾^۲ فرمود: از فرشتگانی بپرس که روزها را بر ما می‌شمارند و ساعات ما را می‌نویسند و اعمالی را که ما در آن ایام با مردم انجام می‌دهیم. پس خداوند قول آن‌ها را رد کرد و فرمود: یا محمد! به ایشان بگو: ﴿ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾^۳

﴿ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴾^۴ و قول خداوند: ﴿ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ ﴾ یعنی برای کارش حاجتی در

۱. مؤمنون، ۱۰۱ - ۱۰۴: ﴿ پس هنگامی که در صور دمیده شود هیچ یک از پیوندهای خویشتاوندی در آن روز میان آن‌ها نخواهد بود و از یکدیگر تقاضایی نخواهند کرد؛ کسانی که وزن اعمالشان سنگین است همان رستگارانند و اما آن‌ها که سرمایه وجود خود را از دست داده‌اند، در جهنم جاودانه خواهند ماند، شعله‌های سوزان آتش به صورت‌هایشان نواخته می‌شود و آن‌ها در دوزخ چهره عبوس دارند. ﴿

۲. مؤمنون، ۱۱۲ و ۱۱۳: ﴿ خداوند فرماید: چند سال در زمین توقف کردید؟ گویند: ما تنها یک روز یا کمتر از آن توقف داشتیم؛ از آن‌ها که می‌توانند بشمارند بپرسید! ﴿

۳. مؤمنون، ۱۱۴: ﴿ آری شما مقدار کمی (در دنیا) توقف کردید اگر می‌دانستید. ﴿

۴. مؤمنون، ۱۱۵: ﴿ آیا گمان کردید که ما شمارا بیهوده آفریدیم و بسوی ما بازگشت نخواهید کرد؟! ﴿

تفسیر آیاتی از سوره مؤمنون □ ۴۹۳

برابر خدا ندارد ﴿فَاتِّمَّا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ
وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾. (۱ و ۲)

سیره رسول خدا

۵. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از روزی که مبعوث شد تا از دنیا رفت به خاطر تواضع در پیشگاه خدا هرگز تکیه داده چیزی نخورد و زانوهایش را در برابر همنشینش ندیدند و مردی با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگز مصافحه نکرد که او دستش را بکشد، تا وقتی که آن مرد دستش را می‌کشید، و هرگز در برابر بدی کسی، بدی نکرد. خدای تعالی فرمود: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّبِيَّةَ﴾^۳ و او هم چنان کرد و هیچ سائلی را هرگز بی‌پاسخ نگذاشت؛ اگر چیزی داشت می‌داد و اگر نه می‌گفت: خدا به او بدهد! و به حساب خدا چیزی را هرگز نداد، مگر خدا به او اجازه داده بود؛ اگر بهشت را می‌داد خداوند متعال آن را به او اجازه داده بود. امام عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: برادرش [علی عَلَيْهِ السَّلَام] پس از وی گفت: به خدایی که او را از دنیا برد، هرگز از دنیا حرامی را نخورد تا از دنیا بیرون شد، به خدا سوگند اگر دو کار بر او عرضه می‌شد که هر دو طاعت خدا بود، کاری را که بر بدن او دشوارتر بود اختیار می‌کرد. به خدا سوگند که

۱. مؤمنون، ۱۱۷ و ۱۱۸: ﴿و هرکس با خدا معبود دیگری بخواند حساب او نزد پروردگارش خواهد بود و مسلماً هیچ دلیلی نخواهد داشت، یقیناً کافران رستگار نخواهند شد. بگو: پروردگارا مرا ببخش و مشمول رحمت خود قرار ده! و تو بهترین بخشایندگانی!﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۰-۹۳.

۳. مؤمنون، ۹۶: ﴿بدی را به بهترین راه و روش دفع کن!﴾

وی هزار برده را برای رضای خدا آزاد کرد درحالی که دست‌هایش پشت سر آن‌ها خالی بود! به خدا سوگند که کسی جز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پس از وی طاقت رفتار او نبود. به خدا که بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگز حادثه‌ای نازل نشد، مگر این‌که قدمش ثابت‌تر از وی بود و اگر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را به جنگی می‌فرستاد جبرئیل از سمت راست و میکائیل از چپ او می‌جنگید، وانگهی برنمی‌گشت تا خداوند او را پیروز می‌کرد.»^۱

دلیل شقاوت

۶. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر قول خداوند: ﴿قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتَنَا﴾^۲ فرمود:

«به خاطر رفتارشان آن‌ها بدبخت و شقاوت‌مند شدند.»^۳

تَضَرَّعَ یعنی...

۷. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَمَا اسْتَكَاثُوا لِلرَّبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾^۴ فرمود:

«تَضَرَّعَ بلند کردن دست‌هاست.»^۵

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۶۸.

۲. مؤمنون، ۱۰۶: ﴿مِی‌گویند: پروردگارا بدبختی ما بر ما چیره شد.﴾

۳. شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۵۶.

۴. مؤمنون، ۷۶: ﴿آن‌ها نه در برابر پروردگارشان تواضع نشان دادند و نه به درگاه او تَضَرَّعَ می‌کنند.﴾

۵. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۶۹.

روزی پاکیزه

۸. شیخ طوسی از جُعی نقل کرده است، که می‌گوید:
ما نزد امام صادق علیه السلام بودیم، مردی گفت: خداوند از تو درخواست روزی پاکیزه دارم! امام علیه السلام فرمود: «هیئات، هیئات! آن روزی پیامبران است، بلکه از پروردگارت روزی بطلب که روز قیامت به خاطر آن تو را عذابت نکند، هیئات! خداوند می‌فرماید:
﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾^۱

تلخی‌ها و خوشی‌ها

۹. امام صادق از پدر و نیاکانش علیهم السلام آورده است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«خدای تعالی می‌فرماید: بنده‌ی مؤمن من وقتی که چیزی از امور دنیا به ضرر او اتفاق می‌افتد، غمگین می‌شود و حال این‌که آن امر او را به من نزدیک‌تر می‌کند، و خوشحال می‌شود وقتی که دنیا به سود او فراهم می‌شود و آن به این خاطر است که او را از من دور سازد! سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ﴾^۲ و^۳

۱. مؤمنون، ۵۱: ﴿ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح بجا آورید!﴾
۲. مؤمنون، ۵۶: ﴿ما درهای خیرات را به سرعت روی آن‌ها بگشاییم، بلکه آن‌ها نمی‌فهمند﴾.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۱۰.

تفسیر آیاتی از سوره نور

دروغ‌نگو

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^۱ فرمود:

«هرکه درباره‌ی مؤمنی چیزی را بگوید که نه به چشم دیده و نه با گوشش شنیده است از جمله کسانی خواهد بود که خداوند فرموده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ سپس خداوند خلق خود را ادب کرده و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾^۲ فرمود:

۱. نور، ۱۹: ﴿کسانی که دوست می‌دارند زشتی‌ها و گناهان در میان افراد بالیمان اشاعه یابد عذاب دردناکی در دنیا و آخرت دارند.﴾

۲. همان، ۲۷ و ۲۸: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه‌های

«معنایش تعلیم به مردم است که اگر در خانه کسی نبود تا اجازه ورود دهد، نباید وارد شوید تا اذن ورود به شما دهند!»^۱

اجازه بگیر

۲. در تفسیر قول خداوند: ﴿حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا﴾ می‌گوید: استیناس، کسب اجازه کردن است. از عبدالرحمان بن ابی عبدالله به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود: «استیناس کفش کردن و سلام دادن است.»^۲

کجا اجازه لازم نیست

۳. علی بن ابراهیم درباره قول خداوند: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً﴾^۳ (از امام صادق علیه السلام آورده است) فرمود:

«منظور سلام دادن تو به اهل خانه و جواب آن‌ها به شماست، پس در حقیقت سلام دادن به خود توست. سپس خدای تعالی اجازه داده، می‌فرماید: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ﴾^۴ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «منظور

خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید! این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید. پس اگر کسی را در آن خانه نیافتید وارد آن نشوید تا به شما اجازه داده شود.»

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۷.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۸.

۳. نور، ۶۱: ﴿چون وارد خانه‌ای شدید بر خویشان سلام کنید؛ سلام و تحیتی از سوی خدا سلامی پربرکت و پاکیزه.»

۴. نور، ۲۹: ﴿گناهی بر شما نیست که وارد خانه غیر مسکونی شوید که در آن جا متاعی دارید.»

حمام‌ها و کاروانسراها و آسیاب‌هاست که بدون اجازه وارد آن‌جاها می‌شوی.»^۱

نگاهت را مراقبت کن

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَيْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا أَرْوَاحَهُمْ﴾^۲ فرمود:

«هر آیه‌ای که در قرآن واژه‌ی «فروج» ذکر شده است مربوط به زنا است، جز این آیه که مربوط به نگاه است، بنابراین بر مرد مؤمن حلال نیست که به آلت برادرش و به زن مؤمن حلال نیست که به آلت خواهرش نگاه کند.»^۳

به نور خود آغاز کرد

۵. طلحة بن زید به نقل امام صادق از پدرش علیه السلام در تفسیر این آیه، فرمود: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ خداوند به نور خود آغاز کرد ﴿مَثَلُ نُورِهِ﴾ مثل هدایت خدا در دل مؤمن ﴿كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ﴾ مشکات باطن مؤمن و قندیل قلب او و مصباح نوری است خداوند آن را در قلب مؤمن نهاده است ﴿يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ﴾ فرمود: «شجره همان مؤمن است ﴿زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ﴾ فرمود: بنا به برابری یک نسل است؛ نه غربی و نه شرقی، یعنی وقتی که خورشید بر آن طلوع و غروب کند بر آن نسل طلوع و غروب می‌کند ﴿يَكَادُ زَيْتُهَا

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۸.

۲. نور، ۳۰: ﴿به مؤمنان بگو: چشمان خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۹۹.

يُضِيءُ ﴿۱﴾ واجب روی واجب و سنت روی سنت ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾ خداوند برای واجبات و مستحباتش هر که را (لایق بداند) بخواهد هدایت می‌کند ﴿وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾^۱ این مثلی است که خداوند برای مؤمن زده است.

فرمود: «بنابراین مؤمن میان پنج نور زیر و رو می‌شود: درون و بیرونش نور، علم و کلامش نور و سرانجامش روز قیامت به جانب بهشت نور است.» راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم، سرورم! آن‌ها می‌گویند: مثل نور پروردگار.

فرمود: «سبحان الله، خدا را مثل و مانندی نیست، خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ﴾»^{۲ و ۳}

داوری از یهود

۶. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۴ می‌گوید: مردمان بر دو پا راه می‌روند، و مارها بر شکم، و حیوانات چهارپا بر چهارپا، راه می‌روند. امام صادق علیه السلام فرمود: «و بعضی روی بیش از چهار پا راه می‌روند.» در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ

۱. نور، ۳۵.

۲. نحل، ۷۴: ﴿پس برای خدا امثال و شبیه‌ها قائل نشوید.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۰.

۴. نور، ۴۵: ﴿خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید، گروهی از آن‌ها بر شکم و گروهی بر روی دوپا و گروهی بر روی چهارپا راه می‌روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند چرا که خدا بر هر چیزی تواناست.﴾

مَنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ مَا أَوْلَيْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ^۱ از ابن سنان به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود: «این آیه درباره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام و خلیفه‌ی سوم نازل شده است؛ توضیح این که بین آن‌ها راجع به باغی اختلاف افتاد، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به (داوری) رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ راضی هستیم، عبدالرحمان بن عوف گفت: داوری را نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نبری که به نفع او (علی) و به زیان تو حکم می‌کند، بلکه نزد ابن ابی شیبه یهودی ببر! از این رو به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: من به داوری کسی جز ابن شیبه یهودی راضی نیستم! ابن شیبه به وی گفت: شما محمد [رسول خدا] را بر وحی آسمانی امین می‌دانید ولی در احکام او را متهم می‌کنید، از این رو این آیه بر رسول خدا نازل شد: ﴿وَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ وَ إِنْ كُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ أَفَى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ رَسُولُهُ بَلْ أَوْلَيْكُمُ الظَّالِمُونَ ^۲ سپس امیرالمؤمنین را یادآور شد و گفت: ﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يُقُولُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَوْلَيْكُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ^۳

۱. همان، ۴۷: ﴿ و آن‌ها می‌گویند: به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می‌کنیم ولی پس از آن گروهی از آن‌ها روگردان می‌شوند، در حقیقت مؤمن نیستند. ﴾
۲. همان، ۴۸ - ۵۰: ﴿ هنگامی که از آن‌ها دعوت می‌شود بسوی خدا و پیامبرش بیایند تا میان آن‌ها داوری کند گروهی از آن‌ها روگردان می‌شوند ولی اگر حق داشته باشند با سرعت بیایند، آیا در دل‌های آن‌ها بیماری است؟ آیا می‌ترسیدند که خدا و پیامبرش به آن‌ها ستم کنند بلکه آن‌ها خود ستم‌گرند. ﴾
۳. نور، ۵۱ و ۵۲: ﴿ ولی مؤمنان چون به سوی خدا و رسولش دعوت شوند تا میان

و قول خداوند: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ﴾ - فرمود: پیامبر آن چه از بار نبوت بر دوش دارد ﴿وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ﴾ از طاعت.

آن گاه خداوند امامان را مخاطب قرار داده و وعده داد که پس از مظلومیت و غصب حَقِّشان آن ها را در زمین جانشین گرداند و فرمود: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱

و این از چیزهایی است که ما گفتیم تاویل آن پس از تنزیل آن بوده است و معطوف بر قول خداوند: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ﴾^۲.

۱. آن ها داوری کند، تنها می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و این ها همان رستگارانند و کسانی که اطاعت خدا و پیامبرش را بنمایند و از خدا بترسند و تقوا پیشه کنند نجات یافتگانند. ﴿

۱. نور، ۵۴ و ۵۵: ﴿به آن ها بگو: از خدا و پیامبرش اطاعت کنید! اگر سرپیچی کنید پیامبر مسئول اعمال خود و شما مسئول اعمال خود هستید اما اگر اطاعت کنید هدایت خواهید شد به هر حال پیامبر وظیفه ای جز ابلاغ آشکار ندارد. خداوند به کسانی از شما که ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد وعده قطعی خلافت روی زمین می دهد همان طوری که پیشینیان را خلافت داد و آیینی که برای آن ها پسندید پابرجا و مستقر سازد و بیم و ترس را به امنیت مبدل سازد، تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند. ﴿

۲. نور، ۳۷: ﴿مردانی که نه تجارت آن ها را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات باز می دارد و نه خرید و فروش. ﴿

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۴ - ۱۰۶.

خانه‌های پیامبران

۷. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: «فِي بُيُوتٍ أذنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ»^۱ را پرسیدم، فرمود:
«منظور خانه‌های پیامبر است.»^۲

سفیه

۸. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر آیه: «التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ»^۳ را پرسیدم، فرمود:
«وی فرد سفیهی است که دیگران بر او سرپرستی دارند، و تمایلی به زن ندارد.»^۴

امام مصباح است

۹. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَمِشْكَاتٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ»^۵ فرمود:
«آن مثلی است که خداوند برای ما زده است؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از دلالت‌ها و آیات الهی هستند که خداوند به وسیله‌ی ایشان به توحید و مصالح دینی، شرایع اسلام، واجبات و مستحبات راهنمایی می‌کند، هیچ نیرو و توانی نیست جز به خدای بلند پایه‌ی عظیم.»^۶

۱. نور، ۳۶: ﴿در خانه‌هایی که خداوند اذن داده دیوارهای آن را بالا ببرند.﴾

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۳۱.

۳. نور، ۳۱: ﴿یا مردان سفیهی که تمایل به زن ندارند.﴾

۴. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۶۲.

۵. نور، ۳۵.

۶. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۴.

توجه به وقت نماز

۱۰. امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر قول خداوند: «رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ»^۱ فرمود:

«خداوند قومی را ستوده است به این که ایشان وقت نماز تجارت

و خرید و فروششان را ترک می‌کردند و به نماز رو می‌آوردند.»^۲

۱. نور، ۳۷.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۴۶.

تفسیر آیاتی از سوره فرقان

تَبَيِّرَ يَعْنِي...

۱. امام صادق عليه السلام درباره قول خداوند: ﴿وَكُلًّا تَبَيَّرْنَا تَبْيِيرًا﴾^۱

فرمود:

«یعنی به شدت آن را شکستیم، واژه‌ای به زبان نبطی است.»^۲

قضای نماز شب

۲. مردی به امام صادق عليه السلام گفت: فدایت شوم یابن رسول الله! چه بسیار نماز شب، یک ماه و دو و سه ماه از من فوت شده است و من قضای آن‌ها را روز بجا آورده‌ام، آیا جایز است؟ سه مرتبه فرمود: «به خدا که روشنایی چشم تو است! خداوند می‌فرماید: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً﴾^۳ و آن قضای نماز روز در شب و قضای نماز شب در

۱. فرقان، ۳۹: ﴿هر یک از آن‌ها را درهم شکستیم و هلاک کردیم.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۵.

۳. فرقان، ۶۲: ﴿او خدا کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد.﴾

روز است و راز نهفته‌ای از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. و قول خداوند: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾^۱ درباره ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نازل شده است.^۲

چهار نفر دعایشان مستجاب نمی‌شود

۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

«چهار نفر دعایشان مستجاب نمی‌شود: مردی که در خانه‌اش نشسته است، می‌گوید: پروردگارا مرا روزی مرحمت کن! خداوند می‌فرماید: مگر من تو را فرمان ندادم که دنبال روزی برو! و مردی که زنی دارد بر او مسلط است، می‌فرماید: مگر من امر او را در اختیار تو قرار ندادم. و مردی که مالی داشته است و آن را تباه کرده، می‌گوید: پروردگارا مرا روزی بده! می‌فرماید: مگر من تو را مأمور به میانه روی و اقتصاد نکردم!»

سپس این آیه را قرائت کرد: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^۳ و مردی که مالی داشته است و آن را به دیگران بدون مدرک و شاهد وام داده است می‌فرماید: مگر من تو را فرمان ندادم (دست کم) شاهد بگیر!^۴

۱. فرقان، ۶۳: ﴿بندگان خاص خدا کسانی هستند که بی تکبر روی زمین راه می‌روند.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳. فرقان، ۶۷: ﴿کسانی که در انفاق نه اسرافکارند و نه سختگیر بلکه معتدلند.﴾

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۳.

از مسیر یکسال

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾^۱ آورده است، فرمود:
«از فاصله‌ی مسیر یک سال».^۲

بدون تکبر

۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ آورده است، فرمود:
«او مردی است که با همان سرشت طبیعی خود بدون تکلف و تکبر راه می‌رود».^۳

۱. فرقان، ۱۲: ﴿چون آتش آن‌ها را از دور ببیند﴾.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۶۲.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۷۹.

تفسیر آیاتی از سوره شعراء

ما و شیعیان ما

۱. امام صادق علیه السلام درباره این آیه: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾^۱ فرمود:

«درباره‌ی ما و شیعیان ما نازل شده است؛ خداوند ما و شیعیان ما را تا آن‌جا برتری می‌دهد که ما و آن‌ها شفاعت کنیم - و فرمود: - چون آن فضیلت را افراد بیگانه ببینند، گویند: ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾»^۲.

شروع رسالت موسی علیه السلام

۲. ابان بن عثمان در تفسیر آیه: ﴿وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾^۳ از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، که فرمود:

-
۱. شعراء، ۱۰۰ و ۱۰۱: ﴿شفاعت کنندگانی برای ما نیست و دوست گرم و پرمحبتی نداریم﴾.
 ۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۱۱.
 ۳. شعراء، ۱۰: ﴿زمانی که پروردگارت موسی را ندا کرد که به سراغ آن قوم ستمگر برود﴾.

«چون خداوند موسی علیه السلام را به سراغ فرعون فرستاد، در خانه او آمد و اذن ورود خواست، اذن نداد با عصایش در رازد، درها به شدت بهم خورد و باز شد سپس بر فرعون وارد شد و اطلاع داد که فرستاده‌ی پروردگار جهانیانم و از او خواست که بنی اسرائیل را همراه او بفرستد! فرعون گفت - آن طوری که خداوند حکایت کرده است - ﴿أَلَمْ تُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ - یعنی آن مرد را کشتی - وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^۱ یعنی کفران نعمت مرا کردی. موسی آن طور که خداوند نقل کرده است، فرمود: ﴿فَعَلْتُهَا إِذْ وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُتَّسِلِينَ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾^۲، ﴿قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ از چگونگی خدا پرسید، موسی گفت: ﴿رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ﴾^۳ پس فرعون از روی تعجب به اصحاب خود گفت: ﴿أَلَّا تَسْتَمِعُونَ﴾ من از کیفیت پروردگار او پرسیدم، او از صفاتش پاسخ می‌دهد!

موسی گفت: ﴿رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ﴾^۴ سپس او به موسی گفت:

۱. شعراء، ۱۸ و ۱۹: ﴿أَيَا مَا تُو را در کودکی میان خود پرورش ندادیم؟ سال‌های متمادی از عمرت در میان ما بودی و تو آن کار مهم کشتن یکی از قبطیان را انجام دادی، تو کفران نعمت‌های ما را می‌کنی!﴾
۲. شعراء، ۲۰ - ۲۲: ﴿گفت: من آن کار را انجام دادم درحالی که از بی‌خبران بودم، از شما ترسیدم فرار کردم و خداوند به من علم داد و از رسولان قرارم داد. آیا این منتی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساختی!﴾
۳. شعراء، ۲۳ - ۲۶: ﴿فرعون گفت: پروردگار عالمیان چیست؟ گفت: او پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این دو قرار گرفته است اگر شما راه یقین را می‌پوید!﴾
۴. شعراء، ۲۵ و ۲۶: ﴿آیا نمی‌شنوید؟ باز موسی گفت: او پروردگار شما و ﴿

﴿لَئِنِ اتَّخَذَتِ الْهَاءُ غَيْرِي لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُورِينَ﴾ موسی فرمود: ﴿أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ﴾ فرعون گفت: ﴿فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ﴾^۱ کسی از هم نشینان فرعون نماند مگر فرار کرد و بقدری ترس بر فرعون وارد شد که نتوانست خودداری کند! فرعون گفت: تو را به خدا و شیری که خورده‌ای سوگند می‌دهم آن را از من بازداری! پس موسی آن را بازداشت آن‌گاه: ﴿تَزَعَّ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ﴾.^۲ همین که موسی عصا را گرفت فرعون به خود آمد و تصمیم گرفت او را تصدیق کند، هاما روبرو او کرد و گفت: درحالی که تو خدا بودی می‌پرستیدند، ناگهان تابع یک بنده‌ای شدی! سپس فرعون ﴿قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ يَا تُوَكُّ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ فَجَمَعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾^۳ فرعون و هاما خود سحر آموخته بودند و بر مردم با سحر غلبه کرده بودند و فرعون به وسیله سحر ادعای

۱۲ پروردگار پدران نخستین شماسست. ﴿

۱. شعراء، ۲۹ - ۳۲: ﴿گفت: اگر معبودی غیر من انتخاب کنی تو را از زندانیان قرار خواهم داد. موسی گفت: اگر من نشانه آشکاری بر رسالتم ارائه دهم؟ گفت: اگر

راست می‌گویی آن را بیاور! پس عصایش را انداخت ماری آشکارا شد! ﴿

۲. شعراء، ۳۳: ﴿ سپس دست خود را از گریبان بیرون آورد ناگهان در برابر بینندگان

سفید و روشن بود! ﴿

۳. همان، ۳۴ - ۳۸: ﴿ فرعون به اطرافیان‌ش گفت: این مرد ساحر ماهری است او

می‌خواهد شما را با سحرش از سرزمینتان بیرون کند، شما چه دستوری می‌دهید؟

گفتند: او و برادرش را مهلت ده و مأموران را برای بسیج (ساحران) به همه شهرها

بفرست تا ساحران ماهر را نزد تو آورند! سرانجام ساحران برای روز معین جمع

شدند. ﴿

پروردگاری داشت! چون صبح کرد، مأموران را به تمام شهرها اعزام کرد و هزار ساحر را گرد آورد و از هزار تا صد تن را برگزید و از صد تا هشتاد نفر را. پس ساحران به فرعون گفتند: تو خوب می دانی که در این دنیا ساحر تر از ما نیست، پس اگر ما به موسی غلبه کنیم چه پاداشی نزد تو داریم؟ گفت: ﴿وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُفْرَبِينَ﴾^۱ شما را در سلطنت خویش شریک می سازم.

گفتند: اگر موسی بر ما غالب شد و سحر ما را باطل کرد خواهیم دانست که آن چه آورده است از قبیل سحر و حیله گری نیست و به او ایمان می آوریم و او را تصدیق می کنیم. فرعون گفت: اگر موسی بر شما غالب شد من هم با شما او را تصدیق می کنم ولی هر مهارتی دارید همه را گرد آورید! فرمود: «وعدهی آنها روز عیدشان بود، چون روز بالا آمد همان روز فرعون مردم و ساحران را جمع کرد و تالاری داشت ارتفاعش هشتاد ذراع بود که با آهن و فولاد صیقلی روکش شده بود و چنان بود که هر وقت آفتاب بر آن می تابید، کسی از برق آهن و تابش آفتاب نمی توانست به آن نگاه کند و فرعون و همام آمدند و روی آن گنبدی نشستند و تماشای کردند و موسی به سمت آسمان می نگرید، ساحران به فرعون گفتند: ما این مرد را می بینیم که به آسمان می نگرد در حالی که جادوهای ما هرگز به آسمان نمی رسد و ما تنها ضامن ساحران روی زمین هستیم.

به موسی گفتند: ﴿إِنَّمَا أَنْ تُلْقِي وَإِنَّمَا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ﴾^۲ ﴿قَالَ لَهُمْ

۱. شعراء، ۴۲: ﴿در آن صورت از مقربان درگاه من خواهید بود.﴾

۲. اعراف، ۱۱۵: ﴿ای موسی یا بیفکن و یا ما آغاز می کنیم و وسایل خود را

می افکنیم؟﴾

مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ۖ فَالْقُوا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ ۗ^۱ پس عصاها و طناب‌ها به صورت مارهای بزرگ به حرکت درآمدند: ﴿فَالِقُوا بِعِزَّةٍ فَرَعُونَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ﴾. ﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ﴾ پس ندا آمد: ﴿لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ وَآلَتِي مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ﴾^۲ پس موسی عصا را انداخت در زمین مانند سرب گداخته شد، سپس سرش را درآورد و دهانش را باز کرد و لب بالایش را بر سر گنبد فرعون گذاشت آنگاه دور زد و لب پایینش را آویخت تمام عصاها و طناب‌های ساحران را بلعید و بر همه ساحران غالب شد و مردم چون آن را دیدند و عظمت آن و هول و هراس آن را که هیچ چشمی نظیر آن را ندیده و واصفان مانند آن را وصف نکرده بودند، فرار کردند خداوند او را ندا داد: ﴿خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ﴾.^۳ موسی عَلَيْهِ السَّلَام برگشت و عبایش را که در دستش بود به دستش پیچید، سپس دستش را به دهان آن مار کرد ناگهان دید همان عصاست چنانکه بود و چنان شد که خداوند فرموده است: ﴿فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ﴾^۴ فرعون در آن

۱. شعراء، ۴۳ و ۴۴: ﴿موسی گفت: شما وسایل خود را بیفکنید! آن‌ها طناب‌ها و عصاهای خود را افکندند، گفتند: به عزت فرعون ما قطعاً پیروزیم﴾.

۲. طه، ۶۷ - ۶۹: ﴿در این هنگام موسی احساس ترس خفیفی در دل کرد به او گفتیم: نترس تو مسلماً برتری و آنچه در دست داری بیفکن که تمام ساخته‌های آن‌ها را می‌بلعد چرا که کار آن‌ها تنها مکر ساحر است و ساحر هر جا برود پیروز نخواهد شد﴾.

۳. طه، ۲۱: ﴿فرمود: موسی! آن را بگیر و نترس ما آن را به صورت اول درمی‌آوریم﴾.

۴. شعراء، ۴۶ - ۴۸: ﴿پس ناگهان همه ساحران به سجده افتادند، گفتند: ﴿

هنگام به شدت خشمگین شد و ﴿قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ﴾^۱ آن طوری که خداوند نقل کرده است، آن‌ها در جواب او گفتند: ﴿لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَا أَنَا أَنْ كُنَّا أَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲

پس فرعون همه کسانی را که به موسی علیه السلام ایمان آوردند بازداشت کرد تا این که خداوند طوفان، ملخ، شپش، قورباغه‌ها و خون را بر آن‌ها مسلط کرد پس فرعون آن‌ها را رها ساخت، خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: ﴿وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾^۳ پس موسی علیه السلام بنی اسرائیل را برد تا آن‌ها را از دریا عبور دهد، فرعون اصحاب خود را جمع کرد و به همه شهرها مأمور فرستاد، مردم را جمع کرد و در پیشاپیش آن‌ها ششصد هزار نفر را جلو انداخت و خود در بین هزار هزار سواره (یک میلیون) سوار بر مرکب، آن طوری که خداوند نقل کرده، در آمد ﴿فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَ كُنُوزٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ﴾^۴

۴ ما به پروردگار عالمیان ایمان آوردیم به پروردگار موسی و هارون.

۱. همان، ۴۹: ﴿گفت: آیا به او ایمان آوردید قبل از این که من به شما اذن دهم؟ او بزرگ و استاد شماست که به شما سحر آموخته است، بزودی خواهید دانست؛ دست‌ها و پاهای شما را به طور مخالف قطع می‌کنم و همگی را به دار می‌آویزم﴾.

۲. شعراء، ۵۰ و ۵۱: ﴿هیچ مانعی ندارد ما به سوی پروردگاران باز می‌گردیم ما امیدواریم که پروردگاران خطاهای ما را ببخشند چرا که ما نخستین ایمان آوردگانیم﴾.

۳. شعراء، ۵۲: ﴿شبانۀ بندگانم را کوچ بده، زیرا که آن‌ها مورد تعقیبند﴾.

۴. همان، ۵۷ - ۶۰: ﴿ما آن‌ها را از باغ‌های سرسبز و چشمه‌های پرآب و از گنج‌ها و

چون موسی نزدیک دریا رسید و فرعون به موسی نزدیک شد ﴿قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ قَالَ (موسی) كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾^۱ یعنی مرانجات خواهد داد. پس موسی نزدیک دریا رسید، گفت: شکافته شو!

یوشع بن نون از جا برخاست و به موسی گفت: یا رسول الله! فرمان خدا تو را چیست؟

فرمود: عبور از دریا! پس یوشع اسب خود را در آب فرو برد، به موسی خداوند وحی کرد: ﴿أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ (فَضْرِبْهُ) فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ﴾^۲ یعنی هم چون کوهی بزرگ. پس در دریا برای او دوازده راه باز شد؛ هر گروهی از آن‌ها در راهی حرکت کردند در حالی که آب بالا آمده بود ولی زمین خشک بود؛ آفتاب در آن تابیده و خشک کرده بود، آن طوری که خداوند نقل کرده است: ﴿فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى﴾^۳ موسی وارد دریا شد و یارانش که دوازده گروه بودند خداوند، برای ایشان در دریا دوازده راه فراهم کرد و هر گروهی راهی را اختیار کردند در حالی که آب مانند کوه‌ها از سرشان بالاتر بود.

۲ کاخ‌های زیبا این چنین بیرون رانندیم و بنی اسرائیل را وارث آن‌ها کردیم فرعونیان آن‌ها را تعقیب و طلوع آفتاب به آن‌ها رسیدند ﴿.

۱. همان، ۶۱ و ۶۲: ﴿ یاران موسی گفتند: ما گرفتار شدیم ولی موسی گفت: هرگز، چرا که پروردگارم بزودی هدایتیم خواهم کرد ﴿.

۲. شعراء، ۶۳: ﴿ عصایت را به دریا بزن، ناگهان دریا شکافته شد و هر بخشی همچون کوهی عظیم روی هم انباشته گشت! ﴿

۳. طه، ۷۷: ﴿ راهی خشک در دریا برای آن‌ها بگشا؛ نه از تعقیب فرعونیان می‌ترسی نه از غرق شدن در دریا! ﴿

فرعون با سپاهیان‌ش آمد همین‌که همگی به دریا رسیدند به اصحابش گفت: مگر نمی‌دانید که منم بزرگ‌ترین پروردگار شما، دریا به خاطر من شکافته شد! ولی کسی جرأت نکرد وارد دریا شود و اسب‌ها خودداری کردند چون از آب می‌ترسیدند.

فرعون جلورفت تا به ساحل دریا رسید، منجم وی گفت: وارد دریا نشو ولی او مخالفت کرد و حرف او را قبول نکرد. وارد دریا شد و اصحاب وی نیز دنبال او وارد شدند.

چون همگی وارد آب شدند تا آخرین فرد از اصحاب وی در حالی که آخرین فرد از اصحاب موسی بیرون شد. خداوند به پادشاه فرمان داد دریا را بهم زده آب‌ها مانند کوه‌هایی بر سر آنان فرو داد، آن‌جا بود که فرعون گفت: ﴿أَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^۱ در پاسخ به او گفته شد: ﴿الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾.^{۲ و ۳}

درباره روز عید غدیر

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَ أَنَّهُ كَتَبْنَا رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾^۴ آورده است فرمود:

۱. یونس، ۹۰: ﴿من ایمان آوردم که معبودی جز آن کس که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند وجود ندارد و من او را تسلیمم.﴾

۲. یونس، ۹۱: ﴿اکنون ایمان می‌آوری درحالی که قبل از این گردنکشی کردی و در صف مفسدان قرار داشتی!﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۹ - ۱۲۳.

۴. شعراء، ۱۹۲ - ۱۹۴: ﴿این از سوی پروردگار عالمیان نازل شده، آن را روح الامین نازل کرده بر قلب تو تا از اندازکنندگان باشی.﴾

«روز غدیر درباره‌ی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است.»^۱

بنی‌امیه بر منبر رسول خدا

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد درحالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم غمگین و محزون بود، عرض کرد: یا رسول الله! چه شده است که شما را غمگین می‌بینم؟ فرمود: امشب خوابی را دیدم، پرسیدم: چه دیدید؟ فرمود دیدم بنی‌امیه بالای منبرها می‌روند و پایین می‌آیند. جبرئیل گفت: به خدایی که تو را به حق مبعوث کرده است، در این باره چیزی نمی‌دانم! و به آسمان بالا رفت سپس خداوند او را با چند آیه قرآن فرستاد تا بدان وسیله پیامبر را دلداری دهد؛ قول خداوند: ﴿أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ﴾^۲ و باز این آیات را نازل فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾^۳ به این ترتیب شب قدر را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهتر از هزار ماه قرار داد.»^۴

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۴.

۲. شعراء، ۲۰۵ - ۲۰۷: ﴿به ما خبر ده اگر سال‌ها آن‌ها را از این زندگی بهرمنند سازیم سپس عذاب موعود به سراغشان آید، این بهره‌گیری از دنیا برای آن‌ها سودی نخواهد داشت.﴾

۳. قدر، ۱ - ۳: ﴿ما آن قرآن را شب قدر نازل کردیم، تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است.﴾

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۲.

غاوون یعنی ...

۵. از امام صادق علیه السلام شنیدم که می گفت:

﴿فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ﴾^۱ «غاوون» آن کسانی هستند که حق را شناختند ولی به خلاف آن عمل کردند.^۲

نیت پاک

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«صاحب نیت راستین، صاحب قلب سلیم است، زیرا که سلامت قلب از خطورات بد، تنها با پاک داشت نیت در تمام امور برای خداست، خدای متعال فرموده است: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^۳ و پیامبر فرمود: نیت مؤمن بهتر از عمل اوست و نیز فرمود: اعمال تنها به نیتها بستگی دارد و هرکسی را همان است که نیت کرده و ناگزیر هر بندهای را در هر حرکت و سکونی نیت خالص لازم است، چرا که اگر چنین نباشد او غافل است و غافلان را خداوند وصف کرده، گوید: ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ و فرموده است: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾^۴ و^۵

۱. شعراء، ۹۴.

۲. حلی، احمدین محمد، عدّة الدّاعی، ص ۶۷.

۳. شعراء، ۸۸: ﴿روزی که هیچ مال و فرزندی سودی نمی دهد مگر کسی با قلب سلیم به درگاه خدا آید.﴾

۴. اعراف، ۱۷۹ - ۱۸۰: ﴿آن ها در حقیقت چون چهارپایان بلکه گمراهترند و آنان همان غافلانند.﴾

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

تفسیر آیاتی از سوره نمل

سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و ملکه‌ی سبا

۱. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾^۱ فرمود: سلیمان روی تخت نشست و باد او را برد، به وادی مورچگان گذر کرد؛ چون سلیمان به وادی مورچگان رسید، مورچه‌ای گفت: ﴿يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾^۲ سلیمان چنان بود که هر وقت روی تخت

۱. نمل، ۱۷: ﴿لشگریان سلیمان از جن و انس و پرنندگان نزد او جمع شدند باید توقف می‌کردند تا بهم ملحق می‌شدند.﴾

۲. نمل، ۱۸ و ۱۹: ﴿ای مورچگان! داخل لانه‌های خود شوید تا سلیمان و لشکریانش شما را پایمال نکنند درحالی که نمی‌فهمند! سلیمان از شنیدن سخن او تبسم کرد، عرضه داشت پروردگارا! راه شکر و نعمت‌هایی را که به من و والدینم

می نشست، تمام پرندگان که خداوند برای سلیمان مسخر کرده بود می آمدند و تخت و بساط او را سایه می کردند با تمام کسانی که روی آن بودند. هدهد از بین پرندگان از نظر وی غایب شد و از جای او در کنار سلیمان آفتاب افتاد، سرش را بلند کرد و گفت: - آن طور که خداوند نقل کرده است - ﴿مَا لِي لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾^۱ یعنی اگر دلیل محکمی نداشته باشد. دیری نپایید که ناگهان هدهد آمد سلیمان پرسید: کجا بودی؟ ﴿قَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ﴾^۲ و این عبارت با لفظ عام است ولی معنای خاصی دارد. آن گاه گفت: ﴿وَجَدْتُهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾ سپس هدهد افزود: ﴿أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ﴾^۳ یعنی باران و در زمین گیاه را.

۱۴. ارزانی داشته‌ای به من الهام فرما تا عمل صالح مورد پسند تو را انجام دهم و مرا به رحمت خود در زمره بندگان صالحت قرار ده! ﴿

۱. نمل، ۲۰ و ۲۱: ﴿مرا چه شده است که هدهد را نمی بینم یا این که او از غایبان است! من او را قطعاً کیفر شدیدی خواهم کرد یا او را ذبح می کنم یا دلیل روشنی به من ارائه دهد.﴾

۲. نمل، ۲۲ و ۲۳: ﴿گفت: من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نداری، من از سرزمین سبا یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام؛ زنی را در آن جا یافتم که بر آن ها حکومت می کند و همه چیز را در اختیار دارد مخصوصاً تخت عظیمی دارد!﴾

۳. همان، ۲۴ و ۲۵: ﴿مشاهده کردم آن زن و ملتش در برابر خورشید، نه خدا سجده می کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان زینت داده و آن ها را از راه حق بازداشته است، آن ها هدایت نخواهند شد. آن ها چرا برای خدا سجده نمی کنند خدایی که آن چه در آسمان و زمین پنهان است او خارج می کند!﴾

آن‌گاه سلیمان گفت: ﴿سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَاَلْقِهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ﴾^۱ هدهد گفت: البته او در دژی مرتفع در سختی بزرگ نشسته بود.

سلیمان گفت: این نوشته را ببر و روی کاخ او بینداز! هدهد آمد و نوشته را در دامن او انداخت و او از دیدن آن به خود لرزید و سپاهیانش را جمع کرد و به ایشان گفت: - آن‌طور که خداوند متعال نقل کرده است - ﴿يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ ائِنِّي الْقِيَ اِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ اِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ اِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَلَّا تَعْلَمُوْا عَلَیَّ وَ اَتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ﴾^۲ یعنی بر من تکبر نورزی. آن‌گاه گفت: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ اَفْتُوْنِیْ فِیْ اَمْرِیْ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً اَمْرًا حَتّٰی تَشْهَدُوْنَ﴾ آن‌ها در جواب طوری که خداوند حکایت کرده است، گفتند: ﴿نَحْنُ اَوْلُوْا قُوَّةً وَ اَوْلُوْا بِاَسِّ شَدِیْدٍ وَ اَلْاَمْرُ اِلَیْكَ فَانظُرِیْ مَاذَا تَأْمُرِیْنَ قَالَتْ اِنَّ الْمُلُوْكَ اِذَا دَخَلُوْا قَرْیَةً اَفْسَدُوْهَا وَ جَعَلُوْا اَعْرَضَ اَهْلِهَا اَذَلَّةً - پس خداوند عز و جل فرمود: - وَ كَذٰلِكَ یَفْعَلُوْنَ﴾^۳.

۱. نمل، ۲۷ و ۲۸: ﴿ سلیمان گفت: ما تحقیق می‌کنیم ببینیم تو راستگویی یا از دروغگویان هستی؟! این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن سپس برگرد بین این‌ها چه عکس‌العملی نشان می‌دهند؟﴾

۲. نمل، ۲۹ - ۳۱: ﴿ گفت: ای بزرگان! نامه ارزشمندی به سوی من افکنده شده است؛ این نامه از سوی سلیمان است و محتوایش چنین است. به نام خداوند بخشنده مهربان این‌که در برابر من برتری جویی نکنید و به سوی من در حال تسلیم آید!﴾

۳. نمل، ۳۲ - ۳۴: ﴿ گفت: ای بزرگان رأی خود را در این کار مهم ابراز دارید که من هیچ کار مهمی را بی‌حضور شما انجام نداده‌ام! آن‌ها گفتند: ما دارای نیروی کافی فراوانی هستیم ولی تصمیم نهایی با تو است، ببین چه دستور می‌دهی! گفت: پادشاهان وقتی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و ویرانی می‌کشاند و عزیزان اهل آن را ذلیل می‌کنند، آری چنین کنند!﴾

سپس گفت: اگر او پیامبر از جانب خدا باشد آن طوری که مدعی است ما را تاب مقاومت در برابر او نیست زیرا که خدا مغلوب نمی شود! ولی من به زودی هدیه ای خواهم فرستاد اگر پادشاه باشد و مایل به دنیا آن را بپذیرد و ما خواهیم دانست که او بر ما غالب نخواهد شد! از این رو جعبه ای پر از گوهر بزرگ سوی وی فرستاد، سلیمان به آن بیک گفت: ﴿فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾.^۱
 ﴿ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بَجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا - يَعْنِي طَاقَتِ أَنْ رَانَ دَاخِلَةً بِأَسْفَلِهَا فَالَّذِينَ بَدَّلُوا بَاطِلًا بَدَلًا كَثِيرًا أَصَابَهُمُ الْبَغْضَاءُ أَكْثَرَ الْبَغْضَاءِ﴾.^۲

قاصد برگشت و ماجرا را و نیرومندی سلیمان را به اطلاع او رساند و او دانست که چاره ای از آن ندارد، به جانب سلیمان کوچ کرد همین که سلیمان از آمدن او اطلاع یافت به جن و شیاطین گفت: ﴿أَيُّكُمْ يَا تَيْمِيْنِي بَعْرَشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُوْنِي مُسْلِمِيْنَ قَالَ عَفْرِيْتُ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيْكَ بِه قَبْلَ أَنْ تَقُوْمَ مِنْ مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِيْنٌ﴾.^۳

سلیمان گفت: من زودتر از این می خواهم. آصف بن برخیا گفت:
 ﴿أَنَا آتِيْكَ بِه قَبْلَ أَنْ يَزِيْدَ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾.^۴

۱. نمل، ۳۶: ﴿آن چه خدا به من داده است بهتر از آن است که به شما داده، بلکه

شما هستید که به هدایای خود خوشحال می شوید!﴾

۲. نمل، ۳۷: ﴿به سوی آنان بازگرد ما به زودی با لشکرها به سراغ آنها خواهیم آمد که توانایی مقابله با آن را نداشته باشند و آنها را با ذلت از آن سرزمین بیرون خواهیم کرد.﴾

۳. نمل، ۳۸ و ۳۹: ﴿کدام یک از شما توانایی دارد تخت او را پیش از آن که خودشان بیابند و تسلیم شوند، برای من بیاورد عفریتی از جن گفت: من تخت او را پیش از این که از جای خود برخیزی می آورم چرا که من نسبت به آن توانا و امینم.﴾

۴. همان، ۴۰: ﴿من تخت او را پیش از این که چشم برهم زنی نزد تو خواهم آورد.﴾

پس خدا را به اسم اعظمش خواند، تخت از زیر تخت سلیمان بیرون آمد! ﴿قَالَ نَكُرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ﴾^۱ سلیمان فرمان داده بود که خانه‌ای برای او از بلور صاف درست کنند و آن را روی آب قرار داد سپس ﴿قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ﴾ او گمان کرد، آب است از این رو جامه‌اش را بالا گرفت. ساق‌های پایش نمایان شد، دید موی زیادی دارد! به او گفتند: ﴿إِنَّ صَرْحَ مُمَرَّدٍ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۲.

پس سلیمان او را به همسری خود درآورد؛ وی بلقیس دختر شُرحِ حَمیری بود و دستور داد شیاطین برای او چیزی را فراهم کردند که مورا از او زدود! پس حمام‌هایی برای او ساختند و نوره را پختند و حمام‌ها و نوره از چیزهایی است که شیاطین برای بلقیس فراهم کردند و همین‌طور آسیاب‌هایی که با آب می‌گشتند.^۳

زبان‌های مختلف

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«به سلیمان بن داوود با علمی که داشت، سخن گفتن به هر زبانی و فهمیدن زبان‌ها و زبان پرندگان، چهارپایان و درندگان را داده

۱. نمل، ۴۱ و ۴۲: ﴿گفت: تخت او را برایش ناشناس سازید. ببینیم آیا هدایت می‌شود یا از کسانی خواهد بود که هدایت نمی‌یابند؟ هنگامی که آمد، گفتند: آیا تخت تو این‌گونه است؟ گفت: گویا خود آن تخت است.﴾
۲. نمل، ۴۴: ﴿سلیمان گفت: حیاط قصر از بلور صاف ساخته شده! او گفت: پروردگارا! من بر خود ستم کردم و با سلیمان به پروردگار جهانیان، اسلام آوردم.﴾
۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۶ - ۱۲۸.

بودند، چنان بود که هرگاه جنگ‌ها را می‌دید به فارسی سخن می‌گفت و چون برای کارگزاران و سپاهیان و مردم کشورش جلوس می‌کرد به زبان رومی حرف می‌زد و هرگاه با زنانش خلوت می‌کرد به سریانی و نبطی تکلم می‌نمود و چون در محراب خود برای مناجات با پروردگارش می‌ایستاد به عربی سخن می‌گفت و هرگاه با نمایندگان بیگانه و دشمنان سخن می‌گفت به زبان عبرانی حرف می‌زد.»^۱

مضطر واقعی

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۲ فرمود:

«درباره‌ی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است، به خدا که او مضطرّ است چون دو رکعت نماز در مقام (ابراهیم) بخواند و از خدا بخواهد اجابت کند و بدی و ناراحتی را از او برطرف سازد و او را خلیفه روی زمین قرار دهد.»^۳

رجعت مؤمنان

۴. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَحَشْرُنَاهُمْ فَلَمْ نُبَدِلْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾^۴ از مفصل به نقل از امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند: ﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنَ

۱. همان، ج ۲، ص ۱۲۹.

۲. نمل، ۶۲: ﴿يَا كَسِيٌّ﴾ یا کسی که دعای درمانده را هنگامی که او را بخواند اجابت می‌کند و گرفتاری و بلا را برطرف می‌سازد، شما را خلفای زمین قرار می‌دهد. ﴿

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۰.

۴. کهف، ۴۷: ﴿مَا هَمَّهُمْ أَنَّهُمْ﴾ ما همه آن‌ها را در این هنگام محسور می‌کنیم به گونه‌ای که حتی یک نفر را ترک نخواهیم گفت. ﴿

كُلُّ أُمَّةٍ فَوْجًا^۱ آورده است، که فرمود: کسی از مؤمنان نیست که کشته شود مگر در رجعت برمی‌گردد تا به اجل خود از دنیا رود و بر نمی‌گردد مگر کسی که مؤمن محض و کافر خالص باشد.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی به عمار بن یاسر گفت: ای ابویقظان! آیه‌ای از قرآن قلب مرا تباه کرده و مرا به شک و اداشته است! عمار پرسید: کدام آیه؟ گفت: قول خداوند: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾^۲ آن جنبنده کدام است؟ عمار گفت: به خدا که ننشستم و نه خوردم و نیاشامیدم تا آن آیه را دیدم. پس عمار با آن مرد خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد در حالی که او داشت خرما و کره می‌خورد!

فرمود: ابویقظان! جلو بیا! عمار نشست و شروع کرد با او به خوردن، آن مرد تعجب کرد! همین که عمار برخاست، آن مرد گفت: سبحان الله ای ابویقظان! تو سوگند یاد کردی که نخوری و نیاشامی و ننشینی تا آن را (دابه را) به من بنمایانی! عمار گفت: اگر فهمیدی که من آن را به تو نمایاندم و قول خدای تعالی: ﴿وَكُلُّ أُمَّةٍ دَاخِرِينَ﴾ - فرمود: یعنی خاشعین - و قول خداوند: ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمْرٌ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ﴾^۳

۱. نمل، ۸۳.

۲. نمل، ۸۲.

۳. نمل، ۸۷ و ۸۸: ﴿همگی با خضوع در پیشگاه او حاضر می‌شوند و کوه‌ها را می‌بینی درحالی که ساکن و جامد می‌پنداری در حالی که مانند ابر در حرکتند، این صنع آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده است.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۰۳.

ولایت علی حسنه است

۵. قول خداوند: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا﴾^۱ و قول او: ﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ﴾^۲ امام صادق علیه السلام فرمود:
«به خدا سوگند که ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام حسنه و دشمنی او سیئه است.»

از عبدالرحمن بن کثیر به نقل از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْثَالِهَا﴾^۳ آورده است، فرمود:

«آن برای همه مسلمانان است و حسنه ولایت است، بنابراین هر که کار نیکی کند ده برابر پاداش دارد و اگر هم ولایت نداشته باشد به خاطر عمل نیکش در دنیا آن پاداش را دارد، ولی در آخرت بی بهره است.»^۴

به خدا قرض بده

۶. از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود:

«چون این آیه بر پیامبر نازل شد: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا﴾^۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت: پروردگارا مرا فزون تر دهید! خداوند متعال این آیه را نازل کرد: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ

۱. نمل، ۸۹: ﴿و کسانی که کار نیکی انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت.﴾

۲. نمل، ۹۰: ﴿و کسانی که کار بدی انجام دهند به رو در آتش افکنده می شوند.﴾

۳. انعام، ۱۶۰: ﴿هر کس کار نیکی انجام دهد، ده برابر آن پاداش دارد.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۱.

۵. نمل، ۸۹.

عَشْرٌ أَمْثَالِهَا^۱ رسول خدا ﷺ عرض کرد بیشتر مرحمت کن! خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾^۲ رسول خدا دانست که پاداش زیادی از جانب خدا بی‌شمار و بی‌پایان دارد.»^۳

سه گونه پرستش

۷. امام صادق ع فرمود:

«مردم خدا را به سه گونه پرستش می‌کنند: دسته‌ای او را به خاطر پاداش او می‌پرستند که آن پرستش حریصان، یعنی به خاطر طمع است و گروه دیگری او را از ترس آتش دوزخ می‌پرستند که آن پرستش بردگان، یعنی از روی ترس است ولی من او را به خاطر دوست داشتنش می‌پرستم که آن عبادت کریمان، یعنی همان ایمنی است به دلیل قول خداوند: ﴿هُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ يَوْمَ مَدَّ أَيْمُونَهُ﴾^۴ و به دلیل قول خداوند: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾^۵ بنابراین هرکس خدا را دوست بدارد خداوند او را دوست دارد و هرکه را خدا دوست بدارد از ایمن شدگان است.»^۶

۱. انعام، ۱۶۰.

۲. بقره، ۲۴۵: ﴿کیست که به خدا وام نیکو دهد تا خداوند آن را برایش چندین برابر کند؟﴾

۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۹۷.

۴. نمل، ۸۹: ﴿آن‌ها از وحشت در آن روز درمان خواهند بود.﴾

۵. آل عمران، ۳۱: ﴿بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، مرا پیروی کنید تا خداوند هم شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببامزد.﴾

۶. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۴.

طول مدت نبوت سلیمان علیه السلام

۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا

مَنْطِقَ الطَّيْرِ﴾ فرمود:

«به سلیمان بن داوود سلطنت شرق و غرب عالم را دادند، هفتصد سال و هفت ماه به تمام اهل دنیا از جن، انس، شیاطین، جنبنندگان، پرندگان و درندگان سلطنت کرد و علم همه چیز و زبان همه چیز را به او دادند و در زمان او صنعت‌های عجیبی که مردم شنیده‌اند، ساخته شد و آن است قول خداوند: ﴿عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ﴾».^۱ و ۲

۱. نمل، ۱۶.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۶.

تفسیر آیاتی از سوره قصص

رسالت موسی علیه السلام و تعهدش به شعیب

۱. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلِينَ قَضَيْتُ﴾^۱ آورده است، راوی می گوید:
از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کدام یک از دو مدّت را انجام داد؟
فرمود: «ده سال را کامل کرد»

گفتم: فدایت شوم! کدام یک از دخترانش را شعیب علیه السلام به همسری او درآورد؟ فرمود: «همان که دنبال موسی علیه السلام رفت و او را فراخواند و به پدرش گفت: «ای پدر! این جوان را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که می توانی استخدام کنی! فردی قوی و امین است.»^۲
چون موسی آن مدّت را تمام کرد به شعیب گفت: من ناگزیر باید

۱. قصص، ۲۸: ﴿این قراردادی بین من و تو باشد، هر کدام از این دو مدت هشت یا

ده سال را انجام دهم.﴾

۲. برگرفته از آیه ۲۶ سوره قصص - م.

به وطنم و نزد پدر و مادرم برگردم! من چیزی نزد شما ندارم ولی شعیب گفت هرچه گوسفندانم در این سال بره ابلق (سیاه و سفید) به دنیا آورده است مال تو است. گوسفندان آن سال جز بره ابلق (سیاه و سفید) نزیایند؛ چون یک سال گذشت، همسر موسی حامله شد و شعیب او را از خودش توشه داد و او گوسفندانش را چوپانی کرد.

موسی علیه السلام گوسفندانش را حرکت داد و به قصد مصر از شهر (مدین) بیرون شد، چون در بیابان پهناوری با خانواده اش قرار گرفت، سرمای شدید و باد و ظلمت آن‌ها را فرا گرفت و شب بر آن‌ها سایه افکند، موسی دید آتشی ظاهر شد همان طوری که خداوند فرموده است: ﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾^۱ پس روبه آن آتش رفت تا پرتوی بگیرد! روبه او سرازیر شد، موسی از آن ترسید و برگشت! آتش به جانب درخت رفت، موسی به سوی آن توجه کرد در حالی که به جانب درخت برگشته بود، دوباره مراجعت کرد تا پرتوی بگیرد آتش به جانب او سرازیر شد برگشت و آن را ترک کرد. سپس به سمت آتش نگاه کرد در حالی که سوی درخت برگشته بود، بار سوم سراغ آن (آتش) رفت و آتش به سوی او سرازیر شد. موسی برگشت و دیگر مراجعت نکرد؛ پس خداوند او را ندا داد: ﴿أَنْ يَا مُوسَى

۱. قصص، ۲۹: ﴿هنگامی که موسی مدت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده اش حرکت کرد از جانب طور آتشی دید به خانواده اش گفت: درنگ نکنید که من آتشی دیدم می‌روم شاید خبری از آن برای شما بیاورم یا شعله‌ای از آن آتش تا با آن گرم شوید!﴾

إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ^۱ موسی گفت: چه دلیلی بر آن است؟ خداوند فرمود: همان (عصایی) که در دست داری! عرض کرد: این عصای من است، خطاب رسید: ای موسی! آن را بیانداز! موسی عصا را انداخت، مار بزرگی شد که به سرعت می‌رفت، موسی از آن ترسید و برگشت. خداوند ندا داد: آن را بگیر! ﴿وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِ اسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ﴾^۲ یعنی بدون هیچ علتی و توضیح، این که موسی به شدت گندمگون بود! پس دستش را از گریبان برآورد، دنیا برایش روشن شد!

خدای عز و جل فرمود: ﴿فَدَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾^۳ موسی گفت: - آن طوری که که خداوند نقل کرده است - ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ﴾^۴ اما قول خداوند: ﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَأَجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾^۵

۱. قصص، ۳۰: ﴿ای موسی! منم خداوند پروردگار عالمیان.﴾
۲. قصص، ۳۱ - ۳۲: ﴿و نترس تو در امانی دست خود را در گریبان کن و بیرون آور هنگامی که خارج می‌شود سفید و درخشنده، بدون عیب و نقص است!﴾
۳. قصص، ۳۲: ﴿این دو معجزه عصا و ید بیضا برهان روشن از پروردگارت به سوی فرعون و اطرافیان اوست که آن‌ها قوم فاسقی هستند.﴾
۴. قصص، ۳۳: ﴿گفت: پروردگارا! من از آن‌ها یک نفر را کشته‌ام می‌ترسم مرا به قتل برسانند!﴾
۵. همان، ۳۸: ﴿فرعون گفت: ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم. ای هامان! برایم آتشی بر گل بیفروز آجر بساز! و برای من برج بلندی

فرمود: پس همامان برای او (فرعون) برج بلندی ساخت تا بجایی رسید که انسان از تندبادهای موجود در هوا نمی توانست روی آن بایستد! به فرعون گفت: من نمی توانم بیش از این بالا ببرم! پس خداوند بادهایی فرستاد، آن را انداخت!

فرعون در آن وقت سرکش تر از همیشه بود، سپس خداوند فرمود: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَّرُونَ﴾^۱ سپس خداوند پیامبر خود را مخاطب قرار داد و فرمود: ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ﴾^۲ یعنی او را آگاه ساختیم. ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا﴾^۳ و قول خداوند: ﴿وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ﴾^۴ یعنی عمرهایشان طولانی شد، پس نافرمانی خدا را کردند.

و قول خداوند: ﴿وَمَا كُنْتَ تَأْوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ﴾^۵ یعنی تو (بین مردم مدین) نمانده بودی، و قول خداوند: «ساحران تظاهرا» فرمود: یعنی موسی و هارون. و قول خداوند: ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾^۶

﴿ فراهم کن! تا از خدای موسی خبر گیرم هرچند من گمان می برم که او از دروغگویان است!﴾

۱. قصص، ۴۱: ﴿وَأَنَّا فرعونیان را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می کنند و روز قیامت یاری نخواهند شد.﴾

۲. قصص، ۴۴: ﴿و تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان نبوت را به موسی دادیم.﴾

۳. قصص، ۴۶: ﴿تو در کنار طور نبودی زمانی که ما ندا دادیم.﴾

۴. قصص، ۴۵: ﴿ولی ما اقوامی را در عمرهای مختلف خلق کردیم و زمان های طولانی بر آن ها گذشت.﴾

۵. قصص، ۴۵: ﴿تو هرگز در میان مردم مدین اقامت نداشتی.﴾

۶. قصص، ۵۱: ﴿و یا آیات قرآن را یکی پس از دیگری برای آن ها آوردیم شاید متذکر شوند.﴾

یعنی تا متذکر شوند.^۱

شعیان ما بردبارتر از ما

۲. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا﴾ می‌گوید: یعنی امامان علیهم‌السلام و امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«ما بردباریم و شیعیان ما بردبارتر از ما، چرا که ما بدانچه می‌دانیم صبر می‌کنیم، ولی شیعیان بر آن چه نمی‌دانند صبر می‌کنند. قول خداوند: ﴿وَيَسْتَرْوُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ﴾ یعنی بدی‌های کسانی را که به آن‌ها بدی کرده‌اند با نیکی‌ها دفع می‌کنند ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ﴾^۲ فرمود: لغو یعنی دروغ، و لهُو یعنی غنا و آنان امامان علیهم‌السلام هستند که از تمام این‌ها اعراض می‌کنند.

قول خداوند: ﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَخْطَفُ مِنْ أَرْضِنَا﴾ و قول خداوند: ﴿أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۳ و قول خداوند: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَوْمٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فِتْلَكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳۴ - ۱۴۰.

۲. قصص، ۵۴ - ۵۵: ﴿آن‌ها کسانی هستند که به خاطر صبرشان دو بار پاداش دریافت می‌کنند و به وسیله نیکی‌ها بدی‌ها را دفع و از آن چه روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند و چون سخن بیهوده بشنوند از آن روگردانند.﴾

۳. قصص، ۵۷: ﴿آن‌ها گفتند: ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم ما را از سرزمینمان می‌ربایند. آیا ما حرم امنی در اختیار آن‌ها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی به سوی آن آورده می‌شود؛ رزقی است از جانب ما ولی بیشترشان نمی‌دانند.﴾

مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا^۱ و قول خداوند: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ﴾^۲.

احوال مؤمن و کافر در قبر

۳. قول خداوند: ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ﴾^۳ عامه نقل کرده‌اند که آن در قیامت است، محمدین مسلم به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«چون بنده وارد قبر شود، مُنْكَر به سراغ او بیاید از او بترسد؛ از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پرسد، می‌گوید: چه می‌گویی درباره‌ی این مردی که در میان شما بود؟ اگر مؤمن باشد، می‌گوید: گواهی می‌دهم که فرستاده‌ی خدا بود و به حق آمده بود! به او گویند، بخواب خوابی

۱. قصص، ۵۸: ﴿ما بسیاری از شهرها را که مغرور نعمت و زندگی مرفه بودند نابودشان کردیم پس این خانه‌ها و دیار آن‌هاست که پس از ایشان جز مدّت قلیلی کسی در آن‌ها سکونت نکرد.﴾

۲. قصص، ۶۲ - ۶۴: ﴿روزی که خداوند آن‌ها را ندا می‌دهد و می‌گوید: کجا هستید همتایانی که برای من می‌پنداشتید؟ گروهی که فرمان عذاب برای آن‌ها مسلم شده، می‌گویند: پروردگارا ما این‌ها را گمراه کردیم همان گونه که خود گمراه شدیم، ما از آن‌ها به سوی تو بیزاری می‌جوییم؛ آن‌ها در حقیقت ما را نمی‌پرستیدند بلکه هوای نفس خود را می‌پرستیدند. گفته می‌شود: شما معبودهایتان را بخوانید! آن‌ها را به کمک می‌خوانند ولی جوابی به آن‌ها نمی‌دهند و عذاب الهی را می‌بینند و آرزو می‌کنند کاش هدایت می‌شدند.﴾

۳. همان، ۶۵: ﴿و روزی که خداوند آن‌ها را ندا می‌دهد و می‌گوید: چه پاسخی به پیامبران من گفتید؟!﴾

که هیچ رؤیایی نبینی و شیطان از او دور می‌شود و قبرش هفت ذراع گشاده می‌شود و جای خود را در بهشت می‌بیند.
اگر کافر باشد، گوید: نمی‌دانم پس ضربتی او را بزنند که هر مخلوق خدا جز انسان آن را بشنود و شیطان بر او مسلط گردد، درحالی که دو چشم دارد از مس یا آتش که چون برق رباینده می‌درخشند؛ به او می‌گوید: من برادر توام! و مارها و عقرب‌هایی بر او مسلط می‌شوند و قبرش بر او تاریک می‌گردد وانگهی به شدت او را فشار می‌دهد به طوری که اضلاعش جابجا می‌گردد!»^۱

توصیف دنیا

۴. قول خداوند: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۲ حفص بن غیاث به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«ای حفص! دنیا در نظر من چیزی جز به منزله‌ی مرداری نیست که هرگاه ناگزیر از آن شوم چیزی از آن را بخورم. ای حفص! خدای تبارک و تعالی می‌دانست که بندگان چه می‌کنند و سرانجامشان چیست، از این رو در وقت عمل بد آن‌ها به دلیل علم سابقش درباره‌ی آن‌ها، صبوری می‌کند.

بنابراین خوش خواهی نسبت به کسی که بیم فوتش نیست تو را نفریید. سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ﴾ و شروع به گریه کرد و می‌فرمود: «به خدا که در نزد این آیه تمام آرزوها (دنیوی)

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲. قصص، ۸۳: ﴿این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است.﴾

بر باد است.» سپس فرمود: «به خدا که نیکان رستگارند! آیا می‌دانی آن‌ها کیستند؟ آن‌ها کسانی هستند که مورچه‌ی ریزی رانمی‌آزارند. در ترس از خدا، داشتن علم کافی است و درباره‌ی غرور در برابر خدا نادانی بس است. ای حفص! برای نادان هفتاد گناه را ببخشند، پیش از آن‌که برای دانایک گناه بخشوده شود! هرکه بیاموزد و بداند و مطابق دانسته‌اش عمل کند در ملکوت آسمان‌ها بزرگ شمرده شود و گفته شود که او برای خدا آموخته و برای خدا عمل کرده و برای خدا دانسته است.»

گفتم: فدایت شوم! اندازه‌ی پارسایی در دنیا چیست؟ فرمود: «خداوند در کتاب خود (قرآن) اندازه‌ی آن را تعیین کرده و فرموده است: ﴿لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۱ به راستی داناترین مردم به خدا کسی است که پیش از همه خوف خدا را دارد و خائف‌ترین مردم از خدا، آگاه‌ترین آن‌هاست و آگاه‌ترین آنان، پارساترین ایشان است.»

مردی عرض کرد: یابن رسول الله! مرا نصیحت کن! فرمود: «هرجا هستی از خدا بترس زیرا که تو احساس ترس نمی‌کنی»^۲

راه ماندگار

۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾^۳ فرمود:

۱. حدید، ۲۳: ﴿این به خاطر آن است که برای آن‌چه از دست داده‌اید تأسف نخورید و به آن‌چه به شما داده است شادمان نباشید!﴾
۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۷.
۳. قصص، ۸۸: ﴿همه چیز جز ذات پاک او، فانی و نابود می‌شود.﴾

تفسیر آیاتی از سوره قصص □ ۵۳۵

«همه چیز نابودشدنی است جز کسی که راهی [راه اهل بیت] را
پیش گرفته است که شما برآنید.»^۱

گمراه کیست؟

۶. معلی بن خنیس به نقل از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند:
﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾^۲ آورده است، که فرمود:
«یعنی کسی که دین خود را رأی و نظر خود، بدون هدایت
امامانی از ائمه هدی علیهم السلام، بداند!»^۳

وجه الله

۷. در تفسیر قول خداوند: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ امام
صادق علیه السلام فرمود:
«منظور (از وجه) ما مییم.»^۴

موسی از خدا چه طلب کرد؟

۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند به نقل از موسی علیه السلام:
پروردگارا ﴿إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾^۵ فرمود:
«او غذا طلبید و نیازمند به آن بود.»^۶

۱. برقی، المحاسن، ص ۱۹۹.

۲. قصص، ۵۰: ﴿چه کسی گمراه‌تر از آن کسی است که از هوای نفس خود پیروی
کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته است.﴾

۳. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۱۳.

۴. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۳.

۵. قصص، ۲۴: ﴿خدایا هر خیر و نیکی بر من بفرستی من به آن نیازمندم.﴾

۶. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۰۹.

تفسیر آیاتی از سوره عنکبوت

صاحبان علم

۱. امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه: ﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ﴾^۱ می فرمود:
«مخصوص ائمه علیهم السلام است.»^۲

مؤمنان و منافقان

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَلْيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ - یعنی به ولایت علی علیه السلام - و لِيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ^۳ یعنی منکران ولایت آن حضرت.^۴

-
۱. عنکبوت، ۴۹: ﴿این کتاب آسمانی مجموعه‌ای از آیات بینات است که در سینه‌های صاحبان علم قرار می‌گیرد.﴾
۲. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۲۰۵.
۳. عنکبوت، ۱۱: ﴿به طور قطع خداوند مؤمنان را می‌شناسد و نیز به یقین منافقان را می‌شناسد.﴾
۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۹.

هجرت کن

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ﴾^۱ فرمود:

«معنایش این است که هرگاه در زمینی معصیت خدا شد که تو در

آن بودی، از آن جا به جای دیگر برو!»^۲

۱. عنکبوت، ۵۶: ﴿ای بندگان من که ایمان آورده‌اید سرزمین وسیع است.﴾

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۹.

تفسیر آیاتی از سوره روم

اعطای فدک

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون آیه ﴿فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^۱ نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را طلبید و فدک را به او عطا کرد.» ابان می‌گوید:
عرض کردم: آیا محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را عطا کرد؟ فرمود:
«بلکه خداوند آن را عطا کرد.»^۲

غصب فدک

۲. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ﴾^۳ از امام صادق علیه السلام آورده است، که فرمود:
«چون با ابوبکر بیعت کردند و کار امارت او بر همه‌ی مهاجرین و

۱. روم، ۳۸: ﴿و حق نزدیکان را پرداز.» ﴿

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۲۰.

۳. روم، ۳۸: ﴿پس حق نزدیکان و بستگان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن!﴾ ﴿

انصار سامان گرفت، کسانی را به فدک فرستاد و نماینده‌ی فاطمه دختر رسول خدا ﷺ را از آن‌جا بیرون کرد. پس فاطمه ع نزد ابوبکر آمد و گفت: ای ابوبکر! مرا از میراث رسول خدا ﷺ بازداشتی و نماینده‌ی مرا از فدک بیرون کردی در صورتی که رسول خدا ﷺ آن را به امر خدا برای من قرار داده بود!

ابوبکر گفت: بر این گفته شاهدانی بیاور! فاطمه ع اُمّ ایمن را آورد، او گفت: من گواهی نمی‌دهم تا احتجاج کنم! یا ابابکر! بر تو باد سخن رسول خدا ﷺ؛ من تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا تو نمی‌دانی که رسول خدا ﷺ فرمود: اُمّ ایمن از اهل بهشت است! ابوبکر گفت: چرا [می‌دانم] اُمّ ایمن گفت: بنابراین شهادت می‌دهم که خداوند به رسول خدا ﷺ وحی کرد: ﴿قَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^۱ پس به دستور خدا فدک را برای فاطمه ع قرار داد. و علی ع آمد بمانند همان شهادت را داد. پس ابوبکر نوشته‌ای را راجع به فدک نوشت و به وی داد، عمر وارد شد و گفت: این نوشته چیست؟ ابوبکر گفت: فاطمه مدّعی فدک بود و اُمّ ایمن و علی برای او گواهی دادند، از این رو من فدک را برای او نوشتم. عمر آن نوشته را از فاطمه گرفت و آن را مچاله کرد و گفت: این مالیات مسلمان‌هاست و گفت: اوس بن حدثان، عایشه و حفصه گواهی می‌دهند که رسول خدا ﷺ فرمود: ما توده‌ی پیامبران ارثی بجا نمی‌گذاریم، آن‌چه را که ما باقی می‌گذاریم صدقه است؛ بنابراین علی که همسر اوست، به نفع خود گواهی می‌دهد و اُمّ ایمن هم که زن صالحی است، اگر دیگری به همراه

او باشد درباره اش فکر می‌کنیم!

فاطمه علیها السلام از نزد آن دو با گریه و اندوه بیرون شد و پس از آن علی علیه السلام نزد ابوبکر آمد، در حالی که او در مسجد بود و مهاجران و انصار پیرامون او بودند، فرمود: ای ابوبکر! چرا مانع ارث ببری فاطمه علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شدی؟ در صورتی که آن را در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مالک شده بود. ابوبکر گفت: این مالیات مسلمین است، اگر فاطمه شهودی داشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را به وی داده است، اگر نه هیچ حقی در آن ندارد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای ابوبکر! در بین ما بر خلاف حکم رایج خدا، در میان مسلمین حکم می‌کنی؟ گفت: نه. فرمود: اگر در دست مسلمانان چیزی باشد (طبق قاعده‌ی فقهی ید) مالک آن هستند، من بیایم ادّعایی درباره‌ی آن چیز کنم، از چه کسی بیّنه (شاهد) می‌طلبی؟ گفت: از کسی بیّنه می‌طلبم که در برابر مسلمین ادّعا کند.

فرمود: اگر در دست من چیزی باشد و مسلمانان در آن باره‌ی ادّعا کنند، درباره‌ی آن چه دست من است آیا از من بیّنه می‌طلبی، درحالی که در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پس از او من مالکم و تو از مسلمانان بیّنه - یعنی شهود بر آن چه آن‌ها در برابر من ادعا داشتند - نخواستی آن طوری که از من خواستی، بر اساس آن چه من در برابر آن‌ها ادعا داشتیم! ابوبکر با شنیدن این سخنان ساکت ماند، ولی عمر گفت: یا علی! ما را از این حرف‌هایت بگذر که ما تاب حجت‌های تو را نداریم؛ اگر شاهدان عادل آوردی، اگر نه مالیات متعلق به مسلمانان است تو

و فاطمه را حقی بر آن نیست!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای ابوبکر! آیا کتاب خدا (قرآن) را می‌خوانی؟ گفت: آری. فرمود: بگو ببینم قول خدا: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^۱ درباره‌ی چه کسی نازل شده است؟ درباره‌ی ما یا درباره‌ی دیگران؟ ابوبکر گفت: بلکه درباره‌ی شما. فرمود: بنابراین اگر دو شاهد علیه فاطمه علیها السلام شهادت به گناه زشت! دهند تو چه می‌کنی؟ گفت: حد را بر او جاری می‌کنم همان طوری که بر سایر مسلمانان جاری می‌کنم. فرمود: «در آن صورت از جمله کافران در نزد خدا خواهی بود. پرسید چرا؟، فرمود: چون شهادت خدا را درباره‌ی او به طهارت رد کرده‌ای و شهادت مردم را بر ضد او پذیرفته‌ای! همان طوری که حکم خدا و رسولش را رد کردی که فدک را رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای او قرار داد و در زمان حیات پیامبر فاطمه آن را متصرف بود، سپس تو شهادت عربی را که چون شتر بر عقبش بول می‌کند، قبول کردی و فدک را از او گرفتی و گمان کردی که آن مالیات مسلمانان است. درحالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بینة (شاهد) بر کسی است که مدعی باشد و سوگند بر مدعی علیه (منکر) است.

امام صادق علیه السلام فرمود: این جا بود که مردم غضبناک سخنانی گفتند و بعضی گریه کردند و گفتند: به خدا که علی راست گفت، و علی علیه السلام به منزلش بازگشت و فاطمه علیها السلام وارد مسجد شد و دور

۱. احزاب ، ۳۳: ﴿ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و

کاملاً شما را پاک سازد. ﴿

قبر پدرش می‌گشت و می‌گریست و می‌گفت:
 (پدرجان!) ما از تو محروم ماندیم، بمانند محروم ماندن زمین از
 باران تند.

و قوم تو دگرگون شدند؛ تو بر آن‌ها شاهی نه پنهان!
 (پدرجان) پس از تو خبرها و غوغایی به پا شد
 که اگر تو بودی این همه گرفتاری رخ نمی‌نمود
 جبرئیل به وسیله آیات با ما انس داشت
 از ما نهان شد و تمام نیکی‌ها پوشیده گشت
 تو ماه شب چهارده و نوری پر فروغ بودی
 بر تو از جانب ربّ العزة کتاب‌ها نازل می‌گشت
 مردانی خشن با ما مواجه شده و ما را سبک شمردند
 چون تو از ما نهان شدی همه حقوق ما را به تاراج بردند
 هر خانواده‌ای را که در پیشگاه خدا قرب و منزلتی باشد
 در برابر مردمان طبقه پایین قرب و منزلتی دارند
 مردانی در برابر ما بروز کردند که چون تو رفتی
 محتوای سینه‌هایشان چون تلی بین تو فاصله شد
 ما با مصائبی روبرو شدیم که هیچ کس از مخلوقات
 نه عرب و نه عجم بدان گرفتار نگشته است!
 البته ما به چنان مصیبت‌ها تنها به خاطر خُلق و خواهی
 پسندیده‌ی خود و فرزندان و بستگان، گرفتار شدیم
 تو بهترین تمام بندگان خدا هستی و صادق‌ترین
 مردم آنگاه که راست و دروغ بر ملا شود
 ما تا زنده‌ایم و تا چشمان ما باقی است در سوگ تو

می‌گیریم و از دیدگانمان اشک غم می‌باریم!

آن کسی که به ما خانواده ستم روا داشت به زودی می‌فهمد
روز قیامت به چه سرانجام شومی دچار خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «ابوبکر از مسجد به خانه‌اش برگشت و
دنبال عمر فرستاد و او را طلبید سپس گفت: امروز موضع علی را
نسبت به ما دیدی؟ به خدا سوگند اگر نشستی مانند آن را داشته
باشد امر ما را تباه می‌سازد، نظر تو چیست؟ عمر گفت: به نظر
من باید فرمان قتل او را صادر کنی! ابوبکر گفت: چه کسی او را
بکشد؟ عمر گفت: خالد بن ولید. دنبال خالد فرستادند او نزد
ایشان آمد، گفتند: می‌خواهیم تو را به کار بزرگی واداریم! گفت:
هرچه می‌خواهید مرا وادارید هرچند که کشتن علی باشد! گفتند:
همان است.

خالد گفت: چه وقت او را بکشم؟ ابوبکر گفت: وقتی که مسجد
حاضر شد تو در حال نماز کنار او بایست چون من سلام دادم به
او حمله کن و گردنش را بزن! خالد گفت: آری. اسماء بنت عمیس
که همسر ابوبکر بود، آن را شنید و به کنیزش گفت: به خانه‌ی
علی و فاطمه علیهما السلام برو! سلام برسان و به علی بگو که این جمع
با هم مشورت می‌کردند که تو را بکشند، بنابراین بیرون شو که
من از خیرخواهان توام! کنیز نزد ایشان آمد و به علی علیه السلام گفت:
اسماء بنت عمیس به شما سلام می‌رساند و می‌گوید: این اشراف
با هم رایزنی داشتند که تو را بکشند، بنابراین بیرون شو که من از
خیرخواهان شما هستم. علی علیه السلام فرمود: به اسماء بگو که خداوند
بین آن‌ها و آن‌چه می‌خواهند حایل می‌شود. سپس برخاست و

آماده نماز شد و در مسجد حضور یافت و پشت سر ابوبکر ایستاد و نماز خودش را (فردای) خواند درحالی که خالد بن ولید کنار او به همراه شمشیری بود، همین که ابوبکر در تشهّد نشست، از گفته‌اش پشیمان شد و از آشوب و سرسختی علی علیه السلام ترسید و هم‌چنان فکر می‌کرد، جرأت سلام دادن نداشت به طوری که مردم گمان کردند سهو کرده است سپس رو به خالد کرد و گفت: یا خالد! آن‌چه گفتم انجام نده، السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

امیرالمؤمنین فرمود: خالد! تو را به چه چیز فرمان داده بود؟ گفت: مرا مأمور کرده بود گردنت را بزنم! فرمود: این کار را می‌کردی؟ گفت: آری به خدا اگر نگفته بود انجام نده! پس از سلام نماز تو را کشته بودم. علی علیه السلام او را گرفت و به زمین زد و مردم جمع شدند، عمر گفت: سوگند به پروردگار کعبه او را می‌کشد! مردم گفتند: یا اباالحسن! خدا را، به حق صاحب این قبر او را رها کن! نگاهی به عمر کرد و گریبان او را گرفت و گفت: ای پسر کنیز سیاه! اگر از قبَل عهد و پیمانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و کتاب خدا نبود می‌دانستی چه کسی بی‌یاور و کم نیرو است! سپس وارد منزل خود شد.^۱

انواع ربا

۳. حفص بن غیاث در تفسیر آیه: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيُرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾^۲ از امام صادق علیه السلام نقل کرده است فرمود:

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۵ - ۱۵۸.

۲. روم، ۳۹: ﴿آن‌چه به عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد نزد الله﴾

«ربا دو نوع است: یکی از آن‌ها حلال و دیگری حرام است. اما ربای حلال آن است که مردی به برادرش وام می‌دهد به طمع این‌که او را زیادت‌تر و عوض آن را بیش از آنچه گرفته است - بدون این‌که شرطی بین آن‌ها باشد - بدهد. بنابراین اگر بیش از آنچه گرفته است بدون این‌که شرطی بین آن‌ها باشد بپردازد برای او مباح است، ولی در پیشگاه خدا بابت وامی که داده، پاداشی نیست و همان است قول خداوند: ﴿فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾ اما ربای حرام، مردی وامی می‌دهد و شرط می‌کند که بیشتر از آنچه گرفته است باز پس دهد، این همان ربای حرام است؛ قول خداوند: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾^۱

یعنی آن احسانی که بدان وسیله به برادران خود کرده و وامی داده‌اید نه به طمع زیادت، امام صادق علیه السلام فرمود: «بر سر دروازه‌ی بهشت نوشته شده است: قرض الحسنه هیچ‌ده برابر و صدقه ده برابر پاداش دارد.»

سپس خداوند قدرت و تفضل خود را بر خلق خویش یاد کرده و فرموده است: ﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَنَزِلُ الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَأِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ

﴿ خدا فزونی نخواهد یافت.﴾

۱. روم، ۳۹: ﴿ و آنچه را که به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید؛ کسانی که چنین دارای پاداش مضاعف هستند.﴾

أَنْ يُتَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لِمُبْلِسِينَ فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى ﴿١﴾ که بر رد فرقه‌ی دهریه است. ﴿٢﴾

افزایش گناهان

۴. قول خداوند: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾^۳ می‌گوید: وقتی که باران نیاید سبب فساد جانداران بیابان است و هم‌چنین سبب فساد جانداران دریاست و امام صادق علیه السلام فرمود:

«زندگی جانداران دریا به وسیله‌ی باران است و چون باران نیاید تباهی موجودات خشکی و دریا ظاهر شود و آن در وقتی است که گناهان و معاصی زیاد شود.»^۴

فطرت توحید

۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ

-
۱. روم، ۴۸ - ۵۰: ﴿خداوند همان کسی است که بادها را می‌فرستد تا ابرهایی را به حرکت درآورند و سپس ابرها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند و متراکم می‌سازد این‌جاست که دانه‌های باران را می‌بینی که از لابلای آن‌ها خارج می‌شوند پس هنگامی که این باران حیاتبخش را به هرکس از بندگانش بخواهد برساند، ناگهان آن‌ها خوشحال و مسرور می‌شوند و قطعاً پیش از آن‌که بر آن‌ها نازل شود مأیوس بودند. به آثار رحمت الهی بنگر چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند، چنین کسی زنده کننده مردگانی است.﴾
 ۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۹.
 ۳. روم، ۴۱: ﴿فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است.﴾
 ۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۲.

النَّاسَ عَلَيْهَا^۱ فرمود:

«آن‌ها بر فطرت توحید خلق شده‌اند.»^۲

عمل صالح

۶. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا

فَلَا نَفْسِهِمْ يَمْهُدُونَ»^۳ فرمود:

«عمل صالح پیش از صاحبش به بهشت می‌رود تا [فضای

آسایش را] برای او آماده کند همان طوری که خدمتکار یکی از

شما جلوتر می‌رود تا بستر شما را فراهم کند!»^۴

۱. روم، ۳۰: ﴿این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده﴾.

۲. برقی، المحاسن، ص ۲۴۱.

۳. روم، ۴۴: ﴿آن‌ها که عمل صالح انجام دادند به سود خود آماده می‌سازند﴾.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۰۷.

تفسیر آیاتی از سوره لقمان

حکمت لقمان

۱. علی بن نصر می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! تفسیر قول خداوند: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ﴾^۱ چه می شود؟ فرمود: «(به لقمان) معرفت امام زمانش را عطا کردند.»^۲

لقمان که بود؟

۲. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾^۳ از حماد نقل شده است، می گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به لقمان و حکمت او پرسیدم

۱. لقمان، ۱۲: ﴿ما به لقمان حکمت دادیم.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. لقمان، ۱۰: ﴿ما به لقمان حکمت دادیم و به او گفتیم: شکر خدا را بجای آور هرکس شکرگذاری کند تنها به سود خویش شکرگذاری کرده است و هرکس کفران کند (زیانی به خدا نمی رساند) چرا که خداوند بی نیاز و ستوده است.﴾

که خداوند آن را (در قرآن) یاد کرده است، فرمود:

«بدان به خدا سوگند که به لقمان شخصیت (مادی) و ثروت و خاندان و گسترش قدرت جسمی و زیبایی ندادند، بلکه او مردی بود که در [انجام] کار، خدایی و نیرومند و پرهیزکار؛ در راه خدا ساکت و آرام و ژرف نگر و دوراندیش، تندنظر و عبرت‌گیر از عبرت‌ها بود، هرگز روز را نخوابید و کسی او را در حال ... غسل کردن ندید چون زیاد پرده پوش و ژرف بین و مراقب در کارش بود و هرگز از این‌که مبدا گناه باشد از چیزی نخنید و هرگز خشمگین نشد و هرگز با انسانی شوخی نکرد و به چیزی از کار دنیا که انجام دهد، خوشحال و بر چیزی از آن هرگز غمگین نشد.

از زنان همسرگزید و فرزندان زیادی داشت. او بر مرگ کسی نگریست و به دو نفر که با هم در ستیز باشند یا در حال کشتن یک‌دیگر باشند، برخورد نکرد مگر بین آن‌ها را اصلاح کرد و از آن‌ها نگذشت، مگر آن‌ها را یاری کرد و هرگز سخنی را از کسی نشنید که در نظرش خوب باشد مگر از تفسیر آن و از گوینده‌ی آن پرسید و با فقها و حکما زیاد هم‌نشینی می‌کرد ولی از قضاات، ملوک و شاهان (ظالم) دوری می‌کرد.

برای گرفتاری قضاات مرثیه می‌گفت و به ملوک و شاهان به خاطر فخرشان به خدا و اعتمادشان در آن باره دلسوزی می‌کرد و عبرت می‌گرفت و آن‌چه را که باعث مغلوب کردن نفس خود باشد می‌آموخت و بدان وسیله با هوای نفسش مجاهدت و از شیطان دوری می‌کرد. قلب خود را با اندیشیدن و جان خود را با عبرت‌گزینی معالجه

می‌کرد و نمی‌رفت مگر دنبال چیزی که مفید باشد و بدان وسیله حکمت داده شد و عصمت یافت، زیرا که خدای تعالی گروه‌هایی از فرشتگان را فرمان داد، تا به هنگام نیمروز و آرام گرفتن چشم‌ها با او سخن بگویند، از این رو لقمان را به گونه‌ای ندا دادند که بشنود ولی نبیند!

گفتند: ای لقمان! آیا حاضری خداوند تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا بین مردم داوری کنی؟ لقمان گفت: اگر مرا بدان فرمان دهد، می‌شنوم و اطاعت می‌کنم، زیرا اگر او با من چنین کند کمکم می‌کند و آگاهم می‌سازد و مرا از انحراف نگاه می‌دارد و اگر او مرا برگزیند با سلامتی می‌پذیرم! فرشتگان گفتند: یا لقمان! چرا این حرف‌ها را زدی؟ گفت: چون داوری بین مردم از سخت‌ترین مراحل دینی و پر آشوب و بالاترین چیزهایی است که خوار می‌سازد و پشتوانه‌ای ندارد و از هر طرف در پوشش ستم قرار دارد و صاحب آن بین دو امر است که اگر در آن به حق رسیده باشد، سزاوار سالم ماندن است و اگر خطا کند راه بهشت را خطا کرده است.

هر که در دنیا خوار و ناتوان باشد، در معاد بر او سهل‌تر خواهد بود که در آن داوری بزرگ و شریف باشد و هر که دنیا را بر آخرت ترجیح دهد در هر دوی آن‌ها زیان بیند؛ این از بین می‌رود و آن را نمی‌بیند.

امام علیه السلام فرمود: «فرشتگان از حکمت او شگفت زده شده و خدای رحمان منطق او را نیکو شمرد! چون شب شد و او به بستر شبانه‌اش رفت خداوند حکمت را بر او فرو فرستاد و او را از فرق سر تا به پایش پوشش داد، در حالی که او خوابیده بود و او را با پوشش حکمت در هم پیچید، در حالی بیدار شد که با حکمت‌ترین فرد زمان خود بود. بین

مردم آمد از روی حکمت سخن می‌گفت و در آن راه ثابت قدم بود! فرمود: چون حکم خلافت به او داده شد، او قبول نکرد خداوند فرشتگان را فرمان داد، داوود علیه السلام را به خلافت ندا دادند و او پذیرفت و هیچ شرطی در آن باره چون شرط لقمان را نکرد، از این رو خلافت زمین را خداوند به او داد و بارها او را آزمایش کرد و در تمام آن‌ها می‌رفت که خطا کند، خداوند او را می‌پذیرفت و می‌بخشید و لقمان زیاد از داوود دیدن می‌کرد و با مواعظ، حکمت و علم فراوانش او را موعظه می‌نمود و داوود می‌گفت: خوشا به حال تو ای لقمان! که تو را حکمت دادند و بلا را از تو دفع کردند، ولی به داوود خلافت را دادند و به داووری و آزمون او را مبتلا ساختند.

سپس امام صادق علیه السلام گفت: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۱ فرمود: «لقمان به پسرش به قدری از آثار موعظه کرد که او شکوفا و قلبش باز شد.

ای حماد! از جمله مواعظ لقمان این بود که گفت: پسرم! تو از روزی که به دنیا افتادی، دنیا را پشت کرده و رو به آخرتی. بنابراین خانه‌ای که تو سوی آن می‌روی به تونزدیک‌تر از خانه‌ای است که از آن دور می‌شوی!

پسرم! با دانشمندان هم‌نشینی کن و با زانوهایت (زانو زدن در محضر آن‌ها) مزاحم آن‌ها شو! مبادا با آن‌ها مجادله کنی تا مانع تو شوند. و از دنیا رسیدن (به قدر نیاز) را بگیر و آن را ترک نکن تا سربار

۱. لقمان، ۱۳: ﴿هنگامی که لقمان به پسرش گفت: - درحالی که او را موعظه

می‌کرد - پسرم چیزی را همتای خدا قرار مده! که شرک ظلم بزرگی است!﴾

مردم باشی و چنان وارد دنیا نشو که به آخرت صدمه زند و به قدری روزه بگیر که شهوت تو را بازگیرد، نه آن قدر که مانع نماز تو شود؛ زیرا که نماز در پیشگاه خدا محبوب تر از روزه است. پسرم! دنیا دریای ژرفی است که جمع زیادی در آن غرق شده‌اند، بنابراین کشتی خود را ایمان، و بادبان آن را توکل و توشه‌ی خود را در آن تقوای الهی قرار ده!

پس اگر نجات یافتی به رحمت الهی نجات یافته‌ای و اگر هلاک شدی به خاطر گناهان خود تو است. پسرم! اگر در خردسالی ادب یافتی، در بزرگی سودبری و هرکه به وسیله‌ی ادب بی‌نیاز شد به آن اهتمام ورزد و هرکه به آن اهتمام ورزد، به شدت پی‌علم رود و هرکه با زحمت پی‌علم رود، به شدت آن را بطلبد و هرکه به شدت طالب آن شود، سودش را بیابد و آن را رسم خود قرار دهد. زیرا که تو آن را از پیشینیان گرفته‌ای و افراد پس از خود را بدان وسیله سودبخشی و شخص علاقمند به تو امید بندد و از صولت تو شخص پارسا بیمناک گردد.

زنهار از تنبلی در آموزش و طلب علم برای چیز دیگری! زیرا اگر بر دنیا هم غالب شوی، بر آخرت نمی‌توانی غالب شوی و چون در جای خودش طلب دانش را از دست دهی در حقیقت مغلوب آخرت شده‌ای. در روزها و شب‌ها و ساعات خود بهره‌ای برای خودت در طلب دانش قرار ده! زیرا که تو هرگز تضییعی بدتر از ترک دانش نخواهی یافت! و در آن باره با آدم لجباز و فقیه مجادله نکن و با سلطه‌گر ستیزه‌نما و با ستمگری همگام نشو و دوستی نکن و با فاسق آلوده رفاقت و با آدم تهمت زننده مصاحبت نما!

علم خود را هم چون نقدینه‌ات (پول نقد) حفظ کن! پسرم! از خداوند چنان بترس که اگر در قیامت خوبی جزّ و انس را بیاوری از آن

ترسی که عذابت کنند و چنان به خدا امیدوار باش که اگر باگناه جن و انس به قیامت آبی امیدوار باشی که تو را بیامرزند!

پسرش عرضه داشت: پدر! چگونه این همه را تحمل کنم، من تنها یک دل دارم؟ لقمان فرمود: پسرم! اگر قلب مؤمن را درآورند و بشکافند در آن دو نور بینند: نوری برای خوف، و نوری برای امید، که اگر آن دو را وزن کنند هیچکدام به وزن ذره‌ای بردیگری افزونی ندارد! بنابراین هر که مؤمن به خدا باشد آن چه را که خدا فرموده است، باور کند و هر که سخن خدا را باور کند، به فرمان او عمل کند و هر که به فرمان او عمل نکند گفته خدا را باور نکرده است، چرا که این خُلق و خواها گواهی‌کدیگرند.

بنابراین هر که ایمان راستین دارد برای خدا خالصانه و خیرخواهانه عمل می‌کند، پس به خدا صادقانه ایمان دارد، و هر که خدا را اطاعت کند، خوف او را دارد و هر که خوف خدا را داشته باشد، او را دوست دارد و هر که او را دوست بدارد از فرمان او پیروی کند و هر که از فرمان او پیروی کند، سزاوار بهشت و مرضات او خواهد بود و هر که تابع رضای خدا نباشد، خشم خدا بر او سهل گردد.

پسرم! به دنیا اعتماد نکن و بر آن دل میند، زیرا که خداوند هیچ مخلوقی پست‌تر از دنیا را نیافریده است، مگر نمی‌بینی که خداوند نعمت‌های آن را پاداش مطیعان قرار نداده و بلای آن را کیفر سرکشان! و قول خداوند: ﴿وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتُهُ أُمُّهُ وَهَنَّا عَلَىٰ وَهْنٍ﴾^۱

۱. لقمان، ۱۴: ﴿و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را با

ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد.﴾

سپس فرمود: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (۱ و ۲)

پنج چیزی که علمش نزد خداست

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مِمَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^۳ آگاهی از قیامت و ویژه خداست؛ اوست که باران نازل می‌کند، آنچه در رحم هاست می‌داند، کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد فرمود:

«این‌ها پنج چیز است که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل آن‌ها را نمی‌دانند و از جمله صفات خدای عزوجل است.»^۴

سخنان باطل

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن

۱. همان، ۱۵: ﴿و هرگاه آن دو تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی که از آن آگاهی نداری از ایشان اطاعت نکن! با آن‌ها در دنیا به طرز شایسته رفتار کن و از کسانی پیروی کن که با تو به سوی من آمده‌اند و بازگشت همه شما سوی من است و من شما را از اعمالتان آگاه می‌کنم.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۳ - ۱۶۵.

۳. لقمان، ۳۴: ﴿آگاهی از قیامت و ویژه خداست؛ اوست که باران نازل می‌کند، آنچه در رحم هاست می‌داند، کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد، خداوند عالم و آگاه است.﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۶.

يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ ﴿١﴾ فرمود:

«منظور طعنه زدن درباره‌ی حق و مسخره کردن آن است؛ کاری که ابوجهل و اصحابش می‌کردند؛ هنگامی که گفت: ای توده‌ی قریش! آیا شما را از زقومی که صاحبتان می‌ترساند بخورانم؟ سپس کره و خرما می‌فرستاد و می‌گفت: این همان زقومی است که بدان وسیله شما را می‌ترساند. امام صادق علیه السلام فرمود: «از آن جمله است: غنا و موسیقی».^۲

نصایح لقمان به پسرش

۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ

يَعِظُهُ ﴿٣﴾ فرمود:

«در وصیت لقمان به پسرش (آمده است): پسرم! با شمشیر، کفش، شال، خیمه، مشک آب، نخ و سوزن و درفش خود مسافرت کن و از داروها بقدری که به حال تو و همراهانت سودمند باشد همراهت بردار و با همراهانت موافق باش مگر در نافرمانی خدای متعال.

پسرم! چون با گروهی سفر کردی، با آنها در کار خود و امور ایشان زیاد رایزنی کن و زیاد روبروی آنها لبخند داشته باش و درباره‌ی توشه خود بین آنها کریمانه رفتار کن! هرگاه فراخواندند اجابت کن! اگر کمک خواستند، آنها را یاری کن و سکوت زیاد و نماز فراوان و سخاوت به آنچه از مرکب و مال یا توشه داری

۱. لقمان، ۶: ﴿و بعضی از مردم سخنان باطل و بیهوده را خریداری می‌کنند.﴾

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۱۳.

۳. لقمان، ۱۳.

داشته باش و چون شهادت بر حق خواستند، گواه آن‌ها باش و اگر با تو مشورت کردند نظر خود را برای آن‌ها مجدّانه ابراز کن! وانگهی تا استوار نشده و نیاندیشیده‌ای تصمیم نگیر و در مشورتی تا نشست و برخاست نکرده و خواب و خوراک و نماز برگزار نکرده‌ای، پاسخ نده! چرا که تو فکر و حکمت خود را در مشورت وی به کار می‌گیری. زیرا که اگر کسی در برابر مشورت دیگران خیرخواهی خالصانه نکند، خداوند اندیشه او را سلب کند. هرگاه دیدی همراهانت می‌روند با آن‌ها برو و چون دیدی کاری را می‌کنند با آن‌ها کار کن و از آن‌که سنش از تو بیشتر است حرف شنوایی داشته باش! هرگاه تو را به کاری فرمان داد و چیزی از تو خواست بگو: آری و نگو: نه! زیرا نه گفتن، عیب و ملامت است و چون در راه سرگردان ماندید پیاده شوید و چون در مقصدتان شک کردید بایستید و با هم مشورت کنید و چون کسی را دیدید از راهتان نپرسید و از او راهنمایی نخواهید، چرا که یک نفر تنها در یک دشت، غلط انداز است شاید او جاسوس دزدان باشد یا شیطانی که شما را سرگردان کند!

از دو شخص نیز برحذر باشید، مگر در آن‌ها چیزی ببینید که من نمی‌بینم، زیرا که عاقل هرگاه چیزی را با چشم خود ببیند حق را بشناسد و حاضر چیزی را می‌بیند که غایب نمی‌بیند. پسر! هرگاه وقت نماز شد برای هیچ کاری آن را تأخیر نیانداز و آن را بجای آور و از آن آسوده شو، زیرا که آن دین است. و با جماعت نماز بخوان، هرچند که بر سر نیزه باشد و روی مرکب نخواب، زیرا که آن به پشت سر می‌اندازد و این کار افراد دانا نیست، مگر داخل کجاوه باشی که استراحت برای رفع خستگی مفاصل

فراهم است. و چون نزدیک منزل رسیدی از مرکب پیاده شو، ابتدا او را علف بده پیش از این که غذا بخوری و چون خواستید فرود آید بر شما باد از قطعات زمین بهترین رنگ آن و نرم‌ترین خاک و پر علف‌ترین آن را انتخاب کنید! و چون فرود آمدی دو رکعت نماز بخوان پیش از آن که بنشینی و چون خواستی قضای حاجت کنی به دورترین نقطه برو!

چون خواستی حرکت کنی باز دو رکعت نماز بخوان، سپس آن زمینی را که فرود آمده بودی ترک کن و با اهل آن جا خداحافظی کن، زیرا که هر نقطه‌ای اهلی از فرشتگان دارد. و اگر توانستی غذایی را نخوری تا ابتدا از آن صدقه‌ای بدهی این کار را بکن! بر تو باد به قرائت قرآن تا وقتی که سواره‌ای و تسبیح تا وقتی که مشغول کاری هستی و بر تو باد به دعا تا وقتی که بی‌کاری و زنهار از راه رفتن اوّل شب تا آخر آن و زنهار از بلند کردن صدا در طول راه!»^۱

بدترین صداها

۶. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾^۲ فرمود:

«منظور عطسه‌ی بلند زشت است و این که مردی صدای خود را به طور ناهنجاری در حرف زدن بلند کند، مگر این که دعا بخواند یا قرآن تلاوت نماید.»^۳

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۱۷.

۲. لقمان، ۱۹: ﴿به راستی زشت‌ترین صداها، صدای خران است.﴾

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۰.

تفسیر آیاتی از سوره سجده

عطر و بویت را بیافزا

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند به دست قدرت خود بهشتی را آفرید که نه چشمی آن را دیده و نه مخلوقی بر آن اطلاع یافته است، پروردگار تعالی هر بامداد آن را می‌گشاید و می‌گوید: عطر و بویت را بیافزا! او در جواب می‌گوید: مؤمنان رستگارند. و همان است قول خداوند: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾».^{۲۱}

۱. سجده، ۱۷: ﴿هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمی که مایه روشنی

چشم‌هاست برای آن‌ها نهفته شده است پاداش کارهایی که انجام می‌دادند.﴾

۲. اهوازی، حسین‌بن سعید، الزهد، ص ۱۰۲.

فرشته مرگ

۲. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله در تفسیر قول خداوند:

﴿قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ﴾^۱ فرمود:

«چون مرا شبانه به آسمان بردند، فرشته‌ای از فرشتگان را دیدم که در دستش لوحی از نور است به راست و چپ نگاه نمی‌کند، مانند فردی غمگین رو به جلو می‌آید، گفتم: یا جبرئیل! این کیست؟ گفت: فرشته‌ی مرگ، مشغول گرفتن جان‌هاست. گفتم: جبرئیل! مرا نزدیک او ببر! تا با او حرف بزنم مرا نزدیک او برد، گفتم: ملک الموت! آیا هرکه مرده یا بعدها می‌میرد همه را تو قبض روح می‌کنی؟

گفت: آری. گفتم: خود شخصاً حاضر می‌شوی؟ گفت: آری تمام دنیا نزد من در وضعی که خداوند برایم مسخر کرده و مرا نسبت به آن اختیار داده است، چیزی نیست مگر همانند یک درهم که در کف دست مردی باشد، هرطور بخواهد زیرو رو کند و هیچ سرایی در دنیا نیست مگر من هر روز پنج مرتبه وارد آن می‌شوم و می‌گویم: هرگاه اهل خانه‌ای بر مرده‌شان می‌گریند شما بر او نگرید زیرا من سوی شما برمی‌گردم و برمی‌گردم تا کسی از شما باقی نماند.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا جبرئیل! همین قدر در بزرگی مصیبت مرگ کافی است! جبرئیل گفت: پس از مرگ، مهم‌تر و بزرگ‌تر از مرگ است. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا﴾^۲ فرمود: «اگر بخواهیم همه را معصوم قرار

۱. سجده، ۱۱: ﴿بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده روح شما را می‌گیرد.﴾

۲. سجده، ۱۳: ﴿و اگر می‌خواستیم به هر انسانی هدایت لازمش را می‌دادیم.﴾

می‌دهیم می‌توانیم. و در تفسیر قول خداوند: ﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ﴾^۱ فرمود: یعنی شما را واگذار داریم».^۲

روز جمعه

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ فرمود:

«هیچ کار خوبی نیست که بنده‌ای انجام دهد مگر برای آن در قرآن پاداشی است، جز نماز شب که خداوند به خاطر اهمیت زیاد آن در پیشگاهش پاداش آن را بیان نکرده است، فرمود: ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۳

سپس فرمود: «خداوند را هر روز جمعه کرامتی درباره‌ی بندگان مؤمن خود است، چون روز جمعه شود، خداوند فرشته‌ای را با دو جامه‌ی فاخر سوی مؤمنان فرستد، تا بر در بهشت رسد، بگوید: برای من اذن ورود بر فلانی را بگیرید! به او گویند: اینک فرستاده‌ی پروردگارت بر در بهشت است! او به همسرانش

۱. همان، ۱۴: ﴿بچشید عذاب جهنم را به خاطر این‌که دیدار امروزتان را فراموش

کردید و ما نیز شما را فراموش کردیم.﴾

۲. قمی، علی‌بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۸.

۳. سجده، ۱۶ - ۱۹: ﴿پهلوشان از بسترها دور می‌شود، پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند و از آن‌چه روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند، هیچ کس نمی‌داند که چه پاداش‌های مهم روشنایی چشم برای آن‌ها نهفته است این‌ها پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند. آیا شخص بالیمان مانند فاسق است؟ هرگز این دو برابر نیستند اما آن‌ها که ایمان دارند و عمل صالح باغ‌های بهشت به پاداش عملشان وسیله پذیرایی آن‌هاست.﴾

می‌گوید: به نظر شما درباره‌ی من کدام بهتر است؟ آن‌ها می‌گویند: سرور ما! آن خدایی که بهشت را بر تو ارزانی داشته است چیزی برای تو بهتر از این را نمی‌بینیم که خداوند برای تو فرستاده باشد.

پس آن دو جامه‌ی فاخر را بگیرد یکی را به کمر و دیگری را بر دوش خود بیاندازد، پس به چیزی گذر نکند مگر آن را روشن سازد تا به وعده‌گاه برسد! و چون اجتماع کنند، پروردگار تعالی بر آن‌ها تجلی کند و چون به او یعنی به رحمت او بنگرند، به حال سجده افتند! بگویند: بندگان من! سرهایتان را بلند کنید امروز روز سجده و عبادت نیست؛ از شما زحمت را برداشته‌ام. عرضه بدارند: پروردگارا! چه چیز بالاتر از این که بهشت را به ما مرحمت کرده‌ای؟ پس بفرماید: برای شما هفتاد برابر مانند آن است که در اختیار دارید. از این رو مؤمن هر جمعه هفتاد برابر آن چه را در اختیار دارد می‌بیند و همان است قول خداوند: ﴿وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ﴾^۱ و آن روز جمعه است که شبش برجسته‌ترین شب و روزش درخشان‌ترین است.

پس در آن روز تسبیح، تهلیل، تکبیر و ثنای بر خدا و درود بر رسول خدا را زیاد بگویند! فرمود: پس مؤمن به چیزی نمی‌گذرد مگر بر او نورافشانی کند تا به همسرانش برسد، بگویند: به خدایی که بهشت را بر ما ارزانی داشته است سرور ما هیچگاه تو را بهتر از این ساعت ندیده بودیم! پس بگوید: من به نور پروردگارم نظر کردم. سپس فرمود: «همسران وی مفتون چیزی

۱. ق، ۲۵: ﴿ نزد ما نعمت‌های بیشتری است. ﴾

نشوند و عادت ماهیانه نبینند و گزافه‌گویی نکنند!»
 راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم! من می‌خواهم سؤالی
 بکنم خجالت می‌کشم!
 فرمود: «پیرس!» گفتم: فدایت شوم! آیا در بهشت موسیقی
 هست؟ فرمود: «در بهشت درختی است که خداوند بادهای
 بهشتی را فرمان می‌دهد تا بوزند پس به آن درخت با صداهایی
 بخورند که خلاق به خوبی نظیر آن را نشنیده‌اند». سپس فرمود:
 «این در عوض ترک شنیدن غنای دنیا از ترس (عذاب)
 خداست.»^۱

امامان دو نوع‌اند

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾^۲ می‌فرماید: در علم خدا بوده است که آن‌ها صبر می‌کنند در برابر مصایبی که بر آن‌ها وارد می‌شود، از این رو ایشان را پیشوایان قرار داد.

از طلحة بن زید به نقل از امام صادق علیه السلام از قول پدرش آورده است، فرمود:

«امامان در کتاب خدا دو نوعند: امام عدل و امام جور. خداوند فرموده است: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا﴾ نه به امر مردم، امر خدا را به امر خود مقدم می‌دارند و حکم خدا را پیش از حکم خود می‌دانند و (نیز) فرمود: ﴿وَجَعَلْنَا لَهُمُ أَئِمَّةً

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۹ - ۱۷۰.

۲. سجده، ۲۴: ﴿و از آن‌ها امامانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کنند زیرا که آن‌ها صبر کردند.﴾

يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ^۱ فرمان خود را مقدّم بر فرمان خدا و حکم خود را پیش از حکم خدا اجرا می‌کنند و برخلاف آن چه در کتاب خداست به هوای نفس خود عمل می‌کنند.^۲

پاداش نماز شب

۵. امام صادق عليه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۳ فرمود:
«هیچ کار خوبی نیست مگر در قرآن پاداش روشنی دارد جز نماز شب که خداوند به خاطر اهمیت زیادش ثواب آن را ذکر نکرده است.»^۴

۱. قصص، ۴۱: ﴿وَأَنَّا رَأَيْنَا أَكْبَادًا وَمِنَ الْمُجْرِمِينَ﴾ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش دوزخ دعوت می‌کنند. ﴿

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۱.

۳. سجده، ۱۷: ﴿هِيَ جَزَاءٌ كَمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمی که مایه روشنی چشم است برای آن‌ها تهیه شده است. ﴿

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۴۵.

تفسیر آیاتی از سوره احزاب

اهل بیت چه کسانی هستند؟

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون امیرالمؤمنین علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله تا چهل روز هر بامداد در خانه فاطمه علیها السلام می آمد و در می زد سپس می فرمود: سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان!... خدا شما را مشمول رحمت خود قرار دهد! ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^۱ فرمود: «آن گاه با شدت بیشتر از آن در را می زد و می فرمود: همانا من در صلحم با کسی که با شما در صلح باشد و در جنگم با کسی که با شما در جنگ باشد.»^۲

۱. احزاب، ۳۳: ﴿ خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۲۶.

مخاطب اصلی مردم هستند

۲. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^۱ می نویسد: این همان آیه ای است که امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند پیامبرش را به تو می گویم همسایه بشنو [تظیر فارسی آن: به در می گویم دیوار بشنو!] مبعوث فرمود، مخاطب پیامبر ولی مقصود مردم است.»^۲

زید پسرخوانده‌ی پیامبر

۳. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَ كُمْ أَبْنَاءَ كُمْ﴾^۳ آورده است می گوید: سبب نزول این آیه آن بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون با خدیجه بنت خویلد ازدواج کرد، جهت تجارت برای وی به بازار عکاظ درآمد، دید زید را می فروشند و او را غلامی هوشیار و بی عیب یافت. پس او را خرید و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به نبوت رسید، او را به اسلام فراخواند، او هم اسلام آورد، از این روز زید را غلام محمد صلی الله علیه و آله و سلم می گفتند، همین که حارث بن شریحیل کلبی خبر فرزندان زید را شنید به مکه آمد، نزد ابوطالب آمد و گفت: ای ابوطالب! پسر من اسیر شده و اطلاع یافتم که دست برادرزاده‌ی شماست، از او بخواهید یا به من بفروشد یا جزیه آن را بگیرد و یا

۱. احزاب، ۱: ﴿به نام خداوند بخشاینده مهربان، ای پیامبر! تقوای الهی پیشه کن! و از کافران و منافقان اطاعت نکن که خداوند عالم و حکیم است.﴾
 ۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۱.
 ۳. احزاب، ۴: ﴿و خداوند فرزند خوانده‌های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است.﴾

آزادش کند! ابوطالب با رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صحبت کرد و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: او آزاد است، هر جا می خواهد برود! حارثه بلند شد و دست زید را گرفت و گفت: پسر من به شرف و شخصیت خود بیبوند! زید گفت: من از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگز جدا نمی شوم. پدرش گفت: حَسَب و نسبت را ترک می کنی و برده ی قریش می شوی؟ زید گفت: تا زنده ام از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جدا نمی شوم! پدرش خشمگین شد و گفت: ای توده ی قریش! گواه باشید که من از این پسر بیزاری جستم و او پسر من نیست و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: گواه باشید که زید پسر من است، من از او و او از من ارث می برد. از این روز زید بن محمد می گفتند و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را دوست می داشت و او را زید دوست داشتنی نامید.

همین که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه مهاجرت کرد، زینب دختر جَحش را به همسری او درآورد (بعد مدتی اختلاف بین زید و زینب پیش آمد و زید تصمیم به طلاق دادن زینب گرفت)

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: برو از خدا بترس و همسرت را نگاهدار! سپس خداوند حکایت کرده و فرمود: ﴿أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَا كَهَا لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾^۱ پس خداوند او را از بالای

۱. احزاب، ۳۷: ﴿همسرت را نگاهدار و از خدا بپرهیز! تو در دل چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی. و چون زید نیازش را از او بسر آورد از او جدا شد ما او را به همسری تو درآوردیم تا برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسرخوانده هاشان حَرَجی نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است.﴾

عرش خود تزویج کرد. [پیامبر زینب را به همسری خود درآورد] منافقان گفتند: زنان پسران ما بر ما حرام است در حالی که پیامبر با زن پسرش ازدواج می‌کند!

از این رو خداوند این آیه را در آن باره نازل فرمود: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ﴾^۱ سپس فرمود: ﴿ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ﴾^۲ پس خداوند اعلام کرد که زید پسر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست بلکه تنها او را به سببی که گفتیم پسر خوانده ساخت و در این باره مطالب دیگری است در غیر این مورد می‌نویسیم؛ در ذیل آیه ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^۳

قول خداوند: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ﴾^۴ را می‌گوید: نازل شد که پیامبر (به منزله‌ی) پدر ایشان و همسران پیامبر مادران ایشان است، از این رو خداوند مؤمنان را اولاد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پدر ایشان قرار داد (به خصوص)

۱. همان، ۴.

۲. احزاب، ۵: ﴿أَن هَا رَا بَه نَامِ پَدْرِ اِنشَانِ بَخَوَانِيدِ كِه اَيْنِ كَارِ دَرِ نَزْدِ خَدَا عَادِلَانَه اِسْتِ وَا اِگَرِ پَدْرِ اِنشَانِ رَا نَمِي شِنَاسِيدِ اَن هَا بَرَادِرَانِ دِينِي وَا مَوَالِي شِمَا هِسْتِنْدِ﴾

۳. احزاب، ۴۰: ﴿مُحَمَّدٌ پَدْرِ كَسِي اَزِ مَرْدَانِ شِمَا نَبُوْدَه وَا نَيْسْتِ وَلِي رَسُوْلِ خَدَا وَا خَاتَمِ پِيَامِبِرَانِ اِسْتِ وَا خَدَاوَنْدِ بَه هَمِه چِيْزِ اِگَاَه اِسْتِ﴾

۴. همان، ۶: پيامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران آن‌ها مؤمنان محسوب می‌شوند.

برای کسی که قادر بر اراده‌ی خود نبوده و مالی ندارد و او را ولایت بر خویشان نمی‌باشد. خدای تعالی برای پیامبرش ولایت بر مؤمنان را نسبت به جانسان قرار داده و نیز سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم: ای مردم! آیا من به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری سپس برای امیرالمؤمنین علیه السلام واجب شمرده آن چه را که از ولایت برای خود واجب کرده بود و فرمود: بدانید هر که را من مولای او هستم علی مولای اوست.

چون خداوند پیامبر را پدر مؤمنین قرار داد، او را به اداره‌ی زندگی ایشان و تربیت یتیمانشان ملزم فرمود، این جا بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به منبر رفت و فرمود: هر کس مالی بجاگذارد (بدون وارث باشد) منم وارث او و هر که وامی یا ملکی واگذارد، وام او بر عهده‌ی من و ملک او مال من است! از این رو خداوند پیامبرش را به چیزی ملزم کرد که پدر را ملزم فرموده است و مؤمنان را نیز به طاعت او ملزم کرد بر چیزهایی که فرزند برای پدر ملزم است و همین طور امیرالمؤمنین علیه السلام را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پس از او امامان را یکی پس از دیگری ملزم نمود. بنابراین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام دو پدرند، قول خداوند: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾^۱ پس دو پدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اسلام آوردن عموم یهود به این دلیل بود که آن‌ها بر جان خود و خانواده‌شان ایمن باشند.»

۱. نساء، ۳۶: ﴿و خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید﴾.

قول خداوند: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾^۱ فرمود: در باب امامت نازل شده است و قول خداوند: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ﴾^۲ فرمود: این واو در ﴿وَمِنْكَ﴾ زاید است بلکه ﴿مِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ﴾ بوده است. بنابراین خداوند برای خود از انبیا پیمان گرفت سپس برای پیامبرش ﷺ از پیامبران و امامان علیهم السلام سپس برای پیامبران از رسول خدا ﷺ.

قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا إِذْ جَاءَوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا﴾^۳ این آیه در داستان احزاب قریش و عرب نازل شد که بر ضد رسول خدا ﷺ همدست شدند. می گوید: قریش در سال پنجم هجری همگرایی کردند و در بین عرب‌ها رفتند و آن‌ها را جلب کردند و آن‌ها را برای نبرد با رسول خدا آماده ساختند و به ده هزار تن رسیدند که همراهشان قبایل کنانه، سلیم و فزاره بودند و

۱. احزاب، ۶: ﴿و خویشتانندان نسبت به یکدیگر در کتاب خدا سزاوارترند﴾.

۲. همان، ۷: ﴿هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم و از تو، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی بن مریم از همه آنان پیمان محکمی گرفتیم﴾.

۳. احزاب، ۹ و ۱۰: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت بزرگ خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهای عظیم به سراغ شما آمدند ولی ما باد و طوفان سختی بر آن‌ها فرستادیم و لشکریانی که آن‌ها را نمی‌دیدند و خداوند همیشه به آن‌چه انجام می‌دهید بینا بوده است، زمانی که آن‌ها از طرف بالا و پایین بر شما وارد شدند و هنگامی که چشم‌ها از وحشت زیاد خیره و جان‌ها به لب شد و گمان‌های بدی به خدا بردید!﴾

موقعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بنی نضیر را از مدینه بیرون کرد، آن‌ها تیره‌ای از یهود مدینه و رئیسشان حُیّ بن اخطب بود، آنان یهودیانی از فرزندان هارون علیه السلام بودند؛ همین که از مدینه اخراج شدند، به خیبر رفتند و حُیّ بن اخطب و آن‌ها به مکه نزد قریش رفتند و به آن‌ها گفتند که محمّد صلی الله علیه و آله و سلم هم به شماستم کرده و هم به ما، ما را از مدینه از دیار و اموالمان و از عموزاده‌هایمان بنی قینقاع را دور کرده است بنابراین در زمین سیر کنید و هم پیمانتان و دیگران را گرد آورید تا همگی به سراغ ایشان رویم، زیرا که از قوم من هفتصد جنگجو در مدینه مانده که بنی قریظه‌اند، بین ایشان و محمّد عهد و پیمانی است و من آن‌ها را وادار به پیمان شکنی خود با محمّد می‌کنم و با ما بر ضد آن‌ها خواهند بود، شما از بالا و ما از پایین به سراغ آن‌ها می‌رویم.

سخن درست

۴. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾^۱ می‌گوید: یعنی قول صحیح.^۲

ذکر کثیر

۵. عبدالله بن بکیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿ادْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾^۳ را پرسیدم، گفتم: ذکر کثیر چقدر است؟ فرمود: «پس از هر نمازی سی مرتبه سبحان الله گفتن است».^۴

۱. احزاب، ۷۰: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید!﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۳. احزاب، ۴۱: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را فراوان یاد کنید!﴾

۴. حمیری، قرب الاسناد، ص ۷۹.

تفسیر آیاتی از سوره احزاب □ ۵۷۱

۶. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: ﴿اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾^۱ این ذکر کثیر چیست؟ فرمود:

«هرکه تسبیح فاطمه علیها السلام را بگوید ذکر کثیر خدا را گفته است.»^۲

آن امانت چه بود؟

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند می فرماید: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^۳ منظور از امانت ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.»^۴

رجس یعنی...

۸. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۵ فرمود:
«رجس همان شک و دودلی است.»^۶

۱. احزاب، ۴۱.

۲. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۹۳.

۳. احزاب، ۷۲: ﴿ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوهها عرضه داشتیم اما آن ها از حمل آن سر برتافتند و از آن هراسیدند، اما انسان آن را بر دوش کشید ولی افسوس بسیار ظالم و جاهل بود!﴾

۴. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۷۶.

۵. احزاب، ۳۳: ﴿خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.﴾

۶. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۳۸.

پاداش صلوات

۹. ابن ابی حمزه از قول پدرش نقل کرده است می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ پرسیدم، فرمود:

«صلا از جانب خدا رحمت، از فرشتگان پاکداشت و از مردم دعاست. اما قول خداوند ﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾^۱ یعنی در برابر آن‌چه از او وارد شده است، تسلیم بودن»

گفتم: چگونه بر محمد و آلش درود فرستیم؟ فرمود: «می‌گویید: «درود خدا و فرشتگان و انبیا و رسولان خدا و تمام خلق او بر محمد و آل او و سلام و رحمت و برکات خدا بر او و بر ایشان باد!» گفتم: پاداش کسی که این صلوات را بر پیامبر و آلش بفرستد چیست؟ فرمود: «به خدا که بیرون شدن از گناهان چون روز به دنیا آمدن از مادرش.»^۲

فضیلت قرائت سوره احزاب

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس سوره‌ی احزاب را زیاد قرائت کند روز قیامت در جوار محمد صلی الله علیه و آله و سلم و همسرانش خواهد بود.»^۳

درود خدا بر رسولش

۱۱. ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿يَا

۱. احزاب، ۵۶.

۲. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۶۸.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴۳.

تفسیر آیاتی از سوره احزاب □ ۵۷۳

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا^۱ پرسیدم و گفتم: درود خدا بر رسولش چگونه است؟ فرمود:

«یا ابا محمد! منزه دانستن او در بالاترین آسمانهاست» گفتم:
درود خود را بر او دانستم، تسلیم به او چگونه است؟ فرمود:
«تسلیم در تمام امور است. بنابراین معنای ﴿وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾
این است که مطیع فرمان او باشید و در طاعت و انجام تمام اوامر
او بکوشید.»^۲

۱. احزاب، ۵۶.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۶۹.

تفسیر آیاتی از سوره سبأ

اطاعت‌پذیری از امام

۱. عمر بن یزید می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند:

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ﴾^۱ پرسیدم، فرمود:

«یعنی به ولایت» گفتیم: آن چگونه است؟ فرمود: «چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را برای مردم تعیین کرد، گفت: هر کس را من مولای او هستم، پس علی مولای اوست. مردم تردید کردند و گفتند: محمد در هر زمانی ما را به امر تازه‌ای فرا می‌خواند، از اهل بیتش شروع کرد آن‌ها را صاحب اختیار ما قرار داد! از این رو بر پیامبر آن آیه قرآن را نازل کرد و فرمود: یا محمد ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ﴾ در حقیقت آن چه را که پروردگار شما بر شما واجب کرده است من به شما ادا کردم» گفتیم: معنی این قول خدا: ﴿أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرَادَى﴾^۱ چیست؟ فرمود: «مثنی یعنی

۱. سبأ، ۴۶: ﴿به آن‌ها بگو: من تنها شما را به یک چیز اندرز می‌دهم و آن هوَ

یعنی مُردید و خاک شدید - اِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ - تعجب کردند که خداوند آن‌ها را به صورت خلق جدیدی بازگرداند - اَفَسْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ - یعنی دیوانه است، پس خداوند بر رد آن‌ها فرمود: - بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبُعِيدِ^۱.

سپس آن‌چه را که به داوود علیه السلام عطا کرد یادآور شده و فرمود: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ - یعنی با او تسبیح خدا را بگویند - وَالطَّيْرَ وَالنَّوْلَةَ الْحَدِيدَ﴾^۲ فرمود: «داوود هرگاه در بیابان‌ها گذر می‌کرد زبور را قرائت می‌نمود، کوه‌ها، پرندگان و حیوانات بیابان با او تسبیح می‌گفتند و آهن را خداوند برای او چون شمع به گونه‌ای نرم کرد که هرچه می‌خواست از آن می‌ساخت.»^۳

مرگ سلیمان علیه السلام

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «حاجت‌ها را روز سه شنبه بخواهید که آن روزی است که خداوند آهن را برای داوود علیه السلام نرم کرد و فرمود: ﴿أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ - یعنی زَرِّه‌ها - وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ - یعنی میخ‌هایی که در

۱. سبأ، ۷ و ۸: ﴿و کافران گفتند: آیا مردی را به شما نشان دهیم که خبر می‌دهد هنگامی که همگی خاک شدید و ذرات بدنتان از هم جدا شد و هر یک گوشه‌ای قرار گرفت بار دیگر به آفرینش تازه‌ای بازمی‌گردد! آیا او بر خدا دروغ بسته یا نوعی جنون دارد؟ بلکه آن‌ها که به آخرت ایمان ندارند هم اکنون در عذاب و گمراهی دوری هستند.﴾

۲. سبأ، ۱۰: ﴿ما به داوود از فضل خود نعمتی بزرگ دادیم گفتیم ای کوه‌ها با داوود هم صدا شوید و ای پرندگان با او هم آواز گردید و آهن را برای او نرم کردیم.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۸.

زره قرار می‌گیرد - وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱﴾ و قول خداوند: ﴿وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غَدُوها شَهْرٌ وَرَوَّاحُها شَهْرٌ﴾ فرمود: «باد تخت سلیمان را حمل می‌کرد، در بامداد مسیر یک ماه و شامگاه مسیر یک ماه را می‌برد.»

و قول خداوند: ﴿وَاسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَظْرِ - یعنی (چشمه) مس - وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزُغْ مِنْهُمْ عَنَ أَمْرِنَا نُنزِفْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾^۱ و قول خدای تعالی: ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ﴾ فرمود: «در درخت» و قول خداوند: ﴿وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ - یعنی حوض‌های بزرگ - وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ - یعنی ثابتات. سپس فرمود: اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا - یعنی کاری کنید سپاسگزار آن باشد - وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورِ﴾^۲ سپس فرمود: ﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةٌ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ﴾^۳

فرمود: «چون خداوند به سلیمان وحی کرد که تو می‌میری به شیاطین دستور داد تا برای او خانه‌ای از جنس شیشه‌ها بسازند و آن را

۱. سبأ، ۱۱ - ۱۲: ﴿زره‌های کامل بساز و حلقه‌های آن‌ها را مناسب و عمل صالح بجا آورید که من به اعمال شما بینایم. و برای سلیمان باد را که صبحگاه مسیر یک ماه و شامگاه مسیر یک ماه و برای او چشمه من را روان ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگار کار می‌کردند و هرگاه کسی از فرمان ما سرپیچی می‌کرد با آتش سوزان مجازات می‌کردیم.﴾

۲. سبأ، ۱۳: ﴿سلیمان هرچه می‌خواست از معبدها و تمثال‌ها و ظرف‌های بزرگ غذا هم‌چون حوض‌های بزرگ و دیگ‌های عظیم ثابت برای او می‌ساختند. ای آل داوود شکرگذاری کنید اما اندکی از بندگان من شکرگزارند.﴾

۳. سبأ، ۱۴: ﴿هنگامی که مرگ را برای سلیمان مقرر کردیم کسی مردم را از مرگ او آگاه نساخت مگر جنبنده‌ای از زمین که عصای او را می‌خورد.﴾

در عمق دریا قرار دادند و سلیمان وارد آن شد و به عصایش تکیه داد و داشت زبور می خواند و شیاطین در اطرافش به او نگاه می کردند، جرأت نداشتند جابجا شوند، در آن میان که وی در آن حال بود، ناگهان نظر وی را جلب کرد که مردی با وی داخل تالار است. سلیمان از او ترسید، پرسید تو کیستی؟ گفت: من آن کسی هستم که رشوه قبول نمی کنم، از پادشاهان نمی ترسم و جان او را گرفتم! در حالی که او یک سال به عصایش تکیه داده بود و جنیان برای او کار می کردند و نمی دانستند که او مرده است تا این که خداوند موریانه را فرستاد و عصای او را خورد همین که روی صورتش به زمین افتاد، آدمیان فهمیدند.

﴿أَنْ لَوْ كَانُوا - يَعْنِي جَنِّيَانِ - يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾^۱
این آیه چنین نازل شده است. توضیح این که آدمیان همواره می گفتند: جنیان غیب می دانند ولی همین که سلیمان به رو درافتاد اگر جن غیب می دانست یک سال برای سلیمان که مرده بود، کار نمی کرد، در حالی که آن ها تصوّر کردند او زنده است.

امام علیه السلام فرمود: «از این رو جنیان از موریانه تشکر کردند به خاطر کاری که با عصای سلیمان کرد.»^۲

فضیلت شب جمعه

۴. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ

۱. سبأ، ۱۴: ﴿همین که سلیمان فروافتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده ای باقی نمی ماندند.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۹ - ۲۰۱.

الرَّازِقِينَ ﴿۱﴾ از حَرِیز به نقل از امام صادق (ع) آورده است، که فرمود: «پروردگار متعال هر شب جمعه، از اول شب امر خود را به آسمان دنیا نازل می‌کند، و در هر شبی یک سوم آخر شب، لطف و عنایت می‌نماید و پیشاپیش آن فرشته‌ای ندا می‌دهد: آیا توبه کننده‌ای هست که به جانب خدا برگردد؟ آیا آموزش طلبی هست که خداوند او را بیامرزد؟ آیا درخواست کننده‌ای هست که خداوند به او عطا کند؟. خداوندا به هر انفاق کننده‌ای جایگزین، و برای هر ممسکی وسیله‌ی تلف [آن‌چه به وسطه‌اش مال او از بین برود] مرحمت کن! تا فجر طلوع می‌کند، همین که فجر طلوع کرد، فرمان پروردگار به عرش باز می‌گردد و ارزاق را بین بندگان تقسیم می‌نماید.»

سپس به فَضِيلِ بْنِ یَسَارِ فرمود: «یا فضیل! تو هم بهره‌ای از آن داری و همان است قول خداوند: ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾^۲ و قول خداوند: ﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهؤلاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ فرشتگان می‌گویند: ﴿سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ﴾^۳ و ۴۳

۱. سبأ، ۳۹: ﴿آن‌چه در راه خدا انفاق کنید خداوند جای آن را پر می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است.﴾

۲. سبأ، ۳۹.

۳. سبأ، ۴۰ و ۴۱: ﴿روزی که خداوند همه آن‌ها را محشور می‌کند سپس فرشتگان را مخاطب ساخته می‌گوید: آیا این‌ها شما را عبادت می‌کردند؟ می‌گویند: منزه‌ی تو ای پروردگار! تنها تو ولی ما هستی نه آن‌ها، بلکه جن را می‌پرستیدند و اکثرشان به جنیان ایمان داشتند.﴾

ملک سلیمان علیه السلام

۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾^۱

فرمود:

«آن‌ها سی مرد و هفتاد زن بودند، هیچ مردی از آن‌ها از محرابی که نماز می‌خواند، غایب نمی‌شد و آن‌ها آل داوود بودند، همین که داوود درگذشت، سلیمان زمامدار شد، گفت: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ﴾^۲ خداوند جن و انس را برای او تسخیر کرد و هیچ پادشاهی را در ناحیه‌ای از زمین نمی‌شنید، مگر به سراغ او می‌رفت. تا او را خوار ساخته و وارد آیین خود می‌نمود و باد را برای او مسخر کرده بود، چنان بود که هرگاه از مجلس خود بیرون می‌شد، پرندگان اطراف او را می‌گرفتند و جن و انس برمی‌خاستند و هرگاه قصد جنگ می‌کرد، به سپاهیانش فرمان می‌داد، بساطی از چوب برای او می‌زدند سپس مردمان و چهارپایان و ابزار جنگ همه را روی آن بساط قرار می‌داد تا با وی هرچه را که می‌خواهد حمل کنند به تندبادی از بادهای فرمان می‌داد، باد زیر چوب وارد می‌شد و آن را حمل می‌کرد تا به محل مورد نظرش می‌رساند و سرعت آن بامدادان به قدر مسافت یک ماه و شامگاهان یک ماه بود.»^۳

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴.

۱. سبأ، ۱۳.

۲. نمل، ۱۶: ﴿ای مردم زبان پرندگان را به ما آموختند.﴾

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۷۱.

تفسیر آیاتی از سوره فاطر

اصناف فرشتگان

۱. علی بن ابراهیم می نویسد: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا﴾^۱ امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند فرشتگان را گوناگون آفریده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل علیه السلام را دید با ششصد بال، بر ساق پایش دُزِی مانند قطره‌ای روی سبزی است و فرمود: چون خداوند میکائیل را فرمان دهد که به دنیا فرود آید پای راستش در آسمان هفتم و دیگری در زمین هفتم قرار گیرد و خدا را فرشتگانی است که نیمی از یخ و نیمی از آتش است، می‌گویند: ای سازش دهنده

۱. فاطر، ۱: ﴿به نام خداوند بخشاینده مهربان، سپاس مخصوص خداوندی است که خالق آسمان و زمین است، فرشتگان را رسولانی قرار داد که دارای بال‌های دوگانه، سه گانه و چهارگانه‌اند.﴾

بین سردی و آتش، دل‌های ما را به طاعت خودت استوار کن! فرمود: خدا را فرشته‌ای است که بین لاله گوشش تا چشمانش، مسیر پانصد سال پرواز پرنده است و فرمود: فرشتگان نه چیزی می‌خورند و نه می‌آشامند و نه نکاح می‌کنند و تنها به نسیم عرش زندگی می‌کنند و خدا را فرشتگانی است که تا روز قیامت در حال رکوع و فرشتگانی در حال سجده‌اند.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: هیچ چیزی را خداوند بیشتر از فرشتگان نیافریده و به راستی در هر روز یا هر شب هفتاد هزار فرشته فرود می‌آیند به بیت الحرام می‌روند و طواف می‌کنند، سپس خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بعد نزد امیرالمؤمنین علیه السلام می‌روند و به ایشان سلام می‌دهند، بعد به محضر حسین علیه السلام می‌آیند و نزد وی اقامت می‌کنند، چون نزدیک سحر شود بر ایشان عروج به آسمان مقرر شده است و دیگر هرگز برنمی‌گردند.»^۱

شرط پذیرش اعمال

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾^۲ آورده است که اشاره به سینه‌ی خود کرد و فرمود:

«ولایت ما اهل بیت است، بنابراین هرکه ولایت ما را نداشته باشد عمل او را خداوند بالا نبرد.»^۳

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۶.

۲. فاطر، ۱۰: ﴿سَخْنَانَ پاكيزه و عقايد به سوي او بالا مي‌رود و عل صالح او را بالا مي‌برد.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۷.

ستمگر، مقتصد و سابق

۳. ابو عبدالله کوفی علوی از امام صادق علیه السلام آورده است که از آن حضرت تفسیر قول خداوند: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ﴾^۱ را پرسیدم، فرمود:

«ستمگر بر محور خود می چرخد، مقتصد بر محور قلب خود ولی

سابق بر محور پروردگار عزوجل خود حرکت می کند.»^۲

انسان های برگزیده

۴. امام باقر و امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا﴾^۳ فرمودند:

«این آیه مخصوص ماست و منظور ماییم.»^۴

۱. فاطر، ۳۲.

۲. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۰۴.

۳. فاطر، ۳۲.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۰۸.

تفسیر آیاتی از سوره یس

گناه صغیره

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«از گناهان صغیره بپرهیزید، زیرا که آنها طالب دارند؛ هیچکدام از شما نمی‌گوید: من گنه‌کارم و از خداوند طلب آمرزش می‌کنم! درحالی که خداوند می‌فرماید: ﴿وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾^۱ و فرموده است: ﴿إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ﴾^۲ و ۳۰۲

-
۱. یس، ۱۲: ﴿و تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم و ما همه چیز را در کتاب آشکار احصا کرده‌ایم.﴾
۲. لقمان، ۱۶: ﴿اگر به اندازه سنگینی دانه خردل باشد و در دل سنگی یا در آسمان‌ها و یا زمین خدا می‌داند.﴾
۳. اصل حضرمی (الاصول الستة عشر)، ص ۶۷.

نامی از نام‌های رسول خدا

۲. علی بن ابراهیم می‌نویسد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ﴾ امام
صادق علیه السلام فرمود: یس نام رسول خدا صلی الله علیه و آله است، دلیل بر آن
قول خداست: ﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَي صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ﴾. ۲۰۱

برکت باران

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ
الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾ فرمود:

«نطفه (آب) از آسمان به زمین بر گیاهان، خرما و درختان واقع
می‌شود، مردم و چهارپایان از آن می‌خورند و در آن‌ها جریان پیدا
می‌کند. و قول خداوند: ﴿وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ
مُظْلَمُونَ﴾^۳ یعنی ما بیرون می‌آوریم.» و قول خداوند: ﴿وَ
الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ
قَدَرْنَا نَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾^۴ فرمود: «عرجون

۱. یس، ۱ - ۴: ﴿به نام خداوند بخشنده مهربان، یس سوگند به قرآن حکیم که تو

محققاً از رسولان خدایی، بر صراط مستقیمی.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۱۱.

۳. یس، ۳۶ - ۳۷: ﴿منزه است آن که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین رویاند و
از خود آنان و از آنچه نمی‌دانند. شب برای آن‌ها نشانه‌ای است ما نور آفتاب و روز
را از آن برمی‌داریم ناگهان تاریکی همه را فرا می‌گیرد.﴾

۴. یس، ۳۸ - ۳۹: ﴿خورشید نیز که همواره به سوی قرارگاهش در حرکت است این
تقدیر بر خداوند قادر داناست و برای ماه‌منزل‌هایی قرار دادیم، به هنگامی که این

شاخه‌ی کهنه‌ی نخل است و آن بمانند هلال در آغاز برآمدن آن است.»^۱

زمین خالی از حجت نخواهد بود

۴. نعمانی از مفضل بن عمر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است،

فرمود:

«یک خبر (حدیث) را خوب بفهمی بهتر از ده خبری است که نقل می‌کنی! زیرا که هر حقی را حقیقتی و هر کار درستی را نورانیستی است.»

سپس فرمود: «به خدا سوگند که مردی را از شیعیان خود فقیه نمی‌شماریم تا برای او (حقیقت) معلوم شود و معروف به آگاهی باشد، زیرا که امیرالمؤمنین علیه السلام روی منبر کوفه فرمود: پیش روی شما فتنه‌های تیره و کوری است که حق را می‌پوشاند، کسی از آن نجات پیدا نمی‌کند جز «نومه» پرسیدند: یا امیرالمؤمنین! «نومه» چیست؟ فرمود: کسی که او مردم را بشناسد ولی مردم او را نشاناسند. بدانید که زمین خالی از حجت خدا نمی‌شود، ولی خداوند به زودی مردم را به خاطر ظلم و جور و اسراف بر خودشان نسبت به آن (حجت) نابینا می‌کند، در صورتی که اگر یک ساعت زمین خالی از حجت باشد اهلش را فرومی‌برد. ولی آن حجت مردم را می‌شناسد، اما مردم او را نمی‌شناسند، چنان‌که یوسف علیه السلام مردم را می‌شناخت ولی مردم او را نمی‌شناختند.

منزل‌ها را طی کرد سرانجام به صورت شاخه‌های کهنه قوسی شکل و زردرنگ خرما درآید. ﴿

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۱۳.

سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾. ۱۰۶

فضیلت قرائت سوره یس

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر چیزی را قلبی است و قلب قرآن «یس» است، بنابراین هرکه «یس» را در روز پیش از این‌که راه برود قرائت کند در آن روز از جمله افراد محفوظ و مرزوق خواهد بود تا شامگاه و هرکه در شب پیش از خواب آن را بخواند، خداوند هزار فرشته را بر او بگمارد تا او را از شر شیطان رجیم و از هر آفتی بازدارند و اگر همان روز بمیرد خداوند او را وارد بهشت گرداند و سی هزار فرشته برای غسل دادن او حاضر شوند که همگی برای او استغفار کنند و تا قبرش با استغفار جنازه‌ی او را تشییع نمایند و چون وارد لحد شود، در درون قبر با او باشند خدا را عبادت کنند و پاداش عبادتشان برای او باشد. و تا جایی که چشمش ببیند، قبر او گسترش یابد و از فشار قبر در امان باشد. و همواره در قبر او نوری تا دامنه‌ی آسمان بالا رود تا زمانی که از قبرش بیرون آید و چون از قبر بیرون آورند، هم‌چنان فرشتگان خدا او را بدرقه کنند و با او هم صحبت شوند و به روی او بخندند و به هر نیکی او را بشارت دهند تا او را از صراط و میزان عبور دهند و در پیشگاه خدا او را در جایگاهی نگهدارند که هیچ خلقی نزدیک‌تر

۱. یس، ۳۰: ﴿واحسرتا بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایتشان نیامد مگر او را مسخره کردند.﴾

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۱.

از او در نزد خدا نباشد، جز فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل، و او با پیامبران در محضر خدا بایستد.

او با افراد غمگین غمناک نباشد و با افراد اندوهناک، اندوهگین نباشد و با افراد بی‌تاب، بی‌تابی نکند. سپس پروردگار متعال به او بگوید: در پیشگاه من شفاعت کن که شفاعت تو را درباره‌ی کسی آن‌چه شفاعت کنی می‌پذیرم و محاسبه نمی‌شود. درباره‌ی کسی که او محاسبه کند و او خوار نگردد با کسی که خوار سازد و هیچ از خطا و چیزی از عمل بدش را ننویسند و کتابی گشوده به او عطا شود که تمام مردم بگویند: سبحان الله این بنده حتی یک گناه نداشته است و از رفقای محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.^۱

تفسیر آیاتی از سوره صافات

فرزند دو ذبیح

۱. ابن سنان می‌گوید: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ راجع به شخص مورد ذبح

پرسیدم، فرمود:

«اسماعیل» و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند که فرمود: من فرزند دو ذبیح یعنی اسماعیل و عبدالله بن عبدالمطلب». این دو خبر از شیعه در مورد ذبیح است، درحالی که در مورد اسحاق و اسماعیل و عبدالله اختلاف نظر است و عامه (اهل سنت) دو خبر مختلف درباره اسماعیل و اسحاق نقل کرده‌اند.

پس خداوند او (ابراهیم) را ندا داد: ﴿قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^۱ امام عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «چون ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ تصمیم به ذبح پسرش گرفت و هر دو تسلیم امر خدا شدند، خداوند فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ ابراهیم گفت: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾

فرمود: ﴿لَا يَتَّالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾^۱ یعنی طبق عهد من امام،
ستمگر نمی‌شود.^۲

بشارت به ابراهیم علیه السلام

۲. بُرَيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ عَجَلِيٍّ مِي گويد: به امام صادق علیه السلام گفتم: بين
بشارت ابراهيم به (ولادت) اسماعيل و بشارت به (ولادت) اسحاق چند
سال فاصله شد؟ فرمود:

«بين آن‌ها پنج سال فاصله شد، خدای سبحان فرمود: ﴿فَبَشِّرْهُنَّاهُ
بِعَلَّامٍ حَلِيمٍ﴾^۳ یعنی اسماعیل. و آن نخستین بشارتی بود که
خداوند به ابراهیم درباره‌ی فرزند داد.»^۴

۱. بقره، ۱۲۴: ﴿فرمود: من تو را رهبر و امام مردم قرار دادم. ابراهیم تقاضا کرد از
دودمان من نیز امامانی قرار ده! فرمود: پیمان من به ظالمان هرگز نخواهد رسید.﴾
۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۲۵.
۳. صافات، ۱۰۱: ﴿پس ما او ابراهیم را به پسری صبور بشارت دادیم.﴾
۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۵۵.

تفسیر آیه‌ای از سوره ص

ذوالاوتاد یعنی...

۱. ابان بن احمر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ﴾^۱ پرسیدم: چرا ذوالاوتاد نامیده‌اند؟ فرمود:
«چون او وقتی که مردی را شکنجه می‌کرد، او را روی صورتش بر زمین می‌خوابند و دست و پایش را باز می‌کرد و با چهارمیخ در زمین میخ می‌کرد و چه بسا او را روی چوب پهن می‌خواباند و دست و پایش را با چهارمیخ، میخ می‌کرد، سپس به حال خود رها می‌کرد تا بمیرد، از این رو خداوند او را صاحب میخ‌ها نامید!»^۲

۱. ص، ۱۲: ﴿و فرعون صاحب قدرت﴾.

۲. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۶۶.

تفسیر آیاتی از سوره زمر

پیامبران و اوصیای پس از ایشان

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«جبرئیل علیه السلام چهل روز گذشت و بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل نشد، عرض کرد: پروردگارا زیاد مشتاق دیدار پیامبر توام، مرا اذن دهید!»

خدای تعالی به جبرئیل وحی کرد به حبیب و پیامبرم فرود آی و سلام مرا برسان و به او بگو: من او را به نبوت اختصاص دادم و بر همه‌ی پیامبران برتری دادم و وصی او را از جانب من سلام برسان و بگو من او را به وصایت اختصاص دادم و بر همه اوصیا برتری دادم.

فرمود: جبرئیل نازل شد و چنان بود که هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌شد برای او متکابیی از پوست پر از لیف خرما قرار می‌دادند، در حضور آن حضرت نشست و گفت: یا محمد! خدای تعالی تو را سلام می‌رساند و خبر می‌دهد که تو را به نبوت

اختصاص داده و بر همه‌ی پیامبران برتری داده است و وصی تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: او را به وصایت اختصاص و بر همه‌ی اوصیا برتری داده است. می‌فرماید: پیامبر دنبال علی علیه السلام فرستاد و او را طلبید و آن‌چه را که جبرئیل گفته بود گزارش کرد. علی علیه السلام با شنیدن این خبر گریه شدیدی کرد. سپس گفت: از خداوند درخواست دارم که دین مرا از من نگیرد و کرامتش را از من دریغ نکند و به آن‌چه وعده داده است مرا مرحمت کند!

جبرئیل علیه السلام گفت: یا محمد! بر خدا سزاست که علی و هیچ یک از موالیانش را عذاب نکند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: یا جبرئیل! آیا آن‌چه از ایشان بوده یا همگی درنجاتند؟ جبرئیل گفت: یا محمد! هر که شیث را دوست داشت به وسیله شیث نجات یافت، و شیث وسیله‌ی آدم و آدم به وسیله‌ی خدا نجات یافت. دوستداران سام به وسیله‌ی سام و سام خود به وسیله‌ی نوح و نوح به وسیله‌ی خدا نجات یافت. و هرکه آصف را دوست داشت وسیله‌ی آصف و آصف وسیله‌ی سلیمان و سلیمان به وسیله‌ی خداوند نجات یافت. دوستداران یوشع به وسیله‌ی یوشع، یوشع وسیله‌ی موسی علیه السلام و موسی به وسیله‌ی خدا نجات یافت. دوستداران شمعون وسیله‌ی شمعون و شمعون وسیله‌ی عیسی علیه السلام و عیسی به وسیله‌ی خداوند نجات یافت. هر که دوستدار علی باشد به وسیله‌ی علی علیه السلام و علی وسیله‌ی تو و تو خود به وسیله‌ی خدا نجات یافتی و همه چیز تنها به وسیله‌ی خدا انجام می‌گیرد، فرشتگان و نگهبانان به خاطر مصاحبتشان با خدا بر تمام فرشتگان افتخار می‌کنند!

پس علی نشسته بود و سخن جبرئیل را می‌شنید ولی او را

نمی‌دید، راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! آن‌ها وقتی که جمع شدند، حرفشان چه بود؟ فرمود: «یاد خدای تعالی و عظمت بی‌پایان او! سپس فضیلت محمد صلی الله علیه و آله و آن چه از علم او را داده و رسالتی که بر عهده‌ی اوست، وانگهی امر شیعیان ما و دعای بر آن‌ها ذکرشان بوده و پایان کار ایشان هم حمد و ثنای بر خدا بود.» گفتم: فدایت شوم! آیا فرشتگان ما را می‌شناسند؟ فرمود: «سبحان الله چه گونه شما را نمی‌شناسند درحالی که موظف به دعاگویی شما هستند و فرشتگانی بر پیرامون زمین می‌گردند: ﴿يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾^۱ آن‌ها جز استغفاری برای شما نه دیگران، کاری ندارند.»^۲

رافضی

۲. سلیمان اعمش می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم: فدایت شوم! مردم به ما رافضی می‌گویند! فرمود:

«به خدا که آن‌ها شما را به این نام نامیدند، خداوند در تورات و انجیل به زبان موسی و عیسی علیه السلام شما را به آن نامید؛ توضیح این‌که هفتاد تن از قوم فرعون او را ترک گفته و به آیین موسی علیه السلام درآمدند، خداوند آن‌ها را «رافضی» نامید و به موسی علیه السلام وحی کرد که این نام را در تورات ثبت کند تا به زبان محمد صلی الله علیه و آله مالک آن نام باشند، پس خداوند آنان را چندین فرقه کرد و به دسته‌های فراوان دسته دسته شدند، از خیر فاصله

۱. غافر، ۷: ﴿با ستایش پروردگارشان را تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای

مؤمنان استغفار می‌کنند.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۳۶.

گرفتند ولی شما شر و بدی را وا گذاشتید و با اهل بیت پیامبرتان پایدار ماندید و راهی را رفتید که پیامبرتان رفت و آنچه را که خدا و رسولش برگزیده بودند برگزیدید، مژده باد شما را باز هم مژده باد که شما آموزیدگان اید.

از کسانی که پذیرفته از نیکوکار، گذشت نموده از بدکارشان هستید و هرکه بمانند دیدار شما با خدا ملاقات نکند نه عمل نیکش پذیرفته و نه از کار بدش چشم پوشی شده است! یا سلیمان آیا خرسندت کردم؟» گفتم: فدایت شوم! بیشتر بفرمایید! فرمود: «خدای عزوجل فرشتگانی دارند که برای شما طلب آموزش می‌کنند تا گناهان شما بریزد، همان طوری که برگ درختان در روزی که باد می‌آید فرو می‌ریزد.

و همان است قول خدای تعالی: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾^۱ به خدا که آن‌ها شیعیان ما هستند، ای سلیمان! آیا شادمانت کردم؟» گفتم: فدایت شوم! بیشتر بفرمایید! فرمود: «کسی بر روش ملت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نیست جز ما و شیعیان ما و سایر مردم از آن بدورند.»^۲

مدعی امامت

۳. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾^۳ ابوالمغری به نقل از

۱. غافر، ۷.

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۳۹.

۳. زمر، ۶۰: ﴿روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند می‌بینی که﴾

امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«هرکس ادعای امامت کند و امام نباشد روز قیامت آن‌ها را که به خدا دروغ بستند با روهای سیاه می‌بینی» گفتیم: اگر چه علوی فاطمی باشد! فرمود: «اگر چه علوی فاطمی [از اولاد علی و فاطمه علیهما السلام] باشد.»^۱

سَقَر

۴. در تفسیر قول خداوند: ﴿الَّذِينَ فِي جَهَنَّمَ مَمْتُورِي لِمُتَكَبِّرِينَ﴾^۲ از عبدالله بن بکیر به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«در جهنم برای متکبران وادی است بنام سَقَر، از شدت گرما به درگاه خدا شکایت کرد، درخواست کرد که نفسی بکشد، به او اذن داد، نفس کشید پس جهنم را سوزاند.

قول خداوند: ﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۳ یعنی کلیدهای آسمان‌ها. سپس پیامبر خودش را مخاطب قرار داد و فرمود: ﴿وَ لَقَدْ أَوْحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۴ در این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله طرف خطاب است ولی منظور امت اوست و همان است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای تعالی پیامبرش را به (کنایه) - با توام همسایه بشنو! - مبعوث کرد.»

۱ صورتشان سیاه است، آیا در جهنم جایگاهی برای مستکبران نیست؟ ﴿

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲. زمر، ۶۰.

۳. زمر، ۶۳: ﴿کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست.﴾

۴. زمر، ۶۵: ﴿به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی تمام

اعمالت تباه می‌شود و از زیانکاران خواهی بود.﴾

دلیل بر این قول خداوند است: ﴿بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾^۱ در حالی که خداوند می‌دانست که پیامبرش او را عبادت می‌کند و سپاسگزار است ولی از پیامبرش خواسته است تا او را عبادت کند جهت تأدیباتش.^۲

دانا و نادان

۵. ابوعلی حسان عجللی می‌گوید: من نشسته بودم مردی از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خدای تعالی: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۳ را پرسید، فرمود: «آن‌ها که می‌دانند ماییم و دشمنان ما کسانی هستند که نمی‌دانند و شیعیان ما خردمندان‌اند.»^۴

قبض و بسط

۶. سلیمان بن مهران می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾^۵ را پرسیدم، فرمود: «یعنی مُلک اوست، کسی با او شریک مُلک نیست» کلمه‌ی قبض در جایی دیگر از طرف خدا به معنای منع و کلمه بسط به معنای بخشش و گشایش است چنانکه فرموده است: ﴿وَاللَّهُ يَفِيضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^۶ یعنی می‌بخشد و گشایش

۱. زمر، ۶۶: ﴿بلکه تنها خدا را عبادت کن و از شکرگزاران باش!﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳.

۳. زمر، ۹.

۴. برقی، المحاسن، ص ۶۶۱.

۵. زمر، ۶۷: ﴿درحالی که تمام زمین روز قیامت در قبضه اوست.﴾

۶. بقره، ۲۴۵: ﴿خداوند روزی بندگان را محدود می‌کند و گسترش می‌دهد﴾

می‌دهد و باز می‌دارد و در تنگنا قرار می‌دهد. واژه‌ی قبض از جانب خدا در جهت دیگر به معنی گرفتن است و گرفتن در شکل قبول از جانب او آمده است، چنانکه فرموده است: ﴿وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ﴾^۱ یعنی از اهلش می‌پذیرد و بر آن پاداش می‌دهد. گفتیم: قول خداوند: ﴿وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ﴾ (یعنی چه)؟ فرمود: «بمین یعنی دست، و دست یعنی قدرت و قوت. از این رو خداوند می‌فرماید: آسمان‌ها به قدرت و قوت خداوند پیچیده است ﴿سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾».^۲ و^۳

۱ و همه شما به سوی او باز می‌گردید. ﴿

۱. توبه، ۱۰۴: ﴿زَكَاتٍ يَا نَبِيَّاتُ خَدَا مِي گيرد. ﴿

۲. زمر، ۶۷: ﴿و آسمان‌ها پيچيده در دست اوست، خداوند منزّه و والاتر از آن است

که شريك او پندارند. ﴿

۳. شيخ صدوق، التوحيد، ص ۱۶۱.

تفسیر آیاتی از سوره مؤمن (غافر)

دوبار مرگ و حیات

۱. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاٰخِرَيْنَا اِثْنَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلٰى خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيْلٍ﴾^۱ از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

«آن در رجعت است و قول خداوند: ﴿ذٰلِكُمْ بِاَنَّهُ اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ - يعنى انكار مى كنيد - وَاِنْ يُشْرِكْ بِهٖ تُؤْمِنُوْا﴾^۲ پس كفر در اين جا به معنى انكار است، مى فرمايد: چون خداوند به يگانگى خوانده مى شد انكار مى كرديد و اگر شريك قائل مى شدند، ايمان مى آورديد.»^۳

-
۱. مؤمن، ۱۱: ﴿گویند: پروردگارا! ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی، اکنون به گناهان خود اعتراف می‌کنیم پس آیا راهی برای خروج وجود دارد؟!﴾
 ۲. مؤمن، ۱۲: ﴿این برای آن است که اگر خداوند به یگانگی خوانده می‌شد انکار می‌کردید و اگر همتایی می‌پنداشتند ايمان می‌آوردید.﴾
 ۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۶.

مالک اصلی خداست

۲. در تفسیر آیه: ﴿لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾^۱ عبیدبن زراره

می‌گوید: من از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

«چون خداوند اهل زمین را بمیراند به اندازه‌ای که خلق را آفرید و به قدری که آن‌ها را بمیراند و چند برابر آن درنگ کند، سپس اهل آسمان دنیا را بمیراند و بعد به قدری که خلق را آفرید و بقدری که اهل زمین و آسمان دنیا را بمیراند و چند برابر آن درنگ کند، آن‌گاه اهل آسمان دوم را بمیراند، سپس به قدری که خلق را آفرید و بقدری که اهل زمین و آسمان دنیا و آسمان دوم را آفرید و دو چندان آن درنگ نماید، سپس اهل آسمان سوم را بمیراند و بعد به قدری که خلق را آفرید و آن قدر که اهل زمین و آسمان دنیا و اهل آسمان دوم و سوم را بمیراند و چند برابر آن درنگ کند؛ در هر آسمانی همین طور و چند برابر تا سرانجام میکائیل را بمیراند، سپس به قدری که خلق را آفرید و بقدر تمام آن‌ها و چند برابر آن درنگ کند. آن‌گاه جبرئیل را بمیراند و پس از آن به قدری که خلق را آفرید و به اندازه‌ی همه آن‌ها و چند برابر آن درنگ کند، سپس اسرافیل را بمیراند و بعد به قدری که خلق را آفرید و به اندازه‌ی تمام این‌ها و چند برابر آن‌ها درنگ کند، آن‌گاه ملک الموت را بمیراند و بعد به اندازه‌ی که خلق را آفریده و به اندازه‌ی تمام این‌ها درنگ کند، سپس بگوید: ﴿لِمَنِ الْمُلْكُ﴾ و به خود پاسخ دهد: ﴿لِلَّهِ الْقَهَّارِ﴾ کجایند ستمگران و کجایند آن‌ها که با من خدای دیگری را مدعی

۱. مؤمن، ۱۶: ﴿حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار.﴾

تفسیر آیاتی از سوره مؤمن (غافر) □ ۶۰۱

بودند؟ کجاست متکبران و کبرشان؟ آن‌گاه خلق را مبعوث نماید.»^۱

عذابی برای متکبر و جبّار

۳. در تفسیر قول خداوند: ﴿الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ﴾ یعنی: بدون برهانی با هم جدال می‌کنند: ﴿إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾^۲ منصور بن یونس به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است که فرمود:

«در داخل آتش دوزخ آتشی است که دوزخیان از آن پناه می‌جویند؛ این آتش آفریده نشده است مگر برای متکبر جبّار سرکش و برای هر شیطان متمرد و برای متکبری که به روز جزا ایمان ندارد و هر مخالفی که با آل محمد دشمنی دارد.

فرمود: روز قیامت از همه‌ی مردم عذاب کسی آسان‌تر است که در آتشی کم‌عمق باشد با کفش‌هایی از آتش که بند کفش‌هایش نیز از آتش است، مغزش از حرارت آن مانند دیگی می‌جوشد، در دوزخ کسی را که عذابش سخت‌تر از او و هم آسان‌تر از او دیده نشود.

قول خداوند: ﴿فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَّرُوا﴾^۳ یعنی مؤمن آل

۱. قمی، علی‌بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲. مؤمن، ۵۶: ﴿آن‌ها که در آیات خدا بدون این‌که دلیلی برایشان آمده باشد به مجادله برمی‌خیزند در سینه‌هایشان جز تکبر نیست، هرگز به منظور خود نخواهند رسید. اکنون که چنین است به خدا پناه ببر که اون شنوا و بیناست.﴾

۳. مؤمن، ۴۵: ﴿خداوند او را از نقشه‌های شوم ایشان نگاه داشت.﴾

فرعون را، امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند او را قطعه قطعه کردند، ولی خدا اجازه نداد دین او را از او بگیرند» در تفسیر قول خداوند: ﴿النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾^۱ فرمود: این در دنیا پیش از قیامت است، چرا که در قیامت صبح و شامی نیست، چون صبح و شام مربوط به حرکت خورشید و ماه است، در بهشت جاویدان و در دوزخ خورشید و ماهی نیست»^۲

دلیل رجعت

۴. قول خداوند: ﴿وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾ - یعنی در بیهودگی - و قول خداوند: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ مربوط به رجعت است؛ هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام بازگردند، از جمیل نقل کرده است، می گوید: از امام صادق علیه السلام قول خداوند: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾^۳ را پرسیدم، فرمود:

«به خدا سوگند که آن در رجعت است. مگر نمی دانی که پیامبران زیادی را در دنیا یاری نکردند و آن‌ها و امامان پس از ایشان را کشتند و یاریشان نکردند، این در رجعت است»^۴

۱. مؤمن، ۴۵: ﴿همان آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۳. مؤمن، ۵۰ و ۵۱: ﴿دعای کافران جز در ضلالت نیست، ما به طور مسلم رسولان خود و کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در قیامت که گواهان برمی خیزند یاری می دهیم﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۸.

یادآوری نعمت‌ها

۵. در تفسیر قول خداوند: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾^۱ امام صادق علیه السلام فرمود:

«خدای متعال روز قیامت بر بنده‌ی مؤمنش احسان می‌کند، فرمان می‌دهد که به رحمت او نزدیک شود! نزدیک می‌شود سپس به یاد نعمت‌هایی که به او داده می‌اندازد، می‌فرماید: آیا در فلان روز درخواست نکردی که من اجابت کردم، آیا فلان روز از من نخواستی که من خواسته‌ات را عطا کردم؟ آیا در فلان روز از من کمک نخواستی که من یاریت کردم؟ آیا گرفتاری چنین و چنان را از من درخواست نکردی که برطرف کردم و به ناله‌ی تو ترخّم نمودم؟ آیا از من مالی نخواستی که تو را دادم؟ آیا از من خدمتکار نخواستی که به خدمت درآوردم؟ آیا از من همسری فلان زن را نخواستی و او در بین فامیل ارجمند بود و من او را به همسری تو درآوردم؟»

پس بنده می‌گوید: آری پرورگار من، مرا آنچه خواستم دادی و همواره بهشت را از تو خواهانم! خداوند می‌فرماید: من به تو می‌دهم آنچه از بهشت خواستی بر تو مباح است آیا راضی شدی؟

مؤمن گوید: آری پروردگار من! آیا تو هم از من راضی هستی؟ خداوند بفرماید: بنده‌ی من همواره از اعمال تو راضی بوده‌ام و

۱. مؤمن، ۶۰: ﴿و پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با دلت وارد دوزخ می‌شوند.﴾

البته برای تو بهترین پاداش را پسندیدم، چرا که بهترین پاداش نزد من آن است که تو را ساکن بهشت گردانم! و آن است قول خداوند: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۱.

گناهان رامی‌ریزند

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یا ابا محمد! خدای تعالی فرشتگانی دارد که بار گناهان را از پشت شیعیان ما می‌ریزند، همان طوری که باد برگ را از درخت در وقت برگ‌ریزان می‌ریزد و همان است قول خدای تعالی: ﴿يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾^۲ به خدا که جز شما را اراده نفرموده است.»^۳

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲. مؤمن، ۷: ﴿تَسْبِيحٌ وَحَمْدٌ لِلَّهِ وَحَمْدٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند. ﴿

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۴.

تفسیر آیاتی از سوره فصلت

تقیه

۱. معاویة بن عمار می گوید:

به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! ﴿لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا أَلْسِيَّةٌ﴾ (یعنی چه)؟ فرمود: «حسنه تقیه و سیئه اشاعه است»
گفتم: فدایت شوم! ﴿ادْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾؟^۱ فرمود: «سکوت و نگفتن!»
آن گاه فرمود: «تو را به خدا سوگند آیا این را در خودت می بینی که با گروهی باشی که ندانند تو چه آیینی داری و بین شما محبت و دوستی هم نباشد و چون بشناسند و از دین تو آگاه شوند دشمنت گردند؟»
گفتم: راست گفتید. فرمود: «این همان است.»^۲

۱. فصلت، ۳۴: ﴿هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن!﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۴۲.

شهادت اعضا و جوارح

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«آن‌ها به خداوند عرضه می‌دارند: پروردگارا این‌ها فرشتگان تو هستند که برای تو شهادت می‌دهند، سپس به خدا سوگند می‌خورند که کاری نسبت به آن نکرده‌اند! آن است قول خداوند: ﴿يَوْمَ يَعْتَبَهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَخْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ﴾^۱ همان‌ها ایند که حق امیرالمؤمنین علیه السلام را غصب کردند، آن جاست که بر زبانشان مهر می‌زنند و جوارحشان سخن می‌گوید! پس گوش به آنچه از محرّمات خدا شنیده و چشم به آنچه از محرّمات خدا نگاه کرده و دست‌ها آنچه از محرّمات خدا را مرتکب شده است، گواهی می‌دهند و دست‌ها آنچه گرفته‌اند و پاها در هر حرام الهی که گام نهاده و فرج بدانچه از محرّمات الهی مرتکب شده است شهادت می‌دهند آن‌گاه زبان‌های آنان را خداوند گویا سازد و آن‌ها ایند ﴿وَقَالُوا الْجُلُودُ دِهِم لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ﴾^۲».

۱. مجادله، ۱۸: ﴿روزی را که خداوند همه آن‌ها را برمی‌انگیزد و اعمالشان را بر آن‌ها عرضه می‌کند ولی آن‌ها برای خدا سوگند دروغ یاد می‌کنند همان طوری که برای شما (امروز) یاد می‌کنند!﴾

۲. فصلت، ۲۱ - ۲۲: ﴿آن‌ها به پوست‌های تنشان گویند: چرا شما برضد ما گواهی دادید؟ می‌گویند: همان خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را به سخن درآورده است و او شما را نخستین بار آفرید و بازگشتان به سوی اوست و شما گناهانتان را مخفی می‌کردید.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۶۳.

آخرین دوزخی

۳. عبدالرحمان بن حجاج می‌گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گفتم: حدیثی است که مردم نقل می‌کنند درباره‌ی کسی که آخر همه مردم فرمان می‌رسد تا او را سوی آتش ببرند. فرمود:

«بدان که آن حدیث چنان نیست که می‌گویید، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آخرین بنده‌ای که فرمان می‌رسد به دوزخ ببرند چون فرمان می‌رسد می‌بینند، نگاه می‌کند خداوند جبار می‌فرماید: او را بازگردانید! باز می‌گردانند، می‌فرماید: چرا به درگاه ما نگاه می‌کردی؟ می‌گوید: پروردگارا! گمانم به تو این نبود! خطاب می‌رسد: گمان تو به من چه بود؟ می‌گوید: پروردگارا گمانم این بود که خطاهای مرا ببامرزی و مرا در بهشت جا دهی! خدای جبار بفرماید: ای فرشتگان من نه به عزّت و جلالم و به نعمت‌ها و بلندی مقام و جایگاه والا، من هرگز ساعتی گمان خوب به من نداشت، اگر یک ساعت گمان خوب به من داشت ما او را از آتش نمی‌ترساندیم، دروغ او را روا دانید و وارد بهشت کنید! سپس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هیچ بنده خوش گمان به خدا نیست، مگر خداوند در نزد ظن وی قرار دارد و آن است قول خداوند: ﴿وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدَأَكُمُ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾. ۱۰۲»

۱. فصلت، ۲۳: ﴿این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما شد.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۶۴.

دوستدار و مخالف

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«دوستدار ما و مخالف دشمنان ما نمی‌میرد، مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین، حسن و حسین علیهما السلام در نزد او حاضر می‌شوند، او را خوشنود می‌سازند و بشارت می‌دهند و اگر غیر دوستدار ما باشد، آنان را به گونه‌ای می‌بیند که ناراحتش می‌کند، دلیل بر آن قول امیرالمؤمنین به حارث همدانی است: «ای حارث همدانی هر که بمیرد مرا می‌بیند - چه مؤمن باشد یا منافق - وعده داده شده است.»

وانگهی خداوند پیامبرش را ادب کرده، فرموده است: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۱ فرمود: بدی کسی را که به تو بد کرده است، بانیکی بر طرف کن تا آن که بین تو و او که دشمنی است چنان شود که گویی دوست صمیمی است. سپس فرمود: ﴿وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ وَإِنَّمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ - یعنی اگر به قلبت و سوسه‌ای از شیطان عارض شد - فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ﴾^۲ مخاطب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ولی منظور مردمان است.^۳

کوردلی در دنیا

۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ آورده است، فرمود:

۱. فضلت، ۳۴: ﴿هرگز نیکی و بدی یکسان نیست بدی را با نیکی دفع کن!﴾

۲. همان، ۳۵ - ۳۶: ﴿اما جز کسانی که دارای استقامتند به این مقام نمی‌رسند و اگر سوسه‌ای از شیطان متوجه تو گردد از خدا پناه بخواه که او شنوا و داناست.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۶۵.

«مقصود ولایت امیرمؤمنان است». گفتیم: ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾^۱؟ فرمود: «یعنی نابینایی چشم در آخرت و کوردلی در دنیا از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام. فرمود: «او در قیامت سرگردان، می‌گوید: ﴿لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا - فرمود: آیات، امامان علیهم السلام است - وَكَذَلِكَ أُولِيَوْمٍ تُنْسَى﴾^۲ یعنی تو آن‌ها را وا گذاشتی و هم‌چنین امروز تو در آتش وا گذاشته می‌شوی، همان طوری که امامان علیهم السلام را وا گذاشتی و امرشان را اطاعت نکردی و به حرفشان گوش ندادی.»

گفتم: ﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾^۳؟ فرمود: «یعنی کسی که به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دیگران را شرکت دهد و به آیات پروردگارش ایمان نیابد و از روی عناد امامان علیهم السلام را واگذارد و از آثار ایشان پیروی ننماید و آنان را سرپرست خود نداند.» گفتم: ﴿اللَّهُ أَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ﴾^۴ فرمود: «ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را. گفتم: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ - فرمود: شناخت امیرالمؤمنین

-
۱. طه، ۱۰۰: ﴿و کسی که از یاد من روگردان شود، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت و در قیامت او را نابینا محسور می‌کنیم.﴾
 ۲. طه، ۱۲۵ - ۱۲۶: ﴿چرا مرا نابینا محسور کردی درحالی که قبلاً بینا بودم؟ می‌فرماید: آن‌گونه که آیات من برای تو آمد و تو آن‌ها را فراموش کردی امروز نیز تو فراموش خواهی شد.﴾
 ۳. همان، ۱۲۷: ﴿و این‌گونه کسانی را که راه اسراف را پیش گرفتند و ایمان به آیات پروردگارش نیابردند جزا می‌دهیم و عذاب آخرت از این هم شدیدتر و پایدارتر است.﴾
 ۴. شوری، ۱۹: ﴿خداوند نسبت به بندگانش لطف دارد هرکس را بخواهد روزی می‌دهد.﴾

و امامان علیهم السلام - نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ - فرمود: از آن‌ها به وی فزونی می‌دهیم و نصیب خود را به طور کامل از دولت ایشان می‌برد - وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ^۱ فرمود: برای او در دولت حق با قائم علیه السلام بهره‌ای نیست.^۲

مسخ شدن

۶. در تفسیر قول خداوند: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾^۳ امام صادق علیه السلام فرمود:
«فرو رفتن به زمین، مسخ شدن و پرت گشتن و سقوط» گفتیم: تا برای ایشان آشکار شود؟ فرمود: «آن را واگذار! آن قیام قائم است.»^۴

ترس و امید

۷. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^۵ نقل کرده است فرمود:

-
۱. شوری، ۲۰: ﴿کسی که زراعت آخرت را طالب باشد به او برکت می‌دهیم و محصولش را می‌افزاییم و آن‌ها که فقط برای دنیا کشت کنند تنها کمی از خواسته‌شان را می‌دهیم و در آخرت بهره‌ای نخواهند داشت.﴾
 ۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۶.
 ۳. فضلت، ۵۳: ﴿ما به زودی آیات و نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جان خود آن‌ها به آن‌ها نشان می‌دهیم تا برای آن‌ها روشن شود که خداوند حق است.﴾
 ۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۶۶.
 ۵. فضلت، ۲۳.

تفسیر آیاتی از سوره فصلت □ ۶۱۱

«سزاوار است که مؤمن چنان از خدا بترسد که گویی از طرفی بر
دوزخ اشراف دارد و از سویی چنان به خدا امیدوار است که گویی
از اهل بهشت است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي
ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ﴾. ۱ و ۲

۱. همان.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۰.

تفسیر آیاتی از سوره شوری

اجر پیامبری

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون این آیه: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بپا خاست و فرمود: ای مردم! خدای تبارک و تعالی برای من واجبی را بر شما فرض کرده است، آیا شما آن را خواهید پرداخت؟ فرمود: کسی از آن‌ها جواب پیامبر را نداد، او رفت، فردا در بین جمعیت بپا خاست همان حرف را زد، باز در روز سوم بین آن‌ها سرپا ایستاد، همان را گفت و کسی حرف نزد، فرمود: ای مردم! آن مزد طلا و نقره، خوردنی و آشامیدنی نیست. گفتند: پس آن را بفرمایید! فرمود: خدای تبارک و تعالی آیه: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ را نازل فرموده است. گفتند: آن‌که چیزی نیست، قبول است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «به خدا که جز هفت تن وفا نکردند: سلمان، ابوذر، عمار، مقدادبن اسود کندی، جابر بن عبدالله انصاری و غلامی از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نام ثبث و زیدبن ارقم.»^۱

اصحاب کسا

۲. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به احول (مؤمن طاق) فرمود: «بصره رفتی؟»
عرض کرد: آری، فرمود:

«شتاب مردم را در این امر (ولایت) و ورود ایشان در آن را چگونه دیدی؟» عرض کرد: به خدا که آن‌ها اندکند، البته آن‌ها ولایت را پذیرفته اند ولی تعدادشان کم است. پس از آن فرمود: «بر تو باد به نوجوانان چرا که آن‌ها به هر کار خیری شتابان ترند!»
فرمود: «اهل بصره درباره‌ی این آیه: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ چه می‌گویند؟»

گفتم: فدایت شوم! می‌گویند: آن برای خویشاوندی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت اوست. فرمود: «این آیه درباره‌ی ما اهل بیت: حسن، حسین، علی، فاطمه؛ اصحاب کسا نازل شده است.»^۲

امر ولایت

۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تفسیر قول خداوند: ﴿أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ﴾ - فرمود: - وَلَا تَتَفَرَّقُوا ﴿ آن کنایه از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است. سپس فرمود:

۱. حمیری، قرب الاسناد، ص ۳۸.

۲. حمیری، قرب الاسناد، ص ۶۰.

﴿كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ - از امر ولایت علی علیه السلام - اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ - کنایه از علی است - وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾.^۱ سپس فرمود:
 ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ - یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام - وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾.^۲

آن‌گاه خدای عز و جل فرمود: ﴿وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ - یعنی در برابر خدا احتجاج می‌کنند پس از خواست خدا که رسولان و کتاب‌هایی سوی ایشان بفرستد، از این رور رسولان و کتاب‌ها را سوی ایشان فرستاد، آن‌ها دگرگون و عوض کردند، سپس در روز قیامت مقابل خدا احتجاج می‌کنند - فَحَاجَّتْهُمْ دَاحِضَةٌ - یعنی باطل است - عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾.^۳ سپس فرمود: ﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ

۱. شوری، ۱۳: ﴿دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید بر مشرکان گران است آن‌چه شما آنان را به سوی دعوت می‌کنید! خداوند هرکس را بخواهد برمی‌گزیند و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند﴾.

۲. شوری، ۱۵: ﴿پس به این خاطر تو نیز دعوت کن و آن چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما و از هوس‌های آن‌ها پیروی نکن و بگو: من ایمان آورده‌ام به هر کتابی که از سوی خدا نازل شده است، من مأمورم که در میان همه شما عدالت کنم خدا پروردگار ما و شماست و نتیجه اعمال ما از آن ما و اعمال شما از شماست خصومت شخصی میان ما نیست خدا ما را یکجا جمع می‌کند و بازگشت به سوی اوست﴾.

۳. شوری، ۱۶: ﴿آن‌ها که درباره خدا محاجه می‌کنند پس از پذیرش دعوت او از سوی مردم دلیلشان نزد پروردگارشان باطل و خشم پروردگار و عذاب شدید از آن آن‌هاست﴾.

المِيزَانُ^۱ میزان امیرالمؤمنین علیه السلام است و دلیل آن قول خداوند در سوره رحمان است: ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾^۲ فرمود: یعنی امام.

قول خداوند: ﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا﴾ کنایه از قیامت است، زیرا که آن‌ها هم چنان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌گفتند: قیامت را برای ما برپادار و عذابی را که به ما وعده می‌دهی اگر راست می‌گویی؛ بیاور! از این رو خداوند فرمود: ﴿أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ﴾^۳ یعنی با هم ستیزه و مجادله می‌کنند.

قول خداوند: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾ یعنی پاداش اخروی - وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ^۴».

کشت آخرت

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مال و فرزندان کشت دنیاست و عمل صالح کشت آخرت است و خداوند گاهی هردو را برای اقوام جمع می‌کند.»

۱. شوری، ۱۷: ﴿خداوند همان کسی است که کتاب آسمانی و میزان را بحق نازل کرد.﴾

۲. رحمان، ۷: ﴿و آسمان را برافراشت و میزان قانون را گذاشت.﴾

۳. شوری، ۱۸: ﴿آن‌ها که به قیامت ایمان ندارند درباره آن شتاب می‌کنند ولی آن‌ها ایمان دارند پیوسته با هراس مراقبند و می‌دانند آن حق است و خواهد آمد، آگاه باشید آن‌ها که در قیامت تردید دارند.﴾

۴. شوری، ۲۰.

۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۷۳ - ۲۷۵.

قول خداوند: ﴿وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفُضْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ﴾^۱ فرمود: کلمه یعنی امام، دلیل بر آن قول خداوند: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^۲ یعنی امامت، سپس فرمود: ﴿تَرَى الظَّالِمِينَ - یعنی کسانی که بحق آل محمد صلی الله علیه و آله ستم کردند - مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا - یعنی بیمناک از رفتار و کردارشان - وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ﴾ یعنی آن چه را که می ترسیدند بر سرشان می آید.

سپس خداوند کسانی را یاد کرده است که به کلمه، ایمان دارند و از آن پیروی می کنند و فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا - به این کلمه - وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾^۳ از آن چه که به آن فرمان داده شده اند.^۴

پاداش برای مصائب

۵. علی بن رآب می گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند:

۱. شوری، ۲۱: ﴿هرگاه فرمان خدا مبنی بر مهلت اینان نبود در میان آن ها داوری می شد﴾.

۲. زخرف، ۲۸: ﴿او کلمه توحید را در فرزندان و اعقاب خود کلمه باقیه قرار داد تا به سوی خدا باز گردند﴾.

۳. شوری، ۲۱ - ۲۳: ﴿برای ستمگران عذاب الیمی است. ستمگران را می بینی که از اعمالی که انجام داده اند سخت بیمناکند اما مجازات اعمالشان آن ها را می گیرد، اما کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند در بهترین باغ های بهشت جا دارند هرچه خواهند نزد پروردگارشان برای آن ها فراهم است، این است فضل بزرگ! این همان چیزی است که خدا بندگان مؤمن و صالحش را بشارت می هد. بگو: من پاداشی جز دوستی نزدیکانم اهل بیت نمی خواهم﴾.

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۷۶.

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾^۱ را پرسیدم،
فرمود:

«مگر ندیده‌ای که بر سر علی علیه السلام و اهل بیتش چه آمد، آیا به خاطر عمل آن‌ها بود، در صورتی که آن‌ها اهل طهارت و معصوم بودند؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بدون هیچ گناهی در هر روز و شب صد مرتبه به درگاه خدا توبه و استغفار می‌کرد، خداوند اوصیای خود را بدون هیچ گناهی به مصائبی اختصاص داده است تا آن‌ها را به خاطر آن مصائب پاداش دهد.»^۲

تأسف نمی‌خوریم

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون علی بن حسین علیهما السلام را وارد مجلس یزید کردند، نگاهی به سمت او کرد، سپس گفت: ای علی بن حسین! هر مصیبتی که سر شما آمد به خاطر عملی بود که خود انجام دادید! علی بن حسین علیهما السلام فرمود: هرگز! آن آیه درباره ما نازل نشده است، بلکه این آیه درباره ما نازل شده است: ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۳

۱. شوری، ۳۰.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۷۷.

۳. حدید، ۲۲: ﴿هیچ مصیبتی در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر این‌که همه آن‌ها قبل از این‌که زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است و این امر برای خدا آسان است این بدان خاطر است که آن‌چه از دست دادید تأسف نخورید و آن‌چه به شما داده است شادمان نباشید!﴾

پس ماییم آن کسانی که آن چه از امر دنیا را از دست دادیم،
تأسف نمی‌خوریم و به آن چه به ما داده‌اند دلخوش نیستیم. و
قول خداوند: ﴿وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾.^۱ و^۲

روح علم

۷. ابو حمزه نقل می‌کند: از امام صادق علیه السلام راجع به علم پرسیدم
آیا همان چیزی است که عالم از زبان مردان بزرگ می‌آموزد یا در
کتابی است نزد شما که آن را می‌خوانید و از آن می‌آموزید؟
فرمود: «امری مهم‌تر از این‌ها و لازم‌تر است، مگر این سخن خدا
را نشنیده‌ای: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا
الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ﴾^۳؛ سپس فرمود: «اصحاب شما درباره این آیه
چه می‌گویند؛ آیا قبول دارند که پیامبر در حالی بوده است که
نمی‌دانست کتاب و ایمان چیست؟» گفتم: فدایت شوم نمی‌دانم چه
می‌گویند.

فرمود: «آری، او در حالی بود که نمی‌دانست کتاب و ایمان چیست
تا این که خداوند روحی را که در کتاب نام برده است مبعوث کرد، و
چون آن را به وی وحی کرد، بدان وسیله علم و آگاهی یافت. آن همان
روحی است که خداوند هر که را بخواهد مرحمت کند و چون بنده‌ای
را عطا کند او را آگاهی دهد.»^۴

۱. شوری، ۳۷: ﴿و هنگامی که خشم شوند عفو می‌کنند.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۳. شوری، ۵۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۴۹.

انبیا آن‌ها را می‌شناختند

۸. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله ائمه علیهم السلام را

می‌شناخت؟ فرمود:

«نوح علیه السلام آن‌ها را می‌شناخت، گواه بر آن قول خدای عزوجل است: ﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى﴾^۱ فرمود: «ای توده شیعیان! خداوند دینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود.»^۲

فرشته‌ای به نام روح

۹. به امام باقر و امام صادق علیهم السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا﴾ گفتند: روح که فرشته‌ای بزرگتر از جبرئیل و میکائیل است، بار رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است؟ امام باقر و امام صادق علیهم السلام فرمودند:

«آن روح به آسمان بالا نرفته و آن در ماست.»^۳

بهترین دوستی

۱۰. ابوحنیفه‌ی مغربی در تفسیر قول خداوند: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۴ از امام صادق علیه السلام نقل کرده، می‌گوید:

۱. شوری، ۱۳: ﴿خداوند آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود،

هم‌چنین آن‌چه را بر تو وحی کردیم ابراهیم، موسی و عیسی.﴾

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۱۳.

۳. همان.

۴. شوری، ۲۳.

«جماعتی از شیعیان بر او وارد شدند، در بین آن‌ها مردی نابینا بود، یکی از ایشان عرض کرد: یابن رسول الله! این مرد شما را دوست می‌دارد و ولایت شما را قبول دارد! امام علیه السلام نگاهی چون فرد خشمگین به سمت او کرد، فرمود: «بهترین دوستی آن است که برای خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد و در محبت جز این خیری نیست - و دو بار دستش را حرکت داد و فرمود: - انصار خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: یا رسول الله! ما گمراه بودیم خداوند به وسیله‌ی تو ما را هدایت کرد، بی‌چیز بودیم، خداوند به وسیله‌ی شما ما را بی‌نیاز کرد بنابراین از اموال ما هرچه می‌خواهید از آن شماست. پس خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ سپس امام صادق علیه السلام دست خود را به سمت آسمان برد و گریست به قدری که محاسنش را تر کرد و گفت: سپاس خدا را که ما را برتری داد.»^۱

۱. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۶۸.

تفسیر آیاتی از سوره زُحْرَف

دوستی در راه خدا

۱. در تفسیر قول خداوند: ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾^۱ می‌گوید: یعنی دوستان بایکدیگر دشمن می‌شوند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«بدانید که هر دوستی‌ای که در دنیا در راه غیر خدا باشد، روز قیامت به دشمنی انجامد.» و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فردای قیامت دست ستمگر بر دندان (از پشیمانی گاز می‌گیرد) و پایش لرزان و دوستان برندامتند جز پرهیزگاران.^۲

احوال بهشتیان و اهل دوزخ

۲. در تفسیر قول خداوند می‌گوید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا - یعنی به امامان - وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ

۱. زحرف، ۶۷: ﴿دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند جز پرهیزکاران.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۹۳.

- یعنی گرامی داشته می‌شوید - يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَكْوَابٍ - یعنی کاسه و ظرف‌ها - وَ فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ^۱ ابن‌یسار به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود: «همانا شخصی در بهشت کنار سفره‌ی غذای روزگار دنیایش می‌ماند و در یک نوبت به اندازه‌ی آن‌چه در دنیا خورده است می‌خورد. سپس خداوند آن‌چه را که برای دشمنان آل محمد آماده کرده است یاد کرده، می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ لَا يُفْتَرُونَ عَنْهُمْ وَ هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾^۲ یعنی از خیر نا امید می‌شوند.

این است قول امیرالمؤمنین علیه السلام: اما گنهکاران در آتش همیشه هستند و پاهایشان بسته و دست‌هایشان به گردنشان با زنجیر بسته شده است و بر بدنشان پوششی از قطران و قطعاتی از آتش برای آن‌ها جدا شده، آن‌ها در عذابی هستند که حرارتش بس شدید و آتشی که اهلش را فرا گرفته است، هرگز از آن‌ها نگشاید و هرگز بادی بر آن‌ها وارد نشود و غم از آن‌ها زایل نگردد و

۱. زخرف، ۶۹ - ۷۳: ﴿كسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند خطاب می‌رسد: وارد بهشت شوید شما و همسرانتان در نهایت شادمانی، ظرف‌ها و جام‌های طلایی را پیرامون آن‌ها می‌گردانند و در آن‌جا آن‌چه دل‌ها بخواهد و چشم‌ها لذت برد هست و شما آن‌جا جاودانه‌اید بهشتی که شما به خاطر اعمالتان وارث آنید، آن‌جا میوه‌های فراوان است که از آن‌ها می‌خورید.﴾
۲. زخرف، ۷۴: ﴿مجرمان در عذاب جهنم جاودانه‌اند هرگز عذاب آن‌ها تخفیف نمی‌یابد و در آن‌جا از همه چیز مأیوسند.﴾

عذاب هم‌چنان شدید و مجازات نو به نو! نه آن سرا از بین رفتنی است تا نابود شود و نه آن قوم عمرشان پایان‌پذیر است.»^۱

رضا و خشم خدا

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ﴾^۲ آورده است، فرمود:

«خدای عزوجلّ مانند ما تأسّف نمی‌خورد، بلکه اولیائی را برای خود آفریده است که آن‌ها تأسّف می‌خورند و راضی می‌شوند که مخلوق و پروریده او هستند، پس رضای آن‌ها را رضای خود و خشم آن‌ها را خشم خود قرار داده است. زیرا که خداوند آن‌ها را داعیان و راهنمایان سوی خود قرار داده است، از این‌رو چنان گردیده‌اند. نه آن‌که از گناهان مردم زمانی به خدا برسد آن طوری که به مردم می‌رسد ولی این است معنای آن چه در این باره گفته شده؛ فرموده است: هرکس ولیّ مرا اهانت کند در حقیقت مرا به مبارزه طلبیده و به پیکار فراخوانده است.

و فرمود: «هرکه پیامبر را اطاعت کند درحقیقت خدا را اطاعت کرده است»^۳ و فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾^۴ تمام این‌ها و نظیر آن همان طوری که گفتیم و

۱. قمی، علی‌بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۹۴.

۲. زخرف، ۵۵: ﴿أما هنگامی که با اعمالشان ما را به خشم آوردند از آن‌ها انتقام گرفتیم.﴾

۳. نساء، ۸۰.

۴. فتح، ۱۰: ﴿کسانی که با تو بیعت می‌کنند در حقیقت تنها با خدا بیعت می‌کنند و دست خدا بالای دست آن‌هاست.﴾

همچنین خشنودی و خشم و دیگر چیزها از آن چه شبیه این هاست. اگر روا باشد تأسف و دلتنگی به خدا برسد، درحالی که او آن‌ها را خلق و ایجاد کرده، جایز است گوینده‌ای بگوید: روزی شود که آفریدگار جهان نابود گردد! زیرا اگر خشم و دلتنگی بر او وارد شود دگرگونی در او رخ دهد! و هرچه در معرض دگرگونی باشد، از نابودی در امان نیست و در این صورت فرقی بین پدیدآورنده و پدید شده و میان قادر توانا و آنچه مستخر قدرت اوست و همچنین میان خالق و مخلوق نباشد درحالی که خداوند بسی بالاتر و برتر از این سخن ناهنجار است! بلکه اوست آفریدگار همه چیز، بدون نیازمندی! و چون بر پایه‌ی نیازمندی نبوده محال است محدودیت و چگونگی در او باشد، پس اگر خدای تعالی خواهد این را خوب بفهم!»^۱

کلمه باقیه

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي

عَقِيهِ﴾^۲ فرمود:

«منظور امامت است که خداوند متعال آن را در فرزندان

حسین علیه السلام تا روز قیامت ماندگار ساخته است.»^۳

امامت تا روز قیامت

۵. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲. زخرف، ۲۸: ﴿او آن کلمه را در فرزندان وی قرار داد.﴾

۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۳۱.

عَقِيهِ ﴿ فرمود:

«کلمه‌ی باقیه در فرزندان او [پیامبر اسلام] یعنی امامت تا روز

قیامت!»^۱

یادکردن نعمت خدا

۶. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا

لَمُنْقَلِبُونَ﴾^۲ فرمود:

«یاد کردن نعمت خدا آن است که بگویی: سپاس خدای را که مرا

به اسلام راهنمایی کرد و قرآن را به ما آموخت و به وسیله‌ی

محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر ما مَنّت نهاد! و پس از آن بگویی: منزّه است

خداوندی که این را برای ما مسخّر کرد...»^۳

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۵.

۲. زخرف، ۱۴: ﴿و ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم﴾.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۱.

تفسیر آیاتی از سوره دخان

اشک بر مصائب اهل بیت علیهم السلام

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه ما را یاد کند، یا (مصیبت) ما را در نزد او یاد کنند و از چشمش اشکی بقدر بال مگسی درآید خداوند گناهان او را بیامرزد، هرچند بقدر کف دریا باشد.»^۱

مقدرات شب قدر

۲. هشام نقل می‌کند: به امام صادق علیه السلام گفتم: این کلام خدا در قرآن: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾^۲ (یعنی چه؟) فرمود: «آن شب قدر است که در آن (مقدرات) نوشته می‌شود: از سفر گروه حاجیان و آن چه از طاعت و معصیت یا مرگ و زندگی در آن باشد و خداوند در آن شب و روز هرچه را بخواهد پدید آورد،

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲. دخان، ۴: ﴿در آن هر امری از امور طبق حکمت الهی تبیین می‌شود.﴾

تفسیر آیاتی از سوره دخان □ ۶۲۷

سپس به رؤیت صاحب زمین برساند» حرث بن مغیره بصری می‌گوید: پرسیدم: صاحب زمین کیست؟ فرمود: «صاحب شما».^۱

گریه آسمان

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ﴾^۲ فرمود:

«آسمان بر کسی پیش از قتل یحیی بن زکریّا و پس از آن نگریست تا حسین علیه السلام کشته شد و بر او گریست.»^۳

۱. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۲۲۱.

۲. دخان، ۲۹: ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ﴾: پس نه آسمان بر آنها گریست و نه زمین.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

تفسیر آیاتی از سوره جاثیه

جایگاه پیامبر و امیرالمؤمنین در روز قیامت

۱. سلیمان دیلمی می‌گوید: محضر امام صادق علیه السلام بودم طولی نگذشت که صدای لیبک شنیدیم، فرمود: «علی علیه السلام روزی درحالی که پشته‌ی هیزمی به پشت داشت از راه رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بلند شد و با او معانقه کرد، بطوری که سفیدی زیربغل هر دو پیدا شد، سپس فرمود: یا علی! من از خدا خواستم که تو را در بهشت با من قرار دهد، قرار داد و درخواست کردم بر من فزونی دهد، داد (دخترم فاطمه را) به همسری تو درآوردم و خواستم باز هم بیافزاید، دوستان و فرزندان تو را افزود، و درخواست کردم دوستانت را بر من بیافزاید! افزود بدون این که من درخواست کنم، دوستان دوستانان تو را افزود!

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با شنیدن سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شادمان شد. سپس گفت: پدر و مادرم به فدایت! دوستِ دوست من؟

فرمود: آری یا علی! چون روز قیامت شود، برای من منبری از یاقوت سرخ قرار دهند که با زبرجد سبز پوشانده شده، هفتاد هزار پله دارد، فاصله هر پله‌ای تا پله دیگر سه روز راه بانشاط است، من بر آن منبر روم سپس تو را بخوانند و مردم گردن سوی تو کشند می‌گویند: این شخص در بین پیامبران نیست، پس منادیی دهد: این سرور اوصیاست.

آن‌گاه تو بالا بیایی و روی منبر با هم معانقه کنیم، سپس تو دامن مرا بگیری و من دامن (رحمت) پروردگارم را. بدان که دامن خدا همان حق است و ذریه تو دامن تو را و شیعیان دامن ذریه تو را گیرند، پس حق به بهشت برده شود. و چون وارد بهشت شوید با همسرانتان جایگزین شوید و به منازل خود فرود آید! خداوند به مالک وحی کند: در دوزخ را باز کن تا اولیای من ببینند چه برتری آن‌ها را به دشمنانشان داده‌ایم! پس درهای دوزخ گشوده شود و ایشان ببینند و چون (اهل دوزخ) بوی بهشت را بیابند، گویند: ای مالک! آیا ما می‌توانیم امید تخفیف عذاب را از خدا داشته باشیم تا نسیمی را بیابیم؟ مالک به آن‌ها گوید: خداوند به من وحی فرمود: که درهای دوزخ را باز کنم تا اولیایش به شما بنگرند! پس سرهایشان را بلند کنند، یکی بگوید: ای فلانی! آیا گرسنه نبودى که سیر کردم؟ آن دیگری بگوید: آى فلانى! برهنه نبودى که من پوشاندم و آن یکی می‌گوید: آیا بیمناک نبودى که من پناه دادم و این یکی بگوید: چیزی را به من نقل نکردى که من پنهان داشتم! پس از آن می‌گویند: از پروردگارتان بخواهید ما را ببخشد! پس برای ایشان دعا کنند و آن‌ها از دوزخ به سمت بهشت درآیند، ولی در بهشت بی‌جا و مکان‌اند و دوزخیان نامیده می‌شوند!

می‌گویند: شما که از پروردگارتان خواستید ما را از عذابش نجات داد از او بخواهید تا این اسم را از روی ما بردارد و در بهشت پناهگاهی برای ما قرار دهد! پس دعا کنند، خداوند به باد وحی کند تا بر دهان بهشتیان بوزد و آن‌ها آن اسم را فراموش کنند و در بهشت پناهگاهی برای ایشان قرار دهد! این آیات در آن باره نازل شد: ﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ وَ لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ وَ آتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْضًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَفْضِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ﴾. (۲۹)

کسانی که بر ایشان منت نهادیم

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۳ فرمود:

۱. جائیه، ۱۴ - ۲۱: ﴿به مؤمنان بگو: کسانی را که امید به ایام‌الله روز رستاخیز ندارند مورد عفو قرار دهند و نسبت به آن‌ها سخت نگیرند، این به خاطر آن است که (خداوند) هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند جزا دهد، کسی که عمل صالح انجام دهد به سود خود، و هر که کار بدی انجام دهد به زیان خود اوست سپس همگی به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید و ما دلایل روشنی در اختیار آن‌ها گذاشتیم پس آن‌ها اختلاف نکردند مگر پس از آگاهی و سرچشمه این اختلاف برتری جویی بود. پروردگار تو روز قیامت درباره اختلافشان داوری می‌کند سپس ما تو را بر شریعت حق قرار دادیم...﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۵۶.

۳. جائیه، ۱۴.

تفسیر آیاتی از سوره جاثیه □ ۶۳۱

«بگو: به کسانی که ما با معرفت خود بر ایشان مَنّت نهادیم تا کسانی را که نمی‌دانند؛ ببخشایند و چون آن‌ها را شناختند، آن‌ها را ببخشیدند.»^۱

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۹۴.

تفسیر آیاتی از سوره احقاف

خبر شهادت امام حسین علیه السلام

۱. علی بن ابراهیم می نویسد: رسول خدا صلی الله علیه و آله ماجرای حسین علیه السلام و قتل او را به فاطمه علیها السلام خبر داد از این رو با ناراحتی او را حمل کرد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود:

«شما کسی را دیده‌اید که بشارت فرزند پسری را به او بدهند ولی او از روی کراهت حمل کند یعنی غمگین و ناراضی باشد؟! برای این که از شهادت او باخبر شد و او را از روی کراهت به دنیا آورد، چون آن (کشته شدن او را) دانست. بین بارداری فاطمه علیها السلام بر حسن و حسین علیهما السلام یک طهر (حدود یک ماه) فاصله بود؛ حسین علیه السلام شش ماه در شکم مادرش بود و از شیر گرفتنش بیست و چهار ماه، آن است قول خداوند: ﴿وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا﴾. (۱ و ۲)

۱. احقاف، ۱۵: ﴿دوران بارداری و از شیر گرفتن سی ماه است.﴾

پیامبران اولوالعزم

۲. سماعة بن مهران می‌گوید: از امام صادق علیه السلام قول خداوند:
﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾^۳ را پرسیدم، فرمود:

«نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد درود خدا بر او و خاندان او و بر همه پیامبران و رسولانش» گفتم: چگونه اولوالعزم شدند؟ فرمود: «چون نوح علیه السلام را با کتاب و شریعتی مبعوث کرد و هر پیامبری که پس از وی آمد، شریعت و راه او را پیش گرفت تا ابراهیم علیه السلام با صحف و تصمیم بر ترک کتاب نوح علیه السلام آمد نه انکار آن. و هر پیامبری که پس از ابراهیم علیه السلام می‌آمد به شریعت ابراهیم و روش او و مطابق صُحُف عمل می‌کرد تا این‌که موسی علیه السلام تورات را آورد و با شریعت و روش آن و تصمیم بر ترک صُحُف و هر پیامبری پس از موسی علیه السلام آمد تورات و شریعت و روش او را گرفت تا این‌که مسیح انجیل را آورد با تصمیم بر ترک شریعت و روش موسی علیه السلام، تا این‌که محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرآن و شریعت و روش آن را آورد، پس از حال تا روز قیامت حلال او حلال و حرام او تا روز قیامت حرام است و این‌ها پیامبران اولوالعزم هستند.»^۴

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۳. احقاف، ۳۵: ﴿پس صبر کن همان‌طوری که پیامبران اولوالعزم صبر کردند﴾.

۴. برقی، المحاسن، ص ۲۶۹.

تفسیر آیاتی از سوره محمد

پرهیزکاران و اهل بهشت

۱. مفضل بن عمر می گوید: از سرورم امام صادق علیه السلام از تفسیر قول خداوند: ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ﴾^۱ پرسیدند، فرمود: «این آیه درباره‌ی علی و اولاد و شیعیانشان نازل شده است، آنان پرهیزکاران و اهل بهشت و مغفرت‌اند.»^۲

باطل کننده اعمال

۲. یزید بن فرقد نحوی از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾^۳ فرمود:

۱. محمد، ۱۵: ﴿توصیف بهشتی که بر پرهیزکاران وعده داده شده است.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۵۸.

۳. محمد، ۳۳: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید

رسول خدا را و اعمال خود را باطل نسازید!﴾

«هرگاه خدا و رسول خدا ﷺ را اطاعت کنند، اعمالشان باطل نمی‌شود - فرمود: - دشمنی ما اعمالشان را باطل می‌کند.»^۱

ترک ولایت

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند نقل کرده،

فرمود:

«إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَيَّ أَدْبَارِهِمْ - از ایمان با ترک ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام برگشتند - الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ»^۲ یعنی بنی فلان، بنی فلان و بنی امیه.»
در قول خداوند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرَهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ - یعنی آن چه از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را که خداوند بر خلق خود واجب کرده است - سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأُمْرِ»^۳ فرمود: «آن‌ها بنی‌امیه را به پیمان خود فراخواندند تا این امر را پس از پیامبر به ما نگذارند و چیزی از خمس را به ما ندهند. و گفتند: اگر خمس را به ایشان دهیم، بدان وسیله بی‌نیاز خواهند شد و این‌که گفت: بزودی در بخشی از این از شما اطاعت می‌کنیم یعنی چیزی از خمس را به ایشان ندهید! از این رو خداوند این آیه را بر پیامبرش نازل کرد: «أَمْ أَمْرُكُمْ أَمْ فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۵۸.

۲. محمد، ۲۵: «کسانی که بعد از روشن شدن حق بازگشتند و پشت کردند، شیطان اعمال بدشان را در نظر آن‌ها زینت داد.»

۳. همان، ۲۶: «این به خاطر آن است که آن‌ها به کسانی که از نزول وحی الهی به پیامبر ناراحت بودند، گفتند: ما در بعضی از امور از شما اطاعت می‌کنیم.»

نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ» (ا و ۲)

-
۱. زخرف، ۷۹ و ۸۰: ﴿بلکه آن‌ها تصمیم محکمی گرفتند ما نیز اراده قوی داریم. آیا آن‌ها می‌پندارند که ما اسرار و سخنان در گوشه آن‌ها را نمی‌شنویم؟ آری رسولان ما نزد آن‌ها حاضرند و می‌نویسند.﴾
 ۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۹.

تفسیر آیاتی از سوره فتح

فتح مکه

۱. درباره‌ی سبب نزول سوره فتح ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾^۱ از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که سبب نزول این سوره یعنی «فتح بزرگ» آن است که خدای عزّوجلّ پیامبرش را در عالم خواب فرمان داد تا وارد مسجدالحرام شود و طواف کند و با حاجی‌ها که سر می‌تراشند، سرش را بتراشد، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به اصحابش خبر داد و فرمان خروج صادر کرد! چون بیرون آمدند و در ذوالحلیفه فرود آمده و برای عمره مُحَرَّم شدند و گاو و شترهای فربه برای قربانی آورده بودند و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شصت و شش شتر قربانی به همراه داشت و در وقت محرم شدنش اعلام فرمود و از ذوالحلیفه احرام بستند و برای عمره تلبیه گفتند، بعضی از آن‌ها قربانی‌ها را با شعارهای افتخارآمیز

۱. فتح، ۱: ﴿به نام خداوند بخشنده مهربان، ما برای تو پیروزی اشکاری فراهم

می‌راندند همین که این خبر به قریش رسید، خالد بن ولید را با دو بیست سواره به کمین فرستادند تا به پیشروی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برود، او همواره از روی کوه‌ها مراقب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، چون در قسمتی از راه وقت نماز ظهر شد، بلال اذان گفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با مردم به نماز ایستاد خالد بن ولید گفت: اگر ما بر ایشان حمله کنیم آن‌ها در نمازند، قطعاً بر آن‌ها پیروز می‌شویم چرا که آن‌ها نمازشان را قطع نمی‌کنند ولی اکنون نماز دیگرشان فرا می‌رسد که از نور چشمشان برای آن‌ها محبوب تر است همین که وارد نماز شدند بر آن‌ها حمله می‌کنیم!

جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد با این قول خداوند نماز خوف را آورد: ﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ﴾^۱ این آیه در سوره نساء است که ذکر داستان نماز خوف در آن جا گذشت. چون روز دوم شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حدیبیه فرود آمد و آن انتهای حرم است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنان بود که عرب‌ها در بین راه از او فاصله می‌گرفتند و دنبال او نمی‌آمدند، می‌گفتند: محمد و یارانش طمع دارند که وارد حرم شوند در صورتی که قریش در درون خانه‌هایشان با آن‌ها جنگیدند و آن‌ها را کشتند و محققاً محمد و یارانش هرگز به مدینه باز نخواهند گشت.

۱. نساء، ۱۰۲: ﴿هنگامی که میان آن‌ها هستی و نماز جماعت برای آن‌ها بی‌پایه‌داری باید مسلمانان به دو گروه تقسیم شوند نخست عده‌ای با اسلحه به نماز بایستند، پس از این‌که این گروه سجده کردند با سرعت رکعت دوم را تمام و به میدان بازگردند و گروه دوم جای گروه اول می‌ایستند با تو نماز می‌خوانند﴾

همین که رسول خدا ﷺ در حدیبیه فرود آمد، قریش در حالی که به لات و عزی سوگند می خوردند، در آمدند تا نگذارند محمد ﷺ وارد مکه شود و در بین آن‌ها جاسوسی بود که خبر می داد. رسول خدا ﷺ کسی را فرستاد و فرمود: من برای جنگ نیامده‌ام و تنها جهت ادای مناسک حج و قربانی آمده‌ام و گوشت قربانی‌ها را به شما وامی گذارم! پس از پیام پیامبر عربین مسعود ثقفی را که مرد عاقل و دانایی بود، فرستادند وی همان کسی است که خداوند درباره‌ی او نازل کرد: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبَيْنِ عَظِيمٍ﴾^۱ و وقتی که به سراغ رسول خدا ﷺ آمد، آن را مهم دانست و گفت: یا محمد! قوم خود را وا گذاشتی در حالی که آن‌ها بناها ساخته و بچه شتران را با مادرانشان در آورده‌اند، آن‌ها به لات و عزی سوگند می خوردند که به تو اجازه‌ی ورود به مکه را ندهند، چرا که مکه حرم آن‌هاست و در بین آن‌ها جاسوس‌هایی مراقب است. یا محمد! آیا قصد داری که خود و قوم خود را نابود سازی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: من برای جنگ نیامده‌ام تنها آمده‌ام اعمال حج را انجام دهم و شتران قربانی را نحر کنم و گوشت آن‌ها را برای شما بگذارم!

عمر و گفت: به خدا که مثل امروز کسی را ندیده‌ام، بمانند تو پافشاری کند! به نزد قریش بازگشت و به آن‌ها خبر داد، قریش گفتند: به خدا که اگر محمد وارد مکه شود، عرب‌ها آن را به گوش هم برسانند هر آینه ما را خوار شمارند و نسبت به ما گستاخی کنند، از این رو

۱. زخرف، ۳۱: ﴿و گفتند: چرا این قرآن بر مرد بزرگی از این دو شهر مکه و طائف

نازل نشده است؟!﴾

حفص بن احنف و سهیل بن عمر و را فرستادند.

همین که چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن دو نفر افتاد، فرمود: وای بر قریش که لباس جنگ پوشیده‌اند! چرا این‌ها مرا با عرب‌ها تنها نمی‌گذارند که اگر من راست گفته باشم، سلطنت را با نبوت سوی ایشان بیاورم و اگر دروغ گفته باشم، گرگ‌های عرب از آن‌ها کفایت می‌کنند! امروز مردمی از قریش از من مشکلی را می‌خواهند که خدا را خشمی در آن نیست مگر من خواسته‌ی ایشان را اجابت کنم.

امام علیه السلام می‌فرماید: «ناگهان به سراغ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: یا محمد! چرا امسال را بر نمی‌گردی تا ما ببینیم سرانجام کار تو با عرب چه می‌شود، چرا که عرب‌ها آمدن تو را از یکدیگر شنیده‌اند اگر وارد شهر ما و حرم ما شوی، عرب‌ها ما را خوار شمارند و بر ما جری شوند. در حالی که سال آینده در همین ماه سه روز این خانه را به تو واگذار می‌کنیم تا مناسک خود را بجا آوری و از نزد ما بازگردی؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با آن شرط پیشنهاد آن‌ها را قبول کرد و به وی گفتند: هر که از افراد ما نزد تو آمد به ما باز می‌گردانی و هر که از طرف شما نزد ما آمد به تو بر می‌گردانیم! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس از افراد ما نزد شما آمد ما را نیازی به او نیست، ولی مسلمانان مکه در اظهار اسلامشان نباید آزار شوند و ناراحتی ببینند و نباید چیزی از احکام اسلام را که انجام می‌دهند بر آن‌ها اعتراض شود! آن‌ها قبول کردند و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد صلح را پذیرفت عموم اصحابش اعتراض کردند و بیش از همه فلانی معترض بود، گفت: یا رسول الله! مگر ما به حق و دشمن ما بر باطل نیست؟ فرمود: چرا. گفت: ما در دین مان ذلت پذیر شدیم! پیامبر فرمود: خداوند مرا وعده داده

است، و هرگز وعده‌ی خلافی نمی‌کند.

فرمود: اگر چهل مرد با من بود مخالفت می‌کردم! سهل بن عمرو و حفص بن احنف نزد قریش برگشتند خبر صلح را دادند. عمر گفت: یا رسول الله! مگر شما نگفتی ما وارد مسجد الحرام می‌شویم و با دیگران سرمان را می‌تراشیم؟ فرمود: آیا من همین امسال تو را وعده دادم؟ من گفتم: خدای عز و جل مرا وعده داده است که مکه را فتح کنم و طواف نمایم با افرادی که سر می‌تراشند سعی به جا آورم.

چون زیاد اعتراض کردند به آن‌ها گفت: اگر صلح را قبول ندارید با آن‌ها بجنگید! به سمت قریش رفتند در حالی که آن‌ها آماده جنگ بودند، به اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حمله کردند و شکست بدی خوردند و به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوستند، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لبخندی زد، سپس فرمود: یا علی شمشیر بردار و به مقابله قریش برو! امیر المؤمنین عَلِيٌّ شمشیر برگرفت و بر قریش حمله کرد چون امیر المؤمنین عَلِيٌّ را دیدند، برگشتند و گفتند: یا علی! آیا برای محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در قولی که به ما داده بود بدا حاصل شده؟ فرمود: نه.

اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با شرمندگی برگشتند، در حالی که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عذر خواهی می‌کردند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ایشان فرمود: مگر شما همان اصحاب من در روز جنگ بدر نبودید که درباره شما این آیه نازل شد: ﴿إِذْ تَسْتَعْثِفُونَ رَبَّكُمْ فَاَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ﴾^۱

۱. انفال، ۹: ﴿زمانی که به خدا پناه بردید و تقاضای کمک کردید، خداوند پذیرفت و

فرمود: شما را با هزار فرشته متوالی یاری می‌کنم.﴾

آیا شما همان اصحاب روز جنگ احد نبودید؟ ﴿إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ﴾ آیا شما همان اصحاب من روز فلان نبودید؟ آیا اصحاب من در روز چنین نبودید؟

پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عذرخواهی کردند و از کرده‌ی خود پشیمان شدند و گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. هرچه صلاح می‌دانی انجام ده! حفص بن احنف و سهیل بن عمرو دوباره خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برگشتند و گفتند: یا محمد! قریش شرطی که در برابر آن‌ها راجع به اظهار اسلام کردی پذیرفتند و این‌که کسی را بر دینش اکراهی نباشد! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابزار نوشتن خواست و امیرالمؤمنین علیه السلام را طلبید و فرمود: بنویس: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سهیل بن عمرو گفت: ما رحمان را نمی‌شناسیم، همان طور بنویس که پدرانت می‌نوشتند: باسْمِکَ اللَّهُمَّ! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بنویس: «باسْمِکَ اللَّهُمَّ» زیرا که آن نامی از نام‌های خداست، پس از آن نوشت: این است آن چیزی که محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جمعی از قریش بر آن توافق کردند. سهیل بن عمرو گفت: اگر ما تو را رسول خدا می‌دانستیم که با تو جنگ نمی‌کردیم، بنویس: این چیزی است که محمد بن عبدالله، محمد! آیا از نسب خود عار داری؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من رسول خدایم هر چند شما اقرار نکنید! سپس فرمود: یا علی! پاک کن! بنویس محمد بن عبدالله! امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: من هرگز نام شما را از نبوت پاک نمی‌کنم! پس رسول

۱. آل عمران، ۱۵۳: ﴿أَن گاه که فرار می‌کردید و پشت سر نگاه نمی‌کردید درحالی که

پیامبر شما را صدا می‌زد!﴾

خدا ﷺ به دست خود آن را محو کرد.

سپس نوشت: این است آنچه را که محمد بن عبدالله و جمعی از قریش و سهیل بن عمرو بر آن توافق کردند و بر این صلح کردند که ده سال جنگ مابین خود را زمین بگذارند و از یکدیگر بازایستند و غل و زنجیری در کار نباشد، در حالی که بین ما و ایشان بدگویی (و توطئه‌ای) پشت سر نباشد و این که هر کس دوست داشت در عهد و پیمان محمد وارد شود، بشود و کسی از قریش میان اصحاب محمد بدون اذن سرپرستش بیاید او را بازگرداند و اگر کسی از اصحاب محمد به سراغ قریش برود به وی بازگردانند و اسلام در مکه علنی باشد، کسی را بر دینش مجبور نکنند و او را آزار و اذیت ننمایند و محمد با اصحابش بر گردد، سپس سال آینده بر ما، وارد مکه شود و سه روز آن جا بماند. با اسلحه وارد مکه نشود جز اسلحه‌ی مسافر یعنی شمشیرها در غلاف باشد.

علی بن ابی طالب رضی الله عنه نوشت و مهاجران و انصار هم گواهی دادند. سپس رسول خدا ﷺ فرمود: یا علی! تو از محو کردن نام من به عنوان پیامبر خودداری کردی به خدایی که مرا بر حق به پیامبری مبعوث کرده است، فرزندان ایشان هم چنان پاسخی را به تو خواهند داد در حالی که تو دردمند و ستم‌یده‌ای!

چون روز صفین شد و آن‌ها به حکمیت راضی شدند، امیر المؤمنین نوشت: این است آنچه چیزی که امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و معاویه بن ابی سفیان صلح کردند، عمرو بن عاص گفت: اگر ما تو را امیر المؤمنین می‌دانستیم که با تو جنگ نمی‌کردیم، بلکه بنویس این چیزی است که علی بن ابی طالب و معاویه بن ابی سفیان بر آن صلح

کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: راست گفت خدا و رسول خدا! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این را به من خبر داد.

آن‌گاه صلح‌نامه را نوشت، خُزاعه برخاستند و گفتند: مادر عهد و پیمان قریش بودیم، دو نسخه نوشتند یکی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نسخه‌ای نزد سهیل بن عمرو و حفص بن احنف که نزد قریش بردند و به آن‌ها خبر دادند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحابش فرمود: قربانی‌ها را نحر کنید و سرهاتان را بتراشید! آن‌ها خودداری کردند و گفتند: چگونه شتر بکشیم (قربانی کنیم) و سر بتراشیم در حالی که خانه را طواف نکرده و بین صفا و مروه سعی ننموده‌ایم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم غمگین شد و ماجرا را به ام سلمه گفت: ام سلمه عرض کرد: یا رسول الله تو قربانی کن و سر بتراش! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (شتران را) قربانی کرد و سر تراشید و مردم نیز بر اساس یقین، (بعضی با) شک و تردید قربانی کردند!

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از باب تعظیم قربانی‌ها فرمود: خدا کسانی را که سر تراشیدند بیامرزد! گروهی گفتند: یا رسول الله! آن‌ها که قربانی نکردند و تقصیر نمودند؟ زیرا کسی که قربانی نکرده سر تراشیدن بر او واجب نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوباره فرمود: خدا بیامرزد کسانی را که سر تراشیدند، قربانی نکردند!

باز گفتند: یا رسول الله! و آن‌ها که تقصیر کردند؟ فرمود: خدا رحمت کند تقصیرکنندگان را.

آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سمت مدینه حرکت کرد، به تنعیم بازگشت و زیر درختی فرود آمد و اصحاب آن حضرت که به صلح اعتراض داشتند، آمدند و عذرخواهی کردند و از وضعی که داشتند

اظهار پشیمانی نمودند و از رسول خدا خواستند تا برای ایشان طلب آمرزش کند! پس آیه رضوان نازل شد: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾. ^۱ ۲

پیامبر گناهی نداشت

۲. عمر بن یزید بیاع سابری می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: این سخن خدا در قرآن: ﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾؟ فرمود: «نه پیامبر گناهی داشت و نه قصد گناهی کرد بلکه خداوند گناهان پیروان او را به حساب ایشان گذاشت سپس به خاطر او بخشید.» ^۳

نزول ایمان به قلب مؤمنان

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ^۴ نقل کرده است، فرمود: «آن (که در دل های مؤمنان فرو فرستاد) ایمان بود.» ^۵

۱. فتح، ۱ و ۲.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۴ - ۳۱۵.

۳. همان.

۴. فتح، ۴: ﴿او کسی است که آرامش را در دل های مؤمنان نازل کرد﴾.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵.

تفسیر آیاتی از سوره حُجُرَات

صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ يَعْنِي...

۱. سُدَيْرٌ صَيْرَفِيٌّ مِيْ گويد: من خدمت امام صادق عليه السلام نشسته بودم تا مسائل چندی را که اصحاب ما (شیعیان) داده بودند بر او عرضه کنم، ناگهان سؤالی به دلم افتاد عرض کردم: مسأله‌ای هم اکنون به دلم افتاد! فرمود: «آن در بین مسائل دیگر نیست؟» گفتم: نه. فرمود: «آن چیست؟» عرض کردم: این سخن امیرالمؤمنین عليه السلام: «امر ما سخت و سختگیر [صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ] است، کسی به آن اقرار نمی‌کند مگر فرشته مقرب یا پیامبر مُرسل و یا بنده‌ی مؤمنی که خداوند قلب او را به وسیله‌ی ایمان آزموده است.» فرمود: «آری بعضی از فرشتگان مقرب و بعضی غیر مقربند و بعضی از پیامبران، مرسل و بعضی غیر مرسلند و برخی مؤمنان آزموده و ناآزموده‌اند و این امر ما بر فرشتگان عرضه شد، اقرار نکردند جز فرشتگان مقرب و بر پیامبران عرضه شد و اقرار نکردند جز مرسلین و بر مؤمنان عرضه شد و اقرار نکردند جز افراد با

اخلاص و مؤمنان خالص»^۱

حرمت خانه پیامبر و امیرالمؤمنین

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «إِنَّ الَّذِينَ يُتَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۲ فرمود:

«منظور خداوند شکستن (حرمت) خانه‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و خانه علی بن ابی طالب علیه السلام است، زیرا مردمانی بودند که از شهرها می آمدند می گفتند: این خانه کیست؟ می گفتند: خانه پیامبر است و می گفتند: این خانه کیست؟ می گفتند: خانه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.»^۳

معنای سه کلمه

۳. زید شحام می گوید: از امام صادق علیه السلام معانی رَفَتْ، فسوق و جدال را پرسیدم، فرمود:

«رَفَتْ آمیزش و فسوق دروغ گفتن است، مگر قول خدای تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ»^۴ را نشنیده‌ای؟ و اما جدال، گفتن فردی: نه به خدا و آری به خدا و دشنام کسی به کسی است.»^۵

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۶۱.

۲. حجرات، ۴: «و کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند بیشترشان نمی‌فهمند.»

۳. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۶۳.

۴. حجرات، ۶.

۵. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۹۴.

القاب نیکو

۴. ابان بن تغلب می گوید: محضر امام صادق علیه السلام بودم، ناگهان مردی از اهل یمن وارد شد، سلام داد و امام علیه السلام جواب داد، فرمود: «سعید! چرا آمده ای؟» عرض کرد: مادرم مرا به این نام نامیده و کم تر کسی مرا به این نام می شناسد. امام علیه السلام فرمود: «راست گفתי سعید مزنی!» آن مرد گفت: فدایت شوم! مرا به این لقب می خوانند. امام علیه السلام فرمود: «در این لقب خیری نیست، خدای عز و جلّ می فرماید: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا بِالْألقَابِ بِئْسَ الْأسمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإیمانِ﴾^۱ ای سعید مزنی چه شغلی داری؟» آن مرد گفت: فدایت شوم من مردی سرشناس از خاندان ستاره شناسانم و در یمن کسی را داناتر به علم نجوم از خودمان سراغ ندارم!

امام علیه السلام فرمود: «من سؤالی از شما دارم؟» یمانی گفت هرچه می خواهید از نجوم پرسید فدایتان شوم! تا من با آگاهی پاسخ دهم! امام علیه السلام فرمود: «بگو ببینم نور ماه چند درجه از نور زهره بیشتر است؟» گفت: نمی دانم فرمود: «نور زهره چند درجه از نور مشتری بیشتر است؟» گفت: نمی دانم. فرمود: «راست گفתי نمی دانی، حالا بگو: نور مشتری چقدر از نور عطارد بیشتر است؟» گفت: نمی دانم. فرمود: «نام ستارگانی که وقت طلوع آنها شتر هیجان پیدا می کند چیست؟» عرض کرد: نمی دانم. فرمود: نام ستارگانی که در وقت طلوعشان سگ ها هیجانی می شوند، چیست؟» گفت: نمی دانم. فرمود: «پس نام ستارگانی

۱. حجات، ۱۱: ﴿با القاب زشت یکدیگر را یاد نکنید بسیار بد است که پس از

ایمان بر کسی نام کفرآمیز بگذارید!﴾

رابگو که در وقت برآمدن آن هاگاو هیجان می یابد؟» گفت: نمی دانم. فرمود: «در گفته ات: «نمی دانم» راست گویی، ستاره زحل در نظر شما چگونه است؟» عرض کرد: ستاره نحس است!

فرمود: «این حرف را نزن! زیرا که آن ستاره امیرالمؤمنین علیه السلام و ستاره ای اوصیا و ستاره ای فروزان است که خداوند او را در کتاب خود (قرآن) یاد کرده است.»

عرض کرد: ثاقب یعنی چه؟ فرمود: «محل طلوع آن آسمان هفتم است و آن با نورش می افروزد تا به آسمان دنیا می رسد، از این رو خداوند آن را نجم ثاقب نامیده است. برادر یمنی آیا شما علمایی دارید؟» عرض کرد: آری فدایت شوم! در یمن گروهی هستند که در بین مردم کسی در علم نظیر آن ها نیست و به حد علم عالم ایشان نمی رسد، گفت: عالم ایشان پرنده ای را می راند و آن را پیگیری می کند و در یک ساعت، مسیر یک ماه سوار تندر و را می پیماید! امام علیه السلام فرمود: «عالم مدینه از عالم یمن داناتر است» عرض کرد: فدایت شوم از عالم مدینه چه اطلاعی دارید؟ فرمود: «عالم مدینه نه اثری را پی گیری می کند و نه پرنده ای را می راند ولی در یک لحظه با قدم علم مسیر خورشید را دوازده خشکی و دوازده دریا و دوازده عالم را طی می کند» عرض کرد: فدایت شوم! من کسی را گمان نمی کنم که چنین علمی داشته باشد یا حقیقت آن را بداند! فرمود: «راست گفتی تو نمی دانی» سپس آن مرد یمنی بلند شد و رفت.^۱

۱. حلی، علی بن طاووس، فرج المهموم فی تاریخ علما النجوم، ص ۹۲.

تفسیر آیه‌ای از سوره ق

دو فرشته

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ﴾^۱ آورده است، فرمود: «آن‌ها دو فرشته‌اند». از قول خداوند: ﴿هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٌ﴾^۲ پرسیدم، فرمود: «آن فرشته‌ای است که از عمل آدمی نگهداری می‌کند. و از قول خداوند: ﴿قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطَّغَيْتُهُ﴾^۳ پرسیدم، فرمود: «او شیطان است.»^۴

۱. ق، ۱۷: ﴿ هنگامی را که دو فرشته راست و چپ که ملازم انسان هستند اعمال او را دریافت می‌دارند.﴾

۲. ق، ۲۳: ﴿ این نامه اعمال اوست که نزد من حاضر و آماده است.﴾

۳. ق، ۲۷: ﴿ و همنشین او از شیاطین می‌گوید: پروردگارا! من او را به طغیان وادار نکردم!﴾

۴. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۵۴.

تفسیر آیاتی از سوره‌ی الذاریات

معنای چند عبارت

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا﴾ آورده است، فرمود:

«ابن کَوَّاز از امیرالمؤمنین علیه السلام از معنای ﴿وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا﴾ پرسید: فرمود: یعنی باد و از ﴿فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا﴾ فرمود: یعنی ابر و ﴿فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا﴾ فرمود: کشتی‌ها، و ﴿فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا﴾ فرمود: فرشتگان و آن حضرت همه را تقسیم کرد و خبر داد ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ﴾^۱ یعنی مجازات و مکافات».^۲

۱. ذاریات، ۱ - ۶: ﴿به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، سوگند به بادهایی که ابرها را به حرکت درمی‌آورد. سوگند به آن ابرهایی که بار سنگینی (از باران را) با خود حمل می‌کنند. و سوگند به کشتی‌هایی که (بر رودخانه‌های بزرگ و دریاها) به آسانی به حرکت درمی‌آیند و سوگند به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند آن‌چه به شما وعده داده شده قطعاً راست است و بی‌شک جزای اعمال واقع شدنی است.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۷.

علم الهی

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند به پیامبرش فرمود: ﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ﴾ خواست اهل زمین را عذاب کند، سپس بدا حاصل شد، رحمت نازل گردید و فرمود: یا محمد یادآوری کن! ﴿إِنَّ الذُّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ باز دوباره سال آینده خدمت امام صادق علیه السلام برگشتم و گفتم: فدایت شوم! من برای شیعیان نقل کردم، گفتند: خدا را چیزی بدا حاصل شده که در علم وی نبود؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند دو نوع علم دارد، علمی که هیچ کس از خلق را بر آن اطلاعی نیست و علمی را که به فرشتگان و سفیرانش آگاهی داده و آنچه به فرشتگان آگاهی داده است به ما رسیده است.»^۲

استغفار در سحرگاه

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یا فُضَّيْلُ! بالاترین دعایی که در سحرگاهان از خدا دارید این باشد که خداوند می فرماید: ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾»^۳

۱. ذاریات، ۵۴: ﴿اکنون از آن‌ها روی بگردان و هرگز در خور ملامت نخواهی بود و

پیوسته تذکر و اندرز بده زیرا که تذکر مؤمنان را سودمند است.﴾

۲. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۱۱۰.

۳. ذاریات، ۱۸: ﴿و در سحرگاهان استغفار می‌کنند.﴾

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۵.

تفسیر آیاتی از سوره طور

ذریه مؤمنان

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»^۱ فرمود:

«کسانی که به پیامبر، امیرالمؤمنین و ذریه امامان و اوصیا علیهم السلام ایمان آورده‌اند ما به آن‌ها ذریه‌شان را ملحق می‌سازیم و ذریه‌ی ایشان را از آن برهانی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی علی علیه السلام آورده است نمی‌کاهیم، درحالی که حجت ایشان یکی و طاعتشان یکی است.»^۲

فرزندان به پدران ملحق می‌شوند

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ

۱. طور، ۲۱.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۳۲.

ذُرِّيَّتَهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ^۱ ﴿۱﴾ فرمود:

«عمل فرزندان از عمل پدران کم‌تر بود، خداوند متعال فرزندان را به پدران ملحق ساخت تا بدان وسیله چشم آن‌ها را روشن سازد!»^۲

نماز وتر

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾^۳ فرمود:

«آن نماز وتر از آخر شب است.»^۴

۱. طور، ۲۱.

۲. شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۹۴.

۳. طور، ۴۹: ﴿به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان.﴾

۴. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۷۸.

تفسیر آیاتی از سوره نجم

هر روز اعمال خود را دارد

۱. امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: «فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى»^۱ پرسیدم، فرمود:

«آن گفته‌ی انسانی است که می‌گوید: دیشب نماز خواندم، دیروز روزه گرفتم و نظیر این‌ها.» سپس فرمود: «گروهی بودند صبح که می‌کردند، می‌گفتند: دیشب نماز خواندیم و دیروز روزه داشتیم!»^۲

نزول ستاره

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روز غدیر خم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را به پا داشت، سخنی را خاطر نشان کرد، خدای

۱. نجم، ۳۲: ﴿پس خودستایی نکنید، او پرهیزکاران را می‌شناسد.﴾

۲. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۶۹.

تعالی به زبان جبرئیل علیه السلام بر او نازل کرد، گفت: یا محمد! من فردا پیش از ظهر ستاره‌ای را از آسمان نازل می‌کنم که نورش بر نور خورشید غلبه دارد، به اصحابت اعلام کن که هرکس این ستاره به خانه‌اش فرود آید، او پس از تو جانشین تو است! پس رسول خدا اعلام کرد که فردا از آسمان ستاره‌ای فرود می‌آید که نورش بر نور خورشید غلبه دارد و هرکس که آن ستاره در سرایش فرود آید خلیفه‌ی پس از من است!

همگی در منزل خود نشستند، منتظر بودند که آن ستاره در منزل وی فرود آید، دیری نگذشت که در سرای [امیرالمؤمنین] علی بن ابی طالب و فاطمه علیهما السلام فرود آمد و مردم جمع شدند و گفتند: به خدا سوگند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز از روی هوای نفس درباره‌ی وی سخن نگفت! از این رو خدای تعالی به پیامبرش نازل کرد: ﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ [فی علی] وَ مَا عَوَىٰ وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ وَ هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ أَفْتَأْمُرُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ﴾. ۱ و ۲

۱. نجم، ۱ - ۱۲: ﴿سوگند به ستاره هنگامی که افول می‌کند که هرگز دوست شما محمد صلی الله علیه و آله و سلم منحرف نشده است و از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید: آنچه می‌گوید جز وحیی که بر او نازل شده نیست؛ آن‌که قدرت عظیمی دارد او را تعلیم داده، او که بسی تواناست درحالی که در افق اعلی قرار داشت سپس نزدیک و نزدیکتر شد تا فاصله او (پیامبر) به اندازه دو کمان یا کمتر بود که خداوند آنچه وحی کردنی بود به بنده‌اش وحی کرد، قلب او آنچه را دید دروغ نگفت آیا با او درباره آنچه دید مجادله می‌کنید؟!﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۷۵.

اقرار به ایمان

۳. علی بن مُعَمَّر نقل می‌کند از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ تفسیر قول خداوند:
﴿هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى﴾^۱ را پرسیدم، فرمود:

«خدای تعالی چون خلق را در عالم ذرّ نخستین آفرید، آن‌ها را در صف‌هایی قرار داد و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را برانگیخت؛ گروهی به او ایمان آوردند و گروهی انکار کردند از این رو خداوند فرمود: ﴿هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى﴾ منظورش محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود که در عالم ذرّ نخست آن‌ها را به جانب خدا فراخواند.»

علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿أَزِفَتِ الْأَرْضُ﴾ - گوید: قیامت نزدیک شده - لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ - یعنی کسی جز خدا نمی‌تواند آن را برطرف کند - أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ - یعنی به آن‌چه از اخبار که ذکرش گذشت - وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ^۲ - یعنی سرگرم لهو و سهوید!^۳

سدرۃ المنتهی

۴. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ تفسیر قول خداوند: «سدرۃ المنتهی» و قول خداوند: ﴿أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾^۴ را پرسیدم، فرمود:

۱. نجم، ۵۷ - ۶۱: ﴿آن‌چه باید نزدیک شود نزدیک شده، هیچ کس جز خدا نمی‌تواند سختی‌های آن را برطرف کند، آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟ می‌خندید و نمی‌گریید؟ و پیوسته در غفلتید؟!﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۰.

۳. همان.

۴. ابراهیم، ۲۴: ﴿اصل و ریشه آن ثابت و مستحکم است و شاخه‌های آن در آسمان!﴾

«به خدا سوگند که رسول خدا صلی الله علیه و آله ریشه‌ی آن درخت و علی علیه السلام تنه آن و فاطمه علیها السلام فرع آن و امامان علیهم السلام شاخه‌های آن و شیعیان ایشان برگ‌های آن است.»
 عرض کردم: فدایت شوم! پس معنای «منتهی» چیست؟ فرمود:
 «به خدا سوگند که این دین به آن منتهی می‌شود، هرکس از آن درخت نباشد، مؤمن نیست و از شیعیان ما نمی‌باشد.»^۱

گرامی‌تر از تمام پیامبران

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خداوند هیچ پیامبری را گرامی‌تر از محمد صلی الله علیه و آله مبعوث نکرده و نه پیش از او خلقی را آفریده است و نه خداوند خلق خود را به وسیله‌ی کسی از خلق خود، پیش از محمد صلی الله علیه و آله (آن قدر) بیم داده است، از این رو خداوند فرموده است: «هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النَّذْرِ الْأُولَى»^۲ و فرمود: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۳ و پیش از او در بین خلق کسی مطاع نبوده و پس او نیز تا قیام قیامت در تمام روزگار نخواهد بود، تا وقتی که خداوند وارث زمین و اهل زمین گردد.»^۴

اصحاب یمین و اصحاب شمال

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. برقی، المحاسن، ص ۲۳۷.

۲. نجم، ۵۶.

۳. رعد، ۷: «تو به یقین بیم دهنده‌ای و هر قومی هدایتگری دارد.»

۴. شیخ طوسی، امالی، ج ۲، ص ۲۸۲.

﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾^۱ آن‌گاه به پیامبر ﷺ نوشته‌ای را داد که در آن اسامی اصحاب یمین و اصحاب شمال بود، پیامبر کتاب اصحاب یمین را به دست راست گرفت، دید نام اهل بهشت و نام پدرانشان و قبیله‌هایشان در آن است، پس خداوند فرمود:

﴿أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ...﴾^۲

پس پیامبر ﷺ عرض کرد: ﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا - خداوند فرمود: چنان کردم، پیامبر ﷺ عرضه داشت: - وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^۳ تمام این‌ها را خداوند می‌فرمود: انجام دادم. سپس آن نوشته را درهم پیچید و به دست راست نگهداشت و صحیفه اصحاب شمال را گشود، دید در آن اسامی دوزخیان و نام پدران و قیابیشان آمده است. سپس امام صادق علیه السلام ادامه داد تا آن‌جا که فرمود: «آن‌گاه پیامبر ﷺ به همراه آن دو نوشته فرود آمد و آن‌ها را به علی بن ابی طالب علیه السلام داد.»^۴

۱. نجم، ۱۰: ﴿خداوند آن‌چه وحی کردنی بود به بنده‌اش وحی کرد.﴾
 ۲. بقره، ۲۸۵: ﴿پیامبر به آن‌چه از طرف پروردگارش نازل شده ایمان آورد، مؤمنان نیز به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگان وی همگی ایمان آوردند. ما در میان پیامبران هیچ فرقی نمی‌گذاریم به همگی ایمان داریم. گفتند: ما شنیدیم، پروردگارا و اطاعت کردیم امید آموزش تو را داریم بازگشت ما به سوی تو است.﴾
 ۳. بقره، ۲۸۶: ﴿پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا خطا نمودیم ما را مؤاخذه نکن! پروردگارا بار سنگین بر دوش ما قرار نده! آن‌چنان که بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی. پروردگارا مجازات‌های طاقت‌فرسا بر ما مقرر نکن، ما را ببخش و پیامبر و مشمول رحمت خود قرار ده، تو سرپرست مایی پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان!﴾

۴. ابن‌شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۴۹.

تفسیر آیاتی از سوره قمر

شق القمر

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«شب چهاردهم ذیحجه چهارده تن از اصحاب عقبه جمع شدند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: هیچ پیامبری نیست مگر نشانه‌ای دارد، نشانه‌ی شما امشب چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شما چه می‌خواهید؟ گفتند: اگر تورا نزد پروردگارت منزلتی هست به ماه فرمان بده تا دو نیم شود! پس جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت: یا محمد! خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید: من همه چیز را به اطاعت فرمان تو دستور دادم! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سرش را بلند کرد و ماه را فرمان داد تا دو نیم شود و پس دو نیم شد! پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای خدا سجده شکر به جا آورد و شیعیان ما سجده کردند. آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آن‌ها سرشان را بلند کردند و گفتند: به حال اوّل برگردد! به حال اوّل برگشت.

تفسیر آیاتی از سوره قمر □ ۶۶۱

باز گفتند: سر ماه شکافته شود! فرمان داد: شکافته شد، پیامبر سجده شکر خدا را به جا آورد و شیعیان ما سجده کردند، گفتند: یا محمد! موقعی که فرستادگان ما از شام و یمن برمی‌گردند از آن‌ها می‌پرسیم که امشب چه دیده‌اند؛ اگر آن‌ها هم نظیر آن چه را که ما دیدیم دیده باشند می‌دانیم که از جانب پروردگار تو است و اگر نه نظیر آن چه را که دیدیم ندیده باشند می‌فهمیم که این کار تو جادو بوده تو ما را جادو کردی! از این رو ﴿اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ﴾ تا آخر سوره نازل شد.^۱

امامان و پیامبران

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَمَا تُعْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۲ فرمود:
«آیات، امامان علیهم السلام و نذر، پیامبران اند.»^۳

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ۳۴۱.

۲. یونس، ۱۰۱: ﴿اما این آیات و اندازها به حال کسانی که از روی لجاجت ایمان نیاوردند مفید نخواهد بود.﴾

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۷.

تفسیر آیاتی از سوره الرحمان

هر که نیکی کند

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«آیه‌ای در کتاب خدا (قرآن) ثبت است.» گفتیم: کدام آیه؟ فرمود:
«قول خداوند: ﴿هَلْ جَزَأُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾^۱ که درباره مؤمن
و کافر، نیکوکار و بدکار جاری است؛ هر که را نیکی کنند، بر او
لازم است که پاداش آن را بدهد و پاداش آن نیست که عین
همان کار را بکند بلکه علاوه بر کاری که اولی کرده، بالاتر از او را
انجام دهد!»^۲

تفسیری تأویلی

۲. امام صادق علیه السلام شنیدم در تفسیر قول خداوند: ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ

۱. الرحمان، ۶۰: ﴿أَيَا جَزَأَى نِيكِي جَزَى نِيكِي أَسْت؟﴾

۲. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۳۱.

يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿﴾ فرمود:

«علی و فاطمه دو دریای ژرفند که هیچ کدام به دیگری غلبه نمی‌کند ﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْءُ وَالْمَرْجَانُ﴾^۱ فرمود: «حسن و حسین عليهما السلام»^۲.

دو نعمت

۳. امام صادق عليه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ﴾^۳ فرمود:

«خدای تبارک و تعالی فرمود: کدام یک از نعمت: محمد صلى الله عليه وآله وسلم یا علی عليه السلام را کفران می‌کنید؟!»^۴

دو مشرق و مغرب

۴. درباره قول خداوند: ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾^۵ در روایتی از ابوبصیر نقل است، می‌گوید: از امام صادق عليه السلام از تفسیر این آیه پرسیدم، فرمود:

«مشرقین رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم و امیرالمؤمنین عليه السلام و مغربین حسن و حسین عليهما السلام است و درباره‌ی امثال ایشان ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ﴾ جاری است، فرمود: یعنی محمد و علی عليهما السلام»^۶.

۱. الرحمان، ۱۹ - ۲۲: ﴿میان آن‌ها برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند از آن‌ها لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود﴾.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۶.

۳. الرحمان، ۱۳: ﴿پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۶.

۵. الرحمان، ۱۷: ﴿او پروردگار دو مشرق و دو مغرب است﴾.

۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۴۶.

فضیلت قرائت سوره الرحمان در روز جمعه

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«مستحب است روز جمعه سوره‌ی رحمان خوانده شود و هرگاه

آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ خوانده می‌شود بگوید: ﴿لَا

بِشَىءٍ مِّنْ آيَاتِكَ رَبِّ أَكْذِبُ﴾.^۱ او^۲

فرشته‌ی محافظ

۶. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه سوره رحمان را شب بخواند و نزد هر ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تُكَذِّبَانِ﴾ بگوید: «لَا بِشَىءٍ مِّنْ آيَاتِكَ رَبِّ أَكْذِبُ»، خداوند

فرشته‌ای را بگمارد از اول شب که آن را قرائت کرده تا به صبح

او را حفظ کند و اگر روز خوانده است، فرشته‌ای را موکل کند تا

شب او را پاسداری کند.»^۳

نگویید یک درجه دارد

۷. ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم!

بفرمایید مؤمنی که زن با ایمانی دارد، هر دو بهشت می‌روند همسر

یکدیگر می‌شوند؟ فرمود:

«ای ابامحمد! خداوند داور عادل است، اگر مرد برتر از آن زن

باشد او را مخیر کند؛ اگر او را اختیار کرد از همسرانش خواهد بود

و اگر آن زن بهتر از او باشد در صورتی که او را اختیار کند، همسر

او خواهد بود.» امام صادق علیه السلام فرمود: «نگویید: بهشت یکی

۱. همان. یعنی: پروردگارا هیچ یک از نعمت‌های تو را من تکذیب نمی‌کنم - م.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳. همان.

است! زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِن دُونِهِمَا جَنَّاتٍ﴾^۱ و نگویید: یک درجه دارد، زیرا که خداوند می‌فرماید: درجاتی که بعضی بالاتر از بعضی است.^۲ تنها برتری افراد به یکدیگر وسیله‌ی اعمال است.» گفتیم: مؤمنان وارد بهشت می‌شوند؛ یکی جایگاهش از دیگری بالاتر است، می‌خواهد رفیقش را ببیند؟ فرمود: «آن‌که بالاتر است حق دارد پایین بیاید ولی آن‌که پایین است نمی‌تواند بالا برود، زیرا که به آن جایگاه نمی‌رسد ولی اگر آن‌ها دوست داشته باشند و بخواهند دسته جمعی می‌توانند ملاقات کنند.»^۳

بهشت اولیاء خدا

۸. علاءبن سیابه می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتیم: مردم از ما تعجب می‌کنند وقتی که ما می‌گوییم گروهی از جهنم بیرون می‌آیند و وارد بهشت می‌شوند! می‌گویند: آن‌ها با اولیای خدا در بهشتند؟! فرمود: «ای‌علا! خداوند می‌فرماید: ﴿وَمِن دُونِهِمَا جَنَّاتٍ﴾^۴ نه به خدا سوگند، آن‌ها با اولیای خدا نیستند» گفتیم: آن‌ها کافرند؟ فرمود: «نه به خدا اگر کافر بودند وارد بهشت نمی‌شدند» گفتیم: آن‌ها مؤمنند؟ فرمود: «نه به خدا سوگند اگر مؤمن بودند که وارد دوزخ نمی‌شدند، بلکه بین این دو هستند.»^۵

۱. الرحمان، ۶۲.

۲. عین عبارت از قرآن نیست ولی مضمون آیه است - م.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۱۰.

۴. رحمان، ۶۲.

۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۱۰.

تفسیر آیاتی از سوره واقعه

جایگاه خود را در بهشت می بیند

۱. ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: معنای قول خداوند: ﴿فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۱ چیست؟
فرمود:

«جان کسی که جان می دهد، چون به حلقوم برسد و مؤمن باشد، جای خود را در بهشت می بیند، گوید: مرا به دنیا برگردانید تا به اهل دنیا خبر دهم آن چه را که دیدم! گویند: راهی به بازگشت نیست.»^۲

۱. واقعه، ۸۳ - ۸۷: ﴿پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد و شما در این حال نظاره می کنید، ما از شما به او نزدیکتریم ولی شما نمی بینید. اگر هرگز در برابر اعمالتان جزا داده نمی شوید پس آن روح را بازگردانید اگر راست می گوید!﴾
۲. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۸۴.

گروه اول و دوم

۲. حسین بن سعید می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: **﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾**^۱ را پرسیدم، فرمود: **﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ﴾**، پسر مقتول آدم علیه السلام و مؤمن آل فرعون؛ حبیب نجار صاحب یس است و **﴿وَتَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾**، علی بن ابی طالب علیه السلام است.^۲

اصحاب یمین

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: **﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾**^۳ فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: آنان شیعیان تو هستند.»^۴

سابقون چی کسانی هستند؟

۴. داوود بن کثیر رقی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! مرا از قول خداوند: **﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾**^۵ با خبر کنید! فرمود: «خداوند این را روزی که خلق را در میثاق آفرید، بیان کرد؛ دو هزار سال پیش از آن که خلق را بیافریند» عرض کردم، این کلام، مرا خوشحال کرد. فرمود:

«خدای متعال چون خواست خلق را بیافریند؛ آن‌ها را از گل

۱. واقعه، ۳۹ و ۴۰: «گروهی از امت‌های نخستین‌اند و گروهی از امت‌های آخرین.»

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۳. واقعه، ۹۰ و ۹۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۰.

۵. واقعه، ۱۰ و ۱۱: «و پیشگامان پیشگامند؛ آن‌ها مقرَّب‌اند.»

(خاک) آفرید و آتشی برای آن‌ها برافروخت، فرمود: داخل آتش
بروید! نخستین کسی که وارد شد رسول خدا صلی الله علیه و آله و
امیرالمؤمنین، حسن و حسین و نه امام یکی پس از دیگری بود،
آن‌گاه شیعیان ایشان از آن‌ها پیروی کردند. پس به خدا سوگند که
آنان سابقین هستند.»^۱

تفسیر آیاتی از سوره حدید

نوری به اندازه ایمان

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«بین مردم در روز قیامت به قدر ایمانشان نور تقسیم می‌شود و برای منافق نیز تقسیم می‌شود؛ نور وی به قدر انگشت ابهام پای چپش می‌باشد، نور وی که داده می‌شود (خطاب به مؤمنان می‌گوید): بایستید تا از نور شما اقتباس کنم!» ﴿قِيلَ اٰزْجَعُوْا وَّرَآءَكُمْ فَاَلْتَمِسُوْا نُوْرًا﴾^۱ یعنی آن‌جا که نور را قسمت کردند!

فرمود: «پس برمی‌گردند ولی بین آن‌ها دیواری زده می‌شود، از پشت دیوار ندا می‌دهند: ﴿اَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوْا بَلٰی وَّلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ اَنْفُسُكُمْ وَّ تَرَبَّصْتُمْ وَاَرْتَبْتُمْ وَاَعْرَضْتُمْ الْاٰمَانِيَّ حَتّٰی جَاءَ اَمْرُ اللّٰهِ وَاَعْرَضْتُمْ بِاللّٰهِ الْعُرُوْرُ فَاَلْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَّلَا مِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مَا وَاَكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَاِيسُّ الْمَصِيْرُ﴾^۲ سپس فرمود: «با

۱. حدید، ۱۳: ﴿گفته می‌شود: به پشت سر خود برگردید و کسب نور کنید!﴾

۲. حدید، ۱۴ و ۱۵: ﴿مگر ما با شما نبودیم؟ می‌گویند: آری ولی شما خود را﴾

ابامحمد! بدان به خدا سوگند که خداوند به یهود و نصارا نفرمود، بلکه منظورش اهل قبله است.»^۱

تأسف نمی خوریم

۲. علی بن ابراهیم درباره قول خداوند: ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾^۲ از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، که فرمود:

«چون سر حسین بن علی علیه السلام را بر یزید - خدایش لعنت کند - وارد کردند و علی بن حسین علیه السلام و دختران امیرالمؤمنین علیه السلام را وارد مجلس او کردند، درحالی که علی بن حسین علیه السلام به غل و زنجیر بسته بود، یزید گفت: ای علی بن حسین! سپاس خدا را که پدرت را کشت! علی بن حسین علیه السلام فرمود: خدا قاتل پدرم را لعنت کند! یزید خشمگین شد و دستور داد تا گردن او را بزنند! علی بن حسین علیه السلام فرمود: چون مرا بکشی چه کسی دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به خانه‌هایشان برمی‌گرداند چرا که آنها محرمی جز من ندارند؟

یزید گفت: تو خود آنها را برمی‌گردانی، سپس سوهانی طلبید و شروع کرد به دست خود غل جامعه را از گردن او بردن! سپس گفت: ای علی بن حسین! فهمیدی از این عمل چه هدفی داشتم؟

۱۲ به هلاکت افکندید و انتظار مرگ را کشیدید و پیوسته در شک و تردید بودید و آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد تا فرمان خدا رسید. و شیطان شما را در برابر خدا فریب داد، امروز نه از شما فدیة پذیرفته می‌شود و نه از کافران، جایگاهتان آتش و همان سرپرست شماست و چه بد جایگاهی است!»

۱. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۹۳.

۲. حدید، ۲۲.

فرمود: آری، خواستی که مرا جز تو متنی نباشد! یزید گفت: همین، به خدا که من نمی‌خواستم این کار را بکنم! سپس یزید گفت: یا علی بن حسین! ﴿مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾^۱ علی بن حسین علیه السلام فرمود: هرگز این آیه درباره‌ی ما نازل نشده است، بلکه این آیه درباره‌ی ما نازل شده: ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۲ پس ماییم که بر آنچه از ما فوت شده تأسف نمی‌خوریم و نه به آنچه ما را داده‌اند شادمانیم.

قول خداوند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾^۳ فرمود: میزان یعنی امام.

و قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ - فرمود: دو بهره از رحمتش: یکی این که داخل آتش نکند و دوم این که وارد بهشت گرداند - وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ﴾^۴ یعنی ایمان»^۵.

۱. شوری، ۳۰: ﴿هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که به دست خود

شما انجام داده‌اید!﴾

۲. حدید، ۲۳.

۳. همان، ۲۵: ﴿ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و

میزان نازل کردیم.﴾

۴. حدید، ۲۸: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش

ایمان آورید تا دو سهم از رحمتش را به شما بخشد و برای شما نوری قرار دهد که

با آن راه بروید!﴾

۵. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۵۲.

ازل تا ابد به یک حال است

۳. از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ﴾^۱ را پرسیدند که: معنای «اول» را دانستیم اما کلمه «آخر» را برای ما تفسیر کنید! امام فرمود:

«مطلب این است که هر چیزی جز خدا نابود می‌شود یا تغییر می‌کند یا تغییر و زوال دارد یا رنگ به رنگ می‌شود یا وصفش عوض می‌شود یا از فزونی به کاستی یا از کاستی به فزونی می‌رود، تنها پروردگار جهانیان است که از ازل تا ابد به یک حال است. او اول پیش از هر چیز و او آخر همه چیز است، چنانچه همیشه بوده است، اوصاف و اسمایش مختلف نگردد آن طوری که از غیر او می‌گردد. مثل انسان که یک بار خاک بوده، یک بار گوشت و خون و یک بار استخوان پوسیده و خاکستری و مثل خرما یک بار کرف، یک بار غوره، یک بار رطب شیرین و یک بار خرمای خشک که اوصاف و نام‌هایش عوض می‌شود ولی خدای عزوجل چنین نیست.»^۲

زنده شدن زمین

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾^۳ فرمود:

«عدالت پس از ظلم و جور.»^۴

۱. حدید، ۳: ﴿او اول و آخر است﴾.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳. حدید، ۱۷: ﴿بدانید که خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند﴾.

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۷.

مردم روزگار غیبت

۵. امام صادق علیه السلام درباره این آیه ﴿وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۱ در سوره حدید فرمود: «در باره‌ی مردم زمان غیبت نازل شده است.» سپس خدای عزوجل فرمود: ﴿أَنْ اللَّهُ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۲ فرمود: «آن مدّت، مدّت غیبت است. خداوند اراده فرموده است: ای امت محمّد! یا ای توده‌ی شیعیان، هم‌چون کسانی نباشید که از قبل کتابی به آن‌ها داده شد و مدّت زیادی بر آن‌ها گذشت. تأویل این آیه درباره‌ی مردم زمان غیبت و روزگار آن‌ها غیر از مردم زمان‌های دیگر است و خداوند شیعه را از شک درباره‌ی حجت خدا یا این تصور که خداوند متعال زمین خود را یک چشم برهم زدن خالی از حجت می‌کند برحذر داشته است، همان طوری که امیرالمؤمنین علیه السلام در کلام خود به کمیل بن زیاد فرمود: آری زمین از کسی که برای خدا با حجت و برهان بپاخیزد خالی نمی‌ماند؛ او یا ظاهر و شناخته شده است یا بیمناک و پنهان، تا حجت‌ها و نشانه‌های روشن خدا باطل نگردد و آنان را برحذر داشته است از این‌که شک و تردید کنند چون مدّت طولانی بر آن‌ها بگذرد، قلب‌هایشان سخت شود!» سپس فرمود: «مگر قول

۱. حدید، ۱۶: ﴿مانند کسانی نباشند که در گذشته کتاب آسمانی به آن‌ها داده شد سپس زمانی طولانی بر آن‌ها گذشت و قلب‌هایشان قساوت پیدا کرد و بسیاری از آن‌ها تبه‌کارند﴾.

۲. حدید، ۱۷: ﴿... ما آیات خود را بر شما بیان کردیم شاید شما اندیشه کنید!﴾

خدای تعالی را - در آیه دنبال این آیه - نشنیده‌ای؟ ﴿اعْلَمُوا أَنَّ
اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۱
یعنی خداوند زمین را پس از مرگ آن به وسیله‌ی ظلم رهبران
ضلالت، به هنگام ظهور قائم به عدل قائم علیه السلام زنده می‌کند.^۲

۱. حدید، ۱۷: ﴿... ما آیات خود را (در صحنه آفرینش) برای شما بیان کردیم شاید

اندیشه کنید.﴾

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶.

تفسیر آیه‌ای از سوره مجادله

صحیفه‌ی ملعونه

۱. امام صادق علیه السلام درباره‌ی قول خداوند: ﴿مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۱ فرمود: «این آیه درباره‌ی فلان و فلان [خلیفه‌ی اول و دوم] و ابو عبیدین جراح و عبدالرحمان بن عوف و سالم غلام ابو حذیفه و مغیر بن شعبه نازل شد، موقعی که آن‌ها بین خود چیزی نوشتند و با هم عهد بستند و توافق کردند که اگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت، خلافت و نبوت هرگز در خاندان بنی‌هاشم نباشد، از این رو خداوند این آیه را درباره‌ی ایشان نازل کرد.»^۲

۱. مجادله، ۷: ﴿هیچ‌گاه سه نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر چهارمی خداست و هیچ‌گاه پنج نفر نجوا نمی‌کنند مگر خدا ششمین آن‌هاست نه کمتر و بیشتر مگر همراه آن‌ها است و روز قیامت از اعمالشان آگاه می‌سازد چرا که خداوند بر همه چیز داناست.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۴۲.

تفسیر آیاتی از سوره حشر

ما شما را دوست داریم

۱. ابواسحاق نحوی می‌گوید: خدمت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ رسیدم

فرمود:

«خداوند پیامبرش را بر محبت خود تربیت کرد و فرمود: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^۱ سپس این امر (کارها) را به او واگذار و فرمود: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۲ و نیز فرمود: ﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾^۳ و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ واگذار کرد و او را امین دانست و شما تسلیم شدید، ولی مردم انکار کردند. به خدا سوگند که ما شما را

۱. قلم، ۴: ﴿و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.﴾

۲. حشر، ۷: ﴿آن چه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید اجرا کنید و آن چه نهی کرده، خودداری نمایید.﴾

۳. نساء، ۶: ﴿هرکس پیامبر را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است.﴾

دوست می‌داریم که هرگاه ما گفتیم بگویید و هرگاه ساکت بودیم، شما هم ساکت باشید و ما در بین شما و بین خدا واسطه‌ایم و خداوند برای کسی در خلاف امر خود خیری قرار نداده است.»^۱

بهترین و بدترین

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«بهترین شما بخشنده‌ترین شما و بدترین شما بخیل‌ترین شماست و هرکه با اعمال نیک با برادران دینیش همراهی کند و در برآوردن نیازمندی‌هایشان بکوشد، در آن است به خاک مالیدن بینی شیطان و نجات از آتش دوزخ و ورود بهشت! یا جمیل! این حدیث را به یاران نخبه‌ات بگو!» عرض کردم: یاران نخبه‌ام چه کسانی هستند؟ فرمود: «آن‌ها که به برادران دینی در سختی و آسانی، خوبی و احسان کنند» سپس فرمود: «بدان که این عمل بر آن‌ها که زیاد دارند سهل است و خداوند، تنگدستان را ستوده و فرموده است: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۲ و خداوند ما را بس است و اونیکو وکیلی است و درود و سلام مخصوص خدا بر سرور ما محمد پیامبر و خاندان او باد!»^۳

۱. اصل عاصم (الاصول الستة عشر)، ص ۳۴.

۲. حشر، ۹: ﴿وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ بسیار نیازمند باشند و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده‌اند رستگارانند. ﴿

۳. شیخ مفید، امالی، ص ۱۷۹.

خدا ترس باشید

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه به خدای عزوجل تمسک کند، هدایت یافته و هرکه بر خدا توکل کند کفایت شده و هرکه به روزی خدا قناعت کند بی‌نیاز گشته و هرکه تقوای الهی را داشته باشد نجات یافته است. پس ای بندگان خدا! تا می‌توانید خدا ترس باشید و از خداوند اطاعت کنید و کار را به اهلش بسپارید تا رستگار شوید و صبور باشید که خداوند با صابران است. ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱ ﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^۲ و آنان شیعیان علی علیه السلام هستند. این را پدرم از پدرش از قول ام‌سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد و گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را برای من همین طور قرائت فرمود.»^۳

امر ناشناخته

۴. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه دین خود را از کتاب خدای متعال بشناسد، کوه‌ها نابود شوند پیش از آن‌که او نابود شود و هرکه وارد امر ناشناخته‌ای شود به نادانی از آن بیرون رود.» گفتیم: در کتاب خدا دین

۱. حشر، ۱۹: ﴿و هم چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی مبتلا کرد آن‌ها فاسقانند.﴾
 ۲. همان، ۲۰: ﴿هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند، بهشتیان رستگار و پیروزند.﴾
 ۳. طبری، عمادالدین، بشارالمصطفی، ص ۱۱۶.

تفسیر آیاتی از سوره حشر □ ۶۷۹

چیست؟ فرمود: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۱ و قول خداوند: ﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾^۲ و^۳

۱. حشر، ۷.

۲. نساء، ۸۰.

۳. طبری، عمادالدین، بشارالمصطفی، ص ۱۵۶.

تفسیر آیه‌ای از سوره ممتحنه

معروف...

عبدالله بن سنان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ﴾^۱ را پرسیدم، فرمود:
«آن چه را که از نماز و زکات بر ایشان واجب کرده و آن چه از خیر
به ایشان فرمان داده است.»^۲

۱. ممتحنه، ۱۲: ﴿و در هیچ کار شایسته نافرمانی تو را نکنند.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۴.

تفسیر آیاتی از سوره صف

برتر از حواریون عیسی علیه السلام

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«حواریون عیسی علیه السلام شیعیان او بودند و شیعیان ما حواریون ما هستند و حواریون عیسی علیه السلام فرمانبرتر از حواریون ما نبودند. عیسی علیه السلام به حواریون گفت: ﴿مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ﴾^۱ به خدا سوگند او را در برابر یهود یاری نکردند و با آنها به خاطر وی پیکار ننمودند در صورتی که شیعیان ما به خدا سوگند همواره از زمانی که خداوند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را از این دنیا بُرد ما را یاری می‌کنند و به خاطر ما می‌جنگند و سوزانده و شکنجه می‌شوند و پراکنده شهرها می‌گردند، خداوند ایشان را از جانب ما پاداش خیر دهد!

۱. صف، ۱۴: ﴿چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند؟ حواریون گفتند: ما یاوران

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به خدا سوگند اگر با شمشیر رگ بینی دوستان ما را بزنند، با ما دشمنی نمی‌کنند! به خدا که اگر من به دشمنم نزدیک شوم و مالی را به او ببخشم آن‌ها دوست خواهند داشت آن‌چه را که ما دوست داریم.»^۱

اگر در درون سنگی باشد

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲ فرمود:

«چون قائم علیه السلام خروج کند هیچ مشرک به خدای بزرگ و کافری نماند، مگر از خروج او ناخشنود است، حتی اگر در دل سنگی باشد، خواهد گفت: ای مؤمن در درون من مشرکی است، مرا بشکن و او را بکش!»^۳

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۴۸.

۲. صف، ۹: ﴿أَوْ كَسَىٰ اسْتِ كِه رَسُوْل خِدا رَا بَا هِدَايْتِ وَ دِيْنِ حَقِّ فَرَسْتَاْدِه تَا اُو رَا بَرِ هَمِه اِدِيَانِ غَالِب سَاَزِد هِرْچِنْد مَشْرِكَاْن كِرَاهِت دَاشْتِه بَاشِنْد.﴾

۳. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۴۸.

تفسیر آیاتی از سوره جمعه

حاملان تورات

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ﴾^۱ فرمود:

«آن‌ها می‌نوشتند ولی کتابی از جانب خدا با خود نداشتند و پیامبری به جانب ایشان مبعوث نشده بود از این رو خداوند آن‌ها را به امیین منسوب کرد.»

قول خداوند: ﴿وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾^۲ فرمود: «پس از ایشان وارد اسلام شوند. سپس مثلی در بنی‌اسرائیل زده و فرموده است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾^۳ فرمود: «الاغ کتاب‌ها را حمل می‌کند

۱. جمعه، ۲.

۲. همان، ۳: ﴿و رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند.﴾

۳. همان، ۵: ﴿کسانی که مکلف به تورات شدند و حق آن را ادا نکردند مانند

ولی نمی‌داند داخل آن‌ها چیست و نه به آن‌ها عمل می‌کند، بنی‌اسرائیل نیز هم‌چون الاغ حامل تورات بودند، ولی نمی‌دانستند درون آن چیست و نه به آن عمل می‌کردند!»

در تفسیر قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۱ فرمود: در تورات نوشته است که اولیای خدا آرزوی مرگ کنند».^۲

ایستاده خطبه خواندن

۲. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: امام جمعه چگونه خطبه را بخواند؟ فرمود:

«ایستاده، زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿وَتَرَكُوكَ قَائِمًا﴾».^۳

آن سه نفر

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«من در مورد حاجتی که خداوند آن را کفایت می‌کند، کاری جز خواهش و پی‌گیری نمی‌کنم تا خداوند مرا در حال طلب روزی حلال ببیند، مگر این قول خدای متعال را نشنیده‌ای: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا

الاعی هستند که کتاب‌هایی حمل کنند!»

۱. جمعه، ۶: ﴿ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که فقط شما دوستان خدایید نه سایر

مردم، آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید!»

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۷.

۳. جمعه، ۱۱: ﴿و تو را ایستاده در حال خطبه نماز جمعه به حال خود می‌گذارند.»

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶۷.

مِنْ فَضْلِ اللَّهِ^۱؟! آیا ندیده که اگر مردی وارد خانه شود و در را به روی خود ببندد، سپس بگوید: روزیم بر من نازل می‌شود! «مگر چنین چیزی شدنی است؟) بدان که او یکی از سه نفر است که خواسته‌اش برآورده نمی‌شود.» گفتیم: این سه نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: «مردی که زنی دارد و بر او نفرین می‌کند، مستجاب نمی‌شود زیرا که نگهداشت او در دست مرد است، اگر بخواهد او را طلاق می‌دهد. و مردی که حقی بر کسی دارد شاهدی نگرفته است و او حق وی را انکار می‌کند، بر او نفرین می‌کند؛ دعایش مستجاب نمی‌شود، چرا که او فرمان خدا را ترک گفته است! و مردی که چیزی نزد خود دارد، در خانه‌اش می‌نشیند نه آن را منتشر می‌کند و نه می‌جوید و نه پی آن می‌رود تا بخورد سپس دعا می‌کند، دعایش مستجاب نمی‌شود.»^۲

۱. جمعه، ۱۰: ﴿ هنگامی که نماز تمام شد، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوید!﴾

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۷۹.

تفسیر آیاتی از سوره تغابن

پیمان ازلی

۱. حسین بن نعیم صحاف می گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾^۱ را پرسیدم، فرمود: «خداوند ایمان ایشان را به ولایت ما و کفر آنها را به ترک ولایت در آن روزی دانست که از ایشان پیمان گرفت درحالی که در عالم ذر و پشت آدم علیه السلام بودند.»^۲

به ایمان آرام می گیرد

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«دل میان سینه و حنجره در حرکت است تا به ایمان بسته شود و چون بر ایمان بسته شد، آرام می گیرد و آن است قول خدای

۱. تغابن، ۲.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۱.

تعالی: ﴿وَمَنْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ﴾^۱ فرمود: «یعنی آرام می‌گیرد.»^۲

هلاکت در ترک ولایت

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: ﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَنَّا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾^۳ فرمود:

«بدان! به خدا قسم هلاک نشد کسی که هلاک شد تا قائم ما قیام کند، مگر در ترک ولایت ما و انکار حق ما، در صورتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا بیرون نشد، تا این که حق ما را به گردن این امت واجب گردانید و خداوند هر که را بخواهد به راه راست هدایت کند.»^۴

۱. تغابن، ۱۱: ﴿و هرکس به خدا ایمان آورد خدا قلبش را هدایت کند.﴾

۲. برقی، المحاسن، ص ۲۴۹.

۳. تغابن، ۱۲: ﴿و اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر را و اگر شما روگردان

شوید، رسول ما جز ابلاغ آشکار وظیفه دیگری ندارد.﴾

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۶.

تفسیر آیاتی از سوره طلاق

گشایش در دنیا

۱. محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام از آیه: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۱ پرسیدم، فرمود:
«در دنیای اوست.»^۲

از سه چیز محروم نشد

۲. معاویه بن وهب می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
«یا معاویه! هرکه را سه چیز دادند از سه چیز محروم نگردید:
هرکه را دعا دادند، اجابت دادند و هرکه را (توفیق) شکرگزاری
دادند، فزونی (نعمت) دادند و هرکه را توکل دادند، کفایت دادند.
خدای عزوجل می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ

۱. طلاق، ۲ - ۳: ﴿و هرکس از خدا بپرهیزد و گناه را ترک کند خداوند برای او راه نجاتی قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد.﴾
۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۵۷.

بَالِغُ أَمْرِهِ^۱ و فرمود: ﴿لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۲ و فرمود: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾^۳ و^۴

-
۱. طلاق، ۳: ﴿و هرکس به خدا توکل کند خدا امر او را کفایت کند.﴾
 ۲. ابراهیم، ۷: ﴿اگر شکر نعمت‌های مرا بجا آورید، افزون می‌کنم و اگر کفران کنید عذاب من شدید است.﴾
 ۳. غافر، ۶۰: ﴿مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، کسانی که از عبادت من تکبر ورزند بزودی با ذلت وارد دوزخ گردند.﴾
 ۴. برقی، المحاسن، ص ۳.

تفسیر آیاتی از سوره تحریم

تربیت دینی خانواده

۱. ابوبصیر در تفسیر قول خداوند: ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارٍ وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾^۱ می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم و گفتم: من خودم را نگاه می‌دارم چگونه خانواده‌ام را نگاه دارم؟ فرمود:

«آن‌ها را به آن‌چه خداوند فرمان داده است، فرمان می‌دهی و از آن‌چه نهی کرده است، نهی می‌کنی اگر فرمان تو را بردند که آن‌ها را نگاه داشته‌ای و اگر نبردند، وظیفه‌ات را نسبت به آن‌ها انجام داده‌ای.»^۲

۱. تحریم، ۶: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که

هیزمش انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید!﴾

۲. اهوازی، حسین‌بن سعید، الزهد، ص ۱۷.

گرفتار فتنه و توبه کار

۲. از امام صادق علیه السلام معنای قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾^۱ پرسیده شد، فرمود:

«آن گناهی است که هرگز به آن باز نمی‌گردد!» گفتم: کدام یک از ما باز نمی‌گردد؟ فرمود: «یا ابامحمد! همانا خداوند از بندگانش، بنده‌ی گرفتار فتنه [بلا و امتحان] و توبه کار را دوست می‌دارد.»^۲

جهاد علی علیه السلام

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾^۳ نقل کرده است، فرمود:

«این چنین نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله با کافران و علی علیه السلام با منافقان پیکار کردند، پس جهاد علی علیه السلام همان جهاد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.»^۴

دعوت به امر و ولایت

۴. سلیمان بن خالد می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من خانواده‌ای دارم که از من حرف شنوایی دارند، آیا آنها را به این امر (ولایت) دعوت کنم؟ فرمود:

۱. تحریم، ۸: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به سوی خدا توبه کنید؛ توبه‌ای خالص!﴾

۲. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۷۲.

۳. تحریم، ۹: ﴿ای پیامبر! با کفار و منافقین پیکار کن!﴾

۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۵۶.

«آری، خدای متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ
وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾». ۲۹۱

همین قدر بس

۵. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ نازل شد، مردی از مسلمانان نشسته گریه می کرد و گفت: من از خود ناتوان بودم، درحالی که مکلف به خانواده ام شدم! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: تو را همین قدر بس، آن ها را بدانچه خود مأموری فرمان دهی و از آن چه خود نهی شده ای، آن ها را نهی کنی.»^۳

نذر مقبول

۶. امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی: ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾^۴ فرمود:

«نخستین کسی که قرعه به نام او زده شد، مریم دختر عمران بود که مادرش نذر کرد که آن چه در شکم دارد خدمتکار کنیسه (عبادتگاه) شود. پس از آن دختری به دنیا آورد، او نوجوان شد و به عبادت کنندگان در پذیرش قربانی مقدسشان خدمت می کرد تا این که به سن بلوغ رسید، زکریا علیه السلام مأمور شد برای او حجابی در

۱. تحریم، ۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۱.

۳. حلّی، ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۵.

۴. تحریم، ۱۲: ﴿و مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾ و مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگهداشت. ﴿

برابر عبادت‌کنندگان فراهم کند و زکریا نزد او می‌رفت؛ نزد وی میوه زمستانی را در فصل تابستان و میوه تابستانی را در فصل زمستان می‌دید! ﴿قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَكَ هَذَا قَالَتَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ ۲۰۱

دعوت به نیکی

۷. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون این آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾^۳ نازل شد، مردم گفتند: یا رسول‌الله! ما چگونه خود و خانواده خویش را از آتش نگاه داریم؟ فرمود: کار نیک انجام دهید و آن را به خانواده‌تان بگویید و به طاعت خداوند آن‌ها را تربیت کنید!» سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «مگر نمی‌بینی که خداوند به پیامبرش می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾^۴ و فرموده است: ﴿وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾^۵ و ۶۵

۱. آل عمران، ۳۷: ﴿به او گفت: یا مریم! این غذا را از کجا آوردی؟﴾

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۰۳.

۳. تحریم، ۶.

۴. طه، ۱۳۲: ﴿و خانواده‌ات را به نماز دستور ده و خود نیز بر انجام آن شکیبا باش!﴾

۵. مریم، ۵۴ و ۵۵: ﴿و در این کتاب آسمانی از اسماعیل یاد کن که او در وعده‌هایش صادق و پیامبر عالی‌مقام بود و خانواده‌اش را به نماز و زکات امر می‌کرد.﴾

۶. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲.

تفسیر آیاتی از سوره ملک

کوتاهی در امر ولایت

۱. داوود بن سرحان می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند: ﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ﴾^۱ پرسیدم، فرمود:

«آن‌ها در روز قیامت چون منزلت و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام را در پیشگاه خدا ببینند، دست‌هایشان را (از ندامت) بجاوند که چرا در ولایت آن حضرت کوتاهی کرده‌اند!»^۲

اجابت خواسته‌ی کافران

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. ملک، ۲۷: ﴿ هنگامی که آن وعده الهی را از نزدیک ببینند صورت کافران زشت و سیاه می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود: این همان چیزی است که تقاضای آن را داشتید. ﴿

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۸۶.

«چون خداوند پرچم حمد را به محمد ﷺ دهد؛ زیر آن پرچم تمام فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل هستند تا آن را به علی علیه السلام می‌دهد، صورت کافران زشت و سیاه می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود: این همان است که تقاضا داشتید!»^۱

اتمام حجت

۳. مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: خداوند برای چه پیامبران و رسولان را سوی مردم فرستاد؟ فرمود:

«برای این‌که پس از رسولان، مردم در برابر خدا حجتی نداشته باشند و نگویند بشارت دهنده و ترساننده‌ای ما را نیامد. مگر این قول خدای تعالی را به نقل از خازنان جهنم و احتجاج آن‌ها در برابر دوزخیان به وجود پیامبران و رسولان نشنیده‌ای: ﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾»^۲ و^۳

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۸۶.

۲. ملک، ۸: ﴿مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟ می‌گویند: آری بیم دهنده به سراغ ما آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، شما قطعاً در گمراهی عظیمی هستید.﴾

۳. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۱۵.

تفسیر آیاتی از سوره قلم

درخت خُلد

۱. عبدالرحمان قصیر در تفسیر ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ﴾^۱ آورده است، می‌گوید: راجع به «ن وَالْقَلَمِ» از امام صادق علیه السلام پرسیدم، فرمود:

«خداوند قلم را از درختی در بهشت آفرید که به آن خُلد می‌گویند، سپس به رودی در بهشت فرمود مرکب شو! پس آن رود جامد شد؛ از برف سفیدتر و از عسل شیرین‌تر بود. آن‌گاه به قلم گفت: بنویس! عرضه داشت: پروردگارا چه بنویسم؟ فرمود: بنویس آن‌چه را که هست و آن‌چه را که تا قیامت خواهد شد! پس قلم نوشت در برگ‌های سفیدتر از نقره و پاکیزه‌تر از یاقوت، سپس آن را پیچاند، در داخل پایهی عرش نهاد. آن‌گاه بر دهان‌های قلم مهری زد که هنوز حرف نزنند و هرگز حرفی نخواهد

۱. قلم، ۲: ﴿سوگند به قلم و آن‌چه می‌نویسند به برکت نعمت پروردگارت تو مجنون

زد و آن است کتاب نهفته‌ای که تمام نسخه‌ها از روی آن است. مگر شما عرب نیستید؟ پس چگونه معنای سخن را نمی‌فهمید در حالی که یکی از شما به رفیقش می‌گوید: آن کتاب را نسخه برداری کن! آیا چنین نیست که از کتابی رونویسی می‌شود یعنی از اصل برمی‌گیرند؟ و همان است قول خداوند: ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^۲ ۱۰۱.

تفسیر عْتَلُّ وَزَنِيمٌ

۲. محمد بن مسلم می‌گوید: به امام صادق ع گفتیم: ﴿عْتَلُّ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ﴾^۳ یعنی چه؟ فرمود:
«عْتَلُّ شخصی که کفر عظیمی دارد و زَنِيمٌ کسی است که به کفر خود سخت حریص است.»^۴

استدراج

۳. امام صادق ع در تفسیر قول خداوند: ﴿سَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۵ فرمود:
«هرگاه بنده‌ای مرتکب گناهی شود، نعمت تازه‌ای به او می‌دهد و او استغفار را ترک می‌کند و آن است معنی استدراج (به تدریج سوی عذاب رفتن).»^۶

۱. جائیه، ۲۹: ﴿ما آن چه را انجام می‌دادید می‌نوشتیم.﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳. قلم، ۱۳.

۴. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۴۹.

۵. قلم، ۴۴: ﴿ما آنان را از آن جا که نمی‌دانند به تدریج سوی عذاب پیش می‌بریم.﴾

۶. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۴۰.

تفسیر آیاتی از سوره حاقه

هر امتی را امام زمانش محاسبه می‌کند

۱. علی بن ابراهیم ذیل آیه: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ﴾^۱ می‌نویسد:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر امتی را امام زمانش محاسبه می‌کند و امامان علیهم السلام دوستان

و دشمنان خود را به سیمایشان می‌شناسند و آن است قول

خدای تعالی: ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا

بِسِيمَاهُمْ﴾^{۲ و ۳}.

۱. حاقه، ۱۹: ﴿پس کسی که نامه عملش را به دست راستش دهند.﴾

۲. اعراف، ۴۶: ﴿بر اعراف مردانی قرار دارند که هر یک را به سیمایشان

می‌شناسند.﴾

۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۸۴.

گوش شنوا

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَّاعِيَةٌ﴾^۱

فرمود:

«گوش امیرالمؤمنین علیه السلام آن چه را که هست و خواهد بود،

شنید».^۲

۱. حاقّه، ۱۲: ﴿و گوش‌های شنوا آن را دریابد.﴾

۲. صفار قمی، بصائر الدرجات، ص ۵۱۷.

تفسیر آیاتی از سوره معارج

نماز مستحبی

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾^۱ فرمود:

«این در مورد نماز مستحبی است؛ کسی است که مراقبت بر آن دارد و آن چه را که از او فوت شده قضا می‌کند. و فرمود: علی بن حسین علیه السلام چنان بود که اگر از نماز شبش فوت شده بود، روز قضای آن را بجا می‌آورد و آن چه (نماز مستحبی و عبادات مستحبی) روز فوت شده بود، شب قضای آن را انجام می‌داد.»^۲

حق معلوم

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ

۱. معارج، ۲۳: ﴿أَن هَا كَه نَمَازَهَا رَا بِيُوسْتَه بَجَا مِي أَوْرِنْدَه﴾.

۲. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۷.

تفسیر آیاتی از سوره معارج □ ۷۰۱

حَقِّی مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿۱﴾ آورده است، فرمود:

«حق معلوم غیر از زکات، چیزی است که از مال خود اگر بخواهد

هر ماه جدا می‌کند و برای هرکه بیشتر جدا کند برتری است.»^۲

به دشمنت صدقه بده

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«حق معلوم آن است که صله‌ی رحم کنی و به آن که تو را محروم

کرده عطا کنی و در برابر کسی که تو را دشمنی کرده است صدقه

دهی!»^۳

۱. معارج، ۲۴: ﴿وَأَنْهَاكَ فِي ذَلِكُمْ أَنْ يَبَدُوكَ لَدُنِ الْمَلَأِئِمَّةِ الْكَاذِبَةِ وَالْمَلَأِئِمَّةُ الْكَاذِبَةُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْسِدُونَ﴾ و آن‌ها که در اموالشان حق معلومی برای تقاضا کننده و محروم است. ﴿

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۵۵.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۵۶.

تفسیر آیاتی از سوره نوح

مهمان خانه پیامبران

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا﴾^۱ فرمود:
یعنی کسی که وارد ولایت شود در حقیقت وارد خانه‌های پیامبران شده است.^۲

ولایت امامان

۲. محمد بن یعقوب نقل می‌کند: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۳ یعنی امامان علیهم السلام و ولایت ایشان، هر که وارد آن شود، وارد خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شده است.^۴

۱. نوح، ۲۸: ﴿پروردگارا: مرا و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شوند بیامرز!﴾

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۳. احزاب، ۳۳: ﴿خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد!﴾

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۳.

تفسیر آیاتی از سوره جنّ

هرگز گمراه نمی‌شوند

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾^۱ فرمود:
«اگر بر ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام پابرجا باشند، هرگز گمراه نشوند.»^۲

دل‌های سیراب از ایمان

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾^۳ فرمود:
«خداوند می‌فرماید: ما دل‌های آن‌ها را از ایمان سیراب می‌کنیم و منظور از طریقت، ولایت علی بن ابی طالب و اوصیا علیهم السلام است.»^۴

-
۱. جن، ۱۶: ﴿اگر آن‌ها جن و انس در راه ایمان استقامت ورزند با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم.﴾
۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۱۹۴.
۳. جن، ۱۶.
۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۹.

تفسیر آیاتی از سوره مزمل

بهشت را درخواست کن

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾^۱

فرمود:

«هرگاه به آیه‌ای برخورد کردی که در آن از بهشت یاد شده است، از خدا بهشت را درخواست کن و هرگاه به آیه‌ای برخوردی که در آن از دوزخ یاد کرده است، از آتش دوزخ به خدا پناه ببر!»^۲

ترتیل یعنی...

۲. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

«ترتیل آن است که در آن درنگ کنی و صدایت را نیکو گردانی.»^۳

۱. مزمل، ۴: ﴿و قرآن را با دقت و تأمل بخوان!﴾

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷۸.

۳. همان.

نماز شب

۳. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ تَابِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾^۱ آورده است که فرمودند: «یعنی قیام آخر شب تا وقت نماز شب.»^۲

بلند کردن دست‌ها

۴. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر قول خداوند «تَبَتَّلُ» نقل کرده است که:

«تَبَتَّلُ بلند کردن دست‌ها در نماز است و در روایت محمد بن مسلم، زراره و حمران از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز همین طور آمده است ولی در روایت ابوبصیر آمده؛ بلند کردن دست‌هایت به سوی خدا و تَضَرَّع تو به درگاه اوست.»^۳

۱. مزمل، ۶: ﴿مُسَلِّماً نَمَازَ وَ عِبَادَتَ شَبَانِهِ پَابِرْجَاتِرَ وَ بَاسْتِقَامَتِ تَرِ اسْتِ﴾.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷۸.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۷۹.

تفسیر آیاتی از سوره مدثر

دنباله رو نبودیم

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه: ﴿مَا سَأَلَكُمْ فِي سَعَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾^۱ فرمود:

«منظور آن است که ما از پیروان امامانی نبودیم که خداوند درباره‌ی آن‌ها فرموده است: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾^۲ مگر نمی‌بینی که مردم نفر دوم اسب دوانی را مصلی می‌گویند، همان را اراده کرده می‌گوید: ﴿لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ از دنباله روان سابقین نبودیم.»^۳

۱. مدثر، ۴۰.

۲. واقعه، ۱۰: ﴿پیشگامان، پیشگامند آن‌ها مقرَّباند﴾.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۹.

زمان ظهور

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾^۱

فرمود:

«امامی از ما اهل بیت پنهان است، چون خدا اراده کند که امر او را اظهار فرماید، انگیزه‌ای در دل او ایجاد کند او ظهور نماید و به امر خدای تعالی قیام کند.»^۲

یکتاپرستان

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ

الْمَغْفِرَةِ﴾^۳ فرمود:

«خدای متعال می‌فرماید: من شایستگی آن را دارم که از من بپرهیزند و بنده‌ام کسی را شریک من نسازد و من سزاوار آنم که بنده‌ام چیزی را شریک من نگرداند تا او را وارد بهشت سازم. و فرمود: خدای تعالی به عزّت و جلال خود سوگند یاد کرده که یکتاپرستان خود را هرگز گرفتار عذاب دوزخ نگرداند.»^۴

قیام قائم

۴. مُفَضَّل بن عمر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر جابر

پرسیدم، فرمود:

«آن را برای کم خردان نقل نکن که آن را شایع می‌سازند، مگر

۱. مدّثر، ۸: ﴿هنگامی که در صور دمیده شود.﴾

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۷.

۳. مدّثر، ۵۶: ﴿او اهل تقوا و اهل آمرزش است.﴾

۴. شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۰.

کتاب خدا را نخوانده‌ای: ﴿فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ﴾^۱ همانا امامی
پنهان از ماست که چون خداوند اراده‌ی اظهار او را کند در دلش
حرکتی ایجاد نماید، پس او به امر خدا قیام نماید.»^۲

۱. مدّثر، ۸.

۲. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۱۳۰.

تفسیر آیاتی از سوره دهر (انسان)

رحمت الهی

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ﴾^۱ فرمود:
«رحمت، علی بن ابی طالب علیه السلام است.»^۲

از نور خدا

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یا مفضل! خداوند ما را از نور خود آفرید و شیعیان ما را از ما خلق کرد و سایر مردم در دوزخند! به وسیله ما خداوند رافران می‌برند و نافرمانی می‌کنند. مفضل از جانب خدا تصمیمی از قبل گرفته شده است که از کسی جز به وسیله ما پذیرفته نشود و کسی جز به خاطر ما عذاب نشود. بنابراین ما باب الله و حجت او

۱. دهر، ۳۱: ﴿هرکس را بخواهد شایسته بداند وارد رحمت خود می‌کند.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۰۰.

و امینان او بر خلق و خزانه داران او در آسمان و زمین او هستیم. حلال ما از جانب خدا و حرام ما از خداست، هرگاه ما چیزی را بخواهیم از جانب خدا پوشانده نمی‌شود ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ﴾^۱ استثنا شده است و از این رو فرموده‌اند: خدای تعالی قلب ولی خود را آشیانه اراده خود قرار داده است، پس هرگاه خدا بخواهد ما می‌خواهیم.»^۲

خاندان کرم

۳. علی بن ابراهیم در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^۳ از عبدالله بن میمون قَدَّاح به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«مقداری جو نزد فاطمه علیها السلام بود آن را آرد کرد، همین که پخت و جلوی خود گذاشتند، مستمندی آمد و گفت: خدا شما را بیامرزد! از آن چه خدا به شما روزی داده است مرا اطعام کنید! پس علی علیه السلام بپا خاست یک سوم آن را به او داد، طولی نکشید که یتیمی آمد و گفت: خدا شما را بیامرزد! مرا از آن چه خدا روزی شما کرده است اطعام کنید! باز علی علیه السلام بلند شد یک سوم دیگر را به او داد و فاصله‌ای نشد که اسیری آمد و گفت: خدا شما را بیامرزد! از آن چه خداوند نصیب شما کرده است مرا اطعام کنید! باز علی علیه السلام برخاست و یک سوم باقی‌مانده را نیز به او داد و خود از آن نچشیدند، پس خداوند این آیه را تا قول خداوند: ﴿وَ

۱. دهر، ۳۰: ﴿شما چیزی نمی‌خواهید مگر خدا بخواهد.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۱۰.

۳. دهر، ۸: ﴿و غذای خود را با این‌که نیاز دارند به مسکین، یتیم و اسیر می‌دهند.﴾

كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا^۱ را درباره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام نازل کرد که درباره‌ی هر مؤمنی چنین کاری را بکند جاری است. «قَمَطِرِیر»^۲ یعنی سخت و شدید. قول خداوند: ﴿مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ﴾^۳ می‌فرماید: در حجله‌ها بر تخت‌ها تکیه داده‌اند. قول خداوند: ﴿وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا﴾ می‌فرماید: سایه‌ی درختان به آن‌ها نزدیک است و قول خداوند ﴿أَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَ قَوَارِيرٍ مِنْ فِصَّةٍ﴾ اکواب یعنی کوزه‌های بزرگ که گوش و پوشش ندارند، کوزه‌های سیمین بهشتی که داخل آن‌ها آشامیدنی‌هایی است که می‌آشامند، ﴿قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا﴾^۴ می‌فرماید: برای آن‌ها به قدر مقامشان ساخته شده، تنگنا و جدایی از آن‌ها نیست. و قول خداوند: ﴿مِنْ سُنْدُسٍ خُضْرٍ وَإِسْتَبْرَقٍ﴾^۵ استبرق یعنی ابریشم»^۶.

راه رابشناس

۴. زراربن اعین می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^۷ را پرسیدم، فرمود:

۱. دهر، ۲۲: ﴿و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است.﴾

۲. همان، ۱۰: ﴿عبوس و سخت.﴾

۳. همان، ۱۳: ﴿بر تختهای زیبا تکیه داده‌اند.﴾

۴. همان، ۱۴ - ۱۶: ﴿در حالی که سایه درختان بهشتی فروافتاده و چیدن میوه‌هایش آسان و اطراف آن ظرف‌های سیمین و قدح‌های بلورین می‌گردانند؛ ظرف‌های بلورین از نقره که به اندازه مناسب آماده کرده‌اند.﴾

۵. دهر، ۲۱: ﴿لباس‌های آن‌ها از حریر نازک سبز و از دیبای ضخیم است.﴾

۶. قمی، علی‌بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۹۸.

۷. دهر، ۳: ﴿ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس.﴾

«راه را بشناسد یا سپاسگزار خواهد بود یا تارک که ناسپاس است.»^۱

ملک بزرگ

۵. صدوق از عباس بن یزید نقل کرده است که می‌گوید: روزی خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم، گفتم: مرا از تفسیر قول خدای تعالی: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا﴾^۲ با خبر کن: این ملکی که خداوند بزرگ شمرده و کبیر خوانده چیست؟ فرمود:

«چون خداوند بهشتیان را وارد بهشت کند، قاصدی نزد وی از اولیای خود فرستد، می‌بیند در بانانی جلوی در او هستند به او بگویند: بایست تا ما اذن بگیریم! فرستاده‌ی خدا هم بدون اذن او دسترسی به او ندارد، آن است قول خداوند: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ تَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا﴾.^۳

دستور به نماز شب

۶. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾^۴ فرمود:

«خداوند او را دستور داد تا ساعاتی از شب را نماز بخواند که خواند.»^۵

۱. برقی، المحاسن، ص ۲۷۶.

۲. دهر، ۲۰: ﴿هنگامی که آن‌جا را ببینی ملک عظیمی را ببینی﴾.

۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۱۰.

۴. دهر، ۲۶: ﴿و در شبانگاه برای او سجده کن و مقدار زیادی از شب او را تسبیح گوی!﴾

۵. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۴.

تفسیر آیاتی از سوره نبأ

جاودان در آتش

۱. حمران بن اعین می‌گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر قول خداوند: ﴿لَا يَشِينُ فِيهَا أَحْقَابًا لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا﴾^۱ را پرسیدم، فرمود:

«این درباره‌ی کسانی است که از آتش دوزخ بیرون نمی‌شوند.»^۲

شفاعت‌مان پذیرفته است

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾^۳ فرمود:

«به خدا سوگند که مائیم آن کسانی که اذن سخن در آن روز داده

۱. نبأ، ۲۳ - ۲۵: «مدتها در آن می‌مانند در آن جا نه چیز خنکی می‌چشند و نه نوشیدنی گوارا جز آبی سوزان و مایعی از چرک و خون!»
۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۲.
۳. نبأ، ۳۸: «هیچ یک جز به اذن خدای رحمان سخن نمی‌گویند.»

می‌شوند و سخن حق را می‌گویند.» گفتیم: فدایت شوم! وقتی که سخن می‌گویید چه می‌فرمایید؟ فرمود: «پروردگاران را تمجید می‌کنیم و بر پیامبران درود می‌فرستیم و برای شیعیان خود شفاعت می‌کنیم و پروردگاران شفاعت ما را رد نمی‌کند.»^۱

خبر بزرگ

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ﴾^۲ فرمود:

«نبأ عظیم ولایت است» و از قول خداوند: ﴿هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ﴾^۳ پرسیدم، فرمود: «ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است.»^۴

۱. برقی، المحاسن، ص ۱۸۳.

۲. نبأ، ۱ و ۲: ﴿أَنها از چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟ از خبر بزرگ و پراهمیت.﴾

۳. کشف، ۴۴: ﴿و در این هنگام ولایت و قدرت از آن خداست.﴾

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۸.

تفسیر آیاتی از سوره نازعات

سوگندهای قرآن

۱. امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَأَلْمُذَبِّرَاتِ أُمَّرَأَ﴾^۱ فرمودند:

«خدای تعالی حق دارد به آن چه از خلق خود بخواهد، سوگند یاد کند ولی خلق خدا حق ندارند جز به او سوگند خورند.»^۲

حافظِ عامل

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾^۳ نقل کرده است فرمود:

«حافظ قرآن که به آن عمل کند، همراه سفیران بزرگوار نیکوکار است.»^۴

۱. نازعات، ۵: ﴿وَأَن هَا كِه أُمُور رَا تَدْبِير مِي كِنند﴾.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۳۰.

۳. عیس، ۱۵: ﴿بِه دَسْت سَفِيرَان﴾.

۴. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۳۵.

تفسیر آیاتی از سوره تکویر

مودّت اهل بیت علیهم السلام

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾^۱ آورده است، فرمود:
«آن همان حق واجب ما بر مردم و محبت واجب ما بر خلق است که مودّت ما را کشتند و نابود ساختند.»^۲

امین روز قیامت

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾^۳ فرمود:

-
۱. تکویر، ۸ و ۹: ﴿در آن هنگام که از دختران زنده به گور سؤال شود: به کدامین گناه کشته شدند﴾.
 ۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۰۴.
 ۳. تکویر، ۲۰ و ۲۱: ﴿او صاحب قدرت است و نزد صاحب عرش مقام والایی دارد، در آسمانها مطاع و روز قیامت امین است﴾.

«یعنی جبرئیل» فرمود: «یعنی رسول خدا ﷺ که در نزد پروردگارش مورد اطاعت و امین روز قیامت است.»
گفتم: قول خداوند: ﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾^۱؟ فرمود: «یعنی پیامبر ﷺ در تعیین امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان شاخص، برای مردم دیوانه نبوده است.»

گفتم: قول خداوند: ﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾^۲؟ فرمود: «یعنی کاهنانی که در بین قریش بودند و حرف‌های خودشان را به گفته‌های شیاطین نسبت می‌دادند که با آن‌ها بودند و به زبان آن‌ها سخن می‌گفتند، خداوند فرمود: و این (قرآن) گفته شیطان رجیم، مانند حرف‌های آن‌ها نیست.»

گفتم: قول خداوند: ﴿فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳؟ فرمود: «درباره‌ی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ یعنی از ولایت او کجا می‌روید و از ولایت او به کجا فرار می‌کنید که او جز یادآوری برای جهانیان نیست؛ برای آن‌ها که خداوند از ایشان بر ولایت وی پیمان گرفته است. گفتم: ﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾^۴؟ فرمود: «درباره‌ی طاعت علی و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پس از وی» و گفتم: قول خداوند: ﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾^۵؟ فرمود: «چون مشیت مربوط به خداست نه مردم.»^۶

۱. تکویر، ۲۲: ﴿ و صاحب شما پیامبر دیوانه نیست. ﴾

۲. همان، ۲۵: ﴿ و این قرآن قول شیطان رجیم نیست. ﴾

۳. تکویر، ۲۶ و ۲۷: ﴿ پس به کجا می‌روید؟ این قرآن چیزی جز تذکر برای جهانیان نیست. ﴾

۴. تکویر، ۲۸: ﴿ برای کسی از شما که بخواهد راه راست را برود. ﴾

۵. همان، ۲۹: ﴿ و شما اراده نمی‌کنید مگر این‌که پروردگار جهانیان اراده فرماید. ﴾

۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۰۸.

تفسیر آیاتی از سوره مطففین

اصحاب کسا

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«پنج آیه: ﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّينَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلِيُّونَ كِتَابٌ مَرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ وَمِزَاجُهُ مِنَ تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾^۱ نازل شد و آن پنج آیه همان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، علی، فاطمه، حسن و حسین عَلَيْهِمُ السَّلَام است.»^۲

۱. مطففین، ۱۸ - ۲۸: ﴿چنان نیست که آن‌ها می‌پندارند بلکه نامه اعمال ابرار در علیین است، تو چه می‌دانی علیین چیست؟ نامه‌ای است رقم خورده، مقربان شاهد آند. مسلماً نیکان در انواع نعمتند، بر تخت‌های زیبا تکیه داده و می‌نگرند در چهره‌هایشان نشاط می‌بینی و می‌شناسی آن‌ها از شراب سر بسته سیراب می‌شوند؛ مهری بر آن از مشک نهاده است و در این باید راغبان بهم سبقت گیرند...﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۰۵.

کم‌فروشی به دلیل ...

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ - یعنی به خاطر خست که - الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ - یعنی وقتی که به سراغ حقوق خود از غنیمت‌ها می‌روند کامل می‌گیرند - وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ^۱ یعنی هنگامی که خمس آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را از آن‌ها می‌خواهند، کم می‌دهند.^۲

۱. مطففین، ۱ - ۳: ﴿وای بر کم‌فروشان آنان که چون برای خود پیمانہ می‌کنند حق خود را به طور کامل می‌گیرند اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانہ یا وزن کنند کم می‌گذارند.﴾

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۱۸۹.

تفسیر آیاتی از سوره انشقاق

حسابرسی مؤمن

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«خدای تعالی چون اراده فرماید که از مؤمن حسابرسی کند، نامه‌ی عمل او را به دست راستش دهد و بین خود و او محاسبه نماید و بگوید: بنده‌ی من چنین و چنان کردی و این کار و آن کار را انجام دادی؟ او بگوید: آری پروردگارا من چنان کردم پس بفرماید: آن‌ها را بر تو بخشیدم و به حسنات مبدل نمودم. مردم

می‌گویند: سبحان الله! مگر این بنده هیچ بدی نداشت!

همان است قول خداوند: ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾^۱ گفتیم: کدام خانواده‌اش؟ فرمود: «همان خانواده در دنیا، خانواده‌ی او در

۱. انشقاق، ۷ - ۹: ﴿کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود به زودی

حساب آسانی برای او می‌شود و خوشحال به خانواده‌اش بازمی‌گردد.﴾

بهشت است؛ اگر مؤمن باشند و هرگاه خداوند به بنده‌ای اراده شرّ نماید در حضور مردم از او حساب می‌کشد و او را ساکت می‌کند و نامه‌ی عملش را به دست چپ او می‌دهد، همان است قول خدای تعالی: ﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا وَيَصَلَّى سَعِيرًا إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾^۱ گفتیم: کدام خانواده‌اش؟ فرمود: «همان خانواده دنیایش». گفتیم: قول خداوند: ﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ﴾^۲؟ فرمود: «او گمان داشت که هرگز برنمی‌گردد».^۳

پاداشی بی‌منت

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ فرمود:
«مقصود از مؤمنان، سلمان و مقداد و عمار و ابوذر است که پاداشی بی‌منت دارند ﴿فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ﴾^۴ فرمود: او امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام است».^۵

۱. انشقاق، ۱۰ - ۱۳: ﴿اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود به زودی فریاد می‌زند: ای وای بر من که هلاک شدم و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد، چرا که او پیوسته در میان خانواده‌اش مسرور بود.﴾
۲. انشقاق، ۱۴: ﴿او گمان می‌کرد هرگز بازگشت نمی‌کند.﴾
۳. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ص ۹۳.
۴. انشقاق، ۲۵: ﴿مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند که برای آن‌ها پاداش قطع نشدنی است.﴾
۵. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۰۷.

تفسیر آیه‌ای از سوره بروج

دو تفسیر از یک آیه

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ﴾^۱

فرمود:

«پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام است.»^۲

۲. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«شاهد روز جمعه و مشهود روز عرفه است.»^۳

۱. بروج، ۳: ﴿وَ قَسَمَ بِهٖ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ﴾.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۵.

۳. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۹۸.

تفسیر آیاتی از سوره غاشیه

دشمن ما

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر دشمن مخالف ما (ناصبی) منسوب به این آیه است: ﴿وَجُوهٌ
يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلَّى نَارَ حَامِيَةٍ تُسْقَى مِنْ عَيْنِ
أَنْبِيَةٍ﴾».^{۲۱}

رشته‌ی محکم خدا

۲. قبیصة بن یزید جعفی می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم،
بؤس بن ابی دروس، ابن ظبیان و قاسم صیرفی در نزد آن حضرت بودند،
سلام دادم و نشستم و گفتم: یا بن رسول الله، خدمت شما آمدم تا بهرمند

۱. غاشیه، ۲ - ۵: ﴿چهره‌هایی در آن روز خاشع و ذلت بارند؛ آن‌ها که پیوسته عمل
کرده و خسته شده‌اند سرانجام در آتش سوزان وارد می‌گردند، از چشمه‌ای بسیار
داغ به آن‌ها می‌نوشانند.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۰۷.

شوم! فرمود: «پیرس و مختصر بگو!» گفتم: پیش از این که خداوند آسمان برافراشته و زمین گسترده را بیافریند شما کجا بودید؛ ثابت بودید یا تاریک و روشن فرمود: «یا قبیصه! چرا در چنین وقتی از این حدیث پرسیدی؟ مگر نمی دانی که محبت ما پنهان، ولی دشمنی با ما آشکار است و ما را دشمنانی از جن است که حدیث ما را به دشمنان ما از انسان ها می رسانند و این دیوار ها گوش هایی چون گوش های آدمیان دارند.» عرض کردم: حالا که سؤال کرده ام! فرمود: یا قبیصه! ما اشباحی نورانی در پیرامون عرش بودیم، پانصد هزار سال پیش از خلقت آدم؛ خدا را تسبیح می گفتیم، چون آدم را خداوند خلق کرد ما را در صلب او قرار داد، پس همواره از صلب پاکی به رحم پاکیزه ای منتقل فرمود تا این که خداوند محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برانگیخت.

بنابراین ماییم رشته ی محکم خدا هر که به ما چنگ زند، نجات یابد و هر که از ما تخلف کند سقوط کرده است. ما او را در باب پستی وارد نمی کنیم و از باب هدایت بیرون نمی سازیم، ما پاسداران دین خدا و عترت رسول خداییم. ماییم آن خرگاهی که طناب هایش طولانی و فضایش گسترده است؛ هر که به ما پناهنده شود به سمت بهشت نجات یابد و هر که از ما تخلف ورزد به دوزخ فرو افتد.»

گفتم: با سپاس به ذات پروردگارم، از قول خداوند: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾^۱ می پرسم؟

فرمود: «قرآن در (بین) ما نازل شده است» گفتم: من تنها از تفسیر

۱. غاشیه، ۲۵ - ۲۶: ﴿به یقین بازگشت همه آن ها به سوی ماست و مسلماً

حسابشان (نیز) بر ما است.﴾

آیه پرسیدم فرمود: «آری یا قبیصه! چون روز قیامت شود، خداوند حساب شیعیان ما را بر ما قرار دهد؛ آن چه را بین ایشان و بین خدا بوده است محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خدا طلب بخشش کند و آن چه را که بین ایشان و بین مردم از مظالم باشد محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طرف ایشان ادا کند و آن چه بین ما و ایشان است ما آن را به ایشان می بخشیم تا بدون حساب وارد بهشت گردند.»^۱

شرف دین

۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

«روزی من با پدرم بیرون آمدم، ناگهان مردمانی از اصحاب خود را بین منبر و قبر (پیامبر) دیدیم پدرم به ایشان سلام داد سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند که من بو و ارواح شما را دوست می دارم، پس مرا باتقوا و کوشش خودتان بر آن اساس یاری کنید! هر که بنده‌ای را امام خود قرار داد، باید مطابق عمل او عمل کند. شما شیعیان آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برگزیدگان خدا و یاوران خدایید و شما پیشگامان اوّلین و آخرین در دنیا و پیشگامان در آخرت به سوی بهشتید! ما برای شما بهشت را ضمانت کرده ایم با ضمانت الهی و ضمانت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، شما پاکان و زناتان پاکیزگان‌اند. هر زن با ایمان زن بهشتی است و هر مرد با ایمان راستگو است.

بارها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام به قنبر می فرمود: یا قنبر! تو را بشارت و مژده باد و شاد باش! به خدا که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دنیا رفت درحالی که به تمام امتش جز شیعه خشمگین بود! بدان که هر

چیزی را شرافتی است، شرف دین شیعه است، بدان که هر چیزی را رشته‌ای است و رشته این دین شیعه است. بدان که هر چیزی را سروری است، سرور انجمن‌ها، انجمن‌های شیعه است و بدان که هر چیزی را خواهشی است و خواسته‌ی دنیا سکونت شیعیان ما در آن است.

به خدا که اگر در زمین از شما نبود، مخالفان شما را هیچ چیز پاکیزه‌ای فراهم نبود و در آخرت نیز هیچ بهره‌ای برای هیچ ناصبی (مخالف ولایت) نبود. او هر چند متعبد باشد به این آیه منسوب است: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ﴾^۱ و هر که از مخالفان برای شما دعا کند، اجابت دعایش برای شماست و هر که از شما حاجتی از خدا بخواهد، عطا کند و هر که درخواستی نماید، اجابت کند و هر که دعایی داشته باشد، محقق سازد و هر کس از شما یک حسنه انجام دهد، پاداش بی شماری دارد و هر که مرتکب عمل بدی شود پس محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طرف او محاجّه کند (عذرخواهی نماید!)...

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: روز قیامت اهل ولایت ما با چهره‌های درخشان و شادمان از قبرهایشان بیرون می‌آیند در حالی که خط امان در دست دارند، مردمان بیمناک‌اند و آن‌ها بیمی ندارند و مردمان غمگین‌اند و آن‌ها غمی ندارند. به خدا سوگند که بنده‌ای از شما به نماز خود قیام نمی‌کند مگر این که فرشتگان از پشت سر او را احاطه کرده، بر او درود می‌فرستند و برایش دعا می‌کنند تا از نماز خود فارغ شود. بدان که برای هر چیزی جوهری است و جوهر فرزندان آدم علیه السلام

محمّد ﷺ و ما و شیعیان ما هستند.»

سعدان بن مسلم می گوید: عیثم بن اسلم از قول معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام افزوده، می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند اگر شما نبودید بهشت آراسته نبود، به خدا اگر شما نبودید حوریان آفریده نمی شدند، به خدا اگر شما نبودید قطره‌ی بارانی نازل نمی شد، به خدا اگر شما نبودید دانه‌ای نمی روید! به خدا که اگر شما نبودید چشمی روشن نبود به خدا که خداوند از من شما را بیشتر دوست دارد، ما را با ورع و اجتهاد و اطاعت خدا یاری کنید! به خدا که اگر شما نبودید خداوند نه به طفلی رحم کرده و نه چهارپایی چرامی کرد.»^۱

احوال مخالفان

۴. کلینی از قول محمّد از پدرش نقل کرده است، که می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾^۲ (یعنی چه)؟ فرمود: ﴿قَائِمٌ عَلَيْهِمْ أَنْهَا رَا بَا شَمَشِيرٍ پُوشش می دهد﴾ گفتم: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾ چه؟ فرمود: «تسلیم‌اند و توان خودداری ندارند» گفتم: ﴿عَامِلَةٌ﴾؟ فرمود: «عمل بر خلاف فرمان خدا کرده است» گفتم: ﴿نَاصِبَةٌ﴾؟ فرمود: «به غیر والیان امر توجه داشته است» گفتم: ﴿تَضَلَّى نَاراً حَامِيَةً﴾؟ فرمود: «در دنیا به آتش جنگ زمان قائم علیه السلام و در آخرت به آتش دوزخ وارد گردند.»^۳

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۰۹.

۲. غاشیه، ۱: ﴿أَيَا دَاسْتَانَ غَاشِيَةَ حَوَادِثِ فِرَاقِيَرٍ وَحَشْتَنَاقِ رَوْزِ قِيَامَتِ بَه تُو رَسِيْدَه اَسْت؟﴾

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵۰.

تفسیر آیاتی از سوره فجر

مؤمن هنگام قبض روح

۱. فرات از ابوبصیر نقل کرده است، می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! مؤمن بیرون شدن روح (از بدنش) را خوش ندارد؟ فرمود: «نه به خدا سوگند» گفتم: آن چگونه است؟ فرمود: «مؤمن چون هنگام وفاتش فرامی‌رسد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن، حسین و همه امامان علیهم السلام حاضر می‌شوند. ولی از صراحت نام فاطمه خودداری کرد و جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام حاضر می‌شوند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گوید: یا رسول الله! او از دوستان و موالیان ماست، شما او را دوست بدارید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: یا جبرئیل! وی از دوستان علی و ذریه اوست، او را دوست مدار! پس جبرئیل به میکائیل و اسرافیل همین حرف را می‌زنند، آن‌گاه همگی به ملک الموت می‌گویند: وی دوستان محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد

و علی و فرزندان او را سرپرست خود می‌داند با او مدارا کن! پس ملک الموت می‌گوید: به خدایی که شما را برگزیده و کرامت بخشیده است و محمد ﷺ را به نبوت انتخاب کرده و او را ویژه‌ی رسالت قرار داده است، من به او رفیق‌تر از پدر، رفیق و مهربان‌تر از برادر مهربانم.

آن‌گاه ملک‌الموت به وی توجه می‌کند و می‌گوید: ای بنده‌ی خدا! تو آزادی خود و گروگان امانت خویش را دریافت کردی؟ او می‌گوید: آری. می‌پرسد: به چه وسیله؟ می‌گوید: به خاطر دوست داشتن محمد و آل محمد ﷺ و به خاطر ولایت علی و فرزندان او را. ملک‌الموت می‌گوید: تو از آن‌چه می‌ترسیدی خداوند تو را از آن امان بخشید و به آن‌چه امیدوار بودی تو را مرحمت کرد. چشمان خود را باز کن آن‌چه در نزد خود داری ببین!

فرمود: پس او چشمان خود را باز کند و به یک‌ایک حاضران نگاه کند و دری به سوی بهشت برایش گشوده شود و به آن‌بنگرد. پس بگوید: این را خداوند برای تو آماده کرده و اینان همراهان تو هستند، آیا دوست داری با آن‌ها باشی یا به دنیا برگردی؟

امام صادق ع فرمود: «مگر چشمش و ابروانش را به سمت بالا نمی‌بینی، بیانگر آن است که مرا نیازی به دنیا و بازگشت به دنیا نیست. منادی از درون عرش ندا می‌دهد که او و حاضران کنار او می‌شنوند: ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ - بِه مُحَمَّد و آل‌محمد و وصی او و امامان پس از او - اِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً - به ولایت علی - مَرْضِيَّةً - به اجر و پاداش - فَادْخُلِي فِي عِبَادِي - با محمد و اهل بیتش ع - وَادْخُلِي

جَنَّتِي^۱ - بدون هیچ تردید -»^۲

کافر به پشت سرش می‌نگرد

۲. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا مؤمن قبض روح خود را خوش ندارد؟ فرمود: «نه به خدا سوگند» گفتم: آن چگونه است؟ فرمود: «چون ملک الموت نزد او حاضر شود او بی‌تابی کند، پس ملک الموت به او گوید: بی‌تابی نکن! به خدا سوگند که من نسبت به تونیکو کردار تر و مهربان‌تر از پدر مهربانم که نزد تو آید! چشمانت را بگشا و بین! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان پس از ایشان و فاطمه علیها السلام برای او تهلیل گویند. پس نگاهی به ایشان کند و به وسیله‌ی آنها شادمان گردد! آیا در آن وقت نگاه او را ندیده‌ای؟» گفتم: چرا. فرمود: «او تنها به ایشان نگاه می‌کند» گفتم: فدایت شوم! مؤمن و کافر گاهی نگاه می‌کنند؟

فرمود: «وای بر تو! کافر به پشت سرش نگاه می‌کند زیرا که ملک الموت به سراغ او می‌آید تا از پشت سر به او حمله کند، ولی مؤمن به جلونگاه می‌کند و منادیی از انتهای عرش از بالای بالاترین افق از جانب پروردگار بزرگ روح او را ندا می‌دهد و می‌گوید: ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾^۳ پس ملک الموت می‌گوید: من مأمورم تو را مخیر کنم بین

۱. فجر، ۲۷ - ۳۰: ﴿تو ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد درحالی که تو از او خشنود و او از تو خشنود است. پس در سلک بندگانم درآی و وارد بهشتم شو!﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۰۹.

۳. فجر، ۲۷ - ۳۰.

تفسیر آیاتی از سوره فجر □ ۷۳۱

بازگشت به دنیا و رفتن از دنیا! ولی هیچ چیزی برای او محبوب تر از بیرون کردن روحش (از قفس تن) نیست.»^۱

مصداقی برای نفس مطمئنه

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ فرمود:
«یعنی حسین بن علی علیه السلام».^۲

مرصاد کجاست؟

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ﴾^۳
فرمود:

«پلی است روی صراط که هیچ بنده با مظلومه نمی تواند از آن رد شود».^۴

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۱۰.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۳.

۳. والفجر، ۱۴: ﴿به یقین پروردگار تو در کمین گاه است﴾.

۴. شیخ صدوق، عقاب الأعمال، ص ۳۲۱.

تفسیر آیاتی از سوره بلد

ماییم آن گردنه

۱. ابان از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه: «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ»^۱ را

پرسید، فرمود:

«یا ابان! آیا چیزی از کسی در آن باره شنیده‌ای؟» گفتم: نه، فرمود: «ابان! ماییم آن گردنه و کسی به سوی ما بالا نمی‌آید مگر از ما باشد» سپس فرمود: «آیا کلمه‌ای بر تو نیافزایم که بالاتر از دنیا و مافی‌هاست؟» گفتم: چرا فدایت شوم! فرمود: «مردمان از آن دوزخند جز تو و جز اصحاب تو که از آن جداید» گفتم: فدایت شوم! به چه وسیله از آن جدایم؟ فرمود: «به خاطر ولایت پذیری شما از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام».^۲

۱. همان.

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۱۱.

رهایی برده

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ﴾^۱ فرمود:

«آزاد کردن برده ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است برآستی که آن آزاد کردن برده است.»^۲

بهتر از هر آن چه در دنیا است

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ فرمود:

«کسی را که خداوند به وسیله ولایت ما گرامی دارد از آن گردنه بگذرد! و ما مییم آن عقبه که هرکس از آن بگذرد نجات یافته است.» می‌گوید: ساکت شد، بعد به من فرمود: «آیا حرفی را به تو تعلیم ندهم که برای تو از دنیا و مافیها بهتر است؟» گفتم: چرا فدایت شوم! فرمود: «قول خداوند «فَكُّ رَقَبَةٍ». آن‌گاه فرمود: «تمام مردم بردگان دوزخند جز تو و جز اصحاب تو که خدای تعالی شما را به خاطر دوستی شما نسبت به اهل بیت، از آتش دوزخ آزاد کرده است.»^۳

راه خیر و شر

۴. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾^۴

۱. بلد، ۱۱ - ۱۳: ﴿ولی او از آن گردنه مهم نگذشت، تو نمی‌دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده‌ای.﴾

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۲.

۳. همان.

۴. بلد، ۱۰: ﴿و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم.﴾

۷۳۴ □ روایات تفسیری در کلام امام صادق علیه السلام

فرمود:

«راه خیر و راه شر».^۱

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۱۱.

تفسیر آیاتی از سوره شمس

مرئی

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾^۱

فرمود:

«امیرالمؤمنین علی علیه السلام را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تزکیه فرمود.»^۲

خورشید و ماه

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾^۳

فرمود:

«شمس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که دین مردم را برای ایشان روشن کرد.» گفتیم: ﴿وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاهَا﴾^۴؟ فرمود: «امیرالمؤمنین

۱. شمس، ۹: ﴿هرکه نفس خود را پاک کرد رستگار شد.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۱۳.

۳. شمس، ۱: ﴿سوگند به خورشید و گسترش نور آن.﴾

۴. شمس، ۲: ﴿و سوگند به ماه هنگامی که بعد از خورشید درآید.﴾

علی بن ابی طالب علیه السلام است که در پی رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و او [علی علیه السلام] را به طور کامل از علم برخوردار کرد. «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»^۱ فرمود: «آن امام از ذریه فاطمه علیها السلام است.»^۲

نور روز را پوشاند

۳. درباره «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا»^۳ سؤال شد، فرمود: «آن هار هبران جورند که خودسرانه عمل می کنند، بدون نظر آل رسول الله و در جایی نشسته اند که آل رسول الله سزاوارتر از ایشان بودند، پس دین رسول خدا را با ظلم و جور پوشاندند، آن است قول خداوند: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا» فرمود: ستم و تیرگی ایشان نور روز را پوشاند.» گفتم: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا»^۴؟ فرمود: «آن امام از ذریه فاطمه علیها السلام است که از وی آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله را می پرسند و او برای کسی که می پرسد آن را جلوه می دهد، از این رو خداوند به قول خودش «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» آن را حکایت کرده است.

قول خداوند: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا»^۵؟ فرمود: «خداوند آن را آفرید و به تصویر کشید» و قول خداوند: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»^۶ یعنی آن را شناساند و الهام فرمود، سپس او را مخیر کرد و او مختار شد!..^۷

۱. شمس، ۳: ﴿و روز چون روشن سازد.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۱۳.

۳. شمس، ۴: ﴿سوگند به شب چون زمین را بیوشاند.﴾

۴. شمس، ۳.

۵. همان، ۷: ﴿قسم به جان آدمی و آن که او را برآراست.﴾

۶. همان، ۸: ﴿سپس فجور و تقوا خیر و شر را به او الهام کرد.﴾

۷. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۴.

تفسیر آیاتی از سوره لیل

تصدیق و تکذیب ولایت

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَالتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾ فرمود:

«ولایت را تصدیق کند» و همین طور آیه: ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾ فرمود: «ولایت را تکذیب کند ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى﴾». ۲ و ۱

دوزخ‌های متفاوت

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَ تَوَلَّى﴾^۳، فرمود:

۱. شمس، ۵ - ۱۰: ﴿اما آن‌که انفاق کند و پرهیزکار باشد و جزای نیک را باور کند ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم اما کسی که بخل ورزد و بی‌نیازی طلبد و پاداش نیک را تکذیب کند به زودی او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم.﴾
۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۱۵.
۳. شمس، ۱۴ - ۱۶.

«در جهنم وادیی است که در آن آتش است، کسی جز بدبخت‌ترین آدمی که قول رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درباره‌ی علی علیه السلام تکذیب کرد، و از ولایت او روگرداند، وارد نمی‌شود». سپس فرمود: «آتش‌های دوزخ باهم متفاوتند، آن‌چه در این وادی است برای مخالفان ولایت (ناصبی‌ها) است.»^۱

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۶.

تفسیر آیاتی از سوره انشراح

علی را ولایت بده

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾^۱ فرمود:
«علی علیه السلام را برای ولایت نصب کن!»^۲

فضیلت دعا

۲. امام صادق علیه السلام نقل کرده است که درباره قول خداوند: ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ فرمود:

«دعا پس از نماز واجب است، مبدا آن را ترک کنی، چرا که فضیلت آن پس از نماز واجب مانند فضیلت واجب بر مستحب است.» سپس فرمود: «خدای عزوجل می فرماید: ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

۱. انشراح، ۷: ﴿پس هنگامی که از مهمی فارغ شوی به مهم دیگری بپرداز.﴾

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۱۶.

دَاخِرِينَ^۱ و برترین عبادت دعاست و منظور آن است.» و از
قول خداوند: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ﴾^۲ پرسیدند، فرمود:
اوَّاه یعنی پر دعا.^۳

۱. غافر، ۶۰: ﴿مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم، کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به زودی با دلت وارد دوزخ می‌شوند.﴾
۲. هود، ۷۵: ﴿ابراهیم بردبار، بسیار مهربان و بسیار بازگشت کننده سوی او بود.﴾
۳. مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۸.

تفسیر آیه‌ای از سوره علق

طبرسی از امام صادق علیه السلام آورده است، فرمود:

«سجده در سوره‌های عزایم: الم تنزیل، حم سجده، والنجم اذا هوی، اقرأ باسم ربك واجب است، جز این‌ها در سراسر قرآن مستحب است نه واجب.»^۱

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۶.

تفسیر آیاتی از سوره قدر

شناخت فاطمه علیها السلام

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۱ ليله، فاطمه علیها السلام و قدر، الله است، بنابراین هرکه فاطمه علیها السلام را چنانکه سزااست بشناسد، در حقیقت لیلۃ القدر را درک کرده است و فاطمه علیها السلام را فاطمه نامیدند، چون خلق از معرفت او ناتوانند.

و قول خداوند: «وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» - یعنی بهتر از هزار مؤمن و او مادر مؤمنان است - تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا - و فرشتگان با ایمان آن‌ها ایندکه مالک علم آل محمّدند و روح القدس همان فاطمه علیها السلام است - بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطَّلَعِ

۱. قدر، ۱: ما آن قرآن را در شب قدر نازل کردیم.

الْفَجْرِ^۱ یعنی تا قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ ظهور کند.»^۲

شب قدر

۲. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می گوید:

«علی بن حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ می فرمود: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ خداوند راست گفته است؛ قرآن را در شب قدر نازل کرد ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ - رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: نمی دانم. خدای عزوجل فرمود: ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾^۳ (هزار ماهی که) شب قدر در آن‌ها نباشد. به رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: آیا می دانی چرا آن شب بهتر از هزار ماه است؟ گفت: نه، فرمود: چون در آن شب فرشتگان و روح نازل می شوند ﴿بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ﴾ و چون خداوند به چیزی اذن دهد در حقیقت آن را پسندیده است - سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ^۴ می فرماید: یا محمد! فرشتگان و روح با سلام من از آغازی که به زمین فرود می آیند، تا طلوع فجر تو را سلام می دهند سپس در قسمتی از کتاب خود فرمود: ﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً﴾^۵ درباره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ است.

آن‌گاه در بخشی از کتاب خود، می فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ

۱. قدر، ۲ - ۵: ﴿تو چه می دانی شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است،

فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای تقدیر هر کاری نازل می شوند شیئی است سرشار از سلامت (و برکت و رحمت) تا طلوع سپیده صبح. ﴿

۲. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۱۸.

۳. قدر، ۱ - ۳.

۴. قدر، ۵.

۵. انفال، ۲۵: ﴿بپرهیزید از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران از شما نمی رسد. ﴿

قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ
مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيَجْزِي اللَّهُ
الشَّاكِرِينَ^۱

در آیهی اول می‌فرماید: هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بمیرد
مخالفان می‌گویند: به فرمان خدا شب قدر با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
گذشت و تمام شد. پس این فتنه‌ای است که تنها به ایشان رسد
و بدان وسیله به عقب برگشته و مرتد گردند! زیرا اگر آن‌ها گفته
بودند امر خدا باقی است ناگزیر خدای تعالی را در آن باره فرمانی
است و چون به امر خدا اقرار کنند به ناچار صاحب امر باید
باشد!^۲

یکی از احتمالات شب قدر

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ
الْقَدْرِ﴾ فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همین‌که دهه‌ی آخر (ماه رمضان)
وارد می‌شد، کمربند را محکم می‌بست و از زنان فاصله
می‌گرفت و شب زنده داری می‌کرد و تنها به عبادت
می‌پرداخت.»^۳

۱. آل عمران، ۱۴۴: ﴿محمد تنها فرستاده خداست پیش از او هم فرستادگانی بودند
که درگذشتند آیا اگر او بمیرد یا کشته شود باید شما سیر قهقرایی کنید بت پرست
شوید آن‌ها که عقب‌گرد کنند تنها به خود زبان رسانند نه به خدا و به زودی خداوند
این شاکران را پاداش نیک دهد.﴾
۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۸.
۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۱۸.

۴. شهاب بن عبد ربّه می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از شب قدر خبر دهید! فرمود:

«شب بیست و یکم و بیست و سوم (ماه رمضان).»^۱

۵. امام صادق علیه السلام راجع به شب قدر فرمود:

«آن را در شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم (ماه رمضان) جستجو کن!» عرض کرد: اگر توان همه‌ی آن‌ها را نداشتیم؟ فرمود: «هر قدر از آن دو شب ممکن بود، پی گیر باش!» گفتم: چه بسا شب اول ماه نزد ما رؤیت می‌شود ولی از جای دیگر خلاف آن را خبر می‌آورند؟ فرمود: «هر قدر از چهار شب را ممکن بود در جستجو باش!» گفتم: فدایت شوم! شب بیست و سوم شب جهنمی است! فرمود: «آن حرفی است که می‌زنند!» گفتم: سلیمان بن خالد نقل کرده است که در شب نوزدهم، سفر حاجی مقرر می‌شود! فرمود: «یا ابامحمد! سفر حاجی در شب قدر نوشته می‌شود و منایا و بلایا و روزی‌ها و نظایر این‌ها در سال آینده در آن شب مقرر می‌گردد، بنابراین آن‌ها را در شب بیست و یکم و بیست و سوم جستجو کن و در هر یک از آن‌ها صد رکعت نماز بخوان و شب زنده داری کن تا وقت روشنی (هوا) اگر توانستی و هر دو شب غسل کن!»

گفتم: اگر ایستاده نتوانستم؟ فرمود: «نشسته نماز بخوان!» گفتم: اگر نشسته نتوانستم؟ فرمود: «(خوابیده) در بسترت (بخوان!)» گفتم: اگر نتوانستم؟ فرمود: «(باکی بر تو نیست که سرشب کمی

بخوابی! همانا درهای آسمان در ماه رمضان گشوده می‌شود و شیطان دربند و اعمال مؤمنان مقبول است. ماه رمضان ماه خوبی است بر محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ماه خوش یمن (مرزوق) نامیده می‌شد.»^۱

تفسیر آیاتی از سوره تکاثر

آن نعمت...

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾^۱ فرمود:

«ما از جمله آن نعمت‌هایی هستیم که خداوند از آن‌ها یاد کرده است.» سپس فرمود: ﴿إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ﴾^{۲ و ۳}.

محبت علی و عترت او

۲. حنّان بن سدید می‌گوید:

-
۱. تکاثر، ۸: ﴿سپس در آن روز همه شما از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد.﴾
 ۲. احزاب، ۳۷: ﴿زمانی را که خداوند به کسی نعمت داده بود و تو نیز نعمت به او بخشیده بودی می‌گفتی همسرت را نگهدار و از خدا بترس!﴾
 ۳. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۲۲۹.

خدمت امام صادق علیه السلام بودم، غذایی برای ما آورد که هرگز چنان طعامی نخورده‌ام، پس به من فرمود: «پسر سدیر! غذای ما را چگونه دیدی؟» گفتم: پدر و مادرم به فدایت یابن رسول الله! من هرگز چنان غذایی نخورده و گمان نمی‌برم که چنان غذایی را بخورم! آن‌گاه چشمانم اشک آلود شد گریستم، فرمود: «چرا گریه می‌کنی؟» گفتم: یابن رسول الله! به یاد آیه‌ای افتادم که در کتاب خدا (قرآن) آمده است. فرمود: «کدام آیه؟» گفتم: قول خداوند: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ ترسیدم که همین غذا [از جمله همان نعمت‌ها] باشد که خداوند از ما راجع به آن می‌پرسد! امام علیه السلام خندید به طوری که دندان‌های کرسی او دیده شد، سپس فرمود: «از طعام پاکیزه و جامه‌ی نرم و بوی خوش نمی‌پرسند، بلکه این‌ها برای ما خلق شده و ما برای آن آفریده شده‌ایم و باید در آن باره اطاعت کنیم.»

گفتم: پدر و مادرم به فدایت یابن رسول الله، پس کدام نعمت‌هاست؟ فرمود: «محبت علی و عترت اوست که خداوند روز قیامت از مردم می‌پرسد که سپاسگزاری شما از من در حالی که محبت علی و عترت او را به شما عطا کردم چگونه بود؟»^۱

پرسش از نعمت

۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ

النَّعِيمِ﴾ فرمود:

«از این امت آن چه را که خداوند به وسیله‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و

تفسیر آیاتی از سوره تکوین □ ۷۴۹

پس از وی به وسیله‌ی اهل بیت معصومش انعام فرموده است،
بازخواهی می‌کند.»^۱ و^۲ (یعنی از نعمت اهل بیت سؤال خواهد
شد)

۱. همان: ص ۲۳۰.

۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۴۰.

تفسیر آیاتی از سوره ماعون

سهل انگاری در نماز

۱. از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾^۱ سؤال شد: آیا از وسوسه‌ی شیطان است؟ فرمود: «نه چنان نیست هرکس را وسوسه‌ی شیطان برسد بلکه از نماز غفلت می‌کند و نماز اول وقت را ترک می‌نماید.»^۲

زید شحام می‌گوید: امام صادق علیه السلام راجع به آیه: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ فرمود:

«ترک نماز و سهل انگاری در آن است.»^۳

۱. ماعون، ۵: ﴿أَن هَا كَه دَر نَمَاز خُود سَهْل‌انگَاری می‌کُنند.﴾

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۴۷.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۴۸.

ماعون یعنی

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾^۱

فرمود:

«وامی که می‌دهد و روزی و وسایل خانه که عاریه می‌دهد»
گفتم: ما همسایگانی داریم عاریه که می‌دهیم می‌شکنند و خراب
می‌کنند، اگر به آن‌ها ندهیم آیا گناه کرده‌ایم؟ فرمود: «اگر چنان
باشند، شما اگر [وسایل خانه] به آن‌ها ندهید، گناه نکرده‌اید.»^۲

۱. ماعون، ۷: ﴿و دیگران را از ضروریات زندگی منع می‌کنند﴾.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۴۸.

تفسیر آیاتی از سوره کوثر

رودی در بهشت

۱. امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خداوند: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ﴾^۱

فرمود:

«کوثر رودی است در بهشت که خداوند آن را به پیامبرش در

عوض پسر وی عطا کرده است.»^۲

شفاعت

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«کوثر همان شفاعت است.»^۳

۱. کوثر، ۱: ﴿ما به تو خیر فراوان کوثر عطا کردیم﴾.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۵۰.

۳. همان.

تفسیر آیاتی از سوره کافرون

یکسال خدایان ما را عبادت کن

۱. محمد بن عمیر می‌گوید: ابوشاکر (دیسانی) از ابو جعفر احوول (مؤمن طاق) تفسیر قول خداوند: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را پرسید که آیا شخص حکیم چنین سخنی را می‌گوید؛ آن هم چند مرتبه تکرار کند؟ ابو جعفر احوول جوابی نداشت، وارد مدینه شد، آن را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسید، فرمود:

«سبب نزول و تکرار آن این بود که قریش به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفتند تو یک سال خدایان ما را عبادت می‌کنی و ما هم یک سال خدای تو را! و (باز) تو یک سال خدایان ما را عبادت می‌کنی و ما هم یک سال خدای تو را، از این رو خداوند طبق گفته آن‌ها پاسخ داد و درباره‌ی آن‌چه آن‌ها گفتند: تو یک سال خدایان ما را عبادت می‌کنی، فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ و درباره‌ی گفته آن‌ها (دوباره) که ما خدای تو را یک سال عبادت

می‌کنیم، (فرمود: ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ و (باز) درباره‌ی آن چه گفتند: تو خدایان ما را یک سال عبادت می‌کنی! فرمود: ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ﴾ و در مورد گفته‌شان که خدای تو را یک سال عبادت می‌کنیم (فرمود: ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَلِي دِينٍ﴾ امام علیه السلام فرمود: «ابوجعفر احوال نزد ابوشاکر برگشت و به او خبر داد، ابوشاکر گفت: این مطلبی است از حجاز به شتر بار شده (یعنی از امام صادق علیه السلام است) و امام صادق علیه السلام چنان بود که هرگاه از قرائت این سوره فارغ می‌شد، سه مرتبه می‌فرمود: «دین من اسلام است.»^۱

یک چهارم قرآن

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ یک چهارم قرآن است، چنان است که هر وقت آن را قرائت می‌کرد، می‌فرمود: «تنها خدا را، تنها خدا را می‌پرستم.»^۲

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۵۱.

تفسیر آیاتی از سوره اخلاص (توحید)

فضیلت قرائت توحید

۱. امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر جنازه‌ی سعد بن مُعاذ نماز خواند، همین که نماز را خواند فرمود: هفتاد هزار از فرشتگان که جبرئیل علیه السلام در بین آنها بود آمدند و بر او نماز گزاردند، گفتم: جبرئیل! به چه دلیل وی سزاوار نماز شما شد؟ گفت: به خاطر این که وی ایستاده و نشسته، سواره و پیاده، درحال رفت و آمد سوره‌ی «قل هو الله احد» را قرائت می‌کرد.»^۱

در نمازهای واجب بخوان

۲. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس یک روز بر او بگذرد و پنج وعده‌ی نماز را در آن

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۶۵.

بخواند، ولی «قل هو الله احد» را در آن روز نخواند، به او گویند: بنده‌ی خدا! تو از نماز گزاران نیستی!»^۱

تعقیب نماز واجب

۳. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکه به خدا و روز جزا ایمان دارد، نباید در تعقیب نماز واجب «قل هو الله احد» را ترک کند، زیرا که هرکس آن را قرائت کند خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او گردآورد و او و پدر و مادر و فرزندان‌شان را بیمارزد.»^۲

صمد یعنی..

۴. امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر از قول پدرش نقل کرده که اهل بصره به حسین بن علی علیه السلام نوشتند و از وی معنای صمد را پرسیدند، در جواب نوشت:

«بنام خداوند بخشنده‌ی مهربان، باری در قرآن زیاد فرو نروید و درباره‌ی آن مجادله نکنید و بدون آگاهی درباره‌ی آن سخن نگویند که من از جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم، می‌فرمود: هرکه سخنی ناآگاهانه درباره‌ی قرآن بگوید نشیمنگاهش از آتش پر شود و به راستی که خدای سبحان «صمد» را تفسیر کرده و فرموده است: خدای یگانه‌ای که همه‌ی نیازمندان آهنگ او کنند. سپس آن را تفسیر کرده و فرموده است: هرگز فرزند ندارد و متولد نشده است و برای او هیچ شبیه و مانندی نیست.»^۳

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۵۶۶.